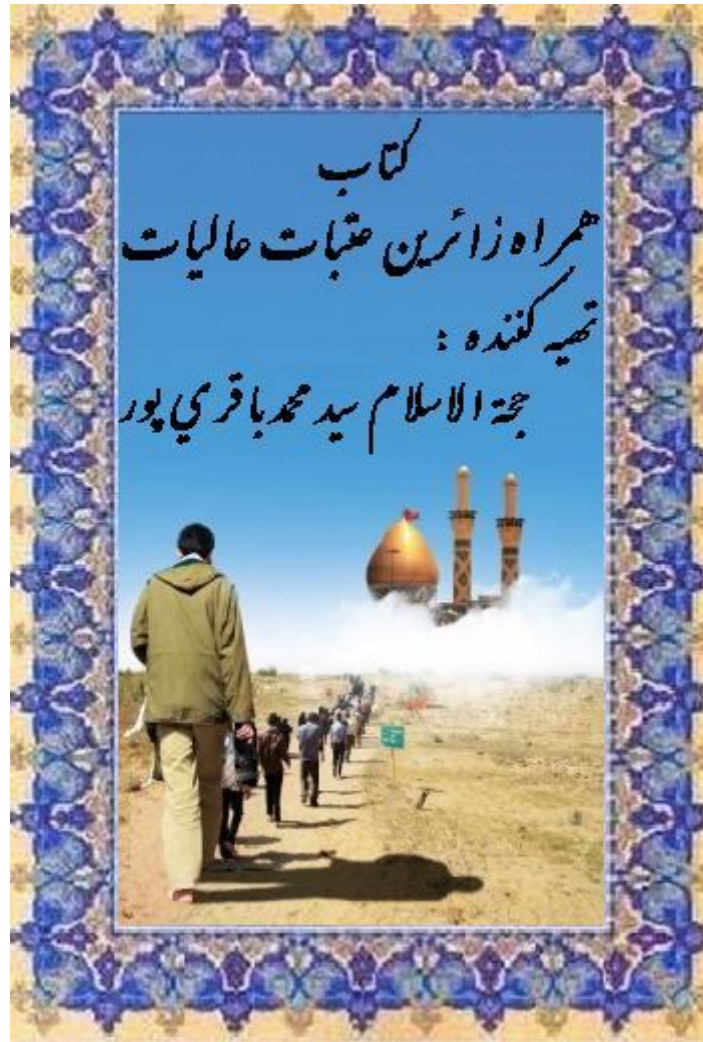




کتاب همراه زائرین عتبات عالیات
آشنائی با اماکن زیارتی - سیاحتی سرزمین عراق
بغداد - کاظمین - نجف - کربلا - سامرا
تهیه و تنظیم توسط حجة الاسلام حاج سید محمد باقری پور
در مؤسسه فرهنگی هدایت
www.hedayt.tv

کتاب همراه با زائرین عتبات عالیات

راهنمای اماکن زیارتی - سیاحتی واقع در کشور اسلامی عراق

به ترتیب مسیر حرکت زائرین گرامی

بغداد و کاظمین ع

نجف اشرف و کوفه

کربلای معلی

سید محمد و سامراء

بابل - حله - بصره

گرد آوری و تالیف توسط حجة الاسلام حاج سید محمد باقری پور فرزند جانباز شهید سیدرضا باقری

پور

تاریخ ۱۳۸۴/۵/۱۰

نوبت چاپ: اول (سال ۱۳۸۸)

نام کتاب: همراه با زائرین عتبات عالیات

تعداد صفحات: ۱۸۰ صفحه

گردآورنده و مؤلف: سید محمد باقری پور

چاپ: چاپخانه مروجان ۰۵۸۱-۲۲۲۱۱۶۶

قطع: رقعی

صحافی: مروجان ۰۵۸۱-۲۲۲۵۷۴۴

مرکز پخش: مؤسسه فرهنگی هدی رایانه

ناشر: مروجان

تلفن مرکز پخش: ۰۵۱۱)۷۶۴۱۲۵۹(

شمارگان ۲۰۰۰

تایپ و تنظیم صفحات: توسط مؤلف

شماره شابک: ۷-۴-۹۲۳۸۶-۹۶۴-۹۷۸

حق تجدید چاپ: مخصوص مؤلف است

تماس با مؤلف: ۰۹۱۵۵۸۱۹۲۳۰

پست الکترونیک: hodarayaneh@gmail.com

این کتاب قبلاً در سال ۱۳۸۸ چاپ و انتشار یافته و چاپ اول آن به اتمام رسیده است و اینک با تغییرات

واضافات و اصلاحات آماده چاپ دوم است

مقدمه چاپ اول

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اینک که نگارنده این سطور با دیدن فیلمهای متعدد از عتبات عالیات و ملاحظه کتابهای گوناگون دست به خامه قلم برده و سفر معنوی همراه با زائرین عتبات عالیات را آغاز کرده و راهنمایی برای خود و سایر زائرین آن دیار می نویسد و به این بیت مترنم است امر علی الدیار دیار لیلی - اقبل ذاالجدار و ذاالجدارا - و ما حبّ الدیار شغفن قلبی - و لكن حبّ من سكن الدیارا و نغمه چاووش هر که دارد هوس کربلا بسم الله - هر که دارد سر همراهی ما بسم الله از دور بگوش می رسد که انشاء الله هر لحظه نزدیک و نزدیکتر می شود و گذرنامه زائرین قبل از هر کس توسط خود آقا ابا عبدالله علیه السلام امضاء می شود و این کمترین ذاکر ابا عبدالله علیه السلام هم خدمتگزار زائرین آن بزرگوار خواهیم بود و خاک پای زائرین را طوطیای دیدگان خواهیم کرد انشاء الله .

پس از سالیان دراز مسدود بودن راه عتبات عالیات و آرزوی سفر آن دیار و خواندن مدام این ابیات : من گدایم گدای حسینم - عاشق کربلای حسینم - نور صدق و صفا دارد این دل - مهر آل عبا دارد این دل - عقده کربلا دارد این دل - از جوانی به پیری رسیدم - عاقبت کربلا را ندیدم - بار الها مکن ناامیدم . اکنون این عقده گشوده شده و این آرزوی چندین ساله بر آورده شده و به مصداق عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد با حمله آمریکائیان به عراق و رو در رو شدن بعثیان و آمریکائیان و مشمول اللهم اشغل الظالمین بالظالمین شدن آنان هر چند خرابیهای جبران ناپذیر بر ملت مظلوم عراق وارد شد و لیکن چند نتیجه داشت . ۱ - از جولان افتادن اسب سرکش سردار قادیسیه و افتادن صدام در صددام تنیده توسط خودش ۲ - روی کار آمدن دولت مردمی با ریاست جمهوری جلال طالبانی و نخست وزیری ابراهیم الجعفری ۳ - محاکمه صدام در همین روزها و به چالش کشیده شدن حکومت چند ساله او ۴ - برآورده شدن آرزوی دیرینه شیعیان و رفتن گروههای کثیری به زیارت عتبات عالیات و اینک قرارداد مجدد جهت اعزام زائرین انشاء الله ۸۴/۵/۵ .

مدتی این مثنوی تا خیر شد تا اینکه موضوع تنظیم کتاب را با دوست عزیز حاج محمد مروجان مدیر محترم چاپخانه مروجان درمیان گذاشتم که حضرت ایشان ضمن استقبال بنده را تشویق نمودند که آنرا جهت چاپ آماده کنم لذا تصمیم به تایپ و بازخوانی و تنظیم عناوین و موضوعات و صفحه بندی و اعراب گذاری زیارات گرفتم و بازخوانی مجدد و تصحیح مجدد نمودم و آنرا علاوه بر تنظیم روی صفحات وب جهت استفاده کاربران محترم رایانه آماده چاپ

نمودم که انشاء الله در دسترس زائرین محترم عتبات عالیات قرار گیرد تا استفا ده لازم را ببرند.
۸۷/۵/۳۰

تهیه و تنظیم توسط حجة الاسلام حاج سید محمد باقری پور

در مؤسسه فرهنگی هدایت

www.hedayat.tv

پایگاه اینترنتی هدانت

www.hodanet.net

مقدمه چاپ دوم

اکنون که بیاری خداوند متعال چاپ اول کتاب همراه با زائرین عتبات عالیات به اتمام رسیده است و اینجانب مؤلف کتاب نیز حد اقل پنج بار به عتبات عالیات مشرف شده و هر بار قسمتهائی از اماکن و مشاهد مشرفه را از نزدیک مشاهده و تحقیق و بررسی لازم را بعمل آوردم و زیاراتی که در تابلو بعضی از مشاهد مشرفه بود یادداشت نمودم و ایضاً تغییراتی که در بعضی از قسمتها و اماکن بوجود آمده است را مشاهده کردم و کتابهائی نیز در این مدت تالیف شده است که از مطالب جدید آنها استفاده کرده و به مطالب کتاب افزودم اینک کتاب با اصلاحات و اضافاتی آماده چاپ دوم شده است و از خدای متعال طلب یاری برای چاپ دوم را دارم و من الله التوفیق و علیه التکلان

تذکر نافع

آمارهای ذکر شده و آدرسهای داده شده و تعیین مسافتها و احیاناً چگونگی اماکن در کتاب مربوط به سالهای قبل از تالیف کتاب (سال ۱۳۸۴) میباشد که بعد از آن تاریخ تا به امروز تغییرات زیادی بوجود آمده است

و بدیهی است که آمارها و بناها و خیابانها و نقشه جغرافیائی در هر کشوری مدام در حال تغییر و تحول است

باتشکر از امعان نظر خواننده گرامی

سلام بر امامان مدفون در عتبات عالیات

برای داخل ماشین موقع رفتن به طرف کاظمین یا نجف سروده شده در سفر سال ۸۹
سلام ما به موسی کاظم سلام ما به تقی باد - هزار لعنت یزدان به دشمنان شقی باد
سلام ما به علی و حسین و حضرت زینب - سلام ما به ابا الفضل به صبح و ظهرو دل شب
سلام ما به اکبر و اصغر سلام ما به شهیدان - سلام ما به سکینه، رقیه، خیل اسیران
سلام ما به زینب و کلثوم، سلام به حضرت سجاد - سلام ما به صاحب عصر و امام مهدی ماباد
سلام باد به هادی سلام به عسکری از ما - سلام باد به مهدی که اوست دلبری از ما
سلام ما به امام غریب مرکز بغداد - چه سالها که به زندان اسیر فتنه و بیداد
سلام ما به امامی که شد شهید به زندان - جنازه اش را گرفتند بدوش چار غلامان
سه روز جسم شریفش نهاده بر پل بغداد - غریب همچو حسین آن شهید قوم زنا زاد
سلام ما به امامی که داشت دشمن خانه - مدام دختر مامون همی گرفت بهانه
سلام ما به امامی که بود ماه مدینه - سه روز مانده به بغداد به پشت بام زکینه
چنانکه جد غریبش حسین زاده زهرا - سه روز بی کفن و دفن بدشت و دامن صحرا
سلام ما به علی آن ولی حجت یزدان - سلام ما به علی آن که بود تالی قرآن
همو که مسجد کوفه بیاد او کند افغان - همو که منبر و محراب ز هجر او شده نالان
سلام ما به حسین آن که شد ز شهر و وطن دور - بدشت کربلا شد غریب و بی کس و مهجور
سلام ما به حسین و ندای غربت او باد - که جد و مادرو بایم فدای تربت او باد
سلام ما به لبنانی که بود تشنه آبی - سلام ما به شهیدی که داشت قلب کبابی
سلام ما به ابا الفضل به دستهای بریده - به فرق منشقی عباس به قد سرو خمیده
سلام ما به علی باد علی اکبر و اصغر - سلام ما به شهیدان شهید نیزه و خنجر
سلام ما و ملایک بر آن امام شهیدان - سلام باقری و هم سلام جمله یاران

کشور اسلامی عراق

عراق : کرانه و کناره آب .

ایراق : یعنی جای پرنخل .

سورستان .

راقدین .

بین النهرین : نهرین = دجله و فرات . دجله یعنی یاقوت و فرات یعنی آب شیرین .

نام عراق قبلاً بین النهرین بوده بعد از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ نام عراق برگزیده شد .

نهرین : دجله و فرات است که از کوه های آرات سرچشمه می گیرند و با گذشتن از ترکیه و سوریه وارد خاک عراق میشوند

رود دجله با ۱۹۰۰ کیلومتر از کوه های آناتولی از دامنه های جنوبی رشته کوه توروس در مشرق ترکیه از زیر دریاچه وان سرچشمه گرفته و پس از عبور از خاک ترکیه وارد خاک عراق میشود از حاشیه شهرهای موصل، شرواط، تکریت، سامرا، بغداد، نعمانیه، کوت، علی غربی و عماره عراق میگذرد.

رود فرات با حدود ۲۹۰۰ کیلومتر از سرزمین قفقاز (ارمنستان) نزدیک رودارس سرچشمه گرفته و از سوریه گذر کرده وارد خاک عراق میشود و از شهرهای القائم، عنه، حدیثه، هیت، رمادی، مسیب، کربلا، کوفه و نجف، سماوه، الخضر، ناصریه میگذرد.

اروند رود یا شط العرب از پیوستن دورود بزرگ دجله و فرات به هم در جنوب عراق در شهرالقرنه ۳۷۵ کیلومتری جنوب بغداد و ۷۸ کیلومتر مانده به بصره تشکیل می شود و پس از گذشتن از بصره رود کارون نیز به آن میپوندد و سپس به خلیج فارس می ریزد . درازای شط العرب یا اروند رود از القرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است.

بنادر مهم عراق : بندرهای بصره و ام القصر در شبه جزیره فاو مهمترین بنادر عراق هستند

دین و مذهب مردم عراق : ۵۳٪ شیعه و ۳۵٪ سنی و بقیه ارمنی و ...

شهرهای شیعه نشین عراق : کربلا، نجف، حله، دیوانیه، سماوه، ناصریه، بصره، العماره و کوت . شهرهای شیعه نشین و سنی نشین : بغداد و بعقوبه .

شهرهای سنی نشین : الرمادی، تکریت، کرکوک، موصل، سلیمانیه، اربیل و دهوک .

وسعت عراق : ۴۳۵، ۳۹۸ کیلومتر مربع (پنجاه و دومین کشور جهان) .

جمعیت عراق : حدود ۲۲ میلیون نفر .

وضعیت طبیعی : ۱- کوهستانی در شمال و دارای آب و هوای سرد ۲- بیابانی در غرب و جنوب که به بادیة الشام معروف است و دارای تابستانی گرم و زمستانی معتدل است. ۳- جلگه ای در شرق و جنوب شرقی و نواحی مرکزی اطراف دجله و فرات .
رودهای عراق : ۱- دجله ۲- فرات بعلاوه رودهای فصلی.

حاکمان عراق

حاکمان عراق از زمان دولت عثمانی تا سقوط صدام حسین ۱- ملک فیصل اول پسر ملک حسین شریف مکه و برادر ملک عبدالله پادشاه وقت اردن ۲- ملک غازی پسر ملک فیصل ۳- ملک فیصل دوم پسر ملک غازی ۴- عبدالکریم قاسم ۱۹۸۵ با کودتا روی کارآمد ۵- عبدالسلام عارف ۱۹۶۳ با کودتا روی کارآمد ۶- احمد حسن البکر ۱۹۶۸ با کودتا روی کارآمد ۷- صدام حسین که در ایام نوشتن این کتاب محاکمه وی بخاطر جنایاتش شروع شده است ۱۹۷۴ با استعفای احمد حسن البکر روی کار آمد و سال ۲۰۰۴ دستگیر شد و سال ۲۰۰۶ اعدام شد

تاریخ عراق از آغاز تا قیام مردم عراق علیه استعمار انگلستان :

دو هزار سال پیش از میلاد سومریان، اکدیها، آشوریها، آموریها ولدانیها حکومتهایی را در بین النهرین تشکیل دادند . پایتخت حمورابی شهربابل بود . نخستین قانون مدون جهان قانون حمورابی است . پانصدسال پیش از میلاد کورش مرکزوشمال بین النهرین را به قامروایران ملحق کرد. از پانصدسال پیش از میلاد به اینطرف هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان برعراق حکومت کردند .

دردوره ساسانیان تیسفون در بین النهرین پایتخت شاهنشاهی ایران بود وایوان مدائن از آثار آن دوره است

سال هفده هجری قمری فاتحان مسلمان حکومت ساسانی را از بین بردند وعراق جزء قلمرو اسلامی شد .

سال سی و پنج هجری قمری کوفه مرکز حکومت اسلامی شد .

سال چهل هجری قمری امیرالمؤمنین علی علیه السلام درمسجدکوفه بشهادت رسید .

ازسال ۴۱ تا ۱۳۲ هـ ق سرزمین عراق تحت حکومت سفیانی و مروانی بود .

سال ۶۱ هـ ق امام حسین و یارانش در کربلا شهید شدند .

سال ۶۴ هـ ق قیام توابین پدید آمد .

سال ۶۶ هـ ق قیام مختار شکل گرفت .

سال ۱۲۲ هـ ق قیام زیدبن علی بن الحسین علیه السلام شکل گرفت .
 سال ۱۳۲ هـ ق حکومت عباسیان شروع شد .
 سال ۱۴۵ هـ ق منصور دوانیقی پایتخت را به بغداد انتقال داد .
 سال ۳۴۴ هـ ق حکومت آل بویه شروع شد و تا ۴۴۷ ادامه داشت .
 سال ۶۵۶ هـ ق حکومت عباسیان با یورش هلاکوخان مغول از بین رفت .
 سال ۹۸۵ هـ ق پس از مرگ شاه طهماسب یکم عراق بدست عثمانیها افتاد .
 سال ۱۲۹۸ هـ ق (۱۹۱۰ م) پس از فروپاشی عثمانی عراق به تصرف استعمار انگلستان درآمد .
 سال ۱۳۰۸ هـ ق (۱۹۲۰ م) مردم عراق به رهبری سیدمهدی حیدری، میرزا محمدتقی شیرازی و شیخ مهدی خالصی علیه استعمار انگلستان قیام کردند .

پیشینه تاریخی عراق

عراق دارای پیشینه تاریخی بسیار کهن بوده و یکی از قدیمی ترین تمدنهای بشری را در خود پرورانده و جای داده است؛ از این رو، در جای جای عراق آثار تاریخی و باستانی متعلق به دوره های گوناگون؛ از هزاران سال پیش از تولد حضرت مسیح (علیه السلام) تا پس از ظهور اسلام را می توان دید،

سیر تاریخی حکومتها و خاندانهای حاکم بر عراق بدین شرح است:

۱ - سومریان (۴۵۰۰ ق.م - ۲۳۰۰ ق.م)

در این دوره، ملّت سومر در بخش جنوبی عراق و در دو سمت رودخانه های دجله و فرات سکونت داشته اند

سومریان بر اثر حملات جنگجویان اکدی از میان رفتند.

۲ - اکدیایان (۴۵۰۰ ق.م - ۲۳۰۰ ق.م)

همزمان با حکومت سومریان در جنوب عراق

۳ - ایلامیان (عیلامیان)

اینان مردمانی بودند که در منطقه کوهستانی شمال خوزستان زندگی می کردند و پایتختشان شهر شوش بود.

۴ - بابلیان (۲۲۰۰ ق.م)

یکی از قبایل سامی به نام «عموریان» که همواره در کناره های دریای مدیترانه سکونت داشتند،

۵ - آشوریها (۱۳۰۰ ق.م - ۶۰۶ ق.م)

یکی از قبایل سامی آشوریان هستند که در سال ۳۰۰۰ ق.م به شمال عراق هجرت کردند.

۶ - کلدانیها (۶۰۶ ق.م - ۵۳۹ ق.م)

یکی از قبایل سامی به نام «کلدو» که در جنوب عراق به دامداری مشغول بود.

۷ - مادها و پارسها (۵۳۹ - ۳۳۱ ق.م)

دو قوم ماد و پارس همراه قوم پارت از نژاد آریایی بوده و جمعاً اقوام ایرانی را تشکیل می دادند. مادها در غرب و پارسها در جنوب ایران سکونت داشتند. ابتدا مادها دولتی تشکیل دادند و سپس به رهبری کورش دولت هخامنشی را بنیادگذاری کردند.

۸ - یونانیها (۳۳۱ - ۲۴۷ ق.م)

اسکندر کبیر پس از به قدرت رسیدن در یونان، به جنگ با ایرانیها شتافت و نخست آسیای صغیر را اشغال کرد و سپس در سال ۳۳۱ ق.م موفق شد و سرتاسر عراق را تحت سیطره خود در آورد. پس از مرگ اسکندر «سلوکی» به حکمرانی عراق رسید و دولت سلوکیان را در عراق ایجاد کرد که تا سال ۲۴۷ ق.م دوام یافت.

۹ - پارتیان (۲۴۷ ق.م - ۲۲۶ م)

اینان یکی از اقوام آریایی ساکن در خراسان کنونی بودند که بتدریج متصرفات خود را توسعه دادند و عاقبت سلوکیان را از ایران و عراق راندند و خود جایگزین آنان شدند و شهر تیسفون را پایتخت خویش قرار دادند.

۱۰ - ساسانیان (۲۲۶ م - ۶۵۲ م)

این امپراتوری چهار قرن عراق را در تصرف خود داشت و پایتخت آن شهر تیسفون بود، تا این که عاقبت در سال ۱۶ هجری ارتش اسلام لشکریان ایرانی را شکست داد و دین مبین اسلام وارد عراق و ایران گردید.

عراق در دوره اسلامی

ارتش اسلام در سال ۱۴ یا ۱۵ هـ . به فرماندهی سعد بن ابی وقاص به عراق حمله کرد و عاقبت طی چند سال جنگ، در سال ۱۶ هجری، ارتش ساسانی را شکست داد و عراق را به تصرف درآورد. از این تاریخ، عراق جزئی از متصرفات اسلامی گردید که خلیفه از مدینه بر آن حکم می راند. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) برای نخستین بار در سال ۳۶ هـ . شهر نوبنیاد کوفه را پایتخت خود قرار داد و از آنجا بر سرتاسر جهان اسلام حکم می راند.

امویان (۴۱ هـ . - ۱۳۲ هـ .)

پس از شهادت امیرمؤمنان (علیه السلام) در سال ۴۰ هـ. ق. و انتقال خلافت به امویان، عراق که مرکز آن دمشق بود، بخشی از امپراتوری امویان گردید و سیطره آنان بر عراق تا سال ۱۳۲ هـ. ادامه یافت.

عباسیان (۱۳۲ - ۶۵۶ هـ.)

پس از سقوط امویان، ابوالعباس سَفَّاح نخستین خلیفه عباسی در سال ۱۳۲ هـ. ق. در شهر هاشمیه (نزدیک کوفه) اعلان خلافت عباسی نمود. ۳۷ خلیفه عباسی، ۵۲۴ سال از عراق بر جهان اسلام حکومت راندند، و سرانجام آخرین خلیفه عباسی، مستعصم بالله در سال ۶۵۶ هـ. ق. هلاکوخان مغول شکست خورد و از بین رفت.

ایلخانیان (۶۵۶ - ۷۳۸ هـ.)

پس از مرگ هلاکوخان، عراق از سوی جانشینان او که «ایلخانیان» نامیده می شدند، به مدت ۸۰ سال اداره شد. برخی از ایلخانان مسلمان بودند و عاقبت، سلسله آنان توسط شیخ حسن جلائی منقرض گردید.

جلائریان (۷۳۸ - ۸۱۳ هـ.)

این خاندان مدت ۷۵ سال بر عراق حکومت راندند.

آق قویونلو و قراقویونلو (۸۱۳ - ۹۱۴ هـ.)

این دو ایل ترک تبار، مدت یک قرن در عراق حکومت کردند.

صفویان (۹۱۴ - ۹۴۱ هـ.)

شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۴ هـ. ق. بغداد را فتح کرد. و پس از او فرزندش شاه تهماسب تا سال ۹۴۱ هـ. ق. عراق را جزو متصرفات خود داشت. در این سال عراق از سوی سلطان سلیمان قانونی، پادشاه عثمانی، مسخر گردید. البته در دوران سلطنت شاه عباس صفوی (در سال ۱۰۳۳) عراق بار دیگر به تصرف صفویان درآمد و تا سال ۱۰۴۹ ادامه یافت. در این سال سلطان مراد چهارم، خلیفه عثمانی، بغداد را فتح کرد و عراق را به تصرف خود درآورد.

عثمانیان (۱۰۴۹ - ۱۳۳۵ هـ. ق.)

عراق عملاً از سال ۹۴۱ هـ. بجز در سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۴۹ هـ. ق. و در دوره سلطنت نادرشاه افشار در سال ۱۱۴۶ هـ. ق. که مدت کوتاهی عراق را تسخیر نمود، همواره جزئی از ولایات حکومت عثمانی بود و توسط والیان منصوب از سوی دربار عثمانی اداره می شد. سیطره آنان بر عراق تا جنگ جهانی اول ادامه یافت.

انگلیسیها (۱۹۱۷ م - ۱۹۲۴ م)

ارتش عثمانی پس از شکست سخت خود از ارتش انگلستان، به سوی ترکیه عقب نشینی کرد و در روز ۱۱ آوریل ۱۹۱۷ میلادی لشکریان فاتح به سرکردگی «ژنرال مود» وارد بغداد شدند و بدینگونه عراق جزو متصرفات بریتانیا قرار گرفت.

دولت ملی عراق

در سال ۱۹۲۰ میلادی ملت عراق به رهبری عالمان و مراجع دینی در عتبات، قیام و انقلاب گسترده ای را بر علیه ارتش اشغالگر انگلستان آغاز کرد که ۶ ماه ادامه داشت و به تضعیف نفوذ انگلیسی ها در عراق انجامید و آنان را وادار به قبول خواست مردم در تشکیل دولت ملی عراق کرد. این جنبش در تاریخ عراق به نام «ثورة العشرين» شهرت دارد. در پی این قیام، دولت انگلستان فیصل سومین فرزند شریف حسین امیر مکه را به عنوان پادشاه عراق برگزید و مراسم تاجگذاری او در روز عید غدیر سال ۱۹۲۱ م. در بغداد انجام پذیرفت. رژیم سلطنتی عراق تا سال ۱۹۵۸ م. بر عراق حکومت راند.

دولت جمهوری عراق از عبدالکریم قاسم تا صدام

در سال ۱۹۵۸ م. سرهنگ عبدالکریم قاسم اقدام به کودتای نظامی کرد و رژیم سلطنتی را سرنگون نمود و آنگاه رژیم جمهوری را در عراق برقرار ساخت. روز ۲۳ تیرماه سال ۱۳۳۷، کودتایی خونین با فرماندهی «عبدالکریم قاسم»، ژنرال ۴۴ ساله و چپ گرای ارتش عراق، انجام شد. در پی این کودتا، «فیصل دوم» را دستگیر کردند و با وضع فجیعی به قتل رساندند. به این ترتیب، نظامیان متمایل به شوروی، حکومت عراق را در دست گرفتند. «عبدالکریم قاسم»، به عنوان اولین نخست وزیر جمهوری عراق، از پیمان سنتو خارج شد و با شوروی قراردادهای امنیتی و تسلیحاتی امضا کرد. اتخاذ این رویکرد برای انگلیس و آمریکا، که به تازگی در خاورمیانه جا پای خود را محکم کرده بود، قابل تحمل نبود. همین مسئله باعث گرم شدن روابط حزب بعث عراق با سرویس های جاسوسی آمریکا شد. بر اساس نقشه سیا، بعضی ها تیمی شش نفره برای ترور «عبدالکریم قاسم» آماده کردند که یکی از اعضای آن «صدام تکریتی» بود. او دوسال پیش از پیوستن به تیم ترور، به عضویت حزب بعث درآمد بود.

روز ۱۴ مهرماه سال ۱۳۳۸، تیم شش نفره ترور به خودروی حامل «عبدالکریم قاسم» حمله کرد. «صدام» راننده را به قتل رساند، اما از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت و «عبدالکریم قاسم» به دلیل چابکی و هوشیاری از مهلکه، جان سالم به در برد. با شکست ترور، حزب بعث موضعی انفعالی در پیش گرفت و رهبران آن مخفی شدند. «صدام» که مجروح شده بود، به مصر گریخت. با این حال، سه سال بعد، تعدادی از افسران ارتش عراق، به فرماندهی دو برادر به نام های «عبدالسلام عارف» و «عبدالرحمن عارف»، کودتایی موفقیت آمیز را با همکاری حزب بعث، علیه «عبدالکریم قاسم» سازماندهی کردند. «صدام» که ظاهراً طی مدت حضورش در خارج از عراق، دوره های اطلاعاتی و امنیتی را گذرانده بود، مخفیانه به عراق بازگشت و ریاست شبکه مخفی حزب بعث، معروف به «جهاز الخاص» را برعهده گرفت. این بار کودتاچیان توانستند دولت «عبدالکریم قاسم» را ساقط کنند و او را به قتل برسانند. در پی اجرای موفقیت آمیز کودتا، «عبدالسلام عارف» رئیس جمهور عراق شد. او خیلی زود دریافت که حزب بعث درصدد عبور از نظامیان مجری کودتا و به دست گرفتن قدرت در کشور است. به همین دلیل، کمتر از ۹ ماه پس از انجام کودتا، در آبان ماه سال ۱۳۴۲، به دستور «عبدالسلام عارف»، وابستگان حزب بعث از دستگاه های اجرایی و ارتش عراق تصفیه شدند. «صدام» نیز بازداشت شد و مدتی را در زندان گذراند؛ اما این رویکرد تغییری در اهداف بعثی ها ایجاد نکرد.

سه سال بعد، «عبدالسلام عارف»، در یک سانحه هوایی، اطراف بصره، کشته شد. باور همگانی این بود که حزب بعث مقدمات این واقعه را فراهم کرده است. بلافاصله پس از قتل «عبدالسلام عارف»، برادر کوچک ترش «عبدالرحمن عارف» به ریاست جمهوری عراق رسید. با این حال، دوران حکومت او هم به دو سال نرسید. بعثی ها که سودای قدرت در سر می پروراندند، کودتایی را علیه «عبدالرحمن عارف» طراحی کردند. مجریان کودتا، دو افسر بلندپایه ارتش عراق، «سرهنک عبدالرزاق نایف»، رئیس ضداطلاعات ارتش و «ژنرال ابراهیم الداوود» رئیس گارد ریاست جمهوری عراق، بودند. در پی کودتا «عبدالرحمن عارف» از کشور اخراج، «احمد حسن البکر»، از حزب بعث، رئیس جمهور و «عبدالرزاق نایف» نخست وزیر عراق شد؛ اما بعثی ها تمام قدرت را می خواستند. به همین دلیل ۱۶ روز پس از کودتا علیه «عبدالرحمن عارف»، کودتای دیگری را ترتیب دادند. این بار «نایف» نیز از دور خارج شد. «احمد حسن البکر» به ریاست جمهوری رسید و صدام، طراح اصلی کودتاهای قبلی، معاون رئیس جمهور عراق شد.

بعثی ها پس از به دست گرفتن قدرت در عراق، بسیاری از مخالفان خود را به قتل رساندند. «احمد حسن البکر»، اهل شهر «تکریت» و از اقوام «صدام» بود. به همین دلیل دست او را در امور کشور بازگذاشت. با وجود این، صدام نسبت به آینده خود چندان مطمئن نبود. «احمد حسن البکر» در

سال ۱۳۵۸ در پی بهبود روابط با سوریه برآمد. طبق معاهده ای که میان او و حافظ اسد به امضا رسید، قرار بود عراق و سوریه دو کشور متحد باشند و «اسد» ریاست این اتحادیه را برعهده بگیرد. «صدام» که نگران بود با اجرای این معاهده موقعیت خود را از دست بدهد، چند روز بعد، روز ۱۶ ژوئیه سال ۱۹۷۹ در کودتایی آرام و بی سر و صدا، «احمد حسن البکر» را از کار برکنار کرد و خود به ریاست جمهوری عراق رسید و رهبر بلامنازع کشور شد. «پایگاه خبری تحلیلی «پارس» - جواد نوآیان رودسری ۹۴/۶/۳۱»

اولین اقدام صدام در مقام رئیس جمهور اقدامی استثنایی بود. او همه اعضای ارشد حزب بعث را در اتاقی جمع کرد و ورقه ای را به دست یکی از آنها داد: «این اسامی را بخوان، اینها کسانی هستند که به من وفادار نبوده اند.» هر کسی که اسمش خوانده می شد را به بیرون از اتاق می بردند، بعد از اینکه لیست تمام شد، کسانی که در اتاق بودند، صدای چندین تیر را شنیدند. صدام گفت: «شما باید خوشحال باشید که در این اتاق مانده اید و هنوز زنده اید. شما از نیروهای وفادار من هستید.» حاضران از شدت خوشحالی نمی دانستند چه کنند. کف می زدند و با اسلحه های کمری شان شلیک هوایی می کردند. این صحنه کامل ترین چهره صدام بعد از سال ۱۹۷۹ است، او دو سال بعد به ایران حمله کرد. ۸ سال با ایران جنگید و نزدیک یک میلیون نفر را به کشتن داد. دو سال بعد از خلاص شدن از جنگ ایران، به سراغ کویت رفت. او اصرار داشت عراق را بزرگ تر کند. صدام به سرعت کویت را تصرف کرد و خودش هم به کویت رفت. اما این بار دیگر غرب پشتیبانش نبود. ارتش های غربی با حمایت سازمان ملل و به فرماندهی آمریکا به خلیج فارس ریختند و در عرض چند روز صدام را از کویت بیرون کردند. او در حال خروج از کویت، چاه های نفت کویت را آتش زد. از این لحظه دوران افول صدام شروع شد. سازمان ملل ۱۲ سال عراق را تحریم کرد و سرانجام در سال ۲۰۰۳ میلادی «۱۳۸۱ شمسی»، رژیم صدام سرنگون شد. سرانجام صدام در تاریخ یکشنبه ۱۴ آبان ۱۳۸۵ (۵ نوامبر ۲۰۰۶) به اعدام با طناب دار محکوم شد. و در تاریخ ۹ دی ۱۳۸۵ (۳۰ دسامبر ۲۰۰۶) به دار آویخته شد. ایاد علاوی که پس از سرنگونی حکومت صدام حسین در سال ۲۰۰۳ از سوی نیروهای ... در ۲۸ ژوئن به سمت نخست وزیر و اولین رئیس دولت عراق پس از صدام حسین برگزیده شد و ... و تا هنگام پیروزی ائتلاف عراق یک پارچه در انتخابات پارلمانی و معرفی ابراهیم جعفری به عنوان نخست وزیر جدید عراق این سمت را بر عهده داشت.

حدیث: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ. ای گروه مردم، نسبت به محبت و علاقه به دنیا مواظب باشید، چون که علاقه و محبت به دنیا اساس هر خطا و انحرافی است، و دروازه هر بلا و گرفتاری است، و نزدیک کننده هر فتنه و آشوب؛ و نیز آورنده هر مصیبت و مشکلی است.

شهر بغداد

زائرین عتبات عالیات پس از طی مسیرهای طولانی و تحمل رنج سفر وارد سرزمین عراق که می شوند ابتدا وارد شهر بغداد می شوند .

بغداد در ادبیات به شهر هزار و یکشب معروف است و در تاریخ اسلام به دار الخلافه و مدینه السّلام شهرت دارد و فاصله بغداد تا تهران ۹۰۰ کیلومتر است .

وجه تسمیه بغداد : مردی بنام داد در این منطقه باغ بزرگی داشت از این رو آنجا را باغ داد که خلاصه آن بغداد است نامیده اند . وایضاً گفته شده بغ مخفف باغ و داد مخفف دادار است که میشود باغ خدا .

بنای بغداد : در سال ۱۳۶ هـ . ق توسط منصور دوانیقی دومین خلیفه عباسی بنا شده و تا سال ۶۵۶ هـ ق مرکز حکومت عباسیان بود و با حمله مغول سقوط کرد رود دجله از شهر بغداد می گذرد و شهر به دو بخش کرخ و رصافه تقسیم شده است از طرف غرب به شرق پلی بر روی دجله ساخته شده پهنای شهر در هر جانب دجله ۵ فرسخ می باشد . آبادترین جای بغداد منطقه کرخ است که توانگران و تجار در آن زندگی می کنند و در آنجا نهری است بنام عیسی که به دجله می ریزد .

محلّه های بغداد: الرّصافه - الکّراده - الاعظمیه - کرخ - الکاظمیّه - المنصور - الحرّیه - الرّشید - حی الجمیله - الشّورجه - البیاع - الثّوره و ... می باشد .

خیابانها یا شوارع بغداد: الرّشید - ابی نواس - قنّاة الجیش - فلسطین - الجمهوریّة الخلفا - خالدین ولید - الکفاح و...

مطاعم یاسالنه‌ای غذاخوری بغداد: مطعم الجادریه یا سالن غذاخوری جادریه - مطعم الزیتون یاسالنه غذاخوری زیتون - برج صدام که در مرکز شهر واقع شده ساختمان تمام شیشه ای است که از داخل آن تمام شهر دیده می شود .

میادین یا ساحات بغداد: التّحریر - الحرّیه - الجنّدی المجهول - الرّصافی - عنتربن شدّاد میادین بغداد هستند . میدان کهرمان : مجسمه کهرمان و چهل دزد بغداد = زنی که چهل حرامی را در چهل خم جای داد و بر سر آنها روغن داغ ریخت و همه را محکوم به مرگ کرد .

حدیث:

عن الصّادق علیه السلام : وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ : «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» أَلْعَفُّ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ صَلَۀُ مَنْ قَطَعَكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ وَ قَوْلُ الْحَقِّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ؛ (معانی الأخبار، ص ۱۹۱، ح ۱) درباره مکارم اخلاق سؤال شد، فرمودند: گذشت از کسی که به تو ظلم کرده، رابطه با کسی که با تو قطع رابطه کرده، عطا به آن کسی که از تو دریغ داشته است و گفتن حق اگر چه بر ضد خودت باشد.

محلّه کاظمین علیهما السلام

کاظمین از توابع استان بغداد است که ۷ یا ۸ کیلومتر با بغداد فاصله دارد (البته در حال حاضر ساختمانها و تاسیسات شهری وصل به بغداد است) و در شمال غربی بغداد و دجله در محلّه کاظمیه واقع است و با اتوبوس تقریباً بیست دقیقه طول می کشد و امروزه بر اثر توسعه شهر بغداد جزئی از شهر شده است .

در زمان ساسانیان نام کاظمین تسوج بوده است . محل حرم کاظمین علیهما السلام قبلاً بنام شونیز بوده است بعد از آنکه بدستور حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام شهداء نهروان را آنجا دفن کردند مقبره الشهداء نامیده شد و بعد از فوت پسر منصور عباسی وی را در آنجا دفن کرد و دستور داد از این به بعد هر کس از خاندان عباسی و علوی بمیرد او را در این زمین دفن نمایند نام آنجا را مقابر قریش گذاشت و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آن زمین را برای دفن خود خریداری نمود و در سال ۱۸۳ هجری که آن حضرت به شهادت رسید در آن مکان دفن شد و در سال ۲۲۰ هجری نیز امام جواد علیه السلام به شهادت رسید او را نیز در جوار آن حضرت دفن نمودند و معروف به کاظمین شد .

حدیث:

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلَامَاتٍ يَعْرِفُونَ بِهَا : صِدْقُ الْحَدِيثِ ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ وَقِلَّةُ الْمُؤَاثَقَةِ لِلنِّسَاءِ ، وَبَذْلُ الْمَعْرُوفِ ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ ، وَسَعَةُ الْحِلْمِ ، وَاتِّبَاعُ الْعِلْمِ فِيمَا يَقْرُبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ . (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۶۱۸ به بعد) امام باقر علیه السلام فرموده است: امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: تقوا پیشگان نشانه‌هایی دارند که با آنها شناخته می شوند: راستگویی، امانتداری، وفای به عهد... کم آمیختن با زنان، احسان کردن بیدریغ، خوش خویی، بردباری زیاد و پیروی از علمی که به خداوند عزّ و جلّ نزدیک می کند .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّمَا النَّاسُ ثَلَاثٌ : زَاهِدٌ ، وَرَاغِبٌ ، وَصَابِرٌ . فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِالدُّنْيَا إِذَا أَتَتْهُ ، وَلَا يَحْزَنُ عَلَيْهَا إِذَا فَاتَتْهُ ، وَأَمَّا الصَّابِرُ فَيَتَمَنَّاها بِقَلْبِهِ ، فَإِنْ أَدْرَكَ مِنْهَا شَيْئًا صَرَفَ عَنْهَا نَفْسَهُ لِعِلْمِهِ بِسُوءِ الْعَاقِبَةِ ، وَأَمَّا الرََّاغِبُ فَلَا يَبَالِي مِنْ حُلٍّ أَصَابَهَا أَمْ مِنْ حَرَامٍ . «از کتاب دنیا و آخرت ج ۲» مردم سه دسته اند: دنیاگریز و دنیاخواه و شکیبها . دنیاگریز، هر گاه دنیا به او برسد، شاد نمی شود، و هر گاه از دستش برود برایش غم نمی خورد . شکیبها، دنیا را قلباً آرزو می کند؛ اما چون به چیزی از آن برسد، جاننش از آن روی برمی گرداند؛ زیرا از فرجام بد آن آگاه است . و دنیا خواه اهمیتی نمی دهد که از طریق حلال به دنیا رسد یا از حرام .

قبرور علماء و بزرگان دین در کاظمین (ع) و بغداد

علماء و بزرگان دین که پس از شهادت آن امامین همامین در جوار آن دو بزرگوار آرمیده اند:

- ۱- ابواحمد حسین بن محمد الاعرج ابن موسی ابی السّبحه ابن ابراهیم المرتضی ابن موسی الکاظم علیه السّلام والد سیدین مرتضی و رضی متوفی ۴۰۰هـ (در بغداد رحلت فرمود و در منزل خود دفن شد بعد او را نقل کردند به کربلا) * ۲- سید رضی و سید مرتضی (علم الهدی) سمت چپ باب القبله به فاصله ۴۰ متر از ضلع جنوبی حرم مطهر در بازار استرآبادی و سمت راست باب فاطمه اولی متوفی ۴۰۶ و دومی متوفی ۴۳۶ مدفون در دو مسجد نزدیک به هم (این دو در کاظمین رحلت فرمودند و هر یک در منزل خود دفن شدند بعد جنازه آنان را مثل والدشان نقل کردند به کربلا) * ۳- شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی متوفی ۳۸۹ و مدفون پائین پای مبارک * ۴- ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید متولد شهر دجیل عراق متوفی ۴۱۳ و مدفون پائین پای مبارک کنار استادش ابن قولویه * ۵- مرحوم ملا زین العابدین سلماسی که از ملازمین و خواص علامه بحر العلوم رحمه الله بوده است دیوار روبروی شیخ مفید * ۶- علامه سلطان الحکماء و المتکلمین محمد بن محمد بن الحسن مشهور به خواجه نصیر الدّین طوسی متولد طوس متوفی ۶۷۲ و مدفون در رواق غربی بالای سر مطهر * ۷- شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی متوفی ۱۱۰۲ و مدفون در جوار کاظمین فعلاً از قبر او اثری نیست * ۸- ابوعبدالله حسین بن احمد بن حجاج متوفی ۳۹۱ مدفون در پائین پای مبارک * ۹- سید عبدالله بن محمد رضا الحسینی الکاظمینی متوفی ۱۲۴۲ مدفون در حجره ای میان رواق مطهر کاظمین ع از باب القبله بدست راست * ۱۰- سید محسن الکاظمینی متوفی ۱۲۴۰ مدفون در کوچه نزدیک صحن مطهر در طرف شمالی صحن * ۱۱- شیخ اسدالله بن حاجی اسماعیل الکاظمینی متوفی ۱۲۲۰ و مدفن نامعلوم * ۱۲- شیخ جواد بن سعدالله بن حاجی اسماعیل الکاظمینی متوفی ۱۲۲۰ و مدفن نامعلوم * ۱۳- سید اسماعیل صدر ابن صدر الدّین الموسوی العاملی متوفی ۱۳۳۸ و مدفون در رواق سمت پائین پای مبارک * ۱۴- سید حیدر بن سید ابراهیم الحسینی البغدادی الکاظمینی جدّ سادات کاظمین معروف به آل سید متوفی ۱۲۶۵ مدفون پائین پای مبارک نزدیک قبر شیخ مفید * ۱۵- ابویوسف یعقوب بن ابراهیم قاضی القضاة بغداد مدفون در زاویه صحن مطهر * ۱۶- نصرالله بن اثیر الدّین محمد خدری متوفی ۸۳۷ مدفون در جوار امامین همامین * ۱۷- فرهاد میرزا معتمدالدّوله ابن عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه مدفون در اولین حجره باب المراد سمت راست کسی که وارد حرم مطهر میشود * ۱۸- آیه الله سید جعفر حسینی میلانی پدر مرحوم آیه الله میلانی مدفون در رواق شمالی پشت سر مبارک * ۱۹- ابویوسف بن یعقوب از نوادگان جابر بن عبدالله انصاری مدفون داخل

صحن مطهر * ۲۰ - سید احمد و سید ابراهیم از نوادگان موسی بن جعفر ع ابتدای رواق ابویوسف بن یعقوب انصاری * ۲۱ - نواب اربعه : الف عثمان بن سعید الاسدی السمان (شیخ عثمان بن سعید عمروی) از اولاد عمار یاسر نایب امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) و مولای ما حجت بن الحسن عج متوفی ۲۵۷ و مدفون در مدینه السلام در طرف رصافه در نزدیکی رود دجله در قسمت غربی بازار میدان پشت اداره پست در قبله مسجد الدرب واقع در خیابانی که قصر ام حبیب دختر رشید نیز در آن قرار داشته . ب - ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید الاسدی معروف به خلّانی یا شیخ الخلّانی متوفی ۳۰۴ یا ۳۰۵ و مدفون در طرف رصافه در محله خلّانی در سر راه مزار سلمان و امروزه معروف به باب الشّیخ است و آرامگاه او کتابخانه فعّالی دارد به نام کتابخانه عمومی شیخ خلّانی ج - ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی متوفی ۳۲۶ مدفون در منطقه رصافه در بازار تجاری شورجه در سمت راست کسی که وارد بازار عطارها می شود و قبلاً به محلّه نو بختیه معروف بود ه است. د - ابوالحسن علی بن محمد سمری متوفی ۳۲۹ مدفون در سمت رصافه نزدیک مستنصریه سمت چپ رودخانه دجله در خیابان معروف به شارع الخلنجی در باب محول کنار رود ابی عتاب در مسجد معروف به مسجد القبلیه واقع در سوق الهرج * ۲۲ - ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحق الكلینی الرازی متوفی ۳۲۹ مدفون در بغداد شرقی در باب الجسر یا باب الکوفه کنار پل بغداد در جوار قبر دیگری که متعلق به کراچی یا کیدری است * ۲۳ - سلمان فارسی متوفی ۳۵ مدفون درسی کیلومتری شرق بغداد نزدیک رود دجله و طاق کسرای باستانی بر سر راه (اصل سلمان از ناحیه جی اصفهان بوده است) * ۲۴ - حذیفه بن الیمان متوفی ۳۶ مدفون در نزدیکی قبر سلمان * ۲۵ - جابر بن عبدالله انصاری مدفون کنار قبر حذیفه بن الیمان * ۲۶ - قنبر غلام علی (ع) مدفون در بغداد در بازاری به نام او * ۲۷ - شیخ عبدالقادر جیلانی مدفون در نزدیک شهر کاظمین * ۲۸ - منصور حلاج مدفون در نزدیک شهر کاظمین * ۲۹ - ابوحنیفه مدفون بین بغداد و کاظمین * ۳۰ - بشر حافی * ۳۱ - ابن ابی الحدید * ۳۲ - بهلول پسر عموی هارون * ۳۳ - سهروردی * ۳۴ - ابراهیم بن مالک اشتر * ۳۴ - ابونواس شاعر معروف * ۳۵ - معروف کرخی * ۳۶ - ابومحفوظ کرخی * ۳۷ - احمد بن حنبل * ۳۸ - محمد بن جریر طبری مؤرخ و مفسّر * ۳۹ - ابن درید بصری * ۴۰ - راغب اصفهانی * ۴۱ - ابن جوزی * و...
مرقدعبدالله بن محمد بن عمر الاطرف بن امیرالمؤمنین علیه السلام در منطقه اعظمیه بغداد «مشهدالنّور». مرقد حسن بن علی بن حمزه علوی نقیب الطالبیین در عهد خلافت الناصر لدین الله عباسی، و طاهر بن زین العابدین، و حذیفه بن الیمان، و جابر بن عبدالله انصاری، و سلمان فارسی در منطقه سلمان پاک در جنوب بغداد. سیدادریس از نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام در سال ۹۱۴ هـ ق از طرف شاه اسماعیل صفوی به سمت نقیب النقبائی منصوب شده بود در بغداد منطقه کراده شرقیه.

زیارت قبور علماء

از کتاب مزار مرحوم شیخ مفید (رحمه الله) نقل شده است که در هنگام زیارت قبور علماء (رضوان الله تعالی علیهم) بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنْزَهَا، وَمُخَيِّ الرُّسُومِ وَمُرْؤَجَهَا، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ الدِّينِ، وَعَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُرْؤَجَ شَرِيعَةِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَآلِهِ الْأَيُّمَةِ الْمُعْصُومِينَ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَفْضَلُ صَلَاةِ الْمُصَلِّينَ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْعَالِمُ الْعَامِلُ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا عَضَدَ الْأَسْلَامِ وَفَقِيهَ أَهْلِ الْبَيْتِ، عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَارِفُ الْمُؤَيَّدُ وَالْعَابِدُ الْمُسَدَّدُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمِينُ عَلَى الدِّينِ وَالْدُّنْيَا، وَأَنَّكَ قَدْ بَالَعْتَ فِي إِحْيَاءِ الدِّينِ، وَاجْتِهَدْتَ فِي حِفْظِ شَرِيعَةِ أَشْرَفِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَوَاتُ الْمُصَلِّينَ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ الْأَبْرَارِ، وَرَوَيْتَ عَنْهُمْ الْأَخْبَارَ، وَعَمِلْتَ بِمَا رَوَيْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَظْهَرْتَ الْحَقَّ، وَأَبْطَلْتَ الْبَاطِلَ، وَسَهَّلْتَ السَّبِيلَ، وَأَوْصَحْتَ الطَّرِيقَ، وَنَصَرْتَ الْمُؤْمِنِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ التَّابِعِينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، اللَّهُمَّ امْلَأْ قَبْرَهُ نُورًا وَرَوْحًا وَرِيحَانًا، وَأَسْكِنَهُ فِي بُحْبُوحَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

حدیث:

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَابِرُ، قِوَامُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ: عَالِمٌ مُسْتَعْمِلٌ عِلْمَهُ، وَجَاهِلٌ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَجَوَادٌ لَا يَبْخُلُ بِمَعْرِوفِهِ، وَفَقِيرٌ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا، فَإِذَا صَيَّعَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَإِذَا بَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرِوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا. «نهج البلاغه، حکمت ۳۷۲، مجمع الامثال، ج ۲، ص ۴۵۴» ای جابر، پایداری دین و دنیا بر چهار پایه استوار است: دانشمندی که علم خود را به کار بندد، نادانی که از آموختن سرباز نزند، بخشنده ای که از دادن مال خود بخل نورزد و تهیدستی که آخرتش را به دنیا نفروشد. پس هرگاه دانشمند علم خود را ضایع کند (و بدان عمل نکرد)، جاهل که آخرتش را به دنیا نفروشد. پس هرگاه توانگر از بخشیدن مال، دریغ کرد و فقیر هم آخرت خود را به دنیا بفروشد. (قوام جهان به هم خواهد خورد).

پیامبر اعظم صلی لله علیه و آله: سَاعَةٌ مِنْ عَالِمٍ يَتَكَبَّرُ عَلَى فِرَاشِهِ يَنْظُرُ فِي عَمَلِهِ، خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ سَبْعِينَ عَامًا. (۸/۳۹۴۲؛ روضة الواعظین: ۱۶) يك ساعت تکیه زدن عالم بر بستر خویش و نگریستن در کار و عملش، بهتر از هفتاد سال عبادت عابد است.

مسجد بُراثا

مسجد بُراثا بین راه کاظمین و بغداد واقع شده است و محله ای بوده در اطراف بغداد در قبله کرخ و جنوبی باب محول .

مسجد راراضی بالله به سبب جمع شدن شیعیان در آن خراب کرد و امیر الامراء بغداد بجکم ماکانی به اعاده بناء آن حکم کرد .

فضائل مسجد بُراثا :

۱- مقرر نمودن حق تعالی که در آن زمین فرو نیاید رئیسی با لشکرش جز پیغمبر یا وصی او ۲- خانه حضرت مریم (س) است. ۳- زمین حضرت عیسی (ع) است. ۴- چشمه در آنجا برای مریم س ظاهر شده است. ۵- (اثر آن چشمه از بین رفته بوده) حضرت امیر(ع) آن چشمه را به اعجاز خود ظاهر نموده ۶- بودن سنگ سفید متبرک که حضرت مریم (س) حضرت عیسی (ع) را بر آن گذاشته ۷- حضرت امیر(ع) آن سنگ را به اعجاز خود بیرون آورده و به سمت قبله نصب کرده که در آن جهت نماز بخوانند. ۸- حضرت امیر(ع) و حضرت مجتبی و سید الشهداء(ع) در آنجا نمازگذارده اند ۹- حضرت امیر(ع) در آنجا چهار روزه جهت شرافت آن مکان و مقدس بودن آن توقف کرده ۱۰- پیغمبران(ع) بخصوص حضرت خلیل الرحمن در آنجا نماز گذارده اند . ۱۱- قبر پیغمبری در آنجا است که احتمالاً حضرت یوشع باشد ۱۲- برگشتن آفتاب برای حضرت امیر(ع) در آنجا .

وجه تسمیه مسجد بُراثا :

چون ابوشعیب بُراثی عابد اول کسی است که در آنجا ساکن شد و در کوخی که از نی ساخته بود عبادت خدا می کرد بعد مسجدی ساخته شد نام آن را مسجد بُراثا گذاشتند .

حدیث:

عن النبی صلی الله علیه وآله : أَوْصَانِي رَبِّي بِسَبْعٍ : أَوْصَانِي بِالْإِخْلَاصِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَأَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي وَأُعْطِيَ مَنْ حَزَمَنِي وَأَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي وَأَنْ يَكُونَ صَمْتِي فِكْرًا وَنَظْرِي عِبْرًا . پروردگارم هفت چیز را به من سفارش فرمود: اخلاص در نهان و آشکار، گذشت از کسی که به من ظلم نموده، بخشش به کسی که مرا محروم کرده، رابطه با کسی که با من قطع رابطه کرده، و سکوتم همراه با تفکر و نگاهم برای عبرت باشد . «کنزالفوائد، ص ۱۸۴»

امام علی علیه السلام : الْعَاقِلُ مَنْ يَزْهَدُ فِيمَا يَرْغَبُ فِيهِ الْجَاهِلُ . «از کتاب دنیا و آخرت ج ۲» خردمند به آنچه نادان رغبت دارد ، بی رغبت است .

طاق کسری در مدائن

مدائن در فاصله سی کیلومتری شرق بغداد واقع شده که طاق کسری یا ایوان مدائن از آثار تاریخی دوره ساسانیان است و نام مدائن قبلاً تیسفون بوده است طاق کسری در نزدیکی دجله عبارت است از بارگاهی که سقف آن طاقی است و به شکل بیضی زده شده این طاق قسمتی از کاخ سفید است که انوشیروان در ۵۵۰ میلادی بنا کرده بود و بارگاه (آپادَن) یا جایگاه تخت سلطنتی را می پوشانده درست معلوم نیست که وسعت آن چه بوده ولی قالی زربفت و مرصعی که به بهارستان کسری معروف و موافق قرائن در وسط آن گسترده بوده بطوری که نوشته اند یکصد ذراع طول و هفتاد ذراع عرض داشته و بعضی هم نوشته اند سیصد ذراع طول و شصت ذراع عرض داشته که حاشیه آن به زمرد و متن آن به جواهرات رنگارنگ قیمتی مرصع بوده و به تصرف مسلمین در آمده این طالار بزرگ دارای شاه نشینهای متعددی بوده و از بالا بواسطه ۱۱۵ روزنه روشن می شده ستونهای شاه نشینها و طاقها و دیوارهای درونی طالار با لوحه های سیمین و زرین منبت کاری شده بود تخت سلطنت را در ته آن پشت پرده قرار داده بودند زینت فوق العاده طالار از قالیهای قیمتی و غیره و درخشندگی فلزات کریمه و روشنائی که از بالا بدرون بارگاه می افتاده اثر غریبی در اشخاصی که در دفعه اولی وارد آن می شدند می نموده بطوری که در موقع بار عام وقتی که خرمباش پرده را می کشیده و انوشیروان از انتهای بارگاه روی تخت سلطنتی نمودار می شده حضار بی اختیارزانو می زدند . دیوارها را با تیرهای چوبی به هم مهار کرده بودند که به نظر می آید ایرانیها این سبک را از روسها اقتباس کرده اند .

سعد و لشکر مسلمین در سال ۱۶ هجری بعزم تسخیر مدائن حرکت کرد سعد بعد از تسخیر وه اردشیر (سلوکیه) در دجله جائی را که عمیق نبود گمانه کرده با قشون خود از رود مزبور گذشت وقتی که اعراب وارد تیسفون شدند از عظمت ثروت و تجملات این شهر غرق حیرت و بهت گردیدند. بنای طاق کسری در زمان شاپور ذوالاکتاف صورت گرفته است . روایت شده از عمار ساباطی که امیرالمؤمنین ع به مداین آمد و نزول فرمود در ایوان کسری وبا او بود دلف بن بحیر پس نماز کرد در آنجا بعد از آن برخواست و به دلف فرمود برخیز با من بیا و در خدمت آن حضرت بود جماعتی از اهل ساباط پس گردش کرد در منازل کسری به دلف می فرمود از برای کسری در این مکان چنین و چنان بوده و دلف می گفت بخدا قسم چنین است که می فرمائی پس با آن جماعت در تمام آن مواضع گردش کرد و دلف می گفت ای سید و مولای من چنان شما به اینجاها مطلعید که گویا شما این چیزها را در این جاها نهاده اید. در هنگام مرور آن حضرت بر مداین و مشاهده آثار کسری و خرابی یکی از آن اشخاصی که در خدمت آن حضرت بود از روی عبرت این شعر را خواند:

جرت الرّیاح علی رسوم دیارهم - فکأنّهم کانوا علی مبعاد. حضرت فرمود چرا نخواندی این فرمایش الهی را : کم ترکوا من جنّات و عیون و زروع و مقام کریم و نعمة کانوا فیها فاکهین کذالک واورثناها قوما آخرین فما بکت علیهم السّماء و الارض و ما کانوا منظرین. پس از آن فرمود: انّ هؤلاء کانوا وارثین فاصبحوا موروّثین لم یشکروا النّعمة فسلّبوها دنیاهم بالمعصیة ایّاکم و کفر النّعم لا تحلّ بکم النّقم. آیات ۲۵ تا ۲۹ سوره دخان است که خداوند متعال می فرماید : چه بسیار کسانی در دنیا باغ و بستانها و چشمه های آب و کشت و زرعها و مقام و منزلهای عالی را رها کردند و رفتند و از همه چشم پوشیدند و آن ناز و نعمتها را برای کسان دیگری به ارث گذاشتند و بر مرگ آنها آسمان و زمین گریه نکرد و با رفتن آنها هیچ چیزی از جای خود تکان نخورد و آن لحظه ای که مرگ آنان فرا رسید و مهلت آنها تمام شد هیچ مهلتی به آنان داده نشد .

در ادامه مولا علی(ع) فرمود : اینان که در این کاخ با این ناز و نعمت زندگی می کنند وارث پیشینیان از خودشان بودند و امروز رفته و برای دیگران به ارث گذاشته اند تا وقتی که در آن ناز و نعمت بودند شکر خدا بجای نیلوردند و نعمت الهی را صرف معصیت کردند در نتیجه آن ناز و نعمت از آنان گرفته شد پس شما هم از کفران نعمت پرهیز کنید تا گرفتار نقمت (بلا و عذاب) نشوید .

و چه نیکو سروده است حکیم خاقانی : هنگام عبور از مداین و دیدن طاق کسری
هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان - ایوان مدائن را آینه عبرت دان
یک ره ز ره دجله منزل به مدائن کن - وز دیده دوم دجله بر خاک مدائن ران
خود دجله چنان گرید صد دجله خون گویی - کز گرمی خونابش آتش چکد از مژگان
بینی که لب دجله کف چون به دهان آرد - گوئی ز تف آهش لب آبله زد چندان
از آتش حسرت بین بریان جگر دجله - خود آب شنیدستی کاتش کندش بریان
بر دجله گری نونو وز دیده زکاتش ده - گرچه لب دریا هست از دجله زکات استان
گر دجله درآموزد باد لب و سوز دل - نیمی شود افسرده، نیمی شود آتشدان
تا سلسله ایوان بگسست مدائن را - در سلسله شد دجله، چون سلسله شد پیچان
گه گه به زبان اشک آواز ده ایوان را - تا بو که به گوش دل پاسخ شنوی ز ایوان
دندانه هر قصری پندی دهدت نو نو - پند سر دندانه بشنو ز بن دندان
گوید که تواز خاکی، ما خاک توایم اکنون - گامی دوسه برمانه واشکی دوسه هم بفشان
از نوحه جغد الحق مائیم به درد سر - از دیده گلابی کن، درد سر ما بنشان
آری چه عجب داری کاندرا چمن گیتی - جغد است پی بلبل، نوحه است پی الحان
ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما - بر قصر ستمکاران تا خود چه رسد خذلان
گوئی که نگون کرده است ایوان فلک وش را - حکم فلک گردان یا حکم فلک گردان

بر دیده من خندی کاینجا ز چه میگرد - گریند بر آن دیده کاینجا نشود گریان
نی زال مدائن کم از پیرزن کوفه - نه حجره تنگ این کمتر ز تنور آن
دانی چه مدائن را با کوفه برابر نه - از سینه تنوری کن وز دیده طلب طوفان
این است همان ایوان کز نقش رخ مردم - خاک در او بودی دیوار نگارستان
این است همان درگاه کورا ز شهان بودی - دیلم ملک بابل، هندو شه ترکستان
این است همان صفه کز هیبت او بردی - بر شیر فلک حمله، شیر تن شادروان
پندار همان عهد است از دیده فکرت بین - در سلسله ی درگاه، در کوکبه ی میدان
از اسب پیاده شو، بر نطح زمین رُخ نه - زیر پی پیلش بین شه مات شده نعمان
نی نی که چو نعمان بین پیل افکن شاهان را - پیلان شب و روزش گشته به پی دوران
ای بس پشه پیل افکن کافکند به شه پیلی - شطرنجی تقدیرش در ماتگه حرمان
مست است زمین زیر خورده است بجای می - در کاس سر هرمز خون دل نوشروان
بس پند که بود آنگه بر تاج سرش پیدا - صد پند نوشت اکنون در مغز سرش پنهان
کسری و ترنج زر، پرویز و به زرین - بر باد شده یکسر، با خاک شده یکسان
پرویز به هر بزمی زرین تره گستردی - کردی ز بساط زر زرین تره را بستان
پرویز کنون گم شد، زان گمشده کمتر گو - زرین تره کو برخوان؟ روکم ترکوا برخوان
گفتی که کجار رفتند آن تاجوران اینک - ز ایشان شکم خاک است آبستن جاویدان
بس دیر همی زاید آبستن خاک آری - دشوار بود زادن، نطفه سندن آسان
خون دل شیرین است آن می که دهد زرین - ز آب و گل پرویز است آن خم که نهد دهقان
چندین تن جباران کاین خاک فروخورده است - این گرسنه چشم آخرهم سیرنش زایشان
از خون دل طفلان سرخاب رخ آمیزد - این زال سپید ابرو وین مام سیه پستان
خاقانی ازین درگاه دریوزه ی عبرت کن - تا از در تو زین پس دریوزه کند خاقان
امروز گر از سلطان رندی طلبد توشه - فردا ز در رندی توشه طلبد سلطان
گر زاده ره مکه تحفه است به هر شهری - تو زاد مدائن بر سبحة ز گل سلمان
این بحر بصیرت بین بی شربت ازو مگذر - کز شط چنین بحری لب تشنه شدن نتوان
اخوان که ز راه آیند آرند ره آوردی - این قطعه ره آورد است از بهر دل اخوان
بنگر که در این قطعه چه سحر همی راند - مهتوک مسیحا دل، دیوانه عاقل جان
مصلای امیرمؤمنان علیه السلام در ایوان مدائن: حضرت امیر علیه السلام به هنگام دیدار از ایوان
مدائن در آنجا دو رکعت نماز گزارده است که آن محل را مصلای حضرت می گویند و مستحب است
در آن محل دو رکعت نماز خوانده شود.

قبر حذیفه بن یمان و الی مدائن : حذیفه از اصحاب رسول خدا(ص) و امیر مؤمنان(ع) بود و پیش از انتصاب سلمان به ولایت مدائن و نیز پس از رحلت ایشان والی مدائن بود و در سال ۳۶ در مدائن در گذشت .

مسجد امام حسن عسگری علیه السلام در مدائن : در کنار مرقد جناب سلمان مسجد جامع مدائن قرار دارد و این مسجد منسوب است به امام حسن عسگری علیه السلام .
مزار سلمان فارسی والی مدائن : سلمان در سال ۳۶ هـ ق به ولایت مدائن منصوب و در همان شهر از دنیا رفت «شرح در ادامه بعد خواهد آمد» .

سلمان کیست؟

جناب سلمان(ره) در سنه ۳۶ در مدائن وفات کرد و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در همان شب از مدینه به طیی الارض بر سر جنازه او حاضر شده او را غسل داد و کفن کرد و نماز بر او خواند و بخاک سپرده شد هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام بر سر جنازه سلمان وارد شد رداء از صورت او برداشت سلمان بصورت آن جناب تبسمی کرد حضرت فرمود مرحباً یا ابا عبدالله اذا لقیت رسول الله صلی الله علیه و آله فقل له ما مرّ علی اخیک من قومک . خوشا بحال تو ای ابا عبدالله که به ملاقات رسول خدا صلی الله علیه و آله میروی هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را ملاقات کردی به ایشان بگو که چه مصیبتها از قومت بر برادرت علی (ع) رفته است و ایضا هنگامی که حضرت به نماز بر سلمان ایستاد حضرت جعفر طیار و حضرت خضر نیز در نماز بر او حاضر شدند در حالی که با هر کدام از آن دو نفر هفتاد صف از ملائکه بود که در هر صفی هزار هزار فرشته بود.
سلمان فارسی از عنفوان صبا و دوران طفولیت در طلب دین حق ساعی بود و نزد علماء ادیان از یهود و نصاری و غیر هم تردد می نمود و در شدائدی که از این ممر باو می رسید صبر می ورزید تا آنکه در سلوک این طریق بزیاده از ده خواجه او را فروختند و آخر الامر نوبت به خواجه کاینات علیه و آله افضل الصلوات رسید و او را از قوم یهود به مبلغی خرید و محبت و اخلاص و مودت و اختصاص او نسبت به آستان نبوی بجائی رسید که از زبان مبارک آن سرور به مضمون عنایت مشحون سلمان منّا اهل البیت سرافراز گردید .

روزی عمر در میان جماعتی از صحابه رو بجانب سلمان کرد و گفت ای سلمان اصل و نسب تو چیست ؟ سلمان در جواب گفت : انا سلمان بن عبدالله کنت ضالاً فهدانی الله بمحمد صلی الله علیه و آله و کنت عائلاً فاغنانی الله بمحمد صلی الله علیه و آله و کنت مملوفا فاعتقنی الله تعالی بمحمد صلی الله علیه و آله فهدا حسبی و نسبی یا عمر .

فضائل سلمان را کمتر کسی از صحابه دارا است و از جمله فضائل او اینست که رسول خدا صَلَّی اللّٰه علیه و آله فرمود: سلمان بحر لا ینزف و کنز لا ینفد سلمان مَنّا اهل البیت یمنح الحکمہ و یؤتی البرهان . و حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ادرك سلمان العلم الاول و العلم الآخر و هو بحر لا ینزح و هو مَنّا اهل البیت، علم اول و آخر را درک کرده است و دریائی است که هر چه از او برداشته شود تمام نشود و او از ما اهل بیت است .

حکایت: وقتی ابوذر بر سلمان وارد شد در حالتی که دیگی روی آتش گذاشته بود ساعتی با هم نشستند و حدیث می کردند ناگاه دیگ از روی سه پایه غلطید و سرنگون شد و ابا آنچه در دیگ بود قطره ای نریخت سلمان آنرا برداشت و بجای خود گذاشت، باز زمانی نگذشت که دوباره سرنگون شد و چیزی از آن نریخت دیگر باره سلمان آن را برداشت و بجای خود گذاشت ابوذر وحشت زده از نزد سلمان بیرون شد و بحالت تفکر بود که جناب امیرالمؤمنین علیه السّلام را ملاقات نمود و حکایت را برای آن حضرت گفت آن جناب فرمود ای ابوذر اگر خبر دهد تو را سلمان به آنچه می داند هر آینه خواهی گفت رحم الله قاتل سلمان ای ابوذر سلمان باب الله است در زمین هر که معرفت بحال او داشته باشد مؤمن است و هر که انکار او کند کافر است و سلمان از ما اهل بیت است و ایضا وقتی مقدار بر سلمان وارد شد دید دیگی سربار گذاشته بدون آتش می جوشد به سلمان گفت ای ابو عبدالله دیگ بدون آتش می جوشد سلمان دو دانه سنگ برداشت و در زیر دیگ گذاشت سنگها شعله کشیدند مانند هیزم دیگ جوشش زیادتیر شد سلمان فرمود جوش دیگ را تسکین کن مقدار گفت چیزی نیست که در دیگ بزنم سلمان دست مبارک خود را مانند کفچه داخل در دیگ کرد و دیگ را بر هم زد .

سلمان فرزند یک زمین دار ایرانی اهل جی نزدیک اصفهان بود، هر چند درباره زادگاه وی اختلاف نظر است و در این باره از شهرهایی چون اصفهان، دشت ارژن استان فارس و رامهرمز خوزستان به عنوان زادگاه سلمان فارسی یاد شده است. برخی از محققان او را از خاندانی مزدکی می دانند، و برخی معتقدند از طبقه برگزیدگان جامعه مانوی بوده است. سلمان در آغاز در ایران با باورهای میتراپی آشنا بود و سپس باورهای زرتشتی و سپس باورهای مانوی و بدینگونه با حکمت و خرد ایران باستان آشنا بود. به غرب رفت و با باورهای مسیحی آشنا شد و سالها در آنجا در خدمت کلیسا بود و در کنار آنجا با عقاید یهودی بیشتر آشنا شد. در یثرب محمد «ص» را دید و با عقاید او آشنا شد. در سفینه البحار آمده است هنگامی که محمد به مدینه هجرت کرد با دعوت محمد «ص» با دین اسلام آشنا شد و مسلمان شد و محمد «ص» با مولای او قراردادی بست که سلمان کار کند و از درآمدهای خود، خود را آزاد کند. پیامبر و مسلمانان مدینه به او کمک کردند که بهای خود را (به مبلغ چهل نهال خرما و چهل وقیه - هر وقیه معادل چهل درهم) - به یهودی بپردازد و آزاد شود.

حضرت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) در کاظمین

امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در صبح روز یکشنبه هفتم صفر سال ۱۲۸ هـ ق در روستای ابواء سه میلی مدینه (هر میل ۱۶۰۹ متر است) بدنیا آمد و در روز جمعه ششم رجب یا ۲۵ رجب در سن ۵۵ سالگی که ۳۵ سال آن دوران امامت آن بزرگوار بود بدستور هارون الرشید و توسط سندی بن شاهک در زندان بوسیله نه عدد خرماى زهر آلوده مسموم و در سال ۱۸۳ هجری قمری به شهادت رسید پدر ایشان امام صادق (ع) و مادرش حمیده بربریه بود. مهدی عباسی حضرت را از مدینه به بغداد منتقل کرده و حبس نمود بعد از مدتی آزاد و به مدینه فرستادند. هادی عباسی هم امام (ع) را به زندان انداخت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دید که به او فرمود: فهل عستیم ان تولّیتهم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم. آرزو می کردید که اگر به حکومت رسیدید در زمین فساد کنید و قطع رحم نمائید. چون بیدار شد مراد آن حضرت را دانست و امر کرد حضرت را از حبس رها کردند. بعد از چندی بازخواست حضرت را حبس کند که اجل او را مهلت نداد و هلاک شد. هارون الرشید هم با سعایت علی بن اسماعیل بن جعفر برادرزاده آن بزرگوار و توطئه یحیی بن خالد برمکی آن حضرت را از مدینه به بصره منتقل و حبس نمود بعد از مدتی از بصره به بغداد منتقل و در بغداد حبس نمود و ظاهراً در بغداد هم دو مرتبه حبس شد. این روایت را علی ابن ابراهیم از پدرش نقل نموده که گفت شنیدم از بعضی اصحاب که می گفت وقتی رشید موسی بن جعفر (ع) را محبوس ساخت می ترسید از جانب او که او را بکشد چون شب در آمد وضو تازه کرد و روی به قبله نمود و چهار رکعت نماز کرد پس این دعا بر زبان راند. یا سَیِّدِ نَجْنی من حبس هارون الرشید و خَلَّصْنی من یدِهِ یا مَخْلَصُ السَّجَرَمَنِ بَیْنَ رَمْلِ و طَیْنِ و ماء و یا مَخْلَصُ اللَّبَنِ مِنْ بَیْنِ فَرثِ و دَمِ و یا مَخْلَصُ الْوَلَدِ مِنْ بَیْنِ مَشِیمَةِ و رَحِمِ و یا مَخْلَصُ النَّارِ مِنْ بَیْنِ الْحَدِیدِ و الْحَجَرِ و یا مَخْلَصُ الرُّوحِ مِنْ بَیْنِ الْأَحْشَاءِ و الْأَمْعَاءِ خَلَّصْنی مِنْ یدِی هَروَن . چون موسی علیه السلام این دعا کرد مردی سیاه در خواب هارون آمد شمشیری برهنه در دست داشت و بر سر او ایستاده و می گفت یا هارون رها کن موسی بن جعفر ع را وگرنه گردنت را با این شمشیر می زنم هارون ترسید و حاجب را صدا زد گفت برو زندان و موسی را رها کن حاجب بیرون آمد و در زندان را کوبید زندانبان گفت کیست گفت خلیفه موسی را می خواند زندانبان گفت یا موسی خلیفه ترا می خواند آن حضرت برخاست هراسان و گفت مرا میان شب جز برای شر نخواند پس گریان و غمگین نزد هارون آمد و سلام کرد، هارون جواب گفت و گفت بخدا قسم می دهم ترا که هیچ در این شب دعائی کردی؟ گفت آری! گفت چه بود؟ و حضرت شرح واقعه را گفت، هارون گفت خدای عزوجل دعای ترا اجابت نمود، پس آن جناب را سه خلعت داد و اسب خود را مرکوب او ساخت و اکرامش نمود و ندیم خود

گردانید پس گفت آن کلمات را که خواندی به من تعلیم کن پس او را بحاجب سپرد تا بخانه رساند و موسی علیه السلام نزد او شریف و کریم شد و هر پنجشنبه نزد او می آمد تا بار دوم او را حبس نمود و رها نکرد تا به سندی بن شاهک سپرد آن ملعون او را به زهر شهید کرد .

دراپایمی که آن حضرت در حبس بود بسا می شد که هارون بر بام خانه می رفت و نظر می کرد در آن حجره ای که آن جناب را در آنجا حبس کرده بودند جامه میدید که بر زمین افتاده است و کسی را نمی دید روزی به ربیع گفت این جامه چیست که می بینم در این خانه؟ ربیع گفت این جامه نیست بلکه موسی بن جعفر است که هر روز بعد از طلوع آفتاب به سجده می رود تا وقت زوال در سجده می باشد، هارون گفت همانا این مرد از رهبانان و عباد بنی هاشم است، ربیع گفت هر گاه میدانی که او چنین است چرا او را در این زندان تنگ جا داده ای؟ هارون گفت هیئات غیر از این علاجی نیست یعنی برای دولت من در کار است که او چنین باشد . [شیردرزنجیرو روبه درشکار]

یکی از افرادی که در حومه بغداد مدفون است بشر حافی است که بر دست حضرت موسی بن جعفر علیه السلام توبه کرد، و سبب توبه او آن شد که روزی آن حضرت گذشت از در خانه او در بغداد شنید صدای ساز و آواز غناها و نی و رقص که از آن خانه بیرون می آمد پس بیرون آمد از آن خانه کنیزکی و در دستش خاکروبه بود آن خاکروبه را ریخت بر در خانه، حضرت به او فرمود ای کنیزک صاحب این خانه آزاد است یا بنده است؟ گفت آزاد است، فرمود راست گفتی اگر بنده بود از مولای خود می ترسید، کنیزک چون برگشت آقای او «بشر» بر سر سفره شراب بود، پرسید چه باعث شد ترا که دیر آمدی؟ کنیزک حکایت را برای بشر نقل کرد، بشر با پای برهنه بیرون دوید و خدمت آن حضرت رسید و عذر خواست و گریه کرد و اظهار شرمندگی نمود و از کار خود توبه کرد بر دست شریف آن حضرت، و بشر را سه خواهر بوده که بر طریقه او سلوک می کردند .

متعبده شدن کنیزها رون به برکت آن حضرت : روزی هارون فرستاد به نزد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام کنیزی عاقله و صاحب جمال را که آن جناب را خدمت کند در زندان و ظاهراً نظرش در این کار آن بود که شاید حضرت بسوی او میل نماید و قدر او در نظر مردم کم شود یا آنکه برای تضييع آن جناب بهانه بدست آورد و خادمی فرستاد که تفحص از حال او نماید خادم دید آن کنیز را که پیوسته در سجده است و می گوید قَدُوس قَدُوس سُبْحانک سُبْحانک، پس بردند او را نزد هارون دیدند از خوف خدا می لرزد و چشم به آسمان دوخته و مشغول گشت به نماز.

در ایام شهادت آن حضرت هارون بشام رفت و یحیی بن خالد سندی ابن شاهک را امر کرد به قتل آن حضرت ... پس جنازه نازینش را در محضر مردم آوردند که تماشا کنند که اثر جراحی در او نیست و محضری تمام کردند که آن حضرت به مرگ خود از دنیا رفته است و سه روز آن حضرت را در میان راه مردم نهادند که هر که از آنجا بگذرد آن حضرت را ملاحظه کند و شهادت خود را در آن

محضر بنویسد. و آن بازاری که نعش شریف در آن گذاشته بودند نامیده شد به سوق الریاحین و در آن موضع شریف بنائی ساختند و دری بر آن قرار دادند که مردم پا بر آن موضع نگذارند بلکه تبرک بجویند به آن و زیارت کنند آن محل را. و صاحب تاریخ ما زندان گفته من مکرر به آن موضع مشرف گشته ام و آن محل را بوسیده ام. و ایضا جنازه شریف را آوردند و گذاشتند بر جسر بغداد و ندا کردند که این موسی بن جعفر است وفات کرده نگاه کنید به او مردم می آمدند و نظر به صورت مبارکش می نمودند می دیدند وفات کرده است پس در این حال که سندی و مردمان در روی جسد اجتماع کرده بودند اسب سندی رم کرد و او را در آب افکند پس سندی همانند فرعون غرق شد در آب و خداوند تعالی متفرق کرد جماعت یحیی بن خالد را .

سلیمان بن ابی جعفر عموی هارون قصری داشت در کنار شط چون صدای غوغای مردم را شنید از قصر بزیار آمد و غلامان خود را امر کرد که آن جنبشیان را دور کردند و خود عمامه از سر انداخت و گریبان چاک زد و پای برهنه در جنازه ی آن حضرت روانه شد و حکم کرد که در پیش جنازه ی آن حضرت ندا کنند که هر که خواهد نظر کند به طیب پسر طیب بیاید نظر کند بسوی جنازه ی موسی بن جعفر علیه السلام پس جمیع مردم بغداد جمع شدند و صدای شیون و فغان از زمین به آسمان می رسید و نعش آن حضرت را مشایعت کردند به مقابر قریش آوردند .

روایت کرده یکی از خادمان حضرت امام موسی علیه السلام که چون حضرت موسی (ع) را از مدینه بجانب عراق بردند آن جناب حضرت امام رضا علیه السلام را امر کرد که هر شب مادامی که من زنده ام و خبر وفاتم بتو نرسیده باید که بر در خانه بخوانی راوی (خادم حضرت) گوید که هر شب رختخواب آن حضرت را در دهلیز خانه می گشودیم چون بعد از عشاء می شد میآمد و در دهلیز خانه بسر می برد تا صبح چون صبح می شد بخانه تشریف میبرد و چهار سال به این حال بسر برد تا یک شبی فراش آن حضرت را گسترديم آن جناب نیامد به این سبب خاطر زاکیه اهل و عیال مستوحش شد و ما هم از نیامدن آن حضرت ترسان و وحشتناک شدیم تا صبح چون صبح طالع گردید آن خورشید رفعت و جلالت در خانه تشریف برد و رفت نزد ام احمد که بانوی خانه بود و فرمود بیاور آن ودیعتی که پدر بزرگوارم بتو سپرده تسلیم من نما، ام احمد چون این سخن استماع نمود آغاز نوحه و زاری کرد و از سینه پر درد آه سرد بر آورد که وای آن مونس دل دردمندان و انیس جان مستمندان این دار فانی را وداع گفته، پس آن جناب وی را تسلی داده از زاری و بی قراری منع نمود و فرمود که این راز را افشا مکن تا خبر شهادت آن حضرت به والی مدینه رسد، پس ام احمد وداعی که نزد او بود به آن حضرت سپرد و گفت روزی که آن گل بستان نبوت و امامت وداع می فرمود این امانتها را به من سپرد و فرمود که کسی را به این امر مطلع نساز، هر گاه که من فوت شدم هر یک از فرزندان من نزد تو آمد و از تو مطالبه آنها نمود باو تسلیم کن و بدان که در آن وقت من دنیا را وداع کرده ام.

بنای حرم و بارگاه موسی بن جعفر (ع) اول توسط سلیمان عموی هارون بوده است پس از آن دیالمه بنای مفصلی نهادند سپس زمان صفویّه تجدید بنا شد شاه اسماعیل دو گنبد بردو روضه منوره نهاد. محقق بهبهانی رحمه الله در تعلیقه بر رجال کبیر در احوال علی بن مسیب همدانی فرموده که در بعضی کتب معتمده است که او را با حضرت موسی بن جعفر علیه السلام گرفتند و در بغداد او را در همان مجلس موسی بن جعفر علیه السلام حبس کردند و چون طول کشید مدت حبس او و شوق سختی پیدا کرد بملاقات با عیال خویش حضرت فرمود غسل کن چون غسل کرد حضرت فرمود چشم را بر هم گذار پس فرمود بگشا چشمان خود را چون گشود خود را نزد قبر امام حسین علیه السلام دید پس نماز گزارند نزد آنحضرت و زیارت نمودند پس فرمود دیدگان را بر هم نه بعد فرمود بگشا چون گشود خود را نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله دید در مدینه فرمود این قبر پیغمبر است پس برو نزد عیال خود تجدید عهد کن و مراجعت کن بنزد من رفت و برگشت دوباره فرمود چشم بهم گذار پس فرمود بازکن چون چشم گشود خود را با آن حضرت در بالای کوه قاف دید و در آنجا چهل نفر از اولیاء الله دید که تمام اقتدا کردند با امام موسی علیه السلام و بعد از آن فرمود چشم بهم نه و بگشا چون گشود خود را با آن حضرت در زندان دید.

مفضل بن عمر می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام امام پس از خود را موسی بن جعفر علیه السلام معرفی کرده بود ولی پس از شهادتش، پسر او به نام عبدالله افطح که پس از اسماعیل - که در زمان خود امام صادق از دنیا رفت - بزرگترین پسر امام بود، ادعای امامت نمود و گروهی را به دور خود جمع کرد. موسی بن جعفر علیه السلام دستور داد هیزم فراوانی در میان خانه جمع کردند، سپس اصحاب بزرگ و برادرش عبدالله را احضار فرمود. پس از آنکه همه حاضر شدند به دستور امام، هیزمها را به آتش کشیدند؛ و هیچ کس نمی دانست نقشه حضرت چیست. وقتی شعله های آتش گسترده شد، امام علیه السلام از جا برخاست، داخل آتش شد و میان شعله های آتش نشست و شروع کرد به صحبت کردن. یک ساعت به همین منوال گذشت. آن گاه از جا برخاست و از میان شعله های آتش بیرون آمد و در میان اصحاب نشست. سپس رو به برادرش عبدالله کرد و فرمود: «اگر چنین گمان می کنی که تو امام بعد از پدر هستی، در میان آتش بنشین و با مردم سخن بگو» عبدالله از زور خجالت و غضب، رنگ به رنگ شد و از منزل امام بیرون رفت. «بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۶۷، ح ۸۹ از خزائن»

حدیث:

قال الإمام موسى بن جعفر الكاظم صلوات الله عليه: وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَالثَّانِيَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ، وَالثَّالِثَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ، وَالرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يَحْرِجُكَ عَنْ دِينِكَ. «كافي: ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۱، اعيان الشيعة: ج ۲، ص ۹، نزهة الناظر: ص ۱۲۱، ح ۱»

حضرت امام جواد (علیه السلام) در کاظمین

امام نهم محمد تقی جواد الائمه علیه السلام در شب جمعه دهم رجب سال ۱۹۵ هـ ق در مدینه منوره بدنیا آمد و در سن هفت سالگی یا نه سالگی بود که پدرش امام رضا علیه السلام در طوس به شهادت رسید. آن حضرت به مقام عظمای امامت رسید و حضرت رضا علیه السلام به این امر تصریح فرموده اند: هذا ابوجعفر قد اجلسه مجلسی و صیرته فی مکانی. این ابوجعفر است که من او را به جای خود می نشانم و در مکان خود قرار می دهم. کافیه با اسناد خود از خیراتی روایت می کند که گفت من در خراسان نزد ابوالحسن علیه السلام بودم و فردی به ایشان گفت مولای من اگر مرگ شما فرا رسید به چه کسی روی آوریم؟ گفت بسوی پسر من ابوجعفر، گویند ابوجعفر را کم سن و سال شمرده ابوالحسن علیه السلام پاسخ داد خداوند تبارک و تعالی عیسی بن مریم علیه السلام را فرستاد و پیامبر و صاحب شریعت خود قرار داد در حالی که سن او کمتر از سن کنونی ابوجعفر علیه السلام بود. پس از شهادت حضرت رضا علیه السلام مامون به جهات متعدده تصمیم گرفت دخترش ام الفضل را به ازدواج امام جواد علیه السلام در آورد، عباسیان که می ترسیدند مامون امام جواد علیه السلام را مانند امام رضا علیه السلام ولیعهد خود قرار دهد کمی سن آن حضرت را بهانه کردند و او را از این کار منع کردند، و لیکن مامون که علی رغم کمی سن آن حضرت به برتری ایشان بر تمام فاضلان در علم و معرفت آگاه بود گفت اگر برتری او را قبول ندارید او را امتحان کنید، لذا مجلسی ترتیب دادند و یحیی بن اکثم قاضی القضاة بغداد و علمای زمان را هم دعوت کردند که با آن حضرت مناظره نمایند و امام جواد علیه السلام نه تنها پاسخ همه سئوالات آنها را داد که سئوالاتی از آنها کرد و در جواب عاجز شدند و برتری ایشان بر تمامی علما و دانشمندان علی رغم کمی سن بر همه آشکار شد و در همان مجلس ام الفضل را به عقد ایشان در آوردند، و پانزده سال حضرت با ام الفضل در مدینه زندگی کردند ولی از آنجائی که ام الفضل عقیم بود حضرت با کنیز مغربیه بنام سمانه ازدواج کرد که امام هادی علیه السلام از ایشان متولد شد، و مامون در ۱۷ رجب سال ۳۱۸ هـ ق از دنیا رفت و برادرش معتصم بجای او نشست و امام جواد علیه السلام را از مدینه به بغداد فرا خواند و آن حضرت ۲۸ محرم سال ۲۲۰ هـ ق با همسرش ام الفضل به بغداد آمد و توطئه قتل آن حضرت توسط ام الفضل و همدستی برادرش جعفر و عمویش معتصم طراحى گردید و سعى را که در انگور تزریق کرده بودند توسط ام الفضل به خوراک امام جواد علیه السلام دادند و آن حضرت را در ۲۵ سالگی شهید کردند و جنازه شریف آن جناب را بعد از غسل و کفن و علی الظاهر نماز خواندن واثق بالله بر بدن آن بزرگوار و در واقع فرزند بزرگوارش امام علی النقی (ع) در مقابر قریش پشت سر جد بزرگوارش امام موسی علیه السلام دفن نمودند.

هنگامی که امّ الفضل انگور رازقی زهر آلوده را به نزد آن امام مظلوم آورد چون حضرت از آن تناول نمود اثر زهر در بدن مبارکش ظاهر شد، امّ الفضل از کرده خود پشیمان شد و گریه و زاری می کرد، حضرت فرمود الحال که مرا کشتی گریه می کنی بخدا سوگند که به بلائی مبتلا خواهی شد که مرهم پذیر نباشد، پس از شهادت امام جواد علیه السلام معتصم امّ الفضل را بحرم خود طلبید و در همان زودی ناسوری (زخم چرکین) در فرج او به هم رسید که هر چند اطباء معالجه کردند مفید نیفتاد تا آنکه از حرم معتصم بیرون آمد و آنچه داشت از مال دنیا صرف مداوای آن مرض کرد و چنان پریشان شد که از مردم سؤال می کرد و با بدترین احوال هلاک شد و جعفر برادر او نیز در حال مستی بچاه افتاد و مرده او را از چاه بیرون آوردند.

بصائر الدرجات روایت کرده از مردی که همیشه با حضرت امام محمد تقی علیه السلام بود گفت در آن وقتی که حضرت در بغداد بود روزی خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام در مدینه نشسته بودیم و آن حضرت لوحی در پیش داشت و می خواند ناگاه تغییر در حال آن حضرت ظاهر شد پس برخاست و داخل خانه شد ناگاه صدای شیون شنیدیم که از خانه آن حضرت بلند شد بعد از ساعتی حضرت بیرون آمد از سبب آن احوال پرسیدیم فرمود که در این ساعت پدر بزرگوارم وفات فرمود .

پدر آن بزرگوار امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام و مادر آن بزرگوار امّ ولدی بود که او را سبیکه می گفتند و حضرت امام رضا علیه السلام او را خیزران نامید و آن معظمه از اهل نوبه و از اهل بیت ماریه قبطیه مادر حضرت ابراهیم پسر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آن مخدّره اشاره کرده است بابتی ابن خیرة الاماء التّوبیه الطّیبه .

حکایت تزویج امّ الفضل به امام جواد علیه السلام: چون مأمون را بعد از شهادت حضرت امام رضا علیه السلام مردم بر زبان داشتند و او را هدف طعن و ملامت می ساختند می خواست که به ظاهر خود را از آن جرم و خطا بیرون آورد چون از سفر خراسان به بغداد آمد نامه ای به خدمت امام محمد تقی علیه السلام نوشت به اعزاز و اکرام تمام آن جناب را طلبید، چون آن حضرت به بغداد تشریف آورد پیش از آنکه مأمون آن جناب را ملاقات کند روزی به قصد شکار سوار شد در اثناء راه به جمعی از کودکان رسید که در میان راه ایستاده بودند و حضرت جواد علیه السلام نیز در آنجا ایستاده بود، چون کودکان کوکبه مأمون را مشاهده کردند پراکنده شدند مگر آن حضرت که از جای خود حرکت نفرمود و با نهایت تمکین و وقار در مکان خود قرار داشت تا آنکه مأمون به نزدیک آن حضرت رسید و از مشاهده انوار امامت و جلالت و ملاحظه اثر متانت و مهابت آن حضرت، متعجب گردیده و عنان کشید و پرسید که ای کودک! چرا مانند کودکان دیگر از سر راه دور نشدی و از جای خود حرکت ننمودی؟ حضرت فرمود که ای خلیفه! راه تنگ نبود که بر تو گشاده گردانم و جرمی و خطایی نداشتم که از تو بگریزم و گمان ندارم که بی جرم، تو کسی را در معرض عقوبت

درآوری . از استماع این سخنان تعجب مأمون زیاد گردید و از مشاهده حسن و جمال او دل از دست داد، پس پرسید که ای کودک! چه نام داری؟ فرمود: محمد نام دارم ، گفت : پسر کیستی؟ فرمود: پسر علی بن موسی الرضا علیه السلام . مأمون چون نسب شریفش را شنید تعجبش زایل گردید و از استماع نام آن امام مظلوم که او را شهید کرده بود منفعل گردید و صلوات و رحمت بر آن حضرت فرستاد و روانه شد، چون به صحرا رسید نظرش بر درّاجی افتاد (بازی) از پی او رها کرد آن (باز) مدتی ناپیدا شد چون از هوا برگشت ماهی کوچکی در منقار داشت که هنوز بقیه حیاتی در آن بود، مأمون از مشاهده آن حال در شگفت شد و آن ماهی را در کف گرفت و معاودت نمود چون به همان موضع رسید که در هنگام رفتن حضرت جواد علیه السلام را ملاقات کرده بود باز دید که کودکان پراکنده شدند و حضرت از جای خود حرکت نفرمود، مأمون گفت : ای محمد! این چیست که در دست دارم؟ حضرت به الهام ملک علام فرمود که حق تعالی دریایی چند خلق کرده است که ابر از آن دریاها بلند می شود و ماهیان ریزه با ابر بالا می روند و بازهای پادشاهان آن را شکار می کنند و پادشاهان آن را در کف می گیرند و سلاله نبوت را به آن امتحان می نمایند، مأمون از مشاهده این معجزه تعجبش افزون شد و گفت : حقّا که تویی فرزند امام رضا علیه السلام و از فرزند آن بزرگوار این عجایب و اسرار بعید نیست ، پس آن حضرت را طلبید و اعزاز و اکرام بسیار نمود و اراده کرد که امّ الفضل دختر خود را به آن حضرت تزویج نماید، از استماع این قضیه بنی عباس به فغان آمدند و نزد مأمون جمعیت کردند و گفتند خلعت خلافت که اکنون بر قامت بنی عباس درست آمد و این شرف و کرامت در ایشان قرار گرفته چرا می خواهی که از میان ایشان به در بری و بر اولاد علی بن ابی طالب قرار دهی با آن عداوت قدیم که در میان سلسله ما و ایشان بوده است و آنچه در حق امام رضا «علیه السلام» کردی خاطرهای ما همیشه از آن نگران بود تا آنکه مهم او کفایت شد، مأمون گفت : سبب آن عداوت پدران شما بودند اگر ایشان خلافت ایشان را غصب نمی کردند عداوتی در میان ما و ایشان نبود و ایشان سزاوارترند به امامت و خلافت از ما، ایشان گفتند: این کودکی است خردسال و هنوز اکتساب علم و کمال ننموده است اگر صبر کنی که او کامل شود بعد از آن به او مزاجت نمایی انسب خواهد بود، مأمون گفت : شما ایشان را نمی شناسید، علم ایشان از جانب حق تعالی است و موقوف بر کسب و تحصیل نیست و صغیر و کبیر ایشان از دیگران افضلند و اگر خواهید شما را معلوم شود علمای زمان را جمع کنید و با او مباحثه نمایید، ایشان یحیی بن اکثم را که اعلم علمای ایشان بود و در آن وقت قاضی بغداد بود اختیار کردند و مأمون مجلسی عظیم ترتیب داد و یحیی بن اکثم و سایر علما و اشراف را جمع کردند پس مأمون امر کرد که صدر مجلس را برای آن حضرت فرش کردند و دو متکا برای آن حضرت نهادند، پس حضرت جواد علیه السلام تشریف آورد در حالی که هفت سال و چند ماه از سن شریفش گذشته بود و

در موضع خود بین المسورتین نشست و یحیی بن اکثم مقابل آن حضرت نشست و مردم هم هر کدام در مرتبه خود نشستند و جای مامون را پهلوی حضرت جواد علیه السلام قرار دادند. پس یحیی خواست به جهت امتحان آن حضرت مسأله سؤ ال کند اَوَّل رو کرد به ماءمون و گفت: یا امیرالمؤمنین! رخصت می دهی از ابوجعفر مسأله سؤ ال کنم؟ ماءمون گفت: از خود آن جناب دستور بطلب، یحیی از آن حضرت اذن طلبید، حضرت فرمود: ماءذونی، پیرس اگرخواهی، یحیی گفت: فدایت شوم چه می فرمایی در حق کسی که محرم بود و قتل صید کرد؟ حضرت فرمود: در حل کشت او را یا در حرم، عالم بود یا جاهل، از روی عمد کشت یا از خطا، آزاد بود یا بنده، صغیر بود یا کبیر، این از صغار صید بود یا از کبار آن، این محرم اصرار دارد یا پشیمان شده، در شب بود صید آن یا درروز، احرام عمره او است یا احرام حج او؟ یحیی از شنیدن این فروع در تحیر ماند و هوش از سرش به دررفت و عجز از صورتش ظاهرشد و زبانش در تلجلج افتاد. این وقت بر حضار مجلس امر واضح شد، پس ماءمون حمد کرد خدا را و گفت: آیا دانستید الآن آنچه را که منکر بودید؟ پس روکرد به آن حضرت وگفت: آیا خطبه میکنی؟ فرمود: بلی، عرض کرد: پس خطبه تزویج دخترم ام الفضل را از برای خود بخوان چه آنکه من شما را برای دامادی خود پسندیدم اگرچه گروهی از این وصلت کراهت دارند و دماغشان به خاک مالیده خواهد شد، پس حضرت شروع کرد به خواندن خطبه نکاح و فرمود: الْحَمْدُ لِلَّهِ إِقْرَأُوا بِنِعْمَتِهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِخْلَاصًا لَوْحْدَانِيَّتِهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ وَ الْأَصْغِيَاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ. أَمَّا بَعْدُ. فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَى الْأَنَامِ أَنْ أَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَامَّاكُمْ إِنْ يَكُونُوا قُرَّاءَ يَغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. پس حضرت با ماءمون صیغه نکاح را خواند و ام الفضل را تزویج کرد و صداق آن را پانصد درهم جیاد موازی مهر جدّه اش حضرت فاطمه سلام الله علیها قرار داد...

حرز معروف به حرز جواد علیه السلام:

در ضمن حکایتی نقل شده که حضرت جواد علیه السلام به مامون گفت نزد من دعائی است متحصّن ساز نفس خود را به آن و حرز کن خود را به آن از بديها و بلاها و مکروهات همچون که خدا مرا دیشب از شرّ تو نگاهداشت و اگر لشکرهای روم و ترک را ملاقات کنی و تمامی بر تو جمع شوند با جمیع اهل زمین از ایشان بتو بدی نرسد ... جهت آن از نقره پاک لوله ساز «آنچه خواهم گفت بر آن نقره نویس و چون خواهی بر باز و بندی وضوی کامل بگیر و چهار رکعت نماز بخوان در هر رکعت حمد یک مرتبه و آیه الكرسي و شهدالله و الشمس و ضحیها وواللیل و توحید هر کدام را هفت مرتبه و چون از نماز فارغ شدی بر بازوی راست خود بند تا در محل سختیها و تنگیها بحول و قوه خدا

سالم مانی از هر چه ترسی و حذر کنی و می بایست که در وقت بستن حرز به بازو قمر در عقرب نباشد و حرز شروع می شود با بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين ...

از کلیم بن عمران روایت است که گفت خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم دعا کن حقتعالی ترا فرزندی کرامت فرماید حضرت فرمود که حق تعالی به من یک پسر کرامت خواهد کرد و او وارث امامت من خواهد بود چون حضرت امام محمد تقی علیه السلام متولد شد حضرت فرمود که حق تعالی به من فرزندی عطا کرده است که شبیه است به موسی بن عمران علیه السلام که دریاها را می شکافت و نظیر عیسی بن مریم علیه السلام است که حق تعالی مقدس گردانیده بود مادر او را و طاهر و مطهر آفریده شده بود پس حضرت فرمود که این فرزند من بجور و ستم کشته خواهد شد و بر او خواهند گریست اهل آسمانها و حقتعالی غضب خواهد کرد بر دشمن او و کشنده او و ستم کننده بر او و بعد از قتل او از زندگانی بهره نخواهد برد و بزودی بعذاب الهی و اصل خواهد گردید، و در شب ولادت او آن حضرت تا بصبح در گهواره با او سخن می گفت و اسرار الهی را بگوش الهام نیوش او می رسانید .

علی بن ابراهیم از پدرش نقل کرده است که گفت رخصت خواستند گروهی از اهل نواحی از ورود بر حضرت جواد علیه السلام آن جناب اذن داد پس داخل شدند و سؤال کردند از آن حضرت در یک مجلس از سی هزار مسئله حضرت جواب داد همه را و در آنوقت آن حضرت ده سال داشت .

یحیی بن اکثم گفت روزی داخل مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله شدم طواف می کردم بقبر مبارک رسیدم محمد بن علی الرضا علیه السلام را که طواف می کرد بقبر مبارک دیدم پس مناظره کردم با آن حضرت در مسائلی که نزد من بود یعنی آنها را خوب می دانستم پس جواب آنها را فرمود، آنگاه گفتم به آن حضرت که والله من می خواهم یک مسئله از شما بپرسم و خجالت می کشم؟ آن حضرت فرمود من خبر می دهم ترا به آن پیش از آنکه از من بپرسی آنرا و آن اینست که می خواهی بپرسی از من از امام، گفتم بلی همین است سؤال من بخدا سوگند، فرمود منم امام، گفتم علامتی می خواهم، در دست آنحضرت عصائی بود بنطق آمد و گفت همانا مولای من امام این زمان است و اوست حجة .

نما ز اول ماه : حضرت جواد علیه السلام فرمود هر کس در روز اول هر ماه دو رکعت نماز بخواند و پس از آن صدقه ای بفقیر دهد در بیمه سلامتی داخل و تندرستی یک ماه را از ایزد متعال خریداری کرده، و این نماز را به دو طریق می توان خواند: ۱- در رکعت اول حمد و سی قل هو الله احد و در رکعت دوم حمد و سی انا انزلناه. ۲- رکعت اول حمد و یک قل هو الله و رکعت دوم حمد و یک انا انزلناه.

زیارت مشترک حضرت موسی بن جعفر و امام جواد (ع)

زیارت مشترک میان دو امام همام علیهما السلام دو قسم است :

قسم اول آنکه آن را برای هر کدام علی حدّه باید خواند چنانکه شیخ جلیل جعفر بن محمد قولویه قمی در کامل الزیارة از حضرت امام علی التّقی علیه السلام روایت کرده که در زیارت هر يك از آن دو امام چنین بگو :

اَللّٰهُمَّ عَلَيَّكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا نُوْرَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَلسَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا مَنْ بَدَا لِلّٰهِ فِي شَأْنِهِ اَتَيْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ مُوَالِيًا لِاَوْلِيَائِكَ فَاشْفَعْ لِيْ عِنْدَ رَبِّكَ يَا مُوَلَايَ (يا موسى بن جعفر عليه السلام) (يا محمد بن علي عليه السلام)

قسم دوم زیارتی است که به خواندن آن هر دو امام علیهما السلام زیارت شوند و آن چنان است که شیخ مفید و شهید و محمد بن المشهدی ذکر کرده‌اند که در زیارت آن دو بزرگوار همین که ایستادی نزد ضریح طاهر می‌گویی :

اَللّٰهُمَّ عَلَيَّكَمَّ يَا وَلِيَّيَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيَّكَمَّ يَا حُجَّتَيِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيَّكَمَّ يَا نُوْرَيِ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمَا عَنِ اللّٰهِ مَا حَمَلْتُمَا وَ حَفِظْتُمَا مَا اسْتُوْدِعْتُمَا وَ حَلَلْتُمَا حَلَالَ اللّٰهِ وَ حَرَّمْتُمَا حَرَامَ اللّٰهِ وَ اَقَمْتُمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ وَ تَلَوْتُمَا كِتَابَ اللّٰهِ وَ صَبَرْتُمَا عَلَى الْاَذَى فِي جَنْبِ اللّٰهِ مُحْتَسِبَيْنِ حَتَّى اَتَاَكُمَا الْيَقِيْنُ اُبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ مِنْ اَعْدَائِكُمَا وَ اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ بِوَلَايَتِكُمَا اَتَيْتُكُمْ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ مُوَالِيًا لِاَوْلِيَائِكُمَا مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكُمَا مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي اَنْتُمَا عَلَيْهِ عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمَا فَاشْفَعَا لِيْ عِنْدَ رَبِّكُمَا فَاِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ جَاهًا عَظِيْمًا وَ مَقَامًا مَّحْمُوْدًا .

پس ببوس تربت شریف آنجا را و بگذار روی راست را بر آن پس برو به جانب سر مقدس و بگو:

اَللّٰهُمَّ عَلَيَّكَمَّ يَا حُجَّتَيِ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ عَبْدُكُمْ وَ وَلِيَّكُمْ زَائِرُكُمْ مُتَقَرِّبًا اِلَى اللّٰهِ بِزِيَارَتِكُمَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ لِسَانَ صِدْقٍ فِيْ اَوْلِيَائِكَ الْمُصْطَفَيْنِ وَ حَبِّ اِلَى مَشَاهِدِهِمْ وَ اجْعَلْنِيْ مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

پس نماز زیارت کن از برای هر امامی دو رکعت و بخوان خدا را به آنچه می‌خواهی.

حدیث: قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا كَمِيْلُ، قُلِ الْحَقُّ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَوَادِدِ الْمُتَّقِينَ، وَاهْجُرِ الْفَاسِقِينَ، وَجَانِبِ الْمُنَافِقِينَ، وَلَا تُصَاحِبِ الْخَائِنِينَ. در هر حالتی حق را بگو و مدافع آن باش، دوستی و معاشرت با پرهیزگاران را ادامه ده، و از فاسقین و معصیت کاران کناره گیری کن، و از منافقان دوری و فرار کن، و با خیانتکاران همراهی و هم نشینی منما.

زیارت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

در روایات زیارت موسی بن جعفر علیه السلام مثل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و زیارت امام حسین علیه السلام شمرده شده است و پاداش زیارت کننده بهشت است و توسل به آن حضرت وسیله آسان شدن دشواریها است . پس چنانکه سید بن طاوس در مزار نقل نموده آن است که: چون خواستی آن حضرت را زیارت کنی سزاوار است که غسل کنی پس روانه شوی به زیارت با تأتی و وقار همین که به در حرم رسیدی بایست و بگو :

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى هِدَايَتِهِ لِدِينِهِ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا دَعَا اِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَكْرَمُ مَقْصُوْدٍ وَّ اَكْرَمُ مَا تَتٰى وَّ قَدْ اَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا اِلَيْكَ بِابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلٰى اَبَائِهِ الطّٰهَرِيْنَ وَ اَبْنَائِهِ الطّٰيِبِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِيْ وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِيْ وَ اجْعَلْنِيْ عِنْدَكَ وَجِيْهًا فِى الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ .

پس داخل شو و مقدم دار پای راست خود را و بگو :

بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ فِى سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ عَلٰى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ .

پس همین که رسیدی به در قبه شریفه بایست و اذن طلب کن و بگو :

أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَدْخُلْ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ أَدْخُلْ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ أَدْخُلْ يَا أَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ أَدْخُلْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ أَدْخُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَيْنَ أَدْخُلْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ أَدْخُلْ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَدْخُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ .

پس داخل شو و چهار مرتبه بگو : اَللّٰهُ اَكْبَرُ پس بایست مقابل قبر و قبله را پشت کتف خود قرار بده پس بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنِ وَلِيِّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنِ حُجَّتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْنَ اللّٰهِ وَابْنِ اَمِيْنِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِى ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ الْهُدٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ الدِّيْنِ وَالتَّقٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ الْمُرْسَلِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَائِبَ الْاَوْصِيَاءِ السَّابِقِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحٰى الْمُبِيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ الْيَقِيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِيْبَةَ عِلْمِ الْمُرْسَلِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اِنَّهَا الْاِمَامُ الصّٰلِحُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اِنَّهَا الْاِمَامُ

الرَّاهِدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْعَابِدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ السَّيِّدُ الرَّشِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 أَيُّهَا الْمَقْتُولُ الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ وَصِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَا
 مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكَ وَحَفِظْتَ مَا
 اسْتَوْدَعَكَ وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ وَأَقَمْتَ أَحْكَامَ اللَّهِ وَتَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ وَ
 صَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَأَشْهَدُ
 أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الظَّاهِرُونَ وَأَجْدَادُكَ الطَّيِّبُونَ الْأَوْصِيَاءُ الْهَادُونَ
 الْأَيُّمَةُ الْمَهْدِيُّونَ لَمْ تُؤْثِرْ عَمَى عَلَى هُدًى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلَى بَاطِلٍ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نَصَحْتَ
 لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَّكَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَاجْتَنَبْتَ الْخِيَانَةَ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ
 الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا مُجْتَهِدًا مُحْتَسِبًا حَتَّى
 أَتَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَأَشْرَفَ الْجَزَاءِ أَتَيْتَكَ يَا ابْنَ
 رَسُولِ اللَّهِ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مُقِرًّا بِفَضْلِكَ مُحْتَمِلًا لِعِلْمِكَ مُحْتَجِبًا بِذِمَّتِكَ عَانِدًا بِقَبْرِكَ لَائِدًا
 بِضَرِيحِكَ مُسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَى اللَّهِ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ وَبِالْهُدَى
 الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ عَالِمًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ وَبِالْعَمَى الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ بِأَبَى أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَ
 أَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا بِزِيَارَتِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَمُسْتَشْفِعًا بِكَ
 إِلَيْهِ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَيَعْفُو عَن جُرْئِي وَيَتَجَاوَزَ عَن سَيِّئَاتِي وَيَمْحُو
 عَنِّي خَطِيئَاتِي وَيُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ وَيَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَيَغْفِرَ لِي وَلِأَبَائِي وَلِإِخْوَانِي وَ
 أَخَوَاتِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ وَمَنِّهِ .

پس بپرداز خود را بر قبر و ببوس آن را و بگذار دو طرف روی خود را بر آن و دعا کن به آنچه
 می خواهی پس برگرد به جانب سر و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَ
 الْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ وَأَنَّكَ مَعْدِنُ التَّنْزِيلِ وَصَاحِبُ التَّوْوِيلِ وَحَامِلُ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْعَالِمُ
 الْعَادِلُ وَالصَّادِقُ الْعَامِلُ يَا مَوْلَايَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ
 فَصَلِّ اللَّهَ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ وَشِعْبَتِكَ وَ مُحِبِّكَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

صلوات بر موسی بن جعفر علیه السلام

که محتوی است بر شمه ای از فضایل و مناقب و عبادات و مصائب آن حضرت :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْأَبْرَارِ وَ إِمَامِ الْأَخْبَارِ وَ
 عِيْبَةِ الْأَنْوَارِ وَ وَارِثِ السَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ وَ الْحُكْمِ وَ الْآثَارِ الَّذِي كَانَ يَخْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى
 السَّحْرِ بِمُؤَاصَلَةِ الْأَسْتِغْفَارِ حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ وَ الدُّمُوعِ الْغَزِيرَةِ وَ الْمُنَاجَاةِ الْكَثِيرَةِ وَ

الضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ وَمَقَرِّ النَّهْيِ وَالْعَدْلِ وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ وَالنَّدَى وَالْبَذْلَ وَمَالَفِ الْبُلُوَى وَالصَّبْرَ وَالْمُضْطَّهَدِ بِالظُّلَمِ وَالْمَقْبُورِ بِالْجَوْرِ وَالْمُعَذِّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ وَظَلَمِ الْمَطَامِيرِ ذِي السَّاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلْقِ الْقَيْودِ وَالْجَنَازَةِ الْمُنَادَى عَلَيْهَا بِذُلِّ الْاِسْتِخْفَافِ وَالْوَارِدِ عَلَى جَدِّهِ الْمُصْطَفَى وَآبِيهِ الْمُرْتَضَى وَأُمِّهِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ بِإِزْثِ مَغْصُوبٍ وَوَلَاءِ مَسْلُوبٍ وَأَمْرِ مَغْلُوبٍ وَدَمٍ مَطْلُوبٍ وَسَمِّ مَشْرُوبِ اللَّهِمَّ وَكَمَا صَبَرَ عَلَى غَلِيظِ الْمَحَنِ وَتَجَرَّعَ غُصَصَ الْكُرْبِ وَاسْتَسْلَمَ لِرِضَاكَ وَأَخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ وَمَحَضَ الْخُشُوعَ وَاسْتَشَعَرَ الْخُضُوعَ وَعَادَى الْبِدْعَةَ وَأَهْلَهَا وَلَمْ يَلْحَقْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَوْامِرِكَ وَنَوَاهِيكَ لَوْمَةً لَا تَمِيزُ صَلَاةً نَامِيَةً مُنِيفَةً زَاكِيَةً تُوجِبُ لَهُ بِهَا شَفَاعَةً أُمِّمٍ مِنْ خَلْقِكَ وَقُرُونٍ مِنْ بَرَايَاكَ وَبَلَّغَهُ عَنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَمِيمِ وَالتَّجَاوُزِ الْعَظِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ترجمه: خدایا درود فرست بر محمد و اهل بیتش، و درود فرست بر موسی بن جعفر، جانشین نیکوکاران، و پیشوای خوبان و خزانه انوار، و وارث آرامش و متانت و حکمت ها و آثار، آن که همواره شب را با بیداری تا سحر، با به هم پیوستن استغفار زنده میداشت، هم پیمان سجده های طولانی، و اشک های سرشار و رازونیز بسیار، و ناله های به هم پیوسته، و قرارگاه خرد و عدالت و خوبی و کرم و بذل، و خوگرفته به بلا و صبر، پایمال شده به ستم، و دفن شده به بی عدالتی و معذب در عمق زندان ها و تاریکی های زیرزمین ها، با ساق کوبیده، به حلقه های زنجیرها، و جنازه ای که با خواری و سبک انگاشتن بر آن جار زده شده، وارد شونده بر جدش مصطفی و پدرش مرتضی و مادرش سرور بانوان، با اثری غصب شده، و حکومتی ربوده، و فرمانی مغلوب، و خونی خواسته، و زهری نوشانده، خدایا همچنان که او بر سختی محنت ها صبر کرد، جام اندوه گرفتاری ها را نوشید، و در برابر خشنودی ات تسلیم شد، و طاعت را برای خالص نمود، و خشوع را بیآلایش کرد، و فروتنی را شعار خود ساخت، و با بدعت و اهلش دشمنی نمود، و ملامت ملامتگری در چیزی از اوامر و نواهی تو در او اثر نکرد، بر او درود فرست درودی بالنده عالی، پاک، که با آن درود باری او واجب گردانی شفاعت امت هایی از آفریدگانت، و گروه هایی از مخلوقات، و از جانب ما به او تحیت و سلام برسان، و از نزد خود در موالاتش به ما فضل و احسان و آمرزش و رضوان عنایت کن، که تو دارای فضل فراگیر و گذشت فراوان هستی، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

شیخ طوسی علیه الرحمه در تهذیب ذکر نموده فرموده که چون خواهی وداع کنی امام موسی علیه السلام را بایست نزد قبر و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّكَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ .

سؤال کن از خدا که این آخر زیارت تو نباشد و دیگر توفیق برگشتن بیایی و قبر را ببوس و روی های خود را بر قبر گذار .

زیارت امام جواد علیه السلام

چون زیارت کردی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را می ایستی نزد قبر حضرت جواد علیه السلام و می بوسی آن را و می گویی :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیِّ الْبَرِّ النَّقِیِّ الْاِمَامَ الْوَفِیَّ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الرَّضِیُّ
الرَّزِیُّ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِیَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَجِیَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَفِیْرَ اللّٰهِ السَّلَامُ
عَلَیْكَ يَا سِرَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ضِیَاءَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَنَاءَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا کَلِمَةَ
اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَحْمَةَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النُّوْرُ السَّاطِعُ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْبَدْرُ
الطَّالِعُ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الطَّیِّبُ مِنَ الطَّیِّبِیْنَ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الطَّاهِرُ مِنَ الْمُطَهَّرِیْنَ
السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْاَیَّةُ الْعُظْمٰی السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْحُجَّةُ الْكُبْرٰی السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمُطَهَّرُ
مِنَ الرِّلَاتِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمُنْرَهْ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْعُلَیُّ عَنِ نَقِصِ
الْاَوْصَافِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الرَّضِیُّ عِنْدَ الْاَشْرَافِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمُوْدَ الدِّیْنِ اَشْهَدُ اَنَّكَ
وَلِیُّ اللّٰهِ وَ حُجَّتُهُ فِیْ اَرْضِهِ وَ اَنَّكَ جَنَّبَ اللّٰهُ وَ خَیْرَةَ اللّٰهِ وَ مُسْتَوْدَعُ عِلْمِ اللّٰهِ وَ عِلْمِ الْاَنْبِیَاءِ
وَ رَكْنُ الْاِیْمَانِ وَ تَرْجَمَانُ الْقُرْآنِ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مَنْ اتَّبَعَكَ عَلٰی الْحَقِّ وَ الْهُدٰی وَ اَنْ مَنْ اَنْكَرَكَ
وَ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاوَةَ عَلٰی الصَّلَاةِ وَ الرِّدٰی اَبْرَأَ اِلٰی اللّٰهِ وَ اِلَیْكَ مِنْهُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ
السَّلَامُ عَلَیْكَ مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ .

صلوات بر امام جواد علیه السلام

و بگو در صلوات بر آن حضرت :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الرَّزِیِّ النَّقِیِّ وَ الْبَرِّ الْوَفِیِّ وَ
الْمُهَذَّبِ النَّقِیِّ هَادِیِ الْاُمَّةِ وَ وَارِثِ الْاَئِمَّةِ وَ حَازِنِ الرَّحْمَةِ وَ یَنْبُوعِ الْحِکْمَةِ وَ قَائِدِ الْبَرَكَةِ وَ
عَدِیْلِ الْقُرْآنِ فِی الطَّاعَةِ وَ وَاَحِدِ الْاَوْصِیَاءِ فِی الْاِخْلَاصِ وَ الْعِبَادَةِ وَ حُجَّتِكَ الْعُلَیَّا وَ مَثَلِكَ
الْاَعْلٰی وَ کَلِمَتِكَ الْحُسْنٰی اَدْعٰی اِلَیْكَ وَ الدَّالَّ عَلَیْكَ الَّذِیْ نَصَبْتَهُ عَلَمًا لِّعِبَادِكَ وَ مُتَرَجِّمًا
لِّکِتَابِكَ وَ صَادِعًا بِأَمْرِكَ وَ نَاصِرًا لِدِیْنِكَ وَ حُجَّةً عَلٰی خَلْقِكَ وَ نُوْرًا تَخْرُقُ بِهِ الظُّلْمَ وَ قُدُوَّةً
تُذَرِّکُ بِهَا الْهَدٰیةَ وَ شَفِیْعًا تُنَالُ بِهِ الْجَنَّةُ اَللّٰهُمَّ وَ کَمَا اَخَذَ فِی حُشُوْعِهِ لَكَ حَظَّهُ وَ اسْتَوْفٰی
مِنْ حَشِیَّتِكَ نَصِیْبَهُ فَصَلِّ عَلَیْهِ اَضْعَافَ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی وَلِیِّ اِزْتَمِیْتَ طَاعَتَهُ وَ قَبِلْتَ خِدْمَتَهُ
وَ بَلَّغَهُ مَنَا تَحِیَّةً وَ سَلَامًا وَ اَتِنَا فِی مُوَالَاتِهِ مِنْ لَدُنْكَ فَضْلًا وَ اِحْسَانًا وَ مَغْفِرَةً وَ رِضْوَانًا اِنَّكَ
ذُو الْمَنَّ الْقَدِیْمِ وَ الصَّفْحِ الْجَمِیْلِ .

پس نماز زیارت بجا آور چنانکه قبلاً گذشت

و در وداع حضرت امام محمد تقی علیه السلام فرموده می گوئی :
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ
 السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ .
 پس سؤال کن از خدا که این آخر زیارت تو نباشد و دیگر توفیق برگشتن بیابی و قبر را ببوس و
 روی های خود را بر قبر گذار.

نماز زیارت امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام

نماز زیارت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام دو رکعت است که در آن سوره یس و الرحمن یا هر
 چه آسان باشد از قرآن خوانده می شود و پس از دو رکعت نماز دعا کن به آنچه می خواهی .
 نماز زیارت امام موسی کاظم علیه السلام بهتر است بالای سر امام محمد تقی علیه السلام باشد که
 در ضمن دو رکعت نماز زیارت امام جواد علیه السلام هم همانجا خوانده شود و نماز مکن در نزد سر
 امام موسی کاظم علیه السلام که آن مقابل قبور قریش است و جایز نیست آنها را قبله خود
 گردانیدن. (در نظم فعلی حرم کاظمیین علیهما السلام که در قسمت سرمطهر محل اختصاصی
 بانوان است آقایان در قسمت پشت سر و پائین پای امام جواد علیه السلام نماز میگذارند) پس مقابر
 قریش در قسمت ورودی بانوان به حرم مطهر از جانب قبله واقع شده است.

مدفن حضرت ابراهیم مرتضی و فرزندش موسی ابوالسبحه در مقابر قریش

حضرت ابراهیم مرتضی ابن موسی بن جعفر علیه السلام سیدی جلیل، عالم و فاضل بود، از پدرانش حدیث نقل می
 کرد، در زمان قیام «ابو السرایا» به یمن رفت و مدتی امیر یمن گردید، و مردم را به امامت برادرش علی بن موسی
 الرضا علیه السلام دعوت می کرد، این خبر به مأمون رسید. ولی با شفاعت بعضی، مأمون متعرضش نگردید. وی
 [با کشته شدن ابو السرایا] به بغداد بازگشت و در آن جا ماند تا وفات نمود و قبرش در مقابر قریش نزد پدر
 بزرگوارش در مدفنی جداگانه معروف است.

موسی ابوسبحه نیز در بغداد از دنیا رفت و قبرش در مقابر قریش در جوار پدر و جدش قرار دارد.

ابراهیم از پدرانش حدیث سلسله الذهب را نقل می کند. او یکی از ناقلان این حدیث است،

فرزندش موسی ابو السبحه گوید: «پدرم ابراهیم به من خبر داد که حدیث کرد مرا پدرم موسی کاظم، فرمود:
 حدیث کرد مرا پدرم امام صادق جعفر بن محمد فرمود: حدیث کرد مرا پدرم ابو محمد باقر، فرمود: حدیث کرد مرا
 پدرم زین العابدین، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم امام شهید کربلا، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم امیرالمؤمنین علی بن
 ابیطالب فرمود: حدیث کرد مرا رسول خدا فرمود: حدیث کرد مرا جبرئیل از خدای متعال که خداوند فرمود: «لا
 اله الا الله حصنی فمن قالها دخل حصنی و من دخل حصنی امن من عذابی»؛ لا اله الا الله حصار من است کسی که
 آن را بگوید در حصار من داخل شده و کسی که در حصار من داخل شد از عذاب من در امان است.

اشعار مدح و مرثیه امام موسی بن جعفر علیه السلام

هنگامی که کتابت به این قسمت که رسید سروده شد ۸۴/۵/۱۰

ای زائرین ای زائرین این کاظمین است - اینجا بپا بزم عز و شور و شین است
این مدفن پاک امام هفتمین است - آنکو ملائک از برایش دلغمین است
اندر کنارش مدفن پاک جواد است - آنکو شهید راه دین و عدل و داد است
هر دو شهید زهر کین دشمنانه - آن یک به زندان دیگری در کنج خانه
آن یک بدست سندی بن شاهک دون - این یک بدست همسر امام الفضل ملعون
اندر عزاشان نوحه گر جن و ملک شد - هم عرش و فرش وهم سما وهم سمک شد
زوار اینجا جمله ی کز و بیانند - در رفت و آمد روز و شب درهر زمانند
بین این حرم را طور موسای کلیم است - موسی و جمله انبیا اینجا مقیم است
در این حرم باب الحوائج جا گرفته - جو د و سخاوت این مکان ماوی گرفته
ای باقری دست تو و دامان آنها - باقی همه جسمند و آنانند جانها

شعر سروده باقری پور

از ظلم هرون ستمگر - مسموم شد موسی بن جعفر
آخر شهید راه خدا شد - آسوده از آن جو رو جفا شد
امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج سبط پیمبر
ده سال اندر کنج زندان - دید از عدو ظلم فراوان
بد دست و پایش در کند و زنجیر - در کنج زندان با آه شبگیر
امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج سبط پیمبر
گاهی زنده اش تازیانه - بر کتف و بر بازو و شانه
میگفت یا رب ای حی سبحان - بنما خلاصم از کنج زندان
امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج سبط پیمبر
جسمش به روی تخته پاره - مردم کنند او را نظاره
در شهر بغداد او را غلامان - بردند و لیکن همچون غریبان
امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج سبط پیمبر
سه روز و شب در جنب معبر - جنازه ی موسی بن جعفر
بنهاده ظالم بر روی خاکش - همچون حسین و اصحاب پاکش
امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج سبط پیمبر

شعر از مرحوم سبزواری در اسرار

شورش عشق تو در هیچ سری نیست که نیست - منظر روی تو زیب نظری نیست که نیست
 نیست یک مرغ دلی کش نفکندی به قفس - تیر بیداد تو تا پیر پری نیست که نیست
 نه همین از غم تو سینه ما صد چاک است - داغ تو لاله صفت بر جگری نیست که نیست
 موسی ای نیست که دعوی أنا الحق شنود - ورنه این زمزمه اندر شجری نیست که نیست
 چشم ما دیده ی خفاش بود ورنه ترا - پرتو حسن بدیوار و دری نیست که نیست
 گوش اسرار شنو نیست و گرنه اسرار - برش از عالم معنی خبری نیست که نیست

شعر مرحوم کافی می خواند

رضاجان میمیرم در غل و زنجیرم - با بیا از گردنم زنجیر بردار
 ای نور چشمم در کنج زندانم - شد کنده و زنجیر با من همدم و یار
 از هجر د خترم خون شده جگرم - جان توو آن خواهرت معصومه زار

شعر از مرحوم جوهری

هفت سال آن بی کس خونین جگر - بود از بیدادها رون در بدر
 گاه جا در بصره گه بغداد داشت - از غریبی ناله و فریاد داشت
 همدم ا و ناله شبگیر بود - محرم رازش غل و زنجیر بود
 گاه اندر سجده گاهی در نماز - داشت با محبوب خود راز و نیاز
 کای خدا آگاهی از حال دلم - هم تو می بینی مکان و منزل
 تا بکی در کنج زندان بلا - از جفا با شم اسیر و مبتلا
 جانم از این زندگانی سیر شد - بار الهارو ز و صلحم دیر شد

شعر از خوشدل در گلزار شهدا

هر کجا مرغ اسیری است ز خود شاد کنید - تا نمرده است ز کنج قفس آزاد کنید
 مرد اگر کنج قفس طایر بشکسته پری - یا داز مردن زندانی بغداد کنید
 چون به زندان به ملاقاتی محبوس روید - از عزیز دل زهرا و علی یاد کنید
 چار حمال اگر نعش غریبی ببرند - خاطر موسی جعفر همه امداد کنید
 کند و زنجیر گشائید ز پایش دم مرگ - زین ستمکاری ها رون همه فریاد کنید
 تا دم مرگ مناجات و دعا کارش بود - گوش بر زمزمه آن شه عباد کنید
 پسرش نیست که تا گریه کند بر پدرش - پس شما گریه بر آن کشته بیداد کنید
 نگذارید که معصومه خبر دار شود - رحم بر حال دختر ناشاد کنید

شعر از؟

با با رضا به گوشه زندان خوش آمدی - بر دیدن پدر تو پسر جان خوش آمدی
 زندان کجا مدینه کجا و تو در کجا - مهمان من به گوشه زندان خوش آمدی
 زنجیرو بند کین سروسامان من بود - امشب مرا بر این سروسامان خوش آمدی
 با با تو ضامن غربائی و من غریب - ای ماه من به شام غریبان خوش آمدی
 بر لب رسیده جانم و از دیده رفته نور - نورم به چشم و بر لبم ای جان خوش آمدی

شعر از حسان

السلام ای وارث خیر الانام - بر تو ای نور خداوندی سلام
 السلام ای حجت روی زمین - کعبه ای جان را ، ستون هفتمین
 جانشین حضرت خیرالبشر - تاج شاهنشاهی عصمت به سر
 باب رحمت ، نور قرآن مبین - موسی کاظم امام هفتمین
 در گهت باب الحوائج عام را - قبله گاهی هر دل ناکام را
 این غل و زنجیرها از بهر چیست - محبس تاریک جای چون تو نیست
 سوختم از ناله ی شب گیر تو - دل اسیر غم گند زنجیر تو
 یوسف آل نبی در چاه شد - قعر زندان جلوه گر ماه شد
 آنچنان زندان او تاریک بود - کز سیاهی روزها شب می شود
 گر چه زندان چون شب دیجور بود - در حقیقت عالمی از نور بود
 عاقبت پایان محنت ها رسید - پنجه ی خورشید ظلمتها درید
 شد رها از هر دو زندان بلا - یعنی از دنیا و حبس اشقیا
 در ازای این فداکاری شها - گشته ای «باب الحوائج» خلق را

شعر از سازگار

زندانی ای که غیر خدا در نظر نداشت - عمری شکنجه دید و کس از او خبر نداشت
 هر روز روزه بود ولی موقع غروب - جز تا زین آه و غنائی دگر نداشت
 ای فاطمه بجان تو سو گند روزگار - زندانی از عزیز تو مظلومتر نداشت
 ممنوع بود کس به ملاقات او رود - یا آن شهید گشته بزدان پسر نداشت
 جان داد با شکنجه ولی مصلحت چه بود - زنجیر را ز پیکر مجروح بر نداشت
 جسمش به تخته پاره و بر دوش چارتن - آن روز روزگار مسلمان مگر نداشت
 شمعی خموش سوخت بدامان تیرگی - آنقدر گریه کرد که اشکی دگر نداشت

شعر از شیدانیشابوری

یا رب بین از جان و دل تسلیم تقدیرم - در کند و زنجیرم
 از زهرِ ها رو ن دغا محزون و دلگیرم - در کند و زنجیرم
 ای نور چشمم با با رضا جانم - ای نور چشمانم با با رضا جانم
 سوی مدینه ای صبا بنما گذرا مشب - با چشم ترا مشب
 با نور چشمم بگو از غصه می میرم - در کند و زنجیرم
 ای نور چشمم با با رضا جانم - ای نور چشمانم با با رضا جانم
 در کنج زندان بلا جانم به لب آمد - روزم چو شب آمد
 آتش زند بر جان و دل این آه شبگیرم - در کند و زنجیرم
 ای نور چشمم با با رضا جانم - ای نور چشمانم با با رضا جانم
 کی می شود با با رضا روی ترا ببینم - از غصه غمگینم
 دشمن کند از هر طرف آزار و تحقیرم - در کند و زنجیرم
 ای نور چشمم با با رضا جانم - ای نور چشمانم با با رضا جانم

شعر از؟

صدای ناله ای که از کنج زندان - بگو شدم می رسد با چشم گریان
 گمانم باشد این صوتِ مُکدّر - بوداز حضرت موسی بن جعفر
 الهی از دل زارم گواهی - ندارم جز تو من دیگر پناهی
 دیگر معصومه جان بابت نبینی - به مرگم در مدینه می نشینی
 رضا بابا بیا اندر بر من - به دامن گیر این ساعت سر من
 بیا زنجیرم از گردن تو بردار - روم سوی وطن با چشم خونبار

شعر از؟

امام کاظم ای لطف یگانه - پناه بی کسان این زمانه
 بحقّ مادرت زهرای اطهر - توجه کن به این بیچاره مضطر
 گره از کار ما بگشا در این روز - که تا پیدا شود کار پیروز

شعر از؟

ای بر همه خلق مقتدا ادرکنی - ای روح و روان مرتضی ادرکنی
 ای موسی کاظم ای امام محبوس - ای یوسف آل مصطفی ادرکنی
 بُشر پشیمان تو ام یا کاظم - دست به دامن تو ام یا کاظم
 ای پسر فاطمه دستم بگیر - یک نظر افکن همه هستم بگیر

اشعار مدح و مرثیه امام جواد علیه السلام

سروده های باقری پور از کتاب مجموعه اشعار باقری

پیشوای اهل ایمان مرکز تقوا جواد - مقتدای اهل ایقان کعبه دلها جواد
 با شکوه مرتضی و فرّ و جاه مصطفی - قرّة العین نبی نور دل زهرا جواد
 ای کوی تو قبله ی مراد یا امام تقی - ای دادرسی ما روز معاد یا امام تقی
 گشته لقب زفر ط جود و احسان و عطا - مشهور و ملقب به جواد یا امام تقی
 تو روضه ی رضوان رضائی ای امام جواد - سر حلقه ی خوبان خدائی ای امام جواد
 در جود و کرم چو تو ندیده چشم درد دنیا - نادیده کریمی چو شمائی ای امام جواد
 جز کوی تقی پناه دیگری بر ما نیست - نومید کسی ز فیض این درگا نیست
 اوهست جواد و در جهان اسلام - مولود سخی چنین در این دنیا نیست

سروده باقری پور شهادت امام جواد سال ۸۹

یا جواد و یا جواد و یا جواد

یا جواد ای جود و بخشش خوی تو - شد سخاوت خصلت نیکوی تو
 حاتم طائی که شد ضرب المثل - جود او یک قطره است از جوی تو

یا جواد و یا جواد و یا جواد

مظهر جودی از آن رو نام تو - شد جواد و پر ز بخشش جام تو
 معدن جود و سخا و رحمتی - با سخاوت شد سپری ایام تو

یا جواد و یا جواد و یا جواد

چون خدا داده تورا نام جواد - زان سبب تو گشته ای باب المراد
 جمله ی درماندگان مبتلا - رو بدرگاه تو آرند ای جواد

یا جواد و یا جواد و یا جواد

از همه خلق خدا تو برتری - بعد بابت بر همه تو رهبری
 تویکی از جانشینان رسول - بر همه سرهای عالم سروری

یا جواد و یا جواد و یا جواد

جمله مردم ریزه خوار خوان تو - شد ملائک بنده ی فرمان تو
 خادم درگاه تو روح الامین - بهر خدمت برادر و ایوان تو

یا جواد و یا جواد و یا جواد

از پی بقا دین کردگار - در جوانی ای شه والا تبار
 گشته ای مسموم زهر معتصم - زار و نالان از جفای روزگار

یاجوادویاجوادویاجواد

همسرتودشمنِ جانِ توشد - غافل ازپاکی و ایمانِ توشد

کرده ات مسموم با زهرجفا - غافل از نفرینِ پنهانِ توشد

یاجوادویاجوادویاجواد

تشنه لب جان داده ای تو ارجفا - جرعه ای آبت نداد آن بی وفا

چون کنیزان خواستند آبت دهند - گشت مانع آن پلیدِ بی حیا

یاجوادویاجوادویاجواد

همچنان جدّت حسین از ظلم وکین - جسمِ پاکت ماند برروی زمین

چون سه روزو شب توماندی پشت بام - انس و جن گشته برایت دل غمین

یاجوادویاجوادویاجواد

حضرت هادی عزادارِ پدر - درعزایِ باب گشته خون جگر

شهر بغداد و سیه پوشِ عزا - شیعیان ریزند خاکِ غم به سر

یاجوادویاجوادویاجواد

شیعیان از غم عزاداری کنید - اشک غم از دیده ها جاری کنید

ای جوانان بهر مولا تا ن جواد - باقری را در عزایاری کنید

یاجوادویاجوادویاجواد

شعری از باقری پور

در حجره ی در بسته تنها - جان می سپارد سبطِ زهرا

صورت به دیوارِ غربی می گذارد - در حجره ی در بسته تنها جان سپارد

از زهرِ کین خون شد دلش - شد همسرِ او قاتلش

مولا تقی جان - مولا تقی جان

در حجره ی در بسته تنها - وا غربتا فرزندِ زهرا

ابن الرضا مولای ما رفته زدنی - راحت شده از غصّه ورنج و ستمها

از زهرِ کین خون شد دلش - شد همسرِ او قاتلش

مولا تقی جان - مولا تقی جان

در حجره ی در بسته تنها - وا غربتا فرزندِ زهرا

افتاد از آه و نفس جان میسپارد - سر را به دیوارِ غربی میگذارد

از زهرِ کین خون شد دلش - شد همسرِ او قاتلش

مولا تقی جان - مولا تقی جان

در حجره ی در بسته تنها - مینالدا زغم سبط زهرا
 بیرون حجره جعهده با خیل کنیزان - شادی کنان و دف زنان از ظلم و طغیان
 از زهر کین خون شد دلش - شد همسر او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان
 در حجره ی در بسته تنها - مینالدا از ظلم و ستمها
 جان میسپارد تشنه چون جدّ غریبش - از همسر نادان شده محنت نصیبش
 از زهر کین خون شد دلش - شد همسر او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان
 در حجره ی در بسته تنها - گشته شهید از ظلم اعدا
 جسمش به پشت بام و زیر آسمان است - بال کبوترها برایش سایبان است
 از زهر کین خون شد دلش - شد همسر او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان
 در حجره ی در بسته تنها - گشته شهید از ظلم اعدا
 سه روز و شب جسم شریف او رها شد - ای باقری این ظلم برابن الرضاشد
 از زهر کین خون شد دلش - شد همسر او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان

شعر از ذاکر

ای آنکه بر تمام خلائق تو رهبری - بر ممکنات سیّد و سالار و سروری
 ای ناخدا ای قلزم هستی که ذات تو - بر ذات ما سوای خدا کرده مصدری
 قومی دهند نسبت رویت به آفتاب - گویند فرقه ای که تو ماه منوری
 هر کس بقدر فهم کند فهم مدعا - در وصف طلعت تو چه خوش گفت جوهری
 شاه نهم امام نهم حجّت نهم - نور نهم ز نور خدا و ندا کبری
 آمد تو را جواد لقب زانکه جو د تو - از یاد برد حاتم و آن جو د جعفری
 ذاکر از این مدیحه بسی فخر می کند - بر حافظ و سنائی و سعدی و انوری

قسمتی از اشعار محمد علی شهاب

یا جواد ای ساقی جو د و کرم - ای نگاهت چشمه نور حرم
 یا جواد ای قبله ی لطف و صفا - معدنی از رحمت و مهر و وفا
 یا جواد ای روح و ریحان رضا - زینت و نور د و چشمان رضا
 یا جواد ای کوثر حق جام تو - ای سخاوت و امدار نام تو

یا جواد ای رمز هستی همه - ساقی صهبای مستی همه
 ای بلندای وجودت وجه رب - نام زیبا و قشنگت ذکر لب
 آرزوی دیدنت دارد دلم - هجر و دوری تو آزار دلم
 هر دلی باشد مقیم دیر تو - روزه دارد تا ابد از غیر تو
 عالم هستی فدای جان تو - جان ما باشد بلاگردان تو
 کی رسم درکوی توی نورعین - تا نما یم حج تو در کاظمین

شعر از محمد علی شهاب

ای زاده ی سلطان عشق ای پور زهرا - ای مظهر جود خدا و نور زهرا
 محبوب ختم المرسلین و مرتضائی - در مدح تو بس باشد این ابن الرضائی
 ای نور چشمان رضا آرام جانم - نام تو باشد تا ابد ورد زبانم
 همچون پدر زهر جفا گشته نصیب - جان میدهی لب تشنه چون جد غریب
 چون آن شهید بی کفن در زیر خورشید - ماندی سه روز و بر تن پاک تو تابید
 ای وارث کربلا و داغ یاران - شد پیکرت سوزان چو جسم گلعداران

شعر از شیدا نیشابوری

من شهید ره عدل و دادم - حامی دین و باب المرادم
 گشته مسموم کین از عنادم - من جوادم من جوادم من جوادم
 زهر کین زد بجانم شراره - دشمنم می نماید نظاره
 گوشه حجره از پا افتادم - من جوادم من جوادم من جوادم
 آخر از این جهان پاکشیدم - خیری از همسر خود ندیدم
 جان بکف در ره حق نهادم - من جوادم من جوادم من جوادم
 میروم با دل زار و خسته - نزد زهرا ی پهلوشکسته
 کی رود این ستمها زیادم - من جوادم من جوادم من جوادم

شعر از مؤید

ای پسر حجت هشتم جواد - قبله گاه حاجت مردم جواد
 گوهر دریای ولایت توئی - چشمه ی فیاض عنایت توئی
 از همه ی خلق خدا برتری - بعد رضا بر همگان رهبری
 ریزه خور خوان تو اهل زمین - بنده ی فرمان تو روح الامین
 بحر کرم معدن جود و سخا - شاهد جود و کرمات هلاتی
 ای نهمین حجت حی و دود - روح دعا کان سخا بحر جود

مظهر جودی تو و نام جواد - از کرم خویش خدا بر تو داد
پیر خرد در همه کائنات - ماند و مانده ست به وصف تومات

شعر از ناشناس؟

سوخت از زهره لاهل جگر مادرجان - تیره شد روز به پیش نظرم مادر جان
من در این حجره در بسته بخود می پیچم - کس نداند که چه آمد به سرم مادر جان
نکشد گر که مرا ازهر جفا خواهد کشت - خنده ی همسر بیداد گرم مادر جان
من جوادم که بیاد تو سخن می گویم - چون ترا از همه مشتاق ترم مادر جان
همچو شمعی اثر زهر جفا آیم کرد - سوخت پروانه صفت بال و پر م مادر جان
همسرم پشت در خانه به دست افشانی - من به یاد تو و مسمار درم مادر جان
چون تو در فصل جوانی ز جهان سیرشدم - که زده داغ تو بر جان شررم مادر جان
به لب خشک من غمزه آبی برسان - کز عطش سوخته پا تا به سرم مادر جان

شعر از مؤید : یاجواد الأئمه ادرکنی

خون شد از غم دل خداجویم - درد بسیار و نیست دارویم
می فشانم سر شک و می گویم - یا جواد الأئمه ادرکنی
سینه ای پر شرار دارم من - دل و جانی فکار دارم من
از جهان با تو کار دارم من - یا جواد الأئمه ادرکنی
خسته و دل شکسته و زارم - گره افتاده است در کارم
جز بکویت کجا پناه آرم - یا جواد الأئمه ادرکنی
ای که روح عبادتی مارا - عذر خواه قیامتی مارا
جان زهرا عنایتی مارا - یا جواد الأئمه ادرکنی
تشنه ام تشنه بر من آب بده - گنهم را ببر ثواب بده
به گدای درت جواب بده - یا جواد الأئمه ادرکنی
عزت عالمین می خواهم - سفر کاظمین می خواهم
طوف قبر حسین می خواهم - یا جواد الأئمه ادرکنی
همسرت کرد نامراد تو را - کرد مسموم از عناد ترا
ای که خوانده پدر جواد تو را - یا جواد الأئمه ادرکنی

نجف اشرف

نجف اشرف در ۱۷۰ کیلومتری بغداد و ۸۰ کیلومتری کربلا و ۱۱ کیلومتری کوفه قرار دارد و مرکز استان نجف است. نجف اشرف در اقلیم خوش آب و هوا قرار گرفته است نه مانند حجاز در شدت حرارت است و نه مانند قسمت های شمالی سرد است و در عصر ساسانیان و عباسیان به حسن هوا و لطافت معروف بود. نجف در ظهر کوفه بین نهر سدیر و غدیر واقع است .

اسامی نجف :

برای نجف اسامی چندی ذکر شده است از آن جمله طور - ظهر جودی - دار السلام - غری - مشهد که از همه مشهورتر نجف اشرف است و در وجه تسمیه آن روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود در نجف کوه بزرگی بود و آن جائی است که پسر نوح گفت ساوی الی جبل یعصمنی من الماء که به بزرگی آن در تمام روی زمین کوهی نبوده آنگاه خطاب شد به کوه اَیَعْتَصِم بک مَنّی (آیا تو پناهگاه کسی هستی که از من فرار می کند) فَتَقَطَّعَ قِطْعًا اِلَی بِلَادِ الشَّامِ و صار رملا دقیقاً و صار بعد ذالک بحرا عظیما و کان یُسَمّی ذلک البحر نی ثم جفّ بعد ذلک و قیل نی جف (پس قطعه قطعه شد و بصورت شن و ماسه در آمد و به طرف بلاد شام سرازیر شد و بعد از آن بجای کوه دریای بزرگی بوجود آمد که نی نامیده شد، سپس آن دریا خشک شد و نی جف نامیده شده) سپس بر اثر کثرت استعمال نجف گفته شد.

نجف از پنج محله تشکیل می شود که عبارتند از: ۱ - العماره ، ۲ - الحویش ، ۳ - البراق ، ۴ - المشراق ، ۵ - الغازیة .

هوای نجف در تابستان گرم و خشک است و اهالی آن به سرداب های زیرزمینی پناه می برند تا از گرما در امان باشند. چنانچه بادهای گرم بوزد حرارت به ۴۶ درجه می رسد. در زمستان نیز سرمای گزنده و سوزناکی دارد و سرمای شهر بدان اندازه است که آب یخ می بندد. در عهد ساسانی در اطراف نجف دریاچه ای وجود داشته که پس از ظهور اسلام خشک گردیده، بعدها دوباره دریاچه ای پدید آمده، که تا حدود یک قرن پیش نیز وجود داشته ولی دولت عثمانی آن را خشکانیده است.

مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ۲۱ رمضان سال چهارم هجری در کوفه به شهادت رسید و شبانه جنازه آن امام مظلوم را از کوفه به نجف بردند و در همین مکان مقدّس دفن کردند و قبر آن حضرت مخفی بود تا زمان هارون الرشید آشکار شد «شرح آن پس از چند صفحه دیگر خواهد آمد» .

فضیلت نجف اشرف

حضرت ابراهیم علیه السلام شرافت آنجا را می دانست و لذا آنجا را مسکن قرار داد و خرید آنجا را از صاحبان آن تا آنچه در آن محشور می شوند در ملک ابراهیم خلیل باشد و فرمود اینجا مورد توجه اهل بیت مقدس است و از اینجا هفتاد هزار شهید داخل بهشت می شوند بی حساب .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرستاد در پی عقبه بن علقمه معروف به ابی الجنوب و فرمود زمینهای بین خورنق (قصر نعمان بن اعرور در شش میلی نجف که اکنون تل ویرانی است) تا حیره را به طرف کوفه از دهاقین به چهل هزار درهم خریداری کن عرض کرد یا امیرالمؤمنین این زمینها به این قیمت نمی ارزد و محصولی ندارد، فرمود شنیدم از پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: کوفان کوفان سیرد اولها مع آخرها یحشر من ظهرها سبعون ألفاً ید خلون الجنة بغیر حساب. از ظهر کوفه هفتاد هزار نفر در قیامت محشور خواهند شد که بی حساب داخل بهشت می شوند و من میل دارم که در ملک من باشد. و در روایات است که هیچ مؤمنی در شرق و غرب عالم نخواهد مرد مگر آنکه گفته شود روح او بوادی السلام ملحق گردد. و وادی السلام در ظهر کوفه است .

از خصایص خاک نجف اینست که عذاب قبر و سؤال منکرین در آنجا نیست. و غری قطعه ای از طور سینا است. و آنجا کوهی بود که خدا با موسی صحبت فرمود. و آنجا محلی بود که به عیسی نفخه قدسی دمیده شد. و آنجا مسکن انبیاء و رسولان خدا بود. و بقعه ای از جنت عدن است. و حضرت مهدی عج زمانی که ظهور کند انشاء الله تعالی محل حکومت خود را در کوفه قرار می دهد. یکروز در نزد قبر امیرالمؤمنین ع بودن مطابق است با عبادت هشتصد سال. یک شب خوابیدن نزد قبر امیرالمؤمنین ع معادل است با عبادت هفتصد سال. نماز در نزد قبر امیرالمؤمنین ع معادل است با دویست هزار نماز.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : اول مکانی که در آن خدا را عبادت کردند پشت کوفه (نجف) است زیرا در آنجا ملائکه بفرمان خدا وند آدم را سجده کردند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر پرده از روی شما بردارند ارواح مؤمنین را می بینید که در این صحرا (صحرای نجف) دسته دسته نشسته اند و به زیارت یکدیگر رفته باهم سخن میگویند. روح هر مؤمنی در اینجا. و روح هر کافری در برهوت است.

و وارد شده است: «نجف قطعه ای است از کوهی که حق تعالی با حضرت موسی (علیه السلام) بر آن سخن گفت، و حضرت عیسی (علیه السلام) را بر این موضع تقدیس کرد و بزرگ گردانید، و حضرت ابراهیم (علیه السلام) را در این مکان خلیل خود گردانید، و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را در این محل حبیب خود گردانید، و آن را مسکن پیغمبران ساخت».

قبرور علماء و بزرگان دین و سلاطین در نجف اشرف

علماء و سلاطین و بزرگان مدفون در حرم حضرت علی علیه السلام و در نجف اشرف : ۱- عضد الدوله بن رکن الدوله دیلمی (فنا خسرو عضدالدوله البویهی) که عمارت حضرت امیر علیه السلام را تجدید بنا نمود متوفی ۳۷۲ مدفون در روضه مبارکه * ۲- شاه عباس صفوی متوفی ۱۳۰۸ در فرح آباد مازندران و مدفون در رواق مطهر حضرت درب حرم به سمت پائین پای مبارک * ۳- محمد شاه قاجار مدفون در حجره میان رواق بالا سر * ۴- احمد بن محمد مشهور به مقدس اردبیلی متوفی ۹۹۳ مدفون در ایوان طلای صحن مطهر سمت چپ کسی که داخل رواق مطهر می شود کنار مناره جنوبیه * ۵- سید مهدی علامه بحرالعلوم متوفی ۱۲۱۲ مدفون در مسجد طوسی کنار شیخ طوسی * ۶- شیخ ملا محمد مهدی نراقی ، ملا احمد نراقی فرزند شیخ ملا محمد مهدی و استاد شیخ مرتضی انصاری، مولای نقی کمره ای فراهانی ، سید شرف الدین اعرجی ، شیخ احمد جزائری ، سید مرتضی اعرجی ، میرزا علی رضا اردکانی شیرازی ، سید عبد الباقی خاتون آبادی ، سلیمان بن داود حلی ، میر محمد باقر هزارجریبی ، سید علی داماد ، شیخ علی فرطوسی مدفون در پشت سر مبارک در ایوان العلماء * ۷- سید صدرالدین موسوی مدفون مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری حجره ۱۱ (باب القبله) * ۸- شیخ حسین نجف مدفون در حجره مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری حجره ۱۱ (باب القبله) * ۹- محمد بن ابی جعفر قاسم بن حسین بن بقیة الحسینی الحلی متوفی ۷۷۶ مدفون در نجف * ۱۰- شیخ محمد حسن صاحب جواهر متوفی ۱۲۶۶ مدفون در مسجد جواهری محلّه العماره * ۱۱- سید محمد مهدی قزوینی متوفی ۱۳۰۰ مدفون در محلّه العماره در جوار شیخ محمد حسن صاحب جواهر * ۱۲- سید محمد باقر قزوینی خواهر زاده سید بحرالعلوم متوفی ۱۲۴۶ مدفون در نجف * ۱۳- سید میرزا محمد حسن شیرازی متوفی ۱۲۱۳ مدفون در حجره ۴۳ مقبره مجدّد شیرازی جنب باب طوسی * ۱۴- سید صدر الدین محمد متوفی ۱۲۶۲ مدفون در حجره طرف بالا سر مبارک * ۱۵- سید اسماعیل بن حیدر صدر فرزند سید صدر الدین مدفون در حجره ۴۸ جنب مسجد عمران بن شاهین * ۱۶- میرزا مسیح مجتهد تهرانی ، شیخ احمد طریفی ، شیخ حسن خاقانی ، شیخ محمد خاقانی ، شیخ محمد علی اصفهانی ، شیخ محمد آل زایدهام ، سید محمد صادق صدر مدفون در حجره ۳ * ۱۷- سید عمید الدین عبدالمطلب خواهر زاده علامه حلی مدفون در نجف * ۱۸- مقداد بن عبدالله حلی الاسدی متوفی ۷۹۱ مدفون بر سر راه زوار حرم مطهر و مجاور نجف * ۱۹- محقق ثانی و شهید ثالث علی بن عبدالعالی الکرکی شهید بر اثر سم متوفی ۹۴۰ مدفون در نجف * ۲۰- سید محمد باقر داماد متوفی ۱۰۴۱ مدفون در زیر گنبد رواق مطهر وقتی که از ایوان طلا وارد رواق می شوند * ۲۱- شیخ ابراهیم بن سلیمان

قطیفی مدفون مجاور حرم مطهر * ۲۲ - حسین بن میرزا رفیعا ملقب به سلطان العلماء مدفون در نجف * ۲۳ - رضی الدین محمد بن حسن استرآبادی مدفون در نجف * ۲۴ - رضی الدین ابوالحسن علی بن جمال الدین احمد بن یحیی حلی متوفی ۷۵۷ مدفون در نجف * ۲۵ - نجیب الدین محمد بن جعفر بن محمد بن نما الحلی متوفی ۶۵۴ مدفون در نجف * ۲۶ - حاج شیخ جعفر شوشتری مدفون در صحن مطهر بطرف بالا سر در حجره ۵۴ جزء توسعه حرم * ۲۷ - حاج میرزا حسن آشتیا نی مدفون در حجره حاج شیخ جعفر شوشتری * ۲۸ - سید اسماعیل بهبهانی تهرانی پدر مرحوم سید عبداللّه بهبهانی شهید متوفی ۱۲۹۵ مدفون در نجف * ۲۹ - آخوند ملا محمد کاظم خراسانی متوفی ۱۳۲۹ ، سیدحسن بجنوردی ، شیخ حبیب اللّه رشتی مدفون در مقبره جنوبی واقع در حجره ۲۶ دالان باب الذهب (باب ساعات یا باب امام رضاعلیه السلام) * ۳۰ - سید محمد کاظم یزدی متوفی ۱۳۳۷ ، سید محمود یزدی ، سید محمد یزدی ، سید حسین طباطبائی یزدی مدفون در حجره ۴۷ صحن مطهر جلومسجد عمران بن شاهین * ۳۱ - حاج شیخ محمد علی نجف متوفی ۱۳۲۲ مدفون در نجف * ۳۲ - شیخ حسن ممقانی متوفی ۱۳۲۳ مدفون در حرم مطهر * ۳۳ - حاج سید حسن کوه کمری متوفی ۱۳۳۹ مدفون در نجف * ۳۴ - آخوند ملا علی نهاوندی متوفی ۱۳۲۲ مدفون در نجف * ۳۵ و ۳۶ - آقا شیخ موسی پدر و شیخ جعفر کاشف الغطا فرزند هر دو کنار هم مدفون در محله العماره * ۳۷ - شیخ مرتضی انصاری مدفون در حجره ۱۱ (باب قبله) * ۳۸ - علامه حلی حسن بن یوسف بن مطهر حلی متوفی ۷۲۶ مدفون در حجره میان ایوان طلای صحن مطهر حضرت امیر(ع) در سمت راست کسی که داخل رواق مقدس می شود * ۳۹ - حاج میرزا حبیب رشتی متوفی ۱۳۱۲ مدفون در مقبره ملا محمد کاظم خراسانی حجره ۲۶ (در باب ساعات) * ۴۰ - صافی صفایمانی مدفون در کنار دریای نجف که به صفة الصفا مشهور است * ۴۱ - ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی متوفی ۴۶۰ مدفون در نجف (در مسجد طوسی که از باب طوسی راه دارد) * ۴۲ - شهید آقا مصطفی خمینی مدفون در سمت راست درب ورودی به حرم مطهر کنار مناره شمالی * ۴۳ - آية الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی ، سیدعلی خوئی ، شهید سید عبد المجید خوئی ، شهید سید محمدتقی خوئی ، شهید سید نصرالله موسوی مستنبط مدفون در مقابل کفشداری شماره ۴ داخل حجره ۳۱ * ۴۴ - سید ابوالحسن اصفهانی مدفون در حجره ۲۶ جنب باب بازار بزرگ * ۴۵ و ۴۶ - حاج شیخ عباس قمی و علامه نوری همدانی مدفون در حجره ۱۵ طرف باب قبله * ۴۷ - آية الله حکیم و تعداد زیادی از علما و مدرّسین مدفون در کنار باب الفتوح (خارج از باب قبله اول بازار) * ۴۸ - سید محمد سعید حبوبی ، سید عبدالهادی حبوبی ، شیخ محمد باقر قاموسی حجره ۱۰ * ۴۹ - علامه شیخ محمد شریانی ، فرزند فضل علی شریانی مدفون در مدخل النساء من جهة الشمال * ۵۰ - شیخ محمد حسن آشتیا نی و شیخ عبدالحسین قرملی

حجره ۵۴ در طرح توسعه حرم * ۵۱- سید محمود شاهرودی حجره ۵۴ در طرح توسعه حرم *

۵۲- حاج آقا حسین قمی حجره ۲۲ * ۵۳- شیخ الشریعه اصفهانی در حجره ۲۲ * ۵۴- سید عبدالحسین شرف الدین حجره ۴۸ مسجد عمران بن شاهین * ۵۵- آقا ضیاء الدین عراقی حجره یک طرف باب الفرج * ۵۶- شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حجره سیدمصطفی خمینی * ۵۷- محمدحسین نائینی حجره ۲۱ * ۵۸- شیخ محمد طه نجف در حجره ۱۱ * ۵۹- حاج محمد حسین امین الضرب تاجر معروف زمان قاجار * ۶۰- شیخ محمد حسین اصفهانی مشهور به کمپانی حجره جنب ماذنه شمالی * ۶۱- شیخ محمدجواد بلاغی، سید محمود حلو، شیخ محمد سماوی حجره ۷ * ۶۲- سید عبد الهادی خراسان، سید حسن خراسان، سید عبد الرسول خراسان حجره ۹ * ۶۲- سید عبد الصمد شوشتری، سید حسن موسوی خلخالی، سید محمد موسوی خلخالی، سید علی موسوی خلخالی، سید علی شبر، سید محمد نعیم الدین شبر، سید عباس شبر، سید عیسی آل کمال الدین، شیخ علی کرباسی، سید آغا خلخالی حجره ۱۳ * ۶۳- شیخ محمد جواد مغنیه، سید محمد رضا قزوینی، شیخ حسن حولاوی، شیخ مشکور حولاوی، شیخ هادی اسدی، شیخ محمد کاظم شمشاد، شیخ عباس ناصری، سید هادی صائغ حجره ۱۷ * ۶۴- سید محمد اشکوری، سید حسن اشکوری، شیخ علی لاهیجانی بهمدانی، شیخ موسی لاهیجانی سید جعفر مرعشی، سید جواد اشکوری حجره ۱۷ * ۶۵- سید جعفر جزائری، سید عبد الحمید حبوبی، سید علی موسوی نوری، سید عبد الکریم حمامی، سید عبد السلام موسوی جزائری، سید احمد جزائری حجره ۱۹ * ۶۶- میرزا محمد حسین نائینی، شیخ علی نائینی، شیخ حسین حلی، شیخ علی صغیر، شیخ محمد علی جمالی حجره ۲۱ * ۶۷- شیخ فضل الله شیخ الشریعه، سید حسین قمی، سید محمد باقر قمی، میرزا باقر زنجان، سید علی اکبر خوئی حجره ۲۲ * ۶۸- سید ابوالحسن اصفهانی، شهید سید حسن اصفهانی، سید حسین اصفهانی، سید حسین بادکوبه ای حجره ۲۶ * ۶۹- شهید سید عبد الله بهبهانی، سید محمد بهبهانی غریفی، سید عزیز الله درکه ای حجره ۲۹ * ۷۰- سید عبد الحسین شرف الدین، شیخ عبد الله سبیتی، میرزا محمود شیرازی، حجره ۴۸ جنب مسجد عمران بن شاهین * و ایضا علما و مراجع دیگری که در صفحه ۵۲۶ کتاب راهنمای مصور عراق ذکر شده است و در کتاب مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف تألیف کاظم عبود الفتلاوی مدفونین ۵۷۲ نفر ذکر شده است *

زیارت قبور علماء

از کتاب مزار مرحوم شیخ مفید (رحمه الله) نقل شده است که در هنگام زیارت قبور علماء (رضوان الله تعالی علیهم) بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنْزَهَا، وَمُخَيِّ الرُّسُومِ وَمُرَوِّجَهَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ الدِّينِ، وَعَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُرَوِّجَ شَرِيعَةِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَآلِهِ الْأَيُّمَّةِ الْمُعْصُومِينَ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَفْضَلُ صَلَاةِ الْمُصَلِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْعَالِمُ الْعَامِلُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَضُدَ الْأِسْلَامِ وَفَقِيهَ أَهْلِ الْبَيْتِ، عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَارِفُ الْمُؤَيَّدُ وَالْعَابِدُ الْمُسَدَّدُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمِينُ عَلَى الدِّينِ وَالْدُنْيَا، وَأَنَّكَ قَدْ بَالَعْتَ فِي أَحْيَاءِ الدِّينِ، وَاجْتَهَدْتَ فِي حِفْظِ شَرِيعَةِ أَشْرَفِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَوَاتُ الْمُصَلِّينَ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ، وَرَوَيْتَ عَنْهُمْ الْأَخْبَارَ، وَعَمِلْتَ بِمَا رَوَيْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَظْهَرْتَ الْحَقَّ، وَأَبْطَلْتَ الْبَاطِلَ، وَسَهَّلْتَ السَّبِيلَ، وَأَوْصَحْتَ الطَّرِيقَ، وَنَصَرْتَ الْمُؤْمِنِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ التَّابِعِينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ، وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا، اللَّهُمَّ امْلَأْ قَبْرَهُ نُورًا وَرَوْحًا وَرِيحَانًا، وَأَسْكِنَهُ فِي بُحْبُوحَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

حدیث:

عن علی (علیه السلام): الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَالِ بِسَبْعَةِ: الْأَوَّلُ: أَنَّ الْعِلْمَ مِيرَاثُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَالُ مِيرَاثُ الْفَرَاغَةِ؛ الثَّانِي: الْعِلْمُ لَا يَنْقُصُ بِالنَّفَقَةِ وَ الْمَالُ يَنْقُصُ بِهَا؛ الثَّالِثُ: يَخْتِاجُ الْمَالُ إِلَى الْحَافِظِ وَ أَمَّا الْعِلْمُ يَحْفَظُ صَاحِبَهُ؛ وَ الرَّابِعُ: الْعِلْمُ يَدْخُلُ فِي الْكَفَنِ وَ الْمَالُ لَا يَدْخُلُ؛ وَ الْخَامِسُ: الْمَالُ يَحْصُلُ لِلْمُؤْمِنِ وَ الْكَافِرِ وَ الْعِلْمُ لَا يَحْصُلُ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ؛ وَ السَّادِسُ: جَمِيعُ النَّاسِ يَخْتِاجُونَ إِلَى الْعِلْمِ فِي أُمُورِ دِينِهِمْ وَ لَا يَخْتِاجُونَ إِلَى صَاحِبِ الْمَالِ؛ وَ السَّابِعُ: الْعِلْمُ يَقْوَى صَاحِبُهُ عَلَى الْمُرُورِ عَلَى الصَّرَاطِ وَ الْمَالُ يَمْنَعُهُ .

«مواعظ العددیه، صفحه ۱۹۷» علم برتر از مال است به هفت دلیل: اول: علم میراث انبیاء است و مال میراث فرعونها؛ دوم: علم با آموزش به دیگران کم نمیشود در حالی که مال با پرداخت به دیگران کم میشود؛ سوم: مال نیاز به کسی دارد که آن را حفظ کند در حالی که علم صاحبش را حفظ میکند؛ چهارم: علم با صاحبش وارد کفن میشود در حالی که مال داخل کفن نمیشود؛ پنجم: مال برای مومن و کافر به دست میآید در حالی که علم فقط برای مومنین به دست میآید؛ ششم: همه مردم در امور دینشان به علم احتیاج دارند در حالی که به صاحب مال احتیاج ندارند؛ هفتم: علم صاحبش را برای عبور از صراط قوی میکند در حالی که مال مانع صاحبش را برداشتن از صراط است.

اما کن نجف اشرف

نجف اشرف شش منطقه دارد :

- ۱- منطقه حُویش سمت راست شارع الرسول ازباب قبله حرم مطهر .
 - ۲- منطقه بُراق سمت چپ شارع الرسول ازباب قبله حرم مطهر .
 - ۳- منطقه مشراق سمت راست شارع طوسی ازباب طوسی حرم مطهر .
 - ۴- منطقه العماره سمت چپ شارع طوسی ازباب طوسی حرم مطهر .
 - ۵- منطقه جُدیده که از انتهای شارع الرسول راه دارد .
 - ۶- منطقه وادی السّلام که از انتهای شارع طوسی راه دارد .
- در نجف اشرف مساجد زیادی است ولیکن چند مسجد است که هریک دارای خصوصیت خاصی است:
- ۱- مسجد صَفّة الصّفا که شخصی بنام ائیب (صافی صفایمانی) را فرزندش بنا بر وصیّت او از یمن آورد و با اشاره مولا امیرالمؤمنین ع آنجا دفن کرد و اکنون نزدیک حرم حضرت (کناردریای نجف) به صفة الصّفا معروف است ازباب سلطانی حرم مطهر راه دارد.
 - گفته می شود امیر مؤمنان (علیه السلام) در آن مسجد نمازگزارده و در گوشه ای از آن مدفن یکی از یاران حضرت (ائیب یمانی) قرار دارد.
 - ۲- مسجد راس الحسین ع بالای سر مبارک حضرت که هنگام بر گرداندن سر مطهر از شام به طرف کربلا اوّل به این مکان آوردند
 - ۳- مسجد حنّانه که در قدیم بنائی بوده گویا شبیه به میل و آنرا علم نیز می نامیدند و هنگام عبور جنازه حضرت امام علی علیه السّلام به علت تعظیم و احترام کج و منحنی شده است و اینک در آن جایگاه مسجدی ساخته شده که در شرق نجف به فاصله سه هزار ذرع است و حنّانه نامیده شده به لحاظ آنکه هنگام عبور جنازه امام علی علیه السّلام و ایضاً هنگامی که حاملان سرهای شهیدان در این محل سر امام حسین علیه السّلام و شهیدان اهل بیت و اصحاب بزرگوار آن حضرت را در ثویّه گذاشتند و در این هنگام صدای نوحه و زاری از زمین برخاست و دیگران شنیدند .
 - ۴- مسجدعمران بن شاهین درشمال صحن مطهر که اکنون جزء حرم شده است و در ورودی باب طوسی قرار دارد و مقبره مرحوم سید محمّد کاظم یزدی و علامه سیدمحمّد کاظم مقدّس و شیخ محمد باقر قمی درآن قرار دارد.
 - ۵- مسجدالخضراء کنار حجره ۳۱ که آیه الله خوئی مدفون است و این مسجد محل تدریس آیه الله خوئی بوده است .

- ۶- مسجدشیرخ انصاری در محله خویشت نزدیک منزل حضرت امام خمینی ره که محل تدریس ایشان و ایضاً محل تدریس سید محمد کاظم یزدی بوده است.
- ۷- مسجد جواهری در محله العماره محل دفن صاحب جواهر است.
- ۸- مسجد هندی و آرامگاه و کتابخانه آیه الله سید محسن حکیم ره سمت راست شارع الرسول برای کسی که از باب القبله حرم مطهر خارج میشود.
- ۹- مسجد شیخ طوسی یا «جامع الشیخ الطوسی» در ابتدای شارع طوسی از باب طوسی در شمال حرم مطهر و به فاصله کوتاهی از آن قرار دارد این مسجد قبلاً منزل شیخ طوسی بوده است که بعد از رحلت در آنجا دفن شده و بعد تبدیل به مسجد شده است. در گوشه ای از این مسجد آرامگاه علامه آیه الله سید محمد مهدی بحر العلوم قرار گرفته که از مشاهیر علمای امامیه و متوفای ۱۲۱۲ هـ. است.
- صحن حضرت فاطمه علیها السلام از غرب حرم مطهر تامقام امام زین العابدین علیه السلام بزرگترین صحن است که جدیداً ساخته شده است.
- اماکن دیگر نجف عبارتند از :
- محمد بن ابراهیم نوه امام حسن مجتبی علیه السلام نزدیک قبر حضرت علی ع توسط ابوالسرایا دفن گردیده است.
- رقیه دختر حسن بن علی بن ابیطالب همسر عبیدالله بن عباس بن علی در نزدیکی قبر حضرت علی (ع) دفن گردیده است.
- در نجف بنا م محله براق ضریحی است منسوب به حضرت رقیه.
- نقل است که قبر موسی کلیم و ها رون برادرش علیهما السلام در نجف است.
- حضرت آدم ابوالبشر و حضرت نوح نیز در حرم مطهر مدفونند.
- وادی السلام مدفن بسیاری از مؤمنان و بندگان صالح خداوند. از باب شیخ طوسی حدود دویست متر فاصله با حرم مطهر راه دارد.
- حضرت هود و حضرت صالح در وادی السلام مدفونند.
- مقام امام مهدی عج و مقام امام صادق علیه السلام و مقام امام زین العابدین علیه السلام نیز در بخش شمالی وادی السلام و در بین قبور مؤمنین است.
- شهید رئیس علی دلواری از دلیر مردان تنگستان بوشهر که در نبرد با انگلیسی ها به شهادت رسید محل دفنش نزدیک مقام صاحب الزمان عج است.
- استادالعارفین سید علی قاضی در وادی السلام از شارع طوسی که وارد وادی السلام شوی سمت چپ.
- مقام زین العابدین علیه السلام کنار دریای نجف از باب سلطانی حرم امام علی علیه السلام راه دارد

صافی صفا کنارمقام امام زین العابدین علیه السلام است .

بیت آیه الله سیستانی حفظه الله در سمت چپ شارع الرسول برای کسی که از باب القبله خارج میشود

دربهای حرم مطهرامیرالمؤمنین علیه السلام :

باب شیخ طوسی در شمال صحن مطهر که به شارع طوسی ره ووادی السلام راه دارد . - باب مسلم بن عقیل و باب امام رضا علیه السلام که باب الساعة و باب الذهب هم گفته میشود در شرق صحن مطهر روبروی ایوان طلا که به سوق الکبیر راه دارد . - باب قبله در جنوب صحن مطهر روبروی ناودان طلا که به شارع الرسول و بازار خویش راه دارد . - باب الفرج در غرب صحن مطهر که به صحن حضرت فاطمه علیها السلام راه دارد و سمت راست آن شارع امام زین العابدین است که به مقام امام زین العابدین منتهی میشود و سمت چپ آن شارع الصفا است که به مقام صافی صفا منتهی میشود .

حدیث:

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : ثَلَاثَةٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ إِلَّا خَيْرًا: التَّوَّاضُعُ لَا يَزِيدُ اللَّهَ بِهِ إِلَّا ارْتِفَاعًا وَذُلُّ النَّفْسِ لَا يَزِيدُ اللَّهَ بِهِ إِلَّا عِزًّا وَالتَّعَقُّفُ لَا يَزِيدُ اللَّهَ بِهِ إِلَّا غِنًى. سه چیز است که خداوند به سبب آنها جز بر خیر و خوبی نمی افزاید: تواضع که خداوند به سبب آن جز بلند مرتبگی نمی افزاید، شکسته نفسی که خداوند به سبب آن جز عزت نمی افزاید و مناعت طبع که خداوند به سبب آن جز بی نیازی نمی افزاید. «بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۴، ح ۲۲»

قَالَ الْمُجْتَبَى (ع): هَلَاكُ النَّاسِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبَرُ وَ الْحِرْصُ وَ الْحَسَدُ، فَالْكِبَرُ هَلَاكُ الدِّينِ وَ بِهِ لُعِنَ إِبْلِيسُ، وَ الْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ وَ بِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ الْحَسَدُ رَائِدُ السُّوءِ وَ مِنْهُ قَتَلَ قَائِلٌ هَابِيلَ. امام مجتبی (ع) فرمودند: هلاکت و نابودی انسان در سه چیز است: کبر و حرص و حسد، پس کبر باعث هلاکت و از بین رفتن دین است و بواسطه تکبر ابلیس مورد لعنت خداوند واقع شد، و حرص دشمن انسان است و بواسطه همین آدم از بهشت بیرون رانده شد، و حسد پیشوا و جلودار بدی است و بخاطر حسد قایل برادرش هابیل را کشت. «کشف الغمه ج ۱ ص ۵۷۱ و البحار ۱۱۱/۷۸»

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) : لَا يَكْمُلُ إِيمَانُ الْعَبْدِ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَ السَّلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَ التَّفْوِیْضُ إِلَى اللَّهِ، وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى بَلَاءِ اللَّهِ . «سفينة البحار جلد ۱ ص ۳۸۸» ایمان بنده به خداوند کامل نشود تا اینکه در او پنج خصلت باشد: توکل نمودن بر خدا، و تسلیم شدن به فرمان خدا، و واگذاری (امور خود) به خدا، و راضی و خشنود بودن به قضاء الهی، و شکیبائی بر گرفتاری و بلا که از جانب خدا می رسد .

وادی السّلام بقعه ای از جنة عدن

وادی السّلام بزرگترین قبرستان جهان اسلام با عرض چهار کیلومتر و طول شش کیلومتر است در «کافی» با سند خود روایت می کند از أحمد بن عُمَر مرفوعاً از حضرت صادق علیه السّلام: قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَخِي بَبْغَدَادَ، وَأَخَافُ أَنْ يَمُوتَ بِهَا. فَقَالَ: مَا تُبَالِ بِحَيْثُمَا مَاتَ؛ أَمَّا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا إِلَّا حَسَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السّلامِ. قُلْتُ لَهُ: وَأَيْنَ وَادِي السّلامِ؟ قَالَ: ظَهَرَ الْكُوفَةِ، أَمَّا إِنِّي كَأَنِّي بِهِمْ حَلَقٌ حَلَقٌ قُعُودٌ يَتَحَدَّثُونَ. «میگوید: خدمت آن حضرت عرض کردم: برادر من در بغداد است، و نگرانم که در همانجا بمیرد. فرمود: باک نداشته باش، هر جا که خواهد بمیرد؛ چون هیچ مؤمن در شرق زمین و یا در غرب زمین باقی نمی ماند مگر آنکه خداوند روح او را در وادی السّلام با ارواح مؤمنین دیگر قرار میدهد. عرض کردم: وادی السّلام کجاست؟ فرمود: در پشت کوفه، و آگاه باش مثل اینکه من منظره اجتماع ارواح را میبینم که حلقه حلقه نشسته اند و با یکدیگر گفتگو دارند.»

حَبَّه عرنی گفت شبی در خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام به صحرای نجف که آن را وادی السّلام می گویند رفتم حضرت در آنجا ایستادند چنانکه گویا با اجتماعی سخن می گوید منهنم ایستادم آنقدر که مانده شدم پس نشستم آن قدر که دلگیر شدم پس برخاستم و ایستادم آنقدر که به تنگ آمدم پس برخاستم و ردای خود را جمع کردم و گفتم یا امیرالمؤمنین می ترسم که از بسیاری ایستادن آزار بکشی اندک استراحتی بفرما فرمود که با مؤمنان صحبت می دارم بایشان انس می گیرم گفتم یا امیرالمؤمنین ایشان بعد از مرگ چنین هستند که با ایشان گفتگو توان کرد حضرت فرمود بلی و اگر برای تو ظاهر شوند خواهی دید ایشان را که حلقه حلقه نشسته اند با یکدیگر سخن می گویند گفتم بدنهای ایشان در اینجا حاضر است یا روح ایشان فرمود که روحهای ایشان و هیچ مؤمنی نیست که بمیرد در بقعه از بقعه های زمین مگر اینکه بروحش می گویند ملحق شو به وادی السّلام و این بقعه ای است از جنة عدن .

شخصی خدمت حضرت صادق علیه السّلام عرض کرد برادر من در بغداد است و می ترسم در آنجا بمیرد حضرت فرمود چه باک داری هر جا که خواهد بمیرد بدرستی که هیچ مؤمنی در مشرق و مغرب زمین نمی میرد مگر اینکه خدا روح او را بوادی السّلام می رساند راوی گفت وادی السّلام کجاست فرمود که پشت کوفه گویا می بینم ایشان را که در آن صحرا حلقه حلقه نشسته اند و با یکدیگر صحبت می دارند .

دروادی السّلام مرقّد حضرت هود وصالح علیهما السّلام و مرقد عارف بزرگوار آیة الله حاج سیدمیرزا علی قاضی و مقام صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشّریف و مقام امام صادق علیه السّلام و مقام امام زین العابدین علیه السّلام مکانهایی است که مؤمنین برای زیارت میروند . وایضاً شهید رئیس علی دلواری از دلیرمردان تنگستان بوشهر که در نبرد با انگلیسی ها به شهادت رسید محل دفنش نزدیک مقام صاحب الزمان عج است.

این قبرستان یکی از مقدس ترین گورستانهای مسلمانان و شیعیان است و در روایات آمده : «هر مؤمنی در شرق یا غرب جهان دیده از جهان بر گیرد به روح او ندا می رسد که به وادی السلام ملحق شو» و بدین منظور فرشته ای است به نام «مَلَك نَقَالَه» که ارواح مؤمنان را از سرتاسر جهان به این گورستان می آورد.

مرحوم محدّث قمی صاحب تألیفات نافعه مانند «سفینه البحار» و «الکُنْی و الالقاب» و غیرها که در ورع و تقوی و صدق ایشان بین قاطبة اهل علم، ایرادی نبوده است؛ افراد موثقی از خود او بدون واسطه نقل کردند که او میگفت: روزی در وادی السّلام نجف اشرف برای زیارت اهل قبور و ارواح مؤمنین رفته بودم. در این میان از ناحیه دور نسبت بجائی که من بودم ناگهان صدای شتری که میخوانند او را داغ کنند بلند شد، و صیحه می کشید و ناله میکرد؛ بطوریکه گوئی تمام زمین وادی السّلام از صدای نعره او متزلزل و مرتعش بود. من با سرعت برای استخلاص آن شتر بدان سمت رفتم. چون نزدیک شدم دیدم شتر نیست، بلکه جنازه ای را برای دفن آورده اند و این نعره از این جنازه بلند است؛ و آن افرادی که متصدی دفن او بودند ابدأً اطلاعی نداشته و با کمال خونسردی و آرامش مشغول کار خود بودند. مسلماً این جنازه از مرد متعدی و ظالمی بوده است که در اوّلین وهله از ارتحال به چنین عقوبتی دچار شده است، یعنی قبل از دفن و عذاب قبر، از دیدن صور برزخیه، وحشتناک گردیده و فریاد برآورده است.

مرحوم آقا سید جمال گلپایگانی میفرمود: یک روز هوا گرم بود، رفتم به وادی السّلام نجف اشرف برای فاتحه اهل قبور و ارواح مؤمنین. چون هوا بسیار گرم بود، رفتم در زیر طاقی که بر سر دیوار روی قبری زده بودند نشستم. عمامه را برداشته و عبا را کنار زدم که قدری استراحت نموده و برگردم. در اینحال دیدم جماعتی از مردگان با لباسهای پاره و مندرس و وضعی بسیار کثیف به سوی من آمدند و از من طلب شفاعت میکردند؛ که وضع ما بد است، تو از خدا بخواه ما را عفو کند. من به ایشان پرخاش کردم و گفتم: هرچه در دنیا به شما گفتند گوش نکردید و حالا که کار از کار گذشته طلب عفو می کنید ؟ بروید ای متکبران! ایشان میفرمودند: این مردگان شیوخی بودند از عرب که در دنیا متکبران زندگی می نمودند، و قبورشان در اطراف همان قبری بود که من بر روی آن نشسته بودم.

زیارت اهل قبور

عبدالله بن سنان روایت میکند که: به حضرتصادق علیه السلام عرض کردم: سلام کردن بر اهل قبور چگونه است؟ فرمود: آری، میگوئی:

اَلسَّلَامُ عَلٰی اَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ، اَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ، وَ نَحْنُ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ.

از حضرت امیرالمؤمنین (ع) در زیارت اهل قبور روایت شده است که فرمودند: به هنگام ورود به قبرستان بگوئید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی اَهْلِ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، مِنْ اَهْلِ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، يَا اَهْلَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، کَیْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، مِنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، يَا لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، بِحَقِّ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، اِغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، وَ اَحْشَرْنَا فِی زُمْرِهِ مَنْ قَالَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللّٰهِ، وَلِی وَلِی اللّٰهِ.

آن جناب فرمودند: شنیدم از رسول خدا (ص) که فرمود هر که این دعا را بخواند حق تعالی ثواب پنجاه سال عبادت به او عطا فرماید و گناهان پنجاه سال او را و پدر و مادرش را بیامرزد. از حضرت رسول اکرم (ص) مروی است که هر که در قبرستان بگوید:

لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ حِدَّةٌ لَا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْر.

روشن فرماید خدا کل آن قبور را و بیامرزد گوینده ی این کلمه را و بنویسد برای او هزار هزار حسنه و بیامرزد از او هزار هزار گناه و بلند کند برای او در بهشت هزار هزار درجه. حضرت صادق (ص) مردگان را زیارت کنید که ایشان خبر میشوند و به شما انس میگیرند و چون به نزدیک به قبر بروید بگوید:

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ، وَ صَاعِدِ اِلَیْکَ اَرْوَاحَهُمْ، وَ لَقَّهِمْ مِنْکَ رِضْوَانًا وَ اَسْکِنِ اِلَیْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا تَصِلُ بِهِ وَ حَدِّثْهُمْ وَ تُؤْنِسُ بِهِ وَ حَشِّتْهُمْ، اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْر.

از حضرت رسول اکرم (ص): هر که بر قبرستان بگذرد یازده مرتبه سوره (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) بخواند و ثوابش را به مردگان آن قبرستان ببخشد به عدد آن مردگان اجر او ثواب یابد.

حدیث: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آله: يَا اَبَا ذَرٍّ اِغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَ فِرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَ حَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ. «میزان الحکمه، ج ۷، ص ۱۴۹» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ابادر، پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت شمار، جوانی را پیش از پیری، و تندرستی را پیش از بیماری، توانگری را قبل از فقر، فراغت را قبل از گرفتاری، و زندگی را قبل از مرگ غنیمت بدان.

زیارت هود و صالح علیهما السلام در وادی السلام

در زیارت هود و صالح علیهما السلام این زیارت را که روی تابلو داخل حرم نوشته شده است بخوان:

اَللّٰهُ عَلٰى اَوْلِيَّاءِ اللّٰهِ وَ اَصْفِيَائِهِ السَّلَامُ عَلٰى اَمَنَاءِ اللّٰهِ وَ اَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلٰى اَنْصَارِ اللّٰهِ وَ خُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلٰى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلٰى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلٰى مُظْهِرِ اَمْرِ اللّٰهِ وَ نَهْيِهِ السَّلَامُ عَلٰى الدُّعَاةِ اِلَى اللّٰهِ السَّلَامُ عَلٰى الْمُسْتَقِرِّينَ فِى مَرْضَاتِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلٰى الْمُخْلِصِينَ فِى طَاعَةِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلٰى الْاِدِلَاءِ عَلٰى اللّٰهِ السَّلَامُ عَلٰى الدِّينِ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللّٰهُ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَ اللّٰهُ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّٰهُ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللّٰهُ وَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللّٰهِ وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ اَشْهَدُ اللّٰهُ اَنِّى سَلِّمْ لِمَنْ سَالَمْتُمْ وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ وَ مُقَوِّضٌ فِى ذَالِكْ كُلِّهِ اِلَيْكُمْ لَعَنَ اللّٰهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاَنْسِ وَ اُنْبِرْ اِلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ وَ صَلِّ اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ .

زیارت مقام صاحب الزمان «عج» در وادی السلام

در مقام صاحب الزمان وادی السلام این زیارت را میخوانیم

اَللّٰهُ عَلٰى الْحَقِّ الْجَدِيدِ وَ الْعَالَمِ الَّذِى عَلَّمَهُ لَا يَبِيدُ، اَللّٰهُ عَلٰى مُحْيِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ، اَللّٰهُ عَلٰى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ، اَللّٰهُ عَلٰى خَلْفِ السَّلَفِ وَ صَاحِبِ الشَّرَفِ، اَللّٰهُ عَلٰى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ وَ كَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، اَللّٰهُ عَلٰى مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلِّ الْأَعْدَاءِ، اَللّٰهُ عَلٰى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ، اَللّٰهُ عَلٰى الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، اَللّٰهُ عَلٰى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الزَّاهِرِ، اَللّٰهُ عَلٰى شَمْسِ الظَّلَامِ وَ بَدْرِ التَّمَامِ، اَللّٰهُ عَلٰى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةِ الْأَيَّامِ، اَللّٰهُ عَلٰى صَاحِبِ الصِّمَمِ وَ فَلَاقِ الْهَامِ، اَللّٰهُ عَلٰى الدِّينِ الْمَأْتُورِ وَ الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ، اَللّٰهُ عَلٰى بَقِيَّةِ اللّٰهِ فِى بِلَادِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلٰى عِبَادِهِ، اَلْمُنْتَهَى اِلَيْهِ مَوَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ لَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَصْفِيَاءِ، اَلْمُؤْتَمَنُ عَلٰى السَّرِّ، وَ الْوَلِيُّ لِلْأَمْرِ، اَللّٰهُ عَلٰى الْمَهْدِيِّ الَّذِى وَعَدَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأُمَمَ اَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يَلْمَ بِهِ الشَّعْتَ وَ يَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ يُمْكِّنَ لَهُ وَ يُنْجِزَ بِهِ وَ عَدَ الْمُؤْمِنِينَ، اَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ اَنْكَ وَ الْأَيْمَةُ مِنْ آبَائِكَ اَنْمَتِي وَ مَوَالِيَّ فِى الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، اَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ اَنْ تَسْأَلَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِى صَلَاحِ شَأْنِي وَ فَضَاءِ حَوَائِجِي وَ غُفْرَانِ ذُنُوبِي وَ الْأَخْذِ بِيَدِي فِى دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، لِيَّ وَ لِإِخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ .

پس بجا آور نماز زیارت را که دوازده رکعت است، بعد از هر دو رکعت سلام ده و تسبیح زهرا علیها السلام بگو و هدیه کن بسوی آن حضرت و چون از نماز زیارت فارغ شدی بگو :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی حُجَّتِكَ فِیْ اَرْضِنَا وَ خَلِیْفَتِكَ فِیْ بِلَادِنَا الدَّاعِیْ اِلٰی سَبِیْلِكَ وَ الْقَائِمِ (بِقِسْطِكَ وَ الْفَائِزِ بِاَمْرِكَ وَلِیِّ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ مُبِیْرِ الْكَافِرِیْنَ وَ مُجَلِّی الظُّلْمَةِ وَ مُنِیْرِ الْحَقِّ) وَ الصَّادِعِ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الصَّدِّقِ وَ كَلِمَتِكَ وَ عِیَّتِكَ وَ عَیْنِكَ فِیْ اَرْضِنَا الْمُتَرَقِّبِ الْخَائِفِ الْوَلِیِّ النَّاصِحِ سَفِیْنَةِ النَّجَاةِ وَ عَلِمِ الْهُدٰی وَ نُورِ ابْصَارِ الْوَرٰی وَ خَیْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ اَزْتَدٰی وَ الْوَثْرِ الْمَوْثُوْرِ وَ مُفَرِّجِ الْكُرْبِ وَ مُزِیْلِ الْهَمِّ وَ كَاشِفِ الْبَلَوٰی صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَ عَلٰی اَبَائِهِ الْاَئِمَّةِ الْهَادِیْنَ وَ الْقَادَةِ الْیَمَامِیْنَ مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْاَسْحَارِ وَ اَوْرَقَتْ الْاَشْجَارُ وَ اَیْنَعَتِ الْاَنْثَمَارُ وَ اخْتَلَفَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ غَرَدَتِ الْاَطْيَارُ اَللّٰهُمَّ اَنْفَعْنَا بِحُبِّهِ وَ اَحْشُرْنَا فِیْ زَمَرَتِهِ وَ تَحْتَ لِوَائِهِ اِلَهَ الْحَقِّ اَمِیْنَ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ .

زیارت مقام امام صادق علیه السلام دروادی السلام

مقام امام صادق دروادی السلام کنار مقام صاحب الزمان عج است این زیارت را که درتابلوی محل هست و از زیارت روز سه شنبه اقتباس شده میخوانیم:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُتَرْجِمَ وَحٰی اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِمَامَ الْهُدٰی، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عِلْمَ التَّقٰی، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَی رَسُوْلِ اللّٰهِ، اَنَا عَارِفٌ بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكَ، مُعَادٍ لِاَعْدَائِكَ، مُوَالٍ لِاَوْلِیَائِكَ، بِاَبِیْ اَنْتَ وَ اُمِّی صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتُوَالِیْ اَخَرَهُمْ كَمَا تُوَالِیْتُ اَوَّلَهُمْ، وَ اُبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِیْجَةٍ دُونَهُمْ، وَ اَكْفُرُ بِالْجُبَّتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزٰی، صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْكَ يَا مَوْلَایَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَادِقًا مُّصَدِّقًا فِی الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ، يَا مَوْلَایَ هَذَا یَوْمُكَ وَ هُوَ یَوْمُ الثَّلَاثَةِ، وَ اَنَا فِیْهِ ضِیْفٌ لَّكَ وَ مُسْتَجِیْرٌ بِكَ، فَاضْفِنِیْ وَ اَجِرْنِیْ بِمَنْزِلَةِ اللّٰهِ عِنْدَكَ وَ اَلِ بَيْتِكَ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ .

و مناسب است این نماز خوانده شود

نماز حضرت صادق علیه السلام دو رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و آیه شَهِدَ اللّٰهُ صد مرتبه.

و مناسب است این دعا خوانده شود:

دعای آن حضرت یا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوْعٍ یا جَابِرُ كُلِّ كَسِیْرٍ وَ یا حَاضِرُ كُلِّ مَلَأٍ وَ یا شَهِدَ كُلِّ نَجْوٰی وَ یا عَالِمُ كُلِّ خَفِیَّةٍ وَ یا شَهِدًا غَیْرَ غَائِبٍ وَ یا غَالِبًا غَیْرَ مَغْلُوْبٍ وَ یا قَرِیْبًا غَیْرَ بَعِیْدٍ وَ یا مُوْنِسٌ كُلِّ وَحِیْدٍ وَ یا حَیُّ مُخِیِّ الْمَوْتِی وَ مُمِیْتِ الْاَحْیَاءِ الْقَائِمِ عَلٰی كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ یا حَیًّا حَیْنَ لَا حَیَّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ.

و مناسب است این صلوات خوانده شود

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّٰدِقِ خَاِزِنِ الْعِلْمِ، اَلدّٰعٰى اِلَيْكَ بِاَلْحَقِّ النُّوْرِ الْمُبِيْنِ، اَللّٰهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَ وَحْيِكَ وَ خَاِزِنَ عِلْمِكَ وَ لِسَانَ تَوْحِيْدِكَ وَ وَلٰى اَمْرِكَ وَ مُسْتَحْفَظًا [مُسْتَحْفَظًا] دِيْنِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيَائِكَ وَ حُجَجِكَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ.

علامه مامقانی در شمار آداب زیارت نجف اشرف، از زیارت پیامبران عظیم الشان مدفون در نجف: حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت هود و حضرت صالح سخن گفته، سپس می فرماید: شایسته است در نجف اشرف زیارت سر مقدس امام حسین در مسجد حنّانه، زیرا بر اساس روایتی ساعتها سر مقدس امام حسین علیه السلام در آنجا بر زمین نهاده شده بود. و محل منبر حضرت قائم علیه السلام . اما در مورد جایگاه منبر حضرت قائم علیه السلام می فرماید: «تا کنون محل منبر حضرت قائم علیه السلام (عج) به صورت مشخص معلوم نیست». ولی به عنوان یک احتمال می فرماید: «من احتمال می دهم - بدون دلیل استوار - که محل منبر قائم (عج) همان مقام مشهور به مقام حضرت مهدی علیه السلام در وادی السلام باشد». (مرآة الکمال، ج ۳) و می فرماید: «محل منبر قائم علیه السلام محلی است در خارج نجف، که گنبدی با کاشی سبز دارد و به عنوان: مقام مهدی علیه السلام شناخته می شود که پدر بزرگم سید بحر العلوم آن را تعمیر کرد، سپس در سال ۱۳۱۰ هـ سید محمدخان پادشاه سند آن را تعمیر و مرمت نمود. و کراماتی به آنجا نسبت داده می شود». «زیارت آنها می روند». (تحفة العالم، ج ۱) نگارنده «مامقانی» گوید: احتمال انطباق محل منبر حضرت قائم (عج) با مقام حضرت مهدی علیه السلام در وادی السلام، احتمال بسیار معقولی است و یکی از شواهد این احتمال وجود «مقام امام صادق علیه السلام» در کنار این مقام است .

توضیح این که: شهرت این مکان مقدس به عنوان «مقام امام صادق علیه السلام» طبعاً به جهت نزول امام صادق علیه السلام در این مکان و به جای آوردن دو رکعت نماز در این مکان می باشد، چنانکه در احادیث منقول از: ابان بن تغلب، ابوالفرج سندی، فرات بن احنف و مبارک خبّاز به آن تصریح شده است. در همه احادیث یاد شده، امام صادق علیه السلام آنجا را به عنوان «محل منبر قائم (عج)» معرفی فرموده است. روی این بیان احتمال انطباق مقام حضرت با محل محراب آن حضرت کاملاً احتمال به جایی می باشد.

تا جایی که ما اطلاع داریم، نخستین کسی که این احتمال را ابراز کرده، علامه بزرگوار آیه الله حاج شیخ عبدالله مامقانی، متوفای ۱۳۵۱ هـ . (صاحب تنقیح المقال) در کتاب ارزشمند «مرآة الکمال» می باشد (مرآة الکمال، ج ۳) سپس علامه آل بحر العلوم مرحوم سید جعفر آن را به صورت ارسال مسلم بیان کرده است. (تحفة العالم، ج ۱)

مرقد استاد العارفین سید میرزا علی قاضی دروادی السّلام

سید علی قاضی طباطبایی معروف به علامه قاضی (متولد ۹ اردیبهشت ۱۲۴۵ در تبریز - درگذشته ۱۶ بهمن ۱۳۲۵). پدر او، آیت الله سید حسین قاضی از شاگردان میرزا محمدحسن شیرازی بود. علامه قاضی از شخصیت های کم نظیر معاصر عرفان و شیعه است. او همچنین استاد علامه طباطبایی و آیت الله بهجت بوده است.

اساتید عرفان علامه قاضی شیخ محمد بهاری و سید احمد کربلایی بوده اند. این دو از شاگردان مبرز ملا حسینقلی همدانی بوده اند. سلسله اساتید ملا حسینقلی همدانی به سید علی شوشتری و سپس به شخصی گمنام به نام ملاقلی جولا میرسد.

سرانجام، سید علی قاضی در ۱۶ بهمن ۱۳۲۵ خورشیدی (۱۴ ربیع الاول ۱۳۶۶ قمری) در سن ۸۳ سالگی وفات نمود، و در قبرستان وادی السّلام نجف، نزد پدر خود، به خاک سپرده شد.

زیارت قبور علماء بر مرقداستاد العارفین سید میرزا علی قاضی دروادی السّلام میخوانیم
از کتاب مزار مرحوم شیخ مفید (رحمه الله) نقل شده است که در هنگام زیارت قبور علماء (رضوان الله تعالی علیهم) بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنْزَهَا، وَمُحْيِيَ الرُّسُومِ
وَمُرُوجَهَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ الدِّينِ، وَعَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُرُوجَ شَرِيعَةِ سَيِّدِ
الْمُرْسَلِينَ وَآلِهِ الْأَيُّمَةِ الْمُعْصُومِينَ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَفْضَلُ صَلَاةِ الْمُصَلِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الشَّيْخُ الْعَالِمُ الْعَامِلُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَضُدَ الْأَسْلَامِ وَفَقِيهَ أَهْلِ الْبَيْتِ، عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ
الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَارِفُ الْمُؤَيَّدُ وَالْعَابِدُ الْمُسَدَّدُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمِينُ عَلَى
الدِّينِ وَالْدُّنْيَا، وَأَنَّكَ قَدْ بَالَغْتَ فِي إِحْيَاءِ الدِّينِ، وَاجْتَهَدْتَ فِي حِفْظِ شَرِيعَةِ أَشْرَفِ
الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَوَاتُ الْمُصَلِّينَ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ، وَرَوَيْتَ عَنْهُمْ
الْأَخْبَارَ، وَعَمِلْتَ بِمَا رَوَيْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَظْهَرْتَ الْحَقَّ، وَأَبْطَلْتَ الْبَاطِلَ، وَسَهَّلْتَ
السَّبِيلَ، وَأَوْصَحْتَ الطَّرِيقَ، وَنَصَرْتَ الْمُؤْمِنِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ
التَّابِعِينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، اللَّهُمَّ
امْلَأْ قَبْرَهُ نُورًا وَرَوْحًا وَرِيحَانًا، وَأَسْكِنَهُ فِي بُحْبُوحَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ .

حدیث: امام صادق علیه السلام: لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، إِنَّمَا هُوَ نَوْرٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ
وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ، فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ، وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ،
وَاسْتَفْهِمِ اللَّهَ يُفْهِمَكَ؛ دانش به آموختن نیست، بلکه نوری است که در دل هر کس که خداوند تبارک و تعالی بخواهد هدایتش کند، می افتد.
بنابراین، اگر خواهان دانش هستی، نخست حقیقت عبودیت را در جان خودت جویا شو و دانش را از طریق به کار بستن آن بجوی و از خداوند فهم و دانایی
بخواه تا تو را فهم و دانایی دهد. «بحار الأنوار: ۱ / ۲۲۵ / ۱۷ منتخب میزان الحکمة: ۴۰۴»

زیارت قبور مؤمنان

۱- زائر رو به قبله قرار می گیرد و دست روی قبر می گذارد چنان که از دو روایت عبدالرحمن بن ابی عبدالله و محمد بن احمد بن یحیی به دست می آید.

۲- هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند چنان که در روایت «اشعری» گذشت. در بعضی از روایات اشاره به سوره حمد نیز شده است و مناسب است در صورتی که توفیق رفیق او گردد از سوره های دیگر قرآن برای شادی روح آن میت مانند «یس»، «ملک» و «واقع» استفاده کند.

از حضرت امام محمد باقر (ع) هر که سوره (انا انزلناه) را نزد قبر مومنی بخواند هفت مرتبه حق تعالی ملکی را بفرستد که عبادت الهی کند نزد بر او و ثواب عبادت آن ملک را برای میت بنویسند و چون از قبرش محشور شود به هر ترسی از ترسهای قیامت که برسد حق تعالی به سبب آن ملک آن هول و ترس را از او دفع کند تا داخل بهشت شود.

حدیث:

پیامبر صلی الله علیه و آله قبر را نخستین منزل آخرت معرفی می کند: الْقَبْرُ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ؛ فَإِنْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ. «دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث ج ۲» گور، نخستین منزلگاه آخرت است. اگر (انسان) از آن به سلامت بَرَهَد، منزلگاه های پس از آن، آسان تر از آن است و اگر به سلامت نَرَهَد، منزلگاه های پس از آن، سخت تر از آن خواهد بود.

رسول الله صلی الله علیه و آله: وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلُ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إَصْبَعَهُ هَذِهِ فِي السِّيمِّ، فَلْيَنْظُرْ بِهَا تَرْجِعْ! «دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث ج ۲» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدا سوگند که دنیا در مقایسه با آخرت، جز مانند این که فردی از شما این انگشتش را در دریا فرو ببرد، نیست. پس، بنگرد که انگشتش با چه (مقدار آب) باز می گردد (دنیا در برابر آخرت، به اندازه این نم است در برابر دریا).

امیر مؤمنان علیه السلام: كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ. «دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث ج ۲» هر چیز دنیا، شنیدنش بزرگتر از دیدن آن است، و هر چیز آخرت، دیدنش بزرگتر از شنیدن آن است.

الإمام علی علیه السلام: سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً؛ لِأَنَّ فِيهَا الْجَزَاءَ وَالْثَوَابَ. «دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث ج ۲» امام علی علیه السلام: آخرت را به این دلیل آخرت نامیده اند که سزا و پاداش در آن جاست.

الإمام علی علیه السلام: الْمَوْتُ أَوَّلُ عَدْلِ الْآخِرَةِ. «دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث ج ۲» امام علی علیه السلام: مرگ، نخستین مرحله عدالت [و داوری] آخرت است.

حضرت امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) در نجف اشرف

اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در سیزدهم رجب سال سی بعد از عام الفیل و ولادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ده سال قبل از بعثت پیغمبر در کعبه متولد شد و تنها فرزندی است که در چنین محلی پاک بدنیا آمده است.

هنگامی که فاطمه بنت اسد را درد زایمان فرا می گیرد به خانه خدا پناهنده می شود در برابر کعبه می ایستد و نظر بجانب آسمان افکنده می گوید پروردگارا من ایمان آورده ام بتو و به هر پیغمبر و رسولی که فرستاده ای و به هر کتابی که نازل گردانیده ای و تصدیق کرده ام به گفته های جدّم ابراهیم خلیل که خانه کعبه بنا کرده اوست پس مسئلت می کنم از تو بحق این خانه و بحق آن کسی که این خانه را بنا کرده است و بحق این فرزندی که در شکم من است و با من سخن می گوید و به سخن گفتن خود مونس من گردیده است و یقین دارم که او یکی از آیات جلال و عظمت تو است که آسان کنی بر من ولادت مرا، و چون از این دعا فارغ شد دیوار خانه شکافته شد (محل شکاف کنار مستجار قبل از رکن یمانی است از سمت حجر اسماعیل) و آن مخدّره از آن رخنه داخل خانه شد سپس دیوار باذن خدا بهم آمد و آن مخدّره سه روز در اندرون کعبه ماند و اهل مگّه در کوچه و بازار این قضیه را نقل می کردند تا روز چهارم همان موضع از دیوار کعبه شکافته شد و آن مخدّره بیرون آمد در حالی که فرزند خود را در دست داشت و می گفت ای گروه مردم به درستی که حق تعالی برگزید مرا از میان خلق خود و فضیلت داد مرا بر زنان برگزیده که پیش از من بودند زیرا که حق تعالی برگزید آسیه دختر مزاحم را و او عبادت کرد حق تعالی را پنهان در موضعی که عبادت خدا در آنجا سزاوار نبود مگر در حال ضرورت یعنی خانه فرعون و برگزید مریم دختر عمران را و ولادت حضرت عیسی علیه السلام را بر او آسان گردانید و در بیابان درخت خشک را جنبانید رطب تازه از برای او فرو ریخت و حق تعالی مرا بر آن هر دو زیادتی داد و همچنین بر جمیع زنان عالمیان که پیش از من گذشته اند، زیرا که من فرزندی آورده ام در میان خانه برگزیده او و سه روز در آن خانه محترم ماندم و از میوه ها و طعامهای بهشت تناول کردم و چون خواستم که بیرون آیم در هنگامی که فرزند برگزیده من بر روی دست من بود هاتفی از غیب مرا ندا کرد که ای فاطمه این فرزند بزرگوار را علی نام کن بدرستی که منم خداوند علی اعلی و او را آفریده ام از قدرت و عزّت و جلال خود و بهره کامل از عدالت خویش باو بخشیده ام و نام او را از نام مقدّس خود اشتقاق نموده ام و او را با آداب خجسته خود تادیب نموده ام و امور خود را باو تفویض کرده ام و او را بر علوم پنهان خود مّطلع کرده ام و در خانه محترم من متولّد شده است و او اوّل کسی است که اذان خواهد گفت بر روی خانه من و بتهای را خواهد شکست و آنها را از بالای کعبه بزیّر خواهد انداخت و مرا بعظمت و

مجد و بزرگواری و یگانگی یاد خواهد کرد و اوست امام و پیشوا بعد از حبیب من و برگزیده از جمیع خلق من محمد (ص) که رسول من است و او وصی او خواهد بود خوشا حال کسی که او را دوست دارد و یاری کند او را و اوای بر حال کسی که فرمان او نبرد و یاری او نکند و انکار حق او نماید .

نشو و نمای علی علیه السلام و تربیت او در دامان پر مهر و عطوفت محمد صلی الله علیه و آله بود علی علیه السلام از بدو تولد تا شش سالگی از مهر و محبت پسر عمویش محمد صلی الله علیه و آله برخوردار بود و لیکن از شش سالگی به بعد که فرزندان ابی طالب را بخاطر عیالواری و تهی دستی بین عموها و برادران ابی طالب تقسیم کردند، عباس جعفر را، و حمزه طالب را بردند خانه خود، محمد صلی الله علیه و آله هم علی را برد خانه خود و عملاً تحت سرپرستی و تربیت خود قرار داد تا جایی که وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سن چهل سالگی مبعوث به رسالت گردید علی علیه السلام ده ساله بود و اولین مردی بود که پیامبری آن حضرت را تصدیق کرد و به او ایمان آورد و بعد از بعثت نیز مدام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بود و شاهد نزول آیات قرآن بر آنحضرت بود چنانکه خود امام علی علیه السلام در ضمن خطبه قاصعه می فرماید : شما قدر و منزلت مرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله به سبب خویشاوندی نزدیک و مقام بلند و احترام مخصوص می دانید زمان کودکی مرا در کنار خود پرورش داد و به سینه اش می چسبید و در بسترش در آغوش می داشت و تنش را به من می مالید و بوی خویش را به من می بویانید و خوراکی جویده در دهان من می نهاد و من پی او می رفتم مانند رفتن بچه شتر پی مادرش و در هر روزی شمه ای از اخلاق خود را به من می نمود پرچم و نشانه ای از اخلاق خود را می افراشت و مرا امر به پیروی از آن می فرمود و در هر سالی روزهایی را در حراء اقامت می نمود من همراه او بودم و من او را می دیدم و غیر من نمی دیدم و در آن زمان اسلام در خانه ای نیامده بود مگر خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه که من سوّم آنها بودم نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت و پیغمبری را می بوئیدم و هنگامی که وحی بر آن حضرت صلی الله علیه و آله نازل شد صدای شیطان را می شنیدم که ناله و فریاد می کرد .

خوابیدن علی علیه السلام بجای پیامبر صلی الله علیه و آله و هجرت آن حضرت به مدینه بالاترین افتخار است که در سن بیست و سه سالگی آن حضرت واقع شد .

در سال سیزدهم بعثت که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکر و حيله كفار توسط جبرئیل (ع) باخبر شد شبانه از مکه خارج شد و علی (ع) بجای ایشان در بستر خوابید صبحگاه که كفار آمدند در خانه متوجه شدند که آن حضرت از مکه خارج شده و مکر و حيله آنها مؤثر واقع نشد و پس از چند روز علی علیه السلام خانواده پیامبر را برداشته و رهسپار مدینه شد و در محله قبا به آنحضرت ملحق شد و با هم وارد مدینه شدند .

علی علیه السلام ده سال پس از هجرت مدام یا ر و یاور پیغمبر صلی الله علیه و آله بود، و در تمامی جنگها غزوات و سرایا حضور داشت، و از پیغمبر صلی الله علیه و آله و اسلام و مدینه پایگاه اسلام دفاع می کرد، و فداکاریهای آنحضرت در اُحد و شجاعت او در خندق و خیبر و بدر و حنین اظهار من الشمس است. علی علیه السلام هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سر آنحضرت را بر دامن داشت و طبق وصیت آنحضرت متولی غسل و کفن و دفن آنحضرت شد، که اینها نشانه خلافت و جانشینی امام علی علیه السلام است .

علی علیه السلام به تصریح آیات قرآن و وصایای پیغمبر صلی الله علیه و آله خلیفه ی بلافصل آنحضرت و امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بود که احادیث مباهله و مؤاخاة و سد ابواب و مرغ بریان و سفینه و ثقلین و منزلت و انفاق و نجوی و رایت و غدیر خم همگی دلیل و سند امامت آن حضرت است که از طریق شیعه و سنی در کتابهای هر دو فرقه با اسناد صحیح نقل شده .

علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۵ سال خانه نشین شد که سه سال آن خلافت ابی بکر و ده سال آن خلافت عمرو دوازده سال آن خلافت عثمان بود .

علی علیه السلام پس از قتل عثمان با اجتماع مردم در خانه او خلافت را عهده دار شد و پنج سال خلافت کرد که در این پنج سال وقت آنحضرت مصروف جنگهای دیگری شد که در جنگ جمل با ناکثین و صفین با قاسطین و نهروان با مارقین درگیر بود .

علی علیه السلام در سن شصت و سه سالگی صبح نوزدهم ماه مبارک رمضان بر اثر ضربت ابن ملجم مرادی فرق مبارکش در محراب مسجد کوفه شکافته شد و در شب بیست و یکم شرب شهادت نوشید که بنا بر وصیت آن حضرت بدن مبارکش را شبانه بردند نجف دفن کردند و قبر شریفش را مخفی کردند و مدت یکصد و سی سال قبر آن حضرت مخفی بود تا زمان ها رون الرشید آشکارشد.

زیارت مخفیانه زائرین خاص امیرالمؤمنین علیه السلام که امامان علیهم السلام و خواص اصحاب آنان تا زمان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بعد از شهادت امام علی علیه السلام بمدت یکصد و سی سال صورت می گرفت هر چند که امام صادق علیه السلام قبل از آن محل قبر مطهر را به شیعیان معرفی کرد و شیعیان عموماً برای زیارت می رفتند و لیکن باز هم احتیاط می کردند و به عامه مردم نشان نمی دادند .

آشکار شدن قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بود از عبدالله حازم روایت است که گفته است روزی با هارون از کوفه بیرون شدیم بجانب غریین پس آهوانی دیدیم بازها و سگهای شکاری را بجانب آنها روانه کردیم ساعتی آهوان را دوانیدیم آهوان پس از دویدن زیاده پناه بردند به پشته و بازها و سگهای شکاری برگشتند رشید متعجب شد پس آهوان از پشته بیرون آمدند دو دفعه بازها و سگها را بسوی آنها مراجعت دادیم دفعه دیگر نیز آهوان به همان

پشته پناه بردند رشید خیلی تعجب کرد، گفت بروید بجانب کسی که عمرش از همه بیشتر است او را حاضر کنید، پس پیرمردی از بنی اسد را آوردند، رشید گفت خبر بده مرا که این پشته چیست؟ پیرمرد گفت خبر داد به من پدرم از پدرانش که در این پشته قبر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است و خداوند او را حرم امن قرار داده هیچ چیز به او پناه نمی برد مگر اینکه در امانست، و پیرمرد گفت پدرم مرا به این موضع می آورد و زیارت می کرد و می گفت من با حضرت صادق علیه السلام به زیارت این مکان آمدم و آن جناب می فرمود من با پدرم حضرت باقر علیه السلام به زیارت این مکان آمدم و پدرم حضرت باقر علیه السلام می فرمود من با پدرم حضرت علی بن الحسین علیه السلام به زیارت این مکان آمدم و علی بن الحسین علیه السلام می فرمود من با پدرم حسین بن علی علیه السلام به زیارت این مکان آمدم و حسین بن علی علیه السلام می فرمود در این مکان موضع قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است. پس هارون از مرکب خود فرود آمد و آب طلبید وضو گرفت و در آن پشته نماز کرد و دعا کرد و گریست و خود را بخاک مالید و امر کرد قبه ای در آنجا بنا کنند که چهار در داشته باشد و این اولین بنای حرم امیرالمؤمنین علیه السلام بود .

چه خوب امام شافعی بنا به نقل «ینابیع المودة» سروده است:

قِيلَ لِي قُلْ فِي عَلِيٍّ مَدْحًا - ذِكْرُهُ [مَدْحُهُ] يَحْمِدُ نَارًا مُؤَصَّدَةً (۱)

قُلْتُ لَا أَقْدِمُ فِي مَدْحِ امْرَأَةٍ - ضَلَّ [حَارًا] دُوالِبُّ إِلَى أَنْ عَبَدَهُ (۲)

وَالنَّبِيُّ الْمُصْطَفَى قَالَ لَنَا - لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ لَمَّا صَعَدَهُ (۳)

وَضَعَّ اللَّهُ بِظَهْرِي يَدَهُ - فَأَحَسَّ الْقَلْبُ أَنَّ قَدْ بَرَّدَهُ (۴)

وَعَلَى وَاصِعٍ أَقْدَامُهُ - فِي مَحَلٍّ وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ (۵)

۱ - به من گفته شده است که درباره علی بن ابی طالب مدحی بگو که یاد نمودن از آن مدح، آتشی را که از هر طرف احاطه کرده است ساکن و خاموش نماید.

۲ - من گفتم: من هیچگاه در توان خود نمی بینم که مدح کسی را بگویم که عقلاء درباره او چنان گمراه شدند تا سرحدی که او را معبود خود دانسته و به پرستش او قیام کردند.

۳ - و پیامبر اسلام حضرت مصطفی به ما چنین فرمود: در شب معراج که به آسمانها بالا رفتم،

۴ - خداوند دست خود را در کتف من گذارد، بطوریکه دل من احساس خنکی و طراوت از دست خدا می نمود.

۵ - و علی مرتضی پاهای خود را گذارده است در همان محلی که خداوند دست خود را قرار داده

بود. منبع: معاد شناسی ج ۴ ص ۱۶۲

ایضاً امام شافعی سروده: عَلِيٌّ حُبُّهُ جَنَّةٌ - قَسِيمُ النَّارِ وَالْجَنَّةِ - وَصِيُّ الْمُصْطَفَى حَقًّا - إِمَامُ الْإِنْسِ وَالْجَنَّةِ.

لَوْ أَنَّ الْمُرْتَضَى أَبَدَى مَحَلَّهُ - لَصَارَ النَّاسُ طُرَاسُ جَدَالِهِ - وَمَاتَ الشَّافِعِيُّ وَلَيْسَ يَدْرِي - عَلِيٌّ رَبُّهُ أَمْ رَبُّهُ اللَّهُ

زیارت حضرت امام علی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می فرماید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود درهای آسمان به روی زائر حضرت علی علیه السلام گشوده می شود، و در روایت دیگر می فرماید هر قدمی که بسوی زیارت علی علیه السلام برداشته می شود ثواب حج و عمره مقبول را دارد، و امام صادق علیه السلام فرمود کسی که زیارت کند جدم امیرالمؤمنین علیه السلام را می نویسد خداوند متعال در قبال هر قدمی حج و عمره مقبول .

زیارتی که شیخ مفید و شهید و سید بن طاوس و دیگران ذکر کرده اند و کیفیت آن چنان است که هر گاه اراده زیارت نمایی غسل کن و دو جامه پاک بپوش و به چیزی از بوی خوش خود را خوشبو کن و اگر نیایی و نکنی نیز مجزی است

چون از خانه بیرون آمدی بگو :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ خَرَجْتُ مِنْ مَنْرِیْ اَبْنِیْ فَضْلَكَ وَ اَزُوْرُ وَصِیَّ نَبِیِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِمَا اَللّٰهُمَّ فِیْسِّرْ ذَلِكْ لِیْ وَ سَبِّبِ الْمَزَارَ لَهُ وَ اَخْلُقْنِیْ فِیْ عَاقِبَتِیْ وَ حُرِّاتِیْ بِاَحْسَنِ الْخِلَافَةِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ .

پس روانه شو در حالی که زبانت گویا باشد به ذکر الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ لَا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ

چون رسیدی به خندق کوفه بایست و بگو :

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَهْلُ الْكِبْرِیَاءِ وَ الْمَجْدِ وَ الْعِظَمَةِ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَهْلُ التَّكْوِیْرِ وَ التَّقْدِیْسِ وَ التَّسْبِیْحِ وَ الْاِلَآءِ اَللّٰهُ اَكْبَرُ مِمَّا اَخَافُ وَ اَحْذَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ عِمَادِیْ وَ عَلَیْهِ اَتَوَكَّلُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ رَجَائِیْ وَ اِلَیْهِ اُنِیْبُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِیُّ نِعْمَتِیْ وَ الْقَادِرُ عَلٰی طَلِبَتِیْ تَعْلَمُ حَاجَتِیْ وَ مَا تُضْمِرُهُ هَوَاجِسُ الصُّدُوْرِ وَ خَوَاطِرُ النُّفُوْسِ فَاسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰی الَّذِی قَطَعْتَ بِهٖ حُجَجَ الْمُحْتَجِّیْنَ وَ عُدْرَ الْمُعْتَذِرِیْنَ وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِیْنَ اَنْ لَا تَحْرِیْمَنِ ثَوَابَ زِیَارَةِ وَلِیِّكَ وَ اَخِی نَبِیِّكَ اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ قَصْدَهُ وَ تَجْعَلَنِیْ مِنْ وَفْدِهِ الصَّالِحِیْنَ وَ شِیْعَتِهِ الْمُتَّقِیْنَ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ .

و چون نمودار شود برای تو قبه شریفه آن حضرت بگو :

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَخْتَصَّنِیْ بِهٖ مِنْ طِیْبِ الْمَوْلِدِ وَ اسْتَخْلَصَنِیْ اِكْرَامًا بِهٖ مِنْ مُّوَالَاةِ الْاَبْرَارِ السَّفَرَةِ الْاَظْهَارِ وَ الْخَیْرَةِ الْاَعْلَامِ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ سَعِیَّ اِلَیْكَ وَ تَضَرَّعِیْ بَیْنَ یَدِیْكَ وَ اغْفِرْ لِیْ الذُّنُوْبَ الَّتِیْ لَا تَخْفٰی عَلَیْكَ اِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْمَلِكُ الْغَفَّارُ .

چون در وقت دیدن قبه منوره يك حال نشاط و شوقی برای زائر روی می دهد که میل دارد در آن وقت تمام توجه خود را به آن جناب نماید و به هر لسانی و بیانی که تواند مدح و ثنای آن بزرگوار

گوید خصوص زائر اگر از اهل علم و کمال باشد دوست می‌دارد که اگر شعر بلیغی در نظر داشته باشد در آن حال به آن تمثل جوید لذا به خاطر مرسید که این چند شعر را از قصیده هائیه از ریه که مناسب این مقام است ذکر نمایم و رجاء واثق که سلامی از جانب این صاحب صحیفه سوداء به آن صاحب قبه بیضاء بنماید و از دعای خیر فراموشم نفرماید و الاشعار هذه :

أَيُّهَا الرَّائِبُ الْمُجِدُّ رُؤِيدَا - بِقُلُوبٍ تَقْلُبْتُ فِي جَوَاهَا - إِنَّ تَرَاءَتْ أَرْضُ الْغَرِيِّينَ فَاخْضَعْ - وَ
اخْلَعْ النَّعْلَ دُونَ وَادِي طَوَاهَا - إِذَا شِمْتَ قُبَّةَ الْعَالَمِ - الْأَعْلَى وَ أَنْوَارَ رَبِّهَا تَغْشَاهَا -
فَتَوَاضَعْ فَتَمَّ دَارَةُ قُدْسٍ - تَتَمَنَّى الْأَفْلَاكُ لَثَمَ تَرَاهَا - قُلْ لَهُ وَ الدُّمُوعُ سَفْحٌ عَقِيقٍ - وَ
الْحَشَا تَصْطَلِي بِنَارِ عَصَاهَا - يَا بَنَ عَمِّ النَّبِيِّ أَنْتَ يَدُ اللَّهِ - الَّتِي عَمَّ كُلُّ شَيْءٍ نَدَاهَا - أَنْتَ
قُرْآنُهُ الْقَدِيمُ وَ أَوْصَافُكَ - آيَاتُهُ الَّتِي أَوْحَاهَا - خَصَّكَ اللَّهُ فِي مَآثِرِ شَتَّى - هِيَ مِثْلُ الْأَعْدَادِ
لَا تَتَنَاهَى - لَيْتَ عَيْنَا بَغِيرِ رَوْضِكَ تَزْعَى - قَذِيبٌ وَ اسْتَمَرَّ فِيهَا قَذَاهَا - أَنْتَ بَعْدَ النَّبِيِّ
خَيْرُ الْبَرِيَا - وَ السَّمَا خَيْرُ مَا بِهَا قَمَرَاهَا - لَكَ ذَاتُ كَذَاتِهِ حَيْثُ لَوْ لَا - أَنَّهَا مِثْلُهَا لَمَّا
آخَاهَا - قَدْ تَرَاصَعْتُمَا بِنَدَى وَصَالٍ - كَانَ مِنْ جَوْهَرِ التَّجَلَّى غِذَاهَا - يَا أَخَا الْمُصْطَفَى لَدَى
دُنُوبٍ - هِيَ عَيْنُ الْقَذَا وَ أَنْتَ جَلَاهَا - لَكَ فِي مَرْتَقَى الْعُلَى وَ الْمَعَالَى - دَرَجَاتٌ لَا يَرْتَقَى
أَدْنَاهَا - لَكَ نَفْسٌ مِنْ مَعْدِنِ اللَّطْفِ صَبِغَتْ - جَعَلَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ فِدَاهَا.

و چون به دروازه نجف برسی بگو :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَيَّرَنِي فِي
بِلَادِهِ وَ حَمَلَنِي عَلَى دَوَابِّهِ وَ طَوَى لِي الْبُعِيدَ وَ صَرَفَ عَنِّي الْمَحْذُورَ وَ دَفَعَ عَنِّي الْمَكْرُوهَ
حَتَّى أَقْدَمَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .

پس داخل شهر شو و بگو :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْخَلَنِي هَذِهِ الْبُقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ الَّتِي بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا وَ اخْتَارَهَا لِرُوحِ نَبِيِّهِ
اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهَا شَاهِدَةً لِي .

پس چون به درگاه اول برسی بگو :

اللَّهُمَّ لِبَابِكَ وَقَفْتُ وَ بِفَنَائِكَ نَزَلْتُ وَ بِحَبْلِكَ اعْتَصَمْتُ وَ لِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ وَ بِوَلِيكَ صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِ تَوَسَّلْتُ فَاجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً وَ دُعَاءً مُسْتَجَابًا .

پس چون به در صحن برسی بگو :

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَ الْمَقَامَ مَقَامُكَ وَ أَنَا أَدْخُلُ إِلَيْهِ أَنَا جِيكَ بِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَ
مِنْ سِرِّي وَ نَجَوَايَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي زِيَارَةَ مَوْلَايَ
بِإِحْسَانِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوعًا وَ لَا عَنْ وِلَايَتِهِ مَدْفُوعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ اللَّهُمَّ كَمَا
مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِ فَاجْعَلْنِي مِنْ شِيعَتِهِ وَ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پس داخل صحن شو و بگو :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ وَ مَنْ فَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ رَحْمَةً مِنْهُ لِي وَ تَطَوُّلاً مِنْهُ عَلَيَّ وَ مَنْ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْخَلَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ وَ أَرَانِيهِ فِي عَافِيَةِ الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ زُوَارِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ وَ تَوْفِيقِهِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَفْضَلُ مَقْصُودٍ وَ أَكْرَمُ مَأْتِيٍّ وَ قَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ بِأَخِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِي وَ انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ تَنْعِشْنِي بِهَا وَ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

و چون به در رواق (درب اول) برسی بایست و بگو :

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ الْمُهْمَمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ السَّكِينَةِ السَّلَامُ عَلَى التَّمْدُونِ بِالْمَدِينَةِ السَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

پس داخل رواق شو و در وقت داخل شدن پای راست را مقدم دار و بایست بر در حرم (درب دوم) و بگو :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَ خَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِذِمَّتِكَ فَاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ أَأَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ أَأَدْخُلُ يَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَأَدْخُلُ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ يَا مَوْلَايَ أَتَأْذُنُ لِي بِالْدُخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذْنَتْ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلًا فَأَنْتَ أَهْلٌ لِدَلِّكَ.

پس عتبه را ببوس و مقدم دار پای راست را پیش از پای چپ و داخل شو (از درب دوم) و در حال داخل شدن بگو :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تَبَّ عَلَى إِنْكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

پس برو تا محاذی قبر مطهر شوی و توقف نما پیش از رسیدن به قبر و رو به قبر کن و بگو :

السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَرِسَالَاتِهِ وَغَزَائِمِ أَمْرِهِ وَ
مَعْدِنِ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ
الشَّاهِدِ عَلَى الْخَلْقِ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ وَأَشْرَفَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ
وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَأَخِي
رَسُولِكَ وَوَصِيِّ حَبِيبِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَالدَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَدَيَانِ
الدِّينِ بَعْدَكَ وَفَصْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَارًا لِدِينِكَ وَ
حَفَظَةً لِسِرِّكَ وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَعْلَامًا لِعِبَادِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَى
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ وَالْقَائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ سَيِّدِ
الْوَصِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ
أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ
الْمُسْتَوْدَعِينَ السَّلَامُ عَلَى خَاصَّةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُتَوَسِّمِينَ السَّلَامُ عَلَى
الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِهِ وَآرَزُوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَخَافُوا بِخَوْفِهِمُ السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ
الْمُقَرَّبِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ .

پس برو تا بایستی نزدیک قبر و رو به قبر و پشت به قبله کن و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا عَلَمَ التَّقَى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا
الْحَسَنِ وَالحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ أَمِينَ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَ دَيَانَ يَوْمِ الدِّينِ وَ خَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الصَّدِيقِينَ وَ الصَّفْوَةَ مِنْ سُلَالَةِ النَّبِيِّينَ وَ
بَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ خَازِنَ وَحْيِهِ وَ عَيْنَةَ عِلْمِهِ وَ النَّاصِحَ لِأَمَّةٍ نَبِيَّهِ وَ التَّالِيَّ لِرَسُولِهِ وَ
الْمُؤَاسِيَ لَهُ بِنَفْسِهِ وَ النَّاطِقَ بِحُجَّتِهِ وَ الدَّاعِيَ إِلَى شَرِيعَتِهِ وَ الْمَاضِيَ عَلَى سُنَّتِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنْ رَسُولِكَ مَا حُمِّلَ وَ رَعَى مَا اسْتَحْفِظَ وَ حَفِظَ مَا اسْتَوْدَعَ وَ حَلَّلَ حَلَالَكَ
وَ حَرَّمَ حَرَامَكَ وَ أَقَامَ أَحْكَامَكَ وَ جَاهَدَ النَّكَثِينَ فِي سَبِيلِكَ وَ الْقَاسِطِينَ فِي حُكْمِكَ وَ
الْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا لَا تَأْخُذُهُ فِيكَ لَوْمَةٌ لَا يَمُومُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ اللَّهُمَّ هَذَا قَبْرُ وَلِيِّكَ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ
وَ جَعَلْتَ فِي أَعْنَاقِ عِبَادِكَ مَبَايَعَتَهُ وَ خَلِيفَتِكَ الَّذِي بِهِ تَأْخُذُ وَ تُعْطَى وَ بِهِ تُشِيبُ وَ تُعَاقِبُ وَ

قَدْ قَصَدْتُهُ طَمَعًا لِمَا أَعَدَّتْهُ لِأَوْلِيَائِكَ فَبِعَظِيمِ قَدَرِهِ عِنْدَكَ وَ جَلِيلِ خَطَرِهِ لَدَيْكَ وَ قُرْبِ مَنَزَلَتِهِ مِنْكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَ الْجُودِ وَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ عَلَى صَحْبِكَ آدَمَ وَ نُوحَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

پس ضریح را ببوس و در جانب سر بایست و بگو :

يَا مَوْلَايَ إِلَيْكَ وَفُودِي وَ بِكَ أَتَوَسَّلُ إِلَى رَبِّي فِي بُلُوغِ مَقْصُودِي وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْمُتَوَسَّلَ بِكَ غَيْرُ خَائِبٍ وَ الطَّالِبُ بِكَ عَنْ مَعْرِفَةِ غَيْرِ مَرْدُودٍ إِلَّا بِقَضَاءِ حَوَائِجِهِ فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي وَ تَيْسِيرِ أُمُورِي وَ كَشْفِ شِدَّتِي وَ غُفْرَانِ ذَنْبِي وَ سَعَةِ رِزْقِي وَ تَطْوِيلِ عُمْرِي وَ إِعْطَاءِ سُؤْلِي فِي آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ الْأَئِمَّةِ وَ عَذَابَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا لَا تُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ عَذَابًا كَثِيرًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَ لَا أَجَلَ وَ لَا أَمَدَ بِمَا شَاقُّوا وَ لَا أَمْرَكَ وَ أَعِدَّ لَهُمْ عَذَابًا لَمْ تُجْلِهِ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَ أَذْخِلْ عَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ رَسُولِكَ وَ عَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَى قَتْلَةِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى قَتْلَةِ مَنْ قُتِلَ فِي وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ عَذَابًا أَلِيمًا مُضَاعَفًا فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ مُلْعُونُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَدْ عَايَنُوا النَّدَامَةَ وَ الْخِزْيَ الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عَثْرَةَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَتْبَاعَهُمْ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُسْتَسِرٍّ السَّرِّ وَ ظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ وَ مُسْتَقَرَّهُمْ حَتَّى تُلْجِفَنِي بِهِمْ وَ تَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پس ضریح را ببوس و پشت به قبله بایست و رو به جانب قبر امام حسین علیه السلام کن و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْأَئِمَّةِ الْهَادِيْنَ الْمَهْدِيِّنَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرَّائِبَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى جَدِّكَ وَ أَبِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمِّكَ وَ أَخِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ بَنِيكَ أَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللَّهُ بِكَ الثَّرَابَ وَ أَوْضَحَ بِكَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَكَ وَ أَبَاكَ وَ جَدَّكَ وَ أَخَاكَ وَ بَنِيكَ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ يَا ابْنَ الْمَيَامِينِ الْأَطْيَابِ الثَّالِيْنَ الْكِتَابَ وَ جَهَّتْ سَلَامِي إِلَيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْكَ وَ جَعَلَ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ مَا خَابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَ لَجَأَ إِلَيْكَ .

پس برو نزد پای قبر بایست و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلٰی اَبِی الْاَئِمَّةِ وَ خَلِیْلِ النُّبُوَّةِ وَ الْمَخْصُوصِ بِالْاُخُوَّةِ السَّلَامِ عَلٰی یَعْسُوبِ الدِّیْنِ وَ الْاِیْمَانِ وَ کَلِمَةِ الرَّحْمَنِ السَّلَامِ عَلٰی مِيزَانِ الْاَعْمَالِ وَ مَقْلَبِ الْاَحْوَالِ وَ سَیْفِ ذِی الْجَلَالِ وَ سَاقِی السَّلْسَبِیْلِ الزُّلَالِ السَّلَامِ عَلٰی صَالِحِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ وَاَرِثِ عِلْمِ النَّبِیِّیْنَ وَ الْحَاکِمِ یَوْمَ الدِّیْنِ السَّلَامِ عَلٰی شَجَرَةِ التَّقْوٰی وَ سَامِعِ السِّرِّ وَ النَّجْوٰی السَّلَامِ عَلٰی حُجَّةِ اللّٰهِ الْبَالِغَةِ وَ نِعْمَتِهِ السَّابِغَةِ وَ نِعْمَتِهِ الدَّامِغَةِ السَّلَامِ عَلٰی الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ وَ النَّجْمِ الْلَّائِحِ وَ الْاِمَامِ النَّاصِحِ وَ الزِّنَادِ الْقَادِحِ وَ رَحْمَةِ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ .

پس بگو :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ اَخِی نَبِیِّكَ وَ وَلِیِّهِ وَ نَاصِرِهِ وَ وَصِیِّهِ وَ وَزِیْرِهِ وَ مُسْتَوْدِعِ عِلْمِهِ وَ مَوْضِعِ سِرِّهِ وَ بَابِ حِكْمَتِهِ وَ النَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَ الدَّاعِیْ اِلٰی شَرِیْعَتِهِ وَ خَلِیْفَتِهِ فِی اُمَّتِهِ وَ مُفَرِّجِ الْکُرْبِ عَنْ وَجْهِهِ وَ قَاصِمِ الْکُفْرِ وَ مُرْغِمِ الْفَجْرِ الَّذِیْ جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِیِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُوْنَ مِنْ مُوسٰی اَللّٰهُمَّ وَاَلِ مَنْ وَاَلَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ اَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ اَلْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنْ الْاَوَّلِیْنَ وَ الْاٰخِرِیْنَ وَ صَلِّ عَلَیْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ اَوْصِیَاءِ اَنْبِیَائِكَ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ .

زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السلام

پس برگرد به جانب سر از برای زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السلام

در زیارت آدم علیه السلام بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَفِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا حَبِیْبَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا نَبِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَمِیْنَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا خَلِیْفَةَ اللّٰهِ فِی اَرْضِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا الْبَشَرِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلٰی رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ وَ عَلٰی الطَّاهِرِیْنَ مِنْ وُلْدِكَ وَ ذُرِّیَّتِكَ وَ صَلِّی (اللّٰهُ عَلَیْكَ) صَلَاةً لَا یُحْصِیْهَا اِلَّا هُوَ وَ رَحْمَةً اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ .

و در زیارت نوح علیه السلام بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا نَبِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَفِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا وَلِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا حَبِیْبَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا شَیْخَ الْمُرْسَلِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَمِیْنَ اللّٰهِ فِی اَرْضِهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْكَ وَ عَلٰی رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ وَ عَلٰی الطَّاهِرِیْنَ مِنْ وُلْدِكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ .

نماز زیارت

پس شش رکعت نماز بکن دو رکعت برای امیر المؤمنین علیه السلام در رکعت اول بعد از سوره فاتحه کتاب سوره الرحمن بخوان و در رکعت دوم سوره یس و بعد از نماز تسبیح حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را بخوان و طلب آمرزش از خدا بکن و از برای خود دعا کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ صَلَّیْتُ هَاتِیْنِ الرَّکْعَتَیْنِ هَدِیَّةً مِنْیْ اِلَی سَیِّدِیْ وَ مَوْلَایْ وَ لَیْکَ وَ اَخِی رَسُوْلَکَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْ اٰلِهِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْهَا مِنْیْ وَ اَجْزِنِیْ عَلَیْ ذٰلِکَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِیْنَ اَللّٰهُمَّ لَکَ صَلَّیْتُ وَ لَکَ رُکْعَتْ وَ لَکَ سَجَدْتُ وَ حَدَّکَ لَا شَرِیْکَ لَکَ لِاَنَّهُ لَا تَکُوْنُ [لَا تَجُوْزُ] الصَّلَاةُ وَ الرُّکُوْعُ وَ السُّجُوْدُ اِلَّا لَکَ لِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنْیْ زِیَارَتِیْ وَ اَعْطِنِیْ سُوْلی بِمُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ .

و چهار رکعت دیگر را (دورکعت دورکعت) دورکعت هدیه آدم علیه السلام و دورکعت هدیه نوح علیه السلام گردان پس سجده شکر بجا آور و در سجده بگو:

اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَ بِکَ اِعْتَصَمْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثَقَفْتِیْ وَ رَجَائِیْ فَاکْفِنِیْ مَا اَهَمَّنِیْ وَ مَا لَا یَهْمُنِیْ وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنْنِیْ عَزَّ جَارُکَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ وَ لَا اِلٰهَ غَیْرُکَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ قَرِّبْ فَرَجَهُمْ .

پس جانب راست رو را بر زمین گذار و بگو:

اِزْحَمْ دُلّٰی بَیْنَ یَدَیْکَ وَ تَضَرَّعِیْ اِلَیْکَ وَ وَحْشَتِیْ مِنَ النَّاسِ وَ اُنْسِیْ بِکَ یا کَرِیْمُ یا کَرِیْمُ یا کَرِیْمُ .

پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و بگو:

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَنْتَ رَبِّیْ حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَکَ یا رَبِّ تَعَبُّدًا وَ رِقًّا اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَمَلِیْ ضَعِیْفٌ فَضَاعِفُهُ لِیْ یا کَرِیْمُ یا کَرِیْمُ یا کَرِیْمُ .

پس برو به سجود و صد مرتبه بگو شُکْرًا و جهد کن در دعا که این موضع طلبیدن مطالب است و استغفار بسیار بکن که محل آمرزش گناهان است و حاجات خود را از خدا طلب نما که مقام استجاب دعاها است.

حدیث:

سید عبد الکریم ابن طاووس در کتاب «فرحة الغری» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که به ابن مارد فرمود: ای پسر مارد، هرکه جدم امیر المؤمنین علیه السلام را در صورت عرفان به حقش زیارت کند، حق تعالی برای او به عدد هر گامی حجّ مقبول و عمره پسندیده بنویسد، ای پسر مارد و الله آتش جهنم نمی خورد، گامی که در زیارت امیرالمؤمنین غبار آلوده شود، خواه پیاده رود و خواه سواره، ای پسر مارد این حدیث را به آب طلا بنویس.

زیارت سرمقدس امام حسین علیه السلام

مستحب است زیارت سر امام حسین علیه السلام در نزد قبر امیر المؤمنین علیه السلام و در وسائل و مستدرک یک باب برای آن مرقوم داشته‌اند و در مستدرک از مزار محمد بن المشهدی نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام زیارت کرد سر امام حسین علیه السلام را نزد سر امیر المؤمنین علیه السلام و نماز گزارد نزد آن چهار رکعت و زیارت این است :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ الصِّدِّیْقَةِ الطَّاهِرَةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ اَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ جَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ صَبَرْتَ عَلٰی الْاَذٰی فِيْ جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا حَتّٰی اَتَاكَ الْيَقِیْنُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ الَّذِیْنَ خَالَفُوكَ وَ حَارَبُوكَ وَ اَنَّ الَّذِیْنَ خَذَلُوكَ وَ الَّذِیْنَ قَتَلُوكَ مُلْعَوْنُوْنَ عَلٰی لِسَانِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَ قَدْ خَابَ مَنْ افْتَرٰی لَعَنَ اللّٰهُ الظَّالِمِیْنَ لَكُمْ مِنْ الْاَوَّلِیْنَ وَ الْاٰخِرِیْنَ وَ ضَاعَفَ عَلَیْهِمُ الْعَذَابَ الْاَلِیْمَ اَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مَوَالِیًا لِاَوْلِیَائِكَ مُعَادِیًا لِاَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدٰی الَّذِیْ اَنْتَ عَلَیْهِ عَارِفًا بِضَلٰلَةِ مَنْ خَالَفَكَ فَاشْفَعْ لِيْ عِنْدَ رَبِّكَ.

مؤلف مفاتیح الجنان گوید : که اگر همین زیارت را در مسجد حنّانه بخوانند نیز مناسب است زیرا که (شیخ محمد بن المشهدی روایت کرده است که: حضرت صادق علیه السلام در مسجد حنّانه حضرت امام حسین علیه السلام را چنین زیارت کرد و چهار رکعت نماز گزارد)

مستور نماند آنکه مسجد حنّانه از مساجد شریفه نجف اشرف است و در خبر رسیده که سر مبارک امام حسین علیه السلام آنجا است (و در خبری است که حضرت صادق علیه السلام در آنجا دو رکعت نماز کرد پرسیدند از آن حضرت که این چه نمازی است فرمود این موضع سر جدّم حسین بن علی علیه السلام است که آن را در اینجا گذاشتند چون از کربلا آمدند آنگاه آن را به نزد عبید الله بن زیاد بردند) و روایت شده از آن حضرت که: فرمودند در آنجا این دعا بخوان :

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرٰی مَكَانِیْ وَ تَسْمَعُ كَلَامِیْ وَ لَا یَخْفٰی عَلَیْكَ شَیْءٌ مِنْ اَمْرِیْ وَ كَیْفَ یَخْفٰی عَلَیْكَ مَا اَنْتَ مُكَوِّنُهُ وَ بَارِئُهُ وَ قَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعًا بِنَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ وَ مُتَوَسِّلًا بِوَصِیِّ رَسُوْلِكَ فَاسْأَلْكَ بِهِمَا ثَبَاتَ الْقَدَمِ وَ الْهُدٰی وَ الْمَغْفِرَةَ فِي الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ .

حدیث:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر نجف را زیارت کنی، مثل این می ماند که حضرت آدم و بدن نوح (علیهما السلام) و پیکر علی بن ابی طالب (علیه السلام) را زیارت کرده ای.

اشعار نجف

نوشتن کتاب به این قسمت که رسید این شعرو ده شده است ۸۴/۵/۲۰
ای زائرین این قبله گاه عاشقان است - این تربت پاک امیر مؤمنان است
اینجا نجف شهر امام متقین است - آرامگاه اسوه حق الیقین است
باشد علی آنکو در اینجا آرمیده است - مانند او را مادر گیتی ندیده است
اینجا زیارتگاه عشق ای زائرین است - خادم در اینجا حضرت روح الامین است
آنکو به محراب عبادت در دعا شد - در راه عدل و علم و دین فرقی دو تاشد
آنکو ولایش مایه ی طاعت باشد - آنکو حریمش قبله ی حاجات باشد
آنکو قسیم الجنة و النار باشد - همراز او محراب و شام تار باشد
آنکو یتیمان را گرفتاری اندر آغوش - نان مساکین را نمودی حمل بر دوش
آنکو شکستی لات و عُزّی و هبل را - در وصف خود مشغول کردی هر ملل را
او فاتح خیبر امیر مؤمنان است - بانان جوان در کفش تیغ و سنان است
در غزوه بدر و احد یار پیمبر - از پافکنندگی دشمنی چون عمر و عنتر
در غزوه خندق فداکاری نمودی - دین خدا با جان و دل یاری نمودی
باشد علی آن بنده پاک خداوند - در خانه ی حق زاده او بر کعبه سوگند
شد فرقا و منشق به محراب عبادت - نوشیده در ماه خداجام شهادت
خاک نجف شد مدفن نور علی نور - زن بوسه بر آن مدفنش ای باقری پور

این سه رباعی سروده شده در سفر سال ۸۹

ایوان نجف چه با صفا میباشد - گوئی که حریم کبریا میباشد
رُکنی ز حریم کعبه این ایوان است - زیرا که علی دست خدا میباشد

ایوان نجف چه با صفا میبینم - تابنده در آن نور خدا میبینم
استاده بدرگاه علی آدم و نوح - موسای کلیم با عصا میبینم

اینجاست حریم علی عمرانی - آنکو که بود بنای دین را بانی
اینجاست یگانه بنده مخلص حق - نی بوده و نی هست مرا و را ثانی

علی حبه جُنه «۱»

شعرا باقری پور در کتاب مجموعه اشعار باقری
 علی حبه جُنه - قسیم النار و الجنة
 وصی المصطفی حقاً - امام الانس و الجنة
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی مولای شهر دل - علی حلال هر مشکل
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی آئین و دین من - علی حبل المتین من
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی باشد ولی نعمت - قسیم دوزخ و جنت
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی حلال مشکلها - امیری هست بر دلها
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی آن ساقی کوثر - بود از بهر دین یاور
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی سالار مردان است - امام اهل ایمان است
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی مرد وفا باشد - وصی مصطفی باشد
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی حبل المتین باشد - به احمد جانشین باشد
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی دا ماد پیغمبر - علی برفاطمه همسر
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 امیر المؤمنین مولا - امام المتقین مولا
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 شه د نیا و دین مولا - تویی حبل المتین مولا
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 شها دستم بدامانت - من و آن لطف و احسانت
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم

به وقت دادن جانم - تو بنما لطف و احسانم
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 میان قبر و تنهائی - تو یکدم بر سرم آیی
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 قیامت محشر کبرا - بفریادم برس مولا
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 تویی مولا بهشت من - ولای تو سرشت من
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 بگوید باقری مولا - تویر ما یک نظر بنما
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم

علی حبه جنّه «۲»

شعرا باقری پور در کتاب مجموعه اشعار باقری
 این شعر سروده شده در نجف اشرف
 علی حبه جنّه - قسیم النار والجنّه
 وصی المصطفی حقا - امام الانس والجنّه
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 الا ای زائر محزون - که باشی در نجف مجنون
 تو مجنون علی باشی - محب آن ولی باشی
 بیفکن در نجف لنگر - به ایوان نجف بنگر
 چسان دارد صفا اینجا - بود نور خدا اینجا
 ببین پیشانی ایوان - منقش نقشی از ایمان
 نوشته روی پیشانی - بشاء احمد ثانی
 علی حبه جنّه - قسیم النار والجنّه
 وصی المصطفی حقا - امام الانس والجنّه
 علی باشد بهشت ما - ولایت در سرشت ما
 علی باشد حکیم ما - صراط مستقیم ما
 علی باشد امید ما - ولایت او نوید ما
 علی باشد امام ما - رسد بر او سلام ما

علی شد مقتدای ما - امام و پیشوای ما
 علی شد شمعِ راهِ ما - بدستِ او نگاهِ ما
 بود ای باقری حیدر - شفیعِ اند صفِ محشر
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم

بولس سلامه شاعر زبر دست مسیحی

در ضمن اشعار تاریخی و حماسی خود که درباره «عید غدیر» سروده، ولادت آن حضرت در درون کعبه را چنین ترسیم می کند:

حُرَّةٌ لَزَّهَا الْمُخَاضُ فَلَاذَتْ - بَسْتَارِ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الْوُطِيدِ

«شیر زنی از درد زه به ناگزیر، به سراپرده کعبه عتیق و استوار پناهنده شد.»

وَ تَدَانَتْ مِنَ الْحَطِيمِ وَ قَرَبَتْ - وَ تَذَلَّتْ تَذَلَّى الْعُنُقُودِ

«فاطمه به حطیم کعبه نزدیک شد و همانند خوشه انگور به استار کعبه آویخت.»

بَسَمَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حُبُورًا - وَ تَنَادَتْ حِجَارُهُ لِلنَّشِيدِ

«مسجد الحرام از شادی تبسم کرد و بانگ سرود حجرالأسود به فلک رسید.»

كَانَ فَجْرَانِ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَجْرٌ - النَّهَارِ وَ آخِرُ لِلْوَلِيدِ

«آن روز دو صبح دم یکجا دمید، یکی طلوع فجر بود و دیگری فروغ مولود.»

يَهْرَمُ الدَّهْرُ وَ هُوَ كَالصُّبْحِ بَاقٍ - كُلُّ يَوْمٍ يَأْتِي بِفَجْرٍ جَدِيدٍ

«زمانه پیر می شود ولی او همانند صبح دم پایدار می ماند، و هر روز با درخشش تازه ای طالع می گردد.» (بولس سلامه، عید الغدیر، ص ۵۶)

سید حمیری

شاعر پر شور قرن دوم، متوفای ۱۷۹ ه. ق. در ضمن قصیده مفصلی می گوید:

وَلَدَتْهُ فِي حَرَمِ الْإِلَهِ وَ أُمْنِهِ - وَ الْبَيْتِ حَيْثُ فَنَاءُهُ وَ الْمَسْجِدُ

«مادرش او را در حرم خدا و در خانه امن او به دنیا آورد، که خانه آستانه و سجده گاه اوست.»

يَبْيَضُ طَاهِرَةُ الثِّيَابِ كَرِيمَةً - طَابَتْ وَ طَابَ وَلِيدُهَا وَ الْمَوْلُدُ

«مادری پاکیزه روی و پاکیزه خوی، مولودی پاکیزه از مادری پاکیزه، در جایگاهی پاکیزه.»

فِي لَيْلَةٍ غَابَتْ نُحُوسُ نُجُومِهَا - وَ بَدَتْ مَعَ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ الْأَسْعَدُ

«در شبی که پنهان شده نحوس ستاره های آنشب و نمایان شد با ماه ستاره روشن فرخنده ای.»

مَالَفٌ فِي خَرَقِ الْقَوَابِلِ مِثْلُهُ - إِلَّا ابْنُ أَمْنَةِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٌ

«پیچیده نشده درپارچه های قابله ها مانند اومگر فرزند آمنه محمد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم.»

محمّد بن منصور سرخسی

شاعر نکته پرداز قرون اولیه، در ضمن یک قصیده طولانی در این رابطه چنین می سراید:

وَلَدْتُهُ مُنْجِبَةً وَ كَانَ وَلادُهَا - فِي جَوْفِ كَعْبَةٍ أَفْضَلِ الْأَكْنَانِ

«مادر نجیب و برگزیده اش او را در درون کعبه به دنیا آورد، که بهترین جایگاه هاست.»

عَبَدَ الْإِلَهَ مَعَ النَّبِيِّ وَ إِنَّهُ - قَدْ كَانَ بَعْدُ يُعَدُّ فِي الصَّبِيَّانِ

«هنگامی که به ظاهر خردسال بود و در شمار کودکان بود، همراه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

به پرستش پروردگار می پرداخت.»

ابوطلحه بن عبیدالله بن ابی عون غسانی عونی

از شعرای قرن چهارم هجری، در ضمن قصیده غدیریه خود می گوید:

هُوَ الَّذِي سَمَّيْتُهُ تِلْكَ الْجَوْهَرَةُ - إِذْ وَلَدْتُ فِي الْكَعْبَةِ الْمُطَهَّرَةِ

«او همان شیر بچه ای است که این گوهر تابناک (بنت اسد) هنگامی که او را در درون کعبه مشرفه بزاد شیر نام نهاد.»

وَ خَرَجْتُ بِهِ فَقَالَ الْجَمْهَرَةُ - مَنْ ذَا؟ فَقَالَتْ هُوَ شَيْلَى حَيْدَرَةٍ

«چون او را بیرون آورد، همگان پرسیدند: او کیست؟ گفت: او شیرزاد من است، که «حیدر» نام دارد.»

وَلَدْتُهُ مُطَهَّرَةً قُدْسِيًّا، «من او را پاک و پاکیزه و با قداست به دنیا آوردم.»

ابوحامد عزالدین بن هبة الله معتزلی مشهور به «ابن ابی الحدید»

صاحب شرح نهج البلاغه، شاعر پر شور و موزخ پر طنطنه عهد عباسیان، متوفای ۶۵۶ ه. ق. در

ضمن قصیده معروفش می گوید:

هُوَ الَّذِي كَانَ بَيْتُ اللَّهِ - مُؤَلَّدَةً - فَطَهَرَ الْبَيْتَ مِنْ أَزْجَاسٍ وَ أَوْثَانٍ

«او همان شخصیت والا مقامی است که بیت خدا زادگاه او بود، همو بود که خانه خدا را از پلیدی

بتها پاک و پاکیزه ساخت.»

حجت الاسلام حاج سید اسماعیل شیرازی

إِنْ يَكُنْ يُجْعَلُ لِلَّهِ الْبَنُونَ - وَ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يَصِفُونَ

اگر بنا بشود که برای خداوند، پسرانی قرار داده شود - و البته خداوند بالاتر و منیع تر است از آنکه او

را به صفات بشری توصیف می کنند.

لَا عَزِيزٌ وَلَا إِبْنٌ مَرِيْمٍ - فَوَلِيْدُ الْبَيْتِ أُخْرٰى أَنْ يَكُوْنُ

نه آن کس عزیز باشد؛ و نه عیسی بن مریم؛ آن فرزند متولد شده در کعبه که خانه خداست، سزاوارتر

است برای آنکه حقاً فرزند صاحب خانه باشد.

شعر از صفی الدین حلّی

جُمِعَتْ فِي صِفَاتِكَ الْأَضْدَادُ - فَلِهَذَا عَزَتْ لَكَ الْأَنْدَادُ

ای امیرالمؤمنین! در اخلاق و شِیم تو صفات متضادی با هم جمع شدند و بدین جهت حریفان و همقطاران و هم انبازانِ تو نادرالوجود شده و نتوانستند در صحنه عالم خودی نشان دهند
 زَاهِدٌ حَاكِمٌ حَلِيمٌ شُجَاعٌ - فَاتِكٌ نَاسِكٌ فَقِيرٌ جَوَادٌ
 چون تو هم زاهد بودی و هم حاکم ، و حلیم بودی و در عین حال شجاع ، شمشیر زن بی باک بودی
 و در عین حال اهل عبادت و دعا، فقیر بودی و در عین حال بخشاینده .
 شِیمٌ مَا جُمِعْنَ فِي بَشَرٍ قَطُّ - وَ لَا حَازَ مِثْلَهُنَّ الْعِبَادُ
 اینها صفاتی است از اضداد که تا بحال در هیچ بشری جمع نشده و هیچیک از بندگان نتوانسته اند
 مثل آن را حائز گردند و در خود بوجود آورند
 خُلِقَ يُخْجِلُ النَّسِيمَ مِنَ اللَّطْفِ - وَ بَأْسٌ يَذُوبُ مِنْهُ الْجَمَادُ
 تو چنان اخلاق نیکو و لطیف و ملایمی داشتی که لطافت آن نسیم لطیف را شرمنده میکند، و در
 عین حال شدت و صولتی داشتی که از قهرش جمادات ذوب میشوند.
 ظَهَرَتْ مِنْكَ لِلْوَرَى مُكْرَمَاتٌ - فَأَقْرَتْ بِفَضْلِكَ الْحَسَادُ
 از تو کرامت ها و عجائبی سر زده و برای اهل عالم ظاهر گشته است تا جائی که ناچار، حسد برندگان
 بر تو، همه به آنها، اعتراف و اقرار نموده اند.
 إِنَّ يَكْذِبَ بِهَا عِدَاكَ فَقَدْ - َ - دَبَّ مِنْ قَبْلُ قَوْمٌ لَوِطٌ وَ عَادُ
 ۶ - اگر دشمنان تو آنها را تکذیب کنند تازه نیست ؛ قبل از آن هم قوم لوط و قوم عاد پیامبران خود
 را تکذیب نمودند
 جَلَّ مُعْنَاكَ أَنْ يُحِيطَ بِهِ الشَّعْرُ - وَ يُحْصَى صِفَاتِهِ التَّقَادُ
 معانی موجوده در تو و واقعیت و حقیقت تو عالی تر و راقی تر است از آنکه بتواند شعر، آنها را در خود
 بگنجاند و بر آنها محیط شود، و بزرگتر است از آنکه بتوانند نقادان و حسابگران آنها را به شمارش
 درآورند

ملای رومی سروده:

رومی نشد از سرّ علی کس آگاه - زیرا که نشد کس آگه از سرّ اله
 يك ممكن و این همه صفات واجب - لا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ

شاعری دیگر سروده است:

سرّ ولایت آموز مصباح جان برافروز - رو از علی بیاموز يك شیمه علیه
 روی علی اعلی اشراق نور بالا - عَنْ وَجْهِهِ تَلَالَا نُورٌ مِنَ الْهُوبِ
 سرّ هویت آمد روح مشیت آمد - اِيْجَادُ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ مَبْدَأِ الْمَشِيَةِ
 چون روح جمله اسماست این نکته پای برخاست - يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا يَا رَازِقَ الْبَرِيَةِ

چون نیست زه بذاتش يك شمه از صفاتش - الْرَفْقُ بِالرَّعِيهِ وَالْعَدْلُ فِي الْقَضِيَةِ

شعر از سنائی

بعد عثمان چو حیدر کژار - گشت بر شرع مصطفی سالار
ای سنائی بقوّت ایمان - مدح حیدر بگو پس از عثمان
هر کجا را شراب دین پالود - ساقی آن شراب حیدر بود
با مد یحش مدایح مطلق - زهق الباطل است و جاء الحق
اسدالله در وجود آمد - در پس پرده آنچه بود آمد

شعر از شمس تبریزی

تا صورت پیوند جهان بود علی بود - تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود
شاهی که ولی بود و وصی بود علی بود - سلطان سخا و کرم و جود علی بود
آن شیردل و رکه ز بهر طمع نفس - در خوان جهان پنجه نیالود علی بود
آن کاشف قرآن که خدا در همه قرآن - کردش صفت عصمت و بستود علی بود
آن شاه سرافراز که اندر ره اسلام - تا کار نشد راست نیا سود علی بود
آن قلعه گشائی که دراز قلعه خیبر - بر کند به یک حمله و بگشود علی بود

شعر از شیدا نیشابوری

یا علی و یا علی و یا علی - یا علی و یا علی و یا علی
از تو دل اهل و لا منجلی - یا علی و یا علی و یا علی
ریزه خور خوان توام یا علی - دست بدامان توام یا علی
در خط فرمان توام یا علی - یا علی و یا علی و یا علی
قبلگه راز و نیازم توئی - جوهر اسلام و نمازم توئی
بند ه ا حسان توام یا علی - یا علی و یا علی و یا علی
عشق تو آرام دل و جان من - حب تو سرمایه و ایمان من
سر به گریبان توام یا علی - یا علی و یا علی و یا علی

شعر از ملا جامی

اصبحت زائراً لک یا شحنة النجف - بهر نثار مقدم تو نقد جان به کف
می بوسم آستانه قصر جلال تو - در دیده اشک عذر ز تقصیر ما سلف

شعر از علی عبدالوهاب

هر چه دارم از تودارم یا علی - بی تو روز و شب ندارم یا علی
از غم مهجوریت با خون دل - شعر خونین می نگارم یا علی

من که دل بر تار مویت بسته ام - همچو مویت بی قرارم یا علی
 عاشقی و مستی و آوارگی - در فراقت گشت کارم یا علی
 همچو پا ئیزم ز هجرانت ولی - وصل تو باشد بهارم یا علی
 گر نگاهی بر من مسکین کنی - میکنی مست و خمارم یا علی
 از گل رویت بسی شرمندهام - روسیا هم خوار خوارم یا علی
 ای طبیب درد جسم و جان من - مرهم من غمگسارم یا علی
 یک نظر بر این دل افسرده کن - ای مه شبهای تارم یا علی
 میروی دامن کشان تا کوی دوست - میرو داز کف قرارم یا علی
 تا بدامانت نشینم لحظه ای - بر سر کویت غبارم یا علی
 ای تو شمع کلبه بیچارگان - روشنی بخش مزارم یا علی
 تا که هنگام اجل یادم کنی - بر زبان ذکر تو دارم یا علی
 ناچشیده شربت و صل تو را - ترسم آخر جان سپارم یا علی
 جان من بر لب رسید از انتظار - روز و شب در انتظارم یا علی

مرحوم کافی می خواند

میسر نگردد به کس این سعادت - به کعبه ولادت به مسجد شهادت

شعر از وفائی

چه شود که ای شه لافتی نظری به جانب ما کنی - که به کیمیای نظاره ای مس قلب تیره طلا کنی
 یمن از عقیق تو آیتی چمن از رخ تو روایتی - شکر از لب توحکایتی اگرش چه غنچه تووا کنی
 بنما ز پسته تکلمی بنما ز غنچه تبسمی - به تکلمی و تبسمی همه دردها تود واکنی
 توشه سریر ولایتی تو مه منیر هدایتی - چه شود که گهی بعنایتی نگهی بسوی گدا کنی
 تو به شهر علم نبی دری تو زانیا همه برتری - تو غصنفری و تو صفدری چه میان معرکه جا کنی
 تو زنی بدوش نبی قدم فکنی بتان همه از حرم - حرم از وجود تو محترم ز صفا صفا تو صفا کنی

شعر از کتاب نغمه های کربلا : مسجد کوفه

مسجد کوفه تو در روز جزا شاهد باش - من که معصومترم از همه مظلومترم
 مسجد کوفه خداوند نگهدار تو باد - که دگر نشنوی آوای دعای سحرم
 سرخ شد چهره زردم اگر از خون سرم - باز شد راه وصال از طرف دادگرم
 خون دلها که پس از مرگ پیمبر خوردم - ریخت در دامن محراب عبادت ز سرم
 در دل خاک بلرزد بدنم گر طفلی - گوید ای مسجد کوفه چه شد آخر پدرم
 هرچه باشد پسر خون علی درگ توست - مهربان باش تو با قاتل من ای پسر

بدنم را بسوی خانه عزیزان میرید - بگذارید که نان بهر یتیمان ببرم
 خلق گریند برای من و من گریم از آن - کامشب است جمله یتیمان همگی منتظرم
ندیم نادرشاه وقتی دید شراب تبدیل به سرکه شده چنین سرود :

در خاک نجف ندیم آسوده بخواب - اندیشه مکن ز پرسش روز حساب
 جایی که بدل به سرکه گردد می ناب - بی شک که شود گنه مبدل به ثواب

شعر از حاج عبدالرضا هلالی

ای آدم ارباب ما بنده نوازی می کنه - یه عمر یه نام علی با دلها بازی می کنه
 علی علی حیدر مدد (۴)
 اسم مقدسش شده ذکر لبم دم همه دم - یک موئی از ارباب مو به صد تا عالم نمیدم
 علی علی حیدر مدد (۴)
 امشب از عشق علی دل به دریا میزنم - دم بدم تا زنده ام دم ز مولا می زنم
 علی علی حیدر مدد (۴)
 آهوئی سرگشته ام سر به صحرا میزنم - اونکه چون مستش شد مپا بدنیا میزنم
 علی علی حیدر مدد (۴)

شعر از حاج عبدالرضا هلالی

به دو عالم آقا جون توئی تنها رهبرم - ریزه خوا رسفره ی با صفای قنبرم
 مهربون ارباب من به جلال و شرف - من مجنون و ببر آقا جون به نجفت
 با نگاه خوشگلست سوی خود می بری ام - همه عالم میدونن که فقط حیدری ام
 سایه تو از سر من آقا جون بر نداری - نگه یک لحظه به من دیگه نوکر نداری
 میون هفت آسمون توئی تنها دلبرم - واسه من همین بسه سگ شاه قنبرم
 عشق تو از کودکی مولاد سرشتمه - مجلس حسین تو جنت و بهشتمه
 تو برای قلب من هم امانی هم ولی - صبح تا شب همش میگم یا حسین و یا علی
 علی علی حیدر مدد

شعر از شیدا نیشابوری

ای رهبر درد آشنا مظلوم علی جان - ای کشته ی راه خدا مظلوم علی جان
 امشب علی مرتضی در خون طپیده - آئینه ایزد نما در خون طپیده
 گرید زمین و آسمان شد کشته حیدر - از تیغ جور دشمنان الله اکبر
 منشین بر اه رهبر مسجد کوفه - رفت از کفت تاج سرت مسجد کوفه
 مظلوم علی مظلوم علی مظلوم علیجان - مظلوم علی مظلوم علی مظلوم علیجان

شعر از شیدا نیشابوری

رنگین شده محراب کوفه - وای از دل بی تاب کوفه
 خون میچکد تا روز محشر - از دیده ی پر آب کوفه
 گشته محراب دعا قتلگاه مرتضی - من فدایت یا علی من فدایت یا علی
 دیگر نمی آید صدایش - صوت مناجات و دعایش
 شمع ولایت گشته خاموش - هر جا بود برپا عزایش
 دیده گریان علی است سینه سوزان علی است - من فدایت یا علی من فدایت یا علی
 ای نخل پر بار ولایت - جانهای اهل دل فدایت
 باغ جنان گشته سیه پوش - سوز دل زهرا برایت
 در عزایت حوریان جملگی برسرزنان - من فدایت یا علی من فدایت یا علی
 دل در کف عشقت اسیر است - بی مهر تو جنت کویر است
 بنما نظاره دیده گریان - در دست طفلان جام شیر است
 دیده ها در انتظار عاشقانت بی قرار - من فدایت یا علی من فدایت یا علی
شاعری در وصف علی ع خواست شعری بگوید مصراع اول را چنین گفت :

به ذره گر نظر لطف بوترا ب کند
 در مصراع دوم متحیر شد چه بگوید که آن ذره چه می شود
 شب در عالم رؤیا آقا را در خواب دید که فرمود بگو :
 به آسمان رود و کار آفتاب کند

شاعر دیگری نیز مصراع اول شعری را چنین سرود :

جگر شیر شود آب زیاداری دل
 در مصراع دوم آن متحیر شد که چه بگوید
 شب در عالم رؤیا آقا را در خواب دید که فرمود بگو :
 اسد الله گر آید به مدد کاری دل

شعر از باقری پور - رمضان سال ۱۳۸۹

یارب بعلی لطف و عطا بر ما کن - باب کرم و رحمت خود را واکن
 یك خط امانی تو بما کن اعطا - هم نامه بخشش مرا امضا کن

شعر از باقری پور - رمضان سال ۱۳۸۹

یارب بعلی روح دعا بخش مرا - وز بهر دعا حال و صفا بخش مرا
 وز بهر عبادت و دعا تو توفیق بده - ای توبه پذیر خود خطا بخش مرا

شهر و مسجد کوفه

شهر کوفه در ۱۵ کیلومتری شمال شهر نجف و جنوب حله (بابل) و بغداد واقع شده است این شهر به علت مجاورت با رود فرات دارای آب و هوای مناسب و زمینهای حاصل خیز می باشد و فعلاً بخشی از توابع نجف است که بوسیله یک بزرگراه ۸ کیلومتری به نجف اشرف متصل می شود . وجه تسمیه کوفه اینست که این شهر را گرد و مدور بنا کرده اند و کوفان به معنی توده ای از شن و ماسه به شکل مدور است و کوفه الجند (محل تجمع سپاهیان) نیز گفته شده است .

ساخت شهر کوفه در سال ۱۷ هـ ق توسط سعد بن ابی وقاص سردار سپاه اسلام صورت گرفت کوفه در اطراف مسجدی ساخته شده که سابقه تاریخی دارد و محدوده مسجد کوفه را در شب معراج ملائکه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان دادند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آن ادای نماز کردند و طراح اصلی آن حضرت آدم علیه السلام است .

علت بنای کوفه اینست که سپاه اسلام پس از فتح مدائن در سال ۱۶ هـ ق برای پیشروی در داخل خاک ایران احتیاج به یک اردوگاه مناسبی داشت تا بتواند سپاهیان را تجهیز و آماده و از آنجا برای فتح سایر شهرهای ایران گسیل نماید لذا سعد به دستور خلیفه (عمر) سلمان و حذیفه را برای یافتن محل مناسبی به عراق گسیل داشت سلمان از قسمت غربی رودخانه فرات و حذیفه از ضلع شرقی آن حرکت کردند تا به محلی میان حیره و فرات معروف به زبانه رسیدند و هر دو آنجا را پسندیدند و چون زمینش پوشیده از شن و ریگ بود کوفه نامیدند. سپس سلمان و حذیفه در آنجا نماز خواندند و دعا کردند و از خدا خواستند که آنجا را برای آنها مبارک نماید و منزلگاه و قرارگاه آنها قرار دهد آنگاه به مدائن بازگشتند و موضوع را برای سعد گزارش کردند سعد جریان را برای خلیفه نوشت و اجازه خواست تا اردوگاه را به کوفه منتقل نماید و عمر با این پیشنهاد موافقت کرد و سپاهیان اسلام در محرم سال ۱۷ هجری وارد منطقه کوفه شدند و آنجا را مقر سپاه اسلام قرار دادند و به همین دلیل کوفه الجند (محل تجمع سپاهیان) نامیده شد . اولین مکانی که در کوفه احداث شد مسجد جامع بود که بدستور سعد یک نفر تیر انداز در وسط زمینی که برای مسجد در نظر گرفته شده بود ایستاد و به چهار طرف تیر انداخت تا محدوده مسجد را مشخص نماید سپس سپاهیان در خارج از محل فرود تیرها سایبانهایی از نی ساختند چند روز بیشتر نگذشت که خانه های نیین طعمه حریق گردید و بیش از ۸۰ خانه در آتش سوخت سعد جریان را برای خلیفه نوشت و از او رخصت خواست تا خانه هائی از خشت و گل بسازند خلیفه موافقت کرد مشروط بر اینکه اولاً قوانین شهرسازی رعایت گردد ثانیاً در هر خانه بیش از سه اتاق احداث نگردد ثالثاً ارتفاع ساختمانها از حد معمول بیشتر نباشد و طراحی شهر را هم بر عهده ابوالهیاج بن مالک گذاشت و او نیز کوفه را به این نحو طراحی نمود

خیابانهای اصلی چهل ذراع خیابانهای کم عرض تر سی ذراع خیابانهای فرعی بیست ذراع کوچه ها هفت ذراع میدانها و قطعه ها شصت ذراع و مسجد کوفه در مرکز شهر قرار گرفته و از چهار طرف شهر خیابانها و کوچه های مستقیمی که هر یک دیگری را قطع می کردند به مسجد کوفه منتهی می شد و اطراف مسجد کوفه خندقی کردند که از حوادث سیل مصون بماند و در سال ۲۳ هـ ق در دوره حکومت مغیره بن شعبه در هفت محله برای هر قبیله یک محله با آجر ساخته شد و در سال ۳۶ هـ ق حضرت علی علیه السلام این شهر را پایتخت خلافت اسلامی قرار داد تا صبح نوزدهم رمضان سال ۴۰ هجری در مسجد کوفه فرق آن حضرت با تیغ عبدالرحمن بن ملجم مرادی شکافته شد و شب ۲۱ رمضان دنیا را وداع گفت و جسد شریفش را به نجف منتقل و دفن کردند و در سال ۶۰ و ۶۱ هـ ق کوفه مقر فرماندهی سپاهیان یزید و ابن زیاد بر علیه امام حسین علیه السلام شد که به شهادت امام حسین علیه السلام منجر شد و در سال ۶۶ هـ ق مختار و یارانش قیام کردند و گروه خونخواهان را تشکیل دادند و بنای خونخواهی امام حسین ع و یارانش را گذاشتند و آنهایی را که دستشان بخون امام حسین ع و یارانش آغشته شده بود را یکایک دستگیر و به سزای عملشان رساندند .

فضیلت بلدکوفه

بدان که کوفه یکی از آن چهار بلدی است که حق تعالی آن را اختیار فرموده و طور سینین تفسیر به آن شده و در روایت است که آن حرم خدا و حرم رسول صلی الله علیه و آله و حرم امیر المؤمنین علیه السلام است و یک درهم تصدق در آن حساب می شود به صد درهم در جای دیگر و دو رکعت نماز در آن حساب می شود به صد رکعت

در مورد فضیلت شهر کوفه آیاتی در قرآن وجود دارد، مانند آیه: «والتَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سَيْنِينَ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» [تین/۳-۱]، «سوگند به انجیر و زیتون و سوگند به طور مبارک و سوگند به این شهر یعنی مکه. که منظور از «تین» مدینه است و «زیتون» بیت المقدس و «طور سینین» کوفه و «هذا البلد الامین»، مکه است. [بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۴]؛

مجلسی در کتاب آسماء و العالم از بحار الانوار، کلام خداوند: «وَأَوْثِنَاهُمَا إِلَى رُبُوعِهِ» را بیان کرده و گفته است که شیخ طبرسی می گوید: یعنی ما آن دو محل را بلند، هموار و گسترده قرار دادیم که منظور همان حیره کوفه و اطراف آن است. مراد از قرار، مسجد کوفه و مقصود از عین، فرات است چنانچه این مطلب از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده است. «تاریخ کوفه/ ترجمه سعید راد رحیمی، ص: ۷۹»

مسجد جامع کوفه و اماکن کوفه

مسجد کوفه ۱۱ هزار و ۱۶۲ متر مربع مساحت دارد، مسجدی است مربع به طول ۱۱۰ متر و عرض ۱۱۶ متر، و با دیوارهای مرتفعی به ارتفاع ۱۰ متر محافظت می شود. مساحت فضای باز مسجد پنج هزار و ۶۴۲ متر مربع، و مساحت شبستانهای مسجد پنج هزار و ۵۲۰ متر مربع است. صحنی وسیع و بدون سقف و دیواری عظیم و مرتفع دارد؛ همانند برج و باروهای شهرهای کهن، که در دوران عضالدوله دیلمی ساخته شده است. این مسجد گنجایش چهل هزارنفر را دارد. تعداد ستون های مسجد ۱۸۷ و تعداد مناره های آن ۴ عدد با ارتفاع ۳۰ متر و تعداد درهای مسجد ۵ در است

از هنگام بنای مسجد، درهای متعددی برای آن ساخته اند:

درهای فعلی مسجد کوفه به نامهای باب الحَجَّه (باب الرِّئِیسی) "درب بزرگ حاشیه خیابان اصلی"، باب الکندهِ حاشیه خیابان اصلی، باب الثَّعبان یا باب الفیل "درب رویوی حرم حضرت خدیجه"، باب الانماط "درب بعداز باب الثَّعبان"، باب السَّده از داخل مسجد به طرف صحن حضرت مسلم، باب الرُّحمه از داخل مسجد به طرف صحن جناب هانی، باب مسلم ابن عقیل از داخل مسجد به حرم حضرت مسلم و باب هانی ابن عروه از داخل صحن مسجد به حرم جناب هانی است.

در کنار باب الثَّعبان مناره مسجد قرار دارد که ساخته حاج قاسم تاجر سمنانی است.

مستحب است زائرین از باب الثَّعبان وارد مسجد شوند و ثواب ورود از این در افضل است.

مسجد کوفه یکی از چهار مسجدی است که می توان نماز را در آن تمام خواند و ثوابی معادل حج مقبول دارد و برابر است با ثواب هزار نماز مقبول و افضل است از مسجد الاقصی و نشستن در آن بدون ذکر گفتن نیز عبادت است.

چهار مسجدی که می شود در صورتی که انسان مسافر باشد و نماز را در جای دیگر قصر بخواند در آن چهار مسجد تمام بخواند: ۱- مسجد الحرام ۲- مسجد النبی صلی الله علیه و آله ۳- مسجد کوفه ۴- حرم و رواق امام حسین علیه السلام و مسجد متصل به آن.

طراح اصلی مسجد کوفه حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام است و محل عبادتگاه ملائکه می باشد و متجاوز از هزار پیغمبر و وصی پیغمبر در آنجا عبادت نموده و نماز خوانده اند و محل آن خانه آدم و نوح و مصلاهی حضرت ابراهیم و مصلاهی حضرت مهدی عج و محل عصای موسی و شجره یقطین و خاتم سلیمان و قبور انبیاء و مرسلین و اوصیاء الهی است.

در سال ۱۷ هـ ق که کوفه مقر سپاه اسلام شد محل مسجد بیابان بوده است و بدستور سعد فرمانده سپاه اسلام یک نفر تیرانداز در وسط ایستاد و به چهار طرف تیر انداخت و از هر طرف باندازه پرتاب

تیر شد محل مسجد و انتخاب مکان آن نیز توسط سلمان فارسی صورت گرفته است و اولین معمار آن یک نفر ایرانی بنام روزبه پسر بزرگمهر پسر ساسان از اهالی همدان بوده است که پیشنهاد طراحی مسجد و قصر دارالاماره کوفه را به سعد داده است این بنا که به شکل مربع ساخته شده است مساحتش تقریباً ۱۱۰ متر × ۱۱۰ متر بوده است گنجایش چهل هزار نمازگزار را داشته مصالح ساخت مسجد و دارالاماره را از کاخهای خراب شده حیره آوردند.

در مسجد کوفه چاه آبی است که حضرت علی علیه السلام وقتی به کوفه رسیدند در نزدیکی مسجد چاهی حفر کردند که آبی گوارا داشت (دربازسازیه‌ها آن چاه مسدود شده است) و محرابی است که محل ضربت خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است و منبر حضرت علی علیه السلام و مقامهای مسجد کوفه محل‌هایی هستند که هر یک نماز و دعای مخصوص دارد و این مقامها سکوها و محراب‌هائی است که هر یک به مقام مشهور است مانند مقام ابراهیم علیه السلام - مقام خضر علیه السلام - دکه القضاء - بیت الطشت - مقام خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله - مقام آدم علیه السلام - مقام جبرئیل علیه السلام - مقام امام سجاد علیه السلام - مقام نوح علیه السلام - مقام امام صادق علیه السلام - محراب شهادت امام علی علیه السلام - محراب نافله امام علی علیه السلام. محل حوض وسط مسجد محل کشتی نوح است، که فضای گودی است در میانه مسجد. بنابراین روایات، کشتی حضرت نوح (علیه السلام) پس از مدت‌ها سرگردانی، در این نقطه به خشکی رسیده است. محل «وَفَارَ التَّوْر» تنوری که از آن آب جوشید و کشتی حضرت نوح علیه السلام را به حرکت درآورد احتمالاً همان مقام حضرت نوح علیه السلام باشد آرامگاه مسلم بن عقیل در شرق مسجد کوفه است.

آرامگاه مختار بن ابی عبیده ثقفی فرمانده خونخواهان کربلا کنار مرقد مسلم بن عقیل است. مرقد هانی بن عروه و ربروی حرم مسلم بن عقیل است.

این مسجد شریف از زمان آدم ابوالبشر به عنوان محلی برای عبادت خداوند تبارک و تعالی مطرح بوده است؛ منتهی در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحولاتی شده و در زمانهای مختلف در تجدید بناها حدود محوطه مسجد تغییر پیدا کرده.

مسجد سهله در شمال مسجد کوفه فاصله ۲ کیلومتری نزدیک شهر کوفه واقع است مسجد سهله توسط قبیله بنی ظفره ساخته شده و ابتدا به مسجد ظفر معروف بود توسط حضرت علی علیه السلام به مسجد سهله تغییر نام یافت.

در مسجد سهله نیز چند مقام وجود دارد که عبارتند از: مقام امام صادق علیه السلام چاه آب قدیمی بنام بئر الزهره یا بئر الزهراء است (دربازسازیه‌ها آن چاه مسدود شده است) - مقام و خانه ابراهیم علیه السلام که از آنجا به جنگ عمارقه رفته اند - مقام و خانه ادریس پیا مبر علیه السلام

که در آنجا خیاطی می کرده و نماز می خوانده است - مقام حضرت صاحب الزمان (عج) - مقام امام زین العابدین علیه السلام - مقام حضرت خضر علیه السلام - مقام انبیاء و صالحین .
و همچنین در مسجد سهله قبر یحیی بن عبدالله نوه حضرت علی علیه السلام است
کنار مسجد سهله قبرسید کریم از نسل امام زین العابدین علیه السلام
در بین راه کوفه و مسجد سهله خانه و آزمایشگاه جابر بن حیّان است .
نزدیک خانه جابر بن حیّان جایگاه سوزاندن جسد عبدالرحمن بن ملجم است که هنوز پس از سالها
مردم در آنجا آتش می افروزند .

مسجد صعصعه بن صوهان در نزدیکی مسجد سهله است .
مسجد زید بن صوهان نیز در نزدیکی مسجد سهله است .
مسجد حنّانه در محله حیّ الحنّانه در میان راه کوفه و نجف است و مقام راس الحسین علیه السلام
در وسط رواق مسجد است .

خانه امیرالمؤمنین علیه السلام : این خانه در اصل منزل مسکونی اُمّ هانی، خواهر علی علیه السلام
بوده که حضرت پس از انتقال به کوفه آن را منزل خود قرارداد. این خانه در بیرون مسجد کوفه
«کنارمسجد» و در زاویه جنوب غربی آن قرار دارد. ساختمان کنونی آن گرچه قدیمی نیست لیکن در
محلّ همان خانه حضرت ساخته شده است. و دارای اطاقهای متعدّد است از جمله اطاق
امیرالمؤمنین علیه السلام و اطاق دو امام بزرگوار حسن و حسین علیهم السلام و محلی که آن
حضرت به شهادت رسیده است و آشپزخانه و چاه آب و محل غسل آن حضرت (دربازسازیهایی
اخیرتغییراتی پیدا شده است).

قصر دارالاماره: یا مقرّ والی کوفه کنار «پشت» خانه امیرالمؤمنین علیه السلام : این ساختمان کهن
ترین ساختمان اسلامی در عراق بشمار می رود و به دست سعد ابن ابی وقاص در سال ۱۷ هـ . . پس
از ساختمان مسجد کوفه ساخته شد. دارالاماره ساختمانی است مربع شکل به ابعاد ۱۱۰/۳۶ متر و
۱۱۰/۲۴ متر که امروزه تنها پایه ها و برخی دیوارهای فروریخته آن باقی مانده است.

این قصر یکی از ساختمانهای عبرت انگیز روزگار است. در آن قصر مسلم به شهادت رسید و سر
مبارک امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا به نمایش گذاشته شد و سپس سرهای قاتلان آن
بزرگواران از سوی انتقام گیرندگان به نمایش در آمد. آنگاه ظالمان دیگری سرهای این انتقام
گیرندگان را بردند و در آن به نمایش گذاشتند؛ فاعتبروا یا اولی الأبصار
مرقد حضرت یونس علیه السلام در کنار فرات است .

مقام یونس علیه السلام : این جایگاه که امروزه شکل و هیئت مسجد دارد، در میان عامّه مردم به
غلط به آرامگاه حضرت یونس بن متی علیه السلام شهرت یافته است. در قسمتی از گنبد خانه آن،

محرابی است که گفته می شود امیر مؤمنان علیه السلام در آنجا نماز گزارده است. این مقام امروزه در کنار رودخانه فرات و در فاصله یک کیلومتری از مسجد کوفه واقع است و بنابر برخی روایات، حضرت یونس در این جا از شکم نهنگ بیرون انداخته شد.

باید افزود که آرامگاه حضرت یونس علیه السلام در شهر موصل بر بلندای تپه ای قرار دارد و دارای گنبد و صحن و سرا است. است

مرقد ذی الکفل پیامبرکنار شط کوفه در شهر کفیل است. این شهر که در فاصله ۳۵ کیلومتری شمال شرق کوفه و در مسیر بزرگراه نجف - بغداد قرار دارد شهر کوچکی است و نام خود را از قبر حضرت ذی الکفل علیه السلام که یکی از بزرگان پیامبران بنی اسرائیل است و در این شهر مدفون شده، بر گرفته است، نام این پیامبر حزقیل یا حزقیال است

مرقد حضرت خدیجه خواهر حضرت ابوالفضل علیه السلام و یکی از دختران علی علیه السلام در وسط میدان روبروی باب الفیل مسجد کوفه است.

مرقد میثم تمار در اول راه کوفه به نجف و پشت مسجد کوفه و نزدیک خانه علی علیه السلام است. مرقد زید بن علی بن الحسین علیه السلام که در سال ۱۲۲ هـ ق توسط بنی امیه بدار آویخته شد و سپس بدن مبارکش را سوزانیدند در کناسه کوفه واقع است.

محمد بن حسن مثنی نوه امام مجتبی علیه السلام و بسیاری دیگر از نوادگان امام حسن مجتبی که در زندان بودند بعد از شکنجه و آزار زندان را بر سرشان خراب کردند و همان زندان شدمحل دفن آنان در منطقه عباسیه در شرق کوفه.

امام زاده سید حسن فرزند عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام که راوی حدیث بود در محله هاشمیه

ابراهیم الغمر بن الحسن المثنی جد سادات طباطبائی در محله حی کنده.

کناسه کوفه بین مسجد سهله و مسجد کوفه است.

ثویه محلی نزدیک کوفه است که زندان نعمان در آنجا بود و مخالفین بنی امیه و بنی عباس آنجا حبس می شدند.

کمیل بن زیاد نخعی در ثویه یا ثویه نزدیک مسجد حنانه مدفون است.

شهر حیره نزدیک شهر کوفه است که آثار خرابه های آن هنوز موجود است و محل دیدار جهانگردان است.

رُحبه امیر المؤمنین: در پیش مسجد کوفه، جایی که در مسجد کوفه جای داشته، سکویی است که امام علی (ع) پیش از نماز یا مواقع دیگر، روی آن می نشسته و به پرسش های مردم پاسخ می داده است. بخشی از روایات به این موضوع اشاره دارد.

فضیلت مسجد کوفه

پس زیاده از آن است که ذکر شود و بس است در شرافت آن که یکی از آن چهار مسجدی است که سزاوار است شد رحال شود به سمت آنها بجهت درك فیوضات آنها و یکی از آن موطن است که مسافر مخیر است در آن ما بین قصر و اتمام نماز و نماز فریضه در آن معادل حج مقبول و معادل هزار نماز است که در جای دیگر بجای آورده شود و در روایات وارد شده که محل نماز پیغمبران است و محل نماز حضرت مهدی صلوات الله علیه خواهد شد و در روایتی هزار پیغمبر و هزار وصی پیغمبر در آن نماز کرده و از بعضی روایات استفاده شود که مسجد کوفه افضل است از مسجد اقصی که در بیت المقدس است (و ابن قولویه از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: اگر مردم بدانند که چه فضیلت دارد مسجد کوفه هر آینه از شهرهای دور تهیه زاد و راحله کنند و بسوی این مسجد بیایند و فرمود که نماز واجب در آن برابر است با حج مقبول و نماز نافله برابر عمره مقبوله و به روایت دیگر نماز فریضه و نافله در آن مثل حج و عمره ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشند) (شیخ کلینی و غیر او از مشایخ عظام روایت کرده اند از هارون بن خارجه که: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود ای هارون چه مقدار مسافت است بین تو و بین مسجد کوفه يك ميل می شود گفتم نه فرمود بجا می آوری همه نمازهای خود را در آنجا گفتم نه فرمود اگر من نزدیک آن مسجد بودم امید داشتم که از من فوت نمی شد يك نماز در آن و هیچ می دانی که چیست فضیلت آن موضع نبوده بنده صالحی و نه پیغمبری مگر آنکه نماز گزارده در مسجد کوفه حتی آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که او را به معراج می بردند جبرئیل به آن حضرت گفت می دانی که در کجایی یا رسول الله الان مقابل مسجد کوفه می باشی فرمود پس رخصت بطلب از پروردگار من تا بروم در آن و دو رکعت نماز گزارم پس جبرئیل از حق تعالی اذن طلب کرد حق تعالی اذن مرحمت فرمود پس فرود آورد آن حضرت را و آن جناب دو رکعت نماز گذاشت در آن و بدرستیکه جانب راست آن باغی است از باغهای بهشت و میان آن باغی است از باغهای بهشت و عقب آن باغی است از باغهای بهشت و بدرستی که نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز و نافله در آن مقابل است با پانصد نماز و نشستن در آن بدون تلاوت و ذکر عبادت است و اگر مردم بدانند که چه فضیلت است در آن بیایند بسوی آن اگر چه به روش کودکان خود را بر زمین کشند و در روایت دیگر است که نماز واجب در آن مقابل حج است و نماز نافله مقابل عمره)

و از بعضی روایات معلوم می شود که جانب راست این مسجد افضل است از جانب چپ آن .

حدیث: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَتَى بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَغْبَدِ النَّاسِ. کسی که تکالیف واجبش را انجام دهد، پس او از جمله عابدترین مردم است. «بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۴۵»

اعمال مسجد کوفه

در مصباح الزائر و غیره است آن است که چون داخل کوفه شدی بگو :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُتْرَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ .

پس روانه شو بسوی مسجد کوفه و در حال رفتن بگو : اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تا وارد شوی به در مسجد پس بایست نزد در و بگو :

الْسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ عَلَى مَجَالِسِهِ وَ مَشَاهِدِهِ وَ مَقَامِ حُكْمَتِهِ وَ آثَارِ آبَائِهِ آدَمَ وَ نُوحَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ تَيْيَانَ بَيْنَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْحَكِيمِ الْعَدْلِ الصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ الْفَارُوقِ بِالْقِسْطِ الَّذِي فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ الْكُفْرِ وَ الْإِيمَانِ وَ الشَّرِكِ وَ التَّوْحِيدِ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيَا مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَاصَّةُ نَفْسِ الْمُتَنَجِّبِينَ وَ زَيْنِ الصِّدِّيقِينَ وَ صَابِرِ الْمُتَمَتِّحِينَ وَ أَنَّكَ حَكَمَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ قَاضَى أَمْرِهِ وَ بَابُ حِكْمَتِهِ وَ عَاقِدُ عَهْدِهِ وَ النَّاطِقُ بِوَعْدِهِ وَ الْحَبْلُ الْمُتَمُصِّلُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ عِبَادِهِ وَ كَهْفُ النَّجَاةِ وَ مِنْهَاجُ التَّقَى وَ الدَّرَجَةُ الْعُلْيَا وَ مُهَيِّمُ الْقَاضِي الْأَعْلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ زُلْفَى أَنْتَ وَلِيِّ وَ سَيِّدِي وَ وَسِيلَتِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ .

پس داخل مسجد می شوی از دری که در عقب مسجد است و مشهور است به باب الثعبان (باب الفیل) پس از ورود به مسجد می گویی :

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بُولَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ الصَّادِقِينَ النَّاطِقِينَ الرَّاشِدِينَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا رَضِيتُ بِهِمْ أُمَّةً وَ هُدَاةً وَ مَوَالِيَّ سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللَّهِ لَا أَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ لَا أَتَّخِذُ مَعَ اللَّهِ وَلِيًّا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا حَسْبِيَ اللَّهُ وَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنَّ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَوْلِيَائِي وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ .

وجه تسمیه باب الثعبان و باب الفیل

از امام صادق (ع) نقل شده است : روزی امیرالمومنین (ع) در کوفه بر فراز منبر مشغول خطبه بود که ناگهان ازدهایی در حالی که به شدت به طرف مردم می دوید و آنها از او می گریختند پدیدار شد.

حضرت فرمود: «راه را برای او باز کنید» اژدها جلو آمد و از منبر بالا رفت و پاهای حضرت (ع) را بوسید و خود را به پاهای مبارک حضرت مالید و سه بار دمید، سپس پایین آمد و رفت و حضرت خطبه را ادامه داد. وقتی مردم توضیح خواستند ایشان فرمود: او مردی از جن بود که می گفت: فرزندش را یکی از انصار به نام جابر بن سمیع، بدون این که به او آزاری رسانده باشد با سنگ کشته است و اکنون خون فرزندش را می طلبید». «بحار الانوار، ص ۱۷۲»

وایضاً جابر از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود: در این میان که امیر المؤمنین بر منبر بود، اژدهائی از طرف یکی از درهای مسجد پیش آمد و مردم آهنگ کشتن او را کردند، امیر مؤمنان (ع) کس فرستاد که دست باز دارید و آنها دست باز داشتند آن اژدها سینه‌سایان آمد تا به منبر رسید و بر آن دراز کشید و به امیر المؤمنین (ع) درود گفت و آن حضرت بدو اشارت کرد بایستد تا سخنرانی خود را به پایان رساند و چون سخنرانی خود را به پایان رساند رو بدو کرد و فرمود: تو کیستی؟ گفت: من عمرو پسر عثمانم که کارگزار شما بود بر جن و پدرم مرده و وصیت کرده خدمت شما برسم و نظر شما را بخواهم و من نزد شما آمدم، یا امیر المؤمنین به من چه فرمائی و چه رأی دهی؟ امیر المؤمنین (ع) به او فرمود: من تو را سفارش دهم به تقوای از خدا و این که برگردی به جای پدرت در میان جن کارگزار باشی که تو بر جَنّیان از طرف من نیابت داری.

گوید: عمرو با امیر المؤمنین (ع) وداع کرد و او نائب وی است بر جَنّیان، من به او گفتم: قربانت، عمرو به واجب خود عمل می‌کند و خدمت شما می‌رسد؟ فرمود: آری. «اصول کافی - ترجمه کمره‌ای، ج ۳، ص: ۱۱۱»

وایضاً تسمیه باب الثَّعْبَان یا درب اژدها به این دلیل است که روزی حضرت علی در مسجد خطبه می‌خواند که ناگاه اژدهائی بزرگ از در وارد شده کنار حضرت آمد جماعت سراسیمه خواستند این اژدهای غول پیکر را بکشند که حضرت به آنها گفت دست نگهدارید این اژدها آمده در ارتباط با چگونگی وضع حمل سوال کند و کاری به شما ندارد که پس از آن اژدها راه خود را کشید و رفت به همین دلیل به آن درب باب الثَّعْبَان می‌گویند.

پس از شهادت امیرالمومنین (ع)، معاویه که نمی خواست ذکری از فضایل آن حضرت گفته شود دستور داد فیلی آوردند و به آن در بستند. آنقدر فیل را در آنجا نگاه داشت تا به باب الفیل مشهور شد.

حدیث: قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله: رسولُ الله (ص): النَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ عِبَادَةٌ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْإِمَامِ
اُمُشِطَةٌ عِلَّةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْإِنْسَانِ بِقُفُوزِ حِمَّةٍ عِلَّةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْأَخِ تَدْخُلُ فِي الْمَرْءِ جِلَّةٌ .

«بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۳» نگاه کردن به عالم عبادت است، نگاه کردن به پیشوای دادگر عبادت است، نگاه کردن مهر آمیز به پدر و مادر عبادت است و نگاه کردن به برادری که به خاطر خدا دوستش داری عبادت است.

مقامهای مسجد کوفه

مقام حضرت ابراهیم علیه السلام

آنگاه برو بجانب ستون چهارم که مقام حضرت ابراهیم علیه السلام است که سمت چپ باب الثَّعْبَانِ و در جنب باب انماط و برابر ستون پنجم است.

چهار رکعت نماز کن دو رکعت آن را با حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و دو رکعت دیگر را با حمد و إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ پس چون فارغ شدی از نماز تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگو و بعد از آن بگو:

اَلسَّلَامُ عَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ الرَّاشِدِيْنَ الَّذِيْنَ اُذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمْ الرَّجْسُ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا وَ جَعَلَهُمْ اَنْبِيََاءَ مُّرْسَلِيْنَ وَ حُجَّةً عَلٰی الْخَلْقِ اَجْمَعِيْنَ وَ سَلَامٌ عَلٰی الْمُرْسَلِيْنَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ذَلِكْ تَقْدِيرُ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ وَ هفت مرتبه بگو سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ پس بگو نَحْنُ عَلٰی وَصِيَّتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلَّتِيْ اَوْصَيْتَ بِهَا ذُرِّيَّتَكَ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ وَ الصّٰدِقِيْنَ وَ نَحْنُ مِنْ شِيعَةِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْكَ وَ عَلٰی جَمِيْعِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ الْاَنْبِيَآءِ وَ الصّٰدِقِيْنَ وَ نَحْنُ عَلٰی مِلَّةِ اِبْرَاهِيْمَ وَ دِيْنِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَ الْاِئِمَّةِ الْمُهَدِّيْنَ وَ وَاٰيَةَ مَوْلَانَا عَلٰی اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰی الْبَشِيْرِ النَّذِيْرِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ رِضْوَانُهُ وَ بَرَكَاتُهُ وَ عَلٰی وَصِيِّهِ وَ خَلِيْفَتِهِ الشّٰهِدِ لِلّٰهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلٰی خَلْقِهِ عَلٰی اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ الصّٰدِقِ الْاَكْبَرِ وَ الْفَارُوْقِ الْمُبِيْنِ الَّذِيْ اَخَذَتْ يَمِيْنُهُ عَلٰی الْعَالَمِيْنَ رَضِيْتُ بِهِمْ اَوْلِيَآءَ وَ مَوَالِيَّ وَ حُكَّامًا فِيْ نَفْسِيْ وَ وُلْدِيْ وَ اَهْلِيْ وَ مَالِيْ وَ قِسْمِيْ وَ حِلِّيْ وَ اِحْرَامِيْ وَ اِسْلَامِيْ وَ دِيْنِيْ وَ دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِيْ وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِيْ اَنْتُمْ الْاِئِمَّةُ فِي الْكِتَابِ وَ فَضْلُ الْمَقَامِ وَ فَضْلُ الْخِطَابِ وَ اُعِيْنُ الْحَيَّ الَّذِيْ لَا يَنَامُ وَ اَنْتُمْ حُكَمَاءُ اللّٰهِ وَ بِكُمْ حَكَمَ اللّٰهُ وَ بِكُمْ عَرَفَ اللّٰهُ حَقَّ اللّٰهِ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ اَنْتُمْ نُوْرُ اللّٰهِ مِنْ بَيْنِ اَيْدِيْنَا وَ مِنْ خَلْفِنَا اَنْتُمْ سُنَّةُ اللّٰهِ الَّتِيْ بِهَا سَبَقَ الْقَضَاءُ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنَا لَكُمْ مُّسَلِّمٌ تَسْلِيْمًا لَا اَشْرَكَ بِاللّٰهِ شَيْئًا وَ لَا اَتَّخِذُ مِنْ دُوْنِهِ وَلِيًّا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدَانِيْ بِكُمْ وَ مَا كُنْتُ لَآهْتَدِيْ لَوْ لَا اَنْ هَدَانِي اللّٰهُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا هَدَانَا .

حضرت ابراهیم علیه السلام گاهی اینجاءاعات میکرده است.

مقام حضرت خضر علیه السلام

مقام حضرت خضر علیه السلام بعد از مقام ابراهیم علیه السلام است

برای این مقام اعمال بالخصوص وارد نشده ولی میتوان این اعمال که برای مقام خضر در مسجد سهله وارد شده به قصد قریت انجام داد

دو رکعت نماز بگذار در آنجا و بگو :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللّٰهُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ خَیْرَ عُمْرِیْ
اٰخِرَهٗ وَ خَیْرَ اَعْمَالِیْ خَوَاتِیْمَهَا وَ خَیْرَ اَیَّامِیْ یَوْمَ اَلْقَاكَ فِیْهِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ
تَقَبَّلْ دُعَائِیْ وَ اَسْمَعْ نَجْوَایْ يَا عَلِیُّ يَا عَظِیْمُ يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا حَیُّ لَا یَمُوتُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِیْ الذُّنُوْبَ الَّتِیْ بَیْنِیْ وَ بَیْنَكَ وَ لَا تَقْضَحْنِیْ عَلٰی رُءُوسِ الْأَشْهَادِ وَ
اَحْرُسْنِیْ بِعَیْنِكَ الَّتِیْ لَا تَنَامُ وَ اَرْحَمْنِیْ بِقُدْرَتِكَ عَلٰی يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَ صَلِّیَ اللّٰهُ عَلٰی
سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ .

یا اعمالی که از امام صادق علیه السلام برای مسجدکوفه ذکر شده انجام داد

چهار رکعت نماز (دو رکعت دورکعت) بخوان سپس بگو :

اِلٰهِیْ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَاِنِّیْ قَدْ اطَعْتُكَ فِیْ اَحَبِّ الْأَشْیَاءِ اِلَيْكَ لَمْ اَتَّخِذْكَ وَلَدًا وَلَمْ اَدْعُ
لَكَ شَرِیْكَا وَ قَدْ عَصَيْتُكَ فِیْ اَشْیَاءٍ كَثِیْرَةٍ عَلٰی غَیْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ لَكَ وَ لَا الْاِسْتِکْبَارِ عَنْ
عِبَادَتِكَ وَ لَا الْجُحُوْدُ لِرُبُوْبِیَّتِكَ وَ لَا الْخُرُوجُ عَنِ الْعُبُوْدِیَّةِ لَكَ وَ لَكِنْ اَتَّبَعْتُ هَوَایْ وَ اَزَلْنِیْ
الشَّیْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَ الْبَیَّانِ فَاِنْ تُعَذِّبْنِیْ فَبِذُنُوبِیْ غَیْرِ ظَالِمٍ اَنْتَ لِیْ وَ اِنْ تَعْفُ عَنِّیْ وَ
تَرْحَمْنِیْ فَبِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ يَا كَرِیْمُ عَدَوْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ عَدَوْتُ بِغَیْرِ حَوْلٍ مِّنِّیْ وَ لَا قُوَّةَ وَ
لَكِنْ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ يَا رَبِّ اَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذِهِ الْبَیْتِ وَ بَرَكَةَ اَهْلِهِ وَ اَسْأَلُكَ اَنْ تَرْزُقْنِیْ رِزْقًا
حَلَالًا طَیِّبًا تَسُوِّفُهُ اِلَیَّ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ اَنَا خَائِضٌ فِیْ عَافِیَّتِكَ .

این مکانی است که حضرت خضر علیه السلام خدمت امیرمؤمنان علیه السلام رسید و با ایشان صحبت نمود.

مقام بیت الطشت

بیت الطشت بعد از مقام خضر علیه السلام متصل است به دکه القضا

دو رکعت نماز کن به نیت بیت الطشت و بعد از سلام تسبیح کن پس بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ ذَخَرْتُ تَوْحِیْدِیْ اِیَّاكَ وَ مَعْرِفَتِیْ بِكَ وَ اِخْلَاصِیْ لَكَ وَ اِقْرَارِیْ بِرُبُوْبِیَّتِكَ وَ ذَخَرْتُ
وَلَایَةَ مَنْ اَنْعَمْتَ عَلَیَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ بَرِّیَّتِكَ مُحَمَّدٍ وَ عَثَرْتَهُ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ لَیْسَ یَوْمَ فَرَعِیْ
اِلَيْكَ عَاجِلًا وَ اَجَلًا وَ قَدْ فَرَعْتُ اِلَيْكَ وَ اِلَیْهِمْ يَا مَوْلَایْ فِیْ هَذَا الْیَوْمِ وَ فِیْ مَوْقِفِیْ هَذَا وَ
سَأَلْتُكَ مَا دَتْنِیْ مِنْ نِعْمَتِكَ وَ اِزَاحَةَ مَا اُحْشَاهُ مِنْ نِقْمَتِكَ وَ الْبَرَكَةَ فِیْمَا رَزَقْتَنِیْهِ وَ تَخَصُّیْنَ
صَدْرِیْ مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَ جَائِحَةٍ وَ مَعْصِیَةٍ فِیْ دِیْنِیْ وَ دُنْیَایْ وَ اٰخِرَتِیْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ .

و نقل شده که حضرت صادق علیه السلام در بیت الطشت دو رکعت نماز کردند.

مقام دکه القضاء

مقام دکه القضاء بعد از مقام بیت الطشت است

دو رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شدی بگو تسبیح زهرا علیها السلام را و بگو:

يَا مَالِكِي وَ مَمْلُكِي وَ مُتَعَمِّدِي بِالنَّعَمِ الْجِسَامِ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ وَ جِهِي خَاضِعٌ لِمَا تَعْلُوهُ
الْأَفْدَامُ لِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ لَا تَجْعَلْ هَذِهِ الشَّدَّةَ وَ لَا هَذِهِ الْمَحَنَةَ مُتَّصِلَةً بِاسْتِیْصَالِ
الشَّافَةِ وَ اَمْنَحْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا لَمْ تَمْنَحْ بِهِ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ أَنْتَ الْقَدِيمُ الْأَوَّلُ الَّذِي لَمْ
تَزَلْ وَ لَا تَزَالْ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ اَرْحَمْنِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ بَارِكْ لِي فِي
أَجَلِي وَ اجْعَلْنِي مِنْ عُتَقَائِكَ وَ طَلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

دکه القضاء و بیت الطشت چیست ؟

دکه القضاء دکانچه ای بوده در مسجد که امیر المؤمنین علیه السلام بر روی آن می نشستند و قضاوت و حکم می نمودند و در آن موضع ستون کوتاهی بوده که بر آن نوشته بوده آیه کریمه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ .

بیت الطشت همان محلی است که ظاهر شده معجزه امیر المؤمنین علیه السلام در باب آن دختر بی شوهری که يك وقتی در میان آب بوده که زالویی در شکمش داخل شده و کم کم از مکیدن خون بزرگ شده بود و شکم آن دختر را نیز بزرگ کرده بود برادران دختر گمان حمل به او بردند و خواستند او را بکشند برای حکم آن نزد امیر المؤمنین علیه السلام آمدند حضرت امر فرمود در جانب مسجد پرده کشیدند و آن دختر را در پس آن پرده نشانیدند و قابله کوفه را امر فرمود که او را تفتیش کند قابله پس از تفتیش عرض کرد یا امیر المؤمنین این دختر آبستن است و فرزند در شکم دارد پس حضرت امر فرمود طشتی مملو از لجن آوردند و دختر را بر روی آن نشانیدند آن زالو که بوی لجن شنید از شکم دختر بیرون آمد. و در بعضی از روایات است که حضرت دست دراز کرد و از کوههای شام قطعه برفی آورد و نزدیک آن طشت نهاد تا آن حیوان از شکم دختر بیرون آمد

مقام النبی محمد صلی الله علیه و آله و دکه المعراج

مقامی است در وسط مسجد که آنرا دکه المعراج گفته اند (کنار آن يك ستونی است که شاخص اذان ظهراست)

دو رکعت نماز می کنی در رکعت اول حمد می خوانی با قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم حمد و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ پس وقتی که سلام دادی تسبیح زهرا علیها السلام را بخوان و بگو :

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ اِلَيْكَ يَعُوذُ السَّلَامُ وَ دَاوْرُكَ دَارُ السَّلَامِ حَيِّنَا رَبَّنَا مِنْكَ
بِالسَّلَامِ اَللّٰهُمَّ اِنِّى صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ اِبْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ تَعْظِيمًا
لِمَسْجِدِكَ اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْفَعْهَا فِى عَلِيَيْنَ وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّى يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ .

این مقام را دکه المعراج گفته اند و ظاهراً به ملاحظه آن است که در شب معراج حضرت رسول صلی
الله علیه و آله از حق تعالی رخصت طلبید و در اینجا فرود آمد و دو رکعت نماز گذاشت

مقام توبه حضرت آدم علیه السلام

ستون هفتم مقام حضرت آدم علیه السلام است و آن مقامی است که در آن حق تعالی توفیق توبه به
آدم علیه السلام داده

پس بایست در نزد آن رو به قبله و بگو :

بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَا اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ
اللّٰهِ اَلَسَّلَامُ عَلَى اٰدَمَ وَ اٰمَنَّا حَوَاءَ اَلَسَّلَامُ عَلَى هٰبِيْلَ الْمَقْتُوْلِ طُلُمًا وَ عُدُوَانًا عَلَى
مَوٰهِبِ اللّٰهِ وَ رِضْوَانِهِ اَلَسَّلَامُ عَلَى شَيْثِ صَفْوَةِ اللّٰهِ الْمُخْتَارِ الْاَمِيْنِ وَ عَلَى الصَّفْوَةِ الصّٰدِقِيْنَ
مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الطّٰيِبِيْنَ اُوْلٰئِهِمْ وَ اٰخِرِهِمْ اَلَسَّلَامُ عَلَى اِبْرٰهِيْمَ وَ اِسْمَاعِيْلَ وَ اِسْحٰقَ وَ يَعْقُوْبَ وَ
عَلَى ذُرِّيَّتِهِمُ الْمُخْتَارِيْنَ اَلَسَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيْمِ اللّٰهِ اَلَسَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوْحِ اللّٰهِ اَلَسَّلَامُ
عَلَى مُحَمَّدٍ بَنِى عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ اَلَسَّلَامُ عَلَى اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ ذُرِّيَّتِهِ الطّٰيِبِيْنَ وَ رَحْمَةُ
اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَلَسَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِى الْاَوَّلِيْنَ اَلَسَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِى الْاٰخِرِيْنَ اَلَسَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ
الرَّهْزَاءِ اَلَسَّلَامُ عَلَى الْاَنْمَةِ الْهَادِيْنَ شُهَدَاءِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ اَلَسَّلَامُ عَلَى الرَّقِيْبِ الشّٰهِيْدِ
عَلَى الْاُمَمِ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ .

پس نماز می‌کنی نزد آن ستون چهار رکعت می‌خوانی در رکعت اول حمد و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و در رکعت دوم
حمد و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و در رکعت سوم و چهارم به همین نحو و چون فارغ شدی بگو تسبیح زهراء
علیها السلام را پس بگو :

اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَاِنِّى قَدْ اَطَعْتُكَ فِى الْاِيْمَانِ مِنْنِى بِكَ مَنَا مِنْكَ عَلَى لَا مَنَا مِنْنِى
عَلَيْكَ وَ اَطَعْتُكَ فِى اَحَبِّ الْاَشْيَاءِ لَكَ لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا وَ لَمْ اَدْعُ لَكَ شَرِيْكًا وَ قَدْ عَصَيْتُكَ فِى
اَشْيَاءٍ كَثِيْرَةٍ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابَرَةِ لَكَ وَ لَا الْخُرُوْجِ عَنْ عِبُوْدِيَّتِكَ وَ لَا الْجُحُوْدِ لِرُبُوْبِيَّتِكَ وَ
لَكِنْ اَتَّبَعْتُ هَوَاىَ وَ اَزَلْنِى الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَى وَ الْبَيَانِ فَاِنْ تُعَذِّبْنِى فَبِذُنُوْبِىْ غَيْرِ
ظٰلِمٍ لِّىْ وَ اِنْ تَغْفُ عَنِّى وَ تَرْحَمْنِى فَبِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ يَا كَرِيْمُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوْبِىْ لَمْ يَبْقَ لَهَا اِلَّا
رَجَاءُ عَفْوِكَ وَ قَدْ قَدَّمْتُ اَلَةَ الْجِرْمَانِ فَاَنَا اَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ مَا لَا اَسْتَوْجِبُهُ وَ اَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا

أَسْتَحِقُّهُ اللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئًا وَإِنْ تَغْفِرْ لِي فَخَيْرٌ رَاحِمٍ أَنْتَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ وَأَنَا أَنَا أَنْتَ الْعَوَاذُ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالذُّنُوبِ وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْجَلَمِ وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالْجَهْلِ اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا كَنَزَ الضُّعْفَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغُرَقَى يَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى يَا مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شَعَاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِيُّ الْمَاءِ وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ وَ نُورُ الْقَمَرِ وَ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَ صَوُّ النَّهَارِ وَ خَفَقَانُ الطَّيْرِ فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْفَقَرَاءِ الْطَّيِّبِينَ فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَىكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى فَاطِمَةَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ عَلَيْكَ مِنْ أَفْضَلِ إِنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ وَ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكَ عَنْدهُمْ وَ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ صَلِّ عَلَيْهِمْ يَا رَبِّ صَلَاةً دَائِمَةً مُنْتَهَى رِضَاكَ وَ اغْفِرْ لِي بِهِمْ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَ أَرْضَ عَنِّي خَلْقَكَ وَ أَنْتُمْ عَلَى نِعْمَتِكَ كَمَا أَنْتُمْ عَلَيْهَا عَلَى آبَائِي مِنْ قَبْلُ وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ عَلَى فِيهَا امْتِنَانًا وَ اْمُنُّنْ عَلَى كَمَا مَنَنْتَ عَلَى آبَائِي مِنْ قَبْلُ يَا كَهْمِصَ اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُ يَا كَرِيمَ يَا كَرِيمَ .

پس برو به سجده و در سجده بگو :

يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي صَمِيرِ الصَّامِتِينَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تَخْفَى الصُّدُورُ يَا مَنْ أَنْزَلَ الْعَذَابَ عَلَى قَوْمِ يُونُسَ وَ هُوَ يَرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ فَدَعَاؤُهُ وَ تَضَرَّعُوا إِلَيْهِ فَكَشَفَ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَ مَتَّعَهُمْ إِلَى حِينٍ قَدْ تَرَى مَكَانِي وَ تَسْمَعُ دُعَائِي وَ تَعْلَمُ سِرِّي وَ عَلَانِيَتِي وَ حَالِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي .

پس هفتاد مرتبه بگو یا سیدی

پس سر از سجده بردار و بگو :

يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بَرَكَهَ هَذَا الْمَوْضِعِ وَ بَرَكَهَ أَهْلِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ رِزْقِكَ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا تَسْوِفُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَأَنَا خَائِضٌ فِي عَافِيَةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ .

فضیلت مقام حضرت آدم علیه السلام :

ویدان نیز که احادیث در فضیلت این ستون هفتم بسیار وارد شده و شیخ کلینی به سند معتبر روایت کرده که امیر المؤمنین علیه السلام رو به این ستون (وروبه قبله) نماز می کرد و نزدیک می ایستاد که میان آن حضرت و ستون آنقدر فاصله بود که بُرّی بگذرد و در روایت معتبر دیگر وارد شده است که

در هر شب شصت هزار ملك از آسمان نازل می‌شوند و نزد ستون هفتم نماز می‌کنند و در شب دیگر ملائکه دیگر به این عدد می‌آیند و دیگر هیچیک عود نمی‌کنند تا روز قیامت.

مقام جبرئیل علیه السلام

ستون پنجم منسوب به حضرت جبرئیل است، دو رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواهی و چون سلام گفتی و تسبیح نمودی پس بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِجَمِیْعِ اَسْمَائِكَ كُلِّهَا مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَ مَا لَا نَعْلَمُ وَ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِیْمِ الْاَعْظَمِ الْكَبِیْرِ الْاَكْبَرِ الَّذِیْ مِنْ دَعَاكَ بِهِ اُجِبْتَهُ وَ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ اَعْطِیْتَهُ وَ مَنْ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ وَ مَنْ اسْتَعْفَرَكَ بِهِ عَفَرْتَ لَهُ وَ مَنْ اسْتَعَانَكَ بِهِ اَعْنَتَهُ وَ مَنْ اسْتَرْزَقَكَ بِهِ رَزَقْتَهُ وَ مَنْ اسْتَعَاذَكَ بِهِ اَعْتَذَتْهُ وَ مَنْ اسْتَرْحَمَكَ بِهِ رَحِمْتَهُ وَ مَنْ اسْتَجَارَكَ بِهِ اَجَرْتَهُ وَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَیْكَ بِهِ كَفَيْتَهُ وَ مَنْ اسْتَعَصَمَكَ بِهِ عَصَمْتَهُ وَ مَنْ اسْتَنْقَذَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ اَنْقَذْتَهُ وَ مَنْ اسْتَعَطَفَكَ بِهِ تَعَطَّفْتَ لَهُ وَ مَنْ اَمْلَكَ بِهِ اَعْطِیْتَهُ الَّذِیْ اتَّخَذَتْ بِهِ اَدَمٌ صَفِیًّا وَ نُوحًا نَجِیًّا وَ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلًا وَ مُوسٰی كَلِیْمًا وَ عِیْسٰی رُوحًا وَ مُحَمَّدًا حَبِیْبًا وَ عَلِیًّا وَصِیًّا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ اَنْ تَقْضِیَ لِیْ حَوَائِجِیْ وَ تَغْفُوْ عَمَّا سَلَفَ مِنْ ذُنُوْبِیْ وَ تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ لِجَمِیْعِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ لِلْدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ يَا مُفَرِّجَ هَمِّ الْمُهْمُوْمِیْنَ وَ يَا غِیَاثَ الْمَلْهُوْفِیْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ .

بدان که از جمله مواضع ممتازه مسجد کوفه ستون پنجم است که باید نزد آن نماز کنند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نمایند.

مقام امام زین العابدین علیه السلام

آنگاه برو بسوی دگه امام زین العابدین علیه السلام و آن در نزد ستون سوّم است از طرف متصل به باب کنده این مقام از طرف قبله مقابل است با دگه باب امیر المؤمنین علیه السلام و از طرف غربی مقابل بوده با باب کنده که مسدود شده و گفته شده که شایسته است آنکه نماز بقدر پنج ذراع متأخر از ستون بعمل آورده شود زیرا که دگه در آن محل بوده .

نماز کن در آنجا دو رکعت و بخوان در آن حمد و هر سوره که خواستی پس همینکه سلام دادی و تسبیح نمودی پس بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوْبِیْ قَدْ كَثُرَتْ وَ لَمْ یَبْقَ لَهَا اِلَّا رَجَاءُ عَفْوِكَ وَ قَدْ قَدَّمْتُ اِلَیْكَ الْجَزْمَانَ اِلَیْكَ فَآنَا اَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ مَا لَا اَسْتَوْجِبُهُ وَ اَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا اَسْتَحِقُّهُ اللّٰهُمَّ اِنْ تُعَذِّبْنِیْ فَبِذُنُوْبِیْ وَ لَمْ تَظْلِمْنِیْ شَیْئًا وَ اِنْ تَغْفِرْ لِیْ فَخَیْرٌ رَّاحِمٍ اَنْتَ يَا سَیِّدِی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

أَنْتَ وَ أَنَا أَنَا أَنْتَ الْعَوَاذُ بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنَا الْعَوَاذُ بِالذُّنُوبِ وَ أَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ وَ أَنَا الْعَوَاذُ
بِالْجَهْلِ اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا كُنْزَ الضُّعْفَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغُرَقَى يَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى يَا
مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شَعَاغُ
الشَّمْسِ وَ نُورُ الْقَمَرِ وَ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَ ضَوْءُ النَّهَارِ وَ خَفَقَانُ الطَّيْرِ فَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ
بِحَقِّكَ يَا كَرِيمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ
عَلَى عَلِيٍّ وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى فَاطِمَةَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى
الْحَسَنِ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ
مِنْ أَفْضَلِ إِنْجَامِكَ عَلَيْهِمْ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عَنْدهُمْ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ صَلِّ يَا رَبِّ
عَلَيْهِمْ صَلَاةً دَائِمَةً مُنْتَهَى رِضَاكَ وَ اغْفِرْ لِي بِهِمْ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَ أَنْتُمْ نِعْمَتُكَ
عَلَيَّ كَمَا أَنْتُمْ مَتَّهَا عَلَى آبَائِي مِنْ قَبْلُ يَا كَهْمِ عَصِ اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ .

پس برو به سجده و جانب راست رو را بر زمین گذار و بگو: یا سیدی یا سیدی یا سیدی صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ اغْفِرْ لِي . و بسیار بگو این کلمه را با خشوع و گریه پس جانب چپ رو
را به زمین گذار و این کلمات را بگو پس دعا کن به آنچه می خواهی

مقام حضرت نوح علیه السلام

چون از عمل ستون سوم فارغ شدی برو به دکه باب امیر المؤمنین علیه السلام معروف به باب الفرج
و آن صفه ای است که متصل است به دری که از مسجد بسوی خانه امیر المؤمنین علیه السلام
مفتوح می شده .

چهار رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواستی از قرآن و چون فارغ شدی تسبیح کن پس بگو :
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْضِ حَاجَتِي يَا اللَّهُ يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَ لَا يَنْفَدُ
نَائِلُهُ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَبَّ الْأَرْضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ يَا
وَاسِعَ الْعَطِيَّاتِ يَا دَافِعَ النِّقَمَاتِ يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ عُذَّ عَلَى بَطُولِكَ وَ فَضْلِكَ وَ
إِحْسَانِكَ وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ مِنْكَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَ وَصِيِّكَ وَ أَوْلِيَائِكَ
الصَّالِحِينَ .

حضرت نوح علیه السلام خانه و مسجد او در مسجد کوفه قرار داشت بارسیدن به مقام رسالت ۹۵۰
سال تبلیغ و مردم را به دین خدا دعوت میکرد در این مدت حدود ۸۰ نفر دعوت او را پذیرفتند
و اکثر مردم ایمان نیاوردند تا اینکه دستور عذاب صادر شد و حضرت نوح موظف شد برای نجات

مؤمنین کشتی بسازد و او در همین مسجد مشغول ساختن کشتی شد پس از اتمام ساختن کشتی «وَفَارَ التَّنُّورُ» آب از زمین مسجد بالا آمد و... در کتاب الفتوح در بیان فضایل مسجد کوفه آمده است: یکی از فضایل این مسجد آن است که در وقت طوفان نوح (ع) نخست تنوری که آب از آنجا بر جوشید در گوشه این مسجد بوده است. خانه ی نوح و محل عبادت او نیز آن جا بود. در زاویه ی راست آن آب از تنور جوشید.

محراب امیرالمؤمنین علیه السلام

دو رکعت نمازکن به حمد و سوره و هر گاه که سلام دادی و تسبیح کردی پس بگو :
 يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يَأْخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ وَالسَّرِيرَةَ يَا
 عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى
 يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ .

این محرابی است که حضرت امیرالمؤمنین در صبح نوزدهم ماه مبارک رمضان در آن ضربت خورده است

محراب نافله امیرالمؤمنین علیه السلام

دو رکعت نمازکن به حمد و سوره و هر گاه که سلام دادی و تسبیح کردی پس بگو :
 يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يَأْخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ وَالسَّرِيرَةَ يَا
 عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى
 يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ .

در هدیه الزائرین اشاره کرده به اختلاف در محرابی که محل ضربت خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام است که آیا همین محراب معروف است یا آن محراب متروک و گفته که نهایت احتیاط در آن است که اعمال محراب را در هر دو جا بکنند یا گاهی در معروف و گاهی در متروک (که امروزه مشهور است به محراب نافله)

مناجات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

و مناسب است که در محل محراب مناجات معروف امیرالمؤمنین علیه السلام خوانده شود :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُوْنَ اِلَّا مَنْ اَتٰی اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ وَ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ یَعْصُ الظّٰلِمُ عَلٰی یَدِیْهِ یَقُوْلُ یَا لَبِثْنِیْ اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِیْلًا وَ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ یَعْرِفُ الْمُجْرِمُوْنَ بِسِیْمَاهُمْ فِیُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِی وَ الْاَقْدَامِ وَ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ لَا یَجْزِیْ وَالدُّ عَنْ وَلَدِهِ وَ لَا مَوْلُوْدٌ هُوَ جَاز عَنْ وَالِدِهِ شَیْئًا اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ لَا یَنْفَعُ الظّٰلِمِیْنَ مَعْدَرَتُهُمْ وَ لَهُمْ اللّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدّٰرِ وَ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَیْئًا وَ الْاَمْرُ یَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ وَ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ یَفْرُ الْمَرْءُ مِنْ اَخِیْهِ وَ اُمِّهِ وَ اَبِیْهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِیْهِ لِکُلِّ اَمْرٍ مِنْهُمْ یَوْمَئِذٍ شَأْنٌ یَغْنِیْهِ وَ اَسْأَلُكَ الْاَمَانَ یَوْمَ یُودُّ الْمُجْرِمُ لَوْ یَفْتَدِی مِنْ عَذَابِ یَوْمَئِذٍ بِبَنِیْهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ اَخِیْهِ وَ فَصِیْلَتِهِ الَّتِیْ تُؤْوِیْهِ وَ مَنْ فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا ثُمَّ یُنْجِیْهِ کُلًّا اِنَّهَا لَطٰی نَزَاعَةٌ لِلشَّوْیِ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْمَوْلى وَ اَنَا الْعَبْدُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْعَبْدَ اِلَّا الْمَوْلى مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْمَالِکُ وَ اَنَا الْمَمْلُوْکُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَمْلُوْکُ اِلَّا الْمَالِکُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْعَزِیْزُ وَ اَنَا الذَّلِیْلُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الذَّلِیْلَ اِلَّا الْعَزِیْزُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْخَالِیْقُ وَ اَنَا الْمَخْلُوْقُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَخْلُوْقُ اِلَّا الْخَالِیْقُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْعَظِیْمُ وَ اَنَا الْحَقِیْرُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْحَقِیْرَ اِلَّا الْعَظِیْمُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْقَوِیُّ وَ اَنَا الضَّعِیْفُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الضَّعِیْفَ اِلَّا الْقَوِیُّ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْغَنِیُّ وَ اَنَا الْفَقِیْرُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْفَقِیْرَ اِلَّا الْغَنِیُّ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْمُعْطٰی وَ اَنَا السَّائِلُ وَ هَلْ یَرْحَمُ السَّائِلَ اِلَّا الْمُعْطٰی مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْحَیُّ وَ اَنَا الْمَمِیْتُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَمِیْتَ اِلَّا الْحَیُّ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْبَاقِیُّ وَ اَنَا الْفَاسِیُّ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْفَاسِیَّ اِلَّا الْبَاقِیُّ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الدَّائِمُ وَ اَنَا الرَّائِلُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الرَّائِلَ اِلَّا الدَّائِمُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الرَّزَاقُ وَ اَنَا الْمَرْزُوْقُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَرْزُوْقُ اِلَّا الرَّزَاقُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْجَوَادُّ وَ اَنَا الْبَخِیْلُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْبَخِیْلَ اِلَّا الْجَوَادُّ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْمُعَافِیُّ وَ اَنَا الْمُتَبَتِّلُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمُتَبَتِّلَ اِلَّا الْمُعَافِیُّ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْهَادِیُّ وَ اَنَا الضَّالُّ وَ هَلْ یَرْحَمُ الضَّالَّ اِلَّا الْهَادِیُّ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ اَنَا الْمَرْحُوْمُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَرْحُوْمَ اِلَّا الرَّحْمَنُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ السُّلْطَانُ وَ اَنَا الْمُتَمَتِّحُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمُتَمَتِّحَ اِلَّا السُّلْطَانُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الدَّلِیْلُ وَ اَنَا الْمُتَّحِیْرُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمُتَّحِیْرَ اِلَّا الدَّلِیْلُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْغَفُوْرُ وَ اَنَا الْمُذْنِبُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمُذْنِبَ اِلَّا الْغَفُوْرُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْغَالِبُ وَ اَنَا الْمَغْلُوْبُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَغْلُوْبَ اِلَّا الْغَالِبُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الرَّبُّ وَ اَنَا الْمَرْبُوْبُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَرْبُوْبَ اِلَّا الرَّبُّ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اَنْتَ الْمُتَّكِبَرُ وَ اَنَا الْخَاشِعُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْخَاشِعَ اِلَّا الْمُتَّكِبَرُ مَوْلٰی یَا مَوْلٰی اِرْحَمْنِیْ بِرَحْمَتِكَ وَ اَرْضْ عَنِّیْ بِجُودِكَ وَ کَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ یَا ذَا الْجُوْدِ وَ الْاِحْسَانِ وَ الطُّوْلِ وَ الْاَمْتِنَانِ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ .

مقام حضرت صادق علیه السلام

پس برو بسوی مقام حضرت صادق علیه السلام و آن واقع است در نزدیکی درب حرم مسلم بن عقیل رضوان الله علیه که بداخل مسجد باز میشود

دو رکعت نماز کن و چون سلام دادی و تسبیح نمودی پس بگو :

يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ وَيَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ وَيَا حَاضِرَ كُلِّ مَلٍّ وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا شَاهِدًا غَيْرَ غَائِبٍ وَيَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ وَيَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ وَيَا مُنَسِّئًا كُلِّ وَحِيدٍ وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ غَيْرُهُ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ الْقَائِمَ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ .

پس بخوان هر چه خواهی

ذکر نمازی برای حاجت در جامع کوفه

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که: کسی که دو رکعت نماز گزارد در مسجد کوفه بخواند در هر رکعت حمد و دو قُلْ أَعُوذُ و سوره اخلاص و کافرون و نصر و قدر و سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و چون سلام دهد تسبیح زهرا علیه السلام بگوید پس بطلبد از خدا هر حاجتی که بخواهد خدا حاجتش را برآورده و دعایش را مستجاب خواهد فرمود .

صحن مسجد کوفه

و در حدیث معتبر از ابو حمزه ثمالی منقول است که گفت: روزی در مسجد کوفه نشسته بودم ناگاه دیدم که شخصی از در کنده داخل شد از همه کس خوشروتر و خوشبوتر و پاک جامه تر و عمامه به سر بسته و پیراهن و دراعه پوشیده و دو نعل عربی در پای مبارکش بود پس نعلین را کند و نزد ستون هفتم ایستاد و دستها را تا برابر گوش بلند کرد و تکبیری گفت که جمیع موهای بدن من از دهشت آن راست ایستاد پس چهار رکعت نماز گزارد و رکوع و سجودش را نیکو بعمل آورد پس این دعا را خواند اِلَهِیْ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ و خواند تا رسید به یا کریم پس به سجود رفت و مکرر یا کریم گفت آن قدر که يك نفس وفا کند پس در سجود گفت یا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى خَوَائِجِ السَّائِلِينَ و خواند تا هفتاد مرتبه یا سَیِّدِی که در اعمال ستون هفتم ذکر شد چون سر از سجده برداشت و نیک ملاحظه کردم حضرت امام زین العابدین علیه السلام بود پس دستهای مبارکش را بوسیدم و پرسیدم که از برای چه آمدید به اینجا فرمود از برای آنچه که دیدی یعنی نماز در مسجد کوفه.

ابو حمزه ثمالی نقل می کند که امام سجاد (ع) از مدینه به مسجد کوفه آمد، فقط دو رکعت نماز در مسجد کوفه خواند سوار شتر خود شده، به مدینه برگشت. [تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۲۰]

زیارت مسلم، مختاروهانی

زیارت جناب مسلم بن عقیل قَدْ سَ اللَّهُ رُوحَهُ وَ نَوَّرَ ضَرِيحَهُ

چون از اعمال مسجد کوفه فارغ شدی برو بسوی قبر مسلم بن عقیل رضوان الله علیه و بایست نزد او و بگو: (آرامگاه مسلم بن عقیل در شرق مسجد کوفه است يك در از داخل مسجد دارد و در دیگر از صحن حرم آن جناب است)

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ الْمُتَصَاغِرِ لِعَظَمَتِهِ جَبَّارَةِ الطَّاعِينَ الْمُعْتَرِفِ بِرُبُوبِيَّتِهِ جَمِيعِ
أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ الْمُقَرَّبِ بِتَوْحِيدِهِ سَائِرِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنَامِ
وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْكَرَامِ صَلَاةً تَقَرُّ بِهَا أَعْيُنُهُمْ وَ يَرْغَمُ بِهَا أَنْفُ شَانِيئِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ
سَلَامٌ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ أَوْتَمَّتِهِ الْمُتَنَجِّسِينَ وَ
عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَ جَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّادِقِينَ وَ الزَّكَايَا الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَغْتَدَى وَ تَرُوحُ
عَلَيْكَ يَا مُسْلِمَ بْنَ عَقِيلِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ
الرَّكَاعَةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ قُتِلْتَ عَلَى
مَنْهَاجِ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى لَقِيتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ عَنْكَ رَاضٍ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ
بِعَهْدِ اللَّهِ وَ بَذَلْتَ نَفْسَكَ فِي نُصْرَةِ حُجَّةِ اللَّهِ وَ ابْنِ حُجَّتِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ أَشْهَدُ لَكَ
بِالتَّسْلِيمِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ وَ السَّبْطِ الْمُتَنَجِّبِ وَ الدَّلِيلِ الْعَالِمِ وَ
الْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ وَ الْمَظْلُومِ الْمُهْتَظَمِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَنِ
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ وَ أَعَنْتَ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ لَعَنَ اللَّهُ
مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ وَ لَعَنَ
اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَ اسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَايَعَكَ وَ عَشَّكَ وَ خَذَلَكَ وَ أَسْلَمَكَ وَ
مَنْ أَلَبَّ عَلَيْكَ وَ لَمْ يَعْنِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَ بَنَى الْوَرْدَ الْمَوْرُودَ أَشْهَدُ
أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ جِئْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ مُسْلِمًا لَكُمْ تَابِعًا
لِسُنَّتِكُمْ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ
عَدُوَّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكُمْ بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ.

و در مزار کبیر این کلمات را بمنزله اذن دخول قرار داده و گفته پس داخل شو و بچسبان خود را به قبر یا اشاره کن به ضریح آن جناب و بگو:

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ

رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ
 الْبَدْرِيُّونَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمُبَالِغُونَ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ وَ نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ
 أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ أَكْثَرَ الْجَزَاءِ وَ أَوْفَرَ جَزَاءٍ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بَبَيْعَتِهِ وَ اسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ وَ أَطَاعَ
 وَلاَةَ أَمْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ حَتَّى بَعَثَكَ اللَّهُ فِي
 الشُّهَدَاءِ وَ جَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ وَ أَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنْزِلًا وَ أَفْضَلَهَا
 غُرْفًا وَ رَفَعَ ذِكْرَكَ فِي الْعَلِيِّينَ وَ حَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ
 حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَ لَمْ تَنْكُلْ وَ أَنَّكَ قَدْ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ
 مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَ مُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ رَسُولِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ
 الْمُخْتَبِينَ فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .

پس نماز کن دو رکعت در طرف سر و آن را هدیه آن جناب کن .

زیارت جناب مختار رحمه الله

زاویه غربی حرم جناب مسلم بن عقیل مرقدمختار بن ابی عبیده ثقفی فرمانده خونخواهان شهدای
 کربلا است

این زیارت را که در تابلو بالای قبر مختار است زیارت کن ایشان را و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُسِرَّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُسِرَّ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا
 مُسِرَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُسِرَّ الْحَسَنِ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَيُّهَا الْآخِذُ بِثَارِ
 الْحُسَيْنِ الْغَرِيبِ وَالشَّهِيدِ بِكَرْبَلَاءِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ أَدْخَلَ السُّرُورَ عَلَى الْأَئِمَّةِ
 الْأَظْهَارِ الْأَبْرَارِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا إِسْحَاقِ الْمُخْتَارِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَارِبَ الْكُفْرَةِ الْفُجَّارِ
 عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةُ وَسُوءُ الدَّارِ السَّلَامُ عَلَى مَنْ تَرَحَّمَ عَلَيْهِ الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ إِذْ قَالَ رَحِمَ اللَّهُ
 الْمُخْتَارَ فَإِنَّهُ بَنَى دُورَنَا وَأَنْعَشَ آيَاتَنَا السَّلَامُ عَلَى مَنْ تَرَحَّمَ عَلَيْهِ الْإِمَامُ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ إِذْ قَالَ
 رَحِمَ اللَّهُ الْمُخْتَارَ فَإِنَّهُ مَافَرَحَتْ وَلَا ابْتَهَجَتْ هَاشِمِيَّةٌ وَلَا أَدْخَلَ سُرُورٌ عَلَى بَيْتِ عَلَوِيٍّ حَتَّى
 أَرْسَلَ الْمُخْتَارُ بِرَأْسِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ بِرَأْسِ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ إِلَى الْمَدِينَةِ السَّلَامُ عَلَى مَنْ
 تَرَحَّمَ عَلَيْهِ الْإِمَامُ الصَّادِقُ فَرَحِمَكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْمُخْتَارُ وَحَشَرَكَ اللَّهُ مَعَ الْأَئِمَّةِ الْأَظْهَارِ وَجَعَلْنَا
 وَإِيَّاكَ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِ الْحُسَيْنِ يَوْمَ يَنَادِي الْمُنَادِي يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ
 وَمَنْ سَعَى بِقَتْلِكَ وَسَلَامُ اللَّهِ عَلَیْكَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ مِنَ الصَّالِحِينَ
 وَالْمُؤْمِنِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

زیارت دیگر که در زیارتنامه نوشته شده :

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا إِسْحَاقَ الْمُخْتَارَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُخْلِصُ لِلَّهِ فِي طَاعَتِهِ وَ لِزَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صُحْبَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ النَّبِيُّ وَقَسِيمَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَكَاشِفَ الْكَرْبِ وَالْغَمَةِ قَائِمًا مَقَامًا لَمْ يَصِلْ إِلَيْهِ أَحَدٌ مِنَ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَّلَ نَفْسَهُ فِي رِضَاءِ الْأَئِمَّةِ فِي نُصْرَةِ الْعِثْرَةِ الظَّاهِرَةِ وَالْآخِذِ بِثَارِهِمْ مِنَ الْعِصَابَةِ الْمَلْعُونَةِ الْفَاجِرَةِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ.

زیارت هانی بن عروه رحمة الله و رضوانه عليه

پس میروی به زیارت هانی بن عروه که روبروی حرم مسلم بن عقیل است می ایستی در نزد قبر او و سلام می کنی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و می گویی :

سَلَامُ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ صَلَوَاتُهُ عَلَيْكَ يَا هَانِي بْنَ عُرْوَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ النَّاصِحُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَطْلُومًا فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ اسْتَحَلَّ دَمَكَ وَ حَسَا قُبُورَهُمْ نَارًا أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَ هُوَ رَاضٍ عَنْكَ بِمَا فَعَلْتَ وَ نَصَحْتَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَةَ الشُّهَدَاءِ وَ جُعِلَ رُوحُكَ مَعَ أَزْوَاجِ السُّعَدَاءِ بِمَا نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ مُجْتَهِدًا وَ بَذَلْتَ نَفْسَكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ مَرْضَاتِهِ فَرَحِمَكَ اللَّهُ وَ رَضِيَ عَنْكَ وَ حَشَرَكَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ جَمَعَنَا وَ إِيَّاكُمْ مَعَهُمْ فِي دَارِ النِّعِيمِ وَ سَلَامٌ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

پس دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را به روح هانی و دعا کن از برای خود به آنچه می خواهی.

حدیث:

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ : قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ . «از کتاب دوستی در قرآن و حدیث» بندگان ، سه گونه اند : مردمی که از سر ترس ، خدا را می پرستند که این ، پرستش بندگان است . مردمی ، خداوند عز و جل را برای به دست آوردن پاداش می پرستند که این ، پرستش مزدگیران است . مردمی که خداوند عز و جل را برای آن که دوستش دارند ، می پرستند . پس این ، پرستش آزادگان است و برترین نوع پرستش است الإمام الرضا عليه السلام : لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ : بِبُخْلِ شَدِيدٍ ، وَأَمَلٍ طَوِيلٍ ، وَحِرْصٍ غَالِبٍ ، وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ ، وَإِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ . (منتخب میزان الحکمه و میزان الحکمه ج ۹ ص ۲۷۷ به بعد) امام رضا علیه السلام : مال و ثروت جمع نشود ، مگر با داشتن پنج خصلت : بخل شدید ، آرزوی دراز ، حرص چیره (بر جان) ، رسیدگی نکردن به خویشان و ترجیح دنیا بر آخرت .

مسجد سهله

مسجد سهله (نام‌های دیگر: مسجد سهیل، بنی ظفر، عبدالقیس) یکی از مشهورترین مساجد اسلامی است که در قرن اول هجری توسط قبایل عرب در کوفه در سمت شمال غربی مسجد جامع کوفه به فاصله حدود دو کیلومتر ساخته شده است. این مسجد یکی از قدیمی‌ترین مکان منتسب به حضرت بقیة الله (عج) است و از سوی دیگر بنابر محتوای روایات، پس از ظهور آن حضرت اقامتگاه شخصی ایشان معرفی شده است.

این مسجد در زمینی که اطراف آن پوشیده از ماسه های قرمز است، بنا شده است. تقریباً شکل هندسی آن به صورت مستطیل، با طول ۱۴۰ متر و عرض ۱۲۵ متر است. ارتفاع دیوارهایی که آن را احاطه کرده اند، حدود ۲۲ متر است که هر یک از اضلاع چهارگانه آن به وسیله برجهای نیم دایره ای از طرف خارج و به فاصله های مساوی تقویت میشوند. در میانه ضلع شرقی دیوار، مناره ای به ارتفاع ۳۰ متر وجود دارد. در اصلی مسجد در ضلع شرقی قرار دارد.

مقامهای مسجد سهله عبارتند از: مقام امام صادق (ع)، مقام حضرت ابراهیم (ع)، مقام حضرت ادریس (ع)، مقام حضرت خضر (ع)، مقام انبیا صالحان، مقام امام زین العابدین (ع) و مسجد و مقام امام زمان (عج).

فضیلت مسجد سهله

امام صادق (ع) خطاب به ابوبصیر فرمود: «...مسجد سهله، اقامتگاه حضرت ادریس (ع) و حضرت ابراهیم خلیل الرحمن (ع) بود. خداوند، پیامبری را مبعوث نکرده، جز اینکه در مسجد سهله نماز گزارده است. مسجد سهله، پایگاه حضرت خضر (ع) است. کسی که در مسجد سهله اقامت کند، همانند کسی است که در خیمه رسول اکرم (ص) اقامت کند. مرد و زن با ایمانی یافت نمی‌شود، جز اینکه دلش به سوی مسجد سهله پر می‌زند. در مسجد سهله، تخته سنگی است که تمثال همه پیامبران بر آن نقش بسته است. احدی در مسجد سهله نماز نمی‌گزارد که با نیت راستین خدا را بخواند، جز اینکه خداوند او را با حاجت بر آورده شده از آنجا بر می‌گرداند. احدی نیست که در مسجد سهله به خدا پناهنده شود، جز اینکه خداوند او را از آنچه بیم دارد پناه دهد. ابوبصیر عرض کرد: فضیلت بسیار بزرگی است! امام صادق (ع) فرمود: «آیا برایت بیفزایم؟». عرض کرد: بلی. فرمود: «مسجد سهله، از آن بقعه‌هایی است که خداوند دوست دارد او را در آنجا بخواند. شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت مسجد سهله نشتابند و در آنجا به عبادت حق تعالی نپردازند. اگر من

در آن سامان سکونت داشتم، هیچ نمازی را جز در مسجد سهله نمی خواندم. ای ابا محمد! اگر مسجد سهله هیچ فضیلتی جز فرود آمدن فرشته‌ها و اقامت پیامبران را نداشت، همین فضیلت بس بود، در حالی که این همه فضیلت دارد. آنچه از فضایل مسجد سهله برای تو بازگو نکردم، بیش از فضایی است که برایت گفتم».

ابوبصیر عرض کرد: آیا مسجد سهله، اقامت‌گاه دائمی حضرت قائم (ع) خواهد بود؟ فرمود: «آری». محل تقسیم غنائم مسلمانان پس از ظهور، مسجد سهله است. و امام پس از ظهور به اصلاح حدود این مسجد خواهند پرداخت.

بعد از مسجد کبیر کوفه مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن عرصه نیست و آن خانه ی حضرت ادريس عليه السلام و حضرت ابراهيم عليه السلام و محل ورود حضرت خضر عليه السلام و مسکن آن حضرت است و از حضرت صادق عليه السلام منقول است که به ابو بصیر فرمود ای ابو محمد گویا من می بینم حضرت صاحب الامر عليه السلام در مسجد سهله فرود آید با اهل و عیالش و منزل آن حضرت باشد و حق تعالی هیچ پیغمبری نفرستاده است مگر آنکه در آن مسجد نماز کرده است و هر که در آن مسجد اقامت نماید چنان است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله اقامت نموده است و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر آنکه دلش مایل است به سوی آن مسجد و در آن مسجد سنگی است که در آن صورت هر پیغمبری هست و هیچکس با نیت صادق نماز و دعا نمی کند در آن مسجد مگر آنکه برمی گردد با حاجت برآمده شده و هیچکس در آن مسجد امان نمی طلبد مگر آنکه امان می یابد از هر چه که می ترسد. گفتم فضیلت این است که از برای این مسجد است حضرت فرمود زیادتیر بگویم از برایت عرض کردم بلی فرمود که آن از جمله بقعه هایی است که خدا دوست می دارد که او را در آنها بخوانند و هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه ملائکه می آیند به زیارت آن مسجد و عبادت می کنند خدا را در آن پس فرمود که اگر من نزدیک می بودم به شما همه نماز را در آن مسجد می کردم پس فرمود ای ابا محمد آنچه وصف نکردم از فضیلت این مسجد بیشتر از آن است که گفتم من عرض کردم فدایت شوم حضرت قائم عليه السلام همیشه در آن مسجد خواهد بود فرمود بلی امام صادق (ع) به ابابصیر فرمود: «ای ابا محمد! گویا می بینم حضرت صاحب الامر (عج) با اهل و عیالش در آن مسجد منزل اختیار نمودند و خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده مگر آنکه در آن مسجد نماز به جا آورده است و هر که در آن مسجد اقامت کند، چنان است که در خیمه رسول خدا اقامت کرده است. هر مرد و زن مؤمنی دلش مایل به آن مسجد است و هر کس با نیت صادق و درست در آن مسجد نماز و دعا کند، با حاجت روا شده از آن مسجد باز می گردد و هر کس در آن مسجد امنیّت طلب نماید، از هر چه می ترسد ایمن می گردد.»

دیگر بار امام (ع) فرمود: «این مسجد از جمله مکانهایی است که خداوند متعال دوست دارد در آنجا او را بخواند و هیچ شب و روزی نیست، مگر اینکه ملائکه به زیارت این مسجد میایند و در آن به عبادت میپردازند.»

اعمال مسجد سهله

پس دو رکعت نماز میان شام و خفتن سنت است. از حضرت صادق علیه السلام مروی است که هر غمناکی که چنین کند و دعا کند حق تعالی غمش را زایل کند. و از بعض کتب مزاریه نقل شده که چون خواستی داخل مسجد شوی بایست نزد در و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَ بِيُوتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي فَأَجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ عِنْدَكَ وَ جِئَهَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَ رِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا وَ دُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا وَ حَوَائِجِي بِهِمْ مَفْضِيَةً وَ انْظُرْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ أَسْتَوْجِبْ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهُ عَنِّي أَبَدًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ وَ وَلِيِّكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ مَرْضَاتِكَ طَلَبْتُ وَ ثَوَابَكَ ابْتَغَيْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ فَأَقْبِلْ بِوَجْهِكَ إِلَيَّ وَ أَقْبِلْ بِوَجْهِكَ إِلَيْكَ .

پس بخوان آیه الکرسی و معوذتین را و تسبیح کن خدا را هفت مرتبه و تحمید کن هفت مرتبه و تهلل بگو هفت مرتبه و تکبیر بگو هفت مرتبه یعنی هر یک از سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و اللَّهُ أَكْبَرُ را هفت مرتبه بگو پس بگو:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا شَرَّفْتَنِي وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنِي اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ صَلَاتِي وَ دُعَائِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ ثَبِّ عَلَى إِنَّكَ أَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ .

حدیث:

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَلْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ لانتظار الصلاة عبادة ما لم يحدث، قيل: يا رسول الله وما يحدث؟ قَالَ: الإغتياب. به انتظار نماز در مسجد نشستن، عبادت است تا زمانی که ناروایی پدید نیارد. گفته شد: ای پیامبر خدا! چه ناروایی؟ فرمود: «غیبت کردن». بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۲۴۹ ح ۱۷.

مقامهای مسجد سهله

مقام امام صادق علیه السلام

مقام امام صادق علیه السلام روبروی درب مسجدالای سکواست. دو رکعت نماز تحیت مسجد کن قریهٔ اِلی الله (ودورکعت نماز مقام امام صادق علیه السلام کن) و چون فارغ شدی دستها را به سمت آسمان بلند کن و بگو:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَ مُعِيدُهُمْ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَلْقِ وَ رَازِقُهُمْ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ وَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ أَنْتَ وَارِثُ الْأَرْضِ وَ مَنْ عَلَيْهَا أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُومِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ السِّرِّ وَ أَخْفَى أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ وَ إِذَا سُئِلْتَ بِهِ أُعْطِيتَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَنَا السَّاعَةَ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ . پس به سجده برو و خشوع کن و بخوان خدا را به جهت هر چه که می خواهی

سید بن طاوس فرموده که چون اراده کردی که به مسجد سهله روی پس ما بین مغرب و عشا در شب چهارشنبه وارد آن مسجد شو که افضل اوقات دیگر است پس همان که وارد شدی نماز مغرب و نافله اش را بجا آور

مقام حضرت ابراهیم علیه السلام

مقام ابراهیم در گوشه ای که طرف مغرب و شمال است و آن موضع خانه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام است که از آنجا به جنگ عمالقه رفت

نمازکن دو رکعت و چون از نماز فارغ شدی تسبیح بکن و پس از آن بگو:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّرِيفَةِ وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَدَ لَكَ فِيهَا قَدْ عَلِمْتَ حَوَائِجِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْضِنِهَا وَ قَدْ أَحْصَيْتُ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْهَا اَللّٰهُمَّ اَخِيْنِي مَا كَانَتِ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي وَ اَمْتِنِيْ اِذَا كَانَتِ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِيْ عَلَى مَوْلَاةٍ اَوْ لِيَاِئِكَ وَ مُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ وَ اَفْعَلْ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

مقام حضرت ادريس عليه السلام

مقام حضرت ادريس عليه السلام در گوشه ای دیگر که در سمت مغرب و قبله است که خانه حضرت ادريس عليه السلام بوده و آنجا به خیاطی و عبادت مشغول بوده است

دو رکعت نماز می‌گزارى و دستها را بلند می‌کنى و مى‌گویی :

اَللّٰهُمَّ اِنِّى صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ طَلَبَ نَائِلِكَ وَ رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ جَوَائِزِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّى بِأَحْسَنِ قَبُولٍ وَ بَلِّغْنِى بِرَحْمَتِكَ الْمَأْمُولِ وَ أَفْعَلِ بِّى مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . پس به سجده برو و بگذار دو طرف صورت را بر خاک .

مقام حضرت مهدی علیه السلام

مقام حضرت مهدی علیه السلام نزدیک مقام امام زین العابدین علیه السلام است

دو رکعت نماز بحمد و هر سوره که خواهی بگزار پس رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو : (بهتر آن است که در رکعت اول نماز بعد از حمد سوره اِنَّا فَتَحْنَا بِخَوَانِدٍ و در رکعت دوم إذا جاء نصر الله)

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ النَّامِ الشَّامِلِ الْعَامِّ وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ الثَّامَّةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ وَ خَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ وَ سَلَالَةِ النَّبُوَّةِ وَ بَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَ الصَّفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ مُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَ مُلَقِّنِ [مُعَلِّينِ] أَحْكَامِ الْقُرْآنِ وَ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّوْلِ وَ الْعَرْضِ وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ وَ ابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الْوَصِيِّ ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ وَ الْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَ فِعْلًا وَ أَنْتَ الَّذِي تَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ وَ كَثَرَ أَنْصَارَكَ وَ أَعْوَانَكَ وَ أَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَ كَذَا «و بجای کذا و کذا حاجات خود را ذکر کند» فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَ مَقَامًا مَحْمُودًا فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكَ بِأَمْرِهِ وَ ارْتَضَاكَ لِسِرِّهِ وَ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ سَلِّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي وَ إِجَابَةِ دَعْوَتِي وَ كَشْفِ كُرْبَتِي .

و بخواه هر چه خواهی که برآورده میشود این شاء الله تعالی .
مناسب است زیارت آن حضرت در آن محلّ شریف و از بعض کتب مزاریه نقل شده که شایسته است زیارت کنند آن حضرت را در این محلّ در حالی که ایستاده باشند به این زیارت سلامّ الله الکامل التّامّ الشّامل الخ که گذشت. و سید علی خان در کلم طیب فرموده: این استغاثه ای است به حضرت صاحب الزّمان صلوات الله علیه هر جا که باشی. در قسمت سامرا دعاهاى بیشتری هست.

مقام امام زین العابدین علیه السلام

پس نماز می‌گزاری در خانه ای که در وسط مسجد است دو رکعت و می‌گویی :
يا [مَنْ هُوَ] أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا فَعَالًا لِمَا يَرِيدُ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحُلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَنْ يُوْذِينَا بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا كَافِيَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ أَكْفَيْنَا الْمُهِمَّ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . پس بگذار دو طرف روی خود را بر خاک.

مقام حضرت خضر علیه السلام

مقام حضرت خضر علیه السلام در گوشه دیگر طرف مشرق و قبله روبروی مقام صالحان است از بعض کتب مزاریه غیر معروفه نقل شده که بعد از آن می‌روی به گوشه ای دیگر که در طرف مشرق واقع شده

دو رکعت نماز بگذار در آنجا و بگو :
اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ الدُّنُوْبُ وَ الْخَطَايَا قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِيْ عِنْدَكَ فَلَمْ تَرْفَعْ لِيْ اِلَيْكَ صَوْتًا وَ لَمْ تَسْتَجِبْ لِيْ دَعْوَةً فَاِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِكَ يَا اَللّٰهُ فَاِنَّهُ لَيْسَ مِثْلَكَ اَحَدٌ وَ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُقْبَلَ اِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ وَ تُقْبَلَ بِوَجْهِى وَ لَا تُخَيِّبْنِيْ حِيْنَ اَدْعُوكَ وَ لَا تَحْرِمْنِيْ حِيْنَ اُرْجُوْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

مقام انبیاء و صالحین

مقام انبیاء و صالحین در گوشه ای است که در طرف مشرق است

دو رکعت نماز گزار و دستها را بگشا و بگو :
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَللّٰهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ خَيْرَ عُمْرِيْ آخِرَهُ وَ خَيْرَ اَعْمَالِيْ خَوَاتِيْمَهَا وَ خَيْرَ اَيَّامِيْ يَوْمَ اَلْقَاكَ فِيْهِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ دُعَائِيْ وَ اَسْمَعْ نَجْوَايَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيْمُ يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا حَيُّ لَا يَمُوْتُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَ لَا تَفْضَحْنِي عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ وَ
اُخْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اَرْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَى يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

حکایات:

سید مهدی عباباف نجفی که هر شب چهارشنبه به مسجد سهله مشرف می‌شد، در نیمه شبی، به خدمت خورشید عالم تاب شرفیاب شد و مشاهده کرد که در آن شب تار، در و دیوار مسجد چون روز، روشن بود.

حاج سید احمد اصفهانی (مشهور به خوشنویس) که در زمان میرزای شیرازی به سامرا مهاجرت کرده بود، روز جمعه‌ای در مسجد سهله به پیشگاه پیشوای انس و جان شرفیاب شد و فرمان یافت که همه روزه صبح‌گاهان، به نیابت از سوی حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام زیارت عاشورا بخواند. حاج علی نجفی با یک گروه یازده نفری، هر شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شد. در یک شب چهارشنبه که مسئول شام فراموش کرده بود غذا بیاورد، بعد از اَعمال مسجد، به مسجد کوفه رفتند و در حجره‌ای بیتوته کردند و از شدت گرسنگی، خوابشان نبرد که ناگهان، خورشید جهان افروز به داخل حجره تشریف آورده، چای و برنج داغ به آنان مرحمت فرموده است.

محدث نوری، داستان یک سبزی فروش نجفی را نقل کرده که در شب‌های چهارشنبه به مسجد سهله می‌رفته و در یک شب ظلمانی، در مقام امام زمان علیه‌السلام، به محضر آن خورشید جهان افروز شرفیاب شده است. وجود حضرت مقام را بدون شمع و چراغ، چون روز روشن کرده بود. و نیز از یک مرد صالح سلمانی نقل می‌کند که چهل شب چهارشنبه، به مسجد سهله مشرف شده، در شب چهلیم به دیدار محبوب شرفیاب شده، آن حضرتش او را به ملازمت پدر پیرش، توصیه فرموده است.

حضرت آیت الله حاج میرزا مهدی اصفهانی (متوفی ۱۳۶۵ ق) مکرر در مکرر در مسجد سهله، برای ملاقات حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و رهایی از منجلا ب افکار یونانی و التقاطی، استغاثه کرد. سرانجام روزی به هنگام بازگشت از مسجد سهله، در مقام هود و صالح، به محضر آن حضرت شرفیاب شد و این جمله نورانی را بر سینه مبارک آن حضرت مشاهده نمود: طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البيت مساوقٌ لإنکارنا؛ طلب کردن معارف دینی، به جز از طریق ما اهل بیت، با انکار ما مساوی است.

مسجد زید بن و صعصعة بن صوحان

پس می‌روی به مسجد زید بن صوحان که نزدیک مسجد سهله است

دو رکعت نماز در آن می‌گزاری و دستها را می‌گشایی و می‌گویی :

إِلَهِي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِيءُ الْمُذْنِبُ يَدَيْهِ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ إِلَهِي قَدْ جَلَسَ الْمُسِيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُقِرًّا لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ وَ رَاجِيًا مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ زَلَلِهِ إِلَهِي قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمُ كَفَّيْهِ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ فَلَا تَخَيِّبْهُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ إِلَهِي قَدْ جَثَا الْعَائِدُ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ خَائِفًا مِنْ يَوْمٍ تَجْتَنُّ فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِيءُ فِرْعَا مُشْفِقًا وَ رَفَعَ إِلَيْكَ طَرَفَهُ حَذِرًا رَاجِيًا وَ فَاضَتْ عِبْرَتُهُ مُسْتَغْفِرًا نَادِمًا وَ عَزَّتْكَ وَ جَلَالُكَ مَا أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ وَ مَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِكَ جَاهِلٌ وَ لَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ لَا لِنَظَرِكَ مُسْتَخِفٌّ وَ لَكِنْ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَ أَعَاتَنْتَنِي عَلَى ذَلِكَ شِقْوَتِي وَ غَرَبِي سِتْرُكَ الْمُرْحَى عَلَى فَمِنَ الْآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَ يَحِلُّ مَنْ أَعْتَصِمَ إِنَّ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَيَا سَوَاءَ عَدَا مِنْ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِذَا قِيلَ لِلْمُخَفِّينَ جُوزُوا وَ لِلْمُثْقَلِينَ حُطُّوا أَمَعَ الْمُخَفِّينَ أَجُوزُ أَمْ مَعَ الْمُثْقَلِينَ أَحْطُ وَيَلِي كُلَّمَا كَبُرَ سَيِّئِي كَثُرَتْ ذُنُوبِي وَيَلِي كُلَّمَا طَالَ عُمْرِي كَثُرَتْ مَعَاصِي فَكَمْ أَتُوبُ وَ كَمْ أَعُودُ أَمَا أَنِ لِي أَنْ أَسْتَحْيِيَ مِنْ رَبِّي أَلَلَّهُمْ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پس گریه کن و صورت به خاک گذار و بگو :

إِرْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَ اقْتَرَفَ وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ بِسُوءِ عَمَلِهِ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ إِلَهِي قَدْ جَثَا الْعَائِدُ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ خَائِفًا مِنْ يَوْمٍ تَجْتَنُّ فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِيءُ فِرْعَا مُشْفِقًا وَ رَفَعَ إِلَيْكَ طَرَفَهُ حَذِرًا رَاجِيًا وَ فَاضَتْ عِبْرَتُهُ مُسْتَغْفِرًا نَادِمًا وَ عَزَّتْكَ وَ جَلَالُكَ مَا أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ وَ مَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِكَ جَاهِلٌ وَ لَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ لَا لِنَظَرِكَ مُسْتَخِفٌّ وَ لَكِنْ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَ أَعَاتَنْتَنِي عَلَى ذَلِكَ شِقْوَتِي وَ غَرَبِي سِتْرُكَ الْمُرْحَى عَلَى فَمِنَ الْآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَ يَحِلُّ مَنْ أَعْتَصِمَ إِنَّ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَيَا سَوَاءَ عَدَا مِنْ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِذَا قِيلَ لِلْمُخَفِّينَ جُوزُوا وَ لِلْمُثْقَلِينَ حُطُّوا أَمَعَ الْمُخَفِّينَ أَجُوزُ أَمْ مَعَ الْمُثْقَلِينَ أَحْطُ وَيَلِي كُلَّمَا كَبُرَ سَيِّئِي كَثُرَتْ ذُنُوبِي وَيَلِي كُلَّمَا طَالَ عُمْرِي كَثُرَتْ مَعَاصِي فَكَمْ أَتُوبُ وَ كَمْ أَعُودُ أَمَا أَنِ لِي أَنْ أَسْتَحْيِيَ مِنْ رَبِّي أَلَلَّهُمْ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

این مسجد از مساجد شریفه کوفه است و منسوب است به زید بن صوحان که از بزرگان اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام و از ابدال بشمار می‌رفته و در جنگ جمل در یاری آن حضرت شهید شده و این دعا که ذکر شد دعای او بوده که در نماز شب می‌خوانده

و در نزدیکی مسجد زید مسجد برادرش صعصعة بن صوحان است

دو رکعت نماز کن و سپس بگو

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ وَالْاِلَاءِ الْوَازِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالنَّعْمِ الْجَسِيمَةِ وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيْمَةِ وَالْاَيَادِي الْجَمِيْلَةِ وَالْعَطَايَا الْجَزِيْلَةِ يَا مَنْ لَا يَنْعَتُ بِتَمْثِيْلٍ وَلَا يَمْتَلُ بِنَظِيْرٍ وَلَا يَغْلُبُ بِظَهِيْرٍ يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَ اَلْهَمَ فَاَنْطَقَ وَ ابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَ عَلَا فَارْتَفَعَ وَ قَدَّرَ فَاَحْسَنَ وَ صَوَّرَ فَاَتَقَنَ وَ اَخْتَجَّ فَاَبْلَغَ وَ اَنْعَمَ فَاَسْبَغَ وَ اَعْطٰى فَاَجَزَلَ وَ مَنَحَ فَاَفْضَلَ يَا مَنْ

سَمَا فِي الْعَرْفَاتِ نَوَاطِرَ [خَوَاطِرَ] الْأَبْصَارِ وَ دَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَارَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ يَا مَنْ
تَوَحَّدَ بِالْمَلِكِ فَلَا نَدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَ تَفَرَّدَ بِالْآلَاءِ وَ الْكِبَرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ
شَأْنِهِ يَا مَنْ حَارَثَ فِي كِبَرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقَ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَ انْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ
خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ وَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ وَ وَجَلَتِ الْقُلُوبُ
مِنْ خِيفَتِهِ أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمَدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَ بِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ لِذَاعِيكَ مِنْ
الْمُؤْمِنِينَ وَ بِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلذَّاعِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ أَبْصَرَ
النَّاطِرِينَ وَ أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى أَهْلِ
بَيْتِهِ وَ اقْسِمْ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ وَ احْتِمِ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ وَ
اخْتِمِ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ وَ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي مُؤَفُّورًا وَ أَمِتْنِي مَسْرُورًا وَ مَغْفُورًا وَ
تَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَاءَلَةِ الْبُرْزَخِ وَ اذْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَ نَكِيرًا وَ أَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَ بَشِيرًا وَ
اجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَّاتِكَ مَصِيرًا وَ عَيْشًا قَرِيرًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
كَثِيرًا .

مسجد صعصعه از مساجد شریفه کوفه است و جماعتی امام زمان صلوات الله علیه را در ماه رجب در
آن مسجد مبارک مشاهده کرده‌اند که دو رکعت نماز کرده و این دعا را خوانده اَللّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ
السَّابِغَةِ وَ الْأَلَاءِ الْوَاظِعَةِ... و ظاهر عمل آن حضرت آن است که این دعا مخصوص این مسجد شریف و
از اعمال او است نظیر دعا‌های مسجد سهله و زید لکن چون در ماه رجب بوده که آن حضرت این
دعا را خوانده‌اند احتمال داده شده که شاید این دعا از دعا‌های ایام رجب باشد و لهذا در کتب علما
در اعمال ماه رجب نیز ذکر شده که شیخ فرموده که مستحب است بخوانند در هر روز این دعا را .
صعصعه فرزند صوحان فرزند حجر و کنیه‌اش «ابوطلحه» یا «ابوعمر» بود و نسبتش با پانزده
واسطه، به «عبدالقیس» از بزرگان قبیله «ربیع» می‌رسید و از همین جهت به او «صعصعه بن
صوحان عبدی» گفته‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ یک از همراهان علی علیه السلام حق آن حضرت را شناخت،
مگر صعصعه و یاران صعصعه».

او در مقابل انحراف از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و بی‌عدالتی‌ها آرام نمی‌گرفت؛ از این رو،
حاکمانی که سخنانش را تاب نمی‌آوردند، راهی جز تبعید او نداشتند. صعصعه دوبار تبعید شد، زمانی
توسط عثمان از کوفه به شام و زمانی دیگر به دستور معاویه از کوفه به بحرین.

علامه امینی ماجرای تبعید و محل آن را بدین گونه نوشته است: «پس از آن که عثمان، ولید بن
عقبه را از فرمانداری کوفه عزل کرد و سعید بن عاص را بر آن سرزمین حاکم قرار داد، به وی
دستور داد تا با مردم کوفه مدارا کند. از این جهت، سعید با بزرگان و قاریان این شهر جلساتی ترتیب

داد و حاضران در این مجالس افرادی همچون مالک اشتر، زید بن صوحان، صعصعه بن صوحان و... بودند؛ اما در یکی از این گفتگوها بر سر مسأله‌ای اختلاف درگرفت و همه به سعید اعتراض کردند. سعید بن عاص این ماجرا را به عثمان گزارش کرد و نوشت: با وجود مالک اشتر و دوستانش که اساتید معروف قرآن و مشتی ابله هستند، من در کوفه از عهده کوچکترین کاری بر نمی‌آیم. عثمان در جواب دستور داد: آنان را به شام تبعید کن!

پس از استقرار آن‌ها در شام، خبر به معاویه رسید که عده‌ای از اهل دمشق با مالک اشتر و دوستانش می‌نشینند و به گفتگو می‌پردازند. معاویه نامه‌ای به عثمان نوشت: که گروهی را نزد من فرستاده‌ای که شهر خود را دچار آشوب کرده‌اند و اینک از آن می‌ترسم که مردم تحت اطاعت مرا به نافرمانی وادارند. عثمان دستور داد، که آنان را به حمص (یکی از شهرهای نزدیک دمشق) تبعید کند. پس از مدتی عثمان دستور داد آنان را به کوفه بازگرداند؛ اما مدتی نگذشت که عثمان برای مرتبه دوم آنان را به حمص تبعید کرد».

صعصعه بن صوحان از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام و از عارفین به حق آن جناب و از بزرگان اهل ایمان است و چندان فصیح و بلیغ بوده که امیر المؤمنین علیه السلام او را خطیب شش‌ش گفته و به مهارت در خطب و فصاحت در لسان او را ثنا فرموده و هم او را به قلت مئونه و کثرت معونه مدح نموده و در شبی که آن حضرت از دنیا رحلت فرمود و فرزندان آن جناب جنازه نازنینش را از کوفه به نجف حمل نمودند صعصعه از جمله مشیعیین بود و چون از کار دفن آن حضرت فارغ شدند صعصعه نزد قبر مقدس ایستاد و مشتی از خاک برگرفت و بر سر خود ریخت و گفت پدر و مادرم فدای تو باد یا امیر المؤمنین گوارا باد ترا کرامتهای خدا ای ابو الحسن بتحقیق که مولد تو پاکیزه بود و صبر تو قوی و جهاد تو عظیم بود و به آنچه آرزو داشتی رسیدی و تجارت سودمند کردی و به نزد پروردگار خود رفتی و از این نوع کلمات بسیار گفت و گریه کرد گریه سختی و به گریه درآورد سایرین را و در حقیقت سر قبر آن حضرت مجلس روضه شد که در آن دل شب منعقد گردید و صعصعه بمنزله روضه خوان بود و مستمعین جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام و محمد بن الحنفیه و ابو الفضل العباس و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت. و چون این کلمات پایان رسید روی به جانب امام حسن و امام حسین علیهما السلام و سایر آقازادگان کردند و ایشان را تعزیت و تسلیت گفتند پس جملگی به کوفه مراجعت نمودند.

زید بن صوحان در جنگ جمل در سپاه امام علی علیه السلام بود، فرماندهی و پرچمداری جنگجویان قبیله ربیع را بر عهده داشت و سرانجام در سال ۳۶ قمری در همین نبرد به شهادت رسید. در هنگام شهادتش امام علی علیه السلام به بالین وی آمد و او را ستود...

مزار کمیل بن زیاد علیه الرحمه

زیارت کمیل بن زیاد علیه الرحمه که روی تابلومزارش نوشته شده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَى خَدِجَةَ الْكُبْرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَى
سَائِرِ أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلَفِ الْهَادِي
الْمَهْدِي مُنْجِزِ وَعْدِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَى
الْعَبْدِ الصَّالِحِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ الْعَالِمِ الثَّقِيِّ الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْغُرَى (كَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ) السَّلَامُ عَلَى
مَنْ أَكْمَلَ الْكَمَالَ فِي الصِّفَاتِ وَ الْأَمْرِ فِي الْغُرُوبِ وَ دَعَاهُ وَ عَلَّمَهُ دُعَاءَ الْخَضِرِ وَ أَخْبَرَهُ عَنِ
النَّفْسِ وَ الْحَقِيقَةِ فَصَارَ فِيهَا ذَابِصِيرَةً أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ آدَيْتَ إِلَى الْحَقِّ وَ وَجَّهْتَ مِنْهَا جِ الْمَصْدِقِ
وَ الرَّشَادِ وَ أَعْرَضْتَ عَنِ الْبَاطِلِ وَ الْعِنَادِ السَّلَامُ عَلَى أَحَدِ حَوَارِيِّ حَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ الْفَائِزِ
بِصُحْبَةِ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ صُحْبَةِ سَبْطِهِ الْأَكْبَرِ السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَخْبَرَهُ بِالْقَوْلِ سَيِّدِ الْمَادِقِينَ
لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ الظَّالِمَ الشَّقِيَّ اللَّعِينِ الْحَجَّاجَ بْنَ يَوْسُفَ الثَّقَفِيِّ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَمِيلَ بْنَ
زِيَادٍ النَّحْيِي وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اِلٰهِيْ كَيْفَ اَدْعُوْكَ وَ اَنَا اَنَا وَ كَيْفَ اَقْطَعُ رَجَائِيْ مِنْكَ وَ
اَنْتَ اَنْتَ اِلٰهِيْ اِذَا لَمْ اَسْأَلْكَ فَتُعْطِنِيْ فَمَنْ ذَا الَّذِيْ اَسْأَلُهُ فَيُعْطِنِيْ اِلٰهِيْ اِذَا لَمْ اَدْعُوْكَ
فَتَسْتَجِبْ لِيْ فَمَنْ ذَا الَّذِيْ اَدْعُوهُ فَيَسْتَجِبْ لِيْ اِلٰهِيْ اِذَا لَمْ اَتَضَرَّعْ اِلَيْكَ فَتَرْحَمْنِيْ فَمَنْ
ذَا الَّذِيْ اَتَضَرَّعُ اِلَيْهِ فَيَرْحَمْنِيْ اِلٰهِيْ فَكَمَا فَلَقْتُ الْبَحْرَ لِمُوسٰى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَجَيْتُهُ اَسْأَلُكَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اَنْ تُنَجِّنِيْ مِمَّا اَنَا فِيْهِ وَ تَفَرِّجَ عَنِّيْ فَرَجًا عَاجِلًا غَيْرَ اَجَلٍ
بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

کمیل بن زیاد از یاران خاص امام علی (ع) هستند که امام علی (ع) دعای کمیل را به ایشان تعلیم داده اند، ایشان در جنگها از یاران صدیق امام علی (ع) و از کارگزاران ایشان در دوران خلافتشان بودند، در زمان حجاج بن یوسف؛ کمیل به علت عشق به اهل بیت (ع) زندانی و شکنجه شد و به شهادت رسیدند.

دعای کمیل یکی از دعاهایی است که علی، امام اول شیعیان، به کمیل آموخت. این دعا همان دعای خضر است و چون کمیل آن را از امام علی، امام اول شیعیان، آموخت به دعای کمیل مشهور گردید.

نمونه دوم را خود کمیل نقل می‌کند: با علی علیه السلام در مسجد کوفه بودم، نماز عشاء را به جای می‌آوردیم که حضرت دست مرا گرفت و از مسجد خارج شدیم، او راه را در پیش گرفت تا این که به بیرون شهر رسیدیم. در این مدت، حضرتش هیچ سخنی با من نگفت. چون به بیابان رسیدیم، حضرت نفسی تازه کرد و فرمود: ای کمیل! این قلب‌ها ظروفی هستند و بهترینشان با ظرفیت‌ترین آن‌هاست. آن چه را می‌گویم به خاطر بسیار! مردم بر سه قسمند: عالِمٌ رَبَّانِی و مُتَعَلِّمٌ عَلٰی سَبِيلِ نَجَاةٍ و هَمَّجٌ رَعَا؛ دانشمندانِ هدایت یافته از جانب خداوند، فراگیرندگان دانش که راه نجات را در پیش گرفته‌اند و افراد نادانی که به هر سو متمایل و هر بانگی را پیروی می‌نمایند. آن‌ها، هم جهت باندند و هرگز به فروغ علم، نورانی نگشته و به ملجأ مورد اعتمادی نیز پناه نبرده‌اند. یا کمیل! العلمُ خَيْرٌ مِنَ المال؛ ای کمیل! علم از مال بهتر است؛ چرا که دانش، تو را حفظ می‌کند؛ اما تو نگهبان ثروت هستی. مال با پرداخت، کاسته می‌گردد؛ ولی علم با انفاق، افزون می‌شود... آن گاه اشاره به سینه مبارک خود کرد و فرمود: هاه، هاه إِنَّ هَهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا؛ آه! آه! در این جا علوم فراوانی است؛ ولی حاملی برای آن‌ها نمی‌یابم، بلکه آنچه هست (یکی از سه گروه‌اند:) تیزهوشانی که دین را وسیله کسب دنیا قرار داده و بر بندگان خدا فخر می‌فروشند. متدینانی نادان که با اولین شبهه بر آنها شک عارض می‌گردد و یا شهوت‌پرستان و مال‌اندوزانی که کاری به دین نداشته و به چهارپایان شبیه ترند و این چنین است که علم با مرگ حاملانش می‌میرد...

مزار میثم تمار علیه الرحمه

در مزار میثم تمار علیه الرحمه این زیارت را که در تابلو نوشته شده میخوانیم :

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَى الْحَجَّجِ الْمُعْصُومِينَ مِنْ ذُرِّيَةِ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ يَا مِثْمَ بْنَ
يَحْيَى الثَّمَارُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِفاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَشْهَدُ أَنَّكَ
قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَ مُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا
شَهِيدًا فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَسَا اللَّهُ قُبُورَهُمْ نَارًا وَ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا جِئْتُكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ
زَائِرًا قَبْرَكَ مُعْتَرِفًا بِفَضْلِكَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ أَنْ يَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَقْضِيَ حَوَائِجَنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ يَجْمَعَنَا وَ إِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ الْفَائِزِينَ مَعَ
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

مرقد مطهر میثم تمار

میثم تمار فرزند یحیی و اهل سرزمین «نهروان» _ منطقه ای میان عراق و ایران _ بود. بعضی او را ایرانی و از مردمان فارس دانسته اند. به او «ابو سالم» هم می گفتند. لقب «تَمَار» (خرما فروش) را هم از آن جهت به او می گفتند، که در کوفه خرما فروش بود.

میثم، غلام زنی از قبیله بنی اسد و عجمی تبار، از اصحاب خاص و یاران خاص علیه السلام. شغل او خرما فروشی و نام پدرش یحیی بود. او پیامبر خدا را ندیده بود و در ۲۵ سال سکوت امیرالمؤمنین از او خبری نبود. میثم را، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، از زنی از طایفه بنی اسد خرید و آزاد کرد. ولی او به گونه ای دیگر اسیر شد. اسیر ولای علی و محبت و عشق او. همراهی میثم تمار با امیرالمؤمنین، تنها در همان چند سال خلافت ظاهری آن حضرت بود. سالهایی که با حوادث جنگ جمل، جنگ صفین و جنگ نهروان همراه بود. او در همان مدت آنقدر با حضرت مأنوس شده بود و به مقدار قابلیت و ظرفیت خود از محضر امام، بهره ها برد تا جایی که حضرت او را بر برخی از اخبار غیبی و اسرار نهان، مطلع کرد. عبدالله بن عباس از محضر میثم تمار استفاده می کرد.

میثم تمار بود که تا آخرین نفس و حتی تا بالای دار از امیرالمومنین (ع) دست برداشت و در سخت ترین شرایط به تبلیغ شیعه و ذکر فضایل امام علی (ع) پرداخت به گونه ای که حتی در ساعاتی که ابن زیاد ایشان را بر بالای دار آویخته بود هم دست از روشنگری برداشت و ابن زیاد بر دهان او لجام زد و در سال ۶۰ هجری توسط ابن زیاد ملعون به شهادت رسید و شهادت ایشان دقیقاً به همان نحوی که امام علی (ع) پیش بینی فرموده بود به وقوع پیوست.

مرقد میثم تمار در ۴۰۰ متری مسجد کوفه و در کنار خیابان اصلی کوفه - نجف قرار دارد. بر روی قبر مطهر میثم ضریحی کوچک و بر بالای آن گنبدی آبی رنگ وجود دارد. حرم میثم هر روزه پذیرای خیل زائرانی است که ایثار و وفاداری این یار امام علی (ع) را می ستایند و او را به شفاعت می طلبند.

ابن حجر عسقلانی و شیخ مفید و عده ای دیگر از مورخان نوشته اند: «حضرت علی (علیه السلام) روزی به میثم گفت: تو بعد از من دستگیر می شوی و به دار آویخته خواهی شد. روز سوّم از بینی تو خون خواهد آمد و محاسنت از آن خون خضاب خواهد شد. تو بر در خانه عمرو بن حریث، جزء آن ده نفری خواهی بود که به دار آویخته می شوند. چوبه دار تو از همه آنها کوتاه تر است. سپس حضرت آن نخله را به وی نشان داد و فرمود: تو را بر آن به دار آویخته خواهی شد. میثم همواره کنار آن نخل می آمد و نماز می خواند و با آن نخل سخن می گفت. و به عمرو بن حریث می گفت: من همسایه تو می شوم، برای من همسایه خوبی باش. عمرو به او می گفت: آیا می خواهی خانه ابن مسعود یا خانه ابن حکیم را بخری و نمی دانست که منظور میثم چیست.

این روایت نشان دهنده مقام معنوی میثم تمار در نزد حضرت علی علیه السلام می باشد به گونه ای که حضرت اخبار زندگی و آینده وی را برایش بیان می کند.

در روایتی آمده است: «پس از آنکه میثم را نزد ابن زیاد آوردند، ابن زیاد به او گفت: تو باید از علی (علیه السلام) براثت بجویی و از او بدگویی کنی ... و الا دست و پایت را قطع می کنم و تو را به دار می آویزم، میثم می گوید: من گریه کردم. ابن زیاد از علت گریه من سؤال کرد. گفتم: از قول و عمل تو گریه نمی کنم. از شکی که آن روز از خبر مولایم بر من عارض شد گریه می کنم. ابن زیاد پرسید: مگر مولای تو چه گفته؟ سپس میثم جریان را نقل کرد، ابن زیاد گفت دست و پایت را قطع می کنم. اما زبانت را باقی می گذارم تا دروغ تو و مولایت را آشکار سازم. سپس دست و پای او را قطع کرد و او را بالای دار برد. او در بالای دار صدا می زد؛ ای مردم هر کسی می خواهد احادیث علی (علیه السلام) را بشنود جلو بیاید. مردم جمع شدند. عمرو بن حریث به عبیدالله بن زیاد گفت: می ترسم او دل های مردم کوفه را دگرگون کند و آنها بر علیه تو خروج کنند. عبیدالله دستور داد: برو زبانش را قطع کن سپس زبان او را قطع کردند و میثم به شهادت رسید».

اشعار کوفه

ای زائرین اینجاست کوفه شهر غمها

زمانی که کتابت به این قسمت رسید این شعر سروده شده است ۸۴/۵/۳۰
 ای زائرین اینجاست کوفه شهر غمها - شهر ستمها - رنجها درد و آلمها
 شهر دعا و ذکر و هم شهر مناجات - راز و نیاز با خدا قاضی حاجات
 اینجاست شهر آدم و نوح و محمد - شهر علی با دردها غمهای بی حد
 اینجاست شهر مسلم و هانی و مختار - شهر حبیب بن مظاهر مرد دیندار
 این شهر میثم آنکه بودی دار بر دوش - بردار او تکبیر گویان گشت خاموش
 یادآور ذکر علی در نیمه شبها - و آن گفتگو با چاه آن مظلوم و تنها
 یادآور آن خطبه ها بر روی منبر - می خواندی از سوز دل آن یار پیمبر
 یادآور آن گفتگوهای سلونی - از آسمان علم قبل آن تفقدونی
 آن گفتگوی نیمه شب با کمیلش - آن دیدن ماه و سحرگاه و سهیلش
 اندر بیابان راز دل می گفت با آه - چون کس نبود او درد دل می کرد با چاه
 دیوار مسجد روز و شب دیده علی را - بشنیده است صوت مناجات جلی را
 دیده قضا و تهایی مولا را در اینجا - از او حکایتها ی زیبا را در اینجا
 ماه مبارک بود او هر شب به محراب - تحریم کرده بر خود او آسایش و خواب
 آخر به محراب دعا فرقتش دو تا شد - از مسجد و محراب او دیگر جدا شد
 فزت و ربّ الکعبه بود اندر زبانش - ذکر الهی یا الهی بر لبانش
 ای باقری زن بوسه بر آن جای پایش - با گوش دل بشنو تو آواز صدایش

شعر سروده شده در مسجد سهله سال ۸۶

مسجد سهله میام تا که تورا من ببینم - ببینم روی تورا ای دلبر نازنینم
 دلبر و دلدار منی مهدی یا مهدی - مرکز پرگار منی مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی - عجل ادرکنی
 مسجد سهله بود منزل تو ای آقا جان - گرمه اینجا چقدر محفل تو ای آقا جان
 نوکر منزلتم مهدی یا مهدی - عاشق محفلتم مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی - عجل ادرکنی
 مسجد سهله همیشه جایگاه توبود - منزل همیشگی و بارگاه توبود
 من میشم نوکر تو مهدی یا مهدی - خادمی بردر تو مهدی یا مهدی

مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی

چه میشه ای آقا جان منم بشم یک نوکرت - یک غلام و خادمی همیشگی دمِ درت

من غلامم آقا جان مهدی یا مهدی - عبد رادم آقا جان مهدی یا مهدی

مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی

کی میشه روی تورا من توی سهله ببینم - بیوسم پای تورا ای عزیزم نازنینم

باقری ام خاکِ پات مهدی یا مهدی - روح من بشه فدات مهدی یا مهدی

مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی

مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی

مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی

مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی

شعر از امیری

کوفه یعنی شهر غمهای علی - یاد نخلستان و شبهای علی

کوفه یعنی شام تاراشک و آه - سرزمین مردمان دل سیاه

کوفه یعنی درد و رنج و آه سرد - با حقیقت مردمانش در نبرد

کوفه یعنی بی وفائی بی صفا - خاصه آنهم با علی مرتضی

کوفه یعنی بغض پنهان در گلو - بسته غم راه سخن بی گفتگو

کوفه یعنی ماجرا در ماجرا - قصه شمشیر و آن فرق دو تا

کوفه یعنی غربت و خون جگر - آختن تیغ از پی شق القمر

کوفه یعنی دیده از غم خونفشان - در عزا بنشستن پیر و جوان

کوفه یعنی ناله و افغان و غم - ابتلا در ابتلا داغ و الم

کوفه یعنی سوگ و درد و شوروشین - گریه بر مظلومی باب حسین

کوفه یعنی بزم غم شهر عزا - تا ابد غمخانه و ماتم سرا

کوفه یعنی چشمه ی چشم یتیم - بهر مسکین و اسیر دل و نیم

ای امیری بس کن از این ماجرا - گریه کن بهر علی شیر خدا

شعر از گلچین نوائی - دارالاماره کوفه

نادره مردی ز عرب هو شمند - گفت به عبدالملک از روی پند

زیر همین گنبد و این بارگاه - روی همین مسند و این تکیه گاه

بودم و دیدم بر این بن زیاد - ظلم چها رفت به شاه عباد

در سپری چون سپر آسمان - غیرت خورشید سری اندر آن

سر که هزارش سرو افسر فدا - وارث دستار رسول خدا
 بود سر شاه شهیدان حسین - سبط نبی فاطمه را نور عین
 بعدد و روزی سر آن خیره سر - بد بر مختار بروی سپر
 بعد که مصعب سرو سردار شد - دستخوش او سر مختار شد
 این سر مصعب بودت در کنار - تا چه کند با تو دگر روزگار
 هین تو شدی بر زیر این سریر - تا چه کند با تو دگر چرخ ببر

شعر از دیوان سید محمد تقی مقدم: تنور خولی در کوفه

چه آمد از جنان دخت پیمبر - ز خاکستر گرفت آن را سانور
 کشید از سینه آه و ناله از دل - کی ای سر روی خاکت داره منزل
 شود مادر به قربان سرتو - به خون آغشته را سانور تو
 تو آخر زیب عرش کرد گاری - که از جور فلک اینگونه خواری
 توئی آن نوگل باغ پیمبر - لب تاب ز تشنگی خشکید ه خنجر
 به اشک دیدگان از چهره تو - برویم خاک و خون از دیده تو

شعر از ناصح: تنور خولی در کوفه

ای سربریده دورا ز وطن منزل مبارک - ای شهید غرقه در خون بی کفن منزل مبارک
 ای سربریده آخر روی خاکستر چرای - خوش نمودی روی خاکستروطن منزل مبارک
 کوه علمد اروجوانان عزیزت لشکرت کو - یا ورت کوجعفرت کواصغرت کواکبرت کو
 صاحبان منصب و سرباز و افراد تو چون شد - کوجلال اف بر این چرخ کهن منزل مبارک
 میهمان راهیچکس در کنج مطبخ جان داده - میزبان تو روی خاکستر چرا را ست نهاده
 مادر زهرا ببین با چشم ترا ز جنت آمد - جد ه ات نزد توبا صد آه و درد و حسرت آمد

شعر از کتاب اصول مداحی ۲: تنور خولی در کوفه

فرشتگان همه جمعند گرد خانه من - تو کیستی مگر ای قبله زما نه من
 تنور خانه من گلستان عشق شده - تو زکدام چمن آمدی به خانه من
 چه شد که آمدی به خانه خولی - که رفت ز آمدنت صبر مادرانه من
 تو میوه دل زهرایی ای حسین غریب - به نخل آرزوی من تویی جوانه من
 به میزبانی خود شرمگین زهرایم - که میهمان را اشک است آب ودانه من
 صدای گریه زهرا بگو ش می آید - گرفته بزم عزای نیمه شب به خانه من

شعر از فصیح الزمان تهرانی: تنور خولی در کوفه

کیستی ای سر زکجا آمدی - این دل شب منزل ما آمدی

چون نِگرم بی کس و بی یا ورت - کاش نمی‌زد تو را مادرت
ای سرپر خون زچه افسرده‌ای - هست یقینم که جوان مرده‌ای
گلشن روی تو عجب با صفاست - ای سرپر خون بدنت در کجاست
ای سر ببریده دور از وطن - چیده شدی کی ز درخت بدن
داشتی ای سر چقد رجای زخم - یکسره زخم این همه بالای زخم
شعرا حاج غلامرضا سازگار (میثم) نوحه زبانحال مسلم بن عقیل
من که اول قتیلیم - عاشقان را دلیم - یار فرزند زهرا - مسلم ابن عقیل
اولین جان نثارم - این بود افتخارم - یا بن زهرا حسین جان (۳)
موج زخمم - ستاره پیکرم پاره پاره - آمده قتلگاهم - بام دارالاماره
اولین جان نثارم - این بود افتخارم - یا بن زهرا حسین جان (۳)
یابن زهرا اسیرم - تا برایت بمیرم - این تن پاره پاره - این دو طفل صغیرم
اولین جان نثارم - این بود افتخارم - یا بن زهرا حسین جان (۳)
فرق پاکم شکسته - چهره در خون نشسته - میدهم سر به راحت - با همین دست بسته
اولین جان نثارم - این بود افتخارم - یا بن زهرا حسین جان (۳)
یا حسین کن نگاهم - بوده عشقت گناهم - من سفیر تو بودم - کوفه شد قتلگاهم
اولین جان نثارم - این بود افتخارم - یا بن زهرا حسین جان (۳)
روح من با حسین است - اوج من تاحسین است - روی من سوی مگه - ذکر من «یا حسین» است
اولین جان نثارم - این بود افتخارم - یا بن زهرا حسین جان (۳)
نام تو بر زبانم - خون روان از دهانم - من به یاد تو بر رخ - اشک غم می‌فشانم
اولین جان نثارم - این بود افتخارم - یا بن زهرا حسین جان (۳)
ای عزیز پیمبر - جان زهرا اطهر - گر که آبی به کوفه - زینبت را نیاور
اولین جان نثارم - این بود افتخارم - یا بن زهرا حسین جان (۳)
شعرا ز محمدعلی شهاب: مسلم بن عقیل در کوفه
من غربت علی را در شهر کوفه دیدم - در شهری وفایان زخم زبان شنیدم
روزی تمام مردم برگرد من به بیعت - شب در کنارم اما دیگر کسی ندیدم
کوچاها کوفه تا در دل بگویم - کونا له های حیدر کزما تمش خمیدم
در بین کوچه و شب با درهای بسته - پشت دری نشسته یا د تو شد امیدم
در شام آخر خود دریا د کاروانم - ای شب توشاهدی که هرگز نیا رمیدم
کوچه به کوچه رفتن اوج غربی ام بود - بایاد کوی زهرا در خاک و خون تپیدم

شعر از محمد علی شهاب: مسلم بن عقیل در کوفه

بر سر دار عشقت، خون من زد شکوفه - من فدایی شدم تا تو میایی به کوفه
 چون تومیگردی عریان بی کفن روی دارم - چون تومیگردی عطشان تشنه جان میسپارم
 عهد و پیمان شکستند کوفیان بی وفایند - کودکان را میا و رکوفیان بی حیایند
 در هیاهوی طوفان کوفه زد خنجر از پشت - کوفیان نه، حسین جان، بی کسی ات مرا کشت
 در دیار غریبان ای مرا آشنایم - بر سر من بیای که در رخت جان فدایم
 چون کبوتر پیا مت جانب کوفه بردم - تیر عشق تو آمد از غمت جان سپردم
 سجده عشق من برخاک کویت حسین جان - هر چه دارم فدای تارم ویت حسین جان

شعر از محمد علی شهاب: مسلم بن عقیل در کوفه

در کوفه ی رنج و بلا تنهای تنها - شد کوچه گردی کا رمن بایا د زهرا
 در راه عشق فاطمه من سینه چاکم - بایا د خاک چا د رش بر روی خاکم
 در زیر لب خوانم ترا مولا حسین جان - کوفه میا کوفه میا مولا حسین جان
 جانم فدای دلبرد و راز وطن شد - دارا لأماره همچودا ر عشق من شد
 من سر بردا ر عشق زهرا و حسینم - بایا د زینب گشته برپا شور و شینم
 همچون علی در کوفه بی یار و غریبم - باشد حسینا یا د تو تنها حبیبم
 مولا حسین جانم ببین سوز و گدازم - در لحظه آخرتویی ذکر نمازم

شعر از ناشناس: مسجد کوفه و ضربت خوردن مولا

به صبح نوزدهم در سجود بعد قیام - نماز نافله اش را نداده بود سلام
 چه گویم ازستم روزگار و دهر زبون - که گشت دست قضا ز آستین ظلم برون
 رسید ضربت شمشیر کین به تارک او - چوماه چارده منشق سرمبارک او
 عمامه خون و جبین خون و چهره خونین شد - محاسن شه دین در نماز رنگین شد
 ندا بلند شد از جبرئیل چون زسما - الا الا قُتل فی الصلوة شیر خدا
 شنید زینب غمدیده دست بر سر زد - د وید و دست دگردا من برادر زد
 اما م ممتحن آن سرخ روی هرد و سرا - روان به مسجد و ورد زبان به وابتا
 حسن گرفت سر باب خویش بر دامن - حسین مقدم بایش نهاد و جه حسن
 گهی به کوفه فغان کرد بهر فرق پدر - گهی به کربلا ناله کرد بهر پسر
 چگونه زنده بمانم ز بعد مردن تو - چسان نظاره نمایم به جان سپردن تو

شعر از جودی: زینب (س) در دارالأماره کوفه

زینب به کوفه جا چو بدارالأماره کرد - بی صبر شد چنانکه به تن جامه پاره کرد

لب پرزنده دید به هرکس که بنگریست - کف پر خضاب دید به هرسونظاره کرد
 پوشید رخ زموی پریشان در اشک و آه - گرد و نسیاه و خرمن مه پرستاره کرد
 ابن زیاده روی به زینب نمود و گفت - حرفی که رخنه ها بدل سنگ خاره کرد
 دیری نبود تا زغم کشتن حسین - منت خدای را که غمم زود چاره کرد
 دیدی که تیغ شحنه قهرم چو شد بلند - نه رحم بر جوان و نه بر شیرخواه کرد
 دیدی که سربرهنه ترا پای تخت من - حاضرمانه با دف و چنگ و نقاره کرد
 زینب چو رعد ناله زد لبرکشید و گفت - کای بی خبر زحق زتوباید کناره کرد
 کشتی ز تیغ کینه کسی را که ذوالجلال - وصفش به آیه آیه قرآن اشاره کرد
 کشتی ز راه ظلم کسی را که از غمش - خیرا لنسا به خلد برین جامه پاره کرد
 پس آن لعین به خشم شد و از ره غضب - بر حاضری به کشتن زینب اشاره کرد
 یکباره چاک زد به گریبان سکینه گفت - آه و فغان که چرخ یتیمم دوباره کرد
 جودی خموش باش که این آه آتشین - خرگاه مهر پر شررا زیک اشاره کرد

شعر از باقری پور سروده شده هفتم شهدای کربلا سال ۹۲

شنو از زینب و زندان کوفه - که بوده مدتی مهمان کوفه
 چنین مرثیه و نوحه سرائی - زبهر آن شهیدان خدائی
 بود امروز روز هفت دلدار - در این هفت روز خوردم غصه بسیار
 در این هفت روز دیدم بس مصیبت - در این هفت روز دیدم رنج و زحمت
 در این هفت روز من ظلم فراوان - بدیدم تا کنون از قوم عدوان
 در این هفت روز دیدم تازیانه - زشمر روز جردون با هر بهانه
 در این هفت روز دیدم گریه و آه - ندیدم آب و نان زین قوم گمراه
 در این هفت روز بوده گریه کارم - بجز گریه دگر راهی ندارم
 در این هفت روز در بازار کوفه - بدیدم طعنه از اغیار کوفه
 در این هفت روز بسکه گریه کردم - نشانش مانده در رخسار زردم
 سر هر کوچه و بازار رفتم - به هر جمعی که بود اغیار رفتم
 عبیدالله دون در مجلس خویش - نموده قلب ما را از ستم ریش
 بسی زخم زبان کرده نثارم - رسیده تا کجا این روزگارم
 به قلب خسته و حال پریشان - نموده جمع ما را کنج زندان
 سکینه، فاطمه، کلثوم و سجاد - ستمها دید از این قوم زنا زاد
 نما ای باقری کوتاه مطلب - که نتوانی بیان حال زینب

کربلای معلی

کربلای معلی در ۸۰ کیلومتری نجف و ۸۰ کیلومتری یا صد کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد و مرکز استان کربلا است که استان سوم عراق است .

هوای کربلا نسبت به نجف گرفته است وقتی از نجف اشرف به طرف کربلا حرکت نمایید هر چه از نجف دورتر و به کربلا نزدیکتر می شوید هوا گرمتر و زمین بخیلتر می شود. در کربلا و صحرای اطراف آن جز نخل خرما و زمین خشک و شوره زار آثار دیگری نیست و نخلستانها از رودخانه الحسینیه که از فرات منشعب می شود سیراب می شوند .

وجه تسمیه کربلا : کربلا از دو واژه کرب و بلا تشکیل شده و کرب به معنی سخت گردیدن غم و اندوه بر کسی است و بلا به معنی آزمایش و امتحان و زحمت و سختی و اذیت بسیار است و کربلا که مخفف کرب و بلا است یعنی محلی که افراد با سختی و غم و اندوه و اذیت و آزار بسیار مورد آزمایش قرار می گیرند . بعضی گفته اند: کربلا مشتق از کربله ، بفتح کاف و باء موحده بر وزن عنفله ، بمعنی رخوت و نرمی است ، يقال به کربله (ای رخوة فی قدمیه) بخاطر آنکه خاک کربلا نرم بود . و یا از کربلا است بمعنی (الخالص الزکی يقال کربل الحنطة إذا انفأها فسمیت بذلك لان أرضها خالصة طيبة) و یا از کربل بر وزن جعفر است . و کربل نام علفی است که بسیار سرخ و براق می باشد زیرا که از آن علف در آن سرزمین بسیار بود.

تاریخچه کربلا : سرزمین کربلا جزء ممالک کلدانیان بوده و بعد از آن ساسانیان حکمرانی می کردند و بعضی می گویند محل عبادت نصاری بوده است و در زمانهای بسیار دور حتی قبل از حضرت عیسی مسیح علیه السلام دارای سکنه بوده و مردمی در آن سرزمین به زندگی مشغول بوده اند و سرزمین کربلا ۲۴ هزار سال قبل از سرزمین مکه حرم امن الهی بوده نامهای دیگر کربلا شاطیء الفرات ، حیره ، قدسیه ، ارض الله المختاره ، حائر ، طف و روستاهای اطراف کربلا عبارتند از نوایس ، غاضریه و نینوا .

سرزمین کربلا چهار میل در چهار میل ملک امام حسین علیه السلام است که آنحضرت هنگام ورود به سرزمین کربلا آنرا به شصت هزار درهم از اهالی نینوا و غاضریه خریدند و سپس به خود آنان تصدق فرمودند و شرط کردند که زوار قبرش را راهنمایی کنند بر سر قبرش و سه شب مهمان بنمایند . از وقایعی که در روز سوم محرم ذکر شده این است که امام علیه السلام قسمتی از زمین کربلا را که قبر مطهرش در آن واقع شده است از اهل نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم خرید. امام حسین علیه السلام به علم امامت که از پیامبر به او رسیده بود می دانست در این مکان کشته می شود و برای همین این زمین هارا خرید.

فضیلت کربلا

امام باقر علیه السلام فرموده است: خداوند متعال زمین کربلا را بیست و چهار هزار سال قبل از پیدایش کعبه آفرید.

امام صادق علیه السلام فرموده است: خداوند متعال قبل از اینکه مکه را حرم قرار دهد کربلا را حرم امن و مبارک قرار داده است.

امام صادق علیه السلام فرموده است: ملائکه از هزار سال قبل از ورود امام حسین علیه السلام به کربلا، کربلا را زیارت میکردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده است: کربلا با عظمت ترین جایگاه زمین است.

امام باقر علیه السلام فرموده است: خداوند کربلا را برترین زمین در بهشت قرار خواهد داد و بهترین مکانی است که اولیانش را در آن جای میدهد.

فرمایشات مرحوم بحر العلوم در فضیلت مشاهد مشرفه در قالب اشعار آنجا که کربلا را در مرتبه و درجه، برتر از کعبه قلمداد نموده است و سپس در بیت بعد بقیه مشاهد را در مرتبه و درجه به منزله کربلا به شمار آورده است:

- ۱ - أَكْثَرُ مِنَ الصَّلَاةِ فِي الْمَشَاهِدِ - خَيْرَ الْبِقَاعِ أَفْضَلَ الْمَعَادِ
 - ۲ - لِفَضْلِهَا اخْتِيرَتْ لِمَنْ يَهْنُ حَلٌّ - ثُمَّ بِمَنْ قَدْ حَلَّهَا سَمَا الْمَحَلِّ
 - ۳ - وَ السَّرُّ فِي فَضْلِ صَلَاةِ الْمَسْجِدِ - قَبْرٌ لِمَعْصُومٍ بِهِ مُسْتَشْهَدٌ
 - ۴ - بِرَشَّةٍ مِنْ دَمِهِ مُطَهَّرَةٌ - طَهَّرَهُ اللَّهُ لِعَبْدٍ ذَكَرَهُ
 - ۵ - وَ هِيَ ثُبُوتُ أَذِنِ اللَّهِ بِأَنْ - تُرْفَعَ حَتَّى يَذْكَرَ اسْمُهُ الْحَسَنُ
 - ۶ - وَ مِنْ حَدِيثِ كَرْبَلَا وَ الْكَعْبَةِ - لِكَرْبَلَا بَانَ عُلُوُّ الرُّتَبَةِ
 - ۷ - وَ غَيْرُهَا مِنْ سَائِرِ الْمَشَاهِدِ - أَمْثَالُهَا بِالنَّقْلِ ذِي الشَّوَاهِدِ
 - ۸ - فَأَدَّ فِي جَمِيعِهَا الْمُفْتَرِضَا - وَ النَّفْلَ وَ أَقْصَى مَا عَلَيْكَ مِنْ قَضَا
 - ۹ - وَ رَاعِ فِيهِنَّ اقْتِرَابَ الرُّمُسِ - وَ ءَاثِرَ الصَّلَاةِ عِنْدَ الرُّأْسِ
 - ۱۰ - وَ النَّهْيُ عَنْ تَقَدُّمٍ فِيهَا أَدَبٌ - وَ النَّصُّ فِي حُكْمِ الْمُسَاوَةِ اضْطَرَبَ
 - ۱۱ - وَ صَلَّ خَلْفَ الْقَبْرِ فَالصَّحِيحُ - كَغَيْرِهِ فِي نَذْبِهَا صَرِيحُ
 - ۱۲ - وَ الْفَرْقُ بَيْنَ هَذِهِ الْقُبُورِ - وَ غَيْرِهَا كَالنُّورِ فَوْقَ الطُّورِ
 - ۱۳ - فَالَسَّغَى لِلصَّلَاةِ عِنْدَهَا نَذَبٌ - وَ قُرْبُهَا بَلِ اللُّصُوقُ قَدْ طَلِبُ
 - ۱۴ - وَ الْإِتِّخَاذُ قِبْلَةً وَ إِنْ مُنِعَ - فَلَيْسَ بِالِدَافِعِ إِذْنًا قَدْ سُمِعَ
- منظومه علامه سید مهدی بحر العلوم معروف به «الدَّرَةُ النَّجْفِيَّةُ»

- ۱- نماز را در مشاهد مشرفه زیاد بجای آور، که آنجاها بهترین نقاط روی زمین است، و با فضیلت‌ترین معبدهای خداوند است.
- ۲- به جهت فضیلت داشتن آن خاک است که برگزیده شده است تا قبر امامی باشد که در آن مدفون گشته است. سپس همین محلّ بواسطه حلول امام در آن شرافت دیگری پیدا کرده است (یعنی اوّل خودش لیاقت داشته که خاک قبر امام گردد، ثانیاً با قبر امام شدن فضیلت دیگری پیدا نموده است).
- ۳- و علّت آنکه نماز گزاردن در مسجد فضیلت دارد، وجود قبر معصومی است که در آنجا به درجه رفیع شهادت رسیده است.
- ۴- خداوند به برکت تراوش قطره‌ای پاک و پاکیزه شده از خون آن شهید، آن محلّ را پاک قرار داده است برای بنده‌ای که یاد خدا کند.
- ۵- مشاهد مشرفه خانه‌هایی هستند که خداوند اجازه فرموده است تا بالاروند و رفیع القدر و عالی‌الرتبه باشند تا اینکه اسم مبارک خداوند که نیکو و حسن است در آنجاها برده شود.
- ۶- و از حدیثی که درباره کربلا و درباره کعبه وارد شده است، برتری و علوّ رتبه کربلا نسبت به کعبه روشن و واضح شده است. [آیه الله محقق سید محمود طباطبائی (قدّه) در کتاب «المواهب السّنیة فی شرح الذّرة الغریبة» که از علامه سید مهدی بحر العلوم می‌باشد در ج ۵، ص ۲۱۵ در شرح این بیت سید (ره) فرموده است: فَقِي خَبَرِ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ كَرْبَلَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْكَعْبَةَ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَقَدَّسَهَا وَبَارَكَ عَلَيْهَا فَمَا زَالَتْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مُقَدَّسَةً مُبَارَكَةً لَا تَزَالُ كَذَلِكَ جَعَلَهَا اللَّهُ أَفْضَلَ الْأَرْضِ فِي الْجَنَّةِ. وَ يُمْكِنُ الْإِسْتِنَادُ فِي ذَلِكَ إِلَى الْأَخْبَارِ الْوَارِدَةِ فِي فَضْلِ زِيَارَتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ مِرَآئًا مَعَ أَنَّ فِيهِمَا الطَّوْفَ بِالْبَيْتِ وَ زِيَارَتَهُ. - تا آخر شرح طویلی که افاده نموده است. منبع: کتاب روح مجرد]
- ۷- و غیر از کربلا بقیه مشاهد مشرفه دیگر هم در مقام و مرتبت، در حکم کربلا می‌باشند؛ و برای این مطلب شواهدی از علوم نقلیه در دست داریم.
- ۸- بنابراین، تو جمیع نمازهای واجب و نوافل خود را در آن مشاهد بگزار، و نمازهای قضایات را همچنین در آنجا انجام بده!
- ۹- و در آن مشاهد مراعات کن که هر چه میتوانی به قبر مبارک نزدیک باشی؛ و نماز خواندن در نزد سر امام را بر سائر جاها برگزین!
- ۱۰- و نهی شرعی که از خواندن نماز جلوتر از قبر امام وارد شده است، نهی ادبی و تنزیهی است، نه نهی تحریمی؛ و نصّی که درباره نماز خواندن محاذی و مساوی قبر معصوم وارد است، در متنش اضطراب دارد؛ و استفاده حرمت از آن نمی‌شود.

۱۱- و نماز بخوان در پشت قبر (بطوریکه قبر را قبله خود قرار دهی) زیرا اخبار وارده صحیح و غیر صحیح در استحباب آن صراحت دارد.

۱۲- و فرق میان این قبور مطهره (که در آنها نماز گزاردن استحباب اکید دارد) و میان غیر این قبور (که در آنها نماز گزاردن کراهت دارد) مانند قطعه نوری است که بر فراز کوهی میدرخشد و خودش را نشان میدهد. (دیگر جای شبهه نیست).

۱۳- بنابراین، شتافتن برای نماز خواندن در نزدیکی این قبور مطهره مندوب و مستحب است؛ و هر چه نزدیکتر بودن به قبر، و بلکه چسبیدن به آن نیز مطلوب و ممدوح است.

۱۴- و قبر مردگان را در وقت نماز، قبله خود قرار دادن اگرچه مورد نهی و منع واقع شده است؛ ولیکن این عموماً و اطلاقات نمی‌تواند إذنی را که درباره خصوص معصومین وارد شده است از میان بردارد.

ابن قولویه قمی رحمت الله علیه با سند صحیح نقل میکند: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حُزْمَةً مَعْلُومَةً مِنْ عَرَفَها وَاسْتَجَارَ بِها أَجِيرٌ ... وَمَوْضِعُ قَبْرِهِ مُنْذُ يَوْمِ دُفِنَ رَوْضَةً مِنْ رِیاضِ الْجَنَّةِ وَمِنْهُ مِعْرَاجٌ يَعْرُجُ فِيهِ بِأَعْمَالِ زُؤَارِهِ إِلَى السَّمَاءِ فَلَيْسَ مَلَكٌ وَلَا نَبِيٌّ فِي السَّمَاوَاتِ إِلَّا وَهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ أَنْ يَأْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَفَوْجٌ يَنْزِلُ وَفَوْجٌ يَعْرُجُ. اسحاق بن عمار می‌گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: برای جای قبر حسین بن علی علیهما السلام حریم معلومی است، کسی که آن را بداند و پناهنده به آن شود، پناه داده می‌شود. ... از روزی که آن حضرت در آنجا دفن شد، باغی از باغهای بهشت بوده، و در همان جا نردبانی نصب شده و اعمال زوار آن جناب را به وسیله آن به آسمان می‌برند و هیچ فرشته و پیامبری در آسمان نیست مگر از خدا در خواست می‌کند که به او اذن زیارت قبر حسین علیه السلام داده شود پس دسته‌ای برای زیارت به پائین آمده و گروهی پس از زیارت به بالا می‌روند. القمی، ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۴۵۷، و شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه مینویسد: عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَوْضِعُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُنْذُ يَوْمِ دُفِنَ رَوْضَةً مِنْ رِیاضِ الْجَنَّةِ وَقَالَ مَوْضِعُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تُرْعَةُ مِنَ الْجَنَّةِ. اسحاق ابن عمار میگوید: امام صادق علیه السلام فرمود: جایگاه مزار امام حسین علیه السلام از آن روز که به خاک سپرده شده باغی از باغهای بهشت است و نیز فرمود: جایگاه مزار امام حسین علیه السلام آبراهی (درب) از آبراههای (درهای) بهشت است. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۸۵، و در روایت صحیح السند ابن قولویه نقل کرده که امام صادق علیه السلام به ابن ابی یعفور

فرمود: وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي حَدَّثْتُكُمْ بِفَضْلِ زِيَارَتِهِ وَبِفَضْلِ قَبْرِهِ لَتَرَكْتُمْ الْحَجَّ رَأْسًا وَمَا حَجَّ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَبِحَكِّ مَا تَعْلَمُ - أَنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ بِفَضْلِ قَبْرِهِ كَرْبَلَاءَ حَرَمًا آمِنًا مُبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا قَالَ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجَّ الْبَيْتِ وَلَمْ يَذْكُرْ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ وَإِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا شَيْءٌ جَعَلَهُ اللَّهُ هَكَذَا أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ يَقُولُ إِنَّ بَاطِنَ الْقَدَمِ أَحَقُّ بِالْمَسْحِ مِنْ ظَاهِرِ الْقَدَمِ وَلَكِنَّ اللَّهَ فَرَضَ هَذَا عَلَى الْعِبَادِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤَقِّفَ لَوْ كَانَ فِي الْحَرَمِ كَانَ أَفْضَلَ لِأَجْلِ الْحَرَمِ وَلَكِنَّ اللَّهَ صَنَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ. به خدا سوگند اگر فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام را برای شما بیان کنم یک نفر از شما به حج نخواهد رفت، مگر نمی دانی که خداوند قبل از این که مکه را حرم خویش قرار دهد، کربلا را حرم خود قرار داده است؟! ابن ابی یعفور میگوید: به حضرت گفتم: پس چرا خداوند (در قرآن) حج خانه خود را بر مردم واجب گردانیده ولی نامی از زیارت امام حسین علیه السلام نبرده است؟ حضرت فرمود: خداوند متعال این چنین خواسته است مگر نشنیده ای که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود در وضو مسح کردن زیر پا، شایسته تر از روی پا هست ولی خداوند مسح روی پا را واجب ساخته است. مگر نمی دانی که میقات و محل احرام اگر در حرم بود به خاطر جایگاه حرم افضل بود؛ ولی خداوند میقات را خارج از حرم قرار داده است. (القمی، أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (المتوفی ۳۶۸ هـ) کامل الزیارات، ص ۴۴۹)

آورده اند که بهلول رفت مکه خطاب به خدای متعال گفت خدایا خانه خوبی داری ولی اگر حضرت محمد (ص) نبود این خانه توخانه نبود. سپس رفت مدینه خطاب به حضرت محمد (ص) گفت یا محمد (ص) خانه خوبی داری ولی اگر حضرت علی نبود این خانه توهم خانه نبود. سپس رفت نجف خطاب به حضرت علی (ع) گفت یا علی خانه خوبی داری ولی اگر امام حسین (ع) نبود این خانه توهم خانه نبود. سپس رفت کربلا خطاب به امام حسین علیه السلام گفت یا حسین قربان تو و این خانه ات که اگر تونبودی نه نجف بود نه مدینه نه مکه، نه خداشناخته میشد و نه پیغمبر و نه علی. مرحوم جنّت مکان حاج حسین نوری در دارالسلام خود نقل کرده است که در کتاب کلمه طیبه از مرحوم میرزا سید علی صاحب شرح کبیر که می فرماید:

من عصرهای پنجشنبه مواظبت داشتم به زیارت قبرهایی که در اطراف خیمه گاه است. شبی در عالم رؤیا دیدم که رفته ام به زیارت همان قبرها، ناگهان شنیدم هاتفی به زبان فارسی می گوید: خوشا به حال کسی که در این زمین مقدس (کربلا) مدفون شود، اگر چه با هزاران گناه باشد از هول قیامت سالم می ماند، و هیپهات که از هول قیامت سلامت باشد، کسی که در این زمین دفن نشود. (ارشاد القلوب: ص ۱۴۱)

کربلا نامی آشنا

کربلا نامی آشنا است برای فرشتگان و انبیاء الهی و کلمه کربلا مساوی است با کلمه تاریخ و نام حسین علیه السلام مساوی است با کربلا و نام حسین و کربلا هر دو دلریاست حورالعین وقتی که ببینند یک نفر از ملائکه را که هبوط می کند به زمین طلب هدیه می کنند از او تسبیح و تربت را از خاک قبر حضرت سیدالشهدا علیه السلام .

در تفسیر آیه مبارکه و تلقی آدم من ربّه کلمات فتاب علیه آیه ۳۶ سوره بقره ابوالفتح نقل می کند که چون خدای تعالی آدم را بیافرید و حیات او آفرید راست بنشست او را عطسه فرود آمد حقتعالی او را الهام داد گفت الحمد لله خدایتعالی او را گفت خدایتعالی بر تو رحمت کند و ترا برای رحمت آفرید و او بر ساق عرش نگریست اشباح و تماثیلی دید بر صورت خود که نام هر یکی بالا ی سر او نوشته محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين آدم گفت بار خدایا پیش از من بر صورت من خلقی آفریدی گفت نه گفت اینان کیانند گفت فرزندان تواند و اگر نبود ایشان ترا نیافریدم گفت بار خدایا گرامی تر بندگانند بر تو گفت ای آدم این نامها یاد گیر تا در وقت در ماندگی مرا به این نامها بخوانی تا بفریادت رسم آدم آن نامها یاد گرفت .

سپهر از کتاب در الثمین نقل می کند آدم علیه السلام چند کلمه در ساق عرش نوشته دید جبرئیل آن کلمات را که نام رسول خدا صلی الله علیه وآله و خاندان بزرگوار او بود بآدم یاد داد تا با آن نامها پنهانده شود و در پیشگاه پروردگار بگوید آدم گفت یا حمید بحق محمد یا عالی بحق علی یا فاطم بحق فاطمه یا محسن بحق الحسن والحسين ومنك الاحسان. و خداوند را باین نامهای مقدس سوگند داد چون بنام حسین علیه السلام رسید قلبش از اندوه فشرده شد و اشک از دیدگانش فرو ریخت علت این اندوه و گریه را از جبرئیل جویا شد جبرئیل گفت این فرزند تو به مصیبتی بزرگ مبتلا می شود که تمام مصائب در برابر آن کوچک است گفت آن مصیبت کدامست جبرئیل گفت حسین علیه السلام با حال تشنگی و غریبی و تنهائی و بی کسی کشته می شود یا رویاوری ندارد ای آدم اگر او را ببینی در حالی که می گوید آه از تشنگی آه از بی یابوری تا آنکه شدت تشنگی بین او و آسمان مانند دود حائل می شود ولی هیچکس جوابش نگوید مگر با شمشیر و شربت مرگ .

حضرت آدم علیه السلام هنگام گذشتن از کربلا غمناک و محزون شد و به زمین خورد و خون از پای مبارکش جاری شد از مصدر وحی به او خطاب شد که وقوع این حادثه بخاطر موافقت با خونی است که از امام حسین علیه السلام در این زمین ریخته می شود .

هنگامی که کشتی نوح از کربلا می گذشت زمین آنرا گرفته و به شدت به طرف خود جذب می کرد بطوری که نزدیک بود غرق شود و خوف و وحشت سرنشینان را فرا گرفت به حضرت نوح وحی شد که اینجا محل شهادت امام حسین علیه السلام است .

هنگام عبور حضرت ابراهیم علیه السلام از کربلا مرکب آن حضرت لغزید و به زمین افتاد و سرمبارکش شکست و خون جاری شد به او وحی شد که برای همراهی با خونی که از امام حسین علیه السلام در اینجا ریخته می شود این قضیه پیش آمد .

حضرت اسماعیل علیه السلام هنگامی که گوسفندان خویش را برای چرا فرستاده بود چوپان ایشان خبر داد که گوسفندان مدتی است از آب فرات نمی آشامند سپس گوسفندان به اعجاز عرض کردند فرزندت حسین علیه السلام با لب تشنه در اینجا کشته می شوند و ما چون از این قضیه محزون هستیم از نوشیدن آب فرات صرف نظر کرده ایم .

حضرت یونس علیه السلام از کربلا گذشتند بند کفش آن حضرت پاره شد و خار در پای مبارکش رفته خون جاری شد سپس برایشان خطاب آمد که اینجا امام حسین علیه السلام به شهادت می رسد به جهت همراهی با خون او پایت خون افتاد .

حضرت سلیمان علیه السلام موقعی که بر فرش مخصوص (قالیچه سلیمان) نشسته بود و باد آن را به حرکت درمی آورد به کربلا رسید در آنجا باد سه مرتبه به شدت آن فرش را به دور خود چرخاند و نزدیک بود سقوط کند سپس آرام شد و در کربلا فرود آمد خبر شهادت امام حسین علیه السلام را در آن سرزمین به آن حضرت اعلان کردند .

حضرت عیسی علیه السلام هنگامی که با حواریون از کربلا گذشتند آهوانی دیدند که اجتماع کرده گریه می کنند آنها هم نشستند و گریه سردادند هنگامی که علت آن را از حضرت عیسی علیه السلام سؤال کردند فرمودند در این سرزمین میوه دل پیامبر خدا حضرت احمد صلی الله علیه و آله که فرزند حضرت طاهره بتول علیها سلام که شبیه مادر من است کشته خواهد شد و در اینجا خاک سپرده می شود که از مشک خوشبو تر است .

از امام صادق علیه السلام روایت است که ملائکه زیارت نمودند کربلا را هزار سال پیش از آنکه جدم حسین در آن ساکن شود .

سعد بن عبدالله اشعری که به محضر مبارک امام زمان عج شرفیاب شده بیان می کند که مولا در تاویل کهیعیص فرمودند این حروف رموز غیب است که خدا بنده خود ذکر را با بوسیله آن مطلع نمود چون ذکر را از پروردگار خواست که نام پنج تن را به او بیاموزد جبرئیل آنها را به او آموخت و ذکر را هر وقت نام محمد و علی و فاطمه و حسن را می برد دلش روشن می گردید و اندوهش برطرف می شد و همینکه نام حسین را می برد گریه گلایش را می فشرد و گنج می گشت یکرور عرض کرد معبود

من مرا چه شده که چون نام چهار تن را می برم غمها از دلم می رود و تسلی می یابم و چون نام حسین را بر زبان می آورم اشکم می ریزد ناله ام بلند می شود خدای تبارک و تعالی سرگذشت او را برایش در کلمه کهیصص گفت . کاف کربلا - هاء هلاک عترت - یاء یزید - عین عطش - صاد صبر . سید بن طاووس در لهُوف می گوید چون یک سال از زندگانی حسین علیه السّلام گذشت دوازده فرشته بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد که دارای صورتهای مختلف و چهره های قرمز بودند و در حالی که پروبال خویش را باز کرده بودند گفتند یا محمد همان ستمی که از قابیل بر هابیل وارد آمد بر فرزندت حسین علیه السّلام وارد خواهد شد و مانند اجری که به هابیل داده شده باو داده می شود و عذاب و گرفتاری کشندگانش چون عذاب قابیل خواهد بود آن موقع در آسمانها فرشته مقربی نبود مگر آنکه بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف و آن حضرت را بر کشته شدن حسین علیه السّلام تسلیت دادند و به آنچه خداوند در عوض شهادتش برای او معین فرموده اخبار می کردند و تربت قبر حسین علیه السّلام را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشان می دادند . سید بن طاووس در لهُوف می گوید چون حسین علیه السّلام دو ساله شد سفری برای پیغمبر صلی الله علیه و آله پیش آمد در بین راه ناگهان آن حضرت ایستاد و فرمود انا لله و انا الیه راجعون و اشک از چشمانش سرازیر شد علت گریه را سؤال کردند فرمود اینک جبرئیل است به من خبر می دهد از زمینی که نزدیک شط فرات است و آنرا کربلا می گویند فرزندم حسین علیه السّلام را در آن سرزمین می کشند پرسیدند یا رسول الله کشنده او کیست فرمود شخصی است که او را یزید مینامند و گویا اکنون جایگاه کشته شدن و محل دفن حسین را به چشم خویش می بینم رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن سفر غمگین مراجعت نمود ...

در سال ۳۶ هجری علی علیه السّلام که به جنگ صفین می رفت هنگامی که از سرزمین کربلا عبور کرد مقداری از خاک کربلا برداشت و بوئید و فرمود خوشا بحال این خاک که از او گروهی بدون حساب به بهشت می روند .

در تفسیر آیه شریفه حمله امه کرها و وضعته کرها سوره احقاف آیه ۱۴ حضرت صادق علیه السّلام می فرماید آن انسان کاملی که خدا او را توصیه فرموده به رعایت والدین حسین علیه السّلام است حمله امه کرها و وضعته کرها یعنی فاطمه زهرا علیها سلام حامله شد بحسین از روی کراهت و زائید او را از روی کراهت بعد حضرت می فرماید در دنیا دیده نشده است که مادری پسر یزید و کراهت داشته باشد از وجود پسر لکن فاطمه علیها سلام کراهت پیدا کرد از تولد حسین علیه السّلام چون دانست او را شهید می کنند .

امام صادق علیه السّلام از پدران بزرگوار خویش روایت کرد که روزی حسین بن علی علیه السّلام بمنزل برادرش حسن علیه السّلام وارد شد و چون نگاهش به برادر افتاد اشک از دیدگانش سرازیر

گردید حسن علیه السلام پرسید چرا گریه می کنی گفت گریه ام از ظلم و ستمهایی است که بر شما وارد می شود حسن علیه السلام فرمود ظلمی که بر من وارد خواهد شد همانا زهری است که در خفاء و پنهان می نوشانند و بدان وسیله مرا مسموم و بقتل می رسانند ولی لا یوم کیومک یا ابا عبدالله هیچ روزی را در عالم مانند روز شهادت تو نمی توان یافت .

ام سلمه رضی الله عنها روایت می کند دروقتی که جناب امام حسین علیه السلام متوجه عراق بود عرض کردم یابن رسول الله رفتن شما را به عراق مصلحت نمی دانم زیرا که من از رسول خدا شنیدم که می فرمود فرزندم حسین علیه السلام ظلما مقتول می گردد و قدری از خاک آن موضع که مقتل حضرت بود بمن داده و فرمود هرگاه مشاهده کنی این خاک مستحیل بخون شده باشد یقین بدان که حسینم شهید شده و من آن خاک را درشیشه کرده ام والحال نزد من است حضرت فرمود بخدا سوگند یقین می دانم که درعراق کشته خواهم شد مکررا زجد بزرگوار و پدر عالی مقام شنیده ام که اگر بجانب عراق هم نروم کشته می شوم بعد فرمود یا ام سلمه اگر می خواهی آن موضع را که با من مقاتله کنند و خوابگاه من آنجا باشد بتو بنمایم پس دست به روی من کشیده رفع حجاب از نظرم گردیده نگاه کردم صحرائی دیدم با هیبت که سگان چهارچشم بر اطراف آن وادی می گردیدند و حضرت امام حسین علیه السلام از آن موضع قبضه ای خاک برداشته بمن داد آن را درشیشه ای کردم پس فرمود ای ام سلمه روزی که این خاک منقلب بخون گردد می دانی که مرا شهید کردند چون آن حضرت بجانب عراق رفت هر روز در آن نگاه می کردم چون روز عاشورا بعد از ظهر نگاه کردم خون را رنگین دیدم دانستم که آن حضرت را شهید کرده اند .

در مکه عبدالله بن عباس و عبدالله بن زبیر خدمت امام حسین علیه السلام مشرف شدند و اظهار داشتند شما در مکه بمانید فرمود من از رسول خدا صلی الله علیه و آله دستوری دارم که باید آنرا انجام دهم ابن عباس از نزد حسین علیه السلام بیرون آمد و در بین راه می گفت و احسیناه پس از آن عبدالله بن عمر آمد و گفت بهتر آنست که با این مردم گمراه اصلاح کنی واقدام بجنگ نفرمائی فرمود مگر ندانستی که از پستی دنیا بود که سر یحیی بن زکریا را برای سرکشی از سرکشان بنی اسرائیل به هدیه بردند آیا نمی دانی که بنی اسرائیل از طلوع فجر تا برآمدن آفتاب هفتاد پیامبر را می کشتند و سپس به بازار آمده و به معاملات خود مشغول می شدند و خرید و فروش می کردند گویا هیچ کاری انجام نداده اند ولی خداوند در عذاب آنها تعجیل نکرد و به آنها مهلت داد و پس از مهلت انتقام شدیدی از آنان گرفت .

هنگام حرکت از مکه محمد بن حنفیه آمد مهارناقه آنحضرت را گرفت و گفت برادر جان مگر تو بمن وعده ندادی که در سخن من تأملی کنی فرمود بلی پرسید پس برای چه در رفتن شتاب نمودی

حسین علیه السلام گفت پس از رفتن تو رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد من آمد و فرمود ای حسین برو بسوی عراق زیرا خدا مایل است ترا کشته ببیند .
 بنابه نقل مرحوم راوندی و بحرانی و محدثان دیگر هنگامی که ام سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله ز حرکت حسین بن علی علیهما السلام مطلع گردید به حضورش آمده و عرضه داشت : با حرکت خود به سوی عراق مرا غمناک و محزون نگردان ؛ زیرا من از جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام که می فرمود فرزندم حسین در خاک عراق و در محلی به نام کربلا کشته خواهد شد .
 امام در پاسخ وی فرمود: مادر! (فکر نکن که از این جریان تنها تو مطلع هستی) خود من نیز بهتر از تو می دانم که از راه ظلم و ستم و از راه عداوت و دشمنی کشته خواهم شد و سرم از تنم جدا خواهد گردید و خداوند بزرگ چنین خواسته است که حرم و اهل بیت من آواره و فرزندانم شهید و به زنجیر اسارت کشیده شوند و صدای استغاثه آنان طنین انداز گردد ولی کمک و فریادرسی پیدا نکنند.

پیش از آنکه امام علیه السلام به مکه وارد شود، عبدالله بن عمر برای عمره مستحب و انجام کارهای شخصی در مکه به سر می برد و در همان روزهای اول ورود حسین بن علی علیهما السلام که تصمیم گرفت به مدینه مراجعت کند، به حضور امام علیه السلام رسید و به آن حضرت پیشنهاد صلح و سازش و بیعت با یزید نموده و امام علیه السلام را از عواقب خطرناک مخالفت با طاغوت و اقدام به جنگ برحذر داشت و - بنابه نقل خوارزمی - چنین گفت : یا اباعبدالله ! چون مردم با این مرد بیعت کرده اند و درهم و دینار در دست اوست قهرا به او روی خواهند آورد و با سابقه دشمنی که این خاندان با شما دارد، می ترسم در صورت مخالفت با وی کشته شوی و گروهی از مسلمانان نیز قربانی این راه شوند و من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: حسین کشته خواهد شد و اگر مردم دست از یاری و نصرت وی بردارند، به ذلت و خواری مبتلا خواهند گردید. و پیشنهاد من بر شما این است که مانند همه مردم راه بیعت و صلح را در پیش بگیری و از ریخته شدن خون مسلمانان بترسی. در مقابل پیشنهاد عبدالله بن عمر این چنین پاسخ داد: ای ابوعبدالرحمان ! مگر نمی دانی که دنیا آنچنان حقیر و پست است که سر بریده (انسانی برگزیده و پیامبری عظیم الشان مانند) یحیی بن زکریا به عنوان هدیه و ارمغان به فرد ناپاک و زناکاری از بنی اسرائیل فرستاده می شود. مگر نمی دانی که بنی اسرائیل (با خدای بزرگ آنچنان به مقام مخالفت برآمدند که) در اوّل صبح هفتاد پیامبر را به قتل می رساندند سپس به خرید و فروش و کارهای روزانه خویش مشغول می شدند که گویا کوچکترین جنایتی مرتکب نگردیده اند و خداوند به آنان مدتی مهلت داد ولی بالاخره به سزای اعمالشان رسانید و انتقام خدای قادر منتقم آنها را به شدیدترین وجهی فرا گرفت ؟

قبور امام زادگان و علماء مدفون در کربلا

امام زادگان و علمائی که در کربلا مدفون هستند : ۱- سید ابراهیم المجاب ابن محمد العابد بن الامام موسی بن جعفر علیه السلام مدفون در رواق بالای سر مبارک * ۲- ابو احمد حسین بن محمد الاعرج بن موسی ابی السبحه بن ابراهیم المرتضی بن موسی الکاظم والد السیدین المرتضی و الرضی مدفون در کربلا متوفی ۴۰۰هـ (در بغداد رحلت فرمود و در منزل خود دفن شد بعد او را نقل کردند به کربلا) * ۳- سید مرتضی علم الهدی متوفی ۴۳۶ مدفون در کربلا * ۴- سید رضی متوفی ۴۰۶ مدفون در کربلا (سید مرتضی و سید رضی در کاظمین رحلت فرمودند و هریک در منزل خود دفن شدند بعد جنازه آنان را مثل والدشان نقل کردند به کربلا و در مقبره نیای بزرگوارشان سید ابراهیم مجاب دفن شده اند) * ۵- سید علی بن محمد علی الطباطبائی متوفی ۱۲۱۵ مدفون در رواق مطهر قریب به مقبره علامه بهبهانی پای قبور مقدسه شهداء * ۶- محمد باقر بن محمد اکمل البهبهانی مدفون در رواق مطهر * ۷- آقا سید محمد ابن سید علی ملقب به مجاهد متوفی ۱۲۴۰ مدفون در اواسط بازار ریین الحرمین * ۸- آقا سید ابراهیم ابن سید محمد باقر قزوینی متوفی ۱۲۴۶ مدفون در حجره درب کوچک حضرت سید الشهداء ع * ۹- ملا محمد حسین اردکانی یزدی متوفی حدود ۱۳۰۰ مدفون در حجره درب کوچک حضرت سید الشهداء * ۱۰- جمال الدین احمد بن محمد بن فهد الحلّی متوفی ۸۴۱ مدفون در کنار خیمه گاه * ۱۱- شیخ ابراهیم بن علی بن الحسن العاملی الکفعمی مدفون در کربلا * ۱۲- مولی عبدالله تستری متوفی ۱۰۲۱ مدفون در تحت قبّه سید الشهداء * ۱۳- شیخ یوسف بن احمد البهرانی متوفی ۱۱۸۶ مدفون در نزدیکی قبور شهداء * ۱۴- آخوند ملا حسن یزدی مدفون در کربلا * ۱۵- محمد شریف بن ملا حسنعلی مازندرانی الملّقب بشریف العلماء متوفی ۱۲۴۵ مدفون در منزل خود نزدیک درب قبله صحن مطهر سید الشهداء * ۱۶- ابن حمزه مدفون در قبرستان وادی در دروازه تویرج * ۱۷- شیخ محمد حسین بن شیخ عبدالرحیم الطهرانی متوفی ۱۲۶۱ مدفون در درب صحن کوچک * ۱۸- آخوند ملا آقا دربندی متوفی ۱۲۸۶ مدفون در کنار مقبره محمد حسین بن شیخ عبدالرحیم الطهرانی * ۱۹- شیخ عبدالحسین بن شیخ علی الطهرانی شیخ العراقین متوفی ۱۲۸۶ مدفون در مقبره جنب باغ سلطانی * ۲۰- حاج شیخ زین العابدین بن کربلائی مسلم المازندرانی الحائری متوفی ۱۳۰۹ مدفون در جنب باب قاضی الحاجات * ۲۱- شیخ حسن بن حاج شیخ زین العابدین متوفی ۱۳۳۹ مدفون در مقبره والد * ۲۲- آقا میرزا محمد تقی شیرازی متوفی ۱۳۳۸ مدفون در صحن مقدس سید الشهداء ع در زاویه جنوبی نزدیک تکیه بکتا شیها * ۲۳- آقا سید مرتضی کشمیری متوفی حدود ۱۳۲۰ مدفون در حجره هندیها نزدیک درب زینبیه * ۲۴- آخوند ملا حسینقلی همدانی

متوفی حدود ۱۳۱۰ مدفون در حجره هندیها نزدیک درب زینبیّه * ۲۵- مولی عبدالصمد همدانی شهید دست و هائیها در عید غدیر ۱۲۱۶ مدفون در حائرمقدس سیدالشهداء * ۲۶- محمد بن اسماعیل المکنی بابوعلی الرّجالی متوفی ۱۲۱۵ مدفون در کربلا * ۲۷- محمد علی بن محمد البلاغی النّجفی متوفی ۱۰۰۰ مدفون در حرم مطهر سیدالشهداء * ۲۸- حاج میرزا علی التّقی ابن سید حسن ابن العلّامه السّید المجاهد السّید محمد بن العلّامه السّید علی الطّباطبائی الحائری متوفی ۱۲۸۹ مدفون در بین الحرمین * ۲۹- ملا محمد صالح بن ملا محمد البرغانی مدفون در کربلا * ۳۰- آخوند ملا حسین الاردکانی متوفی ۱۳۰۵ مدفون در کربلا * ۳۱- مظفرالدین شاه ابن ناصرالدین شاه ابن محمد شاه ابن عبّاس میرزا ابن فتحعلی شاه قاجار و محمد علی شاه ابن مظفرالدین شاه مدفون در حجره بین مسجد پشت سر مطهر و رواق شریفه * ۳۲- میرزا محمد تقی خان امیر کبیر مدفون در رواق شرقی حرم مطهر * قابل ذکر است که در بازسازیهای اخیر اسامی علماء در اطراف حرم مطهر روی سنگ مرمر های نصب شده به دیوارها نوشته شده است.

زیارت قبور علماء

از کتاب مزار مرحوم شیخ مفید (رحمه الله) نقل شده است که در هنگام زیارت قبور علماء (رضوان الله تعالی علیهم) بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنْزَهَا، وَمُخَيِّ الرُّسُومِ وَمُرَوِّجَهَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ الدِّينِ، وَعَوْنِ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُرَوِّجَ شَرِيعَةِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَآلِهِ الْأَيِّمَةِ الْمَعْصُومِينَ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَفْضَلُ صَلَاةِ الْمُصَلِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْعَالِمُ الْعَامِلُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَصَدَ الْإِسْلَامِ وَفَقِيهَ أَهْلِ الْبَيْتِ، عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَارِفُ الْمُؤَيَّدُ وَالْعَابِدُ الْمُسَدَّدُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمِينُ عَلَى الدِّينِ وَالْدُنْيَا، وَأَنَّكَ قَدْ بَالَغْتَ فِي إِحْيَاءِ الدِّينِ، وَاجْتَهَدْتَ فِي حِفْظِ شَرِيعَةِ أَشْرَفِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَوَاتُ الْمُصَلِّينَ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ الْأَبْرَارِ، وَرَوَيْتَ عَنْهُمْ الْأَخْبَارَ، وَعَمِلْتَ بِمَا رَوَيْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَظْهَرْتَ الْحَقَّ، وَأَبْطَلْتَ الْبَاطِلَ، وَسَهَّلْتَ السَّبِيلَ، وَأَوْضَحْتَ الطَّرِيقَ، وَنَصَرْتَ الْمُؤْمِنِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ التَّابِعِينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ، وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، اَللَّهُمَّ ائْمَلًا قَبْرَهُ نُورًا وَرَوْحًا وَرِيحَانًا، وَأَسْكِنَهُ فِي بُحْبُوحَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

اما کن دیگر کربلا

آرامگاه الآخرس بن الکاظم علیه السلام که محمد بن ابی الفتح اخرس از نوادگان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است در حومه کربلا در محله ای بنام الابیت قرار دارد. این امام زاده جداعلای خاندان آل خرسان است.

آرامگاه ابن حمزه از نوادگان امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز بزرگراه کربلا طویریج قرار دارد. آرامگاه ابن هاشم از نوادگان موسی بن جعفر علیه السلام در ۲۵ کیلومتری شمال غربی کربلا در شفاثا یا راس العین.

آرامگاه حربن یزید ریاحی در شهرک حر از شارع الشهداء راه دارد. دوظفان مسلم بن عقیل (ع) محمد و ابراهیم در شهرک مسیب ۴۰ کیلومتری شمال شرقی کربلا (بزرگراه کربلا به بغداد).

عون بن عبدالله بن جعفر یکی از دوفرزندان عبدالله جعفر و حضرت زینب علیها السلام در محله عون ابتدای بزرگراه کربلا به بغداد قرار دارد.

محمد بن علی مشهور به ابی بکر بن علی از شهداء کربلا در بین راه نجف و کربلا است. مقام حضرت صاحب الزمان عج که به مصلا صا حب الزمان عج و مقام امام زمان عج مشهور است انتهای شارع السدره کنار رنهر حسینیه در شارع امام مهدی عج. مقام حضرت صادق علیه السلام بعد از مقام امام زمان عج آخر خیابان باریک که از روی پل کنار مقام امام زمان عج میگذرد.

قصر الأخیضریا کاخ اخضرائیبا ستا نی ۳۵ کیلومتری غرب کربلا. حبیب بن مظاهراسدی در راهرو حرم مطهر امام حسین علیه السلام. قتلگاه، درب نقره ای رنگی کنار دیوار نزدیک ضریح حبیب بن مظاهراست و از داخل صحن هم پنجره دارد.

شهدای کربلا پائین پای امام حسین علیه السلام از راهرو هم پنجره دارد. تل زینبیه از درب باب القبله یا درب باب زینبیه حرم امام حسین علیه السلام که خارج شوی کنار حرم مطهر است. در بازسازیهای اخیر قرار است داخل صحن شود. کف العباس از باب الفرات حرم ابالفصل علیه السلام که خارج شوی کوچه مقابل دست چپ آقا و کوچه بعدی داخل کوچه دست راست آقا.

مقام علی اصغر و علی اکبر علیهما السّلام از باب السّلام یا باب الکرامه درب پشت سر امام حسین علیه السّلام که خارج شوی قسمت شمالی بین الحرمین داخل کوچه ای اوّل مقام علی اصغر و کوچه بعدی انتهای کوچه مقام علی اکبر علیهما السّلام است. از شارع السّدره هم راه دارد.

خیمه گاه امام حسین علیه السّلام از خیابان مقابل باب القبله حرم امام حسین علیه السّلام مستقیم به خیمه گاه منتهی میشود.

داخل خیمه گاه که میشوی بعد از درب اوّل خیمه حضرت ابا الفضل علیه السّلام، بعد از آن دو طرف نمای خیمه های اصحاب، بعد از درب دوم داخل خیمه سلطنتی امام حسین علیه السّلام پنجره کوچک روبرو محراب امام حسین علیه السّلام، پشت آن خیمه حضرت زینب علیها سلام، مقابل آن محراب امام زین العابدین علیه السّلام، از درب سمت راست آن خارج شوی زاویه غربی داخل صحن خیمه حضرت قاسم علیه السّلام است.

محل ملاقات امام حسین علیه السلام با عمر سعد در بازار باب السّلامه در محلّه باب السّلامه از درب باب الکرامه حرم مطهر و شارع السّدره راه دارد.

مقام شیرفضه در شارع قبله حضرت عباس علیه السّلام در بازار مسگرها.

مرقد ابن فهد حلی ره در شارع قبله امام حسین علیه السّلام.

مرقد ابن حمزه در شارع ابن حمزه.

رود فرات در ۲۰ کیلومتری کربلا قرار دارد و دو رودخانه از آن منشعب میشود یکی رودخانه الحسینیّه که مقام امام زمان عجل در کنار آن قرار دارد در شمال شهر و دیگری رودخانه هنیدیّه که از شارع شهدا و شارع مخیم قابل مشاهده است در جنوب شهر است.

نهر علقمه یا علقمی سابقاً در شرق حرم مطهر حضرت ابا الفضل علیه السّلام جاری بوده است که تا کوفه امتداد داشته است و بعدها پر شده است و اکنون در محل آن شارع علقمه در شمال حرم حضرت ابا الفضل است.

دربهای حرم مطهر: باب القبله حرم مطهر به طرف شارع قبله است که سمت راست آن تلّ زینبیه است و به خیمه گاه هم راه دارد - باب راس الحسین به طرف شارع شهدا است - باب زینبیه به طرف تلّ زینبیه است - باب السّلام به طرف مقام علی اکبر و علی اصغر راه دارد - باب السّدره به طرف شارع سدره است - باب السّدره جائی است که در آنجا درخت سدری بوده است و هرون الرّشید آن را قطع کرده است و مسمول لعن الله قاطع السّدره شده است. در دوره هارون الرّشید، اطراف قبر امام حسین علیه السلام خانه ها و بناهایی احداث شده بود و درخت سدری هم وجود داشت که هم نشانه ای برای زائران و مسافران بود و هم سایه بانی برایشان. به دستور هارون آن درخت را قطع کردند.

حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا

حضرت حسین بن علی علیه السلام در روز سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه منوره پا به عرصه وجود گذاشت نزدیک به هفت سال از سنّ شریفش گذشته بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله جدّ گرامیش وفات یافت و ۷۵ یا ۹۵ روز بعد مادر بزرگوارش به شهادت رسید آن حضرت تا سال ۳۶ هجری در مدینه بود آنگاه به همراه پدر بزرگوارش رهسپار کوفه گردید و بیش از چهار سال در این شهر اقامت داشت و در سال ۴۰ هجری پدر بزرگوارش به شهادت رسید و بعد از شهادت پدر بزرگوارش برادرش امام حسن بناچار با معاویه صلح کرد و بعد از صلح هر دو برادر به اتفاق به مدینه باز گشتند و در سال ۵۰ هجری برادر عزیزش امام حسن علیه السلام به شهادت رسید و امامت به آن بزرگوار منتقل گردید تا سال ۶۰ هجری که پس از درگذشت معاویه یزید بر تخت خلافت غاصبانه نشست و فساد وی از حد گذشت و کار را بجائی رساند که خواستاریعت امام ع باوی و اطاعت از وی شد و امام ع در مقابل وی دست به قیام زد و عازم کربلا شد و در محرم سال ۶۱ هجری در روز عاشورا به شهادت رسید .

از امام رضا علیه السلام نقل کرده اند که چون حضرت امام حسین علیه السلام متولد شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله اسماء بنت عمیس را فرمود که بیاور فرزند مرا ای اسماء اسماء گفت آنحضرت را در جامه سفید پیچیده بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بردم حضرت او را گرفت و در دامن گذاشت و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت پس جبرئیل نازل شد و گفت حق تعالی ترا سلام می رساند و می فرماید که چون علی علیه السلام نسبت به تو بمنزله هارون است نسبت به موسی پس اسم او را باسم پسر کوچک هارون نام کن که شبیر است و چون لغت تو عربی است او را حسین نام کن پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را بوسید و گریست و فرمود که ترا مصیبتی عظیم در پیش است خداوند لعنت کن کشته او را پس فرمود که ای اسماء این خبر را به فاطمه مگو چون روز هفتم شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بیاور فرزند مرا چون او را بنزد آن حضرت بردم گوسفند سیاه و سفیدی از برای او عقیقه کرد یک رانش را بقبله داد و سرش را تراشید و بوزن موی سر او نقره تصدّق کرد و خلوق بر سرش مالید پس او را بر دامن خود گذاشت و فرمود ای ابا عبدالله چه بسیار گران است بر من کشته شدن تو پس بسیار گریست .

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که چون حضرت امام حسین علیه السلام متولد شد حق تعالی جبرئیل را امر فرمود که نازل شود با هزار ملک برای آنکه تهنیت گوید حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را از جانب خداوند و از جانب خود چون جبرئیل نازل می شد گذشت در جزیره از جزیره های دریا به ملکی که او را فطرس می گفتند و از حاملان عرش الهی بود وقتی حق تعالی او را امری

فرموده بود و او کندی کرده بود بالش را شکسته و او را در آن جزیره انداخته بود پس فطرس هفتصد سال در آنجا عبادت حق تعالی کرد تا روزی که حضرت امام حسین علیه السلام متولد شد دید که جبرئیل با ملائکه فرمود می آیند از جبرئیل پرسید که اراده کجا دارید گفت چون حق تعالی نعمتی به محمد صلی الله علیه و آله کرامت فرموده است مرا فرستاده است که او را مبارک باد گویم فطرس گفت ای جبرئیل مرا نیز با خود ببر شاید که آن حضرت برای من دعا کند تا حق تعالی از من بگذرد پس جبرئیل او را با خود برداشت و چون بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله رسید تهنیت و تحیت گفت و شرح حال فطرس را بعرض رسانید حضرت فرمود که باو بگو خود را با من مولود مبارک بمالد و به مکان خود برگردد و فطرس خویشتن را به امام حسین علیه السلام مالید بال برآورد و عرض کرد یا رسول الله همانا زود باشد که این مولود را امت تو شهید کنند و او را بر من به جهت این نعمتی که از او بمن رسید مکافاتی است که هرکه او را زیارت کند من زیارت او را بحضرت حسین ع برسانم و هر که بر او سلام کند من سلام او را برسانم و هرکه بر او صلوات بفرستد من صلوات او را به او می رسانم به آسمان بالا رفت و می گفت کیست مثل من و حال آنکه من آزاد کرده حسین بن علی و فاطمه و محمد علیهم السلام هستم .

امام حسین علیه السلام بعد از شهادت برادر بزرگوارش به امامت رسید و یزید بن معاویه هم بعد از مرگ معاویه به خلافت رسید امام مسلمین و پیشوای فاسقین همانند نور و ظلمت و سفیدی و سیاهی دو ضد مانعة الجمع اند و محال است این دو با هم کنار بیایند و سازش کنند و یا یکی از آن دو به نفع دیگری از صحنه کنار برود اما امام حسین علیه السلام محال است که از حق خود بگذرد و صحنه را برای یزید خالی بگذارد چون تنها حق خودش نیست بلکه حق اسلام و مسلمین و جامعه است و اما یزید محال است که از باطل خود بگذرد و صحنه را برای امام حسین علیه السلام خالی بگذارد چون یزید مست غرور و تکبر و خودخواهی و فساد است و راه دیگری بجز قرار گرفتن این دو در مقابل هم وجود ندارد و اما مقایسه امام حسین علیه السلام و یزید لعنة الله علیه با امام حسن علیه السلام و معاویه لعنة الله علیه درست نیست بدان جهت که هم زمان معاویه با زمان یزید تفاوت دارد و هم شخص معاویه با شخص یزید درست است که معاویه هم فاسد بود و لیکن یزید فساد را به انتهای درجه رسانید و از طرفی معاویه خواهان صلح با امام حسن علیه السلام شد و امام حسن علیه السلام هم دید که صلح به نفع اسلام و مسلمین است و لیکن یزید به محض رسیدن به خلافت خواهان بیعت امام حسین علیه السلام با وی شد که طی نامه ای به ولید بن عتبه والی مدینه از او خواست که از امام حسین علیه السلام بیعت بگیرد و اگر بیعت نکرد او را به شهادت برساند و امام حسین علیه السلام می فرماید و علی الاسلام و السلام اذ قد بليت الأمة براع مثل یزید و ایضا می فرماید الا و انّ الدّعی بن الدّعی قدر کز بین اثنتین بین السّلة و الدّلة هیهات منّا الدّلة یا بی الله ذالک

لنا و رسوله و المؤمنین و حجور طابت و بطون طهرت و انوف حمیة و نفوس آبیة و همچنین می فرماید انا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة و مهبط الرحمة بنا فتح الله و بنا یختم و یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس المحترمة معن بالفسق و مثلی لایبایع مثله .

امام حسین علیه السلام به منظور بیعت نکردن با یزید در شب یکشنبه بیست و نهم رجب سال ۶۰ هجری با فرزندان وعده ای از یاران و برادران خود از مدینه عازم مکه گردید و در شب جمعه سوّم شعبان وارد مکه شد و تا هشتم ذی الحجة در مکه بود و هشتم ذی الحجة که یوم الترویة است بخاطر رعایت حرمت حرم امن الهی حج را به عمره مفرده تبدیل کرده به طرف کربلا حرکت کرد و روز دوم محرّم سال شصت و یک هجری وارد سرزمین کربلا شد و در همین محلی که به خیمه گاه معروف است دستور داد خیمه ها را بر سر پا کردند و از آنطرف یزید عبیدالله بن زیاد را به امارت کوفه و فرماندهی جنگ با امام حسین علیه السلام منصوب کرد و او را روانه کوفه کرد و شریح قاضی راهم فریب داد و فتوائی هم از او گرفت و بوسیله آن فتوای خریداری شده عدّه ای از مردم عامی بی سواد را تحریک می کرد به طرف کوفه حرکت کنند و عدّه ای راهم بوسیله پول و وعده های دروغین تحریک می کرد و عدّه ای را هم بوسیله زور و اجبار و تهدید آماده و روانه کوفه می کرد تا اینکه صبح عاشورا دو گروه حق و باطل در مقابل هم صف آرائی کردند و صحرای کربلا صحنه جنگ و مبارزه شد و با رها شدن تیر عمر سعد به طرف قرارگاه امام حسین علیه السلام جنگ آغاز شد و تا عصر عاشورا ادامه یافت و عصر عاشورا که یاران امام حسین علیه السلام جملگی به شهادت رسیده بودند و کسی بجز امام زین العابدین باقی نمانده بود امام حسین علیه السلام یگه تاز میدان کربلا شده بود چندین بار به لشکریان یزید حمله کرد که هر بار آنها را تا دروازه کوفه به عقب می راند تا اینکه بر اثر جراحات بسیار که بر بدن آن بزرگوار وارد شده بود بی تاب و بی قرار در همین محلی که به قتلگاه مشهور است قرار گرفت و زینب کبری سلام الله علیها بالای همین بلندی مشرف به گودال قتلگاه که به تلّ زینبیّه مشهور است با حالت زار و با قلب افکار ایستاده و صحنه ای دور از انتظار را نظاره می کرد که ناگهان فریاد و اعلیّاه از آن علیا مخدّره بلند شد و آنچه ملائکه و پیامبران گفته بودند واقع شد و امام حسین علیه السلام شهید شد .

جسد شریف امام حسین علیه السلام سه شبانه روز روی زمین ماند و لشکریان یزید روز یازدهم محرّم سرهای مقدّس شهدا و اهل بیت امام علیه السلام را برداشته روانه جانب کوفه شدند روز دوازدهم محرّم بنی اسد که از ترس لشکریان یزید از آن وادی کوچ کرده بودند به محلّ قبلی خود کنار شریعه فرات برگشتند و صحنه پس از جنگ را تماشا می کردند که گزارشان به محلّ اجساد پاک شهدا افتاد و از آنطرف امام زین العابدین علیه السلام نیز خود را به کربلا رسانیده و با مساعدت بنی اسد جسد مطهّر امام حسین علیه السلام را در همین محلی که قبر شریف آن حضرت است دفن کردند و علی

اکبر علیه السلام را هم پائین پای پدر دفن کردند به همین جهت ضریح مطهر شش گوشه است و اجساد سایر شهداء که اصطلاحاً هفتاد و دو تن گفته می شود در قسمت شرقی پائین پای امام علیه السلام دفن کردند که اسامی شهداء روی دیوار نصب شده است و علی اصغر شیرخوار را جلوی سینه مبارک پدر دفن کردند و حبیب بن مظاهرا طرف بالای سرمبارک در رواق جنوب غربی بین محل دفن امام علیه السلام و قتلگاه دفن کردند و قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام به فاصله حدود ۳۸۰ متر از مرقد سید الشهداء علیه السلام دفن شد که فاصله بین دو قبر و حرم مطهر بین الحرمین است و بین حرم مطهر ابوالفضل العباس علیه السلام و نهر علقمه روبروی باب الفرات اول کوچه محل دفن دست راست آن حضرت است که روی بنا نوشته شده است هذا مقام کف العباس و حدود ۱۷۰ متری آن در کوچه بعدی سرچهارراه محل دفن دست چپ آن حضرت است که روی بنا نوشته شده است مقام سقوط الکف الایسر و عون بن عبدالله بن جعفر علیه السلام یکی از فرزندان عبدالله جعفر و حضرت زینب علیها سلام در نه کیلومتری جاده کربلا بغداد قبل از شهرک مسیب دفن شده است و الآن به آن محله عون می گویند و طفلان مسلم محمد و ابراهیم حدود ۲۵ کیلومتری محله عون در جاده کربلا بغداد کنار شهر مسیب دفن شده اند و حربین یزید ریاحی در ۳۵ کیلومتری کربلا از مسیر عون و مسیب و ۶ کیلومتری کربلا از مسیر کربلا - شهرک حر دفن شده است که محله اطراف آن به شهرک حر معروف است و خانه های کربلا تا نزدیک آن شهرک پیش رفته است و جاده شهرک از ۵ کیلومتری جاده کربلا - بابل از جاده اصلی جدا می شود .

در کنار ضلع جنوبی ضریح مطهر امام حسین علیه السلام دو قطعه سنگ قرمز نصب شده که به علت محاذی بودن با بالاسر مبارک زوار بر روی آن به اقامه نمازی پردازند و طبق بعضی روایات محل دفن سرمبارک حضرت سید الشهداء ع است و روی آن سنگ نباید نماز خواند بلکه باید کمی عقب ایستاد ، مقام علی اکبر و علی اصغر علیهما السلام در کوچه های باریک خیابان شمالی حرم مطهر از باب السلام یا باب الکرامه درب پشت سر امام حسین علیه السلام که خارج شوی قسمت شمالی بین الحرمین داخل کوچه ای اول مقام علی اصغر علیه السلام و کوچه بعدی انتهای کوچه مقام علی اکبر علیه السلام است ، که در شمالی ترین نقطه میدان جنگ واقع شده است و ظاهراً که محل شهادت علی اکبر و علی اصغر علیهما السلام باشد .

عمارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام در سال ۶۵ که مختار قیام کرد آغاز شد و اولین بنا را مختار ساخت و روستای کوچکی نیز در اطراف آن بنا کرد و شیعیان در تعمیر بنا می کوشیدند تا زمان هارون الرشید که بدستور او بنای قبر مطهر خراب شد و با روی کار آمدن مامون بدستور وی مجدداً بنائی ساختند و شیعیان در تعمیر بنا می کوشیدند تا زمان متوکل که به دیزج یهودی ملعون دستور داد بنا را خراب کنند بعد از خرابی مجدداً شیعیان بنائی ساختند و بدستور متوکل خراب شد تا

هفده بارولیکن هربارکه خراب میگردند با زنائی ساخته می شد بهتراز بار قبل تا سال ۹۱۴ شاه اسماعیل صفوی عراق را به تصرف درآورد و در سال ۱۰۳۲ شاه عباس عتبات عالیات را ضمیمه ایران کرد.

حدیث:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ أَرْضَ الْكَعْبَةِ قَالَتْ مَنْ مِثْلِي وَ قَدْ بُنِيَ بَيْتُ اللَّهِ عَلَى ظَهْرِي يَأْتِينِي النَّاسُ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ وَ جُعِلَتْ حَرَمَ اللَّهِ وَ أَمْنُهُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا كُفِّي وَ قَرَى مَا فَضَّلُ مَا فَضَّلْتَ بِهِ فِيمَا أُعْطِيتْ أَرْضُ كَرْبَلَاءَ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْإِبْرَةِ غُمِسَتْ فِي الْبَحْرِ فَحَمَلَتْ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ وَ لَوْ لَا تَرْبَةُ كَرْبَلَاءَ مَا فَضَّلْتُكَ وَ لَوْ لَا مَنْ صَمَّتُهُ كَرْبَلَاءَ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الَّذِي افْتَحَرْتَ بِهِ فَقَرَى وَ اسْتَقَرَّى وَ كُونِي ذَنْبًا مُتَوَاضِعًا ذَلِيلًا مَهِينًا غَيْرَ مُسْتَنَكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ لِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ وَ إِلَّا مَسَخْتُكَ وَ هَوَيْتُ بِكَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۵ - کامل الزیارات ص ۸۱۱) زمین کعبه به خود افتخار کرد و گفت کیست مانند من در حالی که خداوند خانه خویش را بر روی من بنا نموده و مردم از راه های دور به جانب من می آیند و من حرم خدا و محل امن او شده ام پس خداوند به او وحی نمود که ساکت باش سوگند به عزت و جلالم که فضیلت تو در مقایسه با آنچه به زمین کربلا عطا نموده ام نیست مگر به مقدار رطوبتی که یک سوزن به هنگام فرو رفتن در دریا به خود می گیرد و اگر خاک کربلا نبود تو را فضیلت نمی دادم و اگر نبود آن کسی که سرزمین کربلا او را در بر گرفته تو را نمی آفریدم پس آرام، خاموش، متواضع و خاشع باش هرگز به زمین کربلا فخر فروشی مکن و گر نه تو را در زمین فرو می برم و در آتش جهنم سرنگونت می نمایم.

و قال علی بن الحسین علیه السلام اتَّخَذَ اللَّهُ أَرْضَ كَرْبَلَا حَرَمًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا بَارِعَةَ عَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ وَ أَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ. خداوند زمین کربلا را حرم قرار داد ۲۴ هزار سال قبل از آنکه مکه را حرم قرار دهد، و آن زمین میدرخشد برای مردم بهشت مانند ستاره درخشان .

و عن ابی جعفر علیه السلام قال خلق الله کربلا قبل ان یخلق الکعبة باریعة عشرين الف عام و قدسها و بارک علیها فما زالت قبل ان یخلق الله الخلق مقدسة و مباركة و لاتزال كذلك و جعلها الله افضل الارض فی الجنة . امام باقر علیه السلام می فرماید: خداوند کربلا را خلق کرد ۲۴ هزار سال قبل از آنکه کعبه را خلق نماید و آن زمین را مقدس نمود و برکت داد و قبل از آن خلق ننموده بود مقدسی و مبارکی مانند آن زمین و خداوند زمین کربلا را در بهشت افضل زمینها قرار داده است .

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : یقبر ابني بأرض یقال لها کربلا هی البقعة الّتی کانت فیها قبّة الاسلام نجا الله الّتی علیها المؤمنین الذّین آمنوا مع نوح فی الطّوفان . پیامبر خدا (ص) فرمود: پسر من حسین در سرزمینی به خاک سپرده می شود که به آن کربلا گویند، زمین ممتازی که همواره گنبد اسلام بوده است، چنانکه خدا یاران مومن حضرت نوح را در همانجا از طوفان نجات داد.

فضیلت زیارت حضرت اباعبدالله الحسین (ع)

دراهمیت حائر مقدّس اباعبدالله علیه السّلام همین بس که نمازدرحرم و رواق امام حسین (ع) و مسجد متصل به آن تمام است.

چهار مسجد است که مسافر میتواند نماز را در آنها تمام بخواند در صورتی که غیر از آن جاها نماز قصر است ۱- مسجد الحرام ۲- مسجد النبی صلی الله علیه و آله ۳- مسجد کوفه ۴- حرم و رواق امام حسین (ع) و مسجد متصل به آن .

امام صادق علیه السّلام می فرماید : خدای تبارک و تعالی جلوتر از حاجیانی که در عرفات حاضرند برای زائران حسینی در کربلا تجلّی می نماید و حاجتها یشان را بر می آورد و گناهانشان را می آمرزد و شفاعت آنانرا در مورد خواسته هایشان می پذیرد سپس به اهل عرفه توجه می فرماید و نسبت به آنها نیز همچنین عمل می فرماید .

امام صادق علیه السّلام می فرماید : کسی که به زیارت قبر حسین علیه السّلام برود روز قیامت از آمنین نوشته می شود و کتابش (نامه عملش) بدست راستش داده می شود و در زیر پرچم امام حسین علیه السّلام است تا داخل بهشت شود و در کنار امام حسین علیه السّلام باشد خداوند عزیز حکم است.

امام صادق علیه السّلام می فرماید : بدرستی که چهار هزار فرشته کنار قبر حسین علیه السّلام گمارده شده اند که همگی آشفته موی و گردآلودند و بروی می گریند تا روز رستخیز و رئیس آنها فرشته ای است که او را منصور گویند (و کار آنها اینست که) نمی آید به زیارت آن حضرت هیچکس جز اینکه این فرشتگان او را استقبال می نمایند و از زیارت باز نمی گردد هیچ زائری مگر اینکه اینان او را بدرقه می کنند و مریض نشود زائری الا اینکه آنها او را عیادت می کنند و نمی میرد الا اینکه بر جنازه اش هنگام نماز حاضر شوند و براو نماز گزارند و برایش طلب آمرزش می کنند .

زراره می گوید به امام باقر علیه السّلام گفتم چه می گوئی درباره کسی که با وجود خطر به زیارت جدّت برود حضرت فرمود خداوند ایمن می کند او را در روز قیامت و ملائکه با شادی و بشاشت به استقبال آنها می روند و می گویند نترسید و اندوهگین نباشید امروز روز نجات شما است .

بدان که فضیلت زیارت امام حسین علیه السّلام از حیطه بیان بیرون است و در اخبار بسیار وارد شده که معادل حج و عمره و جهاد بلکه بالاتر و افضل است به درجات و باعث مغفرت و خفّت حساب و رفع درجات و اجابت دَعَوَات و موجب طول عمر و حفظ بدن و مال و زیادتی روزی و برآمدن حاجات و رفع هموم و کُرّبات است و ترك آن سبب نقصان دین و ایمان و ترك حق بزرگی از حقوق پیغمبر صلی الله علیه و آله است و کمتر ثوابی که به زائر آن قبر شریف رسد آن است که گناهانش آمرزیده

شود و آنکه حق تعالی جان و مالش را حفظ کند تا او را به اهل خود برگرداند و چون روز قیامت شود حق تعالی او را حافظتر خواهد بود از دنیا و در روایات بسیار است که زیارت آن حضرت غم را زایل می‌کند و شدت جان‌کندن و هول قبر را برطرف می‌کند و آنکه هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود حساب می‌شود برای او هر درهمی به هزار درهم بلکه به ده هزار درهم و چون رو به قبر آن حضرت برود چهار هزار ملك استقبال او می‌کنند و چون برمی‌گردد مشایعت او می‌نمایند و آنکه پیغمبران و اوصیای ایشان و ائمه معصومین و ملائکه سلام الله علیهم أجمعین به زیارت آن حضرت می‌آیند و دعا برای زوار آن حضرت می‌کنند و ایشان را بشارتها می‌دهند و حق تعالی نظر رحمت می‌فرماید بسوی زائرین امام حسین علیه السلام بیش از اهل عرفات و آنکه هر کسی در روز قیامت آرزو می‌کند که کاش زوار آن حضرت بود از بس که مشاهده می‌کند از کرامت و بزرگواری ایشان در آن روز و روایات در این باب بی حد است در اینجا اکتفا می‌کنیم به ذکر يك روایت که ابن قولویه و کلینی و سید بن طاوس و دیگران روایت کرده اند به سندهای معتبره از ثقه جلیل القدر معاویه بن وهب بجلی کوفی که گفت: يك وقتی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم دیدم آن حضرت را که در مصلای خویش مشغول نماز است نشستم تا نمازش تمام شد پس شنیدم که مناجات می‌کرد با پروردگار خود و می‌گفت ای خداوندی که مخصوص گردانیده ای ما را به کرامت و وعده داده ای ما را شفاعت و علوم رسالت را به ما داده ای و ما را وارث پیغمبران گردانیده ای و ختم کرده به ما امت‌های گذشته را و ما را مخصوص به وصیت پیغمبر گردانیده ای و علم گذشته و آینده را به ما عطا کرده ای و دل‌های مردم را بسوی ما مایل گردانیده ای إغْفِرْ لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ زُؤَارِ قَبْرِ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا. پیامرز مرا و برادران مرا و زیارت کنندگان قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام را آنان که خرج کرده‌اند مال‌های خود را و بیرون آورده اند از شهرها بدنهای خود را برای رغبت در نیکی ما و امید ثواب‌های تو در صله ما و برای شاد گردانیدن پیغمبر تو و اجابت نمودن ایشان امر ما را و برای خشمی که بر دشمنان داخل کرده اند و مراد ایشان خوشنودی تو است پس مکافات ده ایشان را از جانب ما به خشنودی و حفظ کن ایشان را در شب و روز و خلیفه ایشان باش در اهل و اولاد ایشان که در وطن خود گذاشته اند به خلافت نیکو و رفیق ایشان باش و دفع کن از ایشان شر هر جبار معاندی را و هر ضعیف و شدید از خلقت را و شر شیاطین جن و انس را و بده بر ایشان زیاده از آنچه امید دارند از تو در دور شدن از وطن‌های خود و در اختیار کردن ایشان ما را بر فرزندان و اهالی و خویشان خود خداوند دشمنان ما عیب کردند بر ایشان بیرون آمدن ایشان را به زیارت ما پس این مانع نشد ایشان را از عزم کردن و بیرون آمدن بسوی ما از روی مخالفت ایشان فَأَزَحِمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي غَيَّرْتُهَا الشَّمْسُ وَ أَزَحِمْ تِلْكَ الْحُدُودَ الَّتِي ثَقُلْتُ عَلَى قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. پس رحم کن آن روها را که آفتاب متغیر گردانیده است و رحم کن گونه‌های

روی ایشان را که می‌گردانند و می‌مالند بر قبر امام حسین علیه السلام و رحم کن آن دیده‌ها را که گریه‌شان جاری شد از ترحم بر ما و رحم کن آن دلها را که جزع کرده‌اند و سوخته‌اند از برای مصیبت ما و رحم کن آن فغانها را که در مصیبت ما بلند کرده‌اند، خداوندا آن جانها و آن بدنها را بتو می‌سپارم تا سیراب گردانی ایشان را از حوض کوثر در روز تشنگی، و پیوسته آن حضرت به این نحو دعا می‌کرد در سجده پس چون فارغ شد، گفتم آن دعا که من از شما شنیدم اگر در حق کسی می‌کردید که خدا را نمی‌شناخت گمان داشتم که آتش جهنم به او نرسد هرگز و الله که آرزو کردم که زیارت آن حضرت کرده بودم و حج نکرده بودم حضرت فرمود که چه بسیار نزدیکی تو به آن حضرت چه مانع است ترا از زیارت ای معاویه ترك زیارت مکن گفتم فدای تو شوم نمی‌دانستم که این قدر فضیلت دارد فرمود که ای معاویه آنها که برای زیارت کنندگان آن حضرت دعا می‌کنند در آسمان زیاده از آنهایند که دعا می‌کنند برای ایشان در زمین ترك مکن زیارت آن حضرت را از برای خوف از احدی که هر که از برای خوف ترك زیارت کند آنقدر حسرت برد که آرزو کند که کاش آنقدر می‌ماندم نزد قبر آن حضرت که در آنجا مدفون می‌شدم آیا دوست نمی‌داری که خدا ببیند ترا در میان آنها که دعا می‌کنند برای ایشان رسول خدا و علی و فاطمه و ائمه معصومین علیهم السلام آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که ملائکه در قیامت با ایشان مصافحه می‌کنند آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که در قیامت بیایند و هیچ گناه بر ایشان نباشد آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که در قیامت حضرت رسول صلی الله علیه و آله با ایشان مصافحه می‌کند

قال علی علیه السلام: واهّا لك ايتها التربة ليحشرنّ منك قوم يدخلون الجنة بغير حساب. امير المومنين عليه السلام خطاب به خاک کربلا فرمود: چه خوشبویی ای خاک! در روز قیامت قومی از تو بپا خیزند که بدون حساب و بی درنگ به بهشت روند.

قال علی بن الحسین علیه السلام: تزهّر أرض کربلا يوم القيامة كالکوکب الدّرّی وتنادی انا ارض الله المقدّسة الطّیبة المباركة التي تضمّنت سيد الشهداء و سيد شباب اهل الجنة. امام سجاد (علیه السلام) فرمود: زمین کربلا، در روز رستاخیز، چون ستاره مرواریدی می‌درخشد و ندا می‌دهد که من زمین مقدس خدایم، زمین پاک و مبارکی که پیشوای شهیدان و سالار جوانان بهشت را در بر گرفته است.

قال ابو عبدالله علیه السلام: ليس نبیّ فی السموات و الارض و الاّ یسألون الله تبارک و تعالی ان یوذن لهم فی زیارة الحسین (علیه السلام) ففوج ینزل و فوج یعرج. امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ پیامبری در آسمانها و زمین نیست مگر این که می‌خواهند خداوند متعال به آنان رخصت دهد تا به زیارت امام حسین (علیه السلام) مشرف شوند، چنین است که گروهی به کربلا فرود آیند و گروهی از آنجا عروج کنند.

آداب زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام

اول: سه روز روزه دارد پیش از آنکه از خانه بیرون رود و در روز سوّم غسل کند چنانکه حضرت صادق علیه السلام به صفوان دستور العمل دادند و بیاید در ذکر زیارت هفتم و شیخ محمد بن المشهدی در مقدّمات زیارت عیدین ذکر فرموده که چون اراده کنی زیارت آن حضرت را پس سه روز روزه بدار و روز سوّم غسل کن و اهل و عیال خود را بسوی خود جمع کن و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَوْدِعُكَ الْیَوْمَ نَفْسِیْ وَ اَهْلِیْ وَ مَالِیْ وَ وُلْدِیْ وَ کُلَّ مَنْ کَانَ مِنِّیْ بِسَبِیْلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَ الْغَائِبِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْاِیْمَانِ وَ احْفَظْ عَلَيْنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِیْ حِرْزِكَ وَ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَ لَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ وَ عَافِیَةٍ وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ اِنَّا اِلَيْكَ رَاغِبُوْنَ. آنگاه از منزل خود بیرون برو با حال خشوع و بسیار بگو لا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ، و ثنای خداوند و صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم بفرست و راه بیفت به آرامی و وقار (و روایت شده که: حق تعالی خلق می کند از عرق زوّار قبر امام حسین علیه السلام از هر عرقی هفتاد هزار ملک که تسبیح می کنند خدای تعالی را و استغفار می کنند برای او و برای زوّار امام حسین علیه السلام تا آنکه روز قیامت برپا شود)

دوم: از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: چون به زیارت امام حسین علیه السلام بروی زیارت کن آن حضرت را محزون و غمناک و ژولیده مو و غبار آلوده و گرسنه و تشنه که آن حضرت با این احوال شهید شده است و حاجات خود را طلب نما و برگرد و آن را وطن خود قرار مده.

سوم: آنکه در سفر زیارت آن حضرت توشه را از چیزهای لذیذ مانند بریانی و حلواها قرار ندهد و خوراک خود را نان با لبن یعنی شیر یا ماست قرار دهد (از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود: شنیده ام که جماعتی به زیارت امام حسین علیه السلام می روند و با خود سفره ها برمی دارند که در آنها بزغاله های بریان و حلواها هست و اگر به زیارت قبر پدران یا دوستان خود بروند اینها را با خود برنمی دارند) (و در حدیث معتبر دیگر منقول است که: آن حضرت به مفضل بن عمر فرمود که زیارت کنید امام حسین علیه السلام را بهتر از آن است که زیارت نکنید و زیارت نکنید بهتر از آن است که زیارت کنید مفضل گفت پشت مرا شکستی فرمود که و الله اگر به زیارت قبر پدران خود بروید اندوهگین و غمناک می روید و به زیارت آن حضرت که می روید سفره ها با خود برمی دارید بلکه می باید ژولیده مو و گرد آلود بروید) (شیخ کلینی رحمه الله علیه روایت کرده که: بعد از شهادت امام حسین علیه السلام زوجه کلبیه آن حضرت اقامه ماتم نمود برای آن حضرت و گریست و گریستند سایر زنها و خدمتکاران تا حدّی که اشکهای آنها خشک شد و دیگر اشکشان نیامد پس از يك جایی برای آن مخدّره هدیه فرستادند جونی که معنی آن را مرغ قطا گفته اند برای آنکه از خوردن آن قوّتی بگیرند در گریستن بر امام حسین علیه السلام چون آن محترمه آن را دید پرسید این چیست

گفتند هدیه ای است که فلانی فرستاده برای شما که استعانت بجوئید به آن در ماتم حسین علیه السلام فرمود لَسْنَا فِي عَرَسٍ فَمَا نَصْنَعُ بِهَا مَا كَهَ فِي عَرُوسٍ نَيْسْتِمُ مَا رَا چِه به این خوراك پس امر فرمود آن را از خانه بیرون بردند)

چهارم: از چیزهایی که در سفر زیارت امام حسین علیه السلام مندوب است تواضع و فروتنی و خشوع و راه رفتن مانند بنده ذلیل پس کسانی که در طریق زیارت آن حضرت سوار می شوند بر این مراکب جدید که به قوه بخار سرعت حرکت می نمایند و امثال آن باید خیلی ملتفت خود باشند که تجرّ و تکبر نکنند و بر سایر زائرین و بندگان خدا که بسختی و مشقّت به کربلا می روند بزرگی ننمایند و آنها را به چشم حقارت نظر نکنند علماء در احوال اصحاب کُهِف نقل کرده اند که آنها از مخصوصین دقیانوس و بمنزله وزرای او بودند وقتی که حق تعالی رحمت خود را شامل حال آنها فرمود و بفکر خدا پرستی و اصلاح کار خود برآمدند صلاح خود را در این دیدند که از مردم کناره گیرند و در غاری مأوی گرفته به عبادت خدا مشغول شوند پس سوار بر اسبها شده و از شهر بیرون آمدند همین که سه میل راه رفتند تملیخا که یکی از آنها بود گفت یا إخوانه جاءت مسكنة الآخرة و ذهب ملك الدنيا انزلوا عن خيولكم و امشوا على أرجلكم. ای برادران این راه راه آخرت است و باید بنحو فقری و مسکنت رفت و ملک و ریاست دنیا را باید کنار گذاشت اکنون از اسبها باید پیاده شوید و با پای پیاده به درگاه حق تعالی بروید تا شاید پروردگار شما بر شما رحم نماید و گشایشی در امر شما نصیب شما فرماید پس همگی از اسبهای خویش پیاده شدند و در آن روز آن محترمین معظّمین با پای پیاده هفت فرسخ راه رفتند تا آنکه پاهای ایشان مجروح شد و خون از آنها متقاطر گردید پس زائرین این قبر مطهر این مطلب را در نظر داشته باشند و هم بدانند که هر چه در این راه شخص برای خدا تواضع کند باعث رفعت مقام او خواهد شد (و لهذا در آداب زیارت آن جناب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: هر که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود پیاده حق تعالی بنویسد از برای او به عدد هرگامی هزار حسنه و محو می کند از او هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت هزار درجه) پس چون به شط فرات برسی غسل کن و پاهای خود را برهنه کن و نعلهای خود را در دست خود بگیر و راه رو مانند راه رفتن بنده ذلیل

پنجم: آنکه اگر در بین راه زوّار پیاده دید که وامانده و خسته شده و از او استعانتی خواست تا ممکن شود در کار او اهتمام نموده و او را به منزل برساند و مبادا با او استخفاف و بی اعتنائی نماید (شیخ کلینی به سند معتبر از ابو هارون روایت کرده که: من حاضر بودم در خدمت حضرت صادق علیه السلام که فرمود به مردمی که در نزد او بودند چه شده از برای شما که استخفاف می نمائید به ما پس برخاست از بین آنها مردی از اهل خراسان و گفت پناه می بریم به خدا از آنکه ما استخفاف کنیم به شما یا به چیزی از امر شما فرمود آری تو خودت یکی از آن اشخاص هستی که سبک

شمردی و خوار نمودی مرا آن مرد گفت پناه می‌برم به خدا که من خوار نموده باشم شما را فرمود وای بر تو آیا نشنیدی فلان کس را در وقتی که نزدیک به جحفه بودیم با تو گفت مرا بقدر یک میل سوار کن که به خدا سوگند من خسته شدم به خدا سوگند که تو سر بسوی او بلند نکردی و استخفاف به او نمودی و هر کسی که مؤمنی را خوار نماید ما را خوار نموده و حرمت خدا را ضایع کرده)

ششم: از ثقه جلیل القدر محمد بن مسلم مروی است که به حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که چون ما به زیارت پدرت حسین بن علی علیهما السلام می‌رویم آیا نه چنان است که در حجیم فرمود بلی گفت پس بر ما لازم است آنچه بر حاجیان لازم است فرمود که بر تو لازم است که نیکو مصاحبت بنمایی با هر که رفیق تو است و بر تو لازم است که کم سخن بگویی مگر سخن خیر و لازم است بر تو که یاد خدا بسیار بکنی و لازم است که جامه‌های پاکیزه باشد و لازم است که غسل کنی پیش از آنکه داخل حایر شوی و لازم است که با خشوع و رقت باشی و نماز بسیار بکنی و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و باید که خود را نگاه داری از چیزهایی که سزاوار نیست تو را و باید که دیده خود را از حرام و شبهه بیوشانی و احسان به برادران مؤمن پریشان خود بکنی و اگر کسی را ببینی که خرجیش تمام شده او را دستگیری کنی و خرجی خود را میان خود و ایشان برابر قسمت کنی و لازم است بر تو تقیه که قوام دین تو به آن است و پرهیزکاری از چیزهایی که خدا از آنها نهی کرده است و ترك کنی خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله و منازعه که در آن قسم باشد پس چون چنین کنی تمام می‌شود ثواب حج و عمره از برای تو و مستوجب می‌شوی از جانب آن کسی که طلب ثواب او کرده به مال خرج کردن و از اهل خود دور افتادن اینکه برگردی به آمرزش گناهان و رحمت و خوشنودی خدا)

هفتم: (در روایت ابو حمزه ثمالی از حضرت صادق علیه السلام در باب زیارت امام حسین علیه السلام منقول است که: چون به نینوا رسیدی بارهای خود را در آنجا بگذار و روغن بر خود ممال و سرمه مکش و گوشت مخور مادامی که در آنجا مقیم می‌باشی)

هشتم: غسل به آب فرات است که روایات در فضیلت آن بسیار است (در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هر که غسل کند به آب فرات و زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را از گناهان خالی شود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و اگر چه گناهان کبیره بوده باشد) و روایت شده که: خدمت آن حضرت عرض شد که بسا شود که ما به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برویم و دشوار باشد بر ما غسل زیارت بسبب سرما یا غیر آن فرمود که هر که غسل کند در فرات و زیارت کند حسین علیه السلام را نوشته شود برای او از فضیلت آنقدر که به شماره در نیاید (و از بشیر دهان روایت است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که: هر که به زیارت قبر حسین بن علی

علیهما السَّلام برود پس وضو بگیرد و غسل کند در فرات بر ندارد قدمی و نگذارد قدمی مگر آنکه بنویسد حق تعالی برای او حج و عمره) (و در بعضی روایات است که: غسل کن از فرات از موضعی که برابر قبر آن حضرت واقع شود) و خوب است چنانکه از بعضی روایات استفاده می‌شود چون به فرات برسد صد مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ و صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت بفرستد

نهم: چون خواستی داخل حایر مقدّس شوی از دری که در جانب مشرق واقع است داخل شو چنانکه حضرت صادق علیه السَّلام به یوسف کناسی فرمودند
دهم: (در روایت ابن قولویه است که: حضرت صادق علیه السَّلام به مفضل بن عمر فرمود که ای مفضل چون برسی به قبر امام حسین علیه السَّلام بر در روضه بایست و این کلمات را بخوان که ترا به هر کلمه نصیبی از رحمت الهی خواهد بود:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ اَدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُوسٰی کَلِیْمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِیْسٰی رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیْبِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عَلِیِّ وَصِیِّ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرّضِیِّ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیْهَا الشَّهِیدُ الصّٰدِقُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیْهَا الْوَصِیُّ الْبَارُ التَّقِیُّ اَلسَّلَامُ عَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَ اَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ اَلسَّلَامُ عَلَی مَلَائِكَةِ اللّٰهِ الْمُحَدِّقِیْنَ بِكَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ اَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ عَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصًا حَتّٰی اَتَاكَ الْیَقِیْنُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

پس بسوی قبر روانه می‌شوی و به هر قدمی که بر می‌داری یا می‌گذاری مثل ثواب کسی داری که در خون خود دست و پا زده باشد در راه خدا پس چون به نزدیک قبر برسی دست بر قبر بمال و بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ فِيْ اَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ پس می‌روی و متوجه نماز می‌شوی و به هر رکعت که می‌کنی نزد آن حضرت مثل ثواب کسی داری که حج و عمره هزار مرتبه کرده باشد و هزار بنده را آزاد کرده باشد و هزار مرتبه از برای خدا به جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل) الخبر

یازدهم: (از ابو سعید مدائنی منقول است که گفت: رفتم به خدمت حضرت صادق علیه السَّلام و پرسیدم که بروم به زیارت قبر حسین علیه السَّلام فرمود بلی برو زیارت قبر حسین علیه السَّلام فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله نیکترین نیکان و پاکیزه ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران و چون آن حضرت را زیارت کنی نزد سر آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت امیر المؤمنین علیه السَّلام را بخوان و نزد پاهای آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه علیها السَّلام را بخوان پس نزد آن حضرت دو رکعت نماز بکن و در آن دو رکعت سوره یس و اَلرَّحْمٰن بخوان

پس چون چنین کنی ثواب عظیم از برای تو خواهد بود گفتم فدای تو شوم تسبیح علی و فاطمه علیهما السلام را به من بیاموز فرمود بلی ای ابو سعید تسبیح علی علیه السلام این است
 سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفْتَنِي مَا عِنْدَهُ
 سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا
 انْقِطَاعَ لِمَدْيَتِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام این است سُبْحَانَ
 ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ
 الْقَدِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ
 النَّمْلِ فِي الصَّفَا وَوَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ .

دوازدهم: آنکه نماز فریضه و نافله را نزد قبر امام حسین علیه السلام بجا آورد زیرا که نماز نزد آن حضرت مقبول است سید بن طاوس گفته که جدّ و جهد کن که از تو فوت نشود فریضه و نافله در حایر شریف همانا (روایت شده که: نماز واجبی نزد آن حضرت برابر است با حج و نماز نافله با عمره) (و در روایت معتبری از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هر که زیارت کند آن حضرت را و دو رکعت نماز یا چهار رکعت نزد آن حضرت بکند ثواب حج و عمره برای او نوشته شود) و آنچه از اخبار ظاهر می شود آن است که نماز زیارت و غیر آن را در عقب قبر آن حضرت و در بالا سر کردن هر دو خوب است و اگر در بالا سر کند عقبتر بایستد که محاذی اصل قبر مقدس نباشد (و در روایت ابو حمزه ثمالی است از حضرت صادق علیه السلام که: در نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بگزارد در رکعت اول سوره حمد و سوره یس بخوان و در رکعت دوم سوره حمد و سوره الرّحمن بخوان) و اگر خواهی در پشت قبر نماز را بکن و در بالای سر بهتر است و چون فارغ شوی نماز کن آنچه خواهی و اما این دو رکعت نماز زیارت ناچار است نزد هر قبری که زیارت کنند و ابن قولویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که به شخصی فرمود ای فلان چه مانع است ترا که هرگاه حاجتی برای تو روی دهد بروی نزد قبر حسین صلوات الله علیه و چهار رکعت نماز گزاری نزد او پس حاجت خود را بطلبی بدرستی که نماز فریضه نزد آن حضرت معادل است با حج و نماز نافله معادل است با عمره) سیزدهم: بدان که عمده اعمال در روضه مطهره امام حسین علیه السلام دعا است زیرا که اجابت دعا در تحت آن قبّه سامیه یکی از چیزهایی است که در عوض شهادت حق تعالی به آن حضرت لطف فرموده و زائر باید آن را غنیمت دانسته در تضرّع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در طی زیارات آن حضرت ادعیه بسیاری با مضامین عالیّه وارد شده است آنها را بخواند امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ فرشته‌ای در آسمانها و زمین نیست مگر این که می خواهد خداوند متعال به او رخصت دهد تا به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شود، چنین است که همواره فوجی از فرشتگان به کربلا فرود آیند و فوجی دیگر عروج کنند و از آنجا اوج گیرند.

زیارت امام حسین علیه السلام

زیارات چندی نقل شده است که از بین آنها مازیرت هفتم مفاتیح الجنان را انتخاب کردیم
 شیخ در مصباح روایت کرده از صفوان جمال که گفت: رخصت طلبیدم از حضرت صادق علیه السلام
 برای زیارت مولایمان حسین علیه السلام و استدعا کردم که ذکر کند برای من دستور العملی در
 زیارت آن حضرت که به آن نحو رفتار بکنم فرمود ای صفوان روزه بدار سه روز پیش از حرکت خود و
 غسل کن در روز سوم پس جمع کن اهل و عیال خود را بنزد خود و بگو: اَللّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الدُّعَاءَ
 پس دعایی تعلیم او فرموده که بگوید در وقتی که به فرات برسد آنگاه فرموده پس غسل کن از فرات
 بدرستی که پدرم خبر داد مرا از پدرانش علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود همانا
 این پسر من حسین کشته خواهد شد بعد از من در کنار فرات پس هر که زیارت کند او را و غسل کند
 از فرات بریزد از او گناهان او مانند روزی که مادر او را متولد کرده پس هر گاه غسل کنی در اثناء
 غسل بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَ طَهُورًا وَ حِزًّا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ
 اَللّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَ سَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي. و چون از غسل فارغ شوی بیوش دو جامه
 طاهر و دو رکعت نماز کن در بیرون مشرعه که آن همان مکانی است که حق تعالی در شأن او
 فرموده و در زمین قطعه‌ها است نزدیک به یکدیگر و بوستانها است از انگورها و کشتزارها است و
 خرماستانها است دو تا از یک بیخ رسته و غیر دو تا از یک بیخ رسته آب خورده می‌شوند به یک آب و
 زیادتی می‌دهیم بعضی از آنها را بر بعضی. در میوه پس چون از نماز فارغ شوی روانه شو به جانب
 حایر به حال آرامی و وقار و کوتاه بردار گامهای خود را. پس بدرستی که خداوند تعالی می‌نویسد از
 برای تو به هر گامی که برمی‌داری حج و عمره و راه برو با دل خاشع و دیده گریان و بسیار کن ذکر
 اَللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ ثَنَا بِرِسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ صَلَوَاتِ بِرِ حُسَيْنِ
 صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بِالْخُصُوصِ وَ بَسْمِ اللَّهِ أَنْ حَضَرَ وَ بِيْزَارِي جَسْتَنَ مِنْ كَسَانِي كَهْ دَرِ
 اول پایه ظلم و جور را بر اهل بیت گذاشتند پس هرگاه رسیدی به در حایر بایست و بگو:

اَللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بَكْرَةً وَ أَصِيلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ
 مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ .

پس بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ
 سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ أَمِيرِ

الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَقَامِ الشَّرِيفِ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُحَدِّقِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ مَتَى أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ .

پس می گوئی :

السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ الْمَقَرُّ بِالرَّقِّ وَالتَّارِكُ لِلْخِلَافِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوَالِي لَوْلِيِّكُمْ وَالْمُعَادِي لِعَدُوِّكُمْ قَصَدَ حَرَمَكَ وَاسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقَصْدِكَ أَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَأَدْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَأَدْخُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَأَدْخُلُ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ أَأَدْخُلُ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَأَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَأَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ .

پس اگر دلت خاشع و دیدہات گریان شد پس آن علامت رخصت است پس داخل شو و بگو :
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ .

پس می روی تا در قبه مطهره و بایست محاذی بالای سر و بگو :

السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [وَلِيُّ اللَّهِ] السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُؤْتَوِّرَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مُدْلِهَمَاتِ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَاعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَآءِهِ وَرُسُلِهِ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ عَلَى أَجْسَادِكُمْ وَ عَلَى أَجْسَامِكُمْ وَ عَلَى شَاهِدِكُمْ وَ عَلَى غَائِبِكُمْ وَ عَلَى ظَاهِرِكُمْ وَ عَلَى بَاطِنِكُمْ .

پس بیانداز خود را بر قبر و ببوس آن را و بگو :

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتِ
الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ
تَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَصَدْتُ حَرَمَكَ وَ أَتَيْتُ إِلَى مَشْهَدِكَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ
الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ وَ بِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ يَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي
مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ .

پس برخیز و دو رکعت نماز در بالای سر بگزار بخوان در آن دو رکعت هر سوره ای که خواهی پس
چون از نماز فارغ شدی بگو :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ صَلَّيْتُ وَ رَكَعْتُ وَ سَجَدْتُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِاَنَّ الصَّلَاةَ وَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ
لَا يَكُوْنُ اِلَّا لَكَ لِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَبْلِغْهُمْ عَنِّيْ
اَفْضَلَ السَّلَامِ وَ النَّحِيَةِ وَ اَزِدْهُمْ عَلَى مِنْهُمْ السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ وَ هَاتَانِ الرَّكَعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّيْ اِلَى
مَوْلَايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِ وَ تَقَبَّلْ مِنِّيْ وَ اَجْرِنِيْ
عَلَى ذَلِكَ بِاَفْضَلِ اَمَلِيْ وَ رَجَائِيْ فِيكَ وَ فِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ .

زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام

پس برخیز و برو پایین پای قبر آن حضرت و بایست نزد سر حضرت علی اکبر علیه السلام و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيْرِ
الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهِيدُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
اَيُّهَا الْمَظْلُوْمُ وَ ابْنِ الْمَظْلُوْمِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ .

پس بیفکن خود را بر قبرش و ببوس آن را و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَلِيِّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَ جَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى
جَمِيعِ الْمُسْلِمِيْنَ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ اُبْرَأُ اِلَى اللَّهِ وَ اِلَيْكَ مِنْهُمْ .

زیارت حبیب بن مظاهر رحمه الله

حبیب بن مظاهر اسدی فرمانده جناح چپ لشکر امام حسین علیه السلام بود (زهیر بن قین فرمانده
جناح راست)

حبیب بن مظاهر (ره) در رواق جنوب غربی با لای سرمبارک است

زیارت کن حبیب بن مظاهر را و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَا مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الْغَرِيبُ الْمُوَاسِي أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَنَصَرْتَ الْحُسَيْنَ بْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَوَأَسَيْتَ بِنَفْسِكَ وَبَدَلْتَ مُهْجَتَكَ فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ
السَّلَامُ التَّامُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَمَرُ الزَّاهِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ بْنَ مَظَاهِرِ الْأَسَدِيِّ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

قبر حبیب بن مظاهر بین محلّ دفن امام حسین علیه السّلام و قتلگاه واقع شده است .

زیارت وداع امام حسین علیه السلام

هنگامی که سفر به پایان رسید و خواستی وداع کنی با امام حسین علیه السلام پس برگرد به سوی مشهد حسین علیه السلام و بمان در نزد آن حضرت آنچه خواهی مگر آنکه مستحب است آنجا را مکان بیتوته یعنی خوابگاه قرار ندهی و چون خواهی وداع کنی آن حضرت را بایست در نزد سر و گریه کن و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُودَعٍ لَا قَالٍ وَلَا سَيِّمٍ فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَإِنْ أَقِمَ فَلَا
عَنْ سُوءٍ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ يَا مَوْلَايَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ وَرَزَقَنِي
الْعُودَ إِلَيْكَ وَ الْمَقَامَ فِي حَرَمِكَ وَ الْكُونَ فِي مَشْهَدِكَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

پس ببوس ضریح را و جمیع بدن خود را بر آن بمال بدرستی که آن باعث امان و حرز تو است و بیرون برو از نزد آن حضرت بطوری که رویت به جانب قبر باشد و پشت بر او مکن و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ الْمَقَامِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْخِصَامِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْحَرَمِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَبَدًا مَا بَقِيََتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ بَغَوْا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاْجِعُونَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

پس برو بیرون و سید بن طاوس و محمد بن المشهدی گفته اند پس در وقتی که چنین کردی مثل کسی مانی که زیارت کرده خدا را در عرش

قتلگاه امام حسین علیه السلام

در ورودی قتلگاه در رواق جنوبی نزدیک ضریح حبیب بن مظاهراست که دارای پنجره است و از بیرون رواق هم پنجره دارد که شیفتگان ولایت و امامت آنجا را زیارت میکنند

حضرت سید ابراهیم مجاب علیه السلام

در رواق شمال غربی حرم امام حسین علیه السلام قبر سید ابراهیم المجاب ابن محمد العابد بن الامام موسی بن جعفر علیه السلام قرار دارد که ضریح برنجی دارد. و از نکات جالب اینکه کسانی که می خواهند ترک سیگار نمایند چند نخ آخرین سیگار خود را در این ضریح می اندازند و عهد می بندند که دیگر سیگار نکشند (ولیکن امروزه بهداشت محل اجازه چنین کاری را نمیدهد، توصیه ما اینست که سیگارهای بقصد ترک سیگار پاکت سیگار خود را محاله کنند و بیرون از حرم داخل سطل زباله بریزند)

سید ابراهیم المجاب را می شود به این زیارت که از برای امام زادگان نقل شده زیارت کرد و گفت :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا السَّیِّدُ الرَّکِیُّ الطَّاهِرُ الْوَلِیُّ وَالِدَاعِیُّ الْحَفِیُّ اَشْهَدُ اَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَنَطَقْتَ حَقًّا وَ صَدِّقًا وَ دَعَوْتَ اِلَى مَوْلَایَ وَمَوْلَاکَ عَلَانِیَّةً وَسِرًّا فَارْتَمَبْتُکَ وَ نَجِیُّ مَصْدَقُکَ وَ حَابٌ وَ خَسِرٌ مُکَدِّ بَکَ وَالْمُتَخَلِّفُ عَنْکَ اِشْهَدُ لِی بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ لِأَكُوْنَ مِنَ الْفَائِزِیْنَ بِمَعْرِفَتِکَ وَ طَاعَتِکَ وَ تَصَدِیقِکَ وَ اتِّبَاعِکَ وَ السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا سَیِّدِی وَ ابْنَ سَیِّدِی اَنْتَ بَابُ اللّٰهِ الْمُوْتِی مِنْهُ وَالْمَأْخُوْذُ عَنْهُ اَتِیْتُکَ زَائِرًا وَ حَاجَاتِی لَکَ مُسْتَوْدِعًا وَ هَا اَنَا ذَا اَسْتَوْدِعُکَ دِیْنِیَ وَ اَمَّا نَتِی وَ خَوَاتِیْمَ عَمَلِی وَ جَوَامِعَ اَمَلِی اِلَى مُنْتَهَیْ اَجَلِی وَ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُہُ .

(واضافه میکنی) وَ السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا سَیِّدِ اِبْرَاهِیْمَ الْمُجَابِ ابْنَ مُحَمَّدٍ الْعَابِدِ ابْنَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَیْہِ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُہُ.

ایضا می شود به این زیارت که از برای اولاد ائمه علیهم السلام نقل شده زیارت کرد و گفت :

اَلسَّلَامُ عَلَیْ جَدِّکَ الْمُصْطَفَی السَّلَامُ عَلَیْ اَبِیْکَ الْمُرْتَضَی الرَّضَا السَّلَامُ عَلَی السَّیِّدِیْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ السَّلَامُ عَلَی خَدِیجَةِ اُمِّ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ السَّلَامُ عَلَی فَاطِمَةَ اُمِّ الْاَیْمَةِ الطَّاهِرِیْنَ السَّلَامُ عَلَی النُّفُوسِ الْفَاخِرَةِ بُحُورِ الْعُلُومِ الرَّاخِرَةِ شَفَعَائِی فِی الْاٰخِرَةِ وَ اَوَّلِیَائِی عِنْدَ عَوْدِ الرُّوْحِ اِلَى الْعِظَامِ النَّاخِرَةِ اَیْمَةُ الْخَلْقِ وَ وِلَاةُ الْخَلْقِ السَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِیْفُ الطَّاهِرُ الْکَرِیْمُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُہُ وَ مُصْطَفَاہُ وَ اَنَّ عَلِیًّا وَلِیُّہُ وَ مُجْتَبَاہُ وَ اَنَّ الْاِمَامَةَ فِی وُلْدِہِ اِلَى یَوْمِ الدِّیْنِ نَعْلَمُ ذَالِکَ عِلْمَ الْیَقِیْنِ وَ نَحْنُ لَذَلِکَ مُعْتَقِدُوْنَ وَ فِی نَصْرِہِمُ مُجْتَهِدُوْنَ. (واضافه میکنی) وَ السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا سَیِّدِ اِبْرَاهِیْمَ الْمُجَابِ ابْنَ مُحَمَّدٍ الْعَابِدِ ابْنَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَیہِ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُہُ.

تبصره :

پدر بزرگوار سید ابراهیم مجاب یعنی امام زاده سید محمد عابد در کاخک گناباد ایران مدفون است

زیارت شهدای کربلا

پس متوجه سایر شهدا شو که پس از مقبره علی اکبر علیه السلام مدفون هستند هم از داخل حرم و هم از داخل راهرو پنجره دارد و اسامی آنها روی ضریحی که امروزه بعنوان مدفن شهدا است روی تابلو بزرگی نوشته شده است :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَوْلِيَاءَ اللّٰهِ وَ اَحْبَاءَهُ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَصْفِيَاءَ اللّٰهِ وَ اَوْدَاءَهُ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَنْصَارَ دِیْنِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَنْصَارَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَلِيِّ (الزَّكِيِّ) النَّاصِحِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَنْصَارَ اَبِی عَبْدِ اللّٰهِ بِاَبِی اَنْتُمْ وَ اُمِّی طِبْنُكُمْ وَ طَابَتْ الْاَرْضُ الَّتِیْ فِیْهَا دُفِنْتُمْ وَ فُرْتُمْ فَوْزًا عَظِیْمًا فِیَا لَیْتَنِیْ كُنْتُ مَعَكُمْ فَاَفُوزَ مَعَكُمْ

پس برگرد به بالاسر حضرت امام حسین علیه السلام و دعا بسیار کن از برای خود و از برای اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود زیرا که در آن روضه مطهره رد نمی‌شود دعاء دعا کننده و نه سؤال سؤال کننده.

مدفن واسامی شهدا و یاران امام حسین علیه السلام

در قسمت شرق ضریح (پایین پای قبر سیدالشهدا(ع) در ناحیه جنوبی آن دیواری است که پنجره نقره ای بر آن نصب گردیده است و نشانه حفره ای است که بیش تر شهدای کربلا به دست قبیله بنی اسد در آن جا دفن شدند.) بالای آن دیوار بلند کتیبه ای است در قالب کاشی های آبی رنگ و نوشته های سفید (تابلو جدید فرق کرده) که اسامی همه شهدای کربلا در آن جا نوشته شده است. (چه آن ها که در آن مکان شریف دفن شده اند و چه آنانی که توسط خویشاوندان خود از کربلا بیرون برده شدند و در روستاها دفن شدند، همانند عون بن عبدالله بن جعفر و حر بن یزید ریاحی. در این جا به ذکر اسامی آن شهیدان و الامقام می پردازیم:

- ۱ - علی بن حسین بن علی (الاکبر). ۲ - عبدالله الرضیع بن حسین بن علی. ۳ - جعفر بن علی (عقیل) بن ابی طالب. ۴ - محمد الاصر بن علی بن ابی طالب. ۵ - قاسم بن الحسن بن علی. ۶ - عبدالله بن الحسن بن علی. ۷ - عبدالله بن علی بن ابی طالب. ۸ - عثمان بن علی بن ابی طالب.
- ۹ - ابراهیم بن الحسین الازدی. ۱۰ - ابوالحتوف العجلانی (ابوالحتوف بن الحارث العجلانی). ۱۱ - ابوالشعثاء الکندی. ۱۲ - ابوبکر بن الحسن الزکی. ۱۳ - ابوبکر بن علی بن ابی طالب. ۱۴ - ابو ثمامه عمر العائدی، (ابو ثمامه الصائدی). ۱۵ - ادهم بن امیه العبدی. ۱۶ - الحارث بن امرؤ القیس.

۱۷ - الحجاج بن المسروق الجعفی. ۱۸ - الحر بن یزید الریاحی الیربوعی التمیمی. ۱۹ - الحرث بن نبهان (الحارث بن بنهان). ۲۰ - الحلاس (الجلال) بن عمرو الراسبی. ۲۱ - الخباب بن عامر (حاباب بن عامر). ۲۲ - الضرغامه بن مالک الثعلبی. ۲۳ - القاسم بن حبيب الازدی. ۲۴ - الموقع بن ثمام (ثمامه) الاسدی. ۲۵ - الهفاف بن المهند الراسبی. ۲۶ - ام وهب بنت عبد (النمرية). ۲۷ - امیه بن سعد الطائی. ۲۸ - انیس بن معقل الاصجعی. ۲۹ - اسلم بن عمرو الترمکی (غلام ابی عبدالله (ع)). ۳۰ - انس بن الحارث الکاهلی. ۳۱ - بریر بن خضر الهمدانی (بریر بن حضیر الهمدانی). ۳۲ - بشر بن عمرو الحضرمی. ۳۳ - بکربن حی التمیمی. ۳۴ - جابر بن الحجاج. ۳۵ - جبلة بن علی الشیبانی. ۳۶ - جعفر بن عقیل بن ابی طالب. ۳۷ - جنادة (جابر) بن الحارث السلمانی. ۳۸ - جندب بن حجير الكندی. ۳۹ - جندة (الجنادة) بن كعب الانصاری. ۴۰ - جون بن حوی (غلام ابی ذر). ۴۱ - جوین بن مالک التمیمی. ۴۲ - حبشی بن قیس (بن سلمة) النهمی. ۴۳ - حبيب بن مظاهر. ۴۴ - حجاج بن زید السعدی. ۴۵ - حنظلة بن أسعد الشامی. ۴۶ - حنظلة بن عمرو الشیبانی. ۴۷ - خالد بن عمرو بن خالد. ۴۸ - رافع بن عبدالله الاسدی. (رافع بن عبیدالله). ۴۹ - زاهر بن عمر الکندی (زاهر غلام عمر بن الحمق). ۵۰ - زهير بن القين البجلي، (زهير بن القيم البجلي). ۵۱ - زهير بن سليم الاسدی. ۵۲ - زیاد بن ابوعمره. ۵۳ - زیاد بن غریب الصائدی. ۵۴ - زید بن معقل الجعفی. ۵۵ - سالم بن عمرو الکلبی. ۵۶ - سالم مولی عامر. ۵۷ - سعد بن الحارث الانصاری. ۵۸ - سعد بن الحرث الخزاعی (غلام علی بن ابی طالب (ع)). ۵۹ - سعد بن عبدالله الحنفی. ۶۰ - سعد بن عبدالله (سعيد بن عبدالله). ۶۱ - سلمان (سليمان) بن مضارب الجبلی. ۶۲ - سليمان بن رزين. ۶۳ - سوار بن منعم النهتمی. ۶۴ - سويد بن عمرو الخثعمی. ۶۵ - سيف بن الحارث الجابری. ۶۶ - سيف بن مالك العبدی. ۶۷ - شبيب بن عبدالله النهشلی. ۶۸ - شبيب مولی الحارث الهمدانی. ۶۹ - شعبه بن حنظلة التمیمی. ۷۰ - شوزه (شوزب) مولی شاکر بن عبدالله الهمدانی. ۷۱ - عائد بن مجمع العائدی. ۷۲ - عابس بن شبيب الشاکری. ۷۳ - عامر بن مسلم العبدی. ۷۴ - عباد بن مهاجر. ۷۵ - عبدالاعلی بن یزید الکلبی. ۷۶ - عبدالرحمان الیزنی. ۷۷ - عبدالرحمان بن عبدالله بن الکدر الارحبی. ۷۸ - عبدالرحمان بن عبد ربه الانصاری الخزرجی. ۷۹ - عبدالرحمان بن عروة (عرره) الغفاری. ۸۰ - عبدالرحمان بن عقیل. ۸۱ - عبدالرحمان بن مسعود التمیمی. ۸۲ - عبدالله بن البشير (بشر) الخثعمی. ۸۳ - عبدالله بن عروة (عرزه) الغفاری. ۸۴ - عبدالله بن عمر الکلبی. ۸۵ - عبدالله بن مسلم بن عقیل. ۸۶ - عبدالله بن یقطر. ۸۷ - عبد (عبدالله) بن یزید العبدی. ۸۸ - عبید (عبیدالله) بن یزید العبدی. ۸۹ - عقبه بن الصلد (الصلت) الجهینی. ۹۰ - علی بن عقیل بن ابی طالب. ۹۱ - عمار بن ابی سلامة الدالانی. ۹۲ - عمار (بن الصلخب) الدالالی. ۹۳ - عمار (عامر) بن حسان الطائی. ۹۴ - عمر بن خالد الازدی. ۹۵ - عمر بن كعب الاشجعی. ۹۶ - عمرو بن جناده الانصاری. ۹۷ -

عمرو بن جندب الحضرمی. ۹۸ - عمرو بن خالد العیداوی (الصیداوی). ۹۹ - عمرو بن ضبیعة الضبیعی. ۱۰۰ - عمرو بن قرظة الانصاری. ۱۰۱ - عمرو بن مطاع الجعفی. ۱۰۲ - عمرو بن عبدالله (عمرو بن عبدالله جندعی). ۱۰۳ - عون بن عبدالله بن جعفر. ۱۰۴ - قارب بن عبدالله الدائلی. ۱۰۵ - قاصد (قاسط) بن زهیر الثعلبی. ۱۰۶ - قرة بن أبی قرة الغفاری. ۱۰۷ - قعنب بن عمرو النمزی. ۱۰۸ - قیس بن مسلم (مسهر) الصیداوی. ۱۰۹ - کان بن عتق (کنانة بن عتیق) الثعلبی. ۱۱۰ - کردوس بن زهیر الثعلبی. ۱۱۱ - مالک بن عبد (عبدالله) بن السریح. ۱۱۲ - مجمع بن زیاد الجهنی. ۱۱۳ - مجمع بن عبدالله العائدی. ۱۱۴ - محمد بن ابی سعید الاحول بن عقیل. ۱۱۵ - محمد بن سعد بن عقیل. ۱۱۶ - محمد بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب. ۱۱۷ - مسعود بن الحجاج التمیمی. ۱۱۸ - مسلم بن عقیل. ۱۱۹ - مسلم بن عوسجة الاسدی. ۱۲۰ - مسلم بن کثیر الاسدی. ۱۲۱ - مسلم مولی الحسین (غلام). ۱۲۲ - مقسط بن زهیر الثعلبی. ۱۲۳ - منجج بن سهم. ۱۲۴ - نافع بن هلال الحلمی (الجملی). ۱۲۵ - نصر بن ابی عمرو الراسبی. ۱۲۶ - نصر بن أبی نیرز (نیزر). ۱۲۷ - نعمان بن عمرو الراسبی. ۱۲۸ - نعیم بن عجلان الانصاری. ۱۲۹ - واضح مولی الحارث السلمانی. ۱۳۰ - وهب بن عبدالله بن حباب الکلبی. ۱۳۱ - هانی بن عروه المرادی. ۱۳۲ - یحیی بن مسلم (سلیم) المازنی. ۱۳۳ - یحیی بن هانئ العروة. ۱۳۴ - یزید بن الحصین الهمدانی المشرقی. ۱۳۵ - یزید بن زیاد بن مهطر الکندی. ۱۳۶ - یزید بن شبیط (ثبیط، نبیت) العبدی. ۱۳۷ - یزید بن مغفل الجعفی.

اسامی فوق مجموع آنانی هستند که در رکاب سالار شهیدان (ع) به فیض شهادت رسیدند؛ گرچه ۶ نفر از آن ها به نام های مسلم بن عقیل، هانی بن عروه، عبدالاعلی بن یزید الکلبی، عبدالله بن یقطر، عمارة بن صلخب ازدی و قیس بن مسهر صیداوی قبل از روز عاشورا به شهادت رسیدند. مورخان و محدثان شیعه و اهل سنت در مورد شمار یاران امام حسین (ع) نظرهای متفاوتی دارند.

۱- مسعودی در مروج الذهب می نویسد: همراه اباعبدالله الحسین (ع) ۵۰۰ نفر سواره نظام و ۱۰۰ نفر پیاده نظام بود.

۲- امام باقر (ع) فرمود: سواره نظام همراه اباعبدالله (ع) ۱۴۵ نفر و پیاده نظام ۱۰۰ نفر بودند.

۳- طبری می نویسد: قریب به ۱۰۰ نفر پیاده نظام بودند. روایت خوارزمی آن را توضیح می دهد: ۳۲ نفر سواره و ۴۰ نفر پیاده بودند. در روایت دیگری پیادگان را ۸۲ نفر می داند.

۴- ابومخنف، ابوحنیفه دینوری و سیدمحسن جبل عاملی می نویسند: ۳۲ نفر سواره و ۴۰ نفر پیاده بودند. نیز آمده است: ۱۳۶ نفر بودند، که ۱۰۶ نفر آن ها از مردم عادی و ۳۰ نفر از اهل بیت عصمت و بنی هاشم بودند.

دست یابی به آمار دقیق شهیدان کربلا بسیار سخت است و از این جهت تعداد آنانی که در رکاب حسین بن علی (ع) در روز عاشورا و یا چند روز قبل از آن یا بعد از آن به فیض شهادت رسیدند، مشخص و معلوم نیست.

اسامی هفتاد و دو تن از شهدای کربلا طبق حروف الفبا

۱- ابا عبدالله (ابو الشهدا - حسین بن علی (ع)) : کنیه ابا عبدالله را رسول خدا (ص) از هنگام ولادت بر حضرت امام حسین نهادند. امام حسین (ع) در سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه به دنیا آمد. رسول خدا (ص) نام این فرزند زهرا (ع) را حسین نهاد. وی مورد علاقه شدید پیامبر (ص) بود و آن حضرت درباره او می فرماید: حسین منّی و أنا من حسین... وی در آغوش پیامبر بزرگ شد. هنگام رحلت رسول خدا، شش ساله بود. در دوران پدرش علی بن ابی طالب (ع) نیز از موقعیت بالایی برخوردار بود، علم، بخشش، بزرگواری، فصاحت، تواضع، دستگیری از بینوایان، عفو، حلم و... از صفات برجسته این حجت الهی بود. پس از شهادت پدرش امامت به امام حسن بن علی (ع) رسید همچون سربازی مطیع رهبر و مولای خویش و همراه برادر بود. پس از انعقاد پیمان صلح میان امام مجتبی (ع) و معاویه، با برادرش و بقیه اهل بیت (ع) به مدینه آمدند. با شهادت امام حسن مجتبی (ع) در سال ۴۹ یا ۵۰ هجری بار امامت به دوش سید الشهدا قرار گرفت. با مرگ معاویه در سال ۶۰ هجری یزید به والی مدینه نوشت که از امام حسین (ع) بیعت بگیرد. اما سید الشهدا که فساد یزید و بی لیاقتی او را می دانست، از بیعت امتناع کرد و برای نجات اسلام از سلطه یزید که به زوال و محو دین می انجامید، راه مبارزه را پیش گرفت. از مدینه به مکه هجرت کرد و در پی نامه نگاری های کوفیان و شیعیان عراق با آن حضرت و دعوت برای آمدن به کوفه، آن امام ابتدا مسلم بن عقیل را فرستاد و نامه هایی برای شیعیان کوفه و بصره نوشت و بادرسافت پاسخ کوفیان در بیعت شان با مسلم بن عقیل، در روز هشتم ذیحجه سال ۶۰ هجری از مکه به سوی عراق، حرکت کرد. پیمان شکنی کوفیان و شهادت مسلم بن عقیل اوضاع عراق را نامطلوب ساخت و سید الشهدا که همراه خانواده، فرزندان و یاران به سوی کوفه می رفت، پیش از رسیدن به کوفه در سرزمین کربلا در محاصره سپاه کوفه قرار گرفت. تسلیم نیروهای یزیدی نشد و سرانجام در روز عاشورا در آن سرزمین مظلومانه و تشنه کام، همراه فرزندان و اصحابش به شهادت رسید. از آن پس، کربلا کانون الهام و عاشورا سرچشمه قیام و آزادی شد و کشته شدن وی، سبب زنده شدن اسلام و بیدار شدن وجدان های خفته گردید.

۲- ابراهیم بن حصین ازدی: از شهدای کربلا و اصحاب دلاور امام حسین (ع) بود؛ از جمله کسانی که سید الشهدا (ع) در لحظات تنهایی، نام برخی از یاران را می برده و صدا می زده است: "و یا ابراهیم بن الحصین...". وی بعد از ظهر عاشورا در کنار امام حسین (ع) به شهادت رسید.

۳- ابوبکر حسن بن علی: از شهدای کربلا، فرزند امام حسن مجتبی (ع). مادر او اُم ولد بود. از مدینه همراه عمویش امام حسین (ع) به کربلا آمد و روز عاشورا پس از شهادت قاسم بن حسن، خدمت سید الشهدا آمد و اجازه میدان طلبید و به میدان رفت و پس از نبردی دلاورانه به شهادت رسید.

۴- ابو ثمامه صائدی: از یاران سید الشهدا و شهید نماز، که روز عاشورا به فیض شهادت رسید. وی از چهره های سرشناس شیعه در کوفه و مردی آگاه و شجاع و اسلحه شناس بود. مسلم بن عقیل در ایام بیعت گرفتن از مردم برای نهضت حسینی، او را مسؤول دریافت اموال و خرید اسلحه قرار داده بود. نامش عمر بن عبدالله بود. پیش از شروع درگیری های کربلا خود را از کوفه به کربلا رساند و به امام پیوست. روز عاشورا، که یاران امام به تدریج شهید می شدند و از تعدادشان کاسته میشد و این کاهش محسوس بود ابو ثمامه هنگام ظهر خدمت امام آمد و گفت جانم به فدای تو! چنین می بینم که دشمنان به تو نزدیک شده اند. به خدا قسم تو کشته نخواهی شد مگر اینکه من پیش از تو کشته شوم دوست دارم خدای خود را در حالی ملاقات کنم که این نماز که وقتش نزدیک است بخوانم. امام نگاهی به بالا افکند و فرمود: نماز را به یاد آوردی، خدا تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد. آری، اینک اول وقت نماز است. مهلتی از سپاه دشمن خواستند. آنگاه ابو ثمامه و جمعی دیگر، با امام حسین (ع) نماز جماعت خواندند. وی جزء آخرین سه نفری بود که از یاران امام تا عصر عاشورا زنده مانده بودند. برخی گفته اند که در اثر جراحت های بسیار بر زمین افتاد، خویشانش او را به دوش کشیده و از میدان به در بردند و مدتها بعد از دنیا رفت.

۵- ابو عمرو نهشلی (یا: خثعمی): از شهدای کربلا ست که به قولی در حمله اول و به قولی در نبرد تن به تن شهید شد. از شخصیت های کوفه و مردی متعهد و شب زنده دار بود.

۶- اسلم ترکی: یکی از شهدای کربلا. وی غلام سیدالشهدا و ترک زبان بود، تیر انداز و کماندار و قاری قرآن و آشنا به عربی بود. وی دلاورانه جنگید و بر زمین افتاد. امام به بالین او آمد و گریست و چهره بر چهره او نهاد. اسلم چشم گشود و امام حسین (ع) را بر بالین خود دید، تبسمی کرد و جان داد.

۷- امیه بن سعد طائی: از شهدای کربلا به شمار آمده که خود را در کربلا به امام حسین (ع) رساند و روز عاشورا، به نقلی در حمله اول شهید شد.

- ۸- انس بن حارث کاهلی: از شهدای کربلاست. وی از اصحاب رسول خدا (ص)، از طائفه بنی کاهل از بنی اسد بود. پیرمردی سالخورده، از شیعیان کوفه بود که موقعیتی والا داشت. شبانه خود را به کربلا رساند و روز عاشورا در رکاب امام حسین (ع) به شهادت رسید.
- ۹- بربرین خضیر همدانی: از شهدای کربلاست. از اصحاب وفادار امام حسین (ع) و از انسان های شایسته و پرهیزگار که زاهد، قاری قرآن و معلّم قرآن و از شجاعان بزرگوار کوفه، از قبیله همدان بود. وی در سال ۶۰ هجری از کوفه به مکه رفت و به امام حسین (ع) پیوست و همراه او به کوفه آمد. شب عاشورا نیز از کسانی بود که برخاست و در حمایت و جانبازی برای امام، سخنانی ایراد کرد. روز عاشورا به میدان رفت و خطاب به سپاه عمر سعد خطابه ای ایراد کرد و به نکوهش آنان پرداخت. بربر، پس از حر به میدان رفت و جنگید تا شهید شد.
- ۱۰- جابر بن حارث سلمانی: از شهدای کربلاست. وی از شخصیت های شیعه در کوفه بود. در نهضت مسلم بن عقیل هم شرکت داشت و پس از شکست آن، همراه گروهی به سوی حسین حرکت کردند و پیش از رسیدن آن حضرت به کربلا، به او پیوستند.
- ۱۱- جابر بن حجاج تیمی: از شهدای عاشورا در حمله نخست است. وی از سوارکاران شجاع کوفه بود که در کربلا از سپاه عمر سعد به سپاه حسین (ع) پیوست. در نهضت مسلم بن عقیل نیز از بیعت کنندگان با وی بود.
- ۱۲- جبلة بن علی شیبانی: از شجاعان کوفه که در کربلا در حمله اوّل روز عاشورا به شهادت رسید. وی در صفین، در رکاب امیرالمومنین (ع) حضور داشت و در قیام مسلم بن عقیل در کوفه همراه او بود. پس از شهادت مسلم نزد قبیله خود رفت و پنهان شد و نگاه که امام حسین (ع) به کربلا آمد خود را به آن حضرت رساند و در رکابش جنگید و شهید شد.
- ۱۳- جعفر بن عقیل بن ابی طالب: فرزند عقیل و عمو زاده سیدالشهدا بود. روز عاشورا در رکاب امام حسین (ع) شهید شد.
- ۱۴- جعفر بن علی بن ابی طالب: فرزند امیر المومنین و برادر ابوالفضل العباس بود که در کربلا شهید شد. هنگام شهادت ۱۹ سال داشت.
- ۱۵- جنادة بن کعب انصاری: از شهدای کربلاست. از مگّه همراه امام حسین (ع) به کوفه آمد و در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسید. پسرش (عمر بن جناده) هم در کربلا شهید شد.
- ۱۶- جندب بن ححیر خولانی: از شهدای کربلا در روز عاشورا است. وی از چهره های بارز شیعه در کوفه و از یاران علی (ع) بود و قبل از رسیدن سپاه حر به کاروان امام حسین (ع)، از کوفه بیرون آمد و به کاروان حسینی پیوسته بود. شهادتش را در حمله اول نوشته اند.

۱۷- جون : غلام سیاه ابوذر غفاری که در کربلا به شهادت رسید . جون بن حوی پس از شهادت مولایش ابوذر به مدینه برگشت و در خدمت اهل بیت در آمد . در سفر کربلا ، از مدینه همراه امام تا مکه و از آنجا به کربلا آمد . چون به اسلحه سازی و اسلحه شناسی آشنا بود ، شب عاشورا هم در کربلا به کار اصلاح سلاحها اشتغال داشت . با آنکه سن او زیاد بود ، ولی روز عاشورا از سید الشهدا (ع) اذن میدان طلبید . امام او را رخصت داد و آزادش کرد . ولی او با اصرار می خواست در روزهای شادی و غم و راحتی و رنج از خاندان پیامبر جدا نشود . پس از نبرد وقتی بر زمین افتاد امام خود را بر بالین او رساند و چنین دعا کرد : خدایا ! رویش را سفید و بویش را معطر کن و او را با نیکان محشور گردان .

۱۸- حبیب بن مظاهر : از شهدای والا قدر کربلا بود . در هر سه جنگ صفین ، نهروان و جمل ، در رکاب علی (ع) شرکت داشت و در نهضت مسلم بن عقیل در کوفه ، از کسانی بود که در راه بیعت گرفتن برای مسلم بن عقیل ، کوشش فراوان می کرد . نیز از سران شیعه در کوفه محسوب می شد که به حسین بن علی (ع) دعوت نامه نوشت . نزد امام حسین موقعیت والایی داشت . در کربلا نیز او را به عنوان فرمانده جناح چپ سپاه خویش تعیین کرد . حبیب بن مظاهر ، روز عاشورا از اینکه با شهادتش به بهشت خواهد رفت ، خوشحال بود و با بریر بن خضیر مزاح می کرد . شهادت او بر حسین (ع) بسیار سخت بود هنگام شهادتش ۷۵ سال داشت . سر او نیز همراه سرهای شهدا در کوفه گردانده شد .

۱۹- حجاج بن مسروق جعفی : از شهدای گرانقدر سید الشهدا (ع) . وی اهل کوفه و از یاران امیر المومنین (ع) بود . وقتی خبر هجرت امام حسین (ع) را از مدینه به مکه شنید خود را به آن حضرت رساند و همراه امام از آنجا به کربلا آمد . همواره ملازم سید الشهدا بود و در پنج وقت ، اذان می گفت . روز عاشورا به میدان رفت و جنگید و غرق خون خود نزد امام برگشت . پس از گفتگویی با سیدالشهدا بار دیگر به میدان رفت و شهید شد .

۲۰- حر بن یزید ریاحی : شهید والا قدر عاشورا ، حر از خاندان های معروف عراق و از روسای کوفیان بود . به درخواست ابن زیاد ، برای مبارزه با حسین (ع) فراخوانده شد و به سرکردگی هزار سوار برگزیده گشت . در منزل قصر بنی مقاتل یا شراف ، راه را بر امام بست و مانع از حرکت آن حضرت به سوی کوفه شد . کاروان حسینی را همراهی کرد تا به کربلا رسیدند و امام در آنجا فرود آمد . حر وقتی فهمید کار جنگیدن با حسین بن علی (ع) جدی است ، صبح روز عاشورا به بهانه آب دادن به اسب خویش ، از اردوگاه عمر سعد جدا شد به کاروان حسینی پیوست . توبه کنان کنار خیمه های امام آمد و اظهار پشیمانی کرد ، سپس اذن میدان طلبید و پس از نبردی دلیرانه به

شهادت رسید . حسین بن علی (ع) بر بالین حر حضور یافت و خطاب به آن شهید فرمود : تو همانگونه که مادرت نامت را حر گذاشته است ، حر و آزاده ای ، آزاد در دنیا و سعادتمند در آخرت !
۲۱- حلاس بن عمر راسبی : از شهدای کربلاست که در حمله اول در روز عاشورا به شراف شهادت نائل شد .

۲۲- حنظله بن اسعد شبامی : از شهدای کربلاست . حنظله از چهره های شیعی در کوفه و زبان آور شجاع و معلم قرآن بود . چون سید الشهداء به کربلا رسید ، وی به آن حضرت پیوست و جزء شهادتی است که تا اواخر زنده بود و از جان حسین بن علی (ع) در مقابل تیر ها و نیزه های دشمن محافظت می کرد و گاهی هم با سخنانش به سپاه کوفه هشدار میداد و موعظه می کرد .

۲۳- زاهر ، مولی عمرو بن حمق : از شهدای عاشوراست . وی را از شخصیت های کوفه و مردی سالخورده از قبیله کنده دانسته اند . غلام عمرو بن حمق خزاعی (از یاران ویژه امیر المومنین) بود و در حرکت های انقلابی عمرو بن حمق (که به دست معاویه شهید شد) همدوش و همراه او و تحت تعقیب معاویه بود . در سال ۶۰ هجری به مکه آمد و به حسین (ع) پیوست و در حمله نخست روز عاشورا به شهادت رسید .

۲۴- زهیر بن قین بجلی : از شخصیت های برجسته کوفه بود که در روز عاشورا ، افتخار یافت در رکاب حسین بن علی (ع) به شهادت برسد . وی در میدان های جنگ ، دلاوری های بسیاری نشان داده بود . در سال ۶۰ هجری (که سید الشهداء هم از مکه به قصد کوفه حرکت کرده بود) از سفر حج بر می گشت و دوست نداشت که با سید الشهداء برخورد کند و هم منزل شود . اما در یکی از منزلگاهها به ناچار با فرود آمدن کاروان حسینی همزمان شد . امام کسی را نزد او فرستاد . زهیر نزد امام رفت . همسرش نیز همراه او آمد و به کاروان حسین (ع) پیوستند . شب عاشورا نیز ، از جمله کسانی بود که با نطقی پر شور ، مراتب اخلاص و حمایت جانبازی خویش را نسبت به امام ابراز کرد و گفت : اگر هزار بار هم کشته شوم ، و زنده گردم هرگز دست از یاری پسر پیغمبر برنخواهم داشت . روز عاشورا ، سید الشهداء فرماندهی جناح راست خویش را در میدان به زهیر سپرد . ظهر عاشورا هم او و سعید بن عبدالله جلوی امام ایستادند و سپر تیرها شدند تا امام نماز بخواند . پس از اتمام نماز به میدان رفت و شجاعانه نبرد کرد و با شمشیر از حسین (ع) دفاع کرد و جنگید و کشته شد . امام به بالین او آمد و او را دعا کرد و کشندگان را نفرین کرد .

۲۵- سالم بن عمرو : از شهدای کربلاست . وی غلامی از طایفه بنی مدینه بود و در کوفه می زیست و از شیعیان اهل بیت به شمار می آمد سوارکاری نامدار بود . در نهضت حضرت مسلم شرکت داشت . پس از تنها ماندن مسلم بن عقیل او و جمعی دیگر از شیعیان دستگیر شدند ، اما سالم از چنگ

دشمن گریخت و پنهان شد . چون شنید امام حسین (ع) به کربلا رسیده است ، خود را به آن حضرت رساند و روز عاشورا در حمله اول شهید شد .

۲۶- سعید بن عبدالله حنفی : از شهدای والا قدر کربلاست ، که ایمانی راسخ و شجاعتی فراوان داشت و هواداران سر سخت اهل بیت (ع) بود . شب عاشورا وقتی سیدالشهدا (ع) از افراد خواست که از تاریکی شب استفاده کرده و متفرق شوند ، یاران برخاستند و هر یک سخنانی گفتند . از جمله سعید بن عبدالله ایستاد و گفت : نه به خدا قسم ، تو را و نمی گذاریم . اگر بدانم که کشته می شوم و سپس زنده می شوم ، آنگاه سوزانده می شوم ، و هفتاد بار با من چنین می کنند ، باز هم از تو جدا نمی شوم تا در راه تو فدا شوم . وی از انقلابیون پر شور کوفه به حساب می آمد . در نهضت مسلم بن عقیل هم فعال بود و نامه مسلم را به مکه رساند و از مکه همراه امام به کوفه آمد تا روز عاشورا در مقابل امام حسین (ع) ایستاد تا آن حضرت نمازش را بخواند . او آنقدر تیر خورد که بر زمین افتاد و جان باخت .

۲۷- سلمان بن مضارب بجلی : از شهدای کربلاست . گفته شده وی پسر عموی زهیر بن قین بوده و همراه او ، پیش از رسیدن به کربلا ، به سپاه حسین بن علی (ع) پیوست و عصر عاشورا شهید شد .

۲۸- سوار بن منعم : از شهدای حادثه کربلاست . وی پس از رسیدن امام حسین (ع) به کربلا از کوفه آمد و به آن حضرت پیوست .

۲۹- سوید بن عمرو خثعمی : آخرین کشته کربلاست . وی پس از شهادت امام حسین (ع) شهید شد . یکی از دو مردی بود که همراه امام حسین بودند . او مجروحی افتاده در میدان ، میان زخمیان بود و رمقی در بدن داشت و در آن حال ، چون شنید کوفیان شادی کنان می گویند حسین کشته شد ، به هوش آمد و با چاقو و شمشیری که داشت با همان حالت به جنگ پرداخت و شهید شد .

۳۰- سیف بن حارث بن سریع جابری : از شهدای جوان کربلاست . وی و پسر عمویش مالک بن عبدالله از کوفه آمده ، در کربلا به امام حسین (ع) پیوستند . روز عاشورا پس از شهادت حنظله بن قیس ، هنگامی که دشمن به خیمه گاه امام حسین نزدیک شده بود ، گریان خدمت امام آمدند و اذن میدان طلبیدند . سپس هردو با هم به میدان رفته ، جنگیدن تا شهید شدند .

۳۱- سیف بن مالک عبدی : از شهدای کربلاست . از بصره به کوفه آمد و از آنجا به کاروان امام حسین (ع) پیوست ، سپس همراه او به کربلا آمد . عصر عاشورا در نبرد تن به تن به شهادت رسید .

۳۲- شاذب ، مولی شاکر : از شهدای کربلاست . وی غلام شاکر بن عبدالله همدانی بود و از شیعیان برجسته و از بزرگترین انقلابیون حماسی و مخلص به شمار می آمد که در کربلا ، در کهنسالی به شهادت رسید . از مکه همراه امام شد و به کربلا آمد . شهادت او بعد از ظهر عاشورا بود .

۳۳- ضرغامه بن مالک: از شهدای کربلاست. وی در کوفه میزیست و از شیعیان امام و بیعت کنندگان با مسلم بن عقیل بود. چون مسلم شهید شد، همراه سپاه کوفه به کربلا آمد، اما در آنجا به یاران سید الشهدا (ع) پیوست و عصر عاشورا به شهادت رسید.

۳۴- عابس بن ابی شیبب شاکری: از شهدای کربلاست. عابس از رجال برجسته شیعه و مردی دلیر، سخنور، کوشا و تلاشگر، شب زنده دار، از طایفه بنی شاکر بود. از کسانی بود که وقتی مسلم بن عقیل نامه امام حسین (ع) را برای اهل کوفه خواند، به پا خواست و اعلام هواداری و حمایت کرد و پس از بیعت کوفیان با مسلم بن عقیل بعنوان پیک، نامه ای از سوی آنان به امام حسین (ع) در مکه رساند. دلاوری های او در کربلا مشهور است. رشادت های وی چنان بود که سپاه کوفه از نبرد تن به تن با وی ناتوان بودند. به دستور عمر سعد، از اطراف او را سنگباران کردند. او هم زره از تن بیرون آورد و کلاه خود از سر برداشت و لخت شد و با تیغ بر دشمن حمله کرد و یک تنه آنقدر جنگید تا در قلب میدان و محاصره دشمن به شهادت رسید.

۳۵- عامر بن حسان بن شریح طائی: از اصحاب امام حسین (ع) بود که از مکه همراه آن حضرت آمد و در کربلا در حمله اول به شهادت رسید. وی از شجاعان معروف و شیعیان خالص بود. پدرش نیز در جنگ جمل و صفین، در رکاب حضرت علی (ع) جنگیده بود.

۳۶- عامر بن مسلم عبدی: از شهدای کربلا بود. عامر اهل بصره بود، همراه غلامش سالم از بصره به مکه آمد و به سید الشهدا (ع) پیوست و از آنجا همراه امام تا کربلا آمد و روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسید.

۳۷- عباس بن علی (ع): فرزند امیر المومنین، برادر سید الشهدا، فرمانده و پرچمدار سپاه امام حسین (ع) در روز عاشورا. مادرش فاطمه کلایه بود که بعدها به ام البنین شهرت یافت. علی (ع) پس از شهادت فاطمه زهرا با ام البنین ازدواج کرد. عباس و ۳ پسر دیگر ثمره این ازدواج بود. ولادتش را در ۴ شعبان سال ۲۶ هجری در مدینه نوشته اند و بزرگترین فرزند ام البنین بود. و این چهار فرزند رسید همه در کربلا در رکاب امام حسین (ع) به شهادت رسیدند. آن حضرت،قامتی رشید، چهره ای زیبا و شجاعتی کم نظیر داشت و به خاطر سیمای جذّابش او را قمر بنی هاشم می گفتند. در حادثه کربلا، سمت پرچمدار سپاه حسین (ع) و سقایی خیمه ها اطفال و اهل بیت امام حسین را داشت و در رکاب برادر غیر از تهیه آب، نگهداری خیمه ها و امور مربوط به آسایش و امنیت خاندان حسین (ع) نیز بر عهده او بود و تا زنده بود دودمان امامت، آسایش و امنیت داشتند.

روز عاشورا سه برادر دیگر عباس پیش از او به شهادت رسیدند. وقتی علمدار کربلا از امام حسین (ع) اذن میدان طلبید حضرت از او خواست تا برای کودکان تشنه و خیمه های بی آب آب تهیه کند. ابوالفضل به فرات رفت و مشک آب را پر کرد و در بازگشت به خیمه ها که فرات را در محاصره

داشتند در گیر شد و دست هایش قطع گردید و به شهادت رسید . عباس مظهر ایشار و وفاداری و گذشت بود . وقتی به فرات وارد شد با اینکه تشنه بود ، اما به خاطر تشنگی برادرش آب نخورد . شهادت عباس برای امام حسین بسیار ناگوار و شکننده بود . پیکرش در کنار نهر علقمه ماند و سید الشهدا به سوی خیمه آمد و شهادت او را به اهل بیت خبر داد . هنگام دفن شهدای کربلا نیز ، در همان محل دفن شد . از این رو امروز حرم ابوالفضل (ع) با حرم سید الشهدا فاصله دارد .

۳۸- عبدالرحمن بن عبدالله ارحبی : از شهدای کربلاست از همراهان مسلم بن عقیل در کوفه بود . مردی بود شجاع ، موجه و محترم و تابعی . در مکه همراه امام شد و به کربلا آمد . گفته اند در حمله نخست به شهادت رسید .

۳۹- عبدالرحمن بن عبد ربّه انصاری خزر جی : از شهدای کربلاست . وی از اصحاب رسول خدا (ص) بود و پس از رحلت آن حضرت نیز از کسانی بود که به امیر المومنین اخلاص داشت و از آن حضرت قرآن آموخته بود . روز تاسوعا با بریر شوخی می کرد . وقتی گفتند الآن چه وقت شوخی است ؟ گفت چرا خوشحال نباشم ؟ میان ما و بهشت جز درگیری با این کافران و شهادت فاصله ای نیست .

۴۰ و ۴۱- عبدالرحمن بن عروه غفّاری و عبدالله بن عروه غفّاری : عبدالرحمن و برادرش عبدالله که هر دو در کربلا شهید شدند ، از اشراف و شجاعان کوفه بودند و به خاندان پیامبر عشق می ورزیدند . این دو برادر با هم از کوفه به کربلا آمده بودند . هر دو با هم روز عاشورا از سیدالشهدا اذن پیکار گرفتند و با هم به میدان رفتند . در رفتن به میدان نبرد از هم سبقت می جستند . این دو برادر با هم نیز به شهادت رسیدند .

۴۲- عبدالرحمن بن عقیل بن ابی طالب : از شهدای کربلا و اولاد عقیل است .

۴۳- عبدالله بن حسن بن علی (ع) : نوجوان ۱۱ ساله ، فرزند امام حسن مجتبی (ع) که در روز عاشورا ، وقتی دید سید الشهدا بر زمین افتاده ، برای دفاع از عمویش به سوی میدان شتافت و در دفاع از عموی مظلومش جنگید و عده ای را کشت و به شهادت رسید . برخی هم نقل کرده اند حمله ، با شمشیر ، دست او را که در آغوش عمویش حسین قرار گرفته بود قطع نموده همانجا شهیدش کرد .

۴۴ و ۴۵- عبدالله بن عقیل اکبر و عبدالله بن عقیل اصغر ابنا ابی طالب : از شهدای بنی هاشم در روز عاشورا . عقیل دو پسر داشت که نام هر دو عبدالله بود ، یکی به نام اکبر یاد میشد و دیگری به نام اصغر . هر دو در کربلا با امام حسین (ع) شهید شدند .

۴۶- عبدالله بن علی بن ابی طالب (ع) : از شهدای کربلاست وی فرزند امیر المومنین و برادر عباس و مادرش ام البنین بود . هنگام شهادت ۲۵ سال داشت .

۴۷- عبدالله بن عمیر کلبی: جزء اولین شهداست که از جبهه امام حسین به میدان رفت. جوانی دلاور از شیعیان کوفه بود. به کوفه آمده و در نزدیکی بئرا لعبد خانه ای گرفت و با همسرش به آنجا منتقل شد. وقتی دید عمر سعد، نیرو آماده و سازماندهی میکند تا از نخيله به جنگ حسین بن علی (ع) در کربلا برند، گفت به خدا قسم شیفته جهاد با مشرکان بودم. امیدوارم جنگ با اینان که به نبرد فرزند پیامبر می روند، نزد خداوند کم ثواب تر از جهاد با مشرکان نباشد. پیش همسر خود رفت و نیت خود را با او در میان گذاشت، شبانه هر دو از کوفه بیرون رفتند و شب هشتم محرم به یاران امام حسین در کربلا پیوستند. همسر او نیز از شهدای کربلا بود. پس از شهادت عبدالله همسرش خود را به بالین او رسانید و خاک از چهره او می زدود که به دست یکی از غلامان شمر به نام رستم که با گریزی که بر سرش آورد کنار شوهرش به شهادت رسید.

۴۸- عبدالله بن مسلم بن عقیل: از شهدای بنی هاشم در کربلا، مادرش رقیه دختر علی علیه السلام بود. گفته اند در حالی که دست بر پیشانی نهاده بود تیری آمد و دست و پیشانی را به هم دوخت. برخی او را هنگام شهادت ۱۴ ساله دانسته اند.

۴۹- عثمان بن علی بن ابی طالب (ع): یکی از شهدای کربلا. وی برادر عباس است که مادرش ام البنین و پدرش امیرالمومنین است. در روز عاشورا مجروح شد و بر زمین افتاد و یکی از سپاه ابن سعد او را کشت. هنگام شهادت ۲۱ سال داشت.

۵۰- علی اصغر (ع): یکی از فرزندان امام حسین (ع) که شیر خوار بود از تشنگی روز عاشورا بی تاب شده بود. امام خطاب به دشمن فرمود: از یاران و فرزندانم کسی جز این کودک نمانده است. نمیبینید که چگونه از تشنگی بی تاب شده است؟ در حال گفتگو بود که تیری از کمان حمله آمد و گوش تا گوش حلقوم علی اصغر را درید امام حسین (ع) خون گلوی او را گرفت و به آسمان پاشید. از این کودک با عنوانها شیرخواره، شش ماهه، باب الحوائج، طفل رضیع و... یاد می شود و قنداقه و گهواره از مفاهیمی است که در ارتباط با او آورده می شود.

۵۱- علی اکبر (ع): فرزند بزرگ سید الشهداء و شبیه پیامبر که روز عاشورا فدای دین شد. مادر علی اکبر لیلا دختر ابی مژه بود. در کربلا حدود ۲۵ سال داشت. سن او را ۱۸ سال و ۲۰ هم گفته اند. او اولین شهید روز عاشورا از بنی هاشم بود. علی شباهت بسیاری به پیامبر داشت، هم در خلقت، هم در اخلاق و هم در گفتار. علی چندین بار به میدان رفت و رزم های شجاعانه ای با انبوه سپاه دشمن نمود. پیکار سخت او را تشنه تر ساخت. به خیمه آمد. بی آنکه آبی بتواند بنوشد، با همان تشنگی و جراحت دوباره به میدان رفت و جنگید تا به شهادت رسید. علی اکبر، نزدیکترین شهیدی است که با حسین (ع) دفن شده است. مدفن او پایین پای ابا عبدالله الحسین (ع) قرار دارد و به این خاطر ضریح امام، شش گوشه دارد.

- ۵۲- عمار بن حسان طائی: از شهدای کربلاست. وی از شیعیان خالص و از شجاعان معروف بود. از مکه همراه امام به کربلا آمد و در پیش روی آن حضرت به شهادت رسید.
- ۵۳- عمرو بن جناده انصاری: از شهدای نوجوان کربلا که پدرش نیز در رکاب سیدالشهدا (ع) شهید شد. این نوجوان چون خواست به میدان رود امام فرمود: پدر این نوجوان کشته شد؛ شاید مادرش راضی نباشد که به میدان رود. گفت مادرم دستور داده که به میدان روم و لباس جنگ بر من پوشانده است. او که ۹ ساله یا ۱۱ ساله بود، به میدان رفت و رجز خواند و جنگید تا کشته شد.
- ۵۴- عمرو بن قرظه انصاری: از شهدای کربلاست عمرو از کوفه آمد و در کربلا، روز ششم محرم به سیدالشهدا پیوست. روز عاشورا جلوی امام حسین ایستاد و تیرهای دشمن را با سینه و پیشانی خود به جان می خرید و این گونه از جان امام محافظت می کرد زخم های زیادی بر پیکرش نشست. به امام خطاب کرد که ای پسر پیامبر! آیا وفا کردم؟ حضرت فرمود آری تو پیش از من به بهشت میروی. از من به پیامبر سلام برسان و بگو که من در پی تو می آیم و ... افتاد و شهید شد.
- ۵۵- عون بن جعفر: از شهدای کربلاست. پسر جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار). عون در زمان امام مجتبی و سپس امام حسین از یاوران آن دو امام بود. همراه همسرش در کربلا حضور داشت. روز عاشورا از سیدالشهدا (ع) اجازه گرفت و به میدان رفت. نبردی دلاورانه کرد و به شهادت رسید هنگام شهادت ۵۶ ساله بود.
- ۵۶- عون بن عبدالله بن جعفر: پسر حضرت زینب (س) بود که همراه برادر دیگرش محمد در روز عاشورا در نبرد تن به تن با سپاه کوفه به شهادت رسید. عون و برادرش پس از حرکت امام حسین از مدینه، در پی کاروان راه افتادند و در منزلگاه ذات عرق خدمت امام رسیدند.
- ۵۷- عون بن علی بن ابی طالب (ع): از شهدای کربلاست اولین کسی بود که پس از شهادت جمع زیادی یاران امام، از جمع برادرانش داوطلب رفتن به میدان شد. وقتی برای اذن گرفتن آمد، برادرش امام حسین (ع) فرمود: آیا آماده مرگ شدی؟ گفت چگونه آماده نشوم، در حالی که تو را تنها و بی یاور می بینم! امام دعایش کرد که برو، خداوند پاداش نیکت دهد. به میدان رفت، جنگید و مجروح شد. از هر طرف بر سر او ریختند و او را شهید کردند.
- ۵۸- قاسط بن زهیر تغلبی: از شهدای حمله نخست در روز عاشورا. پیرمردی از طایفه بنی تغلب بن وائل بود. او و برادرانش چون خبر آمدن حسین به کوفه را شنیدند، شب عاشورا خود را مخفیانه به کوفه رساندند. هر سه برادر روز عاشورا به شهادت رسیدند.
- ۵۹- قاسم بن حسن (ع): نوجوان شهید عاشورا در رکاب سیدالشهدا (ع) فرزند گرامی امام حسن مجتبی (ع). روز عاشورا سن او به حد بلوغ نرسیده بود. برای میدان رفتن از امام خویش اجازه خواست. ابا عبدالله چون نگاه به او افکند، وی را در آغوش کشید و گریست، آنگاه اجازه داد.

قاسم خوش سیما بود . سوار بر اسب شد و عازم میدان گشت . در جنگی دلاورانه به شهادت رسید . هنگامی که بر زمین افتاد عمویش ابا عبدالله (ع) خود را بر بالین او رساند ولی او در حال جان دادن بود . پیکر او را آورد و کنار شهدای اهل بیت قرار داد .

۶۰- مالک بن عبدالله جابری : از شهدای کربلاست ، وی و برادرش سیف بن حارث بن سریع ، در کربلا به حسین بن علی (ع) پیوستند و عصر عاشورا ، در لحظاتی که سپاه کوفه به خیمه گاه امام حسین (ع) نزدیک شده بودند ، اجازه میدان گرفته ، جنگیدند و شهید شدند .

۶۱- مجمع بن عبدالله عائذی : وی از شهدای کربلا در حمله اول است . در مسیر کوفه در منزلگاه زباله به سید الشهدا (ع) پیوست و در رکاب امام به کربلا آمد .

۶۲- محمد بن عبدالله بن جعفر : پسر حضرت زینب و عبدالله بن جعفر ، که در روز عاشورا در رکاب سید الشهدا (ع) به شهادت رسید . او برادرش عون پس از خروج امام حسین (ع) از مکه میان راه به او پیوستند و در کربلا در نبرد تن به تن با دشمن در محاصره قرار گرفتند و شهید شدند .

۶۳- مسعود بن حجاج : از شهدای کربلا . وی و پسرش (عبدالرحمان بن حجاج) در حمله اول به شهادت رسیدند .

۶۴- مسلم بن عوسجه اسدی : اولین شهید عاشورا که در حمله نخست به شهادت رسید . پیر مردی بزرگوار از طائفه بنی اسد و از چهره های درخشان کوفه و هواداران اهل بیت (ع) بود . در نهضت مسلم نقش دریافت پول از هواداران و تهیه سلاح برای نهضت را بر عهده داشت . در کربلا از یاران شجاع و فداکار امام بود . سپاه دشمن چون در نبرد تن به تن یارای جنگیدن با او را نداشتند ، او را سنگباران کردند . چون مسلم به زمین افتاد ، رمقی در تن داشت که حسین بن علی (ع) و حبیب بن مظاهر خود را به او رساندند .

۶۵- مسلم بن کثیر ازدی : از شهدای کربلا در حادثه عاشورا ، از کسانی بود که به قصد حسین بن علی (ع) از کوفه بیرون آمد و نزدیکی های کربلا به آن حضرت پیوست و روز عاشورا در حمله نخست به شهادت رسید .

۶۶- منج ، مولى الحسين (ع) : از شهدای کربلاست ، نامش منجح بن سهم و در زمان امام حسن مجتبی (ع) غلام آن حضرت بود . پس از وی غلام سید الشهدا بود . منجح در روز عاشورا پس از نبردی دلیرانه در رکاب مولایش به شهادت رسید و از شهدای اولیه بود .

۶۷- نافع بن هلال : از شهدای کربلاست . نافع ، بزرگواری دلاور ، قاری قرآن ، کاتب و از حاملان حدیث و از اصحاب امیرالمومنین (ع) بود و در سه جنگ جمل ، صفین و نهروان در رکاب آن حضرت بود . وی از شخصیت های بارز کوفه به شمار می رفت و پیش از شهادت مسلم بن عقیل مخفیانه از کوفه بیرون آمده به استقبال امام شتافته بود ، سپس همراه امام حسین (ع) به کربلا آمد . در کربلا

همراه عباس (ع) در آوردن آب به خیمه ها مشارکت داشت . از جمله کسانی بود که در سخنرانی پر شوری وفاداری خویش را نسبت به سید الشهداء ابراز داشت . نافع نام خود را روی تیر های زهر آگین خود می نوشت و همواره با آنها تیر اندازی می کرد . روز عاشورا وقتی تیرهایش تمام شد ، شمشیر کشید و بر سپاه کوفه تاخت ، کوفیان با سنگ و تیر او را مورد ضربه های خود قرار دادند تا اینکه بازویش شکست او را محاصره کرده و زنده دستگیر کردند شمر او را گرفته نزد عمر سعد برد . سپس به دست شمر به شهادت رسید .

۶۸- نعیم بن عجلان انصاری : از شهدای کربلاست . نعیم از طایفه خزرج بود و دو برادرش از یاران حضرت علی (ع) و از مدافعان آن حضرت در جنگ صفین بودند . او از کوفه حرکت کرد و در کربلا خود را به امام حسین (ع) رساند و در روز عاشورا در حمله نخست شهید شد .

۶۹- وهب بن عبدالله کلبی : از شهدای کربلاست ، مادر و همسرش نیز در کربلا بودند و به شهادت رسیدند . وهب که اهل کوفه بود ، در کربلا در رکاب امام حسین (ع) حضور داشت . روز عاشورا پس از حر و بریر به میدان رفت . مادرش مشوق او در رفتن به میدان بود . وقتی پس از مقداری جنگ ، نزد مادر برگشت که : آیا راضی شدی ؟ گفت وقتی راضی میشوم که در رکاب امام حسین (ع) به شهادت برسی . دوباره رفت و جنگید ، همسرش هم رفت و چوبی بر گرفت و به میدان رفت . وهب آنقدر جنگید تا شهید شد .

۷۰- هفهاف بن منهذ راسبی : از شهدای کربلاست . مردی دلیر و تکسوار از شیعیان بصره و از یاران علی (ع) که وقتی خبر حرکت امام را به سوی کوفه شنید از بصره به سوی کربلا حرکت کرد . وقتی رسید که حادثه پایان یافته و با تیغ بر افراد سپاه عمر سعد حمله کرد . عده ای را کشت و خود به شهادت رسید .

۷۱- یزیدبن ثبیط (ثبیت) عبدی : از شهدای کربلاست . وی ده پسر داشت . پس از دریافت نامه سید الشهداء (ع) که خطاب به اهل بصره نوشته بود همراه دو پسرش عبدالله و عبیدالله از بصره خارج آمدند و به علت بسته بودن راه ها با پیمودن بیراهه ها در مکه خود را به امام حسین (ع) رسانده ، به کاروان او پیوستند . روز عاشورا پسرانش در حمله اول و خودش در مبارزه تن به تن به شهادت رسیدند .

۷۲- یزید بن مغفل جعفری : از شجاعان هنرمند و شاعر شیعه که در کربلا به شهادت رسید . وی در مکه به کاروان حسینی پیوست و با آن حضرت به کربلا آمد و روز عاشورا در پیکار تن به تن با کوفیان ، پس از کشتن عده ای زیادی به شهادت رسید .

حدیث: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ ، فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَعْدَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ .

بین الحرمین الشریفین

از دریه‌های شرقی حرم مطهر امام حسین علیه السلام و غربی حرم ابا الفضل العباس علیه السلام که خارج شدی وارد بین الحرمین می شوی. بین الحرمین میدان جنگ بوده و نزدیک حرم ابا الفضل العباس علیه السلام محل استقرار سپاهیان یزید لعنة الله علیه بوده است. بین الحرمین یک طرف به حرم امام حسین علیه السلام و طرفی به حرم قمر بنی هاشم علمدار کربلا سقای حرم ابا الفضل العباس علیه السلام راه دارد. فاصله بین دو بارگاه حدود ۳۷۰ متر است که دو طرف آن چمن کاری است (دربین الحرمین احساس می‌کنی که بین صفا و مروه راطی می‌کنی) فاصله بین الحرمین با فاصله صفا و مروه برابر است .

حدیث:

قال الصادق (ع) : من زار واحدا منا كان كمن زار الحسين (ع) . امام جعفر صادق (ع) فرمود: هر کس یکی از ما (امامان) را زیارت کند، همچون کسی است که سید الشهدا (ع) را زیارت کرده است. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۱۸.

قال رسول الله (ص) للحسين (ع) : اخبرني جبرئيل انكم قتلى و مصارعكم شتى . فقال (ع) له (ص) : يا ابا عبد الله فما لمن يزور قبورنا على تشتهها؟ فقال (ص) : يا بنی اولئك طوائف من امتی يزورونکم يلتمسون بذلك البركة و حقيق علی ان آتیهم يوم القيامة فاخلصهم من احوال الساعة... به روایت علی (ع)، روزی پیامبر با صدای بلند گریست. امام حسین (ع) عرض کرد: پدر جان چرا گریه کردی؟ پیامبر خدا (ص) فرمود: جبرئیل به من خبر داد که شما کشته می شوید، و قبرهای شما پراکنده است. امام حسین (ع) پرسید: پدر جان! کسی که قبرهای ما را با این پراکندگی زیارت کند، چه پاداشی دارد؟ فرمود: پسر! آنان گروههایی از امت من هستند که شما را زیارت می کنند و با آن زیارت، خواستار برکت اند. بر من سزاوار است که روز قیامت سراغ آنان بروم و از ترسهای روز قیامت نجاتشان بدهم. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۵۹.

قال رسول الله (ص) : يا ابا الحسن! ان الله تعالى جعل قبرک و قبر ولدک بقاع الجنة و عرصۃ من عرصاتها و ان الله جعل قلوب نجباء من خلقه و صفوة من عباده تحن اليکم و تحتل المذلة و الأذى فيعمرون قبورکم و يکترون زیارتها. يا ابا الحسن! به درستی که خدای تعالی قبر تو و فرزندان تو را بقعه‌هایی از بقعه‌های بهشت و عرصه‌ای از عرصه‌های آن قرار داده است. و دل‌های بزرگان از مردم و برگزیدگان بندگان خود را به آنها مایل ساخته تا خواری و ادبیتها در راه [زیارت] شما را متحمل شوند و قبور شما را تعمیر کنند و بسیار به زیارت قبور شما آیند. تا موجبات تقرب به خدا و دوستی پیغمبرش را فراهم سازند. یا علی! شفاعت من مخصوص این گروه خواهد بود و آنان بر حوض من وارد خواهند شد و ایشان فردا زیارت کنندگان من در بهشت خواهند بود.

حضرت ابوالفضل علیه السلام در کربلا

عبّاس بن علی (به عربی: العباس بن علی بن ابی طالب) ملقب به قمر بنی هاشم و مشهور به ابوالفضل که در نبرد کربلا شجاعانه جنگید، پدرش علی بن ابیطالب و مادرش فاطمه کلابیه امّ البنین است. او در چهارم شعبان سال ۲۶ ه. ق متولد شد. وی در دهم محرم (عاشورا) در کربلا همراه تمامی دیگر یاران برادر ناتنی اش حسین بن علی، امام سوّم شیعیان، در حال آوردن آب از رود فرات جهت رفع تشنگی اهل بیت شهید شد. مراسم یادبود شهادت وی، در روز نهم محرم (تاسوعا) برگزار میشود.

کنیه عبّاس ابوالفضل است، و به او القاب دیگر مانند «قمر بنی هاشم»، «سقای کربلا»، «علمدار حسین» و غیره نیز داده اند. طبق روایات شیعه او جوانی دلّاور، زیبا و بلند قد بوده است، در جنگهای صفّین و نهروان در کنار پدرش علی جنگیده بوده و او یکی از چند نفری است که در بین شیعیان به باب الحوایج معروف میباشند.

او سه برادر تنی به نامهای جعفر، عبدالله و عثمان داشت که همگی آنان در روز عاشورا سال ۶۱ ه. ق در کربلا شهید شدند. او با لبابه دختر عبیدالله بن عبّاس ازدواج کرد و دارای دو فرزند به نامهای عبیدالله و محمّد شد. محمّد در سنّ پانزده سالگی در روز عاشورا در کربلا شهید شد و عبیدالله قاضی مکه و مدینه بود.

کشته شدن قهرمانانه عباس در نبرد کربلا باعث ایجاد شخصیتی افسانه وار در میان شیعه و سنّی گشته که تطبیق آن بر واقعیت کاری بسیار سخت است. مشکل اصلی در آنجاست که طبری و بلاذری، منابع اولیه نبرد کربلا، جزئیات کشته شدن او را در کربلا ذکر نکرده اند. شیخ مفید در الاختصاص عبّاس را با صفت «سقا» به معنی آب دهنده توصیف میکند. گفته شده است که عبّاس جسور بودن را از پدرش علی ابن ابی طالب به ارث برده بود و در جنگها همیشه او علّم را با خود حمل میکرد و به همین دلیل به «علمدار» مشهور بود.

سید بن طاووس از ابو مخنف نقل میکند که در عصر عاشورا، عباس در پی یافتن آب برای اهل البیت با دشمنان زیادی جنگید. پس از زخمی شدن دست راست و سپس دست چپش، شمشیر را بر دهان گرفت و به جنگ ادامه داد تا اینکه توسط زید بن ورقاء حنفی و حکیم بن طفیل سنانی شهید شد. ملا حسین واعظ کاشفی در روضة الشّهدا او را شصت و هشتمین شهید کربلا میداند.

آرامگاه او در نزدیکی آرامگاه حسین بن علی در کربلا قرار دارد و شیعیان بین آرامگاه او و حسین بن علی را بین الحرمین مینامند. توسعه و بازسازی حرم وی در زمان شاه طهماسب صفوی و سپس نادر شاه صورت گرفت. پس از حمله وهّابیون به کربلا مجدداً توسط فتحعلی شاه بازسازی گردید.

حضرت ابا الفضل علیه السلام به عنوان یکی از شخصیت‌های محوری حاضر در کربلا به طور گسترده ای در مراسم عزاداری محرم گرامیداشته میشود. در مراسم تعزیه، در شب عاشورا یک دور کامل به زندگی و اعمال او از تولد تا کشته شدن اختصاص دارد. تمثال عباس به صورت جنگجویی سوار بر اسبش در بسیاری از آثار چوبی، قلمکاری، پرده داری و غیره کشیده میشود. یاد عباس، علاوه بر ایران در نقاط دیگر مانند جمهوری آذربایجان، شبه قاره هند و هر جایی که مراسم عاشورا برپا باشد گرامیداشته میشود.

زیارت حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام

شیخ اجل جعفر بن قولویه قمی به سند معتبر از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که: چون اراده نمایی که زیارت کنی قبر عباس بن علی علیهما السلام را و آن بر کنار فرات محاذی حایر است می‌ایستی بر در روضه و می‌گویی :

سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَ جَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّدِيقِينَ الزَّكَايَا الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَعْتَدِي وَ تَرُوحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَدِيقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِحَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْمُرْسَلِ وَ السَّبْطِ الْمُتَنَجِّبِ وَ الدَّلِيلِ الْعَالِمِ وَ الْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ وَ الْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَ اخْتَسَبْتَ وَ أَعْنَتَ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ وَ اسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَاءِ الْفِرَاتِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِرٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ جِئْتُكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَافِدًا إِلَيْكُمْ وَ قَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَ تَابِعٌ وَ أَنَا لَكُمْ تَابِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّي بِكُمْ وَ بِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِمَنْ خَالَفَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكُمْ بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ .

پس داخل روضه شو و خود را به ضریح بچسبان و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ سَلَّمَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ وَ رِضْوَانُهُ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ أَشْهَدُ وَ أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى بِهِ الْبَدْرِيُّونَ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمَنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ الذَّابُّونَ عَنْ أَحِبَّائِهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ أَكْثَرَ الْجَزَاءِ وَ أَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بِبَيْعَتِهِ وَ اسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ وَ أَطَاعَ وَلاَةَ أَمْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَعْطَيْتَ غَايَةَ

الْمَجْهُودِ فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ وَ جَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ وَ أَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ
أَفْسَحَهَا مَنَزِلًا وَ أَفْضَلَهَا عُرْفًا وَ رَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِّيَّيْنِ وَ حَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّيْنَ وَ الصَّادِقَيْنِ وَ
الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَ لَمْ تَتَّكُلْ وَ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى
بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَ مُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّيْنَ فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ رَسُولِهِ وَ
أَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُحِبِّينَ فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .

خوب است این زیارت را پشت سر قبر رو به قبله بخوانی چنانکه شیخ در تهذیب فرموده ثم ادخل
فانكب على القبر و قل و أنت مستقبل القبلة السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ. و نیز بدان که زیارت
جناب عباس موافق روایت مذکور همین بود که ذکر شد لکن سید بن طاوس و شیخ مفید و دیگران
بعد از این فرموده‌اند که پس برو بسمت بالا سر و دو رکعت نماز کن و بعد از آن آنچه خواهی نماز کن
و بخوان خدا را بسیار و بگو در عقب نماز :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَكَانِ الْمَكْرَمِ وَ الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ
ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَ لَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَ لَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ وَ لَا رِزْقًا إِلَّا
بَسَطْتَهُ وَ لَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ وَ لَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ وَ لَا غَائِبًا إِلَّا حَفِظْتَهُ وَ أَذْنِيَّتَهُ وَ لَا حَاجَةً مِنْ
حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَكَ فِيهَا رِضَى وَ لِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَصَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پس برگرد بسوی ضریح و نزد پاها بایست و بگو :

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَ أَقْدَمِهِمْ إِيْمَانًا وَ أَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ وَ أَحْوْطَهُمْ عَلَى
الْإِسْلَامِ أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَخِيكَ فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ
وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ وَ انْتَهَكَتْ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ فَنِعْمَ
الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ وَ الْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ الرَّاعِبُ فِيمَا
زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ وَ الثَّنَاءِ الْجَمِيلِ وَ الْحَقِّكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي جَنَاتِ
النَّعِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِزِيَارَةِ أَوْلِيَائِكَ رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ وَ رَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَ جَزِيلِ إِحْسَانِكَ
فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا وَ عَيْشِي بِهِمْ قَارًا وَ
زِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَ حَيَاتِي بِهِمْ طَيِّبَةً وَ أَدْرِجْنِي إِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ
مِنْ زِيَارَةِ مَشَاهِدِ أَحْبَائِكَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا قَدْ اسْتَوْجَبَ غُفْرَانَ الذُّنُوبِ وَ سَتَرَ الْعُيُوبِ وَ كَشَفَ
الْكُرُوبِ إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ .

و چون خواهی وداع کنی آن حضرت را پس برو به نزد قبر شریف و بگو این را که در روایت ابو حمزه
ثمالی است و علما نیز ذکر کرده اند :

أَسْتَودِعُكَ اللَّهُ وَ أَسْتَزِعِيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنًا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِكِتَابِهِ وَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ اللَّهُمَّ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ ارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَ أَحْشَرْنِي مَعَهُ وَ مَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ وَ عَرَّفَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ رَسُولِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأُيُومَةِ مِنْ وَلَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ التَّبَرَّاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ يَا رَبِّي بِذَلِكَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ .

پس دعا کن از برای خود و از برای پدر و مادر و مؤمنین و مسلمین و اختیار کن از دعاها هر دعایی که می‌خواهی

روایت شده (در خبری از حضرت سید سجاد علیه السلام آنچه حاصلش آن است که فرمودند: خدا رحمت کند عباس را که ایثار کرد بر خود برادر خود را و جان خود را فدای آن حضرت نمود تا آنکه در یاری او دو دستش را قطع کردند و حق تعالی در عوض دو دست او دو بال به او عنایت فرمود که با آن دو بال با فرشتگان در بهشت مانند جعفر بن ابی طالب پرواز می‌کند و از برای عباس علیه السلام در نزد خداوند منزلتی است در روز قیامت که مغبوط جمیع شهدا است و جمیع شهدا را آرزوی مقام او است) و نقل شده که حضرت عباس علیه السلام در وقت شهادت سی و چهار ساله بود و آنکه ام البنین مادر عباس علیه السلام در ماتم او و برادران اعیانی او (عبدالله و جعفر و عثمان) بیرون مدینه در بقیع می‌شد و در ماتم ایشان چنان ندبه و گریه می‌کرد که هر که از آنجا می‌گذشت گریان می‌گشت گریستن دوستان عجیبی نیست مروان بن الحکم که بزرگتر دشمنی بود خاندان نبوت را چون بر ام البنین عبور می‌کرد از اثر گریه او گریه می‌کرد و این اشعار از ام البنین در مرثیه حضرت ابو الفضل علیه السلام و دیگر پسرانش نقل شده (یا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّرَ عَلَى جَمَاهِرِ النَّقْدِ - وَ وَزَاهُ مِنْ أُتْنَاءِ حَيْدَرٍ كُلِّ لَيْثٍ ذِي - لَبَدٍ أُتْبِئْتُ أَنَّ ابْنِي أُصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعَ يَدٍ - وَيَلِي عَلَى شِبْلِي أَمَالَ بِرَأْسِهِ صَرْبُ الْعَمَدِ - لَوْ كَانَ سَيْفُكَ فِي يَدِيكَ لَمَا دَنَا مِنْهُ أَحَدٌ) وَ لَهَا أَيْضًا (لَا تَدْعُونِي وَيَكُ أُمُّ الْبَنِينَ - تَذَكَّرِي بِلِيُوثِ الْعَرِينِ - كَانَتْ بَنُونَ لِي أَدْعَى بِهِمْ - وَ الْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَ لَا مِنْ بَنِينَ - أَرْبَعَةٌ مِثْلُ نُسُورِ الرُّبَى - قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ بِقَطْعِ الْوَتِينِ - تَنَازَعَ الْخِرْصَانُ أَشْلَاءَهُمْ - فَكُلُّهُمْ أُمْسَى صَرِيحًا طَلْعِينَ - يَا لَيْتَ شِعْرِي أَكَمَا أَخْبَرُوا - يَا عَبَّاسًا قَطِيعَ الْيَمِينِ)

در روزهای کودکی عباس، پدر و برادرانش، حسن و حسین در کنار وی بودند و عباس از دانش و بینش ایشان بهره می‌برد. حضرت علی (ع) درباره تکامل و پویایی فرزندش فرمود: إِنَّ وَلَدِي الْعَبَّاسَ رُفِيَ الْعِلْمَ رَفًّا؛ همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر، که از مادرش آب و غذا می‌گیرد، از من معارف فرا گرفت.

تَلَّ زَيْنَبِيَّه

در تَلَّ زَيْنَبِيَّه این زیارت را که در تابلوروی دیوار است میخوانی:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ سُلْطَانِ الْاَنْبِیَاءِ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم) اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ مَنْ
عُرِجَ بِهِ اِلَى السَّمَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ سَيِّدِ الْاَوْصِیَاءِ عَلَیْهِ السَّلَامُ اَلسَّلَامُ
عَلَیْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اُخْتَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ
شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اِیُّهَا الْوَاقِفَةُ فِیْ هَذَا الْمَكَانِ الشَّرِیْفِ وَ النَّاطِرَةُ جَسَدَ
سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ وَ الْمُخَاطِبَةُ جَدَّكَ سَيِّدِ الْاَنْبِیَاءِ بِهَذَا النِّدَاءِ صَلَّی عَلَیْكَ مَلِیْكَ السَّمَاءِ
هَذَا حُسَيْنٌ بِالْعَرَاءِ مَسْلُوبُ الْعِمَامَةِ وَ الرَّدَاءِ مُقَطَّعُ الْاَعْضَاءِ حَتَّى بَكَی لِیُكَاثِلَ اَهْلُ الْاَرْضِ وَ
السَّمَاءِ اَلسَّلَامُ عَلٰی مَنْ تَكَفَّلَتْ الْاَطْفَالُ وَ النِّسَاءُ فِی عَصْرِ یَوْمِ عَاشُورَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اِیُّهَا
الصَّابِرَةُ الْمُحْتَسِبَةُ الْحَوْرَاءِ زَيْنَبُ الْكُبْرٰی بِنْتُ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

خیمه گاه امام حسین علیه السلام

همان روز دَوم محرم وقتی که یاران و همراهان امام به کربلاء وارد شدند ، امام دستور برپایی خیمه ها را در همان زمین داد . محل برپایی خیمه ها یه جای پست بود . حضرت زینب (س) دلیل این کار را از امام پرسید : امام در جواب گفت به دو دلیل این کار رو کردم ، اولین دلیلش این بود که دشمن دیرتر به خیمه ها برسد ، دوم اینکه بچه ها صحنه ی جنگ رو نبینند . یاران امام کلاً ۶۲ خیمه رو با فاصله ی دو متری از هم برپا کردند . هشت نوع خیمه توی کاروان امام وجود داشت که شامل خیمه فرماندهی ، خیمه انبار ، خیمه شهدا ، خیمه نظافت ، خیمه امداد ، خیمه آب رسانی ، خیمه خانوادگی ، و خیمه ی سربازها بود . امام قبل از اینکه خیمه ها را برپا کنه ، شهادتگاه خودش رو نشان داد و به زحر بن قیس کسی که حامل سر امام بود اشاره کرد و امیدوار بود که آن تهی دست برگردد . بعد امام با صدای بلند گفت که چادرها را برپا کنید . اولین خیمه ای که توی نیم دایره داخلی برپا شد خیمه ی زنها و کودکان بود . خیمه ی خانواده و اهل بیت امام هم گردها گرد خیمه خود امام برپا شد . خیمه پسرعموهای امام هم نزدیک ترین خیمه به خیمه امام بود . خیمه ی یاران امام در شرق و خیمه بنی هاشم هم در سمت غرب بود بطوری که خیمه خود امام در قلب خیمه ها بود .

حزین یزید ریاحی هم با هزارنفر نیرویی که همراهش داشت روبروی امام خیمه های خودشان را پربا کردند . امام در اولین شب اقامتش در کربلاء برای برادرش محمد حنفیه نامه نوشت . امام در نامه اش گفت : «گویی دنیا نبوده است وانگار آخرت هرگز از دست نرفته است» خیمه های امام وضعیتی روحی خوبی داشت . آرامش ، زمزمه قرآن ، تهجد و عبادت ، آمادگی رزمی ، دیدار با هم وزمینه سازی معنوی برای حوادث سخت آینده به چشم می خورد . ولی در خیمه های دشمن بلا تکلیفی ، ترس و دلهره ی پنهان وجود داشت . یاران امام اعلام آمادگی می کردند . چند نفر از یاران امام بعد از اینکه امام گفته بود اینجا قتلگاه ماست شروع به سخن گفتن کردند . نافع بن هلال پیمان شکنی های عصر پیامبر را گفت . بعد از این به قاسطین و مارقین و ناکثین در عصر امام علی (ع) اشاره کرد . بعد از نافع قاری قرآن و یار بزرگ امام با تایید به وفاداری و فداکاری گفت : اگر اعضای بدن ما با تیغ گسسته بشود ، ما رهایت نمی کنیم ، تا به شفاعت جدت برسیم . بعد از اینکه خیمه ها برپا شد امام به خیمه ی خودش آمد و خانواده و برادرزاده هایش را جمع کرد و به گریه با خدای خودش به زمزمه پرداخت و گفت : پروردگارا ما از فرزندان پیامبرتوایم ، ما را از وطنمان راندند ، از حرم جدمان دور کردند ، بنی امیه به ما ستم کرد ، حق ما را از آنها بگیر و ما را بر این گروه بیدادگر پیروز کن . حزین یزید ریاحی به کوفه نامه داد و گفت که امام حسین (ع) آمده .

مقام صاحب الزمان عج کنارنهر حسینیّه

در مقام صاحب الزمان «عج» کنارنهر حسینیّه این دعا را که در تابلو نوشته شده بخوان:

اَلسَّلَامُ عَلَی الْحَقِّ الْجَدِیدِ وَ الْعَالِمِ الَّذِی عَلَّمَهُ لَا یَبِیدُ السَّلَامُ عَلَی مُحِیی الْمُؤْمِنِیْنَ وَ مُبْرِئِ الْكَافِرِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَی مَهْدِیِّ الْأُمَمِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ السَّلَامُ عَلَی خَلْفِ السَّلَفِ وَ صَاحِبِ الشَّرَفِ السَّلَامُ عَلَی حُجَّةِ الْمَعْبُودِ وَ کَلِمَةِ الْمُحْمُودِ السَّلَامُ عَلَی مُعِزِّ الْأَوْلِیَاءِ وَ مُذِلِّ الْأَعْدَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَی وَارِثِ الْأَنْبِیَاءِ وَ خَاتِمِ الْأَوْصِیَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَی الْقَائِمِ الْمُتَنْظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ اَلسَّلَامُ عَلَی السَّیْفِ الشَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الزَّاهِرِ اَلسَّلَامُ عَلَی شَمْسِ الظَّلَامِ وَ بَذْرِ التَّمَامِ اَلسَّلَامُ عَلَی رَبِیعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةِ الْأَیَّامِ اَلسَّلَامُ عَلَی صَاحِبِ الصَّمْصَمِ وَ فَلَاقِ الْهَامِ اَلسَّلَامُ عَلَی الدِّینِ الْمَأْثُورِ وَ الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ اَلسَّلَامُ عَلَی بَقِیَّةِ اللَّهِ فِی بِلَادِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلَی عِبَادِهِ اَلْمُنْتَهَى إِلَیْهِ مَوَارِثُ الْأَنْبِیَاءِ وَ لَدِیْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَصْفِیَاءِ الْمُؤْتَمَنِ عَلَی السَّرِّ وَ الْوَلِیِّ لِلْأَمْرِ اَلسَّلَامُ عَلَی الْمَهْدِیِّ الَّذِی وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأُمَمَ أَنْ یَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ یَلْمَ بِهِ الشَّعْثَ وَ یَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ یُمْكِّنَ لَهُ وَ یُنْجِزَ بِهِ وَ عَدَ الْمُؤْمِنِیْنَ أَشْهَدُ بِمَا مَوْلَايَ أَنْكَ وَ الْأُيُومَةُ مِنْ أَبَائِكَ أُمَّتِي وَ مَوَالِيَّ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهَادُ أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ

تَسْأَلُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي وَ قَضَاءِ حَوَائِجِي وَ غُفْرَانَ ذُنُوبِي وَ الْأَخْذَ بِيَدِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ .

پس بجا آور نماز زیارت را که دوازده رکعت است، بعد از هر دو رکعت سلام دهد و تسبیح زهرا علیها السّلام بگوید و هدیه کند بسوی آن حضرت و چون از نماز زیارت فارغ شدی بگو :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی حُجَّتِكَ فِيْ اَرْضِكَ وَ خَلِيْفَتِكَ فِيْ بِلَادِكَ الدَّاعِيْ اِلَى سَبِيْلِكَ وَ الْقَائِمِ (بِقِسْطِكَ وَ الْفَائِزِ بِاَمْرِكَ وَلِىِّ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ مُبَيِّرِ الْكَافِرِيْنَ وَ مُجَلِّى الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ) وَ الصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الصّٰدِقِ وَ كَلِمَتِكَ وَ عَيْبَتِكَ وَ عَيْنِكَ فِيْ اَرْضِكَ الْمَتْرَقِبِ الْخَائِفِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِيْنَةِ النَّجَاةِ وَ عَلِمِ الْهُدٰى وَ نُورِ ابْصَارِ الْوَرٰى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدٰى وَ الْوَثْرِ الْمُؤْتُوْرِ وَ مُفَرِّجِ الْكُرْبِ وَ مُزِيلِ الْهَمِّ وَ كَاشِفِ الْبُلُوْى صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ عَلٰى اَبَائِهِ الْاَثِمَةِ الْهَادِيْنَ وَ الْقَادَةِ الْيَمٰمِيْنَ مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْاَسْحَارِ وَ اُوْرَقَتْ الْاَشْجَارُ وَ اَبْنَعَتْ الْاَثْمَارُ وَ اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ غَرَدَتْ الْاَطْيَارُ اَللّٰهُمَّ اَنْفَعْنَا بِحُبِّهِ وَ احْشُرْنَا فِيْ زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لَوَائِهِ اِلَهَ الْحَقِّ اٰمِيْنَ رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ .

مقام امام صادق علیه السلام نزدیک نهر حسینیه

در مقام امام صادق علیه السلام آذربازار بعد از نهر حسینیه و مقام صاحب الزمان عج «مشهور به باغ یا مزرعه امام صادق علیه السلام» این دعا را که در تابلو نوشته شده بخوان :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْاِمَامُ الصّٰدِقُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْوَصِیُّ النَّاطِقُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْفَاتِحُ الرَّاتِقُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا السَّنَامُ الْاَعْظَمُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الصَّرَاطُ الْاَقْوَمُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مُضْبَاحَ الظُّلُمَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا دَافِعَ الْمُعْضَلَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مُفْتَاحَ الْخَیْرَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مُعَدِّنَ الْبَرَكَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَاحِبَ الْحُجَجِ وَ الدَّلَالَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَاحِبَ الْبَرَاهِیْنِ الْوَاضِحَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا نَاصِرِ دِیْنِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا نَاشِرَ حُكْمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَلَاذَ الْخَافِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا زَعِيْمَ الصّٰلِحِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا كَهْفَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا هَادِیِّ الْمُضِلِّیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا سَكْنَ الطّٰئِعِيْنَ اَشْهَدُ یَا مَوْلٰى اَنْكَ عَلِمُ الْهُدٰى وَ الْعُرُوَّةُ الْوُثْقٰى وَ شَمْسُ الضُّحٰى وَ بَحْرُ النَّدٰى وَ كَهْفُ الْوَرٰى وَ الْمَثَلُ الْاَعْلٰى صَلِّ اللّٰهُ عَلٰى رُوحِكَ الطّٰهَرِ وَ بَدَنِكَ الزَّكٰى اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَادِقَ الْقَوْلِ الْبَارِ الْاَمِيْنَ یَا سَیِّدِى وَ ابْنِ سَیِّدِى یَا جَعْفَرَ الصّٰدِقِ وَ عَلٰى جَدِّكَ الْحُسَيْنِ وَ اَبَائِكَ وَ اَبْنَائِكَ الطّٰیِبِيْنَ الطّٰهَرِيْنَ وَ رَحْمَةً اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

حَرْبَن یزیدریاحی علیه الرّحمه

حَرْبَن یزیدریاحی را در شهرک حرکه از پنج کیلومتری جاده کربلا- با بل جدا می شود و حدود پنج کیلومتر دیگر هم می رود زیارت می کنی و می گوئی :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمُجَاهِدُ النَّاصِحُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ وَفَى بِالسَّعَادَةِ الرَّابِحَةِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ نَكَثَ بَیْعَةَ یزید وَفَدَى بِرُوحِهِ لِلْحُسَيْنِ الشَّهِیدِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْبَطْلُ الصَّنْدِیدُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْفَارِسُ الشُّجَاعُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْبَطْلُ الْمَنَاعُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ تَرَكَ الطُّغْيَانَ وَأَطَاعَ الْوَاحِدَ الدِّیَانَ وَدَخَلَ فِی طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَفَدَى بِرُوحِهِ لِلْحُسَيْنِ الشَّهِیدِ الْغَرِیبِ الْعَطْشَانَ وَصَالَ عَلَى الْعُدُوَانِ وَهَوَى صَرِیْعاً عَلَى الثَّرَبَانِ وَحَظَى بِالْخُلْدِ وَالْجَنَانِ وَرَحِمَهُ اللهُ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ فَدَى بِنَفْسِهِ لِابْنِ الرَّسُولِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُجَاهِداً دُونَ ابْنِ الْبَتُولِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ ثَبَتَ لِلطُّغْنِ وَضَرَبَ السُّیُوفِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ الْمُقْتُولِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ بَكَاهُ الْحُسَيْنُ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَقَالَ مَا أَخْطَأْتُ أَمَّكَ إِذْ سَمَّيْتُكَ الْحُرَّ فَإِنَّتْ حُرٌّ فِی الدُّنْيَا وَسَعِيدٌ فِی الْآخِرَةِ فِیَا لَیْتَنِي كُنْتُ مَعَكَ فَأَفُوزَ مَعَكَ كَمَا فُزْتُ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَرْبَن یزیدِ الرِّیَاحِی وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ .

حدیث:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله : اَلصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِیْبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِیَةِ؛ صبر سه نوع است: صبر در هنگام مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر ترك گناه. «کافی ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۵»

امام علی علیه السلام : اَلصَّبْرُ أَنْ یَحْتَمَلَ الرَّجُلُ مَا یَنْوِبُهُ وَ یَكْظِمُ مَا یَغْضِبُهُ؛ صبر آن است که انسان گرفتاری و مصیبتی را که به او می رسد تحمل کند و خشم خود را فرو خورد. «عیون الحکم و المواعظ (لیثی) ص ۵۶، ح ۱۴۳۹»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله : عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِی ثَلَاثٍ أَوَّلُهَا أَنْ لَا یَكْسَلَ وَ الثَّانِیَةُ أَنْ لَا یَضْجَرَ وَ الثَّالِثَةُ أَنْ لَا یَشْكُو مِنْ رَبِّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ إِذَا كَسَلَ فَقَدْ ضِیَعَ الْحَقُّ وَ إِذَا ضَجَرَ لَمْ یُؤَدِّ الشُّكْرَ وَ إِذَا شَكَا مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ غَضَاهُ. صبور سه نشانه دارد: اول آن که سستی نمی کند، دوم آن که افسرده و دلتنگ نمی شود و سوم آن که از پروردگار خود شکوه نمی کند؛ زیرا اگر سستی کند، حق را ضایع کرده، و اگر افسرده و دلتنگ باشد شکر نمی گذارد و اگر از پروردگار شکوه کند او را معصیت کرده است. «علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱»

زیارت طفلان مسلم علیهما السلام

طفلان مسلم محمد و ابراهیم را نزدیک شهر مسیب زیارت میکنیم با این زیارت که روی تابلو حرم نوشته شده :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَيْكُمَا يَا قَرَّةَ عَيْنِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا فَلَذَتَيِ
كَبَدِ ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نَاصِرِي سَبْطِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا
السَّابِقَانِ فِي الشَّهَادَةِ مِنْ ذِي رَجَمِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا الشَّهِيدَانِ فِي نُصْرَةِ
دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا الْمَظْلُومَانِ الْقَتِيلَانِ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا
الْمَظْلُومَانِ الْقَتِيلَانِ بِأَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا الْمُخْلِفَانِ مِنْ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلِ
الْقَتِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا الذَّبِيحَانِ مِنْ نَسْلِ إِسْمَاعِيلَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا الْحَيَّانِ
الْمَرْزُوقَانِ عِنْدَ رَبِّكُمَا الْجَلِيلِ، أَشْهَدُ أَنَّكُمَا جَاهِدْتُمَا فِي نُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَحِمَايَةِ عَثْرَةِ رَسُولِ
اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ، فَجَزَاكُمَا اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ، أَفْضَلَ جَزَاءِ الشُّهَدَاءِ، وَ أَنْمَى
حُطُوظِ السُّعَدَاءِ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْأَتْقِيَاءِ، وَ أَلْحَقَكُمَا اللَّهُ وَ إِيَّانَا بِحَقِّ آبَائِكُمَا الشُّرَفَاءِ مِنْ
الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ، وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصُّلَحَاءِ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا وَ لَا خَبِينَا اللَّهُ مِنْ هَذِهِ
السَّعَادَةِ، وَ شَفَاعَةِ هَؤُلَاءِ الشُّفَعَاءِ، وَ رَزَقَنَا اللَّهُ زِيَارَةَ الْأَيْمَةِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ، وَ
لَا سِيَّمًا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنِ عَلَى الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ بِكَرْبَلَاءَ، آمِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْأَرْضِ وَ
السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا مُحَمَّدَ وَ يَا إِبْرَاهِيمَ وَلَدَيِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ
السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

حدیث:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله : ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ
الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ الدُّعَاءُ عِنْدَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ. کسی که سه خصلت در او باشد خداوند خیر دنیا و
آخرت را برای او فراهم می کند: خشنودی به مقدرات، صبر در بلا و دعا در سختی و راحتی .

«بحار الأنوار ج ۶۸، ص ۱۵۶، ح ۷۱»

امام کاظم علیه السلام : إِصْبِرْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ اصْبِرْ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهَا
فَلَيْسَ تَجِدَ لَهُ سُورًا وَ لَا حَزَنًا وَ مَا لَمْ يَأْتِ مِنْهَا فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا
فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ. بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی او شکیبا باش ؛ زیرا دنیا لحظه ای بیش
نیست . آنچه گذشته جای شادی و غم ندارد و از آنچه نیامده نیز خبری نداری . پس لحظه ای را که
در آن به سر میبری ، صبور باش چنان که گویی خوشبخت و خوشحالی . «تحف العقول ص ۳۹۶»

فضیلت و آداب تربت مقدّسه امام حسین علیه السّلام

چون خواستی از کربلا خارج شوی و بسوی وطن مالوف بازگردی تُحَف وهدایا برای اهل و عیال خریداری کن که مستحب است. از جمله تُحَفی که مرسوم است از کربلانهییه میکنند تربت مقدّس امام حسین علیه السّلام است

بدان که روایات بسیار وارد شده که در تربت آن حضرت شفای هر درد و مرض است مگر مرگ، و امان است از بلاها و باعث ایمنی از هر خوف و بیم است. و اخبار در این باب متواتر است و معجزاتی که به سبب این تربت مقدّسه ظاهر گردیده است زیاده از آن است که ذکر شود

در کتاب فواید الرّضویه که در تراجم علمای امامیه است در احوال سیّد محدّث متبحّر آقا سید نعمت الله جزایری رحمه الله علیه است که آن سیّد جلیل در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده و سختی و رنج بسیار برده و در اوایل تحصیل چون قادر نبوده بر چراغ به روشنی ماه مطالعه می نمود لاجرم از کثرت مطالعه در ماهتاب و بسیار چیز نوشتن و مطالعه کردن چشمانش ضعف پیدا کرده بود پس به جهت روشنی چشم خود به تربت مقدّسه حضرت سید الشّهداء علیه السّلام و تراب مراقد شریفه ائمه عراق علیهم السّلام اکتحال می کرد و به برکت آن تربتها چشمش روشن می گشت و نیز آمده است که مبدا اهالی عصر ما به واسطه معاشرت با کفّار و ملاحده این مطلب را استعجاب نمایند. همانا کمال الدّین دِمیری در حیات الحیوان نقل کرده که افعی هر گاه هزار سال عمر کرد چشمانش کور می شود حق تعالی او را ملهم فرموده که برای رفع کوری خود چشم خود را به رازیانج تر بمالد لاجرم با چشم کور از بیابان قصد می کند بساتین و جاهایی را که رازیانج در آنجا باشد و اگر چه مسافتی طویل در بین باشد پس خود را می رساند به آن گیاه و چشم خود را بر آن می مالد روشنی چشم او برمی گردد. و این مطلب را زمخشری و غیره نیز نقل کرده اند. پس هرگاه حق تعالی در یک گیاه تری این خاصیت قرار داده باشد که مار کور پی به آن ببرد و بهره خود را از آن بگیرد چه عجب و استبعادی دارد که در تربت پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله که در راه او خودش و عترتش کشته شده شفا از جمیع امراض و فواید و برکاتی قرار داده باشد که شیعیان و محبان از آن بهره ها برند اما چندروایت :

اول : (روایت شده که: حوریان بهشت چون یکی از ملائکه را می بینند که از برای کاری بر زمین می آید از او التماس می کنند که برای ما تسبیح و تربت قبر امام حسین علیه السّلام به هدیه بیاور)
دوم : (به سند معتبر منقول است که: شخصی گفت حضرت امام رضا علیه السّلام برای من از خراسان بسته متاعی فرستاد چون گشودم در میان آن خاکی بود از آن مرد که آورده بود پرسیدم که این خاك چیست گفت خاك قبر امام حسین علیه السّلام است و هرگز آن حضرت از جامه و غیر جامه

چیزی به جایی نمی‌فرستد مگر آنکه این خاک را در میانش می‌گذارد و می‌فرماید این امان است از بلاها به اذن و مشیت خدا)

سوم: (روایت است که: عبد الله بن ابی یعفور به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که یک شخص از خاک قبر امام حسین علیه السلام برمی‌دارد و منتفع می‌شود و دیگری برمی‌دارد و منتفع نمی‌شود فرمود که نه و الله هر که بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع می‌بخشد البته منتفع می‌شود)

چهارم: (از ابو حمزه ثمالی روایت است که: عرض کردم به حضرت صادق علیه السلام که می‌بینم اصحاب ما می‌گیرند خاک قبر امام حسین علیه السلام را و طلب شفا از آن می‌کنند آیا شفا در آن هست؟ فرمود که طلب شفا می‌توان کرد از خاکی که بردارند از میان قبر تا چهار میل و همچنین است خاک قبر جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر علیه السلام پس بگیر از آن خاک که آن شفای هر درد است و سپری است برای دفع هر چه از آن ترسی و هیچ چیز به آن برابری نمی‌کند از چیزهایی که از آن شفا طلب می‌کنند به غیر از دعا و چیزی که آن را فاسد می‌کند آن است که در ظرفها و جاهای بد می‌گذارند و آنها که معالجه به آن می‌کنند کم است یقین ایشان هر که یقین داشته باشد که این از برای او شفا است هرگاه معالجه به آن کند او را کافی خواهد بود و محتاج به دواى دیگر نخواهد شد. و فاسد می‌گردانند آن تربت را شیاطین و کافران از جنیان که خود را بر آن می‌مالند و به هر چیز که می‌گذرد آن تربت آن را بو می‌کنند و اما شیاطین و کافران جن پس حسد می‌برند فرزندان آدم را بر آن و خود را بر آن می‌مالند که اکثر نیکی و بوی خوشش برطرف می‌شود و هیچ تربت از حایر بیرون نمی‌آید مگر مهیا می‌شوند از شیاطین و کافران جن از برای آن تربت آنقدر که عدد ایشان را کسی به غیر از خدا احصا نمی‌تواند کرد و آن تربت در دست صاحبش است و ایشان خود را بر آن می‌مالند و ملائکه نمی‌گذارند ایشان را که داخل حایر شوند و اگر تربت سالم از اینها بماند هر بیمار را که به آن معالجه نمایند البته در آن ساعت شفا می‌یابد پس چون تربت را برداری پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و شنیده ام که بعضی از آنها که تربت را برمی‌دارند آن را سبک می‌شمارند حتی بعضی از ایشان آن را در توپره چهارپایان می‌اندازند یا در ظرف طعام یا چیزهایی که دست بر آن بسیار مالیده شود از خورجینها و جوالها پس چگونه شفا یابد از آن کسی که به این نوع آن را حرمت دارد و لکن دلی که در آن یقین نیست و سبک می‌شمارد چیزی را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد می‌کند)

پنجم: (روایت شده که: هر گاه یکی از شما خواهد که بردارد تربت را به اطراف انگشتان بردارد و قدر آن مثل نخود است پس بیوسد آن را و بر هر دو دیده گذارد و بر سایر بدن بمالد و بگوید: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِهَا وَ تَوَى فِيْهَا وَ بِحَقِّ جَدِّهِ وَ اَبِيْهِ وَ اُمِّهِ وَ اَخِيْهِ وَ الْاُئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ

يَحَقُّ الْمَلَائِكَةُ الْحَافِينَ بِهِ إِلَّا جَعَلْتَهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ بُرْءًا مِنْ كُلِّ مَرَضٍ وَ نَجَاةً مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ حِزْرًا مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ. پس آن را استعمال نماید) (و روایت شده که: مهر کردن تربت امام حسین علیه السلام آن است که بر آن سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بخوانی) و نیز روایت شده که: هر گاه تربت را بخوری یا به کسی بخورانی بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَ عِلْمًا نَافِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

ششم: (از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: هر که بگرداند تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را و بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. با هر دانه بنویسد حق تعالی از برای او شش هزار حسنه محو کند از او شش هزار گناه و بلند کند از برای او شش هزار درجه و بنویسد از برای او شش هزار شفاعت) (و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هر که بگرداند سنگهایی را که از تربت امام حسین علیه السلام می‌سازند یعنی تسبیح پخته پس یک بار استغفار کند هفتاد استغفار از برای او نوشته می‌شود و اگر تسبیحی را در دست نگاه دارد و تسبیح نکوید به عدد هر حبه هفت مرتبه از برای او نوشته می‌شود)

هفتم: (در حدیث معتبر منقول است که: چون حضرت صادق علیه السلام به عراق تشریف آوردند گروهی نزد آن حضرت آمدند و عرض کردند که دانسته‌ایم تربت امام حسین علیه السلام موجب شفای هر درد است آیا باعث ایمنی از هر خوف هست؟ فرمود بلی، هر گاه کسی خواهد که او را از هر بیمی امان بخشد باید تسبیحی که از تربت آن حضرت ساخته باشند در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند أَصْبَحْتُ [أَمْسَيْتُ] اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ وَ جِوَارِكَ الْمُنِيعِ الَّذِي لَا يَطَاوُلُ وَ لَا يَحَاوُلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ [فِي جُنَّةٍ] مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ يَلْبَاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ وَ هِيَ وَ لَاءُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ [مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] مُحْتَجِّزًا [مُحْتَجِّبًا] مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَذِيَةِ بَجْدَارٍ حَصِينٍ الْإِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعًا مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ مِنْهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ أُولَى مَنْ وَالُوا وَ أَعَادَى مَنْ عَادُوا وَ أَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ حَجَرْتُ الْأَعَادَى عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بمالد و بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التَّزْوِيَةِ الْمُبَارَكَةِ وَ بِحَقِّ صَاحِبِهَا وَ بِحَقِّ جَدِّهِ وَ بِحَقِّ أَبِيهِ وَ بِحَقِّ أُمِّهِ وَ بِحَقِّ أَخِيهِ وَ بِحَقِّ وَلَدِهِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ. پس تسبیح را بر جبین خود بگذارد پس اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و اگر در شام چنین کند در امان خدا باشد تا صبح) (و در روایت دیگر منقول است که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد چون از خانه بیرون آید چنین کند تا حرزی باشد او را از شر ایشان)

مشهور میان علما آن است که خوردن گِل و خاک مطلقاً جایز نیست مگر تربت مقدّسه امام حسین علیه السّلام به قصد شفا بی قصد لذّت به قدر نخودی بلکه احوط آن است که به قدر عدسی باشد و خوب است که تربت را در دهان بگذارد و بعد از آن جرعه ای از آب بخورد و بگوید: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَ عِلْمًا نَافِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ.

(علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را نخرند و نفروشند بلکه به هدیه و بخشش بدهند و در برابر آنها اگر تراضی کنند بی آنکه اول شرط کرده باشند شاید بد نباشد چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السّلام منقول است که: هر که خاک قبر امام حسین علیه السّلام را بفروشد چنان است که گوشت آن حضرت را فروخته و خریده باشد)

و شیخ ما محدّث متبحّر ثقة الاسلام نوری رحمه الله در دار السّلام نقل فرموده که روزی یکی از برادران من به خدمت مرحومه والدهام رسید مادرم دید که تربت امام حسین علیه السّلام را در جیب پایین قبای خود گذاشته مادرم او را زجر کرد که این بی ادبی است به تربت مقدّسه چه آن که بسا شود در زیر ران واقع شود و شکسته گردد برادرم گفت چنین است که فرمودی و تا به حال دو مهر شکسته ام و لکن عهد کرد که من بعد در جیب پایین نگذارد پس چند روزی از این قضیه گذشت علامه والدّم در خواب دید بدون آنکه از این مطلب اطلاع داشته باشد که مولای ما حضرت ابو عبد الله الحسین علیه السّلام به زیارت او تشریف آورد و در اطاق کتابخانه نشست و ملاطفت و مهربانی بسیار کرد و فرمود بخوان پسران خود را بیایند تا آنها را اکرام کنم پس والد پسرها را طلبید و با من پنج نفر بودند پس ایستادند در نزد در مقابل آن حضرت و در نزد آن حضرت از جامه و چیزهای دیگر بود پس يك يك را می خواند و چیزی از آنها به او می داد پس نوبت به برادر مزبور سلّمه الله رسید حضرت نظری بر او افکند مانند کسی که در غضب باشد و التفات فرمود بسوی والد مرحوم و فرمود این پسر تو دو تربت از تربتهای قبر من در زیر ران خود شکسته است پس مثل برادران دیگر او را نخواند بلکه افکند بسوی او چیزی و الآن در ذهنم است که گویا قاب شانه ترمه به او داد پس علامه والد بیدار شد و خواب خود را برای مرحومه والده نقل کرد و والده حکایت را برای ایشان بیان کرد والد تعجب کرد از صدق این خواب انتهی.

بر اساس برخی احادیث که بیشتر آنها از طریق امّ سلّمه نقل شده پیامبر (ص) تربتی را که جبرائیل برای وی آورد، به امّ سلّمه داد و او آن را در شیشه ای (یا پیراهن یا روسری خود) نهاد، آنگاه پیامبر (ص) خون رنگ شدن تربت را در روز عاشورا، نشانه شهادت امام حسین (ع) معرفی کرد. در برخی منابع، مُفاد این احادیث از جمله معجزات پیامبر (ص) به شمار آمده است. در منابع شیعی، این احادیث به واسطه حدود ۱۰ راوی، از پیامبر (ص) و امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده است

زیارات

زیارت شریفه عاشوراء

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِبْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِبْنَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ ، وَ اِبْنَ سَیِّدِ الْوَصِیَّیْنَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِبْنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللّٰهِ وَ اِبْنَ ثَارِهِ ، وَ الْوَثْرَ الْمُؤْتُوْرَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلٰی الْاَزْوَاجِ الَّتِیْ حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَیْكُمْ مِنْیْ جَمِیْعَا سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ ، يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِیْبَةُ بِكَ عَلَیْنَا وَ عَلٰی جَمِیْعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ ، وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِیْبَتُكَ فِی السَّمَاوَاتِ عَلٰی جَمِیْعِ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ ، فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَیْكُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَ اَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِیْ رَتَّبَكُمْ اللّٰهُ فِیْهَا ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ الْمُمَهِّدِیْنَ لَهُمْ بِالتَّمْكِیْنِ مِنْ قِتَالِكُمْ ، بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ وَ اِلَیْكُمْ مِنْهُمْ وَ (مِنْ) اَشِیَاعِهِمْ وَ اَتْبَاعِهِمْ وَ اَوْلِیَائِهِمْ ، يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ ، اِنِّیْ سَلِّمُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ ، وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ، اِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ اَلَّ زِیَادٍ وَ اَلَّ مَرْوَانَ ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ بَنِیْ اُمَیَّةَ قَاطِبَةً ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ اِبْنَ مَرْجَانَةَ ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ لَعَنَ اللّٰهُ شِمْرًا ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَ اَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ ، بِأَبِیْ اَنْتَ وَ اُمِّی ، لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِیْ بِكَ ، فَاسْأَلُ اللّٰهُ الَّذِیْ اَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ اَكْرَمَنِیْ (بِكَ) أَنْ یَرْزُقَنِیْ طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ اِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ عِنْدَكَ وَجِیْهًا بِالْحَسَنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ ، يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ ، اِنِّیْ اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ وَ اِلَى رَسُوْلِهِ وَ اِلَى اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ اِلَى فَاطِمَةَ وَ اِلَى الْحَسَنِ وَ اِلَیْكَ ، بِمُؤَالَاتِكَ ، وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ اَسَاسِ اَسَاسِ ذَلِكَ وَ بَنَى عَلَیْهِ بُنْیَانَهُ ، وَ جَرَى فِی ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَیْكُمْ وَ عَلٰی اَشِیَاعِكُمْ ، بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ وَ اِلَیْكُمْ مِنْهُمْ ، وَ اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ اِلَیْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُوَالَاةِ وَلَیْكُمْ ، وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِبِیْنَ لَكُمْ الْحَرْبَ ، وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ اَشِیَاعِهِمْ وَ اَتْبَاعِهِمْ ، اِنِّیْ سَلِّمُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ ، وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ، وَ وَلِیٌّ لِمَنْ وَاَلَاكُمْ ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ ، فَاسْأَلُ اللّٰهُ الَّذِیْ اَكْرَمَنِیْ بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ اَوْلِیَائِكُمْ ، وَ رَزَقَنِیْ الْبَرَاءَةَ مِنْ اَعْدَائِكُمْ ، أَنْ یَجْعَلَنِیْ مَعَكُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ ، وَ أَنْ یَنْبَتَ لِیْ عِنْدَكُمْ قَدَمٌ صَدِیْقٍ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ ، وَ اَسْأَلُهُ أَنْ یَبْلُغَنِی الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ ، وَ أَنْ یَرْزُقَنِیْ طَلَبَ ثَارِیْ مَعَ اِمَامٍ هُدًی ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ ، وَ اَسْأَلُ اللّٰهُ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّأْنِ الَّذِیْ لَكُمْ عِنْدَهُ ، أَنْ یُعْطِیَنِیْ بِمُصَابِیْ بِكُمْ اَفْضَلَ مَا یُعْطِیْ مُصَابًا بِمُصِیْبَتِهِ ، مُصِیْبَةً مَا اَعْظَمَهَا وَ اَعْظَمَ رَزِیَّتَهَا فِی الْاِسْلَامِ ، وَ فِی جَمِیْعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ فِی مَقَامِیْ هَذَا مِنْ تَنَالِهِ مِنْكَ ، صَلَوَاتُ وَ رَحْمَةُ وَ

مَغْفِرَةً، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمِيَّةَ، وَ ابْنُ اَكَلَةِ الْاَكْبَادِ، اَللّٰعِيْنُ ابْنُ اللَّعِيْنِ عَلٰى (لِسَانِكَ) وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، فِى كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَقَفَ فِيْهِ نَبِيِّكَ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، اَللّٰهُمَّ اَلْعَنُ اَبَا سُفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيْدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ اَبَدَ الْاَبَدِيْنَ، وَ هَذَا يَوْمٌ فَرِحْتَ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ، اَللّٰهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَ الْعَذَابَ (اَلْاَلِيْمَ)، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ فِى هَذَا الْيَوْمِ وَ فِى مَوْقِفِيْ هَذَا وَ اَيَّامِ حَيَاتِيْ، بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَ بِالْمُؤَالَاةِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ (عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ).

پس می گوئی صد مرتبه :

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنُ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلٰى ذٰلِكَ، اَللّٰهُمَّ اَلْعَنُ الْعِصَابَةَ الَّتِيْ جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ، وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلٰى قَتْلِهِ، اَللّٰهُمَّ اَلْعَنُكُمْ جَمِيعًا، (مَعَ تِسْعًا وَتِسْعِيْنَ مَرَّةً)

پس می گوئی صد مرتبه :

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ، وَ عَلٰى الْاَرْوَاحِ الَّتِيْ حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّىْ سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، وَ لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِنِّىْ لِزِيَارَتِكُمْ، اَلسَّلَامُ عَلٰى الْحُسَيْنِ، وَ عَلٰى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، (وَ عَلٰى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ)، وَ عَلٰى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ. (مَعَ تِسْعًا وَتِسْعِيْنَ مَرَّةً)

پس می گوئی :

اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللّٰعْنِ مِنِّىْ، وَ اَبْدَأُ بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّالِثُ وَ الرَّابِعُ، اَللّٰهُمَّ اَلْعَنُ يَزِيْدَ خَامِسًا، وَ اَلْعَنُ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِيَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ شِمْرًا وَ آلَ اَبِيْ سُفْيَانَ، وَ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ، اِلٰى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

پس به سجده می روی و می گوئی :

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِيْنَ لَكَ عَلٰى مُصَابِيْهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى عَظِيْمِ رَزِيَّتِيْ، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ شِفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَ ثَبَّتْ لِيْ قَدَمَ صَدَقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، اَلَّذِيْنَ بَدَلُوا مُهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

تنبيه: نقل شده كه امام خمينى «رضوان الله تعالى عليه» چنين زيارت مى كردند. همچنين حضرت آيت الله العظمى بهجت «رحمة الله عليه» مى گويند: «شيخ انصارى زيارت عاشورا را با صد لعن و سلام مى خواندند».

آری فرموده اند: اگر قرائت صدبار لعن و سلام در هنگام زیارت عاشورا باعث عسر و حرج «چنانکه در مجالس زیارت عاشوراهست» و یا سبب نخواندن زیارت عاشورا شود اگر چنانچه بعد از هر بخش از لعن‌ها و سلام‌ها بگوید: «تَسْعًا وَ تَسْعِينَ مَرَّةً» إن شاء الله ثواب زیارت کامل را خواهد داشت.

از امام هادی نقل شده که فرمودند: «مَنْ قَرَأَ لَعْنَ زِيَارَةِ الْعَاشُورَا الْمَشْهُورَةِ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ قَالَ: اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا تَسْعَةً وَ تَسْعِينَ مَرَّةً كَانَ كَمَنْ قَرَأَهُ مِائَةً مَرَّةً، وَ مَنْ قَرَأَ سَلَامَهَا مَرَّةً وَاحِدَةً، ثُمَّ قَالَ اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ تَسْعَةً وَ تَسْعِينَ مَرَّةً كَانَ كَمَنْ قَرَأَهُ مِائَةً مَرَّةً تَامَةً مِنْ اَوَّلِهِمَا اِلَى اٰخِرِهِمَا»؛ کسی که در زیارت عاشورا، در فراز لعن، یک بار آن را کامل بخواند (اللهم العن اول ظالم ظلم...)، سپس بگوید «اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا تَسْعَةً وَ تَسْعِينَ مَرَّةً»، مانند آن است که همه ی این فراز لعن را صدبار گفته است، همچنین اگر یک بار فراز سلام را تا آخر به طور کامل بخواند، سپس بگوید: «اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ تَسْعَةً وَ تَسْعِينَ مَرَّةً» مانند آن است که همه ی فراز سلام را صدبار به طور کامل خوانده از اول تا آخرش.

زیارت امین الله

که در تمام کتب مزاریه و مصابیح نقل شده است و علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که آن بهترین زیارات است از جهت متن و سند و باید که در جمیع روضات مقدسه بر این مواظبت نمایند و کیفیت آن چنان است که به سندهای معتبر روایت شده از جابر از امام محمد باقر علیه السلام که: امام زین العابدین علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و گفت:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِیْنُ اللّٰهِ فِیْ اَرْضِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلَیْ عِبَادِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ «اگر این زیارت برای غیر حضرت امیر المؤمنین خوانده شود اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ در آن گفته نمی‌شود بلکه نام امامی که زیارت کرده میشود گفته میشود» اَشْهَدُ اَنَّكَ جَاهَدْتَ فِی اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیِّهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ حَتّٰی دَعَاكَ اللّٰهُ اِلٰی جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ اِلَیْهِ بِاَخْتِیَارِهِ وَ اَلَزَمَ اَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلٰی جَمِیْعِ خَلْقِهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِیْ مُطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ رَاضِیَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ مُجَبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِیَائِكَ مَحْبُوبَةً فِیْ اَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ صَابِرَةً عَلٰی نَزُولِ بَلَائِكَ (شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ ذَاكِرَةً لِّسَوَابِغِ اَلَانِكَ) مُشْتَاةً اِلٰی فَرْحَةٍ لِّقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً لِّلثَقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِیَائِكَ مُفَارِقَةً لِاخْلَاقِ اَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ «پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت» اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِیْنَ اِلَیْكَ وَ اِلَیْهِ وَ سُبُلُ الرَّاْغِبِیْنَ اِلَیْكَ شَارِعَةٌ وَ اَعْلَامُ الْقَاصِدِیْنَ اِلَیْكَ وَاضِحَةٌ وَ اَفْئِدَةُ الْعَارِفِیْنَ مِنْكَ فَارِعَةٌ وَ اَصْوَاتُ الدَّاعِیْنَ اِلَیْكَ صَاعِدَةٌ

وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مَفْتَحَةٌ وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةٌ مِنْ أَنْابٍ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَ
عَبْرَةٌ مِنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَإِعَاثَةٌ لِمَنِ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَإِعَاثَةٌ لِمَنِ اسْتَعَانَ
بِكَ مَبْدُولَةٌ وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَرَةٌ وَزَلَلٌ مِنْ اسْتَقَالَكَ مُقَالَةٌ وَأَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ
مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزَاقُكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَذُنُوبُ
الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوقَرَةٌ وَعَوَائِدُ
الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلُ الظَّمَاءِ (لَدَيْكَ) مُتَرَعَّةٌ اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ
دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَ
الحُسَيْنِ إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي وَمُنْتَهَى مُنَايَ وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمُنَوَايَ» و در کامل
الزيارة بعد از این زیارت این فقرات نیز مسطور است: «أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ اِغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَ
كُفْ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَ اشْغَلْهُمْ عَنْ أَذَانَا وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ أَذْخِصْ كَلِمَةَ
الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. پس حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که هر که از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیر المؤمنین علیه السلام یا نزد قبر یکی از
ائمہ علیہم السلام بخواند البته حق تعالی این زیارت و دعای او را در نامه‌ای از نور بالا برد و مهر
حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن بزند و چنین محفوظ باشد تا تسلیم نمایند به قائم آل
محمد علیهم السلام پس استقبال نماید صاحبش را به بشارت و تحیت و کرامت این شاء الله تعالی
مؤلف گوید که این زیارت شریفه هم از زیارات مطلقه محسوب می‌شود و هم از زیارات مخصوصه روز
غدیر و هم از زیارات جامعه که در جمیع روضات مقدسه ائمہ علیہم السلام خوانده میشود

زیارت جامعه صغیره

این زیارت در کتب کافی، تهذیب و کامل الزیارات از امام رضا علیه السلام نقل شده است، و در تمام
زیارتگاه‌های انبیاء و ائمہ و اوصیاء علیهم السلام خوانده می‌شود:

اَلسَّلَامُ عَلٰی اَوْلِيَآءِ اللّٰهِ وَاَصْفِيَآءِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی اَمَنَآءِ اللّٰهِ وَاَحِبَّآءِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی اَنْصَارِ اللّٰهِ
وَاَخْلَفَآءِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی مُظْهَرِي
اَمْرِ اللّٰهِ وَنَهْيِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی الدُّعَاةِ اِلَى اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی الْمُسْتَقْرِئِينَ فِي مَرْضَاتِ اللّٰهِ،
اَلسَّلَامُ عَلٰی الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی الْاِدْلَآءِ عَلٰی اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی الَّذِينَ مِنْ
وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللّٰهُ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللّٰهُ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّٰهُ، وَمَنْ
جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللّٰهُ، وَمَنْ اَعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اَعْتَصَمَ بِاللّٰهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ
اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَشْهَدُ اللّٰهُ اَنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَالَمْتُمْ، وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

وَعَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَبْرَأَ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق در فقیه و عیون روایت کرده از موسی بن عبد الله نخعی که گفت: عرض کردم به خدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام که یا ابن رسول الله مرا تعلیم فرما زیارتی با بلاغت که کامل باشد که هرگاه خواستم زیارت کنم یکی از شما را آن را بخوانم فرمود که چون به درگاه رسیدی بایست و بگو شهادتین را یعنی بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. و با حال غسل باشی و چون داخل حرم شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس اندکی راه برو به آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک یکدیگر گذار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبر مطهر رو و چهل مرتبه الله اکبر بگو تا صد تکبیر تمام شود و شاید چنانکه مجلسی اول گفته وجه تکبیر این باشد که اکثر طباع مایلند به غلو مبادا از عبارات امثال این زیارت به غلو افتند یا از بزرگی حق سبحانه و تعالی غافل شوند یا غیر اینها پس بگو:

الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبَوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ وَ أَصُولِ الْكَرَمِ وَ قَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ السَّعَادَةِ وَ عَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ وَ سُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ التَّقَى وَ ذَوَى النُّهَى وَ أَوْلَى الْحُجَى وَ كَهْفِ الْوُزَى وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَى وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأَوْلَى وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ ذُرِّيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَ الْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَقَرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ وَ النَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَ السَّادَةِ الْوُلَاةِ وَ الدَّادَةِ الْحَمَاةِ وَ أَهْلِ الذِّكْرِ وَ أَوْلَى الْأَمْرِ وَ بَقِيَةِ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ وَ حُزْبِهِ وَ عَيْبَةِ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ [وَبُرْهَانِهِ] وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ أَوْلُوا الْعِلْمِ مَنْ خَلَقَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُتَنَجِّبُ وَ رَسُولُهُ الْمُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

كُلُّهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيُّمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَّمُونَ
الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ
الْقَائِمُونَ بِكَرَامَتِهِ إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ
أَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ وَ خَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَ انْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَ أَيْدَكُمْ بِرُوحِهِ وَ رَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَ
حُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَ أَنْصَارًا لِدِينِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَرَاجِمَةً
لِوَحْيِهِ وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ أَدْلَاءَ عَلَى
صِرَاطِهِ عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ أَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ
الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَ أَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَ مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَ أَدْمَنْتُمْ ذِكْرَهُ وَ
وَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ وَ أَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ دَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ
بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ بَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَ صَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي
جَنْبِهِ وَ أَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتُمْ فِي
اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَ بَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَ أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَ نَشَرْتُمْ شَرَائِعَ
أَحْكَامِهِ وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَ صِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَ صَدَقْتُمْ مِنْ
رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالزَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَ اللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَ الْمَقْصَرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَ الْحَقُّ
مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَ إِيَابُ الْخَلْقِ
إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَ فَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَ نُورُهُ وَ
بُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ
أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ (وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ) وَ مَنْ اغْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ
أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَ الْآيَةُ
الْمُخْرُوجَةُ وَ الْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مِنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ
إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدُلُّونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلَى سَبِيلِهِ
تُرْشِدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَ ضَلَّ
مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَ هُدِيَ مَنْ
اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَ مَنْ
حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا
مَضَى وَ جَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا
مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرَاشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّا عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي
يُيُوتِ أَذْنَ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ
طَيْبًا لِخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لَأَنْفُسِنَا وَ تَزْكِيَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ وَ

مَعْرُوفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِنَّا كُمْ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَ لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِذْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صِدِّيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ وَ لَا دَنِيٌّ وَ لَا فَاضِلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَ لَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَ لَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةُ أَمْرِكُمْ وَ عِظَمَ خَطَرِكُمْ وَ كِبَرَ شَأْنِكُمْ وَ تَمَامَ نُورِكُمْ وَ صِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَ ثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَ شَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَ مَنَزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَ كَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَ خَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ وَ قُرْبَ مَنَزِلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبَى أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أَسْرَتِي أَشْهَدُ اللَّهُ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ سَلَامٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقَرِّرٌ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ أَخِذْ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لَائِدٌ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَ مُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِزَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ وَ شَاهِدُكُمْ وَ غَائِبُكُمْ وَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرُكُمْ وَ مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَ قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَ يَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَ يَطْهَرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَ يَمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَ بَرُّنْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنَ الْجَبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ حَزَبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ (و) الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَ الْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَ الْغَاصِبِينَ لِزَنْتِكُمْ (و) الشَّاكِينَ فِيكُمْ (و) الْمُتَحَرِّفِينَ عَنْكُمْ وَ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَكُمْ وَ كُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَ مِنْ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَتُبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ وَ وَقَفَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَ رَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ وَ جَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مُوَالِيكُمْ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضِ آثَارَكُمْ وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي بِهِدَاكُمْ وَ يَحْشُرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ يَكُرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يَشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يَمَكُنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيِيكُمْ بِأَبَى أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مُوَالِيٌّ لَا أَحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ (اللَّهُ) وَ بِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبْطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ إِلَى جَدِّكُمْ (و) اكر زیارت

امیر المؤمنین علیه السلام باشد بجای و إلى جدکم و إلى أخیک بگو) بَعَثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُوْت أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِبَطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ بِكُمْ يَسْلُكُ إِلَى الرِّضْوَانِ وَ عَلَى مَنْ جَدَدَ وَ لَا يَتَّكُمُ غَضَبُ الرَّحْمَنِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءَكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَجَلَ خَطَرِكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدِكُمْ [وَ أَصْدَقَ وَعْدِكُمْ] كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ وَ شَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَ الصَّدَقُ وَ الرَّفْقُ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حُثْمٌ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَاوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَ أَحْصِي جَمِيلَ بِلَايَتِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ تَقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمْ التَّوَدُّدُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَ الْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ وَ الشَّانُ الْكَبِيرُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تَزُغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولٍ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ دُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَّا عَلَى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ دُنُوبِي وَ كُنْتُمْ شَفَعَائِي فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شَفَعَائِي فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أُوجِبَتْ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ (تسليمًا) كَثِيرًا وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

حدیث: قَالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَزَلَ الْقُرْآنُ اثَلَاثًا، ثَلَاثٌ فِينَا وَفِي عَدُونَا، وَثَلَاثٌ سُنَنٌ وَ أَمْثَالٌ، وَثَلَاثٌ فَرَائِضٌ وَ أَحْكَامٌ. نزول قرآن بر سه قسمت است : يك قسمت آن درباره اهل بيت عصمت و طهارت : و دشمنان و مخالفان ایشان ؛ و قسمت دیگر آن ، اخلاقیات و ضرب المثلها؛ و قسمت سوم در بیان واجبات و احكام إلهی می باشد.

زیارت به نیابت

چون کسی خواهد که به نیابت دیگری زیارت کند بگوید :

اَللّٰهُمَّ اِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانًا (نام و نام پدر کسی که به نیابتش زیارت خوانده میشود) اَوْفَدَنِيْ اِلَى مَوَالِيهِ وَ مَوَالِيْ لَا زُوْرَ عَنْهُ رَجَاءٌ لِجَزِيلِ الثَّوَابِ وَ فِرَارًا مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ يَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِاَوْلِيَّائِهِ الدَّالِّيْنَ عَلَيْكَ فِيْ غُفْرَانِكَ ذُنُوْبُهُ وَ حَطَّ سَيِّئَاتِهِ وَ يَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِهِمْ عِنْدَ مَشْهَدِ اِمَامِهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ وَ اقْبَلْ شَفَاعَةَ اَوْلِيَّائِهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ فِيْهِ اَللّٰهُمَّ جَاْزِهِ عَلَى حُسْنِ نِّيَّتِهِ وَ صَحِيْحِ عَقِيْدَتِهِ وَ صِحَّةِ مَوَالَاتِهِ اَحْسَنَ مَا جَاْزَيْتَ اَحَدًا مِنْ عِبِيْدِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اَدِمْ لَهُ مَا خَوَّلْتَهُ وَ اسْتَعْمِلْهُ صَالِحًا فِيمَا اَتَيْتَهُ وَ لَا تَجْعَلْنِيْ اَخْرَ وَ اَفِدْ لَهُ يَوْفَدُهُ اَللّٰهُمَّ اَعْتَقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ وَ اَوْسِعْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ اجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ لَهُ فِيْ وَلَدِهِ وَ مَالِهِ وَ اَهْلِهِ وَ مَا مَلَكَتْ يَمِيْنُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حُلِّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَعَاصِيكَ حَتَّى لَا يَعْصِيكَ وَ اَعِنُّهُ عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ اَوْلِيَّائِكَ حَتَّى لَا تَفْقِدَهُ حَيْثُ اَمَرْتَهُ وَ لَا تَرَاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَغْفِرْ لَهُ وَ اَرْحَمْهُ وَ اَعْفُ عَنْهُ وَ عَنْ جَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعِزَّهُ مِنْ هَوْلِ الْمُطْلَعِ وَ مِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سُوءِ الْمُتَقَلِّبِ وَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ وَ مِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ جَاْزَتَهُ فِيْ مَوْقِفِيْ هَذَا غُفْرَانَكَ وَ تُحَفَّتَهُ فِيْ مَقَامِيْ هَذَا عِنْدَ اِمَامِيْ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ اَنْ تُقِيلَ عَثْرَتَهُ وَ تُقَبِّلَ مَعْدِرَتَهُ وَ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ وَ تَجْعَلَ التَّقْوَى زَادَهُ وَ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لَهُ فِيْ مَعَادِهِ وَ تُحْشِرُهُ فِيْ زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَغْفِرْ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ فَاِنَّكَ خَيْرُ مَرْغُوبٍ اِلَيْهِ وَ اَكْرَمُ مَسْئُوْلٍ اعْتَمَدَ الْعِبَادُ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ وَ لِكُلِّ زَائِرٍ كِرَامَةً فَاجْعَلْ جَاْزَتَهُ فِيْ مَوْقِفِيْ هَذَا غُفْرَانَكَ وَ الْجَنَّةَ لَهُ وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ اَللّٰهُمَّ وَ اَنَا عَبْدُكَ الْخَاطِئُ الْمَذْنُبُ الْمُقِرُّ بِذُنُوْبِهِ فَاسْأَلُكَ يَا اللّٰهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَنْ لَا تُحَرِّمَنِيْ بَعْدَ ذَلِكَ الْاَجَرِ وَ الثَّوَابِ مِنْ فَضْلِ عَطَايِكَ وَ كَرَمِ تَفَضُّلِكَ.

پس برود به نزد ضريح مقدس و دستها را بسوی آسمان بلند کند رو به قبله و بگوید :

يَا مَوْلَايَ يَا اِمَامِيْ عَبْدُكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ (نام و نام پدر کسی که به نیابتش زیارت خوانده میشود) اَوْفَدَنِيْ زَائِرًا لِمَشْهَدِكَ يَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ وَ اِلَى رَسُوْلِهِ وَ اِلَيْكَ يَرْجُوْ بِذَلِكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعُقُوْبَةِ فَاغْفِرْ لَهُ وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تُسْتَجِيبَ لِيْ فِيْهِ وَ فِيْ جَمِيْعِ اِخْوَانِيْ وَ اَخَوَاتِيْ وَ وَلَدِيْ وَ اَهْلِيْ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

زیارت جامعه ائمه المؤمنین

که هر امامی را در هر وقت از شهور و ایام به آن زیارت می‌توان کرد و این زیارت را سید بن طاووس در مصباح الزائر از ائمه علیهم السلام روایت کرده با مقدماتی از دعاء و نماز در وقت رفتن به سفر زیارت

پس فرموده چون خواستی غسل زیارت کنی بگو در وقتی که غسل می‌کنی :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ اَللَّهُمَّ اغْسِلْ عَنِّي دَرَنَ الذُّنُوبِ وَ وَسَخِ الْعُيُوبِ وَ طَهِّرْ نِي بِمَاءِ التَّوْبَةِ وَ الْبَسْنِي رِدَاءَ الْعِصْمَةِ وَ اَيِّدْنِي بِلُطْفٍ مِنْكَ يَوْفُقُنِي لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ پس هرگاه نزدیک در حرم مطهر شدی بگو: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لِقَصْدِ وَلِيهِ وَ زِيَارَةِ حُجَّتِهِ وَ أَوْزَدَنِي حَرَمَهُ وَ لَمْ يَخْسِنِي حَظِّي مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ وَ التَّرْوِلِ بِعَقْوَةِ مُعِيهِ وَ سَاحَةِ ثَرْبَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَسِمْنِي بِحَرْمَانٍ مَا أَمَلْتُهُ وَ لَا صَرَفَ عَنِّي مَا رَجَوْتُهُ وَ لَا قَطَعَ رَجَائِي فِيمَا تَوَقَّعْتُهُ بَلْ الْبَسْنِي عَافِيَتَهُ وَ أَفَادَنِي نِعَمَتَهُ وَ آتَانِي كَرَامَتَهُ.

پس هرگاه وارد حرم شدی بایست برابر ضریح مقدس و بگو :

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَادَةَ الْمُتَّقِينَ وَ كِبَرَاءَ الصَّدِيقِينَ وَ أَمْرَاءَ الصَّالِحِينَ وَ قَادَةَ الْمُحْسِنِينَ وَ أَعْلَامَ الْمُهْتَدِينَ وَ أَنْوَارَ الْعَارِفِينَ وَ وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَ صَفْوَةَ الْأَوْصِيَاءِ وَ شُمُوسَ الْأَنْبِيَاءِ وَ بُدُورَ الْخُلَفَاءِ وَ عِبَادَ الرَّحْمَنِ وَ شُرَكَاءَ الْقُرْآنِ وَ مِنْهَجَ الْإِيمَانِ وَ مَعَادِنَ الْحَقَائِقِ وَ شَفْعَاءَ الْخَلَائِقِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ وَ مَفَاتِيحُ رَحْمَتِهِ وَ مَقَالِيدُ مَغْفِرَتِهِ وَ سَحَابُ رِضْوَانِهِ وَ مَصَابِيحُ جَنَانِهِ وَ حَمَلَةُ فُرْقَانِهِ وَ خَزَنَةُ عِلْمِهِ وَ حَفَظَةُ سِرِّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِهِ وَ عِنْدَكُمْ أَمَانَاتُ النَّبُوءَةِ وَ وَدَائِعُ الرِّسَالَةِ أَنْتُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ وَ أَحِبَاؤُهُ وَ عِبَادُهُ وَ أَصْفِيَائُهُ وَ أَنْصَارُ تَوْحِيدِهِ وَ أَرْكَانُ تَمْجِيدِهِ وَ دُعَاةُهُ إِلَى كُتُبِهِ وَ حَرَسَةُ خَلَائِقِهِ وَ حَفَظَةُ وَدَائِعِهِ لَا يَسْبِقُكُمْ ثَنَاءُ الْمَلَائِكَةِ فِي الْإِخْلَاصِ وَ الْخُشُوعِ وَ لَا يَضَادُّكُمْ ذُو ابْتِهَالٍ وَ خُضُوعٍ أَنَّى وَ لَكُمْ الْقُلُوبُ الَّتِي تَوَلَّى اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ وَ جَعَلَهَا أَوْعِيَةً لِلشُّكْرِ وَ الثَّنَاءِ وَ آمَنَهَا مِنْ عَوَارِضِ الْغَفْلَةِ وَ صَفَاَهَا مِنْ سُوءٍ [شَوَاغِلِ] الْفِتْرَةِ بَلْ يَتَقَرَّبُ أَهْلُ السَّمَاءِ بِحُبِّكُمْ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ تَوَاتُرِ الْبُكَاءِ عَلَى مُصَابِكُمْ وَ الْاسْتِغْفَارِ لِشَيْعَتِكُمْ وَ مُحِبِّيكُمْ فَأَنَا أَشْهَدُ اللَّهَ خَالِقِي وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيََاءَهُ وَ أَشْهَدُكُمْ يَا مَوَالِيَّ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِوَلَايَتِكُمْ مُتَقَرِّدٌ لِإِمَامَتِكُمْ مُقَرَّرٌ بِخِلَافَتِكُمْ عَارِفٌ بِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ بِعِصْمَتِكُمْ خَاضِعٌ لِوَلَايَتِكُمْ مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ عَالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَ مِنْ كُلِّ رِيْبَةٍ وَ نَجَاسَةٍ وَ دَنِيَّةٍ وَ رَجَاسَةٍ وَ مَنَحَكُمْ رَايَةَ الْحَقِّ الَّتِي مِنْ تَقَدُّمِهَا ضَلَّ وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَلَّ وَ فَرَضَ طَاعَتَكُمْ عَلَى كُلِّ أَسْوَدٍ وَ أَبْيَضٍ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ ذِمَّتِهِ وَ بِكُلِّ مَا اشْتَرَطَ عَلَيْكُمْ فِي كِتَابِهِ وَ دَعَاكُمْ إِلَى سَبِيلِهِ وَ أَنْفَذْتُمْ طَاقَتَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ

وَحَمَلْتُمُ الْخَلَائِقَ عَلَى مِنْهَاجِ النَّبُوَّةِ وَمَسَالِكِ الرِّسَالَةِ وَسَرْتُمُ فِيهِ بِسِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَمَذَاهِبِ الْأَوْصِيَاءِ فَلَمْ يَطْعَ لَكُمْ أَمْرٌ وَلَمْ تُضْغَ إِلَيْكُمْ أُذُنٌ فَصَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ.

پس خود را به قبر منور می چسبانی و می گویی:

يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا حُجَّةَ اللَّهِ لَقَدْ أَرْضَعْتَ بِثَدْيِ الْإِيمَانِ وَفُطِمْتَ بِنُورِ الْإِسْلَامِ وَغُذِّيتَ بِبَرْدِ الْيَقِينِ وَ أَلْبَسْتَ حُلَّ الْعِصْمَةِ وَ اصْطَفَيْتَ وَ وُزِّتَ عِلْمَ الْكِتَابِ وَ لَقِّنْتَ فَضْلَ الْخِطَابِ وَ أَوْضَحَ بِمَكَانِكَ مَعَارِفَ التَّنْزِيلِ وَ عَوَامِصُ التَّأْوِيلِ وَ سَلَّمْتَ إِلَيْكَ رَايَةَ الْحَقِّ وَ كَلَّفْتَ هِدَايَةَ الْخَلْقِ وَ بُذِّ إِلَيْكَ عَهْدُ الْإِمَامَةِ وَ أَلْزَمْتَ حِفْظَ الشَّرِيعَةِ وَ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِشَرَائِطِ الْوَصِيَّةِ وَ قَضَيْتَ مَا لَزِمَكَ مِنْ حَدِّ الطَّاعَةِ وَ نَهَضْتَ بِأَعْبَاءِ الْإِمَامَةِ وَ اخْتَدَيْتَ مِثَالَ النَّبُوَّةِ فِي الصَّبْرِ وَ الاجْتِهَادِ وَ النَّصِيحَةِ لِلْعِبَادِ وَ كَظَمَ الْغَيْظَ وَ الْعَفُوَّ عَنِ النَّاسِ وَ عَزَمْتَ عَلَى الْعَدْلِ فِي الْبَرِيَّةِ وَ النَّصْفَةِ فِي الْقَضِيَّةِ وَ وَكَّدْتَ الْحُجَجَ عَلَى الْأُمَّةِ بِالْأَدْلَالِ الصَّادِقَةِ وَ الشَّرِيعَةِ النَّاطِقَةِ وَ دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ فَمَنْعْتَ مِنْ تَقْوِيمِ الزَّيْغِ وَ سَدَّ التَّلَمُّ وَ إِصْلَاحِ الْفَاسِدِ وَ كَسَرَ الْمُعَانِدِ وَ أَحْيَاءِ السُّنَنِ وَ إِمَامَةِ الْبِدْعِ حَتَّى فَارَقْتَ الدُّنْيَا وَ أَنْتَ شَهِيدٌ وَ لَقِيتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنْتَ حَمِيدٌ صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ تَرَادُفٌ وَ تَزِيدٌ .

بعد برو بطرف پایین پای مبارک و بگو :

يَا سَادَتِي يَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي بِكُمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَلَا بِالْخِلَافِ عَلَى الَّذِينَ غَدَرُوا بِكُمْ وَ نَكَثُوا بَيْعَتَكُمْ وَ جَحَدُوا وَ لَايَتَكُمُ وَ أَنْكَرُوا مَنْزِلَتَكُمْ وَ خَلَعُوا رِبْقَةَ طَاعَتِكُمْ وَ هَجَرُوا أَسْبَابَ مَوَدَّتِكُمْ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى فِرَاعِنْتِهِمْ بِالْبَرَاءَةِ مِنْكُمْ وَ الْإِعْرَاضِ عَنْكُمْ وَ مَنْعُوكُمْ مِنْ إِقَامَةِ الْحُدُودِ وَ اسْتِيصَالِ الْجُحُودِ وَ شَعْبِ الصَّدْعِ وَ لَمَّ الشَّعْثِ وَ سَدَّ الْخَلَلِ وَ تَثْقِيفِ الْأُودِ وَ إِمْضَاءِ الْأَحْكَامِ وَ تَهْذِيبِ الْإِسْلَامِ وَ قَمَعَ الْأَثَامَ وَ أَرْهَجُوا عَلَيْكُمْ نَفْعَ الْحُرُوبِ وَ الْفِتَنِ وَ أَنْحُوا عَلَيْكُمْ سِيُوفَ الْأَحْقَادِ وَ هَتَكُوا مِنْكُمْ السُّتُورَ وَ ابْتَاغُوا بِخُمْسِكُمُ الْخُمُورَ وَ صَرَفُوا صَدَقَاتِ الْمَسَاكِينِ إِلَى الْمُضْحِكِينَ وَ السَّاحِرِينَ وَ ذَلِكَ بِمَا طَرَقَتْ لَهُمُ الْفَسَقَةُ الْعَوَاةُ وَ الْحَسَدَةُ الْبُغَاةُ أَهْلُ النَّكَثِ وَ الْغَدْرِ وَ الْخِلَافِ وَ الْمَكْرِ وَ الْقُلُوبِ الْمُتَنِنَةِ مِنْ قَدَرِ الشَّرِّكَ وَ الْأَجْسَادِ الْمُشْحَنَةِ مِنْ دَرَنِ الْكُفْرِ الَّذِينَ أَضَبُوا عَلَى النِّفَاقِ وَ أَكْبُوا عَلَى عَلَائِقِ الشَّقَاقِ فَلَمَّا مَضَى الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اخْتَطَفُوا الْغُرَّةَ وَ انْتَهَزُوا الْفُرْصَةَ وَ انْتَهَكُوا الْحُرْمَةَ وَ غَادَرُوهُ عَلَى فِرَاشِ الْوَفَاةِ وَ أَسْرَعُوا لِنَقْضِ الْبَيْعَةِ وَ مُخَالَفَةِ الْمَوَائِيقِ الْمُؤَكَّدَةِ وَ خِيَانَةِ الْأَمَانَةِ الْمَعْرُوضَةِ عَلَى الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ وَ أَبَتْ أَنْ تَحْمِلَهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ الظُّلُومُ الْجَهْلُولُ ذُو الشَّقَاقِ وَ الْعِرَّةُ بِالْآثَامِ الْمُؤَلِّمَةِ وَ الْأَنْفَةِ عَنِ الانْقِيَادِ لِحَمِيدِ الْعَاقِبَةِ فَحُشِرَ سَفَلَةُ الْأَعْرَابِ وَ بَقَايَا الْأَحْزَابِ إِلَى دَارِ النَّبُوَّةِ وَ الرِّسَالَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ مُسْتَقَرِّ سُلْطَانِ الْوِلَايَةِ وَ

مَعْدِنِ الْوُصِيَّةِ وَالْخِلَافَةِ وَالْإِمَامَةِ حَتَّى نَقْضُوا عَهْدَ الْمُصْطَفَى فِي أَخِيهِ عَلِيٍّ الْهُدَى وَ
الْمُبِينِ طَرِيقَ النِّجَاةِ مِنْ طُرُقِ الرَّدَى وَ جَرَحُوا كَيْدَ خَيْرِ الْوَرَى فِي ظُلْمِ ابْنَتِهِ وَ اضْطَهَادِ
حَبِيبَتِهِ وَ اهْتِصَامِ عَزِيزَتِهِ بَضْعَةَ لَحْمِهِ وَ فِلْدَةَ كَيْدِهِ وَ خَذَلُوا بَعْلَهَا وَ صَغَّرُوا قُدْرَةَ وَ اسْتَحَلُّوا
مَحَارِمَهُ وَ قَطَعُوا رَحِمَهُ وَ أَنْكَرُوا أُخُوَّتَهُ وَ هَجَرُوا مَوَدَّتَهُ وَ نَقَضُوا طَاعَتَهُ وَ جَحَدُوا وَلايَتَهُ وَ
أَطْمَعُوا الْعَبِيدَ فِي خِلَافَتِهِ وَ قَادُوهُ إِلَى بَيْعَتِهِمْ مُضِلَّةً سَيُوفُهَا مُقَدِّعَةٌ أَسَنَّتْهَا وَ هُوَ سَاخِطٌ
الْقَلْبِ هَائِجٌ الْغَضَبِ شَدِيدُ الصَّبْرِ كَاظِمُ الْغَيْظِ يَدْعُوهُ إِلَى بَيْعَتِهِمُ الَّتِي عَمَّ شَوْمُهَا الْإِسْلَامَ وَ
زَرَعَتْ فِي قُلُوبِ أَهْلِهَا الْآثَامَ وَ عَقَّتْ سَلْمَانَهَا وَ طَرَدَتْ مِقْدَادَهَا وَ نَفَتْ جُنْدُوبَهَا وَ فَتَقَتْ
بَطْنَ عَمَارِهَا وَ حَرَفَتْ الْقُرْآنَ وَ بَدَلَتْ الْأَحْكَامَ وَ غَيَّرَتْ الْمَقَامَ وَ أَبَاحَتْ الْخُمُسَ لِلطُّلُقَاءِ وَ
سَلَطَتْ أَوْلَادَ اللُّعْنَاءِ عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدِّمَاءِ وَ خَلَطَتْ الْحَلَالَ بِالْحَرَامِ وَ اسْتَخَفَّتْ بِالْإِيمَانِ وَ
الْإِسْلَامِ وَ هَدَمَتْ الْكُعْبَةَ وَ أَغَارَتْ عَلَى دَارِ الْهِجْرَةِ يَوْمَ الْحَرَّةِ وَ أَبْرَزَتْ بَنَاتِ الْمَهَاجِرِينَ وَ
الْأَنْصَارِ لِلنِّكَالِ وَ السُّورَةِ وَ التَّبَسُّتْهُنَّ ثَوْبَ الْغَارِ وَ الْفَضِيحَةَ وَ رَخَّصَتْ لِأَهْلِ الشُّبْهَةِ فِي قَتْلِ
أَهْلِ بَيْتِ الصَّفْوَةِ وَ إِبَادَةِ نَسْلِهِ وَ اسْتِيصَالَ شَأْفَتِهِ وَ سَبِي حَرَمِهِ وَ قَتْلِ أَنْصَارِهِ وَ كَسْرِ مَنِيرِهِ
وَ قَلْبِ مَفْخَرِهِ وَ إِخْفَاءِ دِينِهِ وَ قَطْعِ ذِكْرِهِ يَا مَوَالِي فَلَوْ عَايَنَكُمْ الْمُصْطَفَى وَ سِهَامُ الْأُمَّةِ
مُعْرِفَةً فِي أَكْبَادِكُمْ وَ رِمَاحُهُمْ مُسْرَعَةً فِي نُحُورِكُمْ وَ سَيُوفُهَا مُولَعَةً فِي دِمَائِكُمْ يَشْفِي أَبْنَاءَ
الْعَوَاهِرِ غَلِيلِ الْفُسْقِ مِنْ وَرَعِكُمْ وَ غَيْظِ الْكُفْرِ مِنْ إِيْمَانِكُمْ وَ أَنْتُمْ بَيْنَ صَرِيحِ فِي الْمِحْرَابِ
قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هَامَتَهُ وَ شَهِيدٌ فَوْقَ الْجَنَازَةِ قَدْ شَكَّتْ أَكْفَانُهُ بِالسَّهَامِ وَ قَتِيلٌ بِالْعَرَاءِ قَدْ
رُفِعَ فَوْقَ الْقَنَازَةِ رَأْسُهُ وَ مَكْبَلٌ فِي السَّجْنِ قَدْ رُصَّتْ بِالْحَدِيدِ أَعْضَاؤُهُ وَ مَسْمُومٌ قَدْ قُطِعَتْ
بِجَرَعِ السَّمِّ أَمْعَاؤُهُ وَ شَمْلُكُمْ عِبَادِيذُ تُفْنِيهِمُ الْعَبِيدُ وَ أَبْنَاءُ الْعَبِيدِ فَهَلِ الْمَحْنُ يَا سَادَتِي إِلَّا
الَّتِي لَزِمَتْكُمْ وَ الْمَصَائِبُ إِلَّا الَّتِي عَمَّتْكُمْ وَ الْفَجَائِعُ إِلَّا الَّتِي خَصَّتْكُمْ وَ الْقَوَارِعُ إِلَّا الَّتِي
طَرَفَتْكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

بعد قبر منور را ببوس و بگو:

يَا بَابِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي يَا آلَ الْمُصْطَفَى إِنَّا لَا نَمْلِكُ إِلَّا أَنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشَاهِدِكُمْ وَ نُعْزِي فِيهَا
أَرْوَاحَكُمْ عَلَى هَذِهِ الْمَصَائِبِ الْعَظِيمَةِ الْحَالَةِ بِفَنَائِكُمْ وَ الرَّزَايَا الْجَلِيلَةِ النَّازِلَةِ بِسَاحَتِكُمْ الَّتِي
أَثَبْتُمْ فِي قُلُوبِ شَبَابِكُمْ الْقُرُوحَ وَ أَوْرَثْتُمْ أَكْبَادَهُمُ الْجُرُوحَ وَ زَرَعْتُمْ فِي صُدُورِهِمُ الْغُصَصَ
فَنَحْنُ نُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّا قَدْ شَارَكْنَا أَوْلِيَاءَكُمْ وَ أَنْصَارَكُمْ الْمُتَقَدِّمِينَ فِي إِزَاقَةِ دِمَاءِ النَّاكِثِينَ وَ
الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ وَ قَتَلَهُ أَبِي عَبْدُ اللَّهِ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ كَرْبَلَاءَ
بِالنِّيَّاتِ وَ الْقُلُوبِ وَ التَّأَسُّفِ عَلَى فَوْتِ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الَّتِي حَضَرُوا لِنُصْرَتِكُمْ وَ عَلَيْكُمْ مِّنَّا
السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

بعد قبر شریف را بین خود و قبله قرار بده و بگو:

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الَّتِي صَدَرَ عَنْهَا الْعَالَمُ مَكُونًا مَبْرُوءًا عَلَيْهَا مَفْطُورًا تَحْتَ ظِلِّ الْعَظَمَةِ
فَنَطَقْتَ شَوَاهِدُ صُنْعِكَ فِيهِ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَكُونُهُ وَبَارِئُهُ وَفَاطِرُهُ ابْتَدَعْتَهُ لَا
مِنْ شَيْءٍ وَلَا عَلَى شَيْءٍ وَلَا فِي شَيْءٍ وَلَا لَوْحُشَةٍ دَخَلْتَ عَلَيْكَ إِذْ لَا غَيْرُكَ وَلَا حَاجَةَ
بَدَتْ لَكَ فِي تَكْوِينِهِ وَلَا لاسْتِعَانَةٍ مِنْكَ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَهُ بَلْ أَنْشَأْتَهُ لِيَكُونَ دَلِيلًا عَلَيْكَ
بَأَنَّكَ بَائِنٌ مِنَ الصَّنْعِ فَلَا يَطِيقُ الْمُنْصِفُ لِعَقْلِهِ انْكَارَكَ وَالْمُؤَسَّوْمُ بِصِحَّةِ الْمَعْرِفَةِ جُحُودَكَ
أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ الْإِخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ وَحُرْمَةِ التَّعَلُّقِ بِكِتَابِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ وَبَكْرٍ حُجَّتِكَ وَلِسَانَ قُدْرَتِكَ وَالْخَلِيفَةَ فِي بَسِيطَتِكَ وَعَلَى مُحَمَّدٍ
الْخَالِصِ مِنْ صَفَوَاتِكَ وَالْفَاحِصِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ وَالْغَائِصِ الْمَأْمُونِ عَلَى مَكُونِ سَرِيرَتِكَ بِمَا
أَوْلَيْتَهُ مِنْ نِعْمَتِكَ بِمَعُونَتِكَ وَعَلَى مَنْ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمَكْرَمِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَأَنْ تَهَبِنِي لِإِمَامِي هَذَا.

پس پهلوی روی خود را بر ضریح مبارک بگذار و بگو:

اَللّٰهُمَّ بِمَحَلِّ هَذَا السَّيِّدِ مِنْ طَاعَتِكَ وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ لَا تُثْمِنِي فُجَاءَةً وَلَا تَحْرِمْنِي تَوْبَةً وَ
ارْزُقْنِي الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ دِينًا وَدُنْيَا وَاشْغَلْنِي بِالْآخِرَةِ عَنْ طَلَبِ الْأُولَى وَوَقِّفْنِي لِمَا
تُحِبُّ وَتَرْضَى وَجَنِّبْنِي اتِّبَاعَ الْهَوَى وَالْاِغْتِرَارَ بِالْأَبَاطِيلِ وَالنَّمَى اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ السَّدَادَ فِي
قَوْلِي وَالصَّوَابَ فِي فِعْلِي وَالصَّدْقَ وَالْوَفَاءَ فِي صَمَانِي وَوَعْدِي وَالْحِفْظَ وَالْإِيْنَانَ
مَقْرُونِينَ بَعْدِي وَوَعْدِي وَالْبِرَّ وَالْإِحْسَانَ مِنْ شَأْنِي وَخُلُقِي وَاجْعَلِ السَّلَامَةَ لِي شَامِلَةً وَ
الْعَافِيَةَ بِي مُحِيطَةً مُلْتَفَةً وَلَطِيفَ صُنْعِكَ وَعَوْنِكَ مَصْرُوفًا إِلَيَّ وَحُسْنَ تَوْفِيقِكَ وَيسِّرْكَ
مَوْفُورًا عَلَيَّ وَاحِينِي يَا رَبَّ سَعِيدًا وَتَوْفَنِي شَهِيدًا وَطَهِّرْنِي لِلْمَوْتِ وَمَا بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ وَ
اجْعَلِ الصَّحَّةَ وَالنُّورَ فِي سَمْعِي وَبَصَرِي وَالجِدَّةَ وَالْخَيْرَ فِي طَرْقِي وَالْهُدَى وَالبَصِيرَةَ فِي
دِينِي وَمَذْهَبِي وَالْمِيزَانَ أَبَدًا نَصَبَ عَيْنِي وَالدُّكْرَ وَالْمَوْعِظَةَ شِعَارِي وَدِتَارِي وَالفِكْرَةَ وَ
الْعِبْرَةَ أَنْسَى وَعِمَادِي وَمَكْنَ الْيَقِينِ فِي قَلْبِي وَاجْعَلْهُ أَوْثَقَ الْأَشْيَاءِ فِي نَفْسِي وَاغْلِبْهُ
عَلَى رَأْيِي وَعَزْمِي وَاجْعَلِ الْإِزْشَادَ فِي عَمَلِي وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ مِهَادِي وَسَنَدِي وَالرِّضَا
بِقَضَائِكَ وَقَدْرَكَ أَقْصَى عَزْمِي وَنَهَائِي وَأَبْعَدَ هَمِّي وَغَايَتِي حَتَّى لَا أَتَقَى أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ
بِدِينِي وَلَا أَطْلُبُ بِهِ غَيْرَ آخِرَتِي وَلَا أَسْتَدْعِي مِنْهُ إِطْرَائِي وَمَدْحِي وَاجْعَلْ خَيْرَ الْعَوَاقِبِ
عَاقِبَتِي وَخَيْرَ الْمَصَائِرِ مَصِيرِي وَأَنْعَمَ الْعَيْشِ عَيْشِي وَأَفْضَلَ الْهُدَى هُدَايَ وَأَوْفَرَ الْحُظُوظِ
حَظِّي وَأَجْزَلَ الْأَقْسَامِ قِسْمِي وَنَصِيبِي وَكُنْ لِي يَا رَبَّ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلِيًّا وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ
دَلِيلًا وَقَائِدًا وَمِنْ كُلِّ بَاغٍ وَحَسُودٍ ظَهِيرًا وَمَانِعًا اَللّٰهُمَّ بِكَ اعْتِدَادِي وَعِصْمَتِي وَثِقَتِي وَ
تَوْفِيقِي وَحَوْلِي وَقُوَّتِي وَلَكَ مَخْيَايَ وَمَمَاتِي وَفِي قَبْضَتِكَ سَكُونِي وَحَرَكَتِي وَإِنْ بَعُرَتْكَ
الْوُثْقَى اسْتِمْسَاكِي وَوُصْلَتِي وَعَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا اعْتِمَادِي وَتَوَكُّلِي وَمِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ

وَمَسَّ سَقَرَ نَجَاتِي وَخَلَّاصِي وَفِي دَارِ أَمْنِكَ وَكَرَامَتِكَ مَثْوَايَ وَمُنْقَلَبِي وَعَلَى أَيْدِي سَادَتِي وَمَوَالِي آلِ الْمُصْطَفَى فَوْزِي وَفَرَجِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَاهْلِي بَيْتِي وَجِيرَانِي وَلِكُلِّ مَنْ قَلَدَنِي يَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ [وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ]

دعای عالیة المضامین

که بعد از زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام خوانده می شود

و این دعا را سید بن طاوس در مصباح الزائر بعد از زیارت جامعه مذکوره نقل فرموده و آن دعای شریف این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ مُقَرًّا بِإِمَامَتِهِ مُعْتَقِدًا لِفَرْضِ طَاعَتِهِ فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَمُوبِقَاتِ آثَامِي وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ وَمَا تَعَرَّفُهُ مِنِّي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ مُسْتَعِيدًا بِجَلْمِكَ رَاجِيًا رَحْمَتَكَ لَاجِئًا إِلَى رُكْنِكَ عَائِدًا بِرَأْفَتِكَ مُسْتَشْفِعًا بِوَلِيِّكَ وَابْنِ أُوْلِيَاكَ وَصَفِيكَ وَابْنِ أَصْفِيَاكَ وَآمِينَكَ وَابْنَ أَمْنَائِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَابْنَ خُلَفَائِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَالدَّرِيعَةَ إِلَى رَأْفَتِكَ وَغُفْرَانِكَ اللَّهُمَّ وَأَوَّلَ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَى كَثَرَتِهَا وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عَمْرِي وَتُطَهِّرَ دِينِي مِمَّا يَدْنُسُهُ وَيَشِينُهُ وَيَزُرِّي بِهِ وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ وَالْفَسَادِ وَالشَّرِكِ وَتُثَبِّتَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَدُرَيْتِهِ النُّجَبَاءِ السُّعَدَاءِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَتُمِيتَنِي إِذَا أَمَتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَأَنْ لَا تَمَحُو مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبَعْضَ أَعْدَائِهِمْ وَمُرَافَقَةَ أُوْلِيَائِهِمْ وَبِرَّهُمْ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبُّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ وَالْمُوَاطَّأَةَ عَلَيْهَا وَتُنْشِطَنِي لَهَا وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَمَحَارِمَكَ وَتُدْفَعَنِي عَنْهَا وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي صَلَوَاتِي وَالِاسْتِهَانَةَ بِهَا وَالتَّرَاخِي عَنْهَا وَتُوقِنَنِي لِتَأْدِيبِهَا كَمَا فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ خُضُوعًا وَخُشُوعًا وَتَشَرُّحَ صَدْرِي لِإِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَإِعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسَانِ إِلَى شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُؤَاسَاتِهِمْ وَلَا تَتَوَفَّانِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَرْزُقَنِي حِجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَقُبُورِ الْأَيِّمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبُّ تَوْبَةً نَصُوحًا تَرْضَاهَا وَنِيَّةً تَحْمَدُهَا وَعَمَلًا صَالِحًا تَقْبَلُهُ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَتَهَوَّنَ عَلَى سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيرًا فِي طَاعَتِكَ وَغَبْرَتِي جَارِيَةً فِيمَا

يَقْرُبُنِي مِنْكَ وَ قَلْبِي عَطُوفًا عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَ تَصُونَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَ الْآفَاتِ وَ الْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ وَ الْأَسْقَامِ الْمُزْمِنَةِ وَ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَ الْحَوَادِثِ وَ تَصْرِفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ وَ تُبْعِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَ تُحَبِّبَ إِلَيَّ الْحَلَالَ وَ تَفْتَحَ لِي أَبْوَابَهُ وَ تُثَبِّتَ نِيَّتِي وَ فَعْلِي عَلَيْهِ وَ تَمُدَّ فِي عُمْرِي وَ تَعْلِقَ أَبْوَابَ الْمَحَنِّ عَنِّي وَ لَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ لَا تَسْتَرِدَّ شَيْئًا مِمَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ وَ لَا تَنْزِعَ مِنِّي النِّعَمَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ تَزِيدَ فِيمَا خَوَّلْتَنِي وَ تُضَاعِفَهُ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ تَرْزُقَنِي مَالًا كَثِيرًا وَاسِعًا سَائِعًا هَنِيئًا نَافِيًا وَافِيًا وَ عَزَا بَاقِيًا كَافِيًا وَ جَاهًا عَرِيضًا مَنِيئًا وَ نِعْمَةً سَابِعَةً عَامَّةً وَ تُغْنِيَنِي بِذَلِكَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُتَكَدَّةِ وَ الْمَوَارِدِ الصَّعْبَةِ وَ تُخَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافَى فِي دِينِي وَ نَفْسِي وَ وَلَدِي وَ مَا أَعْطَيْتَنِي وَ مَنَحْتَنِي وَ تُحَفِّظَ عَلَيَّ مَالِي وَ جَمِيعَ مَا خَوَّلْتَنِي وَ تُقْبِضَ عَنِّي أَيْدِيَ الْجَبَابِرَةِ وَ تَرُدَّنِي إِلَيَّ وَ طَنِي وَ تُبَلِّغَنِي نِهَاجَةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ تَجْعَلَ عَاقِبَةَ أَمْرِي مُحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً وَ تَجْعَلَنِي رَحِيبَ الصَّدْرِ وَاسِعِ الْحَالِ حَسَنَ الْخُلُقِ بَعِيدًا مِنَ الْبُخْلِ وَ الْمُنْعِ وَ النِّفَاقِ وَ الْكِذْبِ وَ الْبُهْتِ وَ قَوْلِ الزُّورِ وَ تُرْسِخَ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ شِيعَتِهِمْ وَ تَحْرُسَنِي يَا رَبِّ فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ أَهْلِ حِرَازَتِي وَ إِخْوَانِي وَ أَهْلَ مَوَدَّتِي وَ ذُرِّيَّتِي بِرَحْمَتِكَ وَ جُودِكَ اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِي عِنْدَكَ وَ قَدْ اسْتَكْرَزْتُهَا لِلْوُفَى وَ شُحِّي وَ هِيَ عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ وَ عَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ فَاسْأَلُكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ وَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَ بِمَا أَوْجَبْتَ لَهُمْ وَ بِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَمَّا فَصَّيْتَهَا كُلَّهَا وَ أَسْعَفْتَنِي بِهَا وَ لَمْ تُحِبِّبْ أَمَلِي وَ رَجَائِي إِلَيْهِمْ وَ شَفَّعَ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِيَّ يَا سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَ بِحَقِّ أَوْلَادِكَ الْمُتَنَجِّبِينَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ الْمُنْزَلَةُ الشَّرِيفَةُ وَ الْمُرْتَبَةُ الْجَلِيلَةُ وَ الْجَاهُ الْعَرِيضُ اللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوْجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْإِمَامِ وَ مِنْ آبَائِهِ وَ أَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ الصَّلَاةُ لَجَعَلْتُهُمْ شَفَعَائِي وَ قَدَمْتُهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي وَ طَلَبَاتِي هَذِهِ فَاسْمَعْ مِنِّي وَ اسْتَجِبْ لِي وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَ مَا قَصُرْتُ عَنْهُ مَسْأَلَتِي وَ عَجَزْتُ عَنْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي فَأَمُنْتُ بِهِ عَلَيَّ وَ اخْرُسْنِي وَ هَبْ لِي وَ اغْفِرْ لِي وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهُ مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ أَوْ مُخَالِفٍ فِي دِينٍ أَوْ مُنَازِعٍ فِي دُنْيَا أَوْ حَاسِدٍ عَلَى نِعْمَةٍ أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَ اشْغَلْهُ [عَنِّي] بِنَفْسِهِ وَ اكْفِنِي شَرَّهُ وَ شَرَّ أَتْبَاعِهِ وَ شَيْطَانِيهِ وَ أَجْرَنِي مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّنِي وَ يَجْجِفُ بِي وَ أَعْطِنِي جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مِمَّا أَعْلَمُ وَ مِمَّا لَا أَعْلَمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِإِخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي وَ

أَعْمَامِي وَ عَمَّاتِي وَ أَخْوَالِي وَ خَالَاتِي وَ أَجْدَادِي وَ جَدَّاتِي وَ أَوْلَادِهِمْ وَ ذَرَارِيَهُمْ وَ أَرْوَاجِي وَ ذُرِّيَّاتِي وَ أَقْرَبَائِي وَ أَصْدِقَائِي وَ جِيرَانِي وَ إِخْوَانِي فَيْكَ مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ وَ لَجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ وَ لَجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا أَوْ تَعَلَّمَ مِنِّي عِلْمًا اللَّهُمَّ أَشْرِكْهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَ زِيَارَتِي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ أَشْرِكْنِي فِي صَالِحِ أَدْعِيَّتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ بَلِّغْ وَلِيِّكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ يَا سَيِّدِي يَا مَوْلَايَ يَا فَلَانَ بْنَ فَلَانٍ (بجای این کلمه نام امامی را که زیارت می کند و نام پدر آن بزرگوار را بگوید) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ أَنْتَ وَسَيِّلتِي إِلَى اللَّهِ وَ ذَرِيعَتِي إِلَيْهِ وَ لِي حَقُّ مَوَالَاتِي وَ تَأْمِيلِي فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلَى قِصَّتِي هَذِهِ وَ صَرْفِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِالنَّجْحِ بِمَا سَأَلْتُهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَ قُدْرَتِهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَ لُبّاً رَاجِحاً وَ عِزّاً بَاقِياً وَ قَلْباً زَكِياً وَ عَمَلاً كَثِيراً وَ أَدَباً بَارِعاً وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

زیارت امام زادگان

هر امام زاده ای را به زیارتی که از برای امام زادگان نقل شده میتوان زیارت کرد و گفت :

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الرَّكِّي الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَالِدَاعِي الْحَفِي أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَ نَطَقْتَ حَقًّا وَ صَدَقَّا وَ دَعَوْتَ إِلَى مَوْلَايَ وَ مَوَلَاكَ عِلَانِيَةً وَ سِرًّا فَارْتَبِعْكَ وَ نَجِي مُصَدِّقَكَ وَ حَابَّ وَ خَسِرَ مُكَدِّ بَكَ وَ الْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ إِشْهَدُ لِي بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ لِأَكُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ بِمَعْرِفَتِكَ وَ طَاعَتِكَ وَ تَصَدِيقِكَ وَ اتِّبَاعِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَ ابْنَ سَيِّدِي أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتَى مِنْهُ وَ أَلَمَّا خُوذَ عَنْهُ أَتَيْتُكَ زَائِراً وَ حَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعاً وَ هَا أَنَا ذَا أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَ أَمَانَتِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ جَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

(واضافه میکنی) وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ۰۰۰ «نام امام زاده را میگوئی» عَلَيْهِ السَّلَام وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ایضا می شود به این زیارت که از برای اولاد ائمه علیهم السلام نقل شده زیارت کرد و گفت :

السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَى أَبِيكَ الْمُرْتَضَى الرَّضَا السَّلَامُ عَلَى السَّيِّدِينَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ أُمِّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ أُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْفَاحِشَةِ بِحُجُورِ الْعُلُومِ الرَّاخِرَةِ شَفَعَائِي فِي الْآخِرَةِ وَ أَوْلِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ النَّاخِرَةِ أَيْمَةَ الْخَلْقِ وَ وِلَاةِ الْخَلْقِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ الْكَرِيمُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ مُصْطَفَاهُ وَ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَ مُجْتَبَاهُ وَ أَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمَ الْيَقِينِ وَ نَحْنُ لِدَٰلِكَ

مُعْتَقِدُونَ وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ. (واضافه میکنی) وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ۰۰۰ «نام امام زاده را میگوئی» عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

حدیث:

امام باقر علیه السلام: فَيَقُولُ لِلنَّاسِ حُسْنًا قَالَ قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يَقَالَ لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَنْغِصُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ وَ يَحِبُّ الْحَيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ. درباره این گفته خداوند که «با مردم به زبان خوش سخن بگویند» فرمود: بهترین سخنی که دوست دارید مردم به شما بگویند، به آنها بگویند، چرا که خداوند، لعنت کننده، دشنام دهنده، زخم زبان زن بر مؤمنان، زشت گفتار، بدزبان و گدای سمج را دشمن می دارد و با حیا و بردبار و عقیف پارسا را دوست دارد. «امالی (صدوق) ص ۲۵۴»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ لَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهِكُمْ بِي خُلُقًا قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَأَعْظَمُكُمْ حِلْمًا وَأَبْرُكُكُمْ بِقَرَاتِهِ وَأَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافًا. به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آیا تو را خبر ندهم که اخلاق کدام یک از شما به من شبیه تر است؟ عرض کردند: آری، ای رسول خدا، فرمودند: آن کس که از همه شماخوش اخلاق تر و بردبارتر و به خویشاوندانش نیکوکارتر و با انصاف تر باشد. «من لا یحضره الفقیه ج ۴، ص ۳۷۰»

امام صادق علیه السلام: ثَلَاثَةٌ لَا تُعْرِفُ إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ - لَا يَعْرِفُ الْحَلِيمُ إِلَّا عِنْدَ الْغَضَبِ وَلَا الشُّجَاعُ إِلَّا عِنْدَ الْحَرْبِ وَلَا أَحَدٌ إِلَّا عِنْدَ الْحَاجَةِ. سه کس اند که جز در سه جا شناخته نمی شوند: بردبار جز در هنگام خشم، شجاع جز در جنگ و برادر جز در هنگام نیازمندی. «بحار الأنوار ج ۷۵، ص ۲۲۹، ح ۱۰۷»

امام صادق علیه السلام: الْحِلْمُ سِرَاجُ اللَّهِ ... الْحِلْمُ يَدُورُ عَلَى خَمْسَةِ أَوْجُهٍ أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا فَيَذَلُّ أَوْ يَكُونَ صَادِقًا فَيَتَّهَمُ أَوْ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ فَيَسْتَحَفُّ بِهِ أَوْ أَنْ يُوْذَى بِلَا جُزْمٍ أَوْ أَنْ يَطْلُبَ بِالْحَقِّ فَيَخَالِفُوهُ فِيهِ فَإِذَا آتَيْتَ كُلًّا مِنْهَا حَقَّهُ فَقَدْ أَصَبْتَ. بردباری چراغ خداست... پنج چیز است که بردباری می طلبد: شخص عزیز باشد و خوار شود، راستگو باشد و نسبت ناروا داده شود، به حق دعوت کند و سبکش بشمارند، بی گناه باشد و اذیت شود، حق طلبی کند و با او مخالفت کنند. اگر در هر پنج مورد، به حق رفتار کنی، بردبار هستی... «مصباح الشریعه ص ۱۵۴»

امام علی علیه السلام: الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ وَالْعَقْلُ حِسَامٌ قَاطِعٌ، فَاسْتُرْ خَلَلَ خَلْقِكَ بِحِلْمِكَ وَ قَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ؛ بردباری پرده ای پوشاننده و عقل شمشیری برنده است، پس عیبهای اخلاقی خود را با بردباری ببوشان و با عقلت به جنگ هوا و هوست برخیز. «نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۵۱، حکمت ۴۲۴»

امام علی علیه السلام: إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ؛

اشعار کربلا

این کربلای عاشقان ای زائرین است - اینجا حریم سبط خیر المرسلین است
 اینجا حسین فرزند زهرا آرمیده است - ما نندا و را ما در گیتی ندیده است
 اینجا ست هفتاد و دو تن یا ران عاشق - اندر کنار سیّد و سالار صادق
 اینجا حریم آن علمدار حسین است - آنکو امیر است و سپهدار حسین است
 باب الحوائج حضرت عباس نامش - آنکو فداکاری و جانبازی مرامش
 آنکو براه دین حق دستش جدا شد - در راه یاری حسین فرقتش دو تا شد
 ای عاشقان کربلا آنجا است اینجا - بنگر حسین بن علی تنهاست اینجا
 بشنو صدای غربت و هل من معین را - بشنو صدای گریه اهل زمین را
 بنگر تو عا شو را و دشت کربلا را - بنگر اسارت را و سر بر نیزه ها را
 بشنو صدای العطش طفلان زارش - بنگر شهیدان یک بیک اندر کنارش
 عباس و عون و قاسم و هم اکبرش را - بر روی دست افتاده جسم اصغرش را
 بشنو صدای زینب و صغرا و کلثوم - اهل حرم در ناله با طفلان معصوم
 بنگر به تل زینبیه زینب زار - نظاره گر بر قتلگه با قلب افکار
 بشنو صدای العطش از قتلگه را - بشنو صدای ناله ها از خیمه گه را
 بنگر میان قتلگه نور خدائی - در راه دین حق حسین گشته فدائی
 بنگر تو یک شش گوشه قبری راد اینجا - قبر حسین بن علی آن پور زهرا
 پائین پای قبرا و شد قبرا کبر - اندر کنار سینه او قبر اصغر
 یا دا از محرم میکن و از روز عاشور - ای زائرین ای عاشقان ای باقری پور

شعر از ابوالقاسم حسینجانی

برگرفته از کتاب عشق کبریت نیست که بی خطرش را بسازند

جاده و اسب مهیاست بیا تا برویم - کربلا منتظر ماست بیا تا برویم
 ایستاده است به تفسیر قیامت زینب - آن سوی واقعه پیداست بیا تا برویم
 خاک در خون خدا می شکفت می بالد - آسمان غرق تماشاست بیا تا برویم
 تیغ در معرکه می افتد و برمی خیزد - رقص شمشیر چه زیباست بیا تا برویم
 از سرایشی تردید اگر برگردیم - عرش زیر قدم ماست بیا تا برویم
 زره از موج بیوشیم ردا از توفان - راه ما از دل دریاست بیا تا برویم
 کاش ای کاش که دنیای عطش می فهمید - آب مهریه زهراست بیا تا برویم

چیزی از راه نمانده است چرا برگردیم - آخر راه همین جاست بیا تا برویم
فرستی باشد اگر باز در این آمد و رفت - تا همین امشب و فرداست بیا تا برویم

شعرا باقری پور کربلا یا کربلا یا کربلا

بعضی از دوستان در حرم امام حسین علیه السلام شعر بر مشام می‌رسد هر لحظه بوی کربلا را
می‌خواندند که مورد ایراد بعضی از دوستان دیگر بود
به همین جهت این شعر را سرودم که در لحظات ورود به کربلا یا در حرم امام حسین علیه السلام
بخوانند و اینجانب را دعا کنند

کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
بر مشام می‌رسد خوش عطر و بوی کربلا - شکر حق بر دل نماندم آرزوی کربلا
تشنه بودم بهر یک جرعه از این آبِ فرات - شد نصیب آبِ فراتم از سبوی کربلا
کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
سالها در آرزوی کربلا هر روز و شب - بوده ایم از عشق مولا دائمًا در تاب و تب
شد نصیب اینک زیارتگاه آن عالی نسب - آمدیم از راه دوری تا بکوی کربلا
کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
آرزوی کربلا اندر دل پیرو جوان - از ازل بوده است و باشد هر زمان و هر مکان
در دل هر شیعه ای از کربلا باشد نشان - چونکه باشد در گلِ ما رنگ و بوی کربلا
کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
آدم و موسی و عیسی حضرت نوح و خلیل - ساکنان آسمانها و جناب جبرئیل
آبِ دریای فرات و زمزم و هم سلسبیل - جملگی بودند اندر جستجوی کربلا
کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
هر که آمد کربلا گریان شد از بهر حسین - بهر مظلومی مولا در عزا و شور و شین
چونکه بیند قتلگاه و جای آن تیغ و سُنین - خیمه گاه و زینبیه شهرو کوی کربلا
کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
افتخار ما همین بس کربلائی گشته ایم - در زمین کربلا اهلِ ولایتی گشته ایم
بر سر پیمانِ آن قالوا بلائی گشته ایم - در وجود ما نشان از خلق و خوی کربلا
کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
بارالها کن نصیم این سفر را بارها - هم نجف هم کربلا هم کاظمین و سامرا
باقری باشد برای زائرین نوحه سرا - آبرویی ده پیا از آبروی کربلا
کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا

یا حسین بن علی ماجمله زوّارِ توایم - درتوسّل جملگی اینک به دربارِ توایم
 برسرو سینه زنان جمله عزادارِ توایم - آمدیم از راه دوری ما بسوی کربلا
 کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
 یا ابالفضلِ علمدار ای شهیدِ کربلا - قبله حاجاتِ مائی حاجت ما کن روا
 دردمندو مستمندیم و بدربارت گدا - آمده بهرگدائی ما بسوی کربلا
 کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا

شعرازمؤلف باقری پور: زائرین اینجا ست شهرکربلا

کتاب در تاریخ ۸۴/۶/۱۰ به این قسمت رسید در اخبار و روزنامه ها این نوید داده شد که از
 اول مهرماه ۸۴ زائرین می توانند با اتوبوسها به عراق سفر کنند و این شعر توسط مؤلف سروده شد.

زائرین اینجا ست شهر کربلا - کربلا یعنی غم و رنج و بلا
 کربلا یعنی زیا رنگاه عشق - کربلا یعنی که خلوتگاه عشق
 کربلا یعنی حسین بن علی - آنکه دل از عشق او شد منجلی
 کربلا یعنی که مردان خدا - در ره دین الهی جان فدا
 کربلا یعنی که هفتاد و دو تن - گرد آن مظلوم بی غسل و کفن
 کربلا یعنی که از قحطی آب - گشته عاشورا دل طفلان کیاب
 کربلا یعنی که با سوز و گداز - ظهر عاشورا حسین خواند نماز
 کربلا یعنی که ایمان و یقین - میشو د تکمیل در آن سرزمین
 کربلا یعنی که حج یعنی جهاد - یا تو لّی و تبرّای عباد
 کربلا شد بر ترا ز عرش برین - چونکه با خون شهیدان شد عجین
 کربلا شد بر ترا ز بیت الحرام - چون در او شد بهر دین حق قیام
 خفته در این خاک هفتاد و دو تن - یا و ران آن شهید بی کفن
 اکبر و عباس و اصغر را ببین - قاسم و عون دلاور را ببین
 بین حبیب آن پیر مرد قهرمان - بین زهیر و مسلم در خون طپان
 سبط پیغمبر به جسم چاک چاک - در میان قتلگه بر روی خاک
 از میان خیمه گه بین زینش - آمده بالای تل جان بر لبش
 باقری بنگر به صد شور و نوا - راس شاه دین بروی نیزه ها

بین الحرمین بین الحرمین سروده شده در سفر سال ۸۹

بین الحرمین بین الحرمین - این طرف عباس، این طرف حسین
 این طرف وزیر دربار - این طرف شاه عالمین

یا حضرت عباس، یا حسینِ مظلوم - یا میرِ علمدار، یا امامِ معصوم

یا حضرت عباس ای امیرِ دلها - یا حسینِ مظلوم ای غرب و تنها

.....

اینجا حریمِ پاکِ عباس و حسین - همچون صفا و مروه بین الحرمین

در این طرف بین حرمِ آقا ابا الفضل - آن شه با صولت و با صفا ابا الفضل

در این طرف بین حرمِ عزیزِ زهرا - شاهِ غریب و بی کس این دشت و صحرا

در این طرف بین حرمِ حضرتِ عباس - معطر است آن حرم از عطرِ گلِ یاس

در این طرف حائرِ اقدسِ حسین - شافعِ امت است و شاهِ عالمین

در این طرف پیکرِ صدچاکِ ابا الفضل - غرقه بخون فتاده در خاکه ابا الفضل

در این طرف پیکرِ صدچاکِ حسین است - حائرِ قدس و تربتِ پاکِ حسین است

در این طرف قبله حاجاتِ ابا الفضل - کانِ سخا روحِ مناجاتِ ابا الفضل

در این طرف آقا سفینه النجاة است - روحِ دعا، سرچشمه آبِ حیات است

.....

این طرف است امام حسین - شاه شهیدِ عالمین

این طرف عباسِ علی است - محبتش به هر دلی است

این طرف است خونِ خدا - شاه شهیدِ سر جدا

این طرف عباسِ دلیر - سقا و سدارو امیر

باقری بین الحرمین - بیادِ عباس و حسین

بزن به سینه و به سر - بریز اشکت از بصر

بگو یا عباس و حسین - بگو یا عباس و حسین

یا سیدی یا عباس یا سیدی یا عباس

یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس

سقای دشت کربلا - یا سیدی یا عباس

ای هردو دست از تن جدا - یا سیدی یا عباس

ای کشته راهِ خدا - یا سیدی یا عباس

ای با وفا ای با صفا - یا سیدی یا عباس

ای یاورِ دینِ خدا - یا سیدی یا عباس

یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس

ابا الفضل ابا الفضل ابا الفضل ابا الفضل

ابا الفضل ابا الفضل - ابا الفضل ابا الفضل
ای قبله حاجاتِ ما - ابا الفضل ابا الفضل
حاجاتِ ما بنما روا - ابا الفضل ابا الفضل
درگاهِ تو دارالشفا - ابا الفضل ابا الفضل
مرضای ما بده شفا - ابا الفضل ابا الفضل
قرضای ما بنما ادا - ابا الفضل ابا الفضل
ابا الفضل ابا الفضل - ابا الفضل ابا الفضل
ابا الفضل ابا الفضل - ابا الفضل ابا الفضل

شعر از باقری پور اینجا بین الحرمینہ

اینجا اینجا بین الحرمینہ - اینجا اینجا بین الحرمینہ
این سو نگاه کن بگو یا عباس - این سو نگاه کن بگو یا حسین
این طرف هست امیر با وفا - این طرف هست حسین با صفا
این طرف هست شهید علقمه - این طرف هست عزیز فاطمه
این طرف هست یل ام البنین - این طرف هست حسین نازنین
این طرف هست علمدار حسین - این طرف هست امام عالمین
این طرف هست سقای تشنگان - این طرف هست امام دوجہان
این طرف هست ندای یا ابا - این طرف هست شهید سر جدا
این طرف هست علم روی زمین - این طرف هست شهید راہ دین

.....

این طرف بکن نگاه ای زائر امام حسین - دستت را بگزار رو سر بگو حسین و یا حسین

حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
این طرف بکن نگاه قبر ابا الفضل رشید - دستت را بگزار روسر یا عباس شهید
یا عباس یا عباس یا عباس یا عباس - یا عباس یا عباس یا عباس یا عباس
آن سرتو بگیر بالا روکن بدرگاه خدا - بگو توای خدای ما حق حسین سر جدا
بحق عباس علی بحق هفتاد و دو تن - تو بگذر از گناہ ما تو ای خدای ذو المنن
باقری و این زائرین و ہم مدیر کاروان *** میکنند سپاس تو ایا خدای مہربان

حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

خیمه گاه سروده شده توسط باقری پور محرم سال ۱۳۸۹

یا حسین یا حسین جان بفدایت - آمده زائرین به خیمه هایت
یا حسین جان فدای رُخ ماهت - زائرین آمده به خیمه گاهت
یا حسین یا حسین خونِ خدائی - تو امامِ تمامِ شُهدائی
اندراین خیمه ها جای تو خالی است - بین کنون خیمه ها چه شورو حالی است
زائرین میزنن به سینه و سر - بهر تو ای حسین سبطِ پیمبر
از کجا گویم ای حسین زهرا - من از این خیمه ها ودشت و صحرا
دوّم محرمّ چو آورم یاد - از جگرها برآید آه و فریاد
من چه گویم چه شد در شبِ عاشور - اندر این خیمه ها آن شبِ پر شور
روز عاشور و این خیمه و طفلان - بهر یک جرعه آبی همه نا لان
اهلبیت اندر این خیمه گه تو - چشمشان سوی میدان به ره تو
لحظه وداعت چه شورو غوغا - اندر این خیمه ها شده است برپا
اسب بی صاحبیت چون که بیامد - شد در این خیمه ها شور قیامت
در شبِ یازدهم آتش بپا شد - آتش کین بپا به خیمه ها شد
خیمه ها یک به یک در آن شبِ تار - سوخت از کینه شمرِ ستمکار
کودکان جملگی در این بیابان - هریکی زیر یک خارِ مغیلان
جملگی بی کس و بی پدر و یار - جمله سرگشته و بدونِ غمخوار
این طرف آن طرف دوان دوانند - جمله در ماتم آه و فغانند
در یکی خیمه آن عابدِ بیمار - بادلِ غم زده باتنِ تبار
زینبِ غم زده واله و حیران - بین آن آتش و دودِ فراوان
الغرض این خیام و صد حکایت - در مقاتل شده همه روایت
باقری شد کنون راوی غمها - دردها، غصّه ها، رنج و المها

یا حسین سالار زینب شعراز؟

میرسد از این بیابان بوی هجران و جدائی - آمده باقلب خسته کاروان کربلائی
در میان دشت و صحرا - لاله های باغ زهرا - بی کس و مظلوم و تنها
یا حسین سالار زینب - یا حسین سالار زینب
از ازل داغ و جدائی قسمت این سرزمینه - پاسبان اهل خیمه زاده امّ البینینه
قلب زینب بی قراره - خدا آن روز را نیاره - ببینیه داداش نداره
یا حسین سالار زینب - یا حسین سالار زینب

یاحسین این سرزمین است وادی رنج و بلاها - میرسد بوی جدائی بهرما و آل طاها
ای امان ازروز آخر - میرودهمراه لشکر - روی نی راس برادر
یاحسین سالارزینب - یاحسین سالارزینب

بوی غم بوی جدایی بوی هجران می رسد - کربلا آغوش خود واکن که مهمان می رسد
ناقه ام در گل نشسته چاره ای کن یا حسین - دیر اگر آبی کنارم بر لبم جان می رسد
حاجی زهرا علم کن خیمه هایت در منا - زین عطش آباد بوی عید قربان می رسد
خاک سرخ این بیابان بوی مادر می دهد - گوش کن آوای محزون حسین جان می رسد
گو فرات بی مرّوت اینقدر هوهو مکن - کودک ششماهه ای با کام عطشان می رسد
کمتر از ده روز دیگر بی برادر می شوم - روزگار عشق بازی ها به پایان می رسد
در همان لحظه که ترکیب رخت باشد زهم - از حرم زینب به گیسوئی پریشان می رسد
کمتر از ده روز دیگر از فراز نیزه ها - درچهل منزل به گوشم صوت قرآن میرسد
قافله سالار زینب گو شبی بر ساربان - وقت خاتم بخشی دست سلیمان می رسد
وای از هنگامه وصلی که یک نیزه سوار - روبرو با خواهری پاره گریبان می رسد

گل زهرا شده پر پر - شده بین خون شناور
یکی میگه کنج مقتل - یا حسین غریب مادر
ای همه دار و ندارم - از چه تنهایت گذارم
در کنار پیکر تو - ای خوشا من جان سپارم
باغبانم من و تنها - میون این همه گلها
من گلی گم کرده دارم - هر طرف می جویم او را
سوزم از داغ جدایی - پر کشیده آشنایی
شمع و پروانه که جمعند - ای گل زهرا کجایی
من و یک صحرای ماتم - خیمه ها و شعله و غم
گل ریحانه شده گم - هر چه گل بوده شمردم
زینت دوش پیمبر - ای غریب آل حیدر
از چه روی خاک صحرا - جسم تو افتاده بی سر
ای قتل وادی غم - از چه ای عزیز خاتم
با لگد کوبی اسبان - پیکرت پاشیده از هم

وقت افتادنت ای گل - رفته پیراهنت ای گل
 جای سالمی نمانده - تا ببوسم تنت ای گل
 دلم از غصه لبالب - روزم از ماتم تو شب
 به خدا جدایی سخته - بی تو وای از دل زینب
 مانده ای غریب و تنها - کشته ها مانده به صحرا
 کمی آهسته سفر کن - یا حسین ای گل زهرا
 از ازل عشق تو بوده - دل و از سینه ربوده
 مثل مادر تو مدینه - لبات از خشکی کبوده
 توی قتلگاه دلبر - اومده ناله کوثر
 میگو یک پهلوی شکسته - یا حسین غریب مادر
 میون نیزه و خنجر - یه تنی افتاده بی سر
 ناله غریبی میگو - یا حسین غریب مادر
 فاطمه ناله نماید - کربلا از غم لبالب
 در برت جا مانده ارباب - پاره های قلب زینب

شعر از ناصرالدین شاه قاجار

خرم دلی که منبع آنها رو کوثر است - کوثر کجا ز دیده پر اشک بهتراست
 نام حسین و کربلا هر دو دلرباست - نام علی اکبر از آن دلربا تر است
 رفتم به کربلا به سر قبر هر شهید - دیدم که مرقد شهدا مشک و عنبر است
 هر یک مزارو مرقدشان چا رگوشه داشت - شش گوشه یک ضریح در آن هفت کشور است
 پرسیدم از کسی سببش را به گریه گفت - پائین پای قبر حسین قبر اکبر است
 نزدیک نهر علقمه دیدم یکی شهید - گفتم چرا جدا از شهیدان دیگر است
 گفتا خموش باش که عباس جوان - منظور او ادب به جناب بردار است
 رفتم به خیمه گاه شنیدم به گوش دل - آنجا فغان زینب مظلوم اطهر است
 عازم شدم به حجله داماد کربلا - دیدم عروس قاسم داماد مضطرب است

شعر از سید ابوالقاسم فانی

بجز حسین مرا ملجأ و پناهی نیست - در این عقیده یقین دارم اشتباهی نیست
 ره نجات حسین است و دوستی حسین - بسوی حق بجز از این طریق راهی نیست
 بغیر درگاه تو یا حسین در دوجهان - مرا به درگاه دیگر حواله گاهی نیست
 گدای درگهت ای پادشاه کشور عشق - بچشم اهل نظر کم ز پادشاهی نیست

غلام ترک سیاه تو یا حسین به حشر - به روشنی رخس چهر مهر و ماهی نیست
هر آنکه را تو پذیری خداش بپذیرد - که قرب و بعد و سفیدی و نی سیاهی نیست
شهبان بجاه و جلال غلام تو نرسند - که فوق آن بدو عالم جلال و جاهی نیست
گه حساب که روز قیامتش خوانند - بجز حسین مرا یار و داد خواهی نیست

شعر از حاج عبدالرضا هلالی

عشق حسین از کوچیکی تو قلب من کرده لونه - دل منور بوده و به هر جائی میکشونه
رنگ سیاه پرچماش سفیدی قلب منه - انگشت نمایی مردم همه میگن سینه زنه
شش گوشه کربلاش دلم رو برده تا خدا - تموم آرزوم اینه بازم برم کربلا
دلم میخواد که تا ابد ساکن کربلا بشم - همسایه همیشه شهید نینوا بشم
حسین ثار الله حسین ثار الله - حسین ثار الله حسین ثار الله
می خوام که با آب فرات توانجا درددل کنم - از لب خشک ششما هم برم اونو خجل کنم
می خوام که سینه بزنم تو علقمه میوندشت - می خوام بدونم که چراساقی به خیمه برنگشت
حسین ثار الله حسین ثار الله - حسین ثار الله حسین ثار الله
شبهای جمعه ی حرم شبهای عشق و زمزمه است - زائر اول حسین مادر سادات فاطمه است
صفای دشت کربلا به ناله نیمه شبه - خاک پاکش عجین با اشک چشای زینبه
دلم روز به دستای عزیز زهرا نمی دم - نوکریشو به شاهی تموم دنیا نمی دم
به عشق پای زخمیه بچه های زار و غمین - دلم میخواد پا بزارم رو خاک و خاشاک زمین

شعر از ریاضی یزدی

بوی بهشت میوزد از کربلای تو - ای کشته با دجان د و عالم فدای تو
برخیز و باز بر سر نی آیه ای بخوان - ای من فدای آن سر از تن جدای تو
اندر مناذبیح یکی بود و زنده رفت - ای صد ذبیح کشته شده در منای تو
رفتی بیاس حرمت کعبه به کربلا - شد کعبه حقیقی دل کربلای تو
اجر هزار عمره و حج در طواف تست - ای مروه و صفا بفدای صفای تو
تا با نماز خوف تو گردد قبول حق - شد سجده گاه اهل یقین خاک پای تو
با گفتن رضا بقضا ئک به قتلگاه - شد متحد رضای خدا با رضای تو
تو هر چه داشتی بخدادادی ای حسین - فردا خداست جلّ جلاله جزای تو
خون خداست خون تو و جز خدای نیست - ای کشته خدا بخدا خون بهای تو

شعر از محمد علی شهاب

کربلا یک مشت خاک ساده نیست - کیست بر عشق غمت دلداده نیست

بهتر آن دل زیر گل پنهان شود - بهر جان دادن اگر آماده نیست
 مرغ دل گر پر کشد از سینه ای - جز به خاک پای تو افتاده نیست
 هر که را محراب ابروی تو شد - جز به خاک و تربت سجاده نیست
 هر دلی کز یاد رویت گشته مست - احتیاجی بر شراب و باده نیست
 مرده باشد هر که بی تو زنده است - یا کسی که در رخت جان داده نیست
 اهل عالم جملگی عبد تواند - غیر از این از مادر خود زاده نیست

شعر از کتاب راهنمای زائرین

السلام ای سرو آزادگان - السلام ای یاور درماندگان
 جان بقریان تو مظلوم شهید - داده ای با خون به مظلومان نوید
 کربلا ای تربت پاک حسین - ای درونت جسم صد چاک حسین
 ای حسین جان ای شه مظلوم ما - ای امام و رهبر معصوم ما
 ما در این ماتم عزادار توایم - جان نثار و کمترین یا ر توایم
 کربلا ای تربت پاک حسین - ای درونت جسم صد چاک حسین
 کودکان در خیمه ها بر سرزنان - العطش گویان و بی تابان کنان
 بهر شان پیدا نشد یک قطره آب - از عطش دلها ی معصومان کباب
 کربلا ای تربت پاک حسین - ای درونت جسم صد چاک حسین
 ای بقریان لب عطشان تو - سر جد او خواندن قرآن تو
 در ره قرآن و دین سر داده ای - اکبر و شش ماهه اصغر داده ای
 پیکر یاران یکایک بر زمین - روح آنها جمله بر عرش برین
 بر لب آنها کلام یا حسین - جمله آخر سلام یا حسین
 کربلا ای تربت پاک حسین - ای درونت جسم صد چاک حسین
 مهر تو در تار و پود عاشقان - عشق پاکت در وجود عاشقان
 ماهمه در بند عشق تو اسیر - ای شه مظلوم دست ما بگیر
 کربلا ای تربت پاک حسین - ای درونت جسم صد چاک حسین

مقابل حرم امام حسین علیه السلام خوانده شود

السلام ای زاده زهرا حسین - السلام ای پادشاه عالمین
 السلام ای وارث پیغمبران - السلام ای بهترین بهتران
 السلام ای سبط پاک مصطفی - ای حسین یابن علی المرتضی
 السلام ای تشنه کام کربلا - السلام ای خامس آل عبا

ای لبانت بوسه گاه فاطمه - ای خجل از توفرات و علقمه
 بر لب دریا لب تشکیده بود - از از عطش کی اصغر تو خاییده بود
 کودکانت جملگی بی تاب آب - دور از چشم یتیمان تو خواب
 آب دریا بود مهر مادرت - حسرتش میسوخت حلق اصغر
 تا بروز حشر آب از تو خجل - پای عقل ماست از صبرت به گل
 و احسینم و احسینم و احسین - و اغرییم و اغرییم و اغریب
 و احسینم و احسینم و احسین - و اشهیدم و اشهیدم و اشهید
 * * *

حسینم و احسینم و احسینا - شهیدم و شهیدم و شهیدا
 اگر کشتند چرا آب ندادند - خبر برج و بر بابت ندادند
 حسینم و احسینم و احسینا - حسینم و احسینم و احسینا
 اگر کشتند چرا خاکت نکردند - کفن بر جسم صد چاکت نکردند
 اگر کشتند چرا راس عزیزت - زکینه بر سر نیزه نمودند
 حسینم و احسینم و احسینا - حسینم و احسینم و احسینا
 حسین جانم چرا تو سرنداری - چرا انگشت و انگشتر نداری
 حسینم و احسینم و احسینا - حسینم و احسینم و احسینا
 به کهنه جامه ای کردی قناعت - چرا آن کهنه را در بر نداری
 حسینم و احسینم و احسینا - حسینم و احسینم و احسینا
 سه روز و شب به روی خاک ماندی - تن عریان و هم صد چاک ماندی
 حسینم و احسینم و احسینا - حسینم و احسینم و احسینا
 * * *

کلیم اگر دعا کند بی تودعا نمی شود - مسیح اگر شفا دهد بی توشفانمی شود
 حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله - حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله
 گرد حرم دویده ام صفا و مروه دیده ام - هیچ کجا برای من کرب و بلا نمیشود
 حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله - حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله
 کرب و بلا و کوفه شد سخت به عترت ولی - هیچ کجا به سختی شام بلا نمیشود
 حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله - حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله
 چوب بدست قاتلت بناله گفت این سخن - جای سر بریده در طشت طلا نمیشود
 حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله - حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله

گشته به هر زمان زمین سرخ زخون اهل بیت - خون کسی چو خون تو خون خدانمیشود
 حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله - حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله
 کسی که گشت گرد تو گرد خطا نمی رود - پیرو خط کربلا اهل خطا نمیشود
 حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله - حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله
 ای بدن تو غرق خون ای سرو روت لاله گون - از چه خضاب کرده ای خون که حنانمیشود
 حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله - حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله
 جز سر غرق خون تو که شد چراغ کاروان - راس بریده بر کسی راهنمانمیشود
 حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله - حسین اباعبدالله حسین اباعبدالله

حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 هست یقینم ای حسین مرار هانمیکنی - ز آستان لطف خود مراجدانمیکنی
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 توهستی صاحب کرم منم گدای این حرم - حاجت دلشکسته را توکی روانمیکنی
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 تویی طبیب دردمن نگر بروی زردمن - کی گفته که درد دل مرادوانمیکنی
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 دلم بسوی تو بود بهشت کوی تو بود - یقین که از بهشت خود مراجدانمیکنی
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 اگر چه من خطا کنم اگر چه من جفا کنم - تو با وفا و مهر خود مرار هانمیکنی
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 شهید کربلا حسین - حسین حسین حسین حسین
 غریب نینوا حسین - حسین حسین حسین حسین
 سرت زتن جدا حسین - حسین حسین حسین حسین
 در ره دین فدا حسین - حسین حسین حسین حسین
 اینجا جناب فاطمه - حسین حسین حسین حسین
 با اضطراب و واهمه - حسین حسین حسین حسین
 در قتلگاه کربلا - حسین حسین حسین حسین
 گردد میان کشته ها - حسین حسین حسین حسین

گوید حسین من چه شد - حسین حسین حسین حسین
 نوردوعین من چه شد - حسین حسین حسین حسین
 کو اکبرش کو اصغرش - حسین حسین حسین حسین
 عباس میرلشکرش - حسین حسین حسین حسین
 قاسم چه شد جعفر چه شد - حسین حسین حسین حسین
 عباس آب آور چه شد - حسین حسین حسین حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 * * *

جلو حرم ابوالفضل العباس علیه السلام خوانده شود

ابوالفضل ابوالفضل ابوالفضل ابوالفضل ابوالفضل
 ساقی انصار خدا ابوالفضل ابوالفضل - چشم و چراغ شهدا ابوالفضل ابوالفضل
 پرتومصباح هدی ابوالفضل ابوالفضل - دست جدا فرق جدا ابوالفضل ابوالفضل
 زعلقمه رسدندا ابوالفضل ابوالفضل - شدی به جمع شهدا ابوالفضل ابوالفضل
 فاطمه میزند صدا ابوالفضل ابوالفضل - عباس من شده فدا ابوالفضل ابوالفضل
 تونورچشم حیدری تو بر حسین برادری - به دین حق تو یاوری غضنفری وصفدری
 تویی یل کربلا ابوالفضل ابوالفضل - شهید درره ولا ابوالفضل ابوالفضل ابوالفضل
 ام بنین راپسری به هاشمیون قمری - بر تشنگان آب آوری سقای بی دست و سری
 شهید در ره خدا ابوالفضل ابوالفضل - دست جدا فرق جدا ابوالفضل ابوالفضل
 عزیز مصطفی تویی سقای باو فاتویی - حافظ خیمه ها تویی تشنه لب از جفاتویی
 قتیل ظلم اشقیا ابوالفضل ابوالفضل - به علقمه به نینوا ابوالفضل ابوالفضل
 علقمه قتلگاه تو بسته ره نگاه تو - مانده به سینه آه تو راه خداست راه تو
 درره حق شدی فدا ابوالفضل ابوالفضل - دست توازیدن جدا ابوالفضل ابوالفضل
 خون جبین گواه تو فدای عز و جاه تو - ماهمه در پناه تو عاشق یک نگاه تو
 حاجت ما کنی روا ابوالفضل ابوالفضل - به دردها دهی شفا ابوالفضل ابوالفضل
 به قرض ما کنی ادا ابوالفضل ابوالفضل - شفیع فردای جزا ابوالفضل ابوالفضل
 ابالف_____ضل - ابالف_____ضل - ابالف_____ضل
 ابالف_____ضل
 ابالف_____ضل

در محل خیمه گاه خوانده شود

حسینم واحسینم واحسینا - دسته جمعی درهربندخوانده شود
 بوداین گلشن گلهای زهرا - محلّ خیمه گاه آل طاها
 محلّ خیمه عباس وزینب - محلّ سجده وقرآن ویارب
 محلّ خیمه سلطان خوبان - محلّ خیمه شاه شهیدان
 محلّ خیمه لیلا و اکبر - رباب و طفلك ششماهه اصغر
 محلّ خیمه شهزاده قاسم - محلّ خیمه گاه آل هاشم
 محلّ خیمه شاه شهیدان - امام وسروروماه شهیدان
 حسین آن سروروسالار هستی - حسین آن یکه تازحق پرستی
 کسی که پادشاه عالمین است - حسین است اوحسین است اوحسین است
 حسین پرورده دامان زهرا - زکین زدخیمه دراین دشت وصحرا
 چوبرپاخیمه آل عباسد - دراین صحرا غم وماتم پیاشد
 حسین گفتایاران سنگراینجاست - مقدّس سرزمین باوراینجاست
 عمودخیمه رالینک بکوبید - که ماراوعده گاه داوراینجاست
 کمرمحکم بینیدای عزیزان - که جولانگاه صدهالشکراینجاست
 همانجائی که گردآب نایاب - برای عترت پیغمبراینجاست
 همانجائی که بیند امّ لیلا - بخون آغشته جسم اکبراینجاست
 همانجائی که گرددنجمه مجنون - زداغ قاسم فرخ فراینجاست
 همانجائی که باردبرسرما - سنان وتیروسنگ وخنجراینجاست
 همانجائی که افتدازدم تیغ - دودست ازپیکرآب آوراینجاست
 همانجائی که باتیرسه شعبه - شودپاره گلوی اصغراینجاست
 همانجائی که باشد باقری پور - شفیع دوستان درمحشراینجاست
 حسینم واحسینم واحسینا - غریبم واغریبم واغریبا
 حسینم واحسینم واحسینا - شهیدم وشهیدم وشهیدا
 اگرکشتندچراآبت ندادند - حسینم واحسینم واحسینا
 کفن خبربرجدوبریابت ندادند - حسینم واحسینم واحسینا
 اگرکشتندچراخاکت نکردند - حسینم واحسینم واحسینا
 کفن برجسم صدچاکت نکردند - حسینم واحسینم واحسینا
 اگرکشتندچراراست بریدند - حسینم واحسینم واحسینا

زکینه برسرِ نِزه نمودند - حسینم واحسینم واحسینا
 حسین جانم چراتوسرنداری - حسینم واحسینم واحسینا
 چرا انگشت وانگشترنداری - حسینم واحسینم واحسینا
 به کهنه جامه ای کردی قناعت - حسینم واحسینم واحسینا
 چرا آن کهنه رادربرنداری - حسینم واحسینم واحسینا
 سه روز و شب به روی خاک ماندی - حسینم واحسینم واحسینا
 تن عریان وهم صدچاک ماندی - حسینم واحسینم واحسینا
 حسینم واحسینم واحسینا - حسینم واحسینم واحسینا

مناسب محل خیمه گاه

زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب
 کانون وفا زینب زینب زینب زینب - سیمای حیا زینب زینب زینب زینب
 آماج بلا زینب زینب زینب زینب - در کربلا زینب زینب زینب زینب
 هردردی دوا زینب زینب زینب زینب - جانم بفدا زینب زینب زینب زینب
 دادی تو براه دین - تونوردو عینت را - هم کربلا رفتی هم شام بلا زینب
 زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب
 وقتی که به قتلگه توجسم حسین دیدی - شدناله توازدل برعرش خدا زینب
 زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب
 وقتی که فتاد آتش درخیمه شاه دین - بودی تومعین و یار برآل عبا زینب
 زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب
 وقتی بروی نیزه توراس حسین دیدی - کردی توشکیایی بین اُسر زینب
 زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب
 زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب زینب

زینب زینب

شعر از محمد علی شهاب

ای نا زین گل من آهسته رو برادر - ای دلبر و حبیبم رحمی نما به خواهر
 ای یوسف غریبم یک پیرهن برایت - دارم به یاد گاری از مام با صفایت
 گشته وصیت او بوسیدن گلویت - با این لبان خشکم پر میکشم بسویت
 در دشت بی کسیها جانم رسیده بر لب - بی تو به خیمه گاهت جان شد زجسم زینب
 ماه دلم گرفته در آسمان غمها - رحمی نما بحالم تو را به جان زهرا

بر گرد زینبت را بنماد می نظاره - آرامشی مراده مولا به یک اشاره
دانم که وقت دیگر در خون شوی شناور - بر سینه ات نشیند دشمن به تیغ و خنجر

شعر از محمد علی شهاب

گم کرده ام گلی را در بین لاله هایم - ترسم گلم بسوزد از سوز ناله هایم
ای فاطمی گل من از چه شدی تو پرپر - غرقه به خاک و خونها تا آسمان زدی پر
ای بوی مقتلت بر زهرا کند اشارت - گویا که قبل زینب کرده تور از یارت
جویم اگر گلم را بوسه زنم به رویش - جای لبان خشکش بوسم رگ گلویش
بر گو کجا فتادی بر روی خاک و خونها - رحمی نما به خواهر ای یادگار زهرا
بودی تمام هستم رفتی دگر ز دستم - بر تل ز ینبیه درما تمت نشستم

شعر از حاج عبدالرضا هلالی

عشق است به کربلا رسیدن - عشق است به خاک و خون طپیدن
عشق است به آسمان پریدن - عشق است عشق است عشق است
از نودل من بهونه داره - صد شکوه از این زمونه داره
خوشبخت کسی که در حریمت - بین الحرمین و خونه داره
این مهر شمایقین خدائی است - دوری ز شما نه از جدائی است
هر جا که رود دل رمیده - سوگند که باز کربلائی است
بین همه مان جنون رواج است - مولا به زیارت احتیاج است
گفتی که بده به راه من جان - جانم بخدا ببین حراج است

شعر از محمد علی شهاب

ای غریب آل حیدر - زینت دوش پیمبر
از چه روی خاک صحرا - جسم تو افتاده بی سر
ای قلیل وادی غم - از چه ای عزیز خاتم
با لگد کوبی اسبان - پیکرت پاشیده از هم
وقت افتادنت ای گل - رفته پیراهنت ای گل
جای سالمی نمانده - به تمام تنت ای گل
مانده ای غریب و تنها - کشته ها مانده به صحرا
توی قتلگاه و بنگر - او مده ناله کوثر
میگه يك پهلوشکسته - یا حسین غریب مادر
میون نیزه و خنجر - یه تنی افتاده بی سر

نا له غریبی میگه - یا حسین غریب ما در
 گل زهرا شده پرپر - شده بین خون شناور
 یکی میگه کنج مقتل - یا حسین غریب ما در
 حسین...وای...حسین...وای...حسین...وای...
 حسین...وای...حسین...وای...حسین...وای...

شعر از محمد علی شهاب

گرچه به خاک غم - جا میگذارد مت
 تا جان بود مرا - در دل سپارمت
 از بهر جستش - زهرا کند مدد
 بابای من حسین - بابای من حسین
 ای یار بی سرم - دلدار و دلبرم
 خونین و پرپر - بابای من حسین
 هر پاره - تنت - در گوشه ای بود
 ای پاره پاره تن - مظلوم و بی کفن
 غلطان به خون بدن - بابای من حسین
 بوسه به حنجر - گردیده رمز عشق
 از غم لبایم - مانند زینبم
 خون تو بر لبم - بابای من حسین

شعر از محمد علی شهاب - طفلان زینب

باشد فدائی ات این هدیه های من - بر جسمشان خودم پوشیده ام کفن
 تا که برای تو، گردند فدای تو - بر خاک پای تو، مولای من حسین
 این نوجوان من ای زاده رسول - عون و محمد ند بنماز من قبول
 ناقابلند اگر، شرمندهم دگر - از لطف خود بخر، مولای من حسین
 میشداگر مرا سازی فدای خود - پرپر کنی خوشا بر خاک پای خود
 ای سوز و ساز من، راز و نیاز من - ای چاره ساز من، مولای من حسین

شعر از محمد علی شهاب - قاسم ابن الحسن علیه السلام :

مهرتواز کودکی در سینه ام بود ای عموجان - غربت تو آن غم دیرینه ام بود ای عموجان
 من یتیم مجتبیام، یاری تو می نمایم - عاشق شهد شهادت، در زمین کربلایم
 ای حسین جان، ای حسین جان - ای حسین جان، ای حسین جان

عزّ و الله علی عمّک گفتی بر سر من - ای که سخت است از برایت ناله های آخر من
 لحظه آخر عمویم، دیدنت شد آرزویم - خوش بود دیدار رویت، گریبائی رو سویم
 ای حسین جان، ای حسین جان - ای حسین جان، ای حسین جان
 بعد داغ اکبرت شد قسمت من بی قراری - چون که دیدم بر لبان از خون او گل بوسه داری
 طاقتی دیگر ندارم، غربت برده قرارم - شرمسارم غیریک جان هدیه ای دیگر ندارم
 ای حسین جان، ای حسین جان - ای حسین جان، ای حسین جان

شعر از محمد علی شهاب - علی اصغر علیه السلام :

تیر عشق تو نشسته چون بروی حنجر من - شاهد سرمستی من، خنده های آخر من
 حنجرم گشته سبویم، شد می ام خون گلویم - پر کشیدن سوی زهرا، شد تمام آرزویم
 واحسینا واحسینا - واحسینا واحسینا
 صوت هل من نا صرتو از دلم طاقت ربوده - این گلولی خون فشانم، بال پروازم گشوده
 پرگشودم چون کبوتر، عا زم رو سوی کوثر - من طرفدار حسینم، شاهد ام این خون حنجر
 واحسینا واحسینا - واحسینا واحسینا
 می خورد بر لبان تشنه من همچون ماهی - د ر غریبی تو گشتم، بهر یاری تو راهی
 خسته ام از گاهواره، شعله ور همچون ستاره - پر کشیدم سوی با با، در دلم دارم شراره
 واحسینا واحسینا - واحسینا واحسینا

شعر از ارمان شکروی - اصغر مادر

اصغر - مادر - کردند چه خوش خوابت - دادند عجب آبت
 زین خواب - زین آب - سوزد جگر با بت - دادند عجب آبت
 اصغر - مادر - ای بلبل باغ ناز - کردی به کجا پرواز
 صیاد - افکند - از ناوک پرتا بت - دادند عجب آبت
 اصغر - مادر - گشتی تونشان تیر - از حرمله بی پیر
 کیفر - گیرد - آن قادرها بت - دادند عجب آبت
 اصغر - مادر - شد پاره گلوئی تو - از دست عدوی تو
 رحمی - ننمود - بر حنجر بی تا بت - دادند عجب آبت
 اصغر - مادر - آن غنچه لب واکن - قلبم تو تسلّی کن
 بینم - خندان - آن لعل چو عنا بت - دادند عجب آبت
 اصغر - مادر - ای کودک بی شیرم - از داغ تو میمیرم
 تابم - برده - رنگ رخ مهتابت - دادند عجب آبت

اصغر - مادر - این حرمله نا پاک - حلقوم ترا زد چاک
رنگین - گردید - قنداقه زخونا بت - دادند عجب آبت

شعر از محمد علی شهاب : اکبرم هستی مائی

اکبرم هستی مائی تو شبیه مصطفائی - حیدر دشت بلا و یوسف کربلائی
چون سوی میدان بروی - زیبکرم جان ببری - جانم علی جانم علی
فرق توبه خون نشسته خون روی چشاتو بسته - همچو مادر تومدینه پهلوی تورا شکسته
تو کشته مدینه ای - قتیل ظلم و کینه ای - جانم علی جانم علی
سخنی بگو به با با دلمو کندی تو از جا - بعد تو ای همه هستم العفا به کل دنیا
گرفته ام ماتم تو - قاتل من شد غم تو - جانم علی جانم علی

شعر از ناشناس؟

رودسوی میدان علی اکبرم - زتن رفتن جان خود بنگرم
گواهی خدا یا - حسین مانده تنها - علی جان علی
خدای علی باتو سوداکنم - قد و قامتش را تماشا کنم
همه هستم اکبر - شبیه پیمبر - علی جان علی
خدایاز جسمم کنون جان رود - که بود و نبودم به میدان رود
چگونه توانم - پس از تو بمانم - علی جان علی
به باغ رسالت گل فاطمی - تو اول شهید بنی هاشمی
زد اغت بسوزم - سیه گشته روزم - علی جان علی

شعر از محمد علی شهاب - قمر بنی هاشم باب الحوائج ابا الفضل العباس علیه السلام

سلام ای ساقی دشت شقایق - علمدار همه گلها ی عاشق
سلام ای ساکن برج کرامت - بود نام تو بر اوج رشادت
سلام ای جلوه ثانی حیدر - بجان جمله ی مستان چو دلبر
علی زد بوسه ها بر روی دستت - فدای مرتضی گردیده هستت
ز میلادت پدر گردیده مسرور - نمودی بیت حیدر را پر از نور
خریدار جمالت فاطمیون - توئی ماه تمام ها شمیون
ز روی ماه تو آشفته مهتاب - هلالی گشته از این جرعه ناب
زیا رتگاه رویت آسمانها - یکی از زائرانت کهکشانشانها
قمر نور جمالت را طلب کرد - کمانی گشته در پایت ادب کرد
ادب همچون غلام خانه زادت - بود عشق حسینی در نهادت

توسا قی می جام ولائی - توسقا ی سبوی کربلائی
 تو نور دیده امّ البنینی - میان دلربایان دل نشینی
 صبا پیغمبر عطر و شمیمت - سحر یک جلوه از لطف نسیمت
 ادب را و وفار اناخدائی - چه می گویم در این وادی خدائی
 همیشه نام مولایت به لب بود - دودست ساقی جام ادب بود
 فدای آن دو دست حیدریات - ادب میراث مهر مادریات
 توسقائی و ساقی و علمدار - بدشت کربلا بودی تو سردار
 بتو امید سالار حرم بود - وداعت لحظه سوزان غم بود

شعر از محمد علی شهاب - در بین علقمه

در بین علقمه در خون شنایم - بنشسته فاطمه اینجا برابرم
 مست زیارتم - عبدولایتم - در اوج غربتم - مولای من حسین
 زهرائی ام من و فرزند حیدرم - عبدالحسینم و فرموده مادرم
 جان می کنم فدا - برپور مرتضی - در دشت نی نوا - مولای من حسین
 این خون چشم من از داغ کوثر است - فرق شکسته ام از ضربت دراست
 از غم لبالبم - جان گشته برلبم - در یاد زینبم - مولای من حسین

شعر از حاج عبدالرضا هلالی - من ابوالفضلیم

از ازل ایل و تبارم همه عاشق بودند - همگی وارث غم محو شقایق بودند
 من ابوالفضلیم و قبله من کربلاست
 ریزه خوار توام و خوان کریمت عباس - چو سگی سرگذارم به حریمت عباس
 من ابوالفضلیم و قبله من کربلاست
 ما درم گفته چو خواهی بشوی پراحساس - روی قلبت بنویس عشق منی یا عباس
 من ابوالفضلیم و قبله من کربلاست

شعر از کتاب راهنمای زائرین: حضرت عباس علیه السلام

ای حرمت قبله حاجات ما - یا دتوسبیح و مناجات ما
 تاج شهیدان همه عالمی - دست خدا ماه بنی هاشمی
 ماه کجای روی دلای تو - سرو کجای قامت رعنا ی تو
 مکتب تو مکتب عشق و وفا - درس الفبای تو صدق و صفا
 شمع شده آب شده سوخته - روح ادب را ادب آموخته
 مزد تو این سوختن و ساختن - دست سپردن و سرباختن

دست تو شد دست شه لافتی - خط تو شد خط امان خدا
چا رامامی که ترا دیده اند - دست علم گیر تو بوسیده اند
عمامام و ابواب و ابن امام - حضرت عباس علیه السلام

شعر از ذاکر: عباس نامدار

عشاق چون بد رگه معشوق رو کنند - از آب دیدگان تن خود شستشو کنند
اول قدم ز جان و سر خویش بگذرند - از خون خود تهیه غسل و وضو کنند
قربان عاشقی که شهیدان کوی عشق - در روز حشر رتبه او آرزو کنند
عباس نامدار که شاهان روزگار - از خاک کوی او طلب آبرو کنند
میراب بود و لب تشنه جان سپرد - میخواست آب کوثرش اندر گلو کنند
بی دست ماند و داد خدا دست خود به او - آنانکه منکرند بگور و بر و کنند
گردست او نه دست خدائی است پس چرا - از شاه تا گداه همه روسوی او کنند
د رگه او و چو قبله ارباب حاجت است - باب الحوائجش همه جا گفتگو کنند

شعر از محمد علی شهاب: انی ابالفصل

چشمم پر از خون - فرقم شکسته - دستم جدا شد
خون جبینم - تقدیم خاک - خون خدا شد
انی ابالفصل - انی ابالفصل - انی ابالفصل
سالاری دست - سقای بی آب - یار حسینم
این جسم و جانم - این هر دو دستم - این هر دو عینم
انی ابالفصل - انی ابالفصل - انی ابالفصل
دست رشیدم - برخاک صحرا - با خون نوشته
سقای طفلان - عطشان ز موج - دریا گذشته
انی ابالفصل - انی ابالفصل - انی ابالفصل
خونی بگریم - اشکی بریزم - آهی بر آرم
نه چشم دارم - نه دست دارم - نه آب دارم
انی ابالفصل - انی ابالفصل - انی ابالفصل
ام البنین کو - تا در کنار - جسمم نشیند
عباس خود را - در خاک پای - زهر ا ببیند
انی ابالفصل - انی ابالفصل - انی ابالفصل
وقتی عد و زد - تیر جفا را - بر مشک آیم

شداشك خجلت - از دیده جاری - یا در با بم

إِنِّي أبا الفضل - إِنِّي أبا الفضل - إِنِّي أبا الفضل

شعر از حاج عبدالرضا هلالی ، نزدیک شهر کربلا

نزدیک شهر کربلا همین که زائر میرسد - دلش خدائی میشه و تو حالتی مقدسه
از بین نخلستونا ئی که دور کر بلا پره - یه گنبدی پیدا میشه که عقل و هو شه میبره
آدم خیال می کنه که بازم داره خواب می بینه - اصلا نمیشه باورش گنبد ارباب همینه
گریه ی بی امونه و حال خراب زائرا - ارباب مهر بونه و خوش آمد مسافرا
یکی به سینه می زنه یکی می افته رو زمین - اون یکی فریاد می زنه گنبد عباس و بین
یکی به سینه می زنه اون یکی مشغول نگاه - یه زائری داد می زنه می خوام برم به قتلگاه
نخلای بین الحرمین به زائرا سلام می دن - فرشته ها پراشونو به خاک پا شون می ذارن
دفعه اول که بخوای تو حرم آقا بری - باید بری اجازه شواز دست سقا بگیری

شعر از حاج عبدالرضا هلالی - عبدالله بن الحسن در گودال قتلگاه

شد کربلا پر از غوغای یا سمن - چون زیر دشنه شد عبدالله حسن
دلها ی عرشیان غرق شرر نمود - چون پیش تیغ کین دستش سپر نمود
ادرك عمو حسين - ادرك عمو حسين - ادرك عمو حسين
گفتا نمی شود راحت دلم عمو - تا دشنه بوسه ای گیرد از این گلو
گفتا عمو حسين قربان پیکرت - در آغوشم بگیر ما نند اصغرت
ادرك عمو حسين - ادرك عمو حسين - ادرك عمو حسين

شعر از محمد علی شهاب ، زینب سلام الله علیها در قتلگاه

می نمایم جستجو در میان قتلگاه - قطعه های پیکرت میکنم هر جا نگاه
روی خاک افتاده جسم پرپرست - ای گل زهرا کجا باشد سرت
یابن زهرا یا حسین - یابن زهرا یا حسین - یابن زهرا یا حسین
یا أُحیی گفتمی و پر کشیدم سوی تو - آمدم در مقتلت تا ببینم روی تو
صد هزار افسوس و آه ای یار من - سرنواری ای برادر روی تن
یابن زهرا یا حسین - یابن زهرا یا حسین - یابن زهرا یا حسین
من میان آتش خیمه و تو در تنور - سر کنار فاطمه تن گرفتار ستور
پیکرت شمع غمستان من است - رونق شام غریبان من است

شعر از شیدا نیشابوری - عاشق صادق حربن یزیدریاحی

منکه از عشق تو سرمستم - هر چه هستم عاشقت هستم

بر سر کوی تو ام رسوا - یا مولا یا مولا یا مولا
 گوشه چشمی پریشا نم - از غمت سر در گریبا نم
 یا ورت هستم در این صحرا - یا مولا یا مولا یا مولا
 از تو دل هرگز نمی گیرم - تا نبخشی جرم و تقصیرم
 ای فروغ دیده زهرا - یا مولا یا مولا یا مولا
 از گناه خود پشیمانم - مستحق عفو و غفرانم
 چون کنم فردا بر زهرا - یا مولا یا مولا یا مولا
 کن نظر بر قلب پر خونم - ای حسین جان از تو ممنونم
 رشته عشقت مرا برپا - یا مولا یا مولا یا مولا
 من غلام اصغر هستم - هم صدای اکبر هستم
 شبه احمد زاده لیلا - یا مولا یا مولا یا مولا

شعرا از مؤلف باقری پور : انت حر

چون کتابت به این قسمت رسید چند بیت زیر توسط مؤلف باقری پور در تاریخ ۸۴/۶/۱۴ سروده شد

گفت مولا خوش آمدی ای حر - در بر ما تو سر خوش آمدی حر
 تو بیا و به خیمه استراحت کن - جسم خود را ز خستگی تو راحت کن
 لیک حر زده به قلب سپاه یزید - بعد پیکا رسخت گشت شهید
 بست مولا سرش به دستمالی - چون که خون بود از سرش جاری
 گفت مولا بهشت مقام تو شد - انت حر چنانکه نام تو شد

شعرا از باقری پور - ز بعد مسلم آن اطفال زارش

ز بعد مسلم آن اطفال زارش - محمد بود و ابراهیم کنارش
 به شهر کوفه سرگردان و حیران - دو طفلان حزین زار و نالان
 همی گفتند با قلب حزینی - شکسته بال و آه آتشینی
 الها ای تو غمخوار یتیمان - ببین بر حالت زار یتیمان
 بشهر کوفه بی یار و غریبم - حزین و اشکبار و غم نصیبم
 یتیم و بی کس و بی خانمانم - کبوترهای دور از آشیانم
 دل پر خون ز چشمان اشکباریم - بشهر غربت و بی غمگساریم
 در این غربت نباشد مادر ما - نهد دست محبت بر سر ما
 شده با بی ما مقتول از کین - بدستور عبید الله بی دین
 نباشد یاری نه غمگساری - دهد بر ما یتیمان دست یاری

و لیکن آخر آن طفلان معصوم - بدست حارث آن بی مایه شوم
 گرفتار آمدند از ظلم و از کین - چه ظلمی کرد آن ملعون بی دین
 کنار شط سر آنان جدا کرد - بدنهاشان کنار شطرها کرد
 به نزد یک مسیب قبر آنان - بیوس ای باقری پوراز دل و جان
نوحه از سید محسن حسینی زبانهال دو طفلان مسلم (ع)

شام فراق ما سحرندارد - ما درزحال ما خبرندارد
 مالاله های مسلمیم - گریان زداغ مسلمیم
 مظلوم حسین جان - مظلوم حسین جان
 برماه کوفه ما ستاره هستیم - مادرغم دارالاماره هستیم
 گه دریابان بوده ایم - گاهی به زندان بوده ایم
 مظلوم حسین جان - مظلوم حسین جان
 که دیده دست میهمان بیندند - که دیده برآشک غمش بخندند
 ماصیدی بال وپریم - هردو غلام اکبریم
 مظلوم حسین جان - مظلوم حسین جان
 رخسار ما گرفته رنگ نیلی - ازماپذیرائی شده به سیلی
 آید اجل دنبال ما - گریان بود برحال ما
 مظلوم حسین جان - مظلوم حسین جان
 ما را نگیردغیرغم درآغوش - داغ پدرکی می شود فراموش
 مست ازسبوی مسلمیم - عازم به سوی مسلمیم
 مظلوم حسین جان - مظلوم حسین جان

شعر قدیمی با آهنگی دیگر که در کربلا خوانده شود توسط مؤلف تنظیم شده است

من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا یشه کربلا یم
 من گدا یم گدا یم حسینم - عاشق کربلا یم حسینم
 من که مدحت سرای حسینم - از برای حسین در نوایم
 نورصدق و صفا دارد ایندل - مهرآل عبا دارد این دل
 عشق کربلا دارد ایندل - از ازل عاشق کربلا یم
 از جوانی به پیری رسیدم - شکر حق کربلا شد نصیبم
 آمدم کربلا یم حبیبم - از ازل بوده این مدعایم
 بوده از کودکی آرزویم - عقده کربلا در گلو یم

یا د ا و د ا ثماً گفتگویم - کربلا بوده ورد و ثنا یم
 بوده است آرزو این چنینم - تا که کربلا را بینم
 در حریم حسینی نشینم - از جگر آه و ناله سرا یم
 شکر حق حاجت من برآمد - روز وصل تو آخر سر آمد
 پیک حق مرا از در آمد - با گذر نامه کربلا یم
 یا حسین من غلام تو هستم - از ازل دل به مهر تو بستم
 حالیا بین تهی مانده دستم - مستمند و فتاده ز پا یم
 با قری پورم و این شعارم - من غلام تو ای شهریارم
 بر سر خوان تو ریزه خوارم - استخوانی عطا کن برایم
شعر از مؤلف باقری پور چاووشی رفتن به کربلا

هر که دلش پر می ز نه برای شهر کربلا - با سفر ببند و بیا د به همراه ماها
 هر که دلش محبت حسین و عباس و داره - بیا د بریم به کربلا د را این سفر پا بزاره
 هر که میخواد ببینه آن حریم و بین ا لحر مین - هر که میخواد ببینه آن حریم عباس و حسین
 هر که میخواد ببینه آن محل قتلگاه - هر که میخواد ببینه آن حریم مهر و ماه را
 هر که میخواد ببینه خیمه گاه و تل زینبی - هر که میخواد بخوابه در کربلا یک دو شبی
 هر که میخواد ببینه آن ضریح شش گوش حسین - هر که میخواد ببینه آن مجمع شمشیر و سنین
 هر که میخواد ببینه آن محل نهر علقمه - آنجا که دست عباس و قلم نمود آن ظلمه
 هر که میخواد ببینه آن مزار پاک شهدا - تو حرم امام حسین آن قسمت پا ین پا
 هر که میخواد ببینه گهواره اصغر حسین - هر که میخواد ببینه آن خیمه اکبر حسین
 هر که میخواد ببینه آنجا که کفّ العبا سه - دستای باب الحوائج که بر سر کل الناسه
 هر که میخواد ببینه حال و هوای کربلا - هر که میخواد دیدن کنه از جای جای کربلا
 هر که میخواد زیارت امام حسین و بخونه - هر که میخواد از کربلا یک چیزهائی بدونه
 با سفر ببند و با ما بیا د به کربلا - که ما میریم با باقری پورسوی شهر کربلا
 عازمیم ای دوستان! ما به سوی کربوبلا - تا ببوسیم مرقد آن شهسوار سر جدا
 هر که باشد عاشق قبر علی اکبرش - گو بیا با ما تو ای زوار اوای باوفا
 تا ببوسی قبر عباس، آن علمدار حسین - تا ببینی مُعجز سقّای دشت نینوا
 گر تو را بر سر هوای اصغر بی شیر اوست - جهد کن بشتاب با ما از ره صدق و صفا
 ناله اطفال شاه کربلا آید به گوش - آن یکی گوید اخی و آن دیگر گوید اخی
 عازمیم ای دوستان ما به سوی کربوبلا - تا ببوسیم مرقد آن شهسوار سر جدا

سامرّا یا سرّ من رای

شهرسا مرّا که مخفّف سرّ من رای است در ۱۲۴ کیلومتری شمال بغداد در شرق رودخانه دجله قرار دارد و در استان صلاح الدین بین راه بغداد موصل و بین بغداد تکریت واقع شده است . عبور رود دجله از کنار شهر سامرّا آب و هوای این شهر را تحت تاثیر قرار داده است و از بغداد بهتر است بنای شهرسا مرّا متعلق به دوران خلافت عباسیان می باشد در آن زمان کوفه مرکز تشیع و بغداد مرکز خلافت و سامرّا بعنوان شهر نظامی و محل سکناى ترکهای تازه مسلمان شده به شمار می رفت اطراف سامرّا بیابان است و بیشتر خانه سازی و درختان کربات در جانب مغرب می باشد و در جانب مشرق دجله است .

در سال ۲۱۸ که معتصم بعد از مامون به خلافت رسید به نزدیکانش گفت من از این سپاهیان می ترسم اگر یکبار به شورند تمام غلامان مرا خواهند کشت من میل دارم در محلی باشم که مشرف بر آنها باشم و اگر امری واقع شد از راه خشکی و آب بتوانم به آنها برسم و مسلط شوم و سپس بدنبال مکان مناسبی برای استقرار سپاهیان ترک خود برآمد اطراف بغداد را بررسی کرد تا اینکه بر سامرّا گذر کرد و از یکی از راهبان دیری که آنجا بود اسم آنجا را پرسید راهب گفت در کتابهای قدیمی خود این چنین یافته ام که این موضع سرّ من رای نامیده می شود و آن جزء شهر حسام بن نوح بوده و بعد از زمانهای طولانی بدست پادشاه بزرگوار پیروز و یاری شده ای آباد خواهد شد معتصم بعد از اینکه محل سامرّا را پسندید آن منطقه را به چهارهزار دینار طلا از مسیحیان خرید و در سال ۲۹۸ دستور داد مهندسين و معماران نقشه ای تهیه نمایند پنجاه هزار کارگر به کار افتادند و در ظرف سه سال شهر بسیار بزرگی بنا نمودند و برای هر صنفی یک خیابان ساخته شده درختکاریهای مختلفی انجام داد بالاخره شهری سرسبز و خرم که موجب اعجاب هربیننده ای گردیده بنا شد . این شکوه و عظمت تا دوران معتمد عباسی (حکومت ۲۵۶ - ۲۷۹ق) ادامه داشت تا اینکه وی پایتخت را به بغداد بازگرداند. [مأثر الکبراء فی تاریخ سامرا، ج ۱، ص ۳۱ به بعد. موسوعة العتبات ج ۱۲، ص ۸۰ به بعد]

اسامی شهر

سامرّا، سرّ من رای ، سرور من رای ، ساء من رای ، سام راه ، عسکریا معسکر، النّاحیه وزوراء . قبل از ورود به شهر سامرّا از روی یک سدّ خاکی که رود دجله را مسدود کرده عبور می کنیم و جاده ای که به سامراء منتهی می شود روی این سد ساخته شده و مناره حلزونی شکل مسجد بزرگ سامرّا و ملویّه که در آن زمان بعنوان برج مراقبت استفاده می شده از جمله آثار باستانی سامرّا است

که متعلق به قرن نهم هجری است و اکنون در کنار شهر سامرای کنونی قرار دارد و زائران از کنار این مناره و روی رود دجله عبور کرده وارد شهر می شوند.

قضیه انحصار تنباکو و موضع گیری فقیه و مرجع عصر محمد حسن شیرازی درمقابل آن درسامرا واقع شده است . پس از سفرنا صرالدین شاه به لندن در سال ۱۳۰۶ حکومت ایران قرارداد انحصارتنباکوبا انگلستان منعقد کرد دولت با این قرارداد موافق بود ولی ملت به رهبری روحانیت با آن مخالفت ورزید واین فتوی را میرزای شیرازی صادر کرد : بسم الله الرحمن الرحيم اليوم استعمال توتون و تنباکو در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است . نوشت این فتوی را محمد حسن حسینی پنجم ربیع الثانی سال ۱۳۰۹ هـ ق .

اماکنی که در شهر سامرا است

مرقد مطهر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام که در محله عسکر واقع شده که امام هادی علیه السلام آن را خریده بود و در زمان زندگی آنجا اقامت داشت و پس از شهادت در وسط خانه دفن شد و امام حسن عسکری علیه السلام نیز بعدها در کنار وی دفن شد سپس نرجس مادر امام زمان (عج) و حکیمه بنت الجواد و عم امام حسن عسکری و حسین بن علی الها دی و ابوها شمع جعفری و جعفر پسرش نیز در آنجا دفن شدند و سمانه مادر امام هادی علیه السلام نیز آنجا دفن شده است.

سرداب غیبت در قسمت غربی صحن از طرف شمال واقع شده است و قسمتی از خانه امام هادی (ع) است .

ابراهیم بن مالک اشتدرمسیر بزرگراه سامرا به بغداد سمت چپ.

امام زاده سید محمد چهل و پنج کیلومتری شهر واقع شده است که در حوالی دجیل و نزدیک شهر بلد است.

مسجد جامع کبیر سامرا که بدستور متوکل عباسی ساخته شده است و امروزه فقط دیوار آن باقی است و این دیوار ده متر ارتفاع و بیش از دویست متر ضخامت دارد و اطراف آن چهل برج بصورت نیمه استوانه برپنده دیوار تعبیه شده است.

مسجد ابودلف که ساختمان آن شبیه مسجد متوکل است.

برج ملوئه که پله های آن برخلاف سایر ماذنه ها در بیرون برج میباشد و بصورت حلزونی پنج بار دور برج میچرخد تا در وسط ضلع جنوبی برفراز مناره ای که ۵۲ متر ارتفاع دارد میرسد.

خرابه های چندین کاخ از خلفای ستمگر عباسی.

حضرت امام علی النقی علیه السلام در سامرا

امام دهم علی النقی الهادی ابوالحسن الثالث علیه السلام در نیمه ذی حجه ۲۱۲ یا دوّم و یا پنجم رجب در حوالی مدینه در موضعی بنام صریا دیده به جهان گشود. والده ماجده اش سَمّانه مغربیّه است و معروف است به سیّده و آن مخدّره همیشه روزه سنتی داشت و در زهد و تقوی مثل و مانند نداشت.

نشوو نمای امام علی النقی علیه السلام در مدینه بود تا به سن هشت سالگی رسید. هشت سال که از سن شریفش گذشت پدر بزرگوارش امام جواد علیه السلام شهید گشت و امامت در سن هشت سالگی به آن حضرت منتقل گردید و پیوسته در مدینه بود تا ایّام جعفر متوکل که آن حضرت را بر سرّمن رای طلّید و سبّش آن شد که بریحه عبّاسی امام جماعت حرمین نامه ای به متوکل نوشت که اگر ترا به مکه و مدینه حاجتی هست علی بن محمّد را ازین دیار بیرون بر که اکثر این ناحیه را مطیع و منقاد خود گردانیده و جماعتی دیگر نیز به این مضمون کاغذ به متوکل نوشتند و عبدالله بن محمّد والی مدینه اذیت و اهانت بسیار بآن امام بزرگوار می رسانید تا آنکه نامه ها به متوکل نوشت در باب آن جناب که سبب خشم و غضب متوکل گردید و چون حضرت مّطلع شد که والی مدینه به متوکل نامه ای چند نوشته که موجب اذیت و آزار و نسبت بآنجناب خواهد گردید نامه ای به متوکل نوشت و در آن نامه درج کرد که والی مدینه آزار و اذیت به من می رساند و آنچه در حق من نوشته محض کذب و افتراء است متوکل برای مصلحت نامه مشفقانه بحضرت نوشت و در آن نامه امام زمان را تعظیم و اکرام کرد و نوشت چون مّطلع شدیم که عبدالله بن محمّد نسبت به شما سلوک ناموافقی کرده منصب او را تغییر دادیم و محمّد بن فضل را بجای او نصب کردیم و او را مامور به اعزاز و اکرام و تجلیل شما نموده ایم و نیز بآنحضرت نوشت که خلیفه مشتاق ملاقات و افرالبرکات شما گردیده و خواهان آنست که اگر بر شما دشوار نباشد متوجّه این صوب گردیده و با هر که خواهید از اهلیت و خویشان و حشم و خدمتکاران خود با نهایت سکون و اطمینان خاطر برفاقت هر که اراده داشته باشید و هروقت که خواهید بار کنید و هر گاه که اراده نمائید نزول کنید و یحیی بن هرثمه را بخدمت شما فرستاده که اگر خواهید در این راه در خدمت شما باشد و در هر باب اطاعت امر شما نماید و در این باب سفارش بسیار باو فرموده ایم و بدانید که هیچیک از اهل بیت و خویشان و فرزندان و مخصوصان خلیفه نزد او از شما گرامی تر نیستند و نهایت لطف و شفقت و مهربانی نسبت به شما دارد و نوشت آن نامه را ابراهیم بن عبّاس در ماه جمادی الآخره سنه ۲۴۳ یحیی بن هرثمه گفت فرستاد مرا متوکل بسوی مدینه برای حرکت دادن حضرت امام علی النقی علیه السلام از مدینه و بردن به سامره پس چون بمدینه وارد شدم اهل مدینه بانگ و فریاد برداشتند چندان که مانند آن نشنیده بودم پس

ایشان را ساکن کردم و قسم خوردم که من مامورنشدم که مکروهی بآنحضرت برسانم و تفتیش کردم منزل آنجناب را نیافتم در آن مگر قرآن و دعا و مانند آن پس آنحضرت را از مدینه حرکت دادم و خودم قائم بخدمات او بودم و با آنحضرت خوشرفتاری می نمودم پس در آن ایام که در راه بودیم روزی دیدم آن حضرت را که سوار شده و لیکن جامه بارانی پوشیده و دم اسب خود را گره زده من تعجب کردم از این کار او زیرا که آسمان صاف و بی ابر بود و آفتاب طلوع کرده بود پس نگذشت مگر زمان کمی که ابری در آسمان ظاهر شد و باران بارید مانند دهان مشک و رسید بما از باران امر عظیمی پس آنحضرت رو کرد به من و فرمود می دانم که منکر شدی و تعجب کردی آنچه را دیدی از من و گمان کردی که من می دانستم از اربابان آنچه را که تو نمی دانستی چنین نیست که تو گمان کرده ای لکن من زیست کرده ام در بادیه و می شناسم بادی را که در عقب باران دارد چون صبح کردم بادی که وزید بوی باران از آن شنیدم لاجرم تهیه آنرا دیدم. یحیی گفت چون به بغداد وارد شدیم ابتدا کردم باسحق بن ابراهیم طاطری و رفتم بدیدن او و او والی بغداد بود چون او مرا دید گفت ای یحیی این مرد پسر پیغمبر است و متوکل را تومی شناسی و میدانی عداوتش را با این خانواده پس اگر چیزی بگوئی باو که وادار کند او را برکشتن آن حضرت پیغمبر خصم تو خواهد بود گفتم بخدا قسم من مطلع نشدم بر چیزی که او مخالف میل متوکل باشد بلکه هر چه دیدم تماشا می جمیل و شکیر بود پس رفتیم به سامره و ابتدا بدیدن وصیف ترکی رفتیم و من از اصحاب و نوکران او بودم چون مرا دید گفت ای یحیی بخدا قسم که اگر موئی از سر این مرد کم شود مطالب آن غیر من نخواهد بود پس من تعجب کردم از کلام اسحق طاطری و وصیف ترکی و سفارش در باب آنحضرت پس بنزد متوکل رفتم و آنچه از آنحضرت دیده بودم و آنچه از ثناء بر آنحضرت شنیده بودم برای متوکل نقل کردم متوکل جایزه بآنحضرت داد و ظاهر کرد نیکی و احسان خود را بآنحضرت و مکرّم داشت او را .

از صالح بن سعید روایت کرده اند که گفت روزی داخل سرّمن رای شدم و بخدمت آنجناب رفتم و گفتم این ستمکاران در همه امور سعی کردند در اطفاء نور تو و پنهان کردن ذکر تو تا آنکه تو را در چنین جائی فرود آوردند که محل نزول گدایان و غریبان بی نام و نشان است حضرت فرمود که ای پسر سعید هنوز تو در معرفت قدر و منزلت ما در این پایه ای و گمان می کنی که اینها با رفعت شان ما منافات دارد و نمی دانی کسی را که خدا بلند کرد باینها پست نمی شود پس بدست مبارک خود اشاره کرد بجانبی چون بآنجناب نظر کردم بستانها دیدم بانواع ریاحین آراسته و باغها دیدم که با انواع میوه ها پیراسته و نهرها دیدم که در صحن آن باغها جاری بود و قصرها و حوران و غلمان در آنها مشاهده کردم که هرگز نظیر آنها را خیال نکرده بودم از مشاهده این احوال دیده ام حیران و عقلم

پیشان شد پس حضرت فرمود ما هرجا که باشیم اینجا از برای ما مهیا است و در کاروان سرای گدایان نیستیم .

در باب حضرت امام علیّ النقی علیه السلام نزد متوکل سعایت کردند و گفتند در منزل آنجناب اسلحه بسیار و کاغذهای زیادی است که شیعیان اوازاهل قم برای او فرستاده اند و آنجناب عزم دارد که بر تو خروج کند متوکل جماعتی از ترکان را به خانه آنحضرت فرستاد ایشان در شب برخانه آنحضرت هجوم آوردند و بخانه ریختند و هر چه تفتیش کردند چیزی نیافتند و دیدند آنحضرت در حجره ایست و در را بر روی خود بسته و جامه ای از پشم پوشیده و بروی زمین که رمل و ریگ ریزه بود نشسته و توجهش بسوی حقتعالی است و مشغول خواندن آیات قرآن است پس آنجناب را با آنحال مآخوذ داشتند و بنزد متوکل حمل کردند و گفتند در خانه او ریختیم و چیزی نیافتیم و دیدیم آنجناب را نشسته بود رو بقبله و قرآن تلاوت می کرد و متوکل در آنحال در مجلس شرب بود پس آن امام معصوم را در آن مجلس شوم وارد کردند و متوکل جام شراب در دستش بود از برای آنجناب تعظیم کرد و آن حضرت را در پهلوی خود نشانید و جام شراب را به آن حضرت تعارف کرد آن حضرت فرمود واللّه شرا ب داخل گوشت و خون من نشده هرگز مرا معفودار پس او را معفو داشت آنگاه گفت برای من شعر بخوان حضرت فرمودن من چندان شعر بلد نیستم گفت از این چاره نیست پس حضرت انشاء فرمود این شعر را :

بَاتُوا عَلَى قُلُلِ الْأَجْبَالِ تَحْرُسُهُمْ - غُلِبَ الرِّجَالُ فَمَا أَغْنَتْهُمْ الْقُلُلُ
وَاسْتَنْزَلُوا بَعْدَ عَزٍّ مِنْ مَعَاذِلِهِمْ - وَأَوْدَعُوا [وَأَسَكْنُوا] حُفْرًا يَا بَنِي مَا نَزَلُوا
نَادَاهُمْ صَارِخٌ مِنْ بَعْدِ مَا قُبِرُوا [دَفِنَهُمْ] - أَيْنَ الْأَسْبَرَةُ [الْأَسَاوِرُ] وَالتَّيْجَانُ وَالْحُلُلُ
أَيْنَ الْوُجُوهَ الَّتِي كَانَتْ مُنْعَمَةً - مِنْ دُونِهَا تُضْرَبُ الْأَسْتَارُ وَالْكُلُلُ
فَأَفْصَحَ الْقَبْرِ عَنْهُمْ حِينَ سَاءَ لَهُمْ - تِلْكَ الْوُجُوهَ عَلَيْهَا الدَّوْدُ يَقْتَتِلُ [تَنْتَقِلُ]
قَدْ طَالَمَا أَكَلُوا دَهْرًا وَمَا شَرِبُوا - فَأَصْبَحُوا بَعْدَ طُولِ الْأَكْلِ قَدْ أَكَلُوا
وَطَالَمَا عَمَرُوا دُورًا لَتُحْصِيَهُمْ - فَفَارَقُوا الدُّورَ وَالْأَهْلِينَ وَارْتَحَلُوا
وَطَالَمَا كَنَزُوا الْأَمْوَالَ وَادَّخَرُوا - فَخَلَفُوهَا عَلَى الْأَعْدَاءِ وَانْتَقَلُوا
أَضَحَّتْ مَنَازِلُهُمْ قَفْرًا مُعْطَلَةً - وَسَاكَنُوهَا إِلَى الْأَجْدَاثِ قَدْ رَحَلُوا
سَلَ الْخَلِيفَةِ إِذْ وَافَتْ مَبِيتَتَهُ - أَيْنَ الْحُمَاةُ وَأَيْنَ الْخَيْلُ وَالْخَوَلُ
أَيْنَ الرُّمَاهُ أَمَا تُحْمِي بِأَسْهُمِهِمْ - لَمَّا أَتَتْكَ سِهَامُ الْمَوْتِ تَنْتَقِلُ
أَيْنَ الْكُمَاةُ أَمَا حَامُوا أَمَا اغْتَضَبُوا - أَيْنَ الْجَبُوشُ الَّتِي تُحْمِي بِهَا الدُّوُلُ
هَبِيهَاتِ مَا نَفَعُوا شَيْئًا وَمَا دَفَعُوا - عَنْكَ الْمَنِيَّةُ إِنْ وَافَى بِهَا الْأَجَلُ
فَكَيْفَ يَرْجُو دَوَامَ الْعَيْشِ مُتَّصِلًا - مِنْ زَوْجِهِ بِجِبَالِ الْمَوْتِ تَنْتَقِلُ

بر قلّه های کوههایی که از آنها مردان قوی هیکل پاسداری می کردند شب را به روز می آوردند، ولی آن قلّه ها از آنان مواظبت نکردند. پس از دوره ای از عزّت از جایگاههای امنشان به پایین کشیده شدند و در گودال ها جایشان دادند و چه بد منزلگاهی بود! پس از اینکه به خاک سپرده شدند فریادگری فریاد بر آورد: کجاست آن دستبند ها و تاج ها و لباس های فاخر؟ کجاست آن چهره های به ناز و نعمت پرورده که به احترامشان خرگاه و بارگاه آراسته می شد؟ گور به جای آنان پاسخ داد: آن چهره ها هم اکنون جولانگاه کرمهاست (احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۵۴؛ المختصر فی الاخبار البشر، ج ۲، ص ۴۴).

متوکل از شنیدن این اشعار گریست باندازه ای که اشک چشمش ریشش را تر کرد. صقر بن ابی دلف گفت روزی نزد زرا قی زندانبان متوکل رفتم برای زیارت حضرت امام علیّ النقی علیه السّلام و او پرسید برای چه کار آمده ای گفتم برای دیدن تو گفت نه بلکه برای زیارت مولایت حضرت هادی آمده ای و منهم به آن حضرت اعتقاد دارم و مرا روانه زندان کرد دیدم آن بزرگوار بر روی حصیری نشسته و در برابرش قبری کنده اند سلام کردم حضرت پاسخ داد و فرمود بنشین من گریه کردم برای منظره قبر حضرت فرمود آگاه باش آنان بمن آسیبی نمی رسانند گفتم الحمد لله و عرض کردم حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که معنی آنرا نمی فهمم فرمود چیست آن حدیث؟ عرض کردم لاتعادوا لایام فتعادیکم. دشمنی نکنید با روزها که آنها با شما دشمنی خواهند کرد. فرمود مراد از ایام و روزها ماها هستیم. تا مادامی که بپا است آسمان و زمین شنبه متعلق به رسول خدا صلی الله علیه و آله یکشنبه امیرالمؤمنین علیه السّلام دوشنبه حسن و حسین علیهما السّلام سه شنبه علیّ بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد علیهم السّلام چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی علیهم السّلام پنجشنبه فرزندانم حسن علیه السّلام (و خود آنحضرت) جمعه فرزند فرزندانم و بسوی او جمع می شوند اهل حق و اینست معنی ایام پس دشمنی مکنید با ایشان در دنیا که دشمنی کنند با شما در آخرت و فرمود بیرون رو که ایمن نیستم بر تو و می ترسم اذیتی برسانند بر تو .

امام هادی علیه السّلام قریب یازده سال یا نوزده سال یا بیست سال را در سرّ من رای توطن فرمود در خانه ای که اکنون مدفن شریف آنحضرت است و در سال ۲۵۴ هـ به شهادت رسید . معتمد عبّاسی برادر معتز آنحضرت را مسموم کرد و در وقت شهادت آن امام غریب غیر از فرزندش امام حسن عسکری علیه السّلام کسی نزد بالین آنجناب نبود و امام حسن عسکری علیه السّلام در جنازه پدر شهید خود گریبان چاک زد و خود متوجّه غسل و کفن و دفن والد بزرگوار خود شد و آنجناب را در حجره ای که محل عبادتش بود دفن کرد.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء

امام یازدهم حسن العسکری علیه السلام ابومحمد وابن الرضا در روز هشتم ماه ربیع الثانی یا دهم یا چهارم یا دهم آن ماه در سنه ۲۳۲ در مدینه طیبه دیده به جهان گشود.

مادر آن بزرگوار حدیث یا سلیل بوده و او را جدّه می گفتند و در نهایت صلاح و ورع و تقوی بوده نشوونمای امام حسن عسکری علیه السلام در مدینه بود تا به سن چهار سال و چند ماه که با پدرش به طرف سامراء حرکت کرد و بقیه ایام عمرش را در سامراء بود.

امام علیّ النقی علیه السلام پنهان می کرد خود را از بسیاری از شیعیان خود مگر از عدّه قلیلی از خواصّ خود و چون امر منتهی شد بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام از پشت پرده با خواص و غیر خواص تکلم می فرمود مگر در آن اوقات که سوار می شد برای رفتن به خانه سلطان و این عمل از آنجناب و پدر بزرگوار پیش از او مقدمه بود برای غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام که شیعیان باین مالوف شوند و از غیبت وحشت نکنند و عادت جاری شود در احتجاج و اختفاء زمانی که معتمد حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را حبس کرد در دست علیّ بن حزین و حبس کرد جعفر برادرش را با او پیوسته معتمد خبر آن حضرت را از علیّ بن حزین می پرسید اومی گفت روزها روزه می گیرد و شبها مشغول نماز است تا آنکه روزی از حال آنجناب پرسید علی همان جواب را داد معتمد گفت همین ساعت برو بنزد او و او را از من سلام برسان و باو بگو برو بمنزلت بسلامت علیّ بن حزین گفت رفتم بسوی زندان دیدم بر در زندان حماری زین کرده مهیا است داخل زندان شدم دیدم آنحضرت را نشسته موزه و طیلسان و شاشه خود را پوشیده یعنی آنکه خود را مهیا فرموده بود برای بیرون شدن از زندان و رفتن به منزل پس چون مرا دید برخاست من ادا کردم رسالت خود را پس سوار شد بر حمارو ایستاد من گفتم به آنحضرت برای چه ایستادی ای سید من فرمود تا بیاید جعفر گفتم معتمد مرا امر کرده که شما را از حبس رها کنم بدون جعفر فرمود برگرد بنزد او و بگو ما هر دو با هم از یک خانه بیرون آمدیم پس من بر گردم و او با من نباشد خود شما می دانید که در این چه خواهد بود پس آن مرد رفت و برگشت گفت می گوید من جعفر را رها کردم برای تو و حبس کرده بودم او را بسبب خیانت و تقصیری که وارد کرده بود بر خود و بر تو و بسبب آن حرفهایی که از او سر زده پس جعفر با آن حضرت رفت بخانه اش .

امام حسن عسکری علیه السلام را سپردند به تحریر و تحریر تنگ می گرفت بر آنحضرت و اذیت می کرد آنجناب را زوجه اش باو گفت ای مرد بترس از خدا بدرستی که تو نمی دانی که کیست در منزل تو پس شروع کرد در بیان اوصاف حضرت عسکری علیه السلام از صلاح و عبادت و جلالت آنحضرت و گفت من می ترسم بر تواز این رفتار تو با آن حضرت تحریر گفت بخدا سوگند که من او را در بر که

السَّباع میان شیران و درندگان خواهم افکند پس اجازه طلبید از خلیفه در این امر او را اجازه داد پس آنحضرت را افکند بنزد شیران و شک نداشتند در آنکه شیران آنحضرت را خواهند خورد پس نظر کردند در آن محل که از حال آنجناب خبری گیرند دیدند آنجناب را ایستاده نمازی خواند و سباع در دور آنحضرت می باشند پس امر کرد که آنجناب را بیرون آورند و بخانه اش برند.

ابو الادیان گفته است که من خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را می نمودم و نامه های آنجناب را به شهرها می بردم پس روزی در بیماری که آنحضرت در آن مرض بعالم بقاء رحلت فرمودند مرا طلبیدند و نامه چند نوشتند بمدائن و فرمودند که بعد از پانزده روز باز داخل سامره خواهی شد و صدای شیون از خانه من خواهی شنید و مرا در آنوقت غسل دهند ابو الادیان گفت ای سید هر گاه این واقعه هائله روی دهد امرامامت با کیست فرمود هر که جواب نامه مرا از تو طلب کند او امام بعد من است گفتم دیگر علامتی بفرما فرمود هر که بر من نماز کند او جانشین من خواهد بود گفتم دیگر بفرما گفت هر که بگوید در همین چه چیز است او امام شما است ابو الادیان گفت مهابت حضرت مانع شد که پرسم کدام همیان پس بیرون آمدم و نامه ها را به اهل مدائن رسانیدم و جوابها گرفته برگشتم چنانچه فرموده بود روز پانزدهم داخل سامره شدم صدای نوحه و شیون از منزل منور آن امام مطهر بلند شده بود چون بدرخانه آمدم جعفر کذاب را دیدم که بدرخانه نشسته و شیعیان بر گرد او برآمده اند و او را تعزیت بوفات برادر و تهنیت بامامت خود می گویند پس من در خاطر خود گفتم که اگر این امام است امامت نوع دیگر شده این فاسق کی اهلیت امامت دارد زیرا که پیشتر او را می شناختم که شراب می خورد و قمار می باخت و طنبور می نواخت پس پیش رفتم و تعزیت و تهنیت گفتم و هیچ سؤال از من نکرد در اینحال عقید خادم بیرون آمد و به جعفر خطاب کرد که برادر تو را کفن کرده اند بیا و بر او نماز کن جعفر برخاست و شیعیان با او همراه شدند چون بصحن خانه رسیدیم دیدم که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را کفن کرده بر روی نعش گذاشته اند پس جعفر پیش ایستاد که بر برادر اطهر خود نماز کند چون خواست تکبیر گوید طفلی گندم گون پیچیده موی گشاده دندانانی مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و گفت ای عمو پس بایست که من سزاوارترم به نماز بر پدر خود از تو پس جعفر عقب ایستاد و رنگش متغیر شد آن طفل پیش ایستاد و بر پدر بزرگوار خود نماز کرد و آن جناب را در پهلوی امام علی النقی علیه السلام دفن کرد و متوجه من شد و گفت ای بصری بده جواب نامه را که با تو است پس تسلیم کردم و در خاطر خود گفتم که دو نشان از آن نشانها که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرموده بود ظاهر شد و یک علامت مانده بیرون آمدم پس حاجزوشا رو کرد به جعفر برای آنکه حجت بر او تمام کند که او امام نیست گفت کی بود آن طفل جعفر گفت که واللّه هرگز من او را ندیده بودم و نمی شناختم پس در اینحال جماعتی از اهل قم آمدند و سؤال کردند از احوال حضرت امام حسن عسکری علیه

السلام چون دانستند که او وفات یافته است پرسیدند که امامت با کیست مردم اشاره کردند بسوی جعفر پس نزدیک رفتند و تعزیت و تهنیت دادند و گفتند با ما نامه و مالی چند هست بگو که نامه ها از چه جماعت است و مالها چه مقدار است تا تسلیم کنیم جعفر برخاست و گفت مردم از ما علم غیب می خواهند در آن حال خادم بیرون آمد از جانب صاحب الامر علیه السلام و گفت با شما نامه شخص فلانی و فلان و فلان هست و همیانی هست که در آن هزار اشرفی هست و در آن میان ده اشرفی هست که طلا را روکش کرده اند آن جماعت نامه ها و مالها را تسلیم کردند و گفتند هر که ترا فرستاده است که این نامه ها و مالها را بگیری او امام زمان است و مقصود همیان هم روشن شد پس جعفر کذاب رفت نزد معتمد که خلیفه بنا حق آن زمان بود و این واقعه را نقل کرد معتمد خدمتکاران خود را فرستاد که صیقل کنیز حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را گرفتند که آن طفل را بما نشان ده او انکار کرد و از برای رفع مظنه ایشان گفت حملی دارم من از آنحضرت باین سبب او را بابن ابی الشوارب قاضی سپردند که چون فرزند متولد شد بکشند بناگاه عبیدالله بن یحیی و زیرمرد و صاحب الزنج در بصره خروج کرد ایشان بحال خود در ماندند و کنیز از خانه قاضی بخانه خود آمد.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ ق وقت نماز بامداد بسرای باقی رحلت کرد در همان شب نامه های بسیار بدست مبارک خود باهل مدینه نوشته بود و در آنوقت نزد آنحضرت حاضر نبود مگر جاریه آنجناب که او را صیقل می گفتند و غلام آنجناب که او را عقید مینامیدند و آن کسی که مردم براو مطلع نبودند یعنی حضرت صاحب الامر علیه السلام عقید گفت که در آنوقت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آبی طلبید که با مصطکی جوشانیده بودند خواست که بیاشامد چون حاضر کردیم فرمود اول آبی بیاورید که من نماز کنم چون آب آوردیم دستمالی دامن خود گسترده و وضو ساخت و نماز بامداد را ادا کرد و قدح آب مصطکی را گرفت که بیاشامد از غایت ضعف و شدت مرض دست مبارکش می لرزید و قدح بردنانهای شریفش می خورد چون آب را بیاشامید و صیقل قدح را گرفت روح مقدسش بعالم قدس پرواز نمود.

از احمد بن اسحق روایت است که روزی بخدمت امام حسن عسکری علیه السلام رفتم حضرت فرمود که چگونه خواهد بود حال شما و آنچه مردم باشند از شک و ریب در باب امام بعد از من گفتم یابن رسول الله چون خبر ولادت سید ما و صاحب ما در قم بما رسید صغیر و کبیر و مرد و زن و شیعیان قم همه اعتقاد بامامت آنجناب نمودند حضرت فرمود مگر نمی دانی که هرگز زمین خالی از امام نمی باشد که حجت خدا باشد بر خلق. پس در سال دویست و پنجاه و نه هجرت حضرت والده خود را بحج فرستاد و او را خبر داد بوفات خود در سال دیگر و فتنه هائی که بعد از وفات او واقع خواهد شد پس اسم اعظم الهی و مواریث پیغمبران و اسلحه و کتب حضرت رسالت را بحضرت صاحب الامر علیه السلام

تسلیم کرد و مادر آنجناب متوجه مگه شد و آنجناب در ماه ربیع الآخر سنه ۲۶۰ از دنیا رحلت نمود و در سرّمن رای در پهلوی پدر بزرگوار خود مدفون گردید و عمر شریف آنجناب ۲۹ سال بود.

احمد بن عیید الله بن خاقان نقل می کند آنجناب را در پهلوی پدر بزرگوار خود دفن کردند و بعد از آن خلیفه متوجه تفحص و تجسس فرزند حضرت شد زیرا شنیده بود که فرزند آنجناب بر عالم مستولی خواهد شد و اصل باطل را منقرض خواهد کرد چنانکه تفحص کردند چیزی از آنحضرت نیافتند و آن کنیز را که گمان حمل به او برده بودند تا دو سال تفحص احوال او می کردند و اثری ظاهر نشد پس موافق مذهب اهل سنت میراث آنحضرت را قسمت کردند میان مادر و جعفر کذاب که برادر آنجناب بود و مادرش دعوی کرد که من وصی اویم و نزد قاضی بثبوت رسانیده باز خلیفه در تفحص فرزند آنجناب بود و دست از تجسس بر نمی داشت پس جعفر کذاب نزد پدر من آمد و گفت می خواهم منصب برادرم را بمن تفویض نمائی من تقبل می نمایم که هر سال دویست هزار دینار طلا بدهم پدرم از استماع این سخن در خشم شد و گفت ای احمق منصب برادر تو منصبی نیست که بمال تقبل توان کرد و سالها است که خلفاء شمشیر کشیده اند و مردم را می کشند و زجر می نمایند که از اعتقاد با مامت پدر و برادر تو برگردند نتوانستند اگر تو نزد شیعیان مرتبه امامت داری همه بسوی تو خواهند آمد و تو را احتیاج به خلیفه و دیگری نیست و اگر نزد ایشان مرتبه ای نداری خلیفه و دیگری این مرتبه را برای تو تحصیل نمی توانند کرد و پدرم باین سخن خفت عقل و سفاهت و عدم دیانت او را دانست امر کرد دیگر او را به مجلس راه ندهند و بعد از آن به مجلس پدرم راه نیافت تا پدرم فوت شد و تا امروز خلیفه تفحص از فرزند آنجناب می کند و بر آثار او مطلع نمی شود و دست بر او نمی یابد.

رشیق نقل کرده است که معتضد خلیفه فرستاد مرا با دو نفر دیگر طلب نمود و امر کرد که هریک دو اسب با خود برداریم یکی را سوار شویم و یکی را بجنبت بکشیم یعنی یدک کنیم و سبکبار تعجیل برویم بسامره و خانه حضرت امام حسن عسگری علیه السلام را بما نشان داد و گفت بدر خانه می رسید که غلام سیاهی بر آن در نشسته است پس داخل خانه شوید و هر که در آن خانه بیاید سرش را برای من بیاورید چون بخانه حضرت رسیدیم در دهلیز خانه غلام سیاهی نشسته بود و بند زیر جامه در دست داشت و می بافت پرسیدیم که کی در این خانه هست گفت صاحبش و هیچگونه ملتفت نشد بجانب ما و از ما پروا نکرد چون داخل خانه شدیم خانه ای بسیار پاکیزه ای دیدیم و در مقابل پرده ای مشاهده کردیم که هرگز از آن بهتر ندیده بودیم که گویا الحال از دست کارگر در آمده است و در خانه هیچکس نبود چون پرده را برداشتم حجره بزرگی به نظر آمد که گویا دریای آبی در میان آن حجره ایستاده و در منتهای حجره حصیری بر روی آب گسترده است و بر بالای آن حصیر مردی ایستاده است نیکوترین مردم بحسب هیئت و مشغول نماز است و هیچگونه بجانب ما التفات ننمود احمد بن عبدالله

پا در حجره گذاشت که داخل شود در میان آب غرق شد واضطراب بسیار کرد تا من دست دراز کردم و او را بیرون آوردم و بیهوش شد بعد از ساعتی بیهوش آمد پس رفیق دیگر اراده کرد داخل شود و حال او بدین منوال گشت پس من متحیر ماندم و زبان بعدخواهی گشودم و گفتم معذرت می طلبم از خدا و از توای مقرب درگاه خدا واللّه ندانستم که نزدیکی می آیم و از حقیقت حال مطلع نبودم و اکنون توبه می نمایم بسوی خدا از این کردار پس به هیچ وجه متوجه گفتار من نشد و مشغول نماز بود ما را هیبتی عظیم در دل به هم رسید و برگشتیم و معتضد انتظار ما می کشید و بدربانان سفارش کرده بود که هر وقت برگردیم ما را بنزد او برند پس در میان شب رسیدیم و داخل شدیم و تمام قصه را نقل کردیم پرسید که پیش از من با دیگری ملاقات کردید و با کسی حرف گفتید گفتیم نه پس سوگندهای عظیم یاد کرد که اگر بشنوم که یک کلمه از این واقعه را بدیگری نقل کرده اید هر آینه همه را گردن می زنم و ما این حکایت را نقل نتوانستیم بکنیم مگر بعد از مردن او .

حدیث:

قَالَ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ : صَلَاةُ الْإِحْدَى وَ خَمْسِينَ ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ ، وَ التَّحَنُّنُ بِالْيَمِينِ ، وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ ، وَ الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . علامت های مؤمن پنج چیز است : خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (هفده رکعت فریضه و سی و چهار رکعت نافله) خواندن زیارت اربعین و انگشت در دست راست کردن و پیشانی را در سجده بر خاک گذاشتن و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را بلند گفتن . (بحار الأنوار ج ۸۵ ص ۷۵ روایة ۷ باب ۲۴)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ ، وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ . عبادت در زیاد انجام دادن نماز و روزه نیست ، بلکه عبادت با تفکر و اندیشه در قدرت بی منتهای خداوند در امور مختلف می باشد.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَصَلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ : الْأَيْمَانُ بِاللَّهِ ، وَ نَفْعُ الْخَوَانِ . دو خصلت و حالتی که بالاتر از آن دو چیز نمی باشد عبارتند از : ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به دوستان و آشنایان .

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ وَ الْأَذَاعَةَ وَ طَلَبَ الرِّئَاسَةِ ، فَإِنَّهُمَا يَدْعُوَانِ إِلَى الْهَلَكَةِ . مواظب باش از این که بخواهی شایعه و سخن پراکنی نمایی و یا این که بخواهی دنبال مقام و ریاست باشی و تشنه آن گردی ، چون هر دوی آن ها انسان را هلاک خواهد نمود

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ . نیکوئی شکل و قیافه ، یک نوع زیبائی و جمال در ظاهر انسان پدیدار است و نیکو بودن عقل و درایت ، یک نوع زیبائی و جمال درونی انسان می باشد.

زیارت امام هادی و عسکری (ع) در سامرا

روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که زید شحام عرض کرد به خدمتش که چه ثواب است از برای کسی که زیارت کند یکی از شما امامان را فرمود مثل آن است که زیارت کرده حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را و روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که: هر که زیارت کند امام مفترض الطاعة را و نماز گزارد نزد او چهار رکعت نوشته شود برای او حجه و عمره .

چون وارد شدی به سر من رای این شاء الله و خواستی زیارت کنی آن دو امام همام علیهما السلام را پس غسل کن و بعد از رعایت آداب دخول حرم‌های شریفه با تأنی و وقار روانه شو تا به در حرم مطهر و اذن دخول عمومی را که بعداً می‌آید بخوان پس داخل حرم شو

و سید بن طاوس در مصباح الزائر برای هر يك از این دو بزرگوار زیارت مبسوط با صلوات بر ایشان و دعای بعد از نماز زیارت نقل کرده که شایسته است نقل آن اگر چه موجب تطویل است زیرا که فواید بسیار در آن مندرج است فرمود هر گاه رسیدی به سر من رای غسل کن در وقت رسیدن غسل زیارت و بیوش پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و روانه شو با تأنی و وقار تا برسی به در حرم شریف آنگاه که رسیدی {اذن دخول بخوان} طلب رخصت کن و بگو :

أَدْخُلْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَدْخُلْ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ عَلِيٍّ
بْنِ الْحُسَيْنِ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَدْخُلْ يَا
مَوْلَايَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ عَلِيٍّ بْنَ مُوسَى أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَدْخُلْ
يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَدْخُلْ
يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الشَّرِيفِ .

پس داخل شو و در وقت داخل شدن پای راست را مقدم دار

زیارت مشترك هردو امام

زیارت کن آن دو بزرگوار را به این الفاظ که اصح زیارات است

السلام عليكم يا وليي الله السلام عليكم يا حجتی الله السلام عليكم يا نوري الله في
ظلمات الارض السلام عليكم يا من بدا لله في شأنكم اتيتكم زائرا عارفا بحقكم معاديا
لاعدائكم مواليا لأولياكم مؤمنا بما آمنتم به كافرا بما كفرتم به محققا لما حقتما مبطلا
لما أبطلتما أسأل الله ربّي و ربكم أن يجعل حظي من زيارتكم الصلاة على محمد و آله و
أن يرزقني مرافقتكم في الجنان مع آبائكم الصالحين و أسأله أن يعتق رقبتی من النار و

يَرْزُقْنِي شَفَاعَتَكُمْ وَ مُصَاحَبَتَكُمْ وَ يُعْرِفَ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ لَا يَسْلُبْنِي حُبَّكُمْ وَ حُبَّ آبَائِكُمْ
الصَّالِحِينَ وَ أَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ وَ يَحْشُرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اللَّهُمَّ
ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا وَ تَوْفَنِي عَلَى مِلَّتِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَن ظَالِمِي آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَ انْتَقِمْ مِنْهُمْ اللَّهُمَّ
الْعَن الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَ الْآخِرِينَ وَ ضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَ ابْلُغْ بِهِمْ وَ بِأَشْيَاعِهِمْ وَ مُجَبِّيهِمْ وَ
مُتَّبِعِيهِمْ أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ
وَلِيِّكَ وَ اجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ [فَرَجِهِ] يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و جهد می کنی در دعا کردن از برای خود و پدر و مادر خود و هر دعا که خواهی بکن و اگر توانی به
نزدیک قبر ایشان بروی دو رکعت نماز نزد قبر بکن و اگر نتوانی داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بکن
و هر دعا که خواهی بکن که مستجاب است و این مسجد پهلوی خانه ایشان است و حضرت امام علی
نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در آن نماز می کرده اند

زیارت حضرت امام هادی علیه السلام

بایست نزد ضریح حضرت علی الهادی علیه السلام

صد مرتبه الله أكبر بگو و بگو :

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الزَّكِيِّ الرَّاشِدِ النُّورِ الثَّاقِبِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا آلَ اللَّهِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَقَّ اللَّهِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْأَنْوَارِ الْسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْأَبْرَارِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَلِيلَ الْأَخْيَارِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غُنْصَرَ الْأَطْهَارِ الْسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الرَّحْمَنِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَكْنَ الْإِيمَانِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ الْسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ الْهُدَى الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَ التَّقَى الْسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِينُ الْوَفِيُّ
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الرِّضِيُّ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّاهِدُ التَّقِيُّ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحُجَّةُ
عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّالِي لِلْقُرْآنِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبَيِّنُ لِلْحَلَالِ مِنَ
الْحَرَامِ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّرِيقُ الْوَاضِعُ الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
النَّجْمُ اللَّائِحُ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ وَ
أَمِينُهُ فِي بِلَادِهِ وَ شَاهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ
الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ

الْمُبْرَأُ مِنَ الْعُيُوبِ وَالْمُخْتَصُّ بِكَرَامَةِ اللَّهِ وَالْمَحْبُوبُ بِحُجَّةِ اللَّهِ وَالْمَوْهُوبُ لَهُ كَلِمَةُ اللَّهِ وَالرُّكْنُ الَّذِي يُلْجَأُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ وَتُحْيَا بِهِ الْبِلَادُ وَأَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنِّي بِكَ وَبِأَبَائِكَ وَبِأَنْبَائِكَ مُوقِنٌ مُقَرَّرٌ وَلكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَشَرَائِعِ دِينِي وَخَاتِمَةُ عَمَلِي وَمُنْقَلِبِي وَمَشْوَايَ وَأَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَأَوْلَكُمْ وَآخِرِكُمْ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي [وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ] وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

پس بیوس ضریح را و بگذار روی راست را بر آن پس طرف چپ رو را بگذار و بگو :
 اللَّهُمَّ [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ] صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ الْوَفَّى وَوَلِيِّكَ الرَّكْبِيِّ وَأَمِينِكَ الْمُرْتَضَى وَصَفِيكَ الْهَادِي وَصِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَالْجَادَّةِ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةِ الْوُسْطَى نُورِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّ الْمُتَّقِينَ وَصَاحِبِ الْمُخْلِصِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلِيلِ وَالطَّاهِرِ مِنَ الْخَلَلِ وَالْمُنْقَطِعِ إِلَيْكَ بِالْأَمَلِ الْمَبْلُوءِ بِالْفِتَنِ وَالْمُخْتَبَرِ بِالْمَحَنِ وَالْمُمْتَحَنِ بِحُسْنِ الْبَلَاوَى وَصَبْرِ الشَّكَاوَى مُرْشِدِ عِبَادِكَ وَبَرَكَهٍ بِلَادِكَ وَمَحَلِّ رَحْمَتِكَ وَمُسْتَوْدِعِ حِكْمَتِكَ وَالْقَائِدِ إِلَى جَنَّتِكَ الْعَالِمِ فِي بَرِّيَّتِكَ وَالْهَادِي فِي خَلِيقَتِكَ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَارْتَجَبْتَهُ وَاخْتَرْتَهُ لِمَقَامِ رَسُولِكَ فِي أُمَّتِهِ وَالْأَرْمَتَهُ حِفْظَ شَرِيعَتِهِ فَاسْتَقَلَّ بِأَعْبَاءِ الْوَصِيَّةِ نَاهِضًا بِهَا وَمُضْطَلَعًا بِحَمْلِهَا لَمْ يَعْزُرْ فِي مُشْكِلٍ وَلَا هَفَا فِي مُعْضِلٍ بَلْ كَشَفَ الْغَمَّةَ وَسَدَّ الْفُرْجَةَ وَأَدَّى الْمُفْتَرَضَ اللَّهُمَّ فَكَمَا أَفْرَزْتَ نَازِرَ نَبِيِّكَ بِهِ فَرْقَهُ دَرَجَتَهُ وَأَجَزَلَ لَدَيْكَ مَثُوبَتَهُ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ پس نماز زیارت بگزار و چون سلام دادی بگو: یا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْمِنْنِ الْمُتَتَابِعَةِ وَالْآلَاءِ الْمُتَوَاتِرَةِ وَالْأَيَادِي الْجَلِيلَةِ وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِيلَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ وَاعْظِنِي سُؤْلِي وَاجْمَعْ شَمْلِي وَلَمْ شَعْنِي وَرَكَ عَمَلِي وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَلَا تُزِلْ قَدَمِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي وَلَا تُبَدِّعْ عَوْرَتِي وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي وَلَا تُوحِشْنِي وَلَا تُؤْيِسْنِي وَكُنْ بِي رَءُوفًا رَحِيمًا وَاهْدِنِي وَرَكْنِي وَطَهِّرْنِي وَصَفِّنِي وَاصْطَفِنِي وَخَلِّصْنِي وَاسْتَخْلِصْنِي وَاصْنَعْنِي وَاصْطَنِعْنِي وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ وَلَا تُبَاعِدْنِي مِنْكَ وَالْطُّفْ بِي وَلَا تَجْفُنِي وَأكْرِمْْنِي وَلَا تُهِنْنِي وَمَا أَسْأَلُكَ فَلَا تَحْرِمْنِي وَمَا لَا أَسْأَلُكَ فَاجْمَعْهُ لِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحُرْمَةِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَعلِيٍّ وَمحمدٍ وَجعفرٍ وَموسى وَعلِيٍّ وَمحمدٍ وَعلِيٍّ وَالحَسَنِ وَالخَلْفِ الْبَاقِي صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَتُعْجَلَ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ وَتَنْصُرَهُ وَتَنْتَصِرَ بِهِ لِدِينِكَ وَتَجْعَلَنِي فِي جُمْلَةِ النَّاجِينَ بِهِ وَالمُخْلِصِينَ فِي طَاعَتِهِ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ

لَمَّا اسْتَجَبْتَ لِي دَعْوَتِي وَ قَضَيْتَ حَاجَتِي وَ أَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي وَ كَفَيْتَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا نُورُ يَا بُرْهَانَ يَا مُبِينُ يَا رَبَّ اكْفِنِي شَرَّ الشُّرُورِ وَ آفَاتِ الدُّهُورِ وَ أَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ دَعَا كُنْ بِرَأْيِ هَرِ چِه خواهی و بسیار بگو: يَا عُدَّتِي عِنْدَ الْعَدَدِ وَ يَا رَجَائِي وَ الْمُعْتَمَدَ وَ يَا كَهْفِي وَ السَّنَدَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ وَ يَا قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدُ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا صَلِّ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا. وَ كَذَا وَ بجاى این کلمه حاجت بخواه .

همانا روایت شده از آن حضرت که فرموده من از خداوند عز و جل خواسته ام که نا امید برنگرداند کسی را که بخواند این دعا را در روضه من بعد از من

زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

شیخ به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده که فرمود: قبر من در سر من رای امان است از برای اهل دو جانب از بلاها و عذاب خدا {مجلسی اول اهل دو جانب را به شیعه و سنی معنی کرده و فرموده که برکت آن حضرت دوست و دشمن را احاطه فرموده است چنانکه قبر کاظمین سبب امان بغداد شد الخ} و سید بن طاووس فرموده: چون خواستی زیارت کنی حضرت عسکری علیه السلام را بجا آور جمیع آنچه را که در زیارت پدرش حضرت هادی علیه السلام بجا می آوردی پس بایست نزد ضریح آن حضرت و بگو :

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْهَادِيَ الْمُهْتَدِيَّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ أَوْلِيَائِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَجِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ أَصْفِيَائِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ ابْنَ خُلَفَائِهِ وَ أَبَا خَلِيفَتِهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَوْصِيَاءِ الرَّاشِدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
إِمَامَ الْفَائِزِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرَجَ الْمَلْهُوفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُنتَجِبِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمٍ وَ صِيَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الدَّاعِي بِحُكْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاطِقُ بِكِتَابِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْحُجَجِ
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا هَادِيَ الْأُمَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ النِّعَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاةَ الْعِلْمِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْجَلَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْإِمَامِ الْمُتَنْتَظِرِ الظَّاهِرَةَ لِلْعَاقِلِ حُجَّتَهُ وَ الثَّابِتَةَ فِي
الْيَقِينِ مَعْرِفَتُهُ الْمُحْتَجَّبِ عَنْ أَعْيُنِ الظَّالِمِينَ وَ الْمُغَيَّبِ عَنْ دَوْلَةِ الْفَاسِقِينَ وَ الْمُعِيدِ رَبَّنَا بِهِ
الْإِسْلَامُ جَدِيدًا بَعْدَ الْانْطِمَاسِ وَ الْقُرْآنَ غَضًا بَعْدَ الْانْدِرَاسِ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ

وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ
الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ
أَنْ يَتَقَبَّلَ زِيَارَتِي لَكُمْ وَ يَشْكُرَ سَعْيِي إِلَيْكُمْ وَ يَسْتَجِيبَ دُعَائِي بِكُمْ وَ يَجْعَلَنِي مِنْ أَنْصَارِ
الْحَقِّ وَ أَتْبَاعِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ مُحِبِّيهِ وَ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

پس بیوس ضریحش را و بگذار طرف راست صورت خود را بر آن پس طرف چپ را گذار و بگو :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي إِلَى دِينِكَ وَ
الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ عَلِمَ الْهُدَى وَ مَنَارِ التَّقَى وَ مَعْدِنِ الْحَجَى وَ مَأْوَى النَّهْيِ وَ عَيْثُ الْوَرَى وَ
سَحَابِ الْحُكْمَةِ وَ بَحْرِ الْمَوْعِظَةِ وَ وَارِثِ الْأُئِمَّةِ وَ الشَّهِيدِ عَلَى الْأُمَّةِ الْمَعْصُومِ الْمُهَذَّبِ وَ
الْفَاضِلِ الْمُقَرَّبِ وَ الْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّجْسِ الَّذِي وَرَّثَهُ عَلِمَ الْكِتَابِ وَ اَلْهَمَّتُهُ فَضْلَ الْخِطَابِ وَ
نَصَبَتْهُ عِلْمًا لِأَهْلِ قِبْلَتِكَ وَ قَرَنْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ وَ فَرَضْتَ مَوَدَّتَهُ عَلَى جَمِيعِ خَلِيقَتِكَ
اَللّٰهُمَّ فَكَمَا أَنَابَ بِحُسْنِ الْإِخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ وَ أَرَادَى مِنْ خَاصٍّ فِي تَشْبِيهِكَ وَ حَامَى عَنْ
أَهْلِ الْإِيمَانِ بِكَ فَضْلًا يَا رَبِّ عَلَيْهِ صَلَاةٌ يَلْحَقُ بِهَا مَحَلُّ الْخَاشِعِينَ وَ يَعْلُو فِي الْجَنَّةِ بِدَرَجَةِ
جَدِّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ بَلَّغُهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا وَ آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالَاتِهِ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا وَ
مَغْفِرَةً وَ رِضْوَانًا إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ وَ مَنْ جَسِيمٌ .

پس نماز زیارت بجا آور و چون فارغ شدی بگو :

يَا دَائِمُ يَا دِيمُومُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا كَاشِفَ الْكُرْبِ وَ اَلْهَمَّ يَا فَارِجَ الْغَمِّ وَ يَا بَاعِثَ الرُّسُلِ يَا
صَادِقَ الْوَعْدِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِحَبِيبِكَ وَ وَصِيِّهِ عَلِيِّ ابْنِ عَمِّهِ وَ صِهْرِهِ عَلَى
ابْنَتِهِ الَّذِي خَتَمْتَ بِهِمَا الشَّرَائِعَ وَ فَتَحْتَ التَّأْوِيلَ وَ الطَّلَاعَ فَصَلِّ عَلَيْهِمَا صَلَاةً يَشْهَدُ بِهَا
الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ وَ يَنْجُو بِهَا الْأَوْلِيَاءُ وَ الصَّالِحُونَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْوَلَدَةِ
الْأُئِمَّةِ الْمُهْدِيَيْنِ وَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ الْمَشْفَعَةِ فِي شِيعَةِ أَوْلَادِهَا الطَّيِّبِينَ فَصَلِّ عَلَيْهَا
صَلَاةً دَائِمَةً أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحَسَنِ الرِّضِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ وَ
الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الْمُرَضِيِّ الْبَرِّ التَّقِيِّ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْإِمَامِينَ الْخَيْرِينَ الطَّيِّبِينَ
التَّقِيَّينَ النَّقِيِّينَ الطَّاهِرِينَ الشَّهِيدِينَ الْمَظْلُومِينَ الْمُقْتُولِينَ فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَ
مَا غَرَبَتْ صَلَاةً مُتَوَالِيَةً مُتَتَالِيَةً وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الْمَحْجُوبِ
مِنْ خَوْفِ الظَّالِمِينَ وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ الطَّاهِرِ النُّورِ الزَّاهِرِ الْإِمَامِينَ السَّيِّدِينَ مِفْتَاحِي
الْبَرَكَاتِ وَ مُصْبِحِي الظُّلُمَاتِ فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا سَرَى لَيْلٌ وَ مَا أَضَاءَ نَهَارٌ صَلَاةً تَعْدُو وَ تَرُوحُ وَ
أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ وَ النَّاطِقِ فِي عِلْمِ اللَّهِ وَ بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ
الْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي نَفْسِهِ وَ الْوَصِيِّ النَّاصِحِ الْإِمَامِينَ الْهَادِيَيْنِ الْمُهْدِيَيْنِ الْوَافِيَيْنِ الْكَافِيَيْنِ
فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا سَبَّحَ لَكَ مَلَكٌ وَ تَحَرَّكَ لَكَ فَلَكٌ صَلَاةً تُنَمِّي وَ تَزِيدُ وَ لَا تَقْنِي وَ لَا تَبِيدُ وَ

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُتَزَيِّ الْإِمَامَيْنِ الْمُطَهَّرَيْنِ الْمُتَنَجِّبَيْنِ فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا أَضَاءَ صُبْحٌ وَدَامَ صَلَاةٌ تَرْقِيهِمَا إِلَى رِضْوَانِكَ فِي الْعَلِّيَّيْنِ مِنْ جَنَانِكَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي الْقَائِمَيْنِ بِأَمْرِ عِبَادِكَ الْمُخْتَبَرَيْنِ بِالْمَحَنِ الْهَائِلَةِ وَ الصَّابِرَيْنِ فِي الْإِحْنِ الْمَائِلَةِ فَصَلِّ عَلَيْهِمَا كِفَاءً أَجْرِ الصَّابِرِينَ وَ إِزَاءً ثَوَابِ الْفَائِزِينَ صَلَاةً تُمَهِّدُ لَهُمَا الرَّفْعَةَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا رَبِّ بِإِمَامِنَا وَ مُحَقِّقِ زَمَانِنَا الْيَوْمِ الْمُوعُودِ وَ الشَّاهِدِ الْمَشْهُودِ وَ النُّورِ الْأَزْهَرِ وَ الضِّيَاءِ الْأَنْوَرِ الْمُنْصُورِ بِالرُّغْبِ وَ الْمُظْفَرِ بِالسَّعَادَةِ فَصَلِّ عَلَيْهِ عَدَدَ الثَّمَرِ وَ أَوْرَاقِ الشَّجَرِ وَ أَجْزَاءِ الْمَدَرِ وَ عَدَدَ الشَّعْرِ وَ الْوَبْرِ وَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ أَحْصَاهُ كِتَابُكَ صَلَاةً يَغِيْطُ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ وَ أَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ احْفَظْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ احْرُسْنَا بِدَوْلَتِهِ وَ أَنْحِفْنَا بِوِلَايَتِهِ وَ انْصُرْنَا عَلَى أَعْدَائِنَا بِعِزَّتِهِ وَ اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنَ التَّوَّابِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَ إِنَّ إِبْلِيسَ الْمُتَمَرِّدَ اللَّعِينَ قَدْ اسْتَنْظَرَكَ لِإِعْوَاءِ خَلْقِكَ فَأَنْظِرْتَهُ وَ اسْتَمَهَلَكَ لِإِضْلالِ عِبِيدِكَ فَأَمَهَلْتَهُ بِسَاقِ عِلْمِكَ فِيهِ وَ قَدْ عَشَشَ وَ كَثُرَتْ جُنُودُهُ وَ اَزْدَحَمَتْ جُيُوشُهُ وَ انْتَشَرَتْ دُعَاؤُهُ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ فَأَصْلُوا عِبَادَكَ وَ أَفْسَدُوا دِينَكَ وَ حَرَفُوا الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ جَعَلُوا عِبَادَكَ شَيْعًا مُتَفَرِّقِينَ وَ أَحْزَابًا مُتَمَرِّدِينَ وَ قَدْ وَعَدْتَ نَقْصَ بُنْيَانِهِ وَ تَمْزِيقَ شَأْنِهِ فَأَهْلِكَ أَوْلَادَهُ وَ جُيُوشَهُ وَ طَهَّرْ بِلَادَكَ مِنْ اخْتِرَاعَاتِهِ وَ اخْتِلَافَاتِهِ وَ أَرْخِ عِبَادَكَ مِنْ مَذَاهِبِهِ وَ قِيَاسَاتِهِ وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ وَ ابْسُطْ عَذْلَكَ وَ أَظْهِرْ دِينَكَ وَ قَوِّ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْهِنْ أَعْدَاءَكَ وَ أَوْرَثْ دِيَارَ إِبْلِيسَ وَ دِيَارَ أَوْلِيَاءِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ خَلِّدْهُمْ فِي الْجَحِيمِ وَ أَذِقْهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ وَ اجْعَلْ لِعَائِنِكَ الْمُسْتَوْدَعَةَ فِي مَنَاحِسِ [مَنَاحِيسِ] الْخَلْقَةِ وَ مَشَاوِيهِ الْفِطْرَةِ دَائِرَةً عَلَيْهِمْ وَ مُوَكَّلَةً بِهِمْ وَ جَارِيَةً فِيهِمْ كُلَّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ وَ عُدُوٍّ وَ زَوَاجٍ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پس دعا کن به آنچه خواهی از برای خود و برادرانت

زیارت والده ماجده امام قائم عجل الله فرجه

آنگاه زیارت کن ملکه دنیا و آخرت والده امام قائم علیه السلام را

و قبر آن معظمه پشت ضریح مولای ما امام حسن عسکری علیه السلام است پس بگو :

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ الْحُجَّجِ الْمَيَامِينِ السَّلَامُ عَلَى الْوَلَدَةِ الْإِمَامِ وَ الْمُوَدَّعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ وَ الْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى وَ ابْنَةَ حَوَارِيٍّ عِيسَى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيُّ الْمَرْضِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي الْإِنْجِيلِ الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ وَمَنْ رَغِبَ فِي وَصَلَتِهَا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَلَدِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الظَّاهِرِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكَفَالَةَ وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ وَصَبَرْتِ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَحَفَظْتِ سِرَّ اللَّهِ وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ وَبَالَعْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ وَرَغَبْتِ فِي وَصْلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ مُؤَثَّرَةً هَوَاهُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيَةً بِالصَّالِحِينَ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً فَرَضِي اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكَ وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ فَهَنَّاكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَأَمْرَاكَ .

پس بالا می کنی سر خود را و می گویی :

اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ لِرِضَاكَ طَلَبْتُ وَ بِاَوْلِيَائِكَ اِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ وَ عَلٰى غُفْرَانِكَ وَ حِلْمِكَ اتَّكَلْتُ وَ بِكَ اعْتَصَمْتُ وَ بِقَبْرِ اُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْفَعْنِيْ بِزِيَارَتِهَا وَ ثَبِّتْنِيْ عَلٰى مَحَبَّتِهَا وَ لَا تَحْرِمْنِيْ شَفَاعَتِهَا وَ شَفَاعَةَ وَلَدِهَا وَ ارْزُقْنِيْ مُرَافَقَتِهَا وَ احْشُرْنِيْ مَعَهَا وَ مَعَ وَلَدِهَا كَمَا وَفَّقْتَنِيْ لِزِيَارَةِ وَلَدِهَا وَ زِيَارَتِهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوْجَّهْ اِلَيْكَ بِالْاَيْمَةِ الطَّاهِرِيْنَ وَ اَتُوَسَّلُ اِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمِيَامِيْنَ مِنْ آلِ طه وَ يسْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِيْنَ وَ اَنْ تُجْعَلَنِيْ مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِيْنَ الْفَرَحِيْنَ الْمُسْتَبْشِرِيْنَ الَّذِيْنَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ وَ اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْيَهُ وَ يَسَّرْتَ اَمْرَهُ وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ وَ اَمَنْتْ خَوْفَهُ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِيْ اِيَّاهَا وَ ارْزُقْنِيْ الْعُوْدَ اِلَيْهَا اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِيْ وَ اِذَا تَوَفَّيْتَنِيْ فَاحْشُرْنِيْ فِيْ زُمْرَتِهَا وَ اَدْخِلْنِيْ فِيْ شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَ شَفَاعَتِهَا وَ اغْفِرْ لِيْ وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِيْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام

آنگاه زیارت کن جناب حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام (خواهر امام هادی و عمه امام عسکری) را که قبر شریفش پایین پا چسبیده به ضریح عسکریین علیهما السلام است و در کتب مزار زیارت مخصوصی برای آن معظمه ذکر نشده با آن مرتبه رفیع که از برای او است پس سزاوار است او را زیارت کنند به الفاظی که در زیارت اولاد ائمه علیهم السلام نقل شده یا زیارت کنند او را به این

الفاظ که در زیارت عمه مکرمه اش حضرت فاطمه {معصومه} بنت موسی علیهما السلام وارد شده و آن چنان است که می ایستی رو به قبله و می گویی :

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَّبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَى اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيْمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوْحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمَ النَّبِيِّيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَ سَيِّدَتِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِيْنَ وَ قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصّٰدِقِ الْاَمِيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطّٰهَرِ الطّٰهَرِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُتَّقِي النَّصِيْحِ الْاَمِيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَ سِرَاجِكَ وَ وَلِيِّ وَلِيكَ وَ وَصِيِّ وَصِيكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ حَدِيْجَةَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللّٰهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَ حَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ وَ اَوْرَدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَ سَقَانَا بِكَاسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيٍّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اَسْأَلُ اللّٰهَ اَنْ يَرِيْنَا فِيكُمْ السُّرُوْرَ وَ الْفَرَجَ وَ اَنْ يَجْمَعَنَا وَ اِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ اِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيْرٍ اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ بِحُبِّكُمْ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ وَ التَّسْلِيْمِ اِلَى اللّٰهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ وَ عَلَى يَقِيْنٍ مَا اَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَ بِهِ رَاضٍ نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اَللّٰهُمَّ وَ رِضَاكَ وَ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ يَا حَكِيْمَةً اِشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ اَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا تَسْلُبْ مِنِّيْ مَا اَنَا فِيْهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَ تَقَبَّلْ بِكَرَمِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ بَرَحْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ وَ صَلِّ اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِيْنَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيْمًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

حدیث: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: مَنْ رَضِيَ عَنِ اللّٰهِ تَعَالٰی بِالْقَلِيْلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللّٰهُ مِنْهُ بِالْقَلِيْلِ مِنَ الْعَمَلِ؛ هر کس به رزق و روزی کم از خدا راضی باشد، خداوند از عمل کم او راضی خواهد بود. «بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۷»

زیارت امام زاده حسین علیه السلام

حسین پسر امام علی نقی و برادر امام عسکری علیهما السلام معروف است که در نزد قبر عسکریین علیهما السلام قبور جمله ای از سادات عظام است که از جمله آنها است حسین پسر امام علی النقی علیه السلام صاحب مفاتیح الجنان میگوید من بر حال حسین مطلع نشدم لکن آنچه به نظرم می‌رسد آن است که سیدی جلیل القدر و عظیم الشان بوده زیرا که من از بعضی روایات استفاده کردم که از مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و برادرش حسین بن علی تعبیر به سبطین می‌کردند و تشبیه می‌کردند این دو برادر را به دو جدشان دو سبط پیغمبر رحمت امام حسن و امام حسین علیهما السلام و در روایت ابو الطیب است که صدای حضرت حجت صلوات الله علیه شبیه بود به صدای حسین و در شجرة الاولیاء تالیف سید فقیه محدث حکیم السید احمد اردکانی یزدی در ذکر اولاد حضرت امام علی نقی علیه السلام است که حسین فرزند آن حضرت از زهاد و عباد بود و به امامت برادر خود اعتراف داشت می‌شود به این زیارت که از برای امام زادگان نقل شده زیارت کرد و گفت :

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا السَّيِّدُ الرَّكِيُّ الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَالدَّاعِي الْحَفِيُّ اَشْهَدُ اَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَنَطَقْتَ حَقًّا وَ صَدَقَّا وَدَعَوْتَ اِلَى مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ عَلَانِيَةً وَسِرًّا فَارْتَمَيْتُكَ وَ نَجَى مُصَدِّقَكَ وَ خَابَ وَ خَسِرَ مُكَدِّبُكَ وَ الْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ اِشْهَدُ لِي بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ لِأَكُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ بِمَعْرِفَتِكَ وَ طَاعَتِكَ وَ تَصَدِيقِكَ وَ اتِّبَاعِكَ وَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدِي وَ اِنَّ سَيِّدِي اَنْتَ يَا بَابَ اللهِ الْمُؤْتَى مِنْهُ وَ اَلْمَا خُودُ عَنْهُ اَتَيْتُكَ زَائِرًا وَ حَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعًا وَ هَا اَنَا ذَا اَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَ اَمَّا نَتِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ جَوَامِعَ اَمَلِي اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِي وَ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ . (و اضافه می‌کند) وَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُسَيْنَ بْنَ الْاِمَامِ عَلِيِّ النَّقِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

ایضا می‌شود به این زیارت که از برای اولاد ائمه علیهم السلام نقل شده زیارت کرد و گفت :

اَلسَّلَامُ عَلَیْ جَدِّكَ الْمُصْطَفَى اَلسَّلَامُ عَلَیْ اَبِيكَ الْمُرْتَضَى اَلرَّضَا اَلسَّلَامُ عَلَی السَّيِّدَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَی خَدِيجَةَ اُمِّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَی فَاطِمَةَ اُمِّ الْاَیْمَةِ الطَّاهِرِينَ اَلسَّلَامُ عَلَی النُّفُوسِ الْفَاخِرَةِ بِحُورِ الْعُلُومِ الرَّاخِرَةِ شَفَعَائِي فِي الْاٰخِرَةِ وَ اَوَّلِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ اِلَى الْعِظَامِ النَّاخِرَةِ اَئِمَّةِ الْخَلْقِ وَ وُلَاةِ الْخَلْقِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ الْكَرِيمُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ مُصْطَفَاهُ وَ اَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَ مُجْتَبَاهُ وَ اَنَّ الْاِمَامَةَ فِي وَلَدِهِ اِلَى يَوْمِ الدِّينِ نَعْلَمُ ذَالِكَ عَلَمَ الْيَقِينِ وَ نَحْنُ لِذَلِكَ مُعْتَقِدُونَ وَ فِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ .

و بالجمله چون خواستی وداع کنی عسکریین علیهما السلام را بایست نزد قبر مطهر و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهُ أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمَا السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمَا بِهِ وَ دَلَّيْتُمَا عَلَيهِ اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَاهُمَا وَ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِمَا وَ احْشُرْنِي مَعَهُمَا وَ مَعَ آبَائِهِمَا الطَّاهِرِينَ وَ الْقَائِمِ الْحُجَّةِ مِنْ دُرَرِيَّتِهِمَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (واضافه ميکنی) وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُسَيْنَ بْنَ الْإِمَامِ عَلِيِّ النَّقِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام .

زیارت ودعای امام زمان عج درسامرا

در آداب سرداب مطهر و کیفیت زیارت حجة الله على العباد و بقیة الله فی البلاد الامام المهدی حضرت حجة بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله علیه و علی آبائه در کتاب هدیه از کتاب تحية نقل کرده که این سرداب مطهر داخل در خانه آن بزرگواران بوده و راه دخول در آن سرداب در قدیم قبل از بناء جدید و ساختن صحن و قبة و حرم از پشت سر نزدیک به قبر نرجس خواتون بود و شاید حال در رواق باشد آنجا پایین می رفتند و دالان دراز تاریکی داشت چون از آنجا می گذشتند به در سرداب غیبت می رسیدند که حال آینه کاری شده و پنجره از طرف قبله به صحن عسکریین علیهما السلام باز می شود و آن در از وسط این سرداب باز می شد که حال کاشی دیوار بجای آن را به شکل محرابی ساخته اند و همه اعمال این سه امام علیهم السلام از یک حرم انجام می شد و لهذا شهید اول در مزار بعد از زیارت عسکریین علیهما السلام زیارت سرداب را ذکر کرده پس از آن زیارت نرجس خواتون را و در یکصد سال و چیزی قبل مؤید مسدد احمد خان دنبلی مبلغی خطیر اقدام کرد و صحن آن دو امام علیهما السلام را به نحوی که الآن موجود است جدا نمود و برای آن روضه و رواق و قبة عالیه برپا نمود و برای سرداب مطهر صحنی علی حده و ایوانی و راهی و پله ای جدا و دهلیزی و سردابی مستقل برای زنان ساخت چنانچه حال دیده می شود و آن راه اول و پله ها و در سرداب بالمره مسدود شد و نشانی از آنها نیست مگر آن مقداری که فعلاً در خانه ای معروف به خانه اخباری ها مشاهده می شود و محلی برای بجا آوردن بعضی از آداب وارده نماند و لکن محل جمله ای از زیارات که اصل سرداب شریف است تغییری نکرده و اما استیذان و خواندن اذن دخول پس بحسب استقرا در همه زیارات و تصریح علما بر هر دری که از آنجا مرسوم شده دخول در آن حرم از هر امامی که باشد بایست رعایت کرد و در آن حرم محترم بی اذن داخل نباید شد

پس برو به نزد سرداب غیبت آن حضرت و میان دو در بایست و درها را به دست خود بگیر و تنحنج کن مانند کسی که رخصت داخل شدن طلبد و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگو و پایین رو به تائی و حضور قلب و دو رکعت نماز در عرصه سرداب بکن پس بگو :

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ [اللَّهُ أَكْبَرُ] لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا
لِهَذَا وَ عَرَفَنَا أَوْلِيَاءَهُ وَ أَعْدَاءَهُ وَ وَفَّقَنَا لَزِيَارَةِ أَيْمَتِنَا وَ لَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ وَ لَا
مِنَ الْغُلَاةِ الْمُفَوِّضِينَ وَ لَا مِنَ الْمُزْتَابِينَ الْمُقْصَرِّينَ السَّلَامَ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِهِ السَّلَامَ
عَلَى الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ بَوَّارِ أَعْدَائِهِ السَّلَامَ عَلَى النُّورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ
فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيمَ نُورَهُ بِكَرَاهِيهِمْ وَ أَيْدَهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يَظْهَرَ عَلَى يَدِهِ الْحَقُّ بِرُغْمِهِمْ أَشْهَدُ
أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكَ صَغِيرًا وَ أَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا وَ أَنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ حَتَّى تُبْطِلَ الْجِبْتُ وَ
الطَّاغُوتُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى خُدَامِهِ وَ أَعْوَانِهِ عَلَى غَيْبَتِهِ وَ نَائِيهِ وَ اسْتُرْهُ سِتْرًا عَزِيزًا وَ
اجْعَلْ لَهُ مَعْقَلًا حَرِيرًا وَ اشْدُدِ اللَّهُمَّ وَطَأَتَكَ عَلَى مُعَانِدِيهِ وَ احْرُسْ مَوَالِيَهُ وَ زَائِرِيهِ اللَّهُمَّ كَمَا
جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا وَ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ لِقَائِهِ
الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حُتْمًا وَ أَقْدَرْتَ بِهِ عَلَى خَلِيقَتِكَ رَغْمًا فَابْعَثْنِي عِنْدَ
خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرِ تِي مُؤْتِرٍ رَأٍ كَفَنِي حَتَّى أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصِّفِّ الَّذِي أُتْنِيتَ
عَلَى أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ كَأَنَّهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ وَ شَمِيتَ مِنَّا [بِنَا]
الْفَجَارُ وَ صَعَبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيِّمُونَ فِي حَيَاتِنَا وَ بَعْدَ الْمَمُوتِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيِ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الْعَوْتُ الْعَوْتُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ
قَطَعْتُ فِي وَصْلَتِكَ الْخُلَانَ وَ هَجَرْتُ لَزِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ وَ أَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ
لِتَكُونَ شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَ رَبِّي وَ إِلَيَّ أَبَاتُكَ وَ مَوَالِيَّ فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ لِي وَ إِسْبَاغِ النِّعْمَةِ
عَلَيَّ وَ سَوْقِ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَصْحَابِ الْحَقِّ وَ قَادَةِ الْخُلُقِ وَ
اسْتَجِبْ مِنِّي مَا دَعَوْتُكَ وَ أَعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَ دُنْيَايَ إِنَّكَ
حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ .

پس داخل صفه {عرصه پله ها} شو و دو رکعت نماز کن و بگو :

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءٍ وَلِيكَ الْمَزُورُ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَبِيدِ وَ الْأَحْزَارِ وَ أَنْقَذْتَ
بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ مِنْ مُصَدِّقٍ
بِوَلِيَّتِكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَ لَا بِزِيَارَتِهِ وَ لَا تَقْطَعْ أَثَرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَ
زِيَارَةِ أَبِيهِ وَ جَدِّهِ اللَّهُمَّ أَخْلِفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي وَ انْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي لِي وَ
لِإِخْوَانِي وَ أَبَوَيَّ وَ جَمِيعِ عِثْرَتِي أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْإِمَامُ الَّذِي يُفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَ يَهْلِكُ
عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكَذَّبُونَ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ وَ لِأَبِيكَ وَ
جَدِّكَ مُتَبَقِّيًا الْفُوزَ بِكُمْ مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ اللَّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَ الزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي
عِلِّيَّينَ وَ بَلَّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ وَ انْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

شیخ مفید بعد از نقل زیارت سابق که اول آن **اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ** بود فرموده پس دوازده رکعت نماز زیارت می کنی هر دو رکعت به یک سلام و می خوانی بعد از آن دعایی را که از آن حضرت روایت شده :

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَ بَرَحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَ ضَاقَتِ الْاَرْضُ وَ مَنَعَتِ السَّمَاءُ وَ اِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُسْتَتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الْاَذِيْنَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَرَجَّ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اَنْصُرَانِيْ فَاِنْكَمَا نَاصِرَايَ وَ اَكْفِيَانِيْ فَاِنْكَمَا كَافِيَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ اَلْعُوْثُ اَلْعُوْثُ اَلْعُوْثُ اَدْرِكْنِيْ اَدْرِكْنِيْ اَدْرِكْنِيْ .

این دعای شریفی است و سزاوار است خواندن آن در آنجا مکرر و در غیر آن مکان

زیارت دیگر زیارتی است که سید بن طاوس نقل کرده و آن چنان است که می گویی :

اَلسَّلَامُ عَلٰى الْحَقِّ الْجَدِيْدِ وَ الْعَالِمِ الَّذِيْ عَلِمَهُ لَا يَبِيْدُ السَّلَامُ عَلٰى مُحْيِي الْمُوْمِنِيْنَ وَ مُبِيْرِ الْكَافِرِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلٰى مَهْدِيْ الْاُمَمِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ اَلسَّلَامُ عَلٰى خَلْفِ السَّلَفِ وَ صَاحِبِ الشَّرَفِ اَلسَّلَامُ عَلٰى حُجَّةِ الْمَعْبُوْدِ وَ كَلِمَةِ الْمَحْمُوْدِ اَلسَّلَامُ عَلٰى مُعِزِّ الْاَوْلِيَاءِ وَ مُذِلِّ الْاَعْدَاءِ اَلسَّلَامُ عَلٰى وَاْرَثِ الْاَنْبِيَاءِ وَ خَاتِمِ الْاَوْصِيَاءِ اَلسَّلَامُ عَلٰى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُسْتَهْرِ اَلسَّلَامُ عَلٰى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الزَّاهِرِ اَلسَّلَامُ عَلٰى شَمْسِ الظَّلَامِ وَ بَدْرِ التَّمَامِ اَلسَّلَامُ عَلٰى رَبِّعِ الْاَنَامِ وَ نَضْرَةِ الْاَيَّامِ اَلسَّلَامُ عَلٰى صَاحِبِ الصَّمَامِ وَ فَلَاقِ الْهَامِ اَلسَّلَامُ عَلٰى الدِّيْنِ الْمُنْتَوِّرِ وَ الْكِتَابِ الْمَسْطُوْرِ اَلسَّلَامُ عَلٰى بَقِيَّةِ اللّٰهِ فِيْ بِلَادِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلٰى عِبَادِهِ الْمُنْتَهٰى اِلَيْهِ مَوَارِيْثُ الْاَنْبِيَاءِ وَ لَدِيْهِ مَوْجُوْدٌ اَثَارُ الْاَصْفِيَاءِ الْمُوْتَمِنِ عَلٰى السَّرِّ وَ الْوَلٰئِ لِلْاَمْرِ اَلسَّلَامُ عَلٰى الْمَهْدِيِّ الَّذِيْ وَعَدَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْاُمَمَ اَنْ يَّجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يَلْمَ بِهِ الشَّعْتَ وَ يَمْلَأَ بِهِ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ يُمْكِّنَ لَهُ وَ يَنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُوْمِنِيْنَ اَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ اَنَّكَ وَ الْاِيْمَةُ مِنْ اَبَائِكَ اَيُّمَتِيْ وَ مَوَالِيٍّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُوْمُ الْاَشْهَادُ اَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ اَنْ تَسْأَلَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى فِيْ صَلَاحِ شَأْنِيْ وَ قَضَاءِ حَوَائِجِيْ وَ غُفْرَانِ ذُنُوْبِيْ وَ الْاَخْذِ بِيَدِيْ فِيْ دِيْنِيْ وَ دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِيْ لِيْ وَ لِاِخْوَانِيْ وَ اَخَوَاتِي الْمُوْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَافَةً اِنَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ .

پس بجا آور نماز زیارت را به نحوی که پیش از این ذکر نمودیم یعنی دوازده رکعت بعد از هر دو رکعت سلام دهد و تسبیح زهرا علیها السلام بگوید و هدیه کند بسوی آن حضرت و چون از نماز زیارت فارغ شدی بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حُجَّتِكَ فِيْ اَرْضِكَ وَ خَلِيْفَتِكَ فِيْ بِلَادِكَ الدَّاعِي اِلٰى سَبِيْلِكَ وَ الْقَائِمِ (بِقِسْطِكَ وَ الْفَائِزِ بِاَمْرِكَ وَلِي الْمُوْمِنِيْنَ وَ مُبِيْرِ الْكَافِرِيْنَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَ مُبِيْرِ الْحَقِّ) وَ

الصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالصَّدْقِ وَكَلِمَتِكَ وَعِبَّتِكَ وَغَيْبِكَ فِي أَرْضِكَ
الْمُتَرَقِّبِ الْخَائِفِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاةِ وَعَلِمِ الْهُدَى وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَخَيْرِ مَنْ
تَقَمَّصَ وَازْتَدَى وَالْوَثْرِ الْمُؤْتَوِّرِ وَمُفْرِجِ الْكَرْبِ وَمَزِيلِ الْهَمِّ وَكَاشِفِ الْبَلَوَى صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الْهَادِيْنَ وَالْقَادَةِ الْيَمَامِيْنَ مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ وَأَوْرَقَتْ
الْأَشْجَارُ وَابْتَعَتِ الْأَثْمَارُ وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَغَرَدَتِ الْأَطْيَارُ اَللّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِ وَ
احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لَوَائِهِ اِلَهَ الْحَقِّ اَمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ .

ذکر صلوات بر آن حضرت

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَ
الْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَالْمُنْتَظَرِ لِذَلِكَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بَعْدَهُ وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ وَأَوْفِ عَهْدَهُ
وَ اكْشِفْ عَنْ بَاسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ وَأَظْهِرْ بَظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمِحْنَةِ وَقَدِّمُ أَمَامَهُ الرُّعْبَ وَتَبِّتْ
بِهِ الْقَلْبَ وَاقِمْ بِهِ الْحَرْبَ وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ
أَجْمَعِينَ وَ اَلْهَمَّهُ أَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَّهَ وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَّهَ وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهَ وَلَا فَاسِقًا
إِلَّا حَدَّهَ وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهَ وَلَا سِنْرًا إِلَّا هَتَكَهَ وَلَا عَلَمًا إِلَّا نَكَّسَهُ وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَسَبَهُ وَلَا
لَا زُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ وَلَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ وَلَا مِنْبَرًا إِلَّا أَخْرَقَهُ وَلَا سَيْفًا إِلَّا
كَسَرَهُ وَلَا صَنْمًا إِلَّا رَضَّهَ وَلَا دَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ وَلَا جَوْزًا إِلَّا أَبَادَهُ وَلَا حِصْنًا إِلَّا هَدَمَهُ وَلَا بَابًا إِلَّا
رَدَمَهُ وَلَا قَصْرًا إِلَّا خَرَبَهُ وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا فَتَشَّهُ وَلَا سَهْلًا إِلَّا أَوْطَأَهُ وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ وَلَا
كُنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

زیارت آل یاسین

وایضا زیارت کن آن حضرت را به آنچه خود دستور العمل داده‌اند چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابی
طالب طبرسی رحمة الله علیه در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از ناحیه مقدسه بیرون آمد
بسوی محمد حمیری بعد از جواب از مسایلی که از آن حضرت سؤال کرده بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَ لَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بَالِغَةً فَمَا تُغْنِي التُّذْرُ [عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ] السَّلَامُ
عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ . هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و
تعالی و به سوی ما پس بگویید چنانکه خدای تعالی فرموده :

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ
دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِزَادَتِهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمُنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْعَوْتُ
وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعْدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقُتُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُرْكِعُ
وَتَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتُسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أَشْهَدُكَ يَا
مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ
إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَالْحُسَيْنَ
حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَمُوسَى
بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ
الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ
فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَأَنَّ الْمَوْتَ
حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِزًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ
الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الْحَشَرَ حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْوَعْدَ وَ
الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلَى مَا أَشْهَدُكَ
عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ
مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤَمِّنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أُولَكُمْ وَ آخِرَكُمْ وَ نَصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ.

و بعد از آن این دعا خوانده شود :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِكَ وَ کَلِمَةِ نُوْرِكَ وَ اَنْ تَمْلَأَ قَلْبِیْ نُوْرَ الْیَقِیْنِ
وَ صَدْرِیْ نُوْرَ الْاِیْمَانِ وَ فِکْرِیْ نُوْرَ النِّیَّاتِ وَ عَزْمِیْ نُوْرَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِیْ نُوْرَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِیْ نُوْرَ
الصِّدْقِ وَ دِیْنِیْ نُوْرَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصْرِیْ نُوْرَ الضِّیَاءِ وَ سَمْعِیْ نُوْرَ الْحِکْمَةِ وَ مَوَدَّتِیْ نُوْرَ
الْمُوَالَاةِ لِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ حَتّٰی اَلْقَاكَ وَ قَدْ وَفِیْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِثَاقِكَ فَتَغْشِیْنِیْ
رَحْمَتَكَ يَا وَلِیُّیْ یا حَمِیدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی حُجَّتِكَ فِی اَرْضِكَ وَ خَلِیْفَتِكَ فِیْ بِلَادِكَ وَ الدَّاعِیْ
اِلٰی سَبِیْلِكَ وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَ الثَّائِرِ بِاَمْرِكَ وَلِیِّ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ بَوَارِ الْکَافِرِیْنَ وَ مُجَلِّیْ الظُّلْمَةِ وَ
مُنِیْرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِکْمَةِ وَ الصِّدْقِ وَ کَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِیْ اَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَ الْوَلِیِّ
النَّاصِحِ سَفِینَةِ النَّجَاةِ وَ عِلْمِ الْهُدٰی وَ نُوْرِ اَبْصَارِ الْوَرٰی وَ خَیْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدٰی وَ مُجَلِّی
الْعَمٰی [الْعَمَاء] الَّذِیْ یَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا کَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا اِنَّكَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ

قَدِيرَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيَاكَ الَّذِيْنَ فَارَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ اَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللّٰهُمَّ اَنْصُرْهُ وَ اَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ اَنْصُرْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَ اَوْلِيَاءَهُ وَ شَيْعَتَهُ وَ اَنْصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ اَحْرُسْهُ وَ اَمْنَعْهُ مِنْ اَنْ يَوْصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَ اَل رَسُوْلِكَ وَ اَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ اَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ اَنْصُرْ نَاصِرِيْهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيْهِ وَ اقْصِمِ قَاصِمِيْهِ وَ اقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِيْنَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِيْنَ حَيْثُ كَانُوْا مِنْ مَّشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا بَرًّا وَ بَحْرًا وَ اَمْلَأْ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلًا وَ اَظْهَرْ بِهِ دِيْنَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ اجْعَلْنِيْ اللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ اَتْبَاعِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ اَرْنِيْ فِيْ اَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُوْنَ وَ فِيْ عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُوْنَ اِلَهَ الْحَقِّ اٰمِيْنَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

دعای ندبه

ونیز بخوان دعای ندبه را که مستحب است در چهار عید یعنی عید فطر و قربان و غدیر و روز جمعه

بخوانند

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيْمًا ، اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهٖ قَضَاؤُكَ فِيْ اَوْلِيَايَكَ ، الَّذِيْنَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِيْنِكَ ، اِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيْلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ الَّذِيْ لَا زَوَالَ لَهُ ، وَ لَا اَضْمِحْلَالَ بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الرُّهْدَ فِيْ دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيْنِيَّةِ ، وَ زُخْرُفِهَا وَ زِبْرُجَهَا ، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ ، وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهٖ ، فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَ الثَّنَاءَ الْجَلِيَّ ، وَ اَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ ، وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ ، وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ ، وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرِيْعَةَ اِلَيْكَ ، وَ الْوَسِيْلَةَ اِلَى رِضْوَانِكَ ، فَبَعْضُ اَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ اِلَى اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْهَا ، وَ بَعْضُ حَمَلْتَهُ فِيْ فُلْكَ وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ اٰمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ ، وَ بَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيْلًا ، وَ سَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِيْنَ فَاجَبْتَهُ ، وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلَيْنَا ، وَ بَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيْمًا ، وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ اَخِيْهِ رِدْءًا وَ وَزِيْرًا ، وَ بَعْضُ اَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ اَبٍ ، وَ اَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ ، وَ اَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ، وَ كُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيْعَةً ، وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا ، وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ اَوْصِيَاءَ ، مُسْتَحْفَظًا بَعْدَ مُسْتَحْفَظٍ ، مِنْ مَّدَّةٍ اِلَى مَدَّةٍ ، اِقَامَةً لِدِيْنِكَ ، وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ ، وَ لِيْلًا يَزُوْلُ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ ، وَ يَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى اَهْلِيْهِ ، وَ لَا يَقُوْلُ اَحَدٌ لَوْ لَا اَرْسَلْتَ اِلَيْنَا رَسُوْلًا مُنْذِرًا ، وَ اَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا ، فَتَتَّبِعْ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَذَلَ وَ نَحْزِيْ ، اِلَى اَنْ اَنْتَهَيْتَ بِالْاَمْرِ اِلَى حَبِيْبِكَ وَ نَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ ، فَكَانَ كَمَا اَتَتْجَبْتَهُ ، سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ ، وَ صَفْوَةَ مَنْ

اصْطَفَيْتَهُ ، وَ أَفْضَلَ مِنْ اخْتَبَيْتَهُ ، وَ أَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ ، وَ بَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَ أَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَ مَغَارِبَكَ ، وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ ، وَ عَرَّجْتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ ، وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِصَاءِ خَلْقِكَ ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ ، وَ حَفَفْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ ، وَ وَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءاً صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ ، وَ جَعَلْتَ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ ، لِلَّذِي بَبَكَّةَ مُبَارَكًا ، وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ ، مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ ، وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ، وَ قُلْتَ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ ، وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا ، ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ ، فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ، وَ قُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ، وَ قُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا ، فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ ، وَ الْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا هَادِيًا ، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ ، وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ، فَقَالَ وَ الْمَلَأُ أَمَامَهُ ، مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ ، وَ قَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلَى أَمِيرِهِ ، وَ قَالَ أَنَا وَ عَلَى مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ ، وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرِ شَتَّى ، وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ، وَ زَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ ، وَ سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ ، فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا ، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا ، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ وَارِثِي ، لِحَمِّكَ مِنْ لَحْمِي وَ دَمِّكَ مِنْ دَمِي ، وَ سَلَمُكَ سَلَمِي وَ حَرْبُكَ حَرْبِي ، وَ الْإِيمَانُ مُخَالِطُ لِحَمِّكَ وَ دَمِّكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَ دَمِي ، وَ أَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي ، وَ أَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي ، وَ شَيْعَتُكَ عَلَى مَنَابِرِ مِنْ نُورٍ مُبَيَّضَةٍ وَ جُوهِهِمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ جِيرَانِي ، وَ لَوْ لَا أَنْتَ يَا عَلَى لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي ، وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ ، وَ نُورًا مِنَ الْعَمَى ، وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ ، وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ ، لَا يُسَبِّقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ ، وَ لَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ ، وَ لَا يُلْحَقُ فِي مُنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا ، وَ يُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ ، وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ ، قَدْ وَثَرَ فِيهِ صَنَادِيدُ الْعَرَبِ ، وَ قَتَلَ أَبْطَالَهُمْ ، وَ نَاوَشَ دُؤْبَانَهُمْ ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ ، فَأَضَبَتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ ، وَ أَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ ، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ ، وَ لَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ أَشَقَى الْآخَرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ ، لَمْ يُمَتِّتْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ ، وَ الْأُمَّةُ مُصَرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ ، وَ إِقْصَاءُ وَلَدِهِ ، إِلَّا

الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ ، فَقَتَلَ مَنْ قُتِلَ ، وَ سَبَى مَنْ سُبِيَ ، وَ أَقْصَى مَنْ أَقْصِيَ ، وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ، وَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولًا ، وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا فَلَيْبِكَ الْبَاكُونَ ، وَ إِيَّاهُمْ فَلَيْبُكَ النَّادِبُونَ ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدُّمُوعُ ، وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ ، وَ يَضِجُ الضَّاجُونَ ، وَ يَعِجُ الْعَاجُونَ ، أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ ، أَيْنَ أَبْنَاءُ الْحُسَيْنِ ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ ، أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ ، أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الرَّاهِرَةُ ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ ، أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِترَةِ الْهَادِيَةِ ، أَيْنَ الْمُعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ ، أَيْنَ الْمُتَنْظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَ الْعُوجِ ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَ الْعُدْوَانِ ، أَيْنَ الْمُدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ ، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ الشَّرِيعَةِ ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ ، أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ ، أَيْنَ هَادِمُ أَتْنِيَةِ الشَّرِكِ وَ النِّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْعِصْيَانِ وَ الطُّغْيَانِ ، أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْعُتَى وَ الشَّقَاقِ ، أَيْنَ طَامِسُ أَنْارِ الرِّبْغِ وَ الْأَهْوَاءِ ، أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكَذِبِ وَ الْإِفْتِرَاءِ ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَ الْمَرَدَّةِ ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَ التَّضَلِيلِ وَ الْإِلْحَادِ ، أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ ، وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ ، أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى ، أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى ، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى ، أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا ، أَيْنَ الطَّالِبُ بِدُخُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ ، أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ ، أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اغْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى ، أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا ، أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى ، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى ، وَ ابْنُ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى ، وَ ابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ ، وَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى ، يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَ الْحِمَى ، يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ ، يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ ، يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَذَّبِينَ ، يَا ابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ ، يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ ، يَا ابْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجِبِينَ ، يَا ابْنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ ، يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ ، يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ ، يَا ابْنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ ، يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الرَّاهِرَةِ ، يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ ، يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ ، يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ ، يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ ، يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ ، يَا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ ، يَا ابْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ، يَا ابْنَ النَّبَا الْعَظِيمِ ، يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلَى حَكِيمٍ ، يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَ الْبَيِّنَاتِ ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ ، يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ ، يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ ، يَا ابْنَ النِّعَمِ

السَّابِغَاتِ ، يَا ابْنَ طِهْ وَ الْمُحْكَمَاتِ ، يَا ابْنَ يَسْ وَ الذَّارِيَاتِ ، يَا ابْنَ الطُّورِ وَ الْعَادِيَاتِ ، يَا ابْنَ
مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَ اقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى ، لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ
اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى ، بَلْ أَيْ أَرْضِ ثِقْلُكَ أَوْ ثَرَى ، أَمْ بَرَصَوَى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوًى ، عَزِيزٌ عَلَى
أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تَرَى ، وَ لَا أَسْمَعَ لَكَ حَسِيسًا وَ لَا نَجْوَى ، عَزِيزٌ عَلَى أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي
الْبَلَوَى ، وَ لَا يَنَالُكَ مِنِّي صَاحِبُجْ وَ لَا شَكْوَى ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا ، بِنَفْسِي
أَنْتَ مِنْ نَارِجٍ مَا نَرَحَ عَنَّا ، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمِّيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا ،
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزْ لَا يُسَامَى ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارَى ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ
تِلَادٍ نَعِمٍ لَا تُضَاهَى ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى ، إِلَى مَتَى أَخَارَ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ
إِلَى مَتَى ، وَ أَيْ خِطَابِ أَصِفْ فَيْكَ وَ أَيْ نَجْوَى ، عَزِيزٌ عَلَى أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَ أُنَاعَى ، عَزِيزٌ
عَلَى أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذُلَكَ الْوَرَى ، عَزِيزٌ عَلَى أَنْ يَجْرَى عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى ، هَلْ مِنْ مُعِينٍ
فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعُوبِلَ وَ الْبُكَاءَ ، هَلْ مِنْ جَزْوَعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا ، هَلْ قَذِيتَ عَيْنُ
فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْفَقْدَى ، هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى ، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ
بِعِدَّةٍ فَتَحْطَى ، مَتَى نَرُدُّ مَنَاهِلَكَ الرُّوْبَةَ فَنَرَوَى ، مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ
الْصَّدَى ، مَتَى نَعَادِيكَ وَ نَرَاوُحُكَ فَتَقِرَّ عَيْنَا ، مَتَى تَرَانَا وَ تَرَكَ ، وَ قَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ نَرَى
أَنْ تَرَانَا نَحْفُ بِكَ ، وَ أَنْتَ تَوْمُ الْمَلَأَ وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا ، وَ أَذْفَتِ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا ، وَ
أَبْرَتِ الْعُنَاةَ وَ جَحْدَةَ الْحَقِّ ، وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ ، وَ اجْتَنَنْتِ أَصُولَ الظَّالِمِينَ ، وَ نَحْنُ
نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبَلَوَى ، وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِندَكَ
الْعُدْوَى ، وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا ، فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ، عُبَيْدَكَ الْمُتَبَلِّغَى ، وَ أَرِهِ
سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى ، وَ أَرِ لَ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَ الْجَوَى ، وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ
اسْتَوَى ، وَ مَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَ الْمُنْتَهَى ، اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عِبِيدُكَ النَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ
وَ بَنِيكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا ، وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِيَامًا وَ مَعَادًا ، وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا ،
فَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا ، وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا ، وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا ، وَ
أَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ ، وَ مُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ ، وَ عَلَى
أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ ، وَ جَدَّتِهِ الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ، وَ عَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ
آبَائِهِ الْبَرَّةِ ، وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ أَكْمَلُ وَ أَتَمُّ وَ أَدْوَمُ وَ أَكْثَرُ وَ أَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ
أَصْفِيَائِكَ ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعِدْدِهَا ، وَ لَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا ، وَ لَا
نَفَادَ لِأَمْدِهَا ، اللَّهُمَّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ ، وَ أَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ ، وَ أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ ، وَ أَدِلْ بِهِ
أَعْدَاءَكَ ، وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَصْلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ

بِحُجْرَتِهِمْ ، وَ يَمَكْتُ فِي ظِلِّهِمْ ، وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ ، وَ الاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ ، وَ اٰمِنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ مَا نَسْأَلُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَ فَوْزًا عِنْدَكَ ، وَ اجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً ، وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً ، وَ دُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا ، وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً ، وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً ، وَ حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً ، وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَ أَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ ، وَ انْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكَمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ، ثُمَّ لَا تَضْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ ، وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ رَيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس نماز زیارت بجا می‌آوری و دعا می‌کنی به آنچه خواهی که به اجابت خواهد رسید این شاء الله .

دعای عهد

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است :

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيْعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمُسْجُوْرِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِيْلِ وَ الزَّبُوْرِ وَ رَبَّ الظَّلِّ وَ الْحَرُوْرِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ وَ الْاَنْبِيَاءِ (وَ) الْمُرْسَلِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ وَ بِنُوْرِ وَجْهِكَ الْمُنِيْرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيْمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ اَشْرَفْتَ بِهِ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضُوْنَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ يَصْلُحُ بِهِ الْاَوَّلُوْنَ وَ الْاٰخِرُوْنَ يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا حِيْنَ لَا حَيَّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتٰى وَ مُمِيْتَ الْاَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُؤَلَانَا الْاِمَامَ الْهَادِيَ الْمُهْدٰى الْقَائِمَ بِاَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى اٰبَائِهِ الطَّاهِرِيْنَ عَنْ جَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِيْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّيْ وَ عَنِ الْوَالِدِيْ مِنَ الصَّلَوَاتِ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا اَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ اَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَجِدُّدُ لَهُ فِيْ صَبِيْحَةِ يَوْمِيْ هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ اَيَّامِيْ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِيْ عُنُقِيْ لَا اُحُوْلُ عَنْهَا وَ لَا اَزُوْلُ اَبَدًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ الدَّائِيْنَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِيْنَ اِلَيْهِ فِيْ قَضَاءِ حَوَائِجِهِ (وَ) الْمُتَمَتِّلِيْنَ لِاَوْامِرِهِ) وَ الْمُحَامِيْنَ عَنْهُ وَ السَّابِقِيْنَ اِلَى اِزَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِيْنَ بَيْنَ يَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ حَالَ بَيْنِيْ وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِيْ جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَاُخْرِجْنِيْ مِنْ قَبْرِیْ مُؤْتَرًّا كَفَنِيْ شَاهِرًا سَيْفِيْ مُجَرَّدًا قَنَاتِيْ مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اَللّٰهُمَّ اَرِنِيْ الطَّلْعَةَ الرَّشِيْدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيْدَةَ وَ اَكْحُلْ نَاطِرِيْ بِنَظَرَةٍ مِّنِّيْ اِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ

سَهْلٍ مَخْرَجَهُ وَأَوْسَعَ مَنَهِجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَرْزَهُ وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ
بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ
أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرَ
بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ وَيَحِقَّ الْحَقُّ وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ
نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ
أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ
الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيِيَّتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَ
ارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ النُّعْمَةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ
إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا
صَاحِبَ الزَّمَانِ

زیارتی که هر روز بعد از نماز صبح مولای ما صاحب الزمان علیه السلام به آن زیارت کرده می‌شود
و آن زیارت این است :

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي
مَسَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَيْثُمْ وَ مَبِيتِهِمْ وَ عَنْ وَالِدَيْ وَ
وُلْدِي وَ عَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مُنْتَهَى رِضَاً وَ عَدَدَ مَا
أَخْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ (إِنِّي) أُجَدِّدُ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَ عَقْدًا
وَ بَيْعَةً فِي رَقَبَتِي اللَّهُمَّ كَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَ خَصَصْتَنِي
بِهَذِهِ النُّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ
الذَّائِبِينَ عَنْهُ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتْ
أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

علامه مجلسی در بحار فرموده که من در بعض کتب قدیمه دیده‌ام که بعد از این زیارت دست راست
را به دست چپ بزند مثل زدن در بیعت

زیارت مرخصی از حضور آقا

امر چهارم سید بن طاوس فرموده که چون خواستی مرخص شوی از حرم شریف آن حضرت
برگرد به سوی سرداب منیف و نماز کن در آن هر چه بخواهی پس بایست رو به قبله و بگو اللَّهُمَّ ادْفَعْ
عَنْ وَلِيِّكَ... پس بخوان خدا را بسیار و برگرد با سعادت إن شاء الله تعالی

شیخ در مصباح این دعا را در اعمال روز جمعه از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده و ما نیز این دعا را بنحوی که شیخ از آن حضرت نقل کرده نقل می‌نماییم فرموده روایت کرده یونس بن عبد الرحمن که: حضرت امام رضا علیه السلام امر می‌فرمودند به دعا کردن از برای حضرت صاحب الامر علیه السلام به این دعا:

اَللّٰهُمَّ اذْفَعْ عَنِّيْ وَلِيْلِكَ وَ خَلِيْفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعْبَرِ عَنْكَ اَلْتَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِاَذْنِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلٰى عِبَادِكَ اَلْحَجَّاجِ الْمُجَاهِدِ اَلْعَائِدِ بِكَ اَلْعَابِدِ عِنْدَكَ وَ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيْعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ اَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ اَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِيْنِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِيْ لَا يَضِيْعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ اَحْفَظْ فِيْهِ رَسُوْلَكَ وَ اَبَاءَهُ اَتَمَّتْكَ وَ دَعَائِمُ دِيْنِكَ وَ اجْعَلْهُ فِيْ وَدِيْعَتِكَ التِّيْ لَا تَضِيْعُ وَ فِيْ جَوَارِكَ الَّذِيْ لَا يُخْفَرُ وَ فِيْ مَنَعِكَ وَ عَزِّكَ الَّذِيْ لَا يُقْهَرُ وَ اَمْنُهُ بِاَمَانِكَ الْوُثِيْقِ الَّذِيْ لَا يُحْدَلُ مِنْ اَمْنَتِهِ بِهِ وَ اجْعَلْهُ فِيْ كَنَفِكَ الَّذِيْ لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيْهِ وَ اَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيْزِ وَ اَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَ قُوِّهِ بِقُوَّتِكَ وَ اَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ وَاَلِ مَنْ وَاَلَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ اَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ وَ حَقِّهِ بِالْمَلَائِكَةِ حَقًّا اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقِ بِهِ الْفَتْقَ وَ اُمِّتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ اَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْاَرْضَ وَ اَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ اَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَ قُوِّ نَاصِرِيْهِ وَ اَحْدِلْ خَاذِلِيْهِ وَ دَمْدِمْ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ دَمَّرْ مَنْ عَشَّهُ وَ اَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عَمْدَهُ وَ دَعَائِمَهُ وَ اَقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ وَ مُمِيْتَةَ السُّنَّةِ وَ مَقْوِيَةَ الْبَاطِلِ وَ دَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِيْنَ وَ اَبْرِ بِهِ الْكَافِرِيْنَ وَ جَمِيْعِ الْمُلْحِدِيْنَ فِيْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتّٰى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ اَثَارًا اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَ اَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اُحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِيْنَ وَ دَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّيْنَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا اَمْتَحَى مِنْ دِيْنِكَ وَ بَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتّٰى تُعِيدَ دِيْنَكَ بِهِ وَ عَلٰى يَدَيْهِ جَدِيْدًا غَضًا مَحْضًا صَحِيْحًا لَا عِوَجَ فِيْهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ وَ حَتّٰى تُنِيْرَ بِعَدْلِهِ ظُلُمَ الْجَوْرِ وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَ تُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُوْلَ الْعَدْلِ فَاِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِيْ اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اصْطَلَفَيْتَهُ عَلٰى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوْبِ وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوْبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ حُلُوْلِ الطَّامَةِ اَنَّهُ لَمْ يَذْنِبْ ذَنْبًا وَ لَا اَتَى حُوبًا وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يَضِيْعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يَبْدُلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يَغْيِرْ لَكَ شَرِيْعَةً وَ اَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِيْ نَفْسِهِ وَ اَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ وَ جَمِيْعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تُسَرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيْبَهَا وَ بَعِيْدَهَا وَ عَزِيْزَهَا وَ ذَلِيْلَهَا حَتّٰى تُجْرَى حُكْمُهُ عَلٰى كُلِّ حُكْمٍ وَ يَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلُّ بَاطِلٍ اَللّٰهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلٰى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدٰى وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمٰى

و الطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي وَيُلْحَقُ بِهَا النَّالِي وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبَّتْنَا عَلَى مُسَابِقَتِهِ وَ اٰمَنَّا عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ وَ اٰجَعَلْنَا فِي حَرْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ اَللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ أَعِدَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعَزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلَ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأُئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ أَمَالَهُمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ أَعِزَّ نَصْرَهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَ ثَبِّتْ دَعَائِمَهُمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَ عَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خِرَانُ عِلْمِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمُ دِينِكَ وَ وُلَاةُ أَمْرِكَ وَ خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاؤُكَ وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَانِكَ وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَ السَّلَامُ (عَلَيْهِ وَ) عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

زیا رت سید محمد درقریه بلد

سید محمد بعاج جد سادات آل بعاج است

سید محمد درنزد مردم عراق از احترام فوق العاده ای برخوردار است و کسی جرات نمی کند بنام وی قسم دروغ بگوید و نزدهاالی دجیل به شیر مرد دجیل معروف است (دجیل قبل از سامرا از طرف بغداد است)

هنگام رفتن به سامرا یا برگشتن از سامرا در ۵ کیلومتری جنوب سامرا و ۸۰ کیلومتری بغداد نزدیک شهر بلد مقبره سید محمد فرزند امام ها دی علیه السلام و برادر بزرگوار امام حسن عسگری علیه السلام را زیارت می کنی و می گوئی :

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي نَبِيِّ اللَّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ اَلْهَادِي وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ لَا حَرَمَنَا اللَّهُ بِرَكَتِكَ وَ بَرَكَةِ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَ رَزَقَنَا اللَّهُ شَفَاعَتَكُمْ يَوْمَ الدِّينِ وَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَبِيكَ وَ أَخِيكَ وَ ابْنِ أَخِيكَ وَ أَجْدَادِكَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

می شود به این زیارت هم که از برای امام زادگان نقل شده زیارت کرد و گفت :

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَ الدَّاعِي الْحَقِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَ نَطَقْتَ حَقًّا وَ صَدَقْتَ وَ دَعَوْتَ إِلَى مَوْلَايَ وَ مَوْلَاكَ عَلَانِيَةً وَ سِرًّا فَارْتَبِعْكَ وَ نَجِي مُصَدِّقَكَ وَ خَابَ وَ

خَسِرَ مُكْذَّبُكَ وَالْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ إِشْهَدُ لِي بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ لِأَكُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ بِمَعْرِفَتِكَ
وَطَاعَتِكَ وَتَصَدِّيقِكَ وَاتِّبَاعِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتَى
مِنْهُ وَالْمَأْخُودُ عَنْهُ أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدَعًا وَهَآنَا ذَا أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَأَمَّا نَتِي
وَحَوَاتِيمَ عَمَلِي وَجَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .
(واضافه میکنی) وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْهَادِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

ایضا می شود به این زیارت که از برای اولاد ائمه علیهم السلام نقل شده زیارت کرد و گفت :
السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَى أَبِيكَ الْمُرْتَضَى الرَّضَا السَّلَامُ عَلَى السَّيِّدِينَ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ أُمِّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ أُمِّ
الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْفَاخِرَةِ بُحُورِ الْعُلُومِ الرَّاخِرَةِ شَفَعَائِي فِي الْآخِرَةِ
وَأُولِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ النَّاخِرَةِ أَيْمَةَ الْخَلْقِ وَوَلَاةِ الْخَلْقِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ الْكَرِيمُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَمُصْطَفَاهُ وَأَنَّ
عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَمُجْتَبَاهُ وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمَ الْيَقِينِ وَنَحْنُ لَذَلِكَ
مُعْتَقِدُونَ وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ . (واضافه میکنی) وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْهَادِي
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

حدیث:

قالَ العسکری علیہ السَّلَامُ : مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ. هرکس دوست
و برادر خود را محرمانه موعظه کند، او را زینت بخشیده ؛ و چنانچه علنی باشد سبب ننگ و تضعیف
او گشته است .

قالَ العسکری علیہ السَّلَامُ : أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ الْمُؤْتَى، وَ تَلَاوَةَ الْقُرْآنِ، وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ. ذکر و یاد خداوند متعال ، مرگ و حالات
آن ، تلاوت و تدبیر قرآن ؛ و نیز صلوات و درود فرستاد بر حضرت رسول و اهل بیتش علیهم السلام را
زیاد و به طور مکرر انجام دهید، همانا پاداش صلوات بر آن ها، ده حسنه و ثواب می باشد.
قالَ العسکری علیہ السَّلَامُ لِشَيْعَتِهِ: أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْأَجْتِهَادِ لِلَّهِ، وَ صِدْقِ
الْحَدِيثِ، وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، وَطُولِ السُّجُودِ، وَحُسْنِ الْجَوَارِ. به شیعیان و
دوستان خود فرمود: تقوای الهی را پیشه کنید و در امور دین ورع داشته باشید، در تقرب به خداوند
کوشا باشید و در صحبت ها صداقت نشان دهید، هرکس امانتی را نزد شما نهاد آن را سالم تحویلش
دهید، سجده های خود را در مقابل خداوند طولانی کنید و به همسایگان خوش رفتاری و نیکی
نمائید.

اشعار سامرا

شعر از باقری پور: که هنگام نوشتن کتاب به این قسمت که رسید سروده شد ۸۴/۷/۱۶

این شهر سامرا بود ای زائرین ای زائرین - شهر امام عسگری و مهدی و هادی دین
این مدفن پاک امامان عسگری و هادی است - اینجا محلّ غیبت آن رهبر آزادی است
اینجا ستمها دیده اند از ظالمان نابکار - آن رهبران عدل و دین آن اولیاء حق مدار
در مجلس بزم شراب بردند هادی را به زور - لیکن پشیمان شد از این کار خود آن پست شرور
در باغ وحش معتمد بنگر بحال نوکری - بیر و پلنگ و شیر را گردا مام عسگری
تحت نظر بودند آن هر دو امام مؤمنین - در پادگان حاکمان ظلم و جور و ضد دین
هم هادی و هم عسگری مسموم زهرکین شدند - اینجا شهید راه دین آن رهبران دین شدند
اینجا امام منتظر گشته است غایب از نظر - اینجا مکان غیبتش سرداب غیبت را نگر
اندر پی او ظالمان در هر مکان در جستجو - غافل از اینکه شد خدا خود حافظ و حامی او
او را ز کید ظالمین محفوظ کرد از هر خطر - از بهر حفظ جان او غائب نمودش از نظر
صغری و کبری غیبتش با حکم یزدانی شده - تا این زمان بر شیعیان بس سخت و طولانی شده
یا رب رسان روز ظهور آن مختفی من فرط نور - کاید بگیرد انتقام از حاکمان ظلم و جور
ای باقری میکن دعا بهر ظهورش روز و شب - کاید رها ند دوستان از ظلمت و رنج و تعب

شعر از ذاکر: دهم امام

غلام درگاه آن شاه عرش مقدارم - که جبرئیل امین چون غلام بر در اوست
شه مَلک خدم و خسرو فرشته سپاه - که نه رواق فلک عرصه گاه لشکر اوست
دهم امام که او است یا زده، معصوم - تمام جد و پدر جز یکی که مادر اوست
ولی مطلق آن حجت و خلیفه حق - که هفت کاخ مطبق رواق منظر اوست
ابوالحسن خلف متقی علی نقی - که این لقب شرف تاج و زیب افسر اوست

شعر از محمد علی شهاب: امام هادی

امام عشقم و نور هدایت - سفیر و صلح و رمز ولایت
بود نورم به هر سینا و وادی - خدا نهاده نامم را به هادی
منم ابن الرضای ثانی اما - جهان از عشق من بگرفته معنا
از آن روزی که عالم در وجود است - بخاک پای من غرق سجود است
سجود ساجدان عرش اعلی - وجود قدسیان رب والا
همه بر طاق ابرویم طفیلی - همه مجنون و من مانند لیلی

منم بر عاشقا نم محور عشق - علی چا رمین کشور عشق

شعر از شیدا نیشابوری : مظهر خداها دی

ای خدا ز زهر کین می رود زتن جانم - عازم جنان هستم من شهید قرآنم
مظهر خداها دی بهر حق خداها دی - مظهر خداها دی بهر حق خداها دی
بر لب آمده جانم دیگر از جهان سیرم - راضی ام ز جان و دل هر چه بوده تقدیرم
مظهر خداها دی بهر حق خداها دی - مظهر خداها دی بهر حق خداها دی
پیش دشمنان هر جا سینه را سپر کردم - جامه شهدا دت را از وفا به بر کردم
مظهر خداها دی بهر حق خداها دی - مظهر خداها دی بهر حق خداها دی
عسگری بیابا میروم از این دنیا - کن حلالم ای فرزند بعد من شوی تنها
مظهر خداها دی بهر حق خداها دی - مظهر خداها دی بهر حق خداها دی

شعر از شیدا نیشابوری : امام ها دی

در آسمانها گوید منادی - مسموم کین شد امام ها دی
بقیة الله اجرک الله - بقیة الله اجرک الله
از مکرد شمن خوی ندارد - در راه قرآن جان می سپارد
بقیة الله اجرک الله - بقیة الله اجرک الله
زهرابه جنت گرید برایش - جان جهانی با دافدایش
بقیة الله اجرک الله - بقیة الله اجرک الله
رنگ کواکب امشب پریده - اشکم بدامن آید ز دیده
بقیة الله اجرک الله - بقیة الله اجرک الله

شعر از محمد علی شهاب : هادی دلها

درس مرا از داغ یا رم گشته غوغا - کاید صدای ناله سوزان زهرا
رنگ شفق دارد رخ شمس هدایت - هادی دلها جان دهد در شهر غربت
دیده فرو بسته امیدش يك نگاه است - تا که بیاید مادرش چشمش براه است
تا دیده بر رخسار نیلی اش گشاید - یا يك نظر بر چادر خاکی نماید
بیند اگر سیمای او جان میسپارد - جز این به قلبش آرزود یگر ندارد
از سامرایش میرسد بوی مدینه - خود گرچه میسوزد ز زهر جور کینه
زهر جفا کی عمر او را خاتمه داد - جان را ز داغ غصه های فاطمه داد
میرسد بوی خزان از نو بهار مرا - رنگ پائیزی گرفته لاله زار مرا
در غروب جان گداز چهره خورشید عشق - سبقه برده از شفق سیمای یار مرا

آنچنان که شهر غمها حلقه ماتم گرفت - گوئیا زکف رود دار و نندار سامرا
دست حسرت میزند بر هم ز ماتم روزگار - گشته تیره از ستمها روزگار سامرا
قافله سالار محنت میزند با نگ رحیل - کاروان غمگسار را نهسپار سامرا
شعله ای که گشته برپا از مدینه در حرم - آمده از کربلا سوی دیار سامرا
کشتی نوروهد ایت سوی ساحل آمده - فاطمه شد سوگوار بی قرار سامرا

شعر از باقری پور - شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

درسفر زیارتی سامرا روز شهادت سال ۱۳۸۹ نصف شعر سروده شده در مسیر رفت به سامرا و بر اثر
حملات خمپاره ای و نارنجکی دشمنان و محروم شدن از فیض زیارت از نزدیک نصف دیگرش
در برگشت از سامرا سروده شد

ای نور چشم عالم مهدی سرت سلامت - روز عزا و ماتم مهدی سرت سلامت
روز عزاست امروز یابن الحسن کجائی - این شهر سامرا و صاحب عزا شمائی
این شهر سامرا و صاحب عزاست مهدی - روز عزا ی بابش بنگر کجاست مهدی
ما زائرین مشهد (ایران) امروز سامرائیم - از بهر عسکری ما در گریه و عزائیم
اما هزار افسوس سامره خون چکان شد - خون بردل زائرین یا صاحب الزمان شد
در سال هشتاد و نه روز شهادت او - محروم دشمن او شد از عنایت او

تا اینجا شعر که سروده شد رسیدیم به سامرا که بایاده شدن از اتوبوس و راه افتادن به طرف حرم
مطهر صدای صوت خمپاره بلند شد تعدادی از زائرین عزیز داخل شهر شهید و مجروح شدند و ما مورین
زائرین اتوبوس ما را برگرداندند و از رفتن به طرف حرم ممانعت کردند هر چند که زائرین اصرار داشتند
با همان حال بروند حرم و زیارت کنند و از فیض زیارت محروم نشوند لذا اینجانب همان جلو اتوبوس
زائرین را جمع کرده و گفتم که این شهر سامراست و خانه ی امامین عظیم الشان اینجا و داخل حرم
فرقی ندارد همینجا زیارت نامه را میخوانیم انگار الآن در جبهه هستیم و از روی همین کتاب زیارت را
میخواندم و میخواندند در حالی که صدای صوت خمپاره بگوش میرسید و ادامه شعر در حال بازگشت

که با گریه و ناله و شیون زائرین داخل اتوبوس همراه بود سروده شد
ماندیم از زیارت ما شیعیان مهدی - خون شد دل زائرین با یاوران مهدی
مهدی زهجر بابا در ناله و فغان است - هماناله اش تمام مخلوق این جهان است
آن یازدهم امام ما شیعیان عالم - امروز شد شهید و ما در عزا و ماتم
از زهر معتمد آن یازدهمین ستاره - مسموم گشت ای وای شد بسته راه چاره
آقا به خانه خود مدفون شده است ای وای - مهدی او از این غم دل خون شده است ای وای
شد عسکری شهید و مهدی شده است غائب - اندر میان سرداب پنهان امام و صاحب

روزِ امامتِ آن دُرِّ ثَمین رسیده - اَمّا هزار افسوس گشته نهان ز دیده
 روزِ شهادت او شد انفجاری از کین - جمعی شهید و زخمی گشتند در ره دین
 ما زائرین مشهد ماندیم از زیارت - در شهر سامرا و این لحظه ی شهادت
 برگشته سوی بغداد اکنون ز سامرائیم - محروم از این زیارت ما زائرین چرائیم؟
 این بارچندمین است که این ستم روا شد - حمله ز سوی دشمن بر شهر سامرا شد
 افسوس بارگاهش شدمنفجرزکینه - رفتارِ ظلم و ظالم با دین حق همینه
 آن گنبدش بدست ما شیعیان مهدی - از نو بنا شده با ما یاوران مهدی
 آن خانه و حریمش از نو شده است بنیاد - ما شیعیان مهدی آن را کنیم آباد
 صدار اگر خرابی بار آورد عدویش - ما شیعیان مهدی داریم رو به سویش
 با یک بنای بهتر سازیم ما حریمش - با صد امید ماها از حضرت کریمش
 سردابِ غیبتش را سازیم ما دوباره - ما حافظِ حریمِ دین خدا هماره
 ای باقری دعا کن روزِ ظهورش آید - دنیای تیره ما روشن ز نورش آید

شعر از ذاکر: امام یازدهم

مهی که مهر فلک پرتوی ز رخسارش - تمام جن و ملک محو و مات دیدارش
 شهی که پرده ز رخسار اگر براندازد - هزار یوسف مصری شود خریدارش
 خلیل خدمت خلّت بتن نمی پوشید - اگر بد وستی او نبود اقرارش
 ذبیح با همه حرمت فدائی کویش - مسیح حافظ صحت علیل و بیمارش
 یگانه مرشد کامل که سروران جهان - سپرده اند سر بندگی به دربارش
 گهر فروشند اند چگونگی جمع کند - ز هم گشوده شود گرب گهر بارش
 امام یازدهم یا دگارد ه حجت - که نه سپهر بود سقف و چار دیوارش
 ولی حق حسن عسگری که کرده خدا - بخلق اول و آخر امیر و سالارش
 بدان سبب لقب عسگری به او دادند - که بود خیل ملک عسگر و مددکارش
 چه اوست مخزن سر و خزانه دار علوم - خدا سپرده به او هر چه بود اسرارش

شعر از آذر: عسگری

نور حق مرآت جانان عسگری - سبط احمد فخر امکان عسگری
 زاده زهرا و دلبنده علی - بر حسین و بر حسن جان عسگری
 عابد و باقر و جعفر را چو جان - قوت تن نور چشمان عسگری
 تالی موسی و ثانی رضا - ملک دین راضی رخشان عسگری
 متقین را چون تقی کهف التّقی - همچو هادی بدرتا بان عسگری

نام نیکویش حسن خلقش حسن - سر سبхан نورایمان عسگری
والد پاک شه صاحب زمان - رهنمای انس و همجان عسگری

شعر از شیدا نیشابوری : حضرت عسگری

گشته مسموم کین رهبر مسلمین - حضرت عسگری لاله باغ دین
آه و وا ویلتا آه و وا ویلتا - آه و وا ویلتا آه و وا ویلتا
سامره در نوا بهر آن مقتدا - میرودا از جگر ناله سوی سما
آه و وا ویلتا آه و وا ویلتا - آه و وا ویلتا آه و وا ویلتا
مهدی منتظر گشته خونین جگر - گرید از سوز دل در عزای پدر
آه و وا ویلتا آه و وا ویلتا - آه و وا ویلتا آه و وا ویلتا
فاطمه در جان همچونی در فغان - وامصیبت که شد گلشن دین خزان

شعر از شیدا نیشابوری : یا امام العسکری

ای پریشان در عزایت مهر و ماه و مشتری - میچکد اشک از د و چشمان مقام رهبری
حضرت صاحب زمان ابن الامام العسکری - یا امام العسکری یا امام العسکری
از غمش غمخانه گشته ساحت دلهای ما - می رود بر کهکشانها لاله و غوغای ما
من چگویم کز جفا افتاده اند در بستری - یا امام العسکری یا امام العسکری
ای فرمان خدای خیل ملایک عسکرت - صد چو حاتم از سخاومت سر نهاده بردرت
بر سر هر شیعه تا روز قیامت افسری - یا امام العسکری یا امام العسکری
سامره با شد عزادار امام عسکری - دیده ها با شد گهر بار امام عسکری
می کند مهدی برایت تاابد نوحه گری - یا امام العسکری یا امام العسکری

شعر از محمد علی شهاب - درسامرا

درسامرا از داغ یارم گشته غوغا - کاید صدای ناله سوزان زهرا
رنگ شفق دارد رخ شمس هدایت - هادی دلها جان دهد در شهر غربت
رنگ شفق دارد رخ شمس هدایت - چون عسگری جان میدهد در شهر غربت
دیده فرو بسته امیدش یک نگاه است - تا که بیاید مادرش چشمش بر اه است
تا دیده بر رخسار نیلی اش گشاید - یا یک نظر بر چادر خاکی نماید
بیند اگر سیمای او جان می سپارد - جز این به قلبش آرزو دیگر ندارد
از سامرایش می رسد بوی مدینه - خود گر چه می سوزد زهر جور و کینه
زهر جفا کی عمر او را خاتمه داد - جان را ز داغ غصه های فاطمه داد

شعر دیگری از محمد علی شهاب

میرسد بوی خزان از نو بهار سامرا - رنگ پاییزی گرفته لاله زار سامرا
درغروب جانگذاز چهره خورشید عشق - سبزه برده از شفق سیمای بار سامرا
آنچنان که شهر غمها حلقه ماتم گرفت - گوئیا از کف رود دار و ندار سامرا
دست حسرت می زند برهم ز ماتم روزگار - گشته تیره از ستمها روزگار سامرا
قافله سالار محنت می زند با ننگ رحیل - کاروان غمگساران رهسپار سامرا
شعله ای که گشته برپا از مدینه در حرم - آمده از کربلا سوی دیار سامرا
کشتی نور و هدایت سوی ساحل آمده - فاطمه شد سوگوار بی قرار سامرا

شعر دیگر از محمد علی شهاب

امشب سفیر غمها بر جان ما بیاید - گویا صدای زهرا از سامرا بیاید
لشکر کشیده ماتم آید به همراه غم - بر روح و جان عالم رخت عزا بیاید
هر دیده ای چو زمزم گردد زغم دمام - بر قتل پور خاتم جام بلا بیاید
آن مرغ پر شکسته با سفر ببسته - دل بی قرار و خسته سوی خدا بیاید
ابن الرضای ثانی از ظلم ناکسانی - غمهای بی کرانی بر او چرا بیاید
در عسکری نشانی از ظلم ناکسانی - غمهای بی کرانی بر او چرا بیاید
آن یادگار زهرا مسموم زهرا عدا - آخر غریب و تنها سوی رضا بیاید
گویا به شام آخر از ره رسیده ما در - جاری است نهر کوثریا مرتضی بیاید

شعر دیگری از محمد علی شهاب

دل سامرا خون چکان از غمت - گرفته به دل آسمان ماتمت
دو عالم فدایت - بمیرم برایت - گل فاطمه - غریب و اماما - شهید و اماما - گل فاطمه
به شهری که بوی مدینه دهد - غمی شعله بر جان تو می زند
غریبی و تنها - به شهر ستمها - گل فاطمه - غریب و اماما - شهید و اماما - گل فاطمه
گمانم هر آنکس شود خون جگر - دلش تا مدینه زده بال و پر
تویی پور حیدر - که با ذکر مادر - کنی زمزمه - غریب و اماما - شهید و اماما - گل فاطمه
تو در حبس یک لشکر زنا لاله ای - به دل داغ یا رت شده لاله ای
غم لاله رویان - گرفته ز توجان - گل فاطمه - غریب و اماما - شهید و اماما - گل فاطمه

اشعار مدح و منقبت و شکوه از فراق امام زمان عج

شعر منم سرگشته ی حیرانت ای دوست از فایز دشتی

منم سرگشته ی حیرانت ای دوست - کنم یک باره جان قربانت ای دوست
تنی ناساز شوق وصل کویت - دهم سر بر سر پیمانت ای دوست
دلی دارم در آتش خانه کرده - میان شعله ها کاشانه کرده
دلی دارم که از شوق وصال - وجودم را ز غم ویرانه کرده
من آن آواره ی بشکسته حالم - ز هجرانت بُتارو بر زوالم
منم آن مرغ سرگردان و تنها - پریشان گشته شد یکباره حالم
سحر سر بر سر سجاده کردم - دعایی بهر آن دل داده کردم
ز حسرت ساغر چشمانم ای دوست - لبانت یکسره از باده کردم
دلالتا کی اسیر یاد یاری - ز هجر یار تا کی داغداری
بگو تاکی ز شوق روی لیلی - چو مجنون پریشان روزگاری
پریشانم پریشان روزگارم - من آن سرگشته ی هجر نگارم
کنون عمریست با امید وصال - درون سینه آسایش ندارم
ز هجرت روز و شب فریاد دارم - ز بیدادت دلی ناشاد دارم
درون کوهسار سینه ی خود - هزاران کشته چون فرهاد دارم
چرا ای نازنینم بی وفایی - دمادم با دل من در جفایی
چرا آشفته کردی روزگارم - عزیزم دارد این دل هم خدایی

شعر از حاج عبدالرضا هلالی : جلوه ای کن

بر سر کوی تو ای دوست مرا جایی نیست - در دل سوخته ام جز تو دل آرائی نیست
از درخویش مرا نم که مرا در همه عمر - بجز از دیدن روی تو تمنائی نیست
حلقه ی خانه ی احسان تو را می گویم - غیر این خانه مرا منزل و ماوایی نیست
در پی ات پرسه زنان در همه جامی کردم - هر کجا می نگرم از تو رد پائی نیست
همه جا اسم دلا را می شنوم - اسم تو هست ولی از تو مسمائی نیست
عشق را معنی بسیار نمودند ولی - عشق را غیر رخ ماه تو معنائی نیست
صبر هم خسته شد از صبر دل سوزانت - جلوه ای کن که دگر صبر و شکیبائی نیست

شعری دیگر از حاج عبدالرضا هلالی : ای یوسف زهرا

عمریست که سرگشته و حیران توهستم - آری ز همان روز ازل عهد بیستم

عهدی که همه زندگیم در گرو اوست - گر زنده ام و یک نفسی هست از اینروست
تیرت به هدف خورد شدم عاشق رویت - بیخود ز خودم گشتم و مدهوش زبویت
من عاشق روی تو ام ای یوسف زهرا - این نامه سربازی من را تو کن امضا
جانم بلب آمد بدلم باز نظر کن - از راه کویری دلم باز گذر کن
غیر تو دگر در دو جهان هیچ نخواهم - محتاج نگاه تو بود قلب سیاهم
طالب دل خود را به سر زلف تو بسته - ازدوری تو قامت او سخت شکسته

شعر از محمد علی شهاب : امیرکل هستی

سلام ای انتظار آفرینش - سلام ای آرزوی اهل بینش
سلام ای چشمها مشتاق رویت - سلام ای جامها مست سبویت
سلام ای جلوه زیبای ایزد - سلام ای گوهر والای سرمد
سلام ای چشم دل مست جمالت - سلام ای عقلها مات خصلت
سلام ای سینه ها سوزان آهت - سلام ای دیده ها محو نگاهت
سلام ای رمز فریاد گلوها - سلام ای منتها ی آرزوها
سلام ای عشق برناز تو محتاج - توئی چون کعبه ودلها چو حجاج
سلام ای آسمانها در نیازت - تمام اهل عالم در نمازت
دو چشمان سیاهت کعبه جان - در ابروی کمانت دیر مستان
توصیای که دلها شد به بندت - به تیر غمزه و زلف کمندت
به لبها شعر مستی را سرودی - به آن خال لب غوغا نمودی
بود برق نگاهت جلوه طور - دو چشم روشنت نور علی نور
تو خود نوری و خورشید آیه تو - تمام کهکشانها سایه تو
به دین و مذهب زیبا پرستی - توئی تنها امیر کل هستی
الا ای آنکه دل را میربائی - ندانستم که آخر در کجائی
کجائی ای نگاه آسمانی - زهر چه گویمت برتر ز آنی
هرآنچه حسن و خوبی برشماری - به تنهایی تمامی را تو داری

شعر از محمد علی شهاب : گل نرگس

جان و جانان من گل نرگس - راحت جان من گل نرگس
بی تو آرام جان قرار نیست - یار پنهنجان من گل نرگس
دیده بی سو شد از فراق تو - نور چشمان من گل نرگس
پیش پای تو خاک ره شوید - چشم گریان من گل نرگس

شمع یاد رخت به کنج دل - عشق سوزان من گل نرگس
 کی شوی میهمان قلبم ای - میر و سلطان من گل نرگس
 نام شیرین تو سحرگاهان - ذکر و قرآن من گل نرگس
 قلب من عرش پادشاهی است - ای سلیمان من گل نرگس
 در شب تاریک ظلمت هجران - ماه تابان من گل نرگس
 یاد رویت بود بهشت جان - باغ و رضوان من گل نرگس
 عشق تو مذهب همه مستان - دین و ایمان من گل نرگس
 لحظه دوری و وصال تو - درد و درمان من گل نرگس
 دادن جان برای دیدارت - کار آسان من گل نرگس
 هستی ام را بگیر و رخ بنما - جان و جانان من گل نرگس

شعر از محمد علی شهاب : مهدی بیا

هر دلی دارد نوا مهدی بیا - آید از هر سو نداه مهدی بیا
 گفته هر بلبل به امید وصال - ای گل از ما جدا مهدی بیا
 هر گل زیبا بروی شاخسار - گفته با باد صبا مهدی بیا
 بانسیم نوبهاری قاصدک - گوید ای روح صفا مهدی بیا
 ارغوان بانو گل نرگس بگفت - ای گل محبوب ما مهدی بیا
 بالهای خسته پروانه ها - گوید ای رمز شفا مهدی بیا
 آن یتیم بی کس و غمگین درد - گفته ای درد آشنا مهدی بیا
 همنوا با خضر و موسی و خلیل - گشته ذکر انبیا مهدی بیا
 کعبه گوید غمزده هر روز و شب - قبله و قبله نما مهدی بیا
 خاک پر خون و غم دشت بلا - ناله دارد نینوا مهدی بیا
 نوگل ویران نشین گوید حزین - اندر این شام بلا مهدی بیا
 راس غرق خون آن قاری عشق - گفته روی نیزه ها مهدی بیا
 آنکه می گوید غریب ما در - گفته اندر کربلا مهدی بیا
 یا س نیلوفر نشان مصطفی - پشت در دارد دعا مهدی بیا
 دستهای بسته ساقی عشق - ناله دارد بی صدا مهدی بیا
 ذوالفقار خسته نالدم بدم - ای عزیز مرتضی مهدی بیا
 هرا ما می گفته با چشمان تر - یادگار مصطفی مهدی بیا
 قرنهای بعد از امید و انتظار - عاقبت گوید خدا مهدی بیا

شعر از حاج عبدالرضا هلالی : الا مهدی

الا مهدی که بر من آه دادی - مرا در خانه خود راه دادی
 ز تو ممنونم از اینکه نشان - سر کویت بر این گمراه دادی
 گدای بی سرو پایم ولی تو - کنار خویش جای شاه دادی
 نشستی در کنار این گدایت - به این ذره جلال و جاه دادی
 خدارا شکر می گویم که بر من - دلی از عشق خود آگاه دادی
 میان جمع مستان نشاندی - به من هم زان می دلخواه دادی
 تشکر می کنم از تو که بر من - دل سوزان و اشک و آه دادی
 به قلبت ناله ام تاثیر کرد و - نشان بر من رخت ای ماه دادی
 بدست خویش دستم را گرفتی - ز احسانت نجات از چاه دادی
 ز کوه معصیتها یم گذشتی - عنایت بر پری از کاه دادی
 زدی بر پشت دستم داغ عشقت - لقب آواره ام آنگاه دادی

شعر از حاج عبدالرضا هلالی : عجل ظهورك

ای حجت حق مهدی زهرا کجائی - ای یوسف زهرا مه بطحا کجائی
 بر بنده عشقت نما یکدم عنایت - عبد ذ لیلست خسته شد مولا کجائی
 اندر فراقت عمر ما طی گشته ای دوست - خون شد زهجر روی تو دلها کجائی
 یاد تو هر دم شد ا نیس و مونس ما - بردی مگراز یاد خود ما را کجائی
 بین شیعیانت را غریب و بی کس و یار - عجل ظهورک یوسف زهرا کجائی
 هر کس دم از تو میزند باید بمیرد - اینست جرم ما در این دنیا کجائی

شعر از محمد علی شهاب : ای مه زیبا

گل نرگس دلربای من توئی - حرم عشق و صفای من توئی
 زالستم آشنای من توئی - ساقی جام و لای من توئی
 گل نرگس گل نرگس گل نرگس - بیایا بیایا بیایا بیایا
 به سرم آمد سر سودای تو - به فدای قامت رعنا ی تو
 همه دلها شده شیدای تو - به فدای خاک زیر پای تو
 گل نرگس گل نرگس گل نرگس - بیایا بیایا بیایا بیایا
 همه دم گویم گل طه بیایا - به فدایت ای مه زیبا
 به شفا ی این دل شیدا بیایا - ز نهان ای مه زیبا
 گل نرگس گل نرگس گل نرگس - بیایا بیایا بیایا بیایا

شهر بابل

بابل از باب ال به معنای دروازه خدا یا باب الله می باشد .

شهر باستانی بابل مرکز استان بابل و در ۹۵ کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد و از زمره شهرهای قدیمی و باستانی بین النهرین است و پایتخت سابق عراق بوده است که بعثت موقعیت سوق الجیشی آن در سال ۲۳۵ ساخته شده است و بعثت وجود معبد بزرگ به این نام مشهور شد .

مشهور است که بابل را ضحاک بیوراسب بنا نهاده است .

حضرت ابراهیم علیه السلام را در بابل به آتش افکندند .

دهکده بُرس تپه ای دارد بنام بورسیا به ارتفاع ۴۴ متر که از آجر ساخته شده است و به برج نمرود مشهور است و از این تپه نمرود حضرت ابراهیم را به آتش انداخت .

حرّاقه در شمال دهکده برس قرار دارد و محلّی است که نمرود آتش بسیار تهیّه کرد و حضرت ابراهیم علیه السلام را با منجنیق در آن آتش انداخت و امروزه نیز حرّاقه بگونه ای است که آثار آتش بر آن نمایان است .

تاریخ شهر بابل شاهد حکمرانی پادشاهان کنعانی ، حمورابی ، بخت النصر ، کورش کبیر ، اسکندر مقدونی و ویرانگری پادشاهان آشوری بوده است .

از مهمترین آثار باستانی بابل باب عشتار ، جنائن معلّقه (باغهای معلّقه) از عجائب هفتگانه معروف ، جاده پادشاهان ، دروازه زیبای شهر ، شیر سنگی ، کاخ و برج بابل و موزه آن می باشد.

حکایت: به فرمان نمرود، ابراهیم را زندانی نمودند، از هر سو اعلام شد که مردم هیزم جمع کنند، بت پرستان گروه گروه هیزم می آوردند و در آن جا می ریختند. روز موعود فرا رسید، نمرود با سپاه بی کران خود، در جایگاه مخصوص قرار گرفتند، در کنار آن بیابان، ساختمان بلندی برای نمرود ساخته بودند، نمرود بر فراز آن ساختمان رفت تا از همان بالا صحنه سوختن ابراهیم را بنگرد و لذت ببرد. هیزم ها را آتش زدند، شعله های آن به سوی آسمان سرکشید، آن شعله ها به قدری اوج گرفته بود که هیچ پرنده ای نمی توانست از بالای آن عبور کند، اگر عبور می کرد می سوخت و در درون آتش می افتاد. در این فکر بودند که چگونه ابراهیم را در درون آتش بیفکنند، شیطان یا شیطان صفتی به پیش آمد و منجنیقی ساخت و ابراهیم را در درون آن نهادند تا به وسیله آن او را به درون آتش پرتاب نمایند. جبرئیل در فضا نزد ابراهیم آمد و گفت: آیا به من نیاز داری؟ ابراهیم گفت: به تو احتیاجی ندارم، خدا کافی و کفیل من است. جبرئیل گفت پس از خدا بخواه تا نجات دهد حضرت ابراهیم گفت همین که او مرا در این حال می بیند کافی است. در همین لحظه فرمان الهی خطاب به آتش صادر شد: یا نازِ کونی بَرِ داوِ سلاماً علی اِبْراهِیمَ. آن همه آتش به گلستانی سبز و خرم مبدّل شد.

شهر حلّه

حلّه در نزدیکی شهر بابل بین راه بغداد و نجف و در فاصله ۸۰ کیلومتری بغداد قرار دارد حلّه یکی از شهرهای شیعه نشین عراق می باشد که سابقه تاریخی در ترویج اندیشه علمی اسلامی داشته است و دانشمندانی مانند علامه حلّی و محقق حلّی از این شهر می باشند .
اماکن زیارتی حلّه عبارتند از:

- ۱- آرامگاه حمزه از نوادگان حضرت عباس علیه السلام که حمزه بن قاسم بن علی بن حمزه بن حسن بن عبید الله بن ابوالفضل العباس علیه السلام مکتبی به ابوعلی در جنوب حلّه و در جزیره ای بین دجله و فرات است و در راه حلّه - دیوانیه قرار دارد و نزدیک مزیدیه یکی از روستاهای حلّه فیحاء جنوبی نزد قبایل بوسلطان است و به حمزه غربی نامیده می شود و در راه دیوانیه - رمیثه امام زاده دیگری است که به حمزه شرقی معروف است که آن امامزاده بزرگوار سید احمد بن هاشم بن علوی بن الحسین الغریبی البهرانی از نسل ابراهیم مجاب است . ۲- قاسم بن موسی الکاظم علیه السلام برادر امام رضا علیه السلام در شهر کوچک قاسم در حدود ۲۷ کیلومتری شمال شهر دیوانیه .
- ۳- حسین بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام ملقب به ذی الدّمعه یا ذی العبره در شهر حلّه .
- ۴- سید جمال الدّین احمد بن موسی بن جعفر علیه السلام برادر علی بن طاووس در حلّه سیفیه .
- ۵- عمر بن علی بن ابیطالب علیه السلام معروف به عمران که در جنگ نهروان مجروح شده بود در حلّه .
- ۶- ابراهیم احمرالعینین از نوه های امام حسن مجتبی علیه السلام . ۷- زید بن علی بن الحسین علیه السلام . ۸- حضرت ایوب علیه السلام در ۲۴ کیلومتری جنوب حلّه . ۹- ذی الکفل درکنارنهرالهندیه در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شهر حلّه . ۱۰- مشهد ردّالشمس که حضرت علی علیه السلام در بازگشت از جنگ صفین در این مکان ردّالشمس کردند . ۱۱- قبر ابوسعید ابوالخیر .
- ۱۲- رضی الدّین علی بن موسی ملقب بالطاووس مدفون در بستان خارج شهر حلّه . ۱۳- غیاث الدّین عبدالکریم بن احمد بن طاووس معروف به سیّد بن طاووس . ۱۴- نجم الدّین ابو القاسم جعفر بن حسن بن ابی ذکریا الحلّی ملقب بالمحقق صاحب الشّرایع . ۱۵- ابو عبدالله محمّد بن احمد بن ادريس الحلّی . ۱۶- و ز ا م بن ابی فراس بن ادريس . ۱۷- یوسف بن علی بن مطهر الحلّی .
- ۱۸- ابوطالب محمّد بن العلامه الحلّی ملقب بفخر المحققین . ۱۹- سید حیدر حلّی شاعر .

شهر بصره

بصره نخستین شهری است که در سال ۱۴ هـ ق در عراق بنا شده است و مرکز استان بصره است و شهری است بندری که در کنار اروندرود واقع است .

بنای شهر بصره در زمان عمر بن خطاب بدست عتبه بن غزوآن مازنی است .

جنگ جمل در شهر بصره بوقوع پیوسته است که ۱۷۰۰ نفر از لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شدند و ۱۳۰۰۰ نفر از لشکر عایشه کشته شدند که از جمله آنها طلحه و زبیر است .

اماکن شهر بصره : ۱- مسجد جامع بصره یا مسجد الامام علی علیه السلام که حضرت پس از جنگ جمل در آن نماز خواندند و این مسجد در بازار بزرگ بصره واقع شده و تاریخ بنای آن سال ۴۱ هـ ق که توسط سعد بن ابی وقاص ساخته شده . ۲- گورستان انس بن مالک که مقبره بسیاری از بزرگان در آن واقع است از قبیل طلحه بن عبید الله و شیخ خلیل بن احمد بصری نحوی عروضی و صدر الدین محمد بن ابراهیم مشهور به ملاصدرا و محمد بن سیرین بصری و فرزندق شاعر همام بن غالب المجاشعی مکنی به ابی فراس . ۳- مقبره انس بن مالک خادم پیامبر دروادی السباع شش فرسخی بصره . ۴- بقعه زبیر عوام در شرق کوت و نزدیک بازار الخضر در بخش الزبیر . ۵- مسجد الکوازه بنام محمد امین الکوازه شیخ طریقت قادریه است . ۶- سفیان ثوری که اخبار زیادی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده . ۷- حسن بصری که از زهاد ثمانیه است و از چهار نفری است که نه با معاویه بود و نه با امیرالمؤمنین علیه السلام . ۸- مالک بن دینار بصری از غلامان حضرت صادق علیه السلام . ۹- ابو محمد قاسم بن علی بصری حریری صاحب مقامات حریری . ۱۰- جریر بن عطیه شاعر . ۱۱- عبدالملک بن قریب اللغوی البصری الملقب بالاصمعی . ۱۱- حلیمه سعدیه مادر رضاعی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بصره ازدنیا رفته است .

شهر موصل

موصل در شمال عراق ۳۰۰ یا ۴۰۰ کیلومتری شمال بغداد واقع است . رود دجله از وسط شهر موصل عبور می کند. مرکز استان موصل شهر موصل است که استان نینوا هم گویند .

اسم قبلی شهر موصل نو اردشیر یا بو اردشیر بوده است . شهر موصل در زمان خلافت عمر بن خطاب در سال ۲۰ هـ ق فتح گردید . اماکن شهر موصل : ۱- الجامع الاموی که در سال ۲۰ هـ ق بدست عتبه بن فرقد السلمی ساخته شده و اکنون تنها گلدسته آن باقی مانده و در محل آن مسجد المصفاً ساخته شده. ۲- مسجد نوری معروف به الجامع الكبير و گلدسته الحدباء که گلدسته کج است. ۳- مسجد النبی جرجیس نزدیکی بازار الشعارین که داخل آن بقعه و ضریح حضرت جرجیس پیامبرع قرار دارد. ۴- مرقد عبدالله باهر بن امام علی بن الحسین علیه السلام در محله باب المسجد نزدیک تل کناس. ۵- یحیی بن قاسم بن حسن بن علی علیه السلام نزدیک با شطابیه در شمال شهر و کنار رود دجله. ۶- مرقد حضرت یونس علیه السلام بر روی تپه با ستانی مقابل صومعه یونان بن متی. ۷- حمام العلیل معروف به حمام علی در ۲۶ کیلومتری جنوب موصل با چشمه های آب معدنی. ۸- کلیساهای شمعون صفا در محله میاسه و مارالشعیا در محله راس الکور و قره قوش در ۳۵ کیلوی شرق موصل. ۹- معبد الشمس و معروف به الحضردرسه کیلومتری شمال غربی دریاچه الثرثار. ۱۰- شهر آشور در جنوب شهر موصل که پایتخت آشوریان بوده و بنام قلعه نشر فاطمه مشهور است. ۱۱- شهرکالج یکی دیگر از پایتختهای آشوریان در فاصله ۳۰ کیلومتری موصل و خرابه های آن بنام قرائب نمروود مشهور است. ۱۲- شهر نینوا یکی دیگر از پایتخت های آشوریان که در آن کاخها و معابد و مجسمه های خدایان به چشم می خورد .

چا ووشی رفتن وبازگشتن

شعرازمؤلف باقری پور چا ووشی رفتن به کربلا

هر که دلش پر می ز نه برای شهر کربلا - با سفر ببند و بیاد به همراه ماها
 هر که دلش محبت حسین و عباس و داره - بیاد بریم به کربلا در این سفر پازاره
 هر که میخواد که ببینه حریم و بینا لحر مین - هر که میخواد که ببینه حریم عباس و حسین
 هر که میخواد که ببینه محل قتلگاه - هر که میخواد که ببینه حریم مهر و ماه را
 هر که میخواد ببینه خیمه گاه و تل زینی - هر که میخواد بخوابه در کربلا یک دو شبی
 هر که میخواد ببینه آن ضریح شش گوش حسین - هر که میخواد ببینه آن مجمع شمشیر و سنین
 هر که میخواد ببینه آن محل نهر علقمه - آنجا که دست عباس و قلم نمود آن ظلمه
 هر که میخواد ببینه آن مزار پاک شهدا - تو حراما مام حسین آن قسمت پائین پا
 هر که میخواد که ببینه گهواره اصغر حسین - هر که میخواد ببینه آن خیمه اکبر حسین
 هر که میخواد که ببینه آنجا که کف العباسه - دستای باب الحوائج که بر سر کل الناس
 هر که میخواد که ببینه حال و هوای کربلا - هر که میخواد دیدن کنه از جای جای کربلا
 هر که میخواد زیارت امام حسین و بخونه - هر که میخواد از کربلا یک چیزهائی بدونه
 با سفر ببند و با ما بیاد به کربلا - که ما میریم با باقری پورسوی شهر کربلا

چا ووشی بازگشت زائرین عتبات عالیات

من خبر از روضه شیر خدا آورده ام - روی پرگرد و غبار از کربلا آورده ام
 بس که رخ مالیده ام بر روضه شاه نجف - بوی عطری از علی مرتضی آورده ام
 سر برهنه پا برهنه کربلا گردیده ام - من خبر از مجلس عیش و عزا آورده ام

.....

خرم آن بقعه که آرامگاه یار آنجا است - راحت جان و شفای دل بیماران آنجا است
 من در این جای همین صورت بی جانم و بس - دلم آنجا است که آن دلبر عیار آنجا است
 تنم اینجا است سقیم و دلم آنجا است مقیم - فلک اینجا است ولی کوکب سیار آنجا است
 درد دل پیش که گویم غم دل با که خورم - روم آنجا که مرا محرم اسرار آنجا است
 نکند میل دل من به تماشا ی چمن - که تماشا ی دل آنجا است که دلدار آنجا است
 سعدی این منزل ویران چه کنی جای تونیست - رخت بر بند که منزل لگه احرا آنجا است

ای زائر کوی عشق و ایمان چه خبر - از تربت گلگون شهیدان چه خبر

از شهر نجف که با رگه مولا ست - از کوفه و از غربت قرآن چه خبر
 زان چاه که بود محرم را ز علی - شب تا سحر از رنج فراوان چه خبر
 از مسجد سهله که جای پای مهدی است - از آن حرم غربت جانان چه خبر
 از دامن تلّ زینبیه که بلند - شد آه دل زینب و طفلان چه خبر
 از باغ بخون تشنه ی آل رسول - از زینب و از شام غریبان چه خبر
 زان خیمه که عصر روز عاشورا سوخت - از آتش دامن یتیمان چه خبر
 از سیلی و از صورت گلهای خزان - از آتش خیمه های سوزان چه خبر
 از علقمه و دست جدای عباس - از آب فرات و لب عطشان چه خبر
 گویند که جای پای زهرا آنجا است - از مادر و از پیکر عریان چه خبر

شعر از تابع: منتخب المصابیح ج ۲ ص ۲۵۳

الای آرزو مند ان چگویم من کجا رفتم - ز ملک و خانمان خود بسوی نینوا رفتم
 شدم وارد چو اندر کاظمین اوّل ز جان و دل - به پای بوس اما م هفتم و باب رضا رفتم
 تقی متقی و حضرت موسی بن جعفر را - زیارت کردم و آنکه بسوی کربلا رفتم
 رسیدم تا بدشت کربلای پربلایان - بیاد عابد بیما رسوی خیمه ها رفتم
 تمام خیمه ها خالی نه اکبر بود و نه اصغر - میان حمله قاسم عزیز مجتبی رفتم
 درو دیوار میگردید بر این داماد تا محشر - عروسی خانه بُد یا رب و یا بزم عزا رفتم
 بدر بار سپه سالار اعظم حضرت عباس - همان کودستهایش گشت از پیکر جدا رفتم
 مکان کشته ها و جای شیرفضّه را دیدم - به تلّ زینبیه با بیان التجا رفتم
 دعا کردم جمیع مؤمنین و مسلمین و آنکه - کنار مرقد حرّ از پی عفو خدا رفتم
 پس آنکه با دل بشکسته و با دیده گریان - کنار قتلگاه خسر و گلگون قبا رفتم
 نمودم چون حبیب بن مظاهر را سلام از جان - بسمت چپ به پای بوس شهیدان وفا رفتم
 فتاده غرق خون پائین پائین نعش علی اکبر - فغان کردم به وی بالای سربهدعا رفتم
 فشاندند اشک بر رخ برگلان فاطمه و آنکه - بدر بار نجف در نزد شاه اولیا رفتم
 بجا آوردم آن اعمال را در مسجد سهله - پس آنکه جانب باب علی مرتضی رفتم
 پس از آداب بسیاری که دارد مسجد کوفه - بدور آستان مسلم بی اقرار رفتم
 گرفتم درس عبرت از مزارهانی و مختار - چه در دارالاماره یعنی آن ویران سرا رفتم
 یتیمانی ز مسلم در کنار شط شده مدفون - ز راه کربلا بردیدن آن طفلها رفتم
 شبی ماندم سید محمد، زیارت کردم وزانجا - بسا مژا بپا بوس و آیات خدا رفتم
 ضریح عسکری و حضرت هادی ببوسیدم - پی رفع بلا سرداب ختم او صیا رفتم

زیارت چون نمودم جمله آن اعتبار اقدس را - ز دشت کربلا یکسرسوی شام بلا رفتم
 مجلل با رگه زینب کبری نظرکردم - ز بهر عبرت از ویرانی کاخ جفا رفتم
 سه ساله دختری بُد درخرا به از شه مظلوم - کنا ر مرقد آن بلبل بزم عزارفتم
 فغان میزد ددل میگفت هر دم عمه جان زینب - به جنت بال و پیرنگشوده زین دارفنا رفتم
 اگرچه درخرا به جان سپردم سربروی خشت - بنزد مادرم زهراسوی داربقا رفتم
 چه شبها بهربا با یم بهانه میگرفتم من - خدا را شکر نزد باب زین محنت سرا رفتم
 تو خود بستان ز ظالم ای خدا داد من مظلوم - گواهی با رخ نیلی ز جور اشقیا رفتم
 سپردم گوشه ویرانه جان شد مدفنم آباد - ز آه خود نمودم کاخ ظالم را فنا رفتم
 من ویران نشین پرونده ام با زاست تا محشر - نمودم داد خواهم قاضی روز جزا رفتم
 نمائنده غیر نام ننگ تابع از یزید شوم - به نیکی نام من ثبت است در هر دوسرا رفتم

شعر از باقری پور

من زانکوی عشق و ایمان بودم - بر تربت گلگون شهیدان بودم
 در شهر نجف که بارگاه مولا ست - در کوفه مکان عشق و ایمان بودم
 آن چاه که بود محرم را زعلی - شب تا سحر از رنج فراوان بودم
 در مسجد سهله که جای پای مهدی است - در آن حرم غربت جانان بودم
 آنجا که ز تل زینبیه است بلند - آه دل زینب و دوظفان بودم
 در باغ گلان تشنه آل رسول - در خیمه گه شام غریبان بودم
 آن خیمه که عصر روزعا شوراسوخت - آتش که بدامان یتیمان بودم
 در علقمه و دست جدای عباس - از آب فرات و لب عطشان بودم
 کردم ز برای دوستان زیارت آنجا - با ذکر و دعا و ورد و قرآن بودم
 اندر نظرم بود تمام یاران - با باقری و جمع عزیزان بودم

شعر از باقری پور

ما پیام آورده ایم از سرزمین کربلا - سرزمین کربلا یعنی غم و رنج و بلا
 ما پیام آورده ایم از قتلگاه شاه دین - آن مکان که کشته شد آن قبله اهل یقین
 ما پیام آورده ایم از تل و هم از خیمه گاه - خیمه ای کا تش زدند آن شامیان روسیه
 از کنا رنهر علقم ما پیام آورده ایم - از زمین اشک و ماتم ما پیام آورده ایم
 مهدا صغریده ایم و کف عباس جوان - قبرشش گوش حسین و اکبر رعنای جوان
 جای هفتاد و دوتن پائین پای شاه دین - دیده و بوسیده ایم جای تمام مؤمنین
 دو حرم دوبارگاه و دوضریح با صفا - یک ابا الفضل یک حسین است آن دویار با وفا

يك طرف آقا ابا الفضل يك طرف مولا حسين - آن يكي با ب الحوائج اين شفيع عالمين
جايتان خالی در آن صحن وسرا وبا رگا ه - ما زيارت کرده ايم آنجا به هر شام و پگاه
با دل غمگين از آن صحن وسرا برگشته ايم - زين زيارت با صفا و دل منورگشته ايم
زين سفرما با دل غمگين و نالان آمديم - قلب سوزان اشك ريزان ديده گريان آمديم
با رالها كن قبولت اين زيارت را زما - كن نصيب با قري هم اين سفرما نند ما

شعر از باقری پور - رباعیات یا دوبیتیها

اول به مدینه مصطفی را صلوات - دوم به نجف شیر خدا را صلوات
سوم به بقیع و چار امام معصوم - چارم به حسین و کربلار ا صلوات
اول به مدینه مصطفی را صلوات - دوم به خراسان و رضا را صلوات
سوم به قم و حضرت معصومه پاك - چارم به حسین سر جدارا صلوات
اول به مدینه مصطفی را صلوات - دوم به علی مرتضی را صلوات
سوم به امام مهدی آن صاحب ما - چارم به شهید کربلار ا صلوات
اول به مدینه مصطفی را صلوات - دوم به ائمه ی هدی را صلوات
سوم به ولی عصر آن حجت حق - چارم به شه طوس رضارا صلوات
حاجی ز حج آمده کنون با برکات - ریزید به پاس مقدمش نقل و نبات
گوئید برای خیر مقدم این حاجی - بفرست مدام بر محمد صلوات
حجاج که از مدینه باز آمده اند - از نزد ائمه حجاز آمده اند
دیدند بقیع و چار امام معصوم - کردند دعا و سرفراز آمده اند
حجاج بدست يك ورق آمده اند - از حج و طواف و بیت حق آمده اند
دارند بدست نامه ی بخشش زگناه - بالطف خدا رب فلق آمده اند
حجاج کنون بری زهر جرم و خطا - از رحمت حق دیده بسی لطف و عطا
برگشته ز حج سوی وطن آمده اند - دارند ز این سفر بسی خاطره ها
حجاج کنون بخانه باز آمده اند - با حج و زکوة و بانماز آمده اند
دیدند صفا و مروه و بیت خدا - از بیت خدا چه سرفراز آمده اند
حجاج پس از شعور مشعرو صدق صفا - اندر عرفات دیده عرفان و وفا
اکنون بسوی وطن چه شاد آمده اند - گشتند کنون بری زهر ظلم و جفا

خاتمه در آداب سفرو زیارت

در آداب سفر

چون اراده سفر کنی سزاوار آن است که روزه بداری روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را و اختیار نمایی روز شنبه را یا روز سه‌شنبه را یا روز پنجشنبه را و اجتناب کن از سفر کردن در روز دوشنبه و چهارشنبه و پیش از ظهر روز جمعه و از سفر کردن در این ایام که در این نظم واقع شده (هفت روزی نحس باشد در مہی - زان حذر کن تا نیابی هیچ رنج - سه و پنج و سیزده با شانزده - بیست و یک با بیست و چار و بیست و پنج) از بعضی روایات نقل شده که بیست و یکم سفر کردن خوب است و در روز هشتم و بیست و سوم خوب نیست و سفر مکن در محاق شهر و در حالی که قمر در برج عقرب باشد و اگر ضرورتی حاصل شود برای سفر کردن در این اوقات دعا‌های سفر را بخوان و تصدق کن و هر وقت که خواهی به سفر رو. و روایت شده که: مردی از اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السلام اراده سفری کرد خدمت آن حضرت رسید تا وداع کند با آن جناب حضرت به او فرمود که پدرم علی بن الحسین علیه السلام هرگاه اراده می‌نمود که بیرون رود بسوی بعضی املاک خود می‌خرد سلامتی خود را از خدا به آنچه آسان بود برای او یعنی به دادن صدقه به هر چه که ممکن بود و این در وقتی بود که پای خود را در رکاب می‌گذاشت و چون بسلامت از سفر مراجعت می‌کرد شکر می‌کرد خدا را و تصدق می‌داد به آنچه که ممکن بود. آن مرد وداع کرد و رفت و بجا نیاورد آنچه را که آن حضرت فرموده بود پس هلاک شد در راه. این خبر به امام محمد باقر علیه السلام رسید فرمود این مرد پند داده شد اگر می‌پذیرفت.

و سزاوار است که پیش از متوجه شدن به سفر غسل بکنی پس جمع می‌کنی اهل خود را نزد خود و دو رکعت نماز می‌گذاری و از خدا خیر خود را سؤال می‌نمایی و آیه الکرسی می‌خوانی و حمد و ثنای الهی بجا می‌آوری و صلوات بر حضرت رسول و آل او صلوات الله علیهم می‌فرستی و می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتُوْدِعُكَ الْیَوْمَ نَفْسِیْ وَ اَهْلِیْ وَ مَالِیْ وَ وُلْدِیْ وَ مَنْ کَانَ مِنْنِیْ بِسَبِیْلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَ الْغَائِبِ اَللّٰهُمَّ اَحْفَظْنَا بِحِفْظِ الْاِیْمَانِ وَ اَحْفَظْ عَلَیْنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِی رَحْمَتِكَ وَ لَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ اِنَّا اِلَیْكَ رَاغِبُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ وُغْثِ السَّفَرِ وَ کَاثِبَةِ الْمُتَقَلِّبِ وَ سُوءِ الْمُنْتَظَرِ فِی الْاَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتُوْجِّهُ اِلَیْكَ هَذَا التَّوَجُّهَ طَلَبًا لِمَرْضَاتِكَ وَ تَقَرُّبًا اِلَیْكَ فَبَلِّغْنِیْ مَا اُوْمَلُّهُ وَ اَرْجُوْهُ فِیْكَ وَ فِیْ اَوْلِیَائِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. پس وداع کن اهل خود را و برخیز و بر در خانه بایست و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بخوان و سوره حمد را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ بخوان و همچنین آیه الکرسی را از سه جانب بخوان و بگو: اَللّٰهُمَّ اِلَیْكَ وَجَّهْتُ وَجْهَیْ وَ عَلَیْكَ خَلَّفْتُ اَهْلِیْ وَ مَالِیْ وَ مَا حَوَّلْتَنِیْ وَ قَدْ وَثَّقْتُ بِكَ فَلَا تُخِیْبْنِیْ یَا مَنْ لَا یُخِیْبُ مَنْ اَرَادَهُ وَ لَا یَضِیْعُ مَنْ حَفِظَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنِي فِيمَا غِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. «الدعاء» پس بخوان سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را يازده مرتبه و سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و آية الكرسي و سوره قل أَعُودُ بِرَبِّ النَّاسِ و قل أَعُودُ بِرَبِّ الْفَلَقِ پس دست بر جميع بدن خود بمال و تصدق کن به هر چه میسر باشد و بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَ سَلَامَةَ سَفَرِي وَ مَا مَعِيَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ. و با خود بردار عصایی از چوب درخت بادام تلخ که (روایت شده که: هر که به سفری رود و با خود بردارد عصای بادام تلخ و بخواند وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ تَا وَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ. در سوره قصص «آیه ۲۲ تا ۲۸» «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرُ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجَ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ» حق تعالی او را ایمن گرداند از هر سبع درنده و از هر دزد ظلم کننده و از هر حیوان صاحب زهری تا به خانه خود بر گردد و با او باشد هفتاد و هفت ملک که طلب آمرزش کند برای او تا برگردد و عصا را بگذارد) و سنت است که با عمامه بیرون روی و سر عمامه در زیر حنک بگردانی تا اینکه به تو آسیبی نرسد از دزد و غرق شدن و سوختن و قدری از تربت امام حسین علیه السلام با خود بردار و در وقت برداشتن بگو: اللَّهُمَّ هَذِهِ طِينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام وَلِيكَ وَ ابْنِ وَلِيكَ إِتَّخَذْتُهَا حِزًّا لِمَا أَخَافُ وَ مَا لَا أَخَافُ. و با خود بردار انگشتر عقیق و فیروزج و خصوص انگشتری که عقیق آن زرد باشد و بر یک طرفش نقش باشد مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ و بر طرف دیگرش محمد و علی (سید بن طاوس در امان الاخطار روایت کرده از ابو محمد قاسم بن علا: از صافی خادم امام علی النقی علیه السلام که گفت رخصت طلبیدم از آن حضرت که به زیارت جدش امام رضا علیه السلام بروم فرمود که با خود انگشتری داشته باش که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ باشد و بر روی دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشند چون این انگشتر را با خود داری امان یابی از شر دزدان و راهزنان و برای سلامتی تو تمامتر است و دین ترا حفظ کننده تر است خادم گوید بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرمود بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم چون وداع آن حضرت کرده برگشتم و دور شدم فرمود که مرا برگردانند چون برگشتم فرمود ای صافی گفتمم لَبَّيْكَ یا سَيِّدِي فرمود که انگشتر فیروزه هم باید با خود

داشته باشی به درستی که میان طوس و نیشابور شیری برخواهد خورد به تو و قافله را منع خواهد کرد از رفتن تو پیش برو و این انگشتر را به شیر بنما و بگو مولای من می گوید که دور شو از راه و باید که بر یک طرف نگین فیروزه **اَللّهُ الْمَلِكُ** نقش کنی و بر طرف دیگر **اَللّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ** زیرا که نقش انگشتر امیر المؤمنین علیه السلام **اَللّهُ الْمَلِكُ** بود چون خلافت بر آن جناب برگشت **اَللّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ** نقش کرد و نگینش فیروزه بود و چنین نگین امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه می شود در جنگها، صافی گوید که رفتم به سفر و به خدا سوگند در همان مکان که حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد و آنچه فرموده بود به عمل آوردم و شیر برگشت، چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود به خدمت آن جناب عرض کردم فرمود که یک چیز ماند نگفتی اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقای من شاید فراموش کرده باشم، فرمود که شبی در طوس نزدیک قبر شریف شب را به سر می بردی گروهی از جنیان زیارت قبر آن حضرت آمده بودند آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند پس آن را از دست تو بدر آورده بردند به نزد بیماری که داشتند و آن انگشتر را در آبی شسته آن آب را به بیمار خود خورانیدند و بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو در دست راست کرده بودی ایشان در دست چپ تو کردند تو از این مطلب تعجب بسیار کردی و سبب آن را ندانستی و نزدیک سر خود یاقوتی یافته برداشتی و الحال همراه تو است ببر به بازار و آن را به هشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیه آن جنیان است که برای تو آورده بودند خادام گفت یاقوت را به بازار بردم و به هشتاد اشرفی فروختم همچنان که سیدم فرموده بود) (و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: کسی که بخواند آیه الكرسي را در سفر در هر شب سالم بماند و سالم بماند آنچه با او است و بگوید: **اَللّهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عَيْرًا وَ صَمْتِي تَفَكُّرًا وَ كَلَامِي ذِكْرًا**) و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مروی است که فرمود: من پروا نمی کنم هر گاه بگویم این کلمات را اگر جمع شوند برای ضرر من جن و انس **بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِنَ اللّهِ وَ اِلَى اللّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللّهِ اَللّهُمَّ اِلَيْكَ اَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ اِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ اِلَيْكَ قَوَّضْتُ اَمْرِي فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ اَدْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.**

ذکر چند ادب برای مسافر

اول: آنکه سزاوار است برای شخص هرگاه سوار می شود **بِسْمِ اللّهِ** را ترك نکند
دوم: آنکه نفقه خود را حفظ کند و در جای محکم بگذارد زیرا که (روایت شده که: از فقه مسافر است حفظ کردن نفقه خود)

سوم: آنکه در سفر اعانت رفقا کند و از خدمت و کار کردن در حوائج ایشان مضایقه نکند تا حق تعالی برطرف کند از او هفتاد و سه اندوه و پناه دهد او را در دنیا از هم و غم و برطرف کند از او اندوه بزرگ روز قیامت را (و روایت است که: حضرت امام زین العابدین علیه السلام سفر نمی کرد مگر با اشخاصی که شناسند آن حضرت را برای آنکه در راه اعانت آنها نماید زیرا که هر گاه می شناختند آن جناب را نمی گذاشتند که آن حضرت کاری بکند) و از اخلاق شریفه حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که وقتی با اصحاب در سفر بود خواستند گوسفندی بکشند یکی گفت کشتن گوسفند با من دیگری گفت کندن پوست او با من و دیگری گفت پختن او با من حضرت فرمود جمع کردن هیزمش با من گفتند یا رسول الله این کار را ما خواهیم کرد شما زحمت نکشید فرمود می دانم شما این کار را خواهید کرد لکن من خوشم نمی آید که از شما امتیازی پیدا کنم زیرا که حق تعالی کراهت دارد که ببیند بنده خود را که فضیلت داده خودش را به رفقایش، و بدان که ثقیلترین مردم در سفر نزد رفقا آن کسی است که با آنکه اعضایش صحیح و سالم است تنبلی می کند و مشغول کاری نمی شود و منتظر است که رفقای او کارهای او را بکنند

چهارم: آنکه مسافر مصاحبت کند با کسی که نظیر او باشد در انفاق کردن

پنجم: آنکه نیشامد از آب هر منزلی مگر بعد از آنکه ممزوج کند او را به آب منزل قبل و شایسته و لازم است برای مسافر که با خود بردارد از خاک بلد خویش و از طینتی که تربیت بر آن شده است و هر منزلی که وارد می شود مقداری از آن خاک بریزد در ظرف آب خود و آن را حرکت دهد پس بگذارد تا آب صاف شود آن وقت بنوشد

ششم: آنکه اخلاق خود را نیکو کند و حلم را زینت خود کند و بیاید در آداب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام آنچه مناسب اینجا است

هفتم: آنکه توشه از برای سفر خود بردارد و از شرف آدمی است که توشه خود را نیکو گرداند بخصوص در سفر مکه، بلی در سفر زیارت امام حسین علیه السلام توشه را از چیزهای لذیذ قرار دادن مانند بریانی و حلواها و غیره محبوب نیست، چنانکه این مطلب در باب زیارت آن حضرت است و ابن اعسم گفته (مَنْ شَرَفِ الْإِنْسَانَ فِي الْأَسْفَارِ تَطْيِيبُهُ الرَّادَّ مَعَ الْإِكْثَارِ وَ لِيُحْسِنَ الْإِنْسَانُ فِي خَالِ السَّفَرِ أَخْلَاقَهُ زِيَادَةً عَلَى الْحَضَرِ وَ لِيَدْعُ عِنْدَ الْوَضْعِ لِلْخَوَانِ مَنْ كَانَ حَاضِرًا مِنَ الْإِخْوَانِ وَ لِيَكْثِرَ الْمَرْحُ مَعَ الصَّحْبِ إِذَا لَمْ يَسْخِطِ اللَّهُ وَ لَمْ يَجْلِبْ أَذَى مَنْ جَاءَ بَلَدَهُ فَذَا صَبَفَ عَلَى إِخْوَانِهِ فِيهَا إِلَى أَنْ يَرْحَلَ يَبْرُ لِبَلَّتَيْنِ ثُمَّ لِيَأْكُلَ مِنْ أَكْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ)

هشتم: آنچه خیلی مهم است در سفر مراعات آن محافظت بر نمازهای فریضه است که بجا آورده شود با شرایط و حدود در اوایل اوقات چه آنکه بسیار مشاهده شده از حجاج و زوار که در طریق مسافرت ضایع کردند نمازهای فریضه خود را بجهت آنکه در وقت بجا نیاورند یا بجا آوردند سواره و

در محمل یا با تیمم یا با نجاست بدن یا جامه و امثال اینها که تمام از بی مبالاتی و استخفافشان به شأن نماز بوده و حال آنکه (در روایت است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: نماز فریضه بهتر است از بیست حج و یک حج بهتر است از خانه ای که پر از طلا باشد و آن طلاها را تصدق دهند تا تمام شود) و ترك مکن بعد از نمازهای مقصوره گفتن سی مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ را که تاکید در آن وارد شده است

آداب زیارت

و آن بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می شود

اول: غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت

دوم: ترك کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه

سوم: غسل برای زیارت هر امامی و آنکه بخواند دعای وارده آن را و بیاید آن در اول زیارت وارث

چهارم: طهارت از حدث کبری و صغری

پنجم: پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و نو و نیکو است سفید بودن رنگ آن

ششم: در وقت رفتن به روضه مقدسه گامها را کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار سیر نمودن و خاضع

و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات ننمودن

هفتم: خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام حسین علیه السلام

هشتم: در وقت رفتن به حرم مطهر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید

مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد عليهم السلام دهان را معطر نمودن

نهم: بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و

شکستگی خاطر نمودن به تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و اینکه می

بیند ایستادن او را و می شنود کلام او را و جواب می دهد سلام او را چنانچه به همه اینها شهادت

می دهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبیر در محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و

تأمل در خرابیهای حال خود و خلافتها که به آن بزرگواران کرده و فرموده های بی حد که از ایشان

نشنیده و آزارها و اذیتها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به

آزردن ایشان است و اگر برآستی در خود نگرد قدمهایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و

چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است و شایسته است در اینجا ذکر کنیم اشعار سخاوی و

روایتی را که علامه مجلسی رحمه الله علیه در بحار از کتاب عیون المعجزات نقل فرموده اما اشعار

سخاوی که شایسته است در آن حال تمثل به آنها این است (قَالُوا غَدًا نَأْتِي دِيَارَ الْحِمَى وَيُنْزِلُ الرِّكْبُ

بِمَعْنَاهُمْ فَكُلُّ مَنْ كَانَ مُطِيعًا لَهُمْ أَصْبَحَ مَسْرُورًا بِلِقْيَاهُمْ قُلْتُ فَلْيَ ذَنْبٌ فَمَا حِيلَتِي بِأَيِّ وَجْهِ أَتَلَقَّاهُمْ

قَالُوا أَلَيْسَ الْعَقُوْ مِنْ شَأْنِهِمْ لَا سِيَّمَا عَمَّنْ تَرْجَاهُمْ فَجِئْتُهُمْ أَسْعَى إِلَى بَابِهِمْ أَزْجُوهُمْ طَوْرًا وَ أَحْشَاهُمْ) و نیز شایسته است متمثل شود به این اشعار (هَا عَبْدُكَ وَاقِفٌ ذَلِيلٌ بِالبَابِ يَمُدُّ كَفَّ سَائِلٍ قَدْ عَزَّ عَلَى سُوءِ حَالِي مَا يَفْعَلُ مَا فَعَلْتُ عَاقِلٌ يَا أَكْزَمَ مَنْ رَجَاهُ رَجَعَ عَنْ بَابِكَ لَا يَزِدُّ سَائِلًا) و هم بگوید (شاهای چه تو را سگی نباید - گر من بوم آن سگ تو شاید - هستم سگکی ز حبس جسته - بر شاخ گل هوات بسته - خود را به خودی کشیده از جُل - پیش تو کشیده از سر دُل - افکن نظری بر این سگ خویش - سنگم مزین و مرانم از پیش) و اما آن روایت شریف چنین است که وقتی ابراهیم جَمَال که یکی از شیعیان بوده خواست خدمت علی بن یقطین رضی الله عنه برسد چون ابراهیم ساربان بود و علی بن یقطین وزیر هارون رشید بود و به حسب ظاهر شأن ابراهیم نبود که در مجلس علی وارد شود لهذا او را راه نداد اتفاقاً در همان سال علی بن یقطین به حج مشرف شد در مدینه خواست خدمت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مشرف شود حضرت او را راه نداد روز دَوَم در بیرون خانه علی آن حضرت را ملاقات نمود عرضه داشت که ای سید من تقصیر من چه بوده که مرا راه ندادید فرمود به جهت آنکه راه ندادی برادرت ابراهیم جَمَال را و حق تعالی ابا فرموده از آنکه سعی تو را قبول فرماید مگر بعد از آنکه ابراهیم تو را عفو نماید علی گفت گفتم ای سید و مولای من ابراهیم را من در این وقت کجا ملاقات کنم من در مدینه ام و او در کوفه است فرمود هر گاه شب داخل شود تنها برو به بقیع بدون آنکه کسی از اصحاب و غلامان تو بفهمد در آنجا شتری زین کرده خواهی دید آن شتر را سوار می شوی و به کوفه می روی علی بن یقطین شب به بقیع رفت و همان شتر را سوار شد به اندک زمانی در خانه ابراهیم جَمَال رسید شتر را خوابانید و در را کوید ابراهیم گفت کیست گفت علی بن یقطینم ابراهیم گفت علی بن یقطین بر در خانه من چه می کند فرمود بیرون بیا که امر من عظیم است و قسم داد که او را اذن دخول دهد چون داخل شد گفت ای ابراهیم آقا و مولی ابا فرمود که عمل مرا قبول نماید مگر آنکه تو از من بگذری گفت غفر الله لك پس علی بن یقطین صورت خود را بر خاک گذاشت و ابراهیم را قسم داد که پا روی صورت من گذار و صورت مرا زیر پای خود بمال ابراهیم امتناع نمود علی او را قسم داد که چنین کند پس ابراهیم پا به صورت علی بن یقطین گذاشت و رخ او را زیر پای خود بمالید و علی می گفت اَللّهُمَّ اَشْهَدْ بار الهی تو شاهد باش پس بیرون آمد و سوار شد و همان شب به مدینه برگشت و شتر را بر در خانه حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام خوابانید آن وقت حضرت او را اذن داد بر آن جناب وارد شد و حضرت از او قبول فرمود) از ملاحظه این خبر معلوم می شود که حقوق اخوان به چه اندازه است

دهم : بوسیدن عتبه عالیّه و آستانه مبارکه است و شیخ شهید رحمة الله علیه فرموده که اگر زیارت کننده سجده کند و نیت کند که از برای خدا سجده می کنم به شکر اینکه مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود

یازدهم: مقدّم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدّم داشتن پای چپ در وقت بیرون آمدن مانند مساجد

دوازدهم: رفتن به نزد ضریح مطهر به نحوی که خود را بتواند به آن بچسباند و توهّم آنکه دور ایستادن ادب است و هم است زیرا که وارد شده تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن سیزدهم: در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منور ایستادن و ظاهراً این ادب مختص به معصوم است و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرع دعا کند پس گونه چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حق صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و مبالغه کند در دعا و الحاح پس برود به سمت سر مطهر و رو به قبله بایستد و دعا کند

چهاردهم: ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها پانزدهم: گفتن تکبیر در نزد دیدن قبر مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت (و در خبری است که: هر که تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ نُوشْتَه شود برای او رضوان الله الاکبر)

شانزدهم: خواندن زیارات مأثوره وارده از سادات ائمه علیهم السلام و ترک خواندن زیارتهای مخترعه که بعضی بیخردان از عوام آنها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته (شیخ کلینی رحمه الله علیه روایت کرده از عبد الرحیم قصیر که گفت: وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و گفتم فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم فرمود واگذار مرا از اختراع خود هر گاه ترا حاجتی روی دهد پناه بر به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را بسوی آن حضرت) إلخ

هفدهم: بجا آوردن نماز زیارت و اقل آن دو رکعت است شیخ شهید فرموده که اگر زیارت برای پیغمبر است نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه است در بالای سر بجا آورد و اگر بجا آورد آن دو رکعت را در مسجد مکان یعنی مسجد حرم جایز است و علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که نماز زیارت و غیر آن را به گمان فقیر در پشت سر و بالای سر کردن بهتر است و علامه بحر العلوم نیز در دره فرموده (رَوِيَ حَدِيثُ كَرْبَلَا وَ الْكَعْبَةِ لِكَرْبَلَا بَانَ غُلُو الرُّثْبَةِ وَ غَيْرَهَا مِنْ سَائِرِ الْمَشَاهِدِ أَمْثَالُهَا بِالنَّقْلِ ذِي الشَّوَاهِدِ وَ رَاعٍ فِيهِنَّ اقْتِرَابَ الرَّمْسِ وَ آثِرِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الرَّأْسِ وَ صَلَّ خَلْفَ الْقَبْرِ فَالصَّحِيحُ كَغَيْرِهِ فِي نَذْبِهَا صَرِيحٌ وَ الْفَرْقُ بَيْنَ هَذِهِ الْقُبُورِ وَ غَيْرِهَا كَالنُّورِ فَوْقَ الطُّورِ فَالسَّعْيُ لِلصَّلَاةِ عِنْدَهَا نَذِبٌ وَ قُرْبُهَا بِلِ الصُّوقِ قَدْ طُلِبَ)

هیجدهم: خواندن سوره یس در رکعت اوّل و سوره الرحمن در رکعت دوّم اگر برای آن زیارتی که نماز آن می خواند کیفیت مخصوصی ذکر نفرموده باشند و آنکه دعا کند بعد از نماز به آنچه وارد شده

یا به آنچه در خاطر او می‌رسد برای دین و دنیای خود و تعمیم دهد در دعا زیرا که آن به اجابت نزدیکتر است

نوزدهم: شیخ شهید رحمة الله علیه فرموده که کسی که داخل حرم مطهر شود و ببیند که نماز جماعت منعقد شده است ابتدا به نماز کند پیش از آنکه زیارت کند و همچنین ترك کند زیارت را و داخل نماز شود اگر وقت نماز شده و اگر نه ابتدا کردن به زیارت اولی است چه آن غایت مقصد او است و اگر در بین زیارت نماز بپا شد مستحب است از برای زائران که زیارت را قطع کنند و روی آورند به نماز و کراهت دارد ترك آن و بر ناظر حرم است که مردم را امر کند به نماز بیستم: شیخ شهید رحمة الله علیه از جمله آداب زیارت شمرده تلاوت کردن قرآن نزد ضرایح مطهره و هدیه کردن آن را به روح مقدس مزور و نفع آن به زیارت کننده عاید می‌شود و متضمن تعظیم مزور است

بیست و یکم: ترك نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و اشتغال به صحبت‌های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است خصوص در این بقاع مطهره و قباب سامیه که خدای تعالی خبر می‌دهد از بزرگی و جلالت آنها در سوره نور فی یُیوتُ اَذِنَ اللّهُ اَنْ تُرْفَعَ الایة

بیست و دوّم: بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت چنانچه در هدیه الزائرین ذکر کردم بیست و سوّم: وداع کردن امام علیه السّلام را در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به مأثور یا به غیر آن

بیست و چهارم: توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه دارا بود پیش از زیارت

بیست و پنجم: انفاق کردن به قدر میسر بر خادمان آستانه شریفه و سزاوار است که خدام آن محل شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروت باشند و تحمل نمایند آنچه از زائرین می‌بینند و خشم خود را بر آنها فرو نشانند و غلظت و درشتی بر آنها ننمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و غربا را راهنمایی و دلالت کنند اگر راه مقصد را گم نمایند و بالجملة بایست خدام را که به حقیقت و راستی مشغول شوند در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره

بیست و ششم: انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین متعففین بلد امام علیه السّلام خصوصاً سادات و اهل علم و منقطعین که به مرارت غربت و تنگدستی مبتلا و همواره علم تعظیم شعائر الله را برپا نموده و دارا هستند جهاتی را که ملاحظه هر يك از آنها کافی است در لزوم اعانت و رعایت بیست و هفتم: شیخ شهید فرموده که از جمله آداب تعجیل کردن در بیرون رفتن است در وقتی که درك کرد حظ خود را از زیارت برای مزید تعظیم و احترام و شدّت شوق به رجوع و نیز فرموده که در

وقتی که زنها می‌خواهند زیارت کنند بایست که خود را جدا کنند از مردان و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که تغییر وضع کنند یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و شناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگر چه مکروه است مؤلف گوید از این کلمات معلوم شد کثرت قبح و شناعة آنچه متعارف شده فعلا که زنها به اسم تشرف به زیارت خود را آرایش نموده با لباسهای نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند و در حریمهای مطهره مزاحمت با نامحرمان نموده و فشار به بدنهای ایشان داده یا خود را متصل به ضریح مطهره نموده یا در قبله مردمان نشسته مشغول به زیارت خواندن شده و حواس مردم را پریشان نموده عباد آن محل را از زائرین و نماز گزارندگان و متضرعین و گریه‌کنندگان از کار خود باز داشته و داخل در زمره صادّین عن سبیل الله شده‌اند به غیر ذلك و فی الحقیقة بایست این زیارت از آن زنها از منکرات شرع شمرده شود نه عبادات و داخل در موبقات شود نه قربات (از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود یا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبَيِّنُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يَوَافِقْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ أَيْ اهل عراق بمن خبر رسیده که زنها شما می‌رسند بمردها در راه یعنی برمی‌خورند بنامحرمان در کوچه و بازار آبیاری نمی‌کنید شماها وَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ وَفِي الْفَقِيهِ رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ اقْتِرَابُ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنَةِ نِسْوَةُ كَاشِفَاتِ عَارِيَّاتِ مَتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحْلَاتِ الْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتِ).

بیست و هشتم: سزاوار است وقتی که زوار بسیار است کسانی که سبقت بضریح گرفته اند تخفیف دهند زیارت را و بیرون روند تا دیگران نیز مثل آنها بقرب ضریح فائز گردند

قصد نیابت در زیارت

مناسب است که قبل از شروع به خواندن زیارتنامه این فقرات که نیابت از پدر، مادر، زوج، زوجه، ابناء، بنات، احوال، خالات، اعمام، عمات، اجداد، جدات، دوستان، همسایگان و کسانی که التماس دعا گفته اند است خوانده شود.

أَزُورُ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ «نام امامی که زیارت میشود» عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ وَزَوْجَتِي وَأَطْفَالِي وَإِخْوَتِي وَأَخَوَاتِي وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي وَأَخْوَالِي وَخَالَاتِي وَأَجْدَادِي وَجَدَّاتِي وَأَصْدِقَائِي وَجِيرَانِي وَمُتَعَلِّقِيهِمْ وَذَرَارِيهِمْ وَمَنْ أَوْصَانِي بِالدُّعَاءِ وَقَلَّدَنِي الزِّيَارَةَ وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ سَيِّمًا ذَوِي الْحُقُوقِ قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سپاس خدای را که برینده خودمنت گذاشت و اورا با علم و عقل و منطق و بیان بیاراست و وسیله ای را بنام قلم در اختیار او قرار داد و امروزه با استفاده از علوم و فنون جدید قلم و حافظه رایانه را نیز، تا بتواند حاصل فکرواندیشه خود را بر صفحات کاغذ آورد و توسط رایانه به آنها نظم و ترتیب بخشد و بصورت کتاب در اختیار دیگران قرار دهد و زکوة علم را با چاپ و نشر حاصل فکر و اندیشه بپردازد تا هم دیگران از آن بهره ببرند و هم ثوابی باشد برای نگارنده و مؤلف آن و هم تشویقی باشد برای طالبان علم و اندیشه که انشاء الله پس از مطالعه این کتاب چنانچه نقصانی مشاهده فرمودند اولاً با دیده اغماض بنگرند و ثانیاً باتذکرات خود برای رفع نقائص در چاپهای بعدی یارما باشند و خالصه مداحان و ذاکرین اهلبیت عصمت علیهم السلام چنانچه مطالبی را برای اضافه کردن در چاپهای بعدی مفید دیدند و یا پیشنهادی در جهت بهره برداری بیشتر از کتاب داشتند برای ما ارسال بفرمایند و ایضاً چنانچه در عتبات عالیات در حال مطالعه کتاب مخصوصاً دعاها و زیارات بودند ما را از دعای خیر فراموش نفرمایند انشاء الله .

ثواب این کتاب را هدیه میکنم اولاً به پیشگاه ولینعمت ما نام ما زمان ارواحنا لتراب مقدمه الفداه که بیمنه رزق الوری و ثانیاً به ارواح طیبه چهارده معصوم پاک علیهم صلوات الله و ثلثاً به روح پد رشیدم حاج سید رضا باقری پور که بعد از چهار سال و نیم حضور در جبهه های حق علیه باطل در منطقه عملیاتی فاطمه و در مهرماه سال ۶۵ مجروح گردید و در تاریخ ۱۳/۱۰/۸۳ به جمع شهدا پیوست.

در خاتمه از راهنمایی و حمایت دوست عزیزم محمد آقای مروّجان مدیر محترم چاپخانه مروّجان در جهت اخذ مجوز از اداره ارشاد اسلامی و چاپ و صحافی کتاب در چاپ اول کمال تقدیر و تشکر را دارم.

منابع کتاب

کتابهایی که از آنها استفاده زیادی در تنظیم مطالب این کتاب شده است ان شاء الله ثوابی هم از این کتاب نصیب نویسندگان آنها باشد

مفاتیح الجنان - حاج شیخ عباس قمی

منتهی الآمال - حاج شیخ عباس قمی

منتخب التواریخ - حاج محمد هاشم خراسانی

چهارده معصوم - حسین عمادزاده

عتبات عالیات عراق - دکتر اصغر قائدان

راهنمای مصوّر سفر زیارتی عراق - سیداحمد علوی

مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف - کاظم الفتلاوی

العراق قدیماً و حدیثاً، عبدالرزاق الحسینی

راهیان کربلا - سیدهاشم رضوی

در حریم یار - سید عباس فیض

چراغ هدایت - سید علی رضا مجد

خاک پاکان - محمدحسین حسینی جلالی ترجمه قربانعلی اسماعیلی

راهنمای عتبات مقدّسه - حیدر شجاعی

راهنمای زائرین - احمد سامعی

عتبات عالیات - علی سپهری اردکانی

وقایع عاشورا - سید محمد تقی مقدّم

بانوی نمونه اسلام - ابراهیم امینی

اشعار برگزیده - علی فلسفی

مسافر کربلا - حاج عبدالرضا هلالی

نغمه های ولایت - محمدعلی شهاب

اشک شفق - رضا معصومی

نغمه های عاشورا - محمدعلی شهاب

مسافر کربلا - حاج عبدالرضا هلالی

منتخب المصائب - محمدغلامی

گلزار شهدا -

- غمها و شادیها -
- حسین جان -
- دیوان آذر -
- اصول مداحی - اعظم السادات ناصری نژاد
- وصال یار - سیدامیرحسین طالقانی
- اصول کافی - مرحوم کلینی
- سیری در زندگانی امام هفتم علیه السلام - سید عبدالرسول حجازی
- تاریخ ایران باستان - حسین پیرنیا مشیرالدوله
- تفسیر ابوالفتوح رازی
- مدائن الفضائل والمعجز - شمس المحدثین حسینی
- قیام الحسین - آقافاضل بخششی
- ناسخ التواریخ - سپهر
- ثمرات الحیوه - سید محمود امامی اصفهانی
- معجم البلدان - یاقوت حموی
- لهوف - سید ابن طاووس
- کتاب الغیبه - شیخ طوسی
- زندگانی امام جواد ع - مدرسی چهاردهی
- احسن الودیعہ فی مزارات بغداد
- ستارگان درخشان - محمد جواد نجفی
- ارشاد - شیخ مفید
- درپیشگاه امام صادق ع - سید محمد صفی
- امام علی مشعلی ودژی - سلیمان کتانی - ترجمه جلال الدین فارسی
- زندگانی حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام - ترجمه لهوف
- مهدی رهبر بزرگترین انقلاب جهان - حسن شجاعیان
- شیعه و زمامداران خودسر - محمد جواد مغنیه
- کمیل - ع - اللهیاری... تحفه المجالس - تاج الدین سلطان محمد
- بیدارگران اقالیم قبله - محمدرضا حکیمی
- تاریخ تمدن اسلام - جرجی زیدان و...

در این کتاب از کتابهای موبایلی ذیل نوشته اینجانب سید محمد باقری پور که در ارتباط با این کتاب است نیز گاهی استفاده شده است و در سایت ما www.hodanet.net موجود است

کتاب موبایل همراه زائرین مکه و مدینه

کتاب موبایل همراه زائرین سوریه

کتاب موبایل همراه زائرین مشهد الرضا

کتاب موبایل ذکر خدا

کتاب موبایل چهل حدیث و حکایات امام علی علیه السلام

کتاب موبایل چهل حدیث و حکایات امام حسین علیه السلام

کتاب موبایل چهل حدیث و حکایات امام کاظم علیه السلام

کتاب موبایل چهل حدیث و حکایات امام جواد علیه السلام

کتاب موبایل چهل حدیث و حکایات امام هادی علیه السلام

کتاب موبایل چهل حدیث و حکایات امام عسکری علیه السلام

کتاب موبایل چهل حدیث و حکایات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

کتاب موبایل معصوم دهم امام علی علیه السلام

کتاب موبایل معصوم پنجم امام حسین علیه السلام

کتاب موبایل معصوم نهم امام کاظم علیه السلام

کتاب موبایل معصوم یازدهم امام جواد علیه السلام

کتاب موبایل معصوم دوازدهم امام هادی علیه السلام

کتاب موبایل معصوم سیزدهم امام عسکری علیه السلام

کتاب موبایل معصوم چهاردهم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

کتاب موبایل چهارده چهل حکایت

کتاب موبایل مدایح و مراثی

کتاب موبایل محرم و صفر

کتاب موبایل مجالس و منابر

کتاب موبایل ماه محرم

کتاب موبایل عاشورا

کتاب موبایل روضه خوانی

کتاب موبایل حضرت عباس علیه السلام

کتاب موبایل حضرت زینب علیها السلام

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۱	کتاب همراه با زائرین عتبات عالیات
۲	مقدمه چاپ اول
۳	مقدمه چاپ دوم
۳	تذکرنافع
۴	سلام بر امامان مدفون در عتبات عالیات
۵	کشور اسلامی عراق
۶	حاکمان عراق
۷	پیشینه تاریخی عراق
۸	عراق در دوره اسلامی
۱۰	دولت ملّی عراق
۱۰	دولت جمهوری عراق از عبدالکریم قاسم تا صدّام
۱۳	شهر بغداد
۱۴	کاظمین علیهما السلام
۱۵	قبور علماء و بزرگان دین در کاظمین (ع) و بغداد
۱۷	زیارت قبور علماء
۱۸	مسجد بُراثا
۱۹	طاق کسری در مدائن
۲۲	سلمان کیست؟
۲۴	حضرت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) در کاظمین
۲۸	حضرت امام جواد (علیه السلام) در کاظمین
۳۳	زیارت مشترک حضرت موسی بن جعفر و امام جواد (ع)
۳۴	زیارت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
۳۵	صلوات بر موسی بن جعفر علیه السلام
۳۷	زیارت امام جواد علیه السلام
۳۷	صلوات بر امام جواد علیه السلام
۳۸	نماز زیارت امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام
۳۸	مدفن حضرت ابراهیم مرتضی و فرزندش موسی ابوالسّبحه در مقابر قریش
۳۹	اشعار مدح و مرثیه امام موسی بن جعفر علیه السلام
۴۳	اشعار مدح و مرثیه امام جواد علیه السلام
۴۸	نجف اشرف
۴۹	فضیلت نجف اشرف
۵۰	قبور علماء و بزرگان دین و سلاطین در نجف اشرف
۵۳	زیارت قبور علماء
۵۴	اماکن نجف اشرف
۵۷	وادی السلام بقعه ای از جنة عدن
۵۹	زیارت اهل قبور

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۶۰	زیارت هود و صالح علیهما السّلام دروادی السّلام
۶۰	زیارت مقام صاحب الزمان «عج» دروادی السّلام
۶۱	زیارت مقام امام صادق علیه السّلام دروادی السّلام
۶۳	مرقد استاد العارفین سید میرزا علی قاضی دروادی السّلام
۶۴	زیارت قبور مؤمنان
۶۵	حضرت امام علی بن ابی طالب (علیه السّلام) در نجف اشرف
۶۹	زیارت حضرت امام علی علیه السّلام
۷۴	زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السّلام
۷۶	زیارت سر مقدس امام حسین علیه السّلام
۷۷	اشعار نجف
۸۷	شهر و مسجد کوفه
۸۸	فضیلت بلد کوفه
۸۹	مسجد جامع کوفه و اماکن کوفه
۹۳	فضیلت مسجد کوفه
۹۴	اعمال مسجد کوفه
۹۴	وجه تسمیه باب الثعبان و باب الفیل
۹۶	مقامهای مسجد کوفه
۱۰۷	زیارت مسلم، مختار و هانی
۱۱۰	مسجد سهله
۱۱۰	فضیلت مسجد سهله
۱۱۲	اعمال مسجد سهله
۱۱۳	مقامهای مسجد سهله
۱۱۷	مسجد زیدین و صعصعة بن صوحان
۱۲۰	مزار کمیل بن زیاد علیه الرحمه
۱۲۲	مزار میثم تمار علیه الرحمه
۱۲۴	اشعار کوفه
۱۳۰	کربلائی معلی
۱۳۱	فضیلت کربلا
۱۳۵	کربلا نامی آشنا
۱۴۰	قبور امام زادگان و علماء مدفون در کربلا
۱۴۱	زیارت قبور علماء
۱۴۲	اماکن دیگر کربلا
۱۴۴	حضرت امام حسین علیه السّلام در کربلا
۱۴۹	فضیلت زیارت حضرت اباعبدالله الحسین (ع)
۱۵۲	آداب زیارت حضرت سید الشهداء علیه السّلام
۱۵۷	زیارت امام حسین علیه السّلام

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۱۵۹	زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام
۱۵۹	زیارت حبیب بن مظاهر رحمه الله
۱۶۰	زیارت وداع امام حسین علیه السلام
۱۶۰	قتلگاه امام حسین علیه السلام
۱۶۱	حضرت سیدابراهیم مجاب علیه السلام
۱۶۲	زیارت شهدای کربلا
۱۶۲	مدفن واسامی شهدا و یاران امام حسین علیه السلام
۱۶۵	اسامی هفتاد و دوتن از شهدای کربلا طبق حروف الفبا
۱۷۷	بین الحرمین الشریفین
۱۷۸	حضرت ابوالفضل علیه السلام در کربلا
۱۷۹	زیارت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام
۱۸۲	حرّین یزیدریاحی علیه الرّحمه
۱۸۲	نلّ زینبیّه
۱۸۳	خیمه گاه امام حسین علیه السلام
۱۸۴	مقام صاحب الزّمان عج کنار نهر حسینیه
۱۸۵	مقام امام صادق علیه السلام نزدیک نهر حسینیه
۱۸۶	زیارت طفلان مسلم علیهما السلام
۱۸۷	فضیلت و آداب تربت مقدسه امام حسین علیه السلام
۱۹۱	زیارات
۱۹۱	زیارت عاشورا
۱۹۳	زیارت امین الله
۱۹۴	زیارت جامعه صغیره
۱۹۵	زیارت جامعه کبیره
۱۹۹	زیارت به نیابت
۲۰۰	زیارت جامعه ائمه المؤمنین
۲۰۴	دعای عالیة المضامین
۲۰۶	زیارت امام زادگان
۲۰۸	اشعار کربلا
۲۳۳	سامرّا یا سرّ من رای
۲۳۳	اسامی شهر
۲۳۴	اماکنی که در شهر سامرّا است
۲۳۵	حضرت امام علی النقی علیه السلام در سامرا
۲۳۹	حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سامرّا
۲۴۴	زیارت امام هادی وعسکری(ع) در سامرّا
۲۴۴	زیارت مشترک هر دو امام
۲۴۵	زیارت حضرت امام هادی علیه السلام

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۲۴۷	زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
۲۴۹	زیارت والده ماجده امام قائم عجل الله فرجه
۲۵۰	زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام
۲۵۲	زیارت امام زاده حسین علیه السلام
۲۵۳	زیارت ودعای امام زمان عجل درسامرّا
۲۵۶	زیارت آل یاسین
۲۵۸	دعای ندبه
۲۶۲	دعای عهد
۲۶۳	زیارت مرخصی از حضور آقا
۲۶۵	زیارت سید محمد درقریه بلد
۲۶۷	اشعار سامرّا
۲۷۳	اشعار مدح و منقبت و شکوه از فراق امام زمان عجل
۲۷۷	شهر بابل
۲۷۸	شهر حله
۲۷۹	شهر بصره
۲۸۰	شهر موصل
۲۸۱	چا ووشی رفتن و بازگشتن
۲۸۵	خاتمه در آداب سفرو زیارت
۲۸۵	در آداب سفر
۲۸۷	ذکر چند ادب برای مسافر
۲۸۹	آداب زیارت

کتابهای الکترونیکی ما :

در اینترنت ، وب سایت ما «بنام هُذانت hodanet.net» در فهرست عناوین مطالب - در عنوان اشعار باقری اشعار و سروده های ما موجود است ، و در عنوان کتاب موبایل باقری ، کتابهای الکترونیکی ، موبایلی ما با عناوین زیر موجود است:

همراه زائرین عتبات عالیات «چاپ اول آن به اتمام رسیده» ، قرآن مجید ۱۱۴ سوره ای ، قرآن مجید سی جزئی برای ماه مبارک رمضان ، نهج الفصاحه ، نهج البلاغه ، حلیه المتقین ، خصال شیخ صدوق ، ریاحین الشریعه ، ثواب الاعمال ، امالی شیخ صدوق و شیخ مفید ، تحریر الوسیله ، کلیات مفاتیح الجنان «با انضمام باقیات الصالحات» ، مقتل خوانی «حاوی کتب مقاتل ابی مخنف - سیدبن طاووس - مقرر - روضه الشهداء - مقتل امام حسین» ، منازل الآخرة ، نزهة النواظر ، چهارده معصوم علیهم السلام به ترتیب نام از معصوم اول تا معصوم چهاردهم ، حضرت زینب «س» ، حضرت عباس «ع» ، فاطمه ام البنین «س» ، فاطمه معصومه «س» ، رساله توضیح المسائل بیست و پنج مرجع هم جدا جدا و هم ۲۵ رساله بصورت یکجا ، ذکر خدا ، روضه خوانی ، محرم و صفر ، پنجاه روز عزاداری از اول محرم تا اربعین ، پیام رهبری «پیامهای نوروزی و سخنرانیهای اول هر سال از سال ۶۹ تا ۹۴» ، کشکول باقری حاوی ۵۰۰۰ صفحه مطالب گوناگون ، امام روح الله «زندگینامه و مقالات در رابطه با حضرت امام خمینی ره» ، منتخب قوانین «قوانین کاربردی دادگاهها» ، منتخب دادخواستها «نمونه دادخواستها و شکوائیه ها» ، آداب معنوی ، گنجینه معنوی ، سیاحت غرب ، احادیث فارسی ، معجم احادیث ، صدچهل حدیث ، احکام نماز ، احکام روزه ، بهجت عارفان «زندگینامه آیه الله بهجت ره» ، فضائل و رذائل «درباب اخلاق» ، هزار عنوان «برای منبر و سخنرانی» ، جهاد و شهادت ، راهیان نور ، شهدا و جبهه ها ، زنان نمونه ، ختومات هُدا ، ماه رجب «اعمال ماه رجب» ، ماه شعبان «اعمال ماه شعبان» ، ماه رمضان «اعمال ماه رمضان» ، همراه زائرین مکه و مدینه ، همراه زائرین سوریه ، همراه زائرین مشهد الرضا «ع» ، سه هزار داستان ، و چندین کتاب موبایل دیگر...

به علاوه ده ها عنوان مقاله که در سایت ما موجود است

تهیه ، تنظیم ، ویرایش ، تنظیم صفحات ، فهرستنگاری ، طرح جلد و چاپ کتاب ، توسط مؤلف حجة الاسلام سید محمد باقری پور در مؤسسه فرهنگی هدایت مشهد مقدس انجام شده است.

سید محمد باقری پور : مدیر سایت هُذانت

سایت هُذانت : «www.hodanet.net»

ایمیل : «hodarayaneh@gmail.com»

تلفن همراه : «۰۹۱۵۵۸۱۹۲۳۰»

پرو فایل مؤلف کتاب : در سایت هُذانت موجود است